

**Badshahnamah. Bi-tas'hih-i Mawlavi Kabir al-Din Ahmad va Mawlavi 'Abd al-Rahim.**

'Abd al-Hamid Lahauri, d. 1654.

Calcutta : [Royal Asiatic Society], 1867.

<http://hdl.handle.net/2027/uc1.10073608994>

# HathiTrust



[www.hathitrust.org](http://www.hathitrust.org)

**Public Domain, Google-digitized**

[http://www.hathitrust.org/access\\_use#pd-google](http://www.hathitrust.org/access_use#pd-google)

This work is in the Public Domain, meaning that it is not subject to copyright. Users are free to copy, use, and redistribute the work in part or in whole. It is possible that heirs or the estate of the authors of individual portions of the work, such as illustrations, assert copyrights over these portions. Depending on the nature of subsequent use that is made, additional rights may need to be obtained independently of anything we can address. The digital images and OCR of this work were produced by Google, Inc. (indicated by a watermark on each page in the PageTurner). Google requests that the images and OCR not be re-hosted, redistributed or used commercially.

The images are provided for educational, scholarly, non-commercial purposes.

Digitized by Google

Original from  
UNIVERSITY OF CALIFORNIA

University Of California, Los Angeles



L 007 360 899 4



THE LIBRARY  
OF  
THE UNIVERSITY  
OF CALIFORNIA  
LOS ANGELES

University of California Library  
Los Angeles

This book is DUE on the last date stamped below.

PLANNED FOR 1968  
SF 10/61-3788  
APR 12 1968



Digitized by Google

Original from  
UNIVERSITY OF CALIFORNIA

بسم الله الرحمن الرحيم

## آغاز سال هفتم

### از دور اول جلوس مقدس

روز شنبه نحره جمادی الثانیه سنه هزار و چهل و سه مطابق  
دوازدهم آذرماه هفتم سال میمنت اشمال فرح بخش جهانیان  
گشت - و نوید کامرانی بعالمیان رسانید \*

دوم نور محمد عرب بمنصب هزاری ششصد سوار از اصل و  
اضافه هرافرازی یافت \*

سیوم خدیو اقبال که عشرت صید و نخچیر اندوخته معاودت  
فرموده بودند باغ نور منزل را نصارت تازه بخشیدند - یمین الدوله  
آصف خان و علامی افضل خان با دیگر امرا و سایر بندها که در  
دارالخلافه اقامت داشتند پذیره شده شرف ملازمت دریافتند \*

چهارم دارالخلافه بمهاجمه رایات عالیات فروغ آگین گردید \*

پنجم و چهارم محمدار خان از دکن آمده سعادت آستان بوس  
اندوخت - و بمرحمت خلعت و کپهوه مرصع و منصب چار هزاری  
ذات و دوهزار سوار و اسب و فیل و بیست هزار روپیه نقد سر بر  
افراخت - و سرکار منگیر از توابع صوبه بهار در انقطاع او مقررگشت \*

غره رجب خیرات خان که در نخستین سال جلوس مقدس از قبل قطب الملک نزد والی ایران برحالت رفته بود و درین سال مراجعت نموده بتقبیل عتبه فلک رتبه پیشانی طالع برافروخت - و سه تفوز اسپ با چند استر و شتر و اقمشه ایران برهم پیشکش بنظرکیمیا اثر در آورد - کلیان جهالا که اعلی حضرت در ایام خجسته آغاز فرخنده انجام بادشاهزادگی هنگامی که بقصد مالش رانا امر سنگه در اودیپور اقامت داشتند - و عبد الله خان بهادر فیروز جنگ اورا دستگیر نموده به پیشگاه حضور آورده بود جان بخشی نموده ازان فرموده بودند و امروز از راجپوتان عمده رانا جگت سنگه است که از قبل رانای مذکور بدرگاه والا آمده عرصه داشت اورا بایک فیل که بطریق پیشکش ارسال داشته بود از نظر انور گذرانید \*

### فکارش جشن شمسی وزن

روز جمعه بیست و ششم رجب سنه هزار و چل و سه مطابق • هشتم بهمن جشن وزن شمسی انتهای سال چهل و دوم و آغاز چل و سیوم از جاوید زندگی حضرت شاهنشاهی انعقاد یافت - و آن دریا نوال بخشش را بطلا و دیگر اجناس معهوده سنجدیدند - درین روز میمنت افروز بر منصب علامی افضل خان که پنجهزاری ذات و سه هزار سوار بود هزاری ذات افزودند - و جعفر خان را بعنایت بقاره بلند آوازه گردانیدند - مکرمت خان بعنایت علم و فیل سر عزت برافراخت - و از اصل و اصانه باقی بیگ قلماق بمنصب هزاری ششصد سوار و خطاب خانی - و میر عبدالکریم داروغه عمارات

DS  
4016  
A13P  
1267  
v.3

( ۳ )

دولتخانه دار الخلافت اکبر اباد بمذنب هزارني دو صد موار نوازش  
يافتند - ندانند پسر رای بنواليداس که بخدمت مشرفی ميلخانه  
والا سرافراز است یک فيل پيشکش نمود \*

شب بيست و هفتم دو هزار روپيه مقرر بارباب استحقاق  
عنايت فرمودند \*

بيست و نهم مطابق يازدهم بهمن افریدگار بيمثال بادشاهزاده  
والا اقبال محمد دارا شکوه را از دختر نيگ اختر سلطان پرويز صبيه  
کرامت فرمود - حضرت خاقاني قرين سعادت جاوداني بمذزل آن  
اختر برج خلافت شرف قدوم ارزاني داشتند - و آن گوهر اکليل  
سلطنت بعد از ادای مراسم پا انداز و نثار اقسام تحف و هدايا  
بعنوان پيشکش گذرانیده بفرمان شاهنشاه بيمن الدوله دوتغوز پارچه  
با جمدهر مرصع - و بعلامی افضل خان و شايسته خان خلعت با  
چاروب زردوزی - و باسلام خان و جعفرخان ومير جمله وسوسويخان  
و شاه نوازخان خلعت بافرجی - و بساير بندها خلعت تنها عنايت  
نمودند - و اين گروه اخلاص بپرويه نخست در پيشگاه حضور اعلی حضرت  
بعد ازان پيش پادشاهزاده جوان بخت به تسليمات پرداختند -  
و شهنشاه آسمان جاه همانجا طعام تناول فرموده آخر روز دولتخانه  
معلی را بنور حضور منور گردانيدند \*

بر افراختن رايات فيروزی از

دار الخلافت بصوب پنجاب

چون دار السلطنة لاهور که ان نير مستقر سرير خلافت اين

1429722

دودمان خواقین نشان است از جلوس میمنت مانوس بورود رایات  
 جهان پدما زینت نیافته بود - و خاطر عشرت پیرانی بندگان اعلی  
 حضرت بگلگشت خطه بی نظیر کشمیر که بغزونی سبزه و ریاحین  
 نموداریست از فردوس برین بل بهشتی است بر روی زمین نیز  
 رغبت میفرمود - بنابراین اخر روز پنجشنبه میوم شهر شعبان المعظم  
 سنه هزار و چل و سه مطابق چاردهم بهمن موكب جلال از اكبر  
 اباد بصوب پنجاب راهی گردید - و سراق عظمت که بیرون شهر  
 دار الخلافت کنار دریای جون بمافراخته شده بود بنزول اقدس مورد  
 انوار گشت - و سه رز درین منزل مقام شد خان عالم را که از میر  
 شکاری وقوف تمام دارد هزار و پانصد اشرفی عنایت کرده حکم  
 فرمودند که تا دار الملک دهلی ملازم رکاب سعادت باشد - بحاکم  
 خان چار صد اشرفی و به شیر خان ترین ده هزار روپیه و بصوفی بهادر  
 فیل مرحمت شد - و از اصل و اضافه مبر شمس بمنصب دوهزار و  
 پانصدی دوهزار سوار - و پیرخان میانه بمنصب هزاری هشتصد  
 سوار سرافراز گشتند - هفتم موكب اقبال ازین منزل کوچ نموده برة  
 نوردي درآمد - و از عدالت گستري و رعیت پروری مقرر فرمودند  
 که بخشی احدیان با احدیان تیرانداز یک طرف راه و میر آتش  
 با برق اندازان از طرف دیگر اهتمام نمایند تا بعبور اردو و مرور  
 لشکر زراعت پا مال نگردد - و چون بسطت اردوی گیهان پوی بعد  
 از نزول به خط زمین را فرو می گرفت - داروغگان و مشرفان و امنا  
 معین گشتند تا هر قدر زراعت پی سپر گردد برآورد نموده حصه  
 رعیت بر رعیت و حصه جاگیر دار که بدایه هزاری نرسیده باشد



بجاگیر دار از سرکار معالی زر نقد برسانند - باسلام خان میر بخشی  
اسپ از طویله خاصه با یراق طلا عنایت شد - شافی پسر سیف  
خان بمرحمت فیل مفتخر گشت \*

چهاردهم در مهترا که از معابد مشهوره کفره هندوستانست الله  
ویردیخان قراول بیگی بعرض مقدس رسانید که آن روی آب در  
بیشه که محاذی موضع مهابن است شیری چند بنظر در آمده  
و قطع نظر از جان شکری وحوش صحرا بمواشی قصبات و قربات  
ان نواحی ضرر بسیار میرسانند - شهنشاه شیرشکار بکشتی از آب عبور  
نموده فیل سواری بنخچیرگاه در آمدند و چهار شیر دونه که در نهایت  
تن آوری و قوت بودند و دو ماده به تغذگ شکار فرمودند - و یک  
شیر بچه را گرز برداران بغرمان والا زنده بدست آوردند \*

شب پانزدهم که لیلة البراءه بود بموجب حکم اشرف کبار دریا  
سفاین بغانوس و چراغ برافروخته آمد و تماشای چراغان عشرت  
انزای خاطر اقدس گردید - درین شب متبرک ده هزار روپیه مقرر  
به نیازمندان عطا شد - و عبادات مخصوصه این شب بتقدیم رسید -  
روز دیگر از متنها نهضت نمودند \*

بیدستم کلیان جهالا را که پیشکش رانا جگت سنگه آورده بود  
بخلمت و اسپ سرافراز ساخته مصحوب از خلمت فاخر وادریسی  
مرصع با در اسپ از طویله خاصه یکی با زین طلا و دیگری با زین  
مطلا و فیل برانا فرستادند - درین تاریخ الله وردیخان بعرض اشرف  
اقدس رسانید که درین نواحی شیری چند ظاهر گشته - اعلی  
حضرت بانصوب تشریف فرموده دو شیر یکی نر که هفت سن و

دیگر ماده که پنچ من پادشاهی وزن داشت بتفنگ شکار کرده معاودت نمودند - بحکیم الملك چهار هزار روپیه و بحکیم مومنا دو هزار روپیه مرحمت شد \*

بیدست و سیوم اعتقاد خان صوبه دار دار الملك دهلی یک منزلی شهر آمده احراز معادت ملازمت نمود \*

بیدست و چهارم نور گده که بحکم حضرت جنت مکانی درون ان عمارات ساخته شده بفر نزول معادت موصول آرایش یافت \*

بیدست و ششم نخست بطواف روضه منوره حضرت جنت اشیدانی انار الله برهانه پس ازان بزیارت مرقد فیض مظهر سلطان المشایخ شیخ نظام الدین اولیا قدس سره پرداخته متولیان و سده این اماکن نزاهت موطن را بخیرات و مبرات دامن آرزو بر آوردند - و پنجهزار روپیه از سرکار والا با نذور پادشاهزادها بمعتمدان حواله رفت - تا بحاکساران نیاز آئین و خامل ذکران بیغوله نشین در خور احتیاج قسمت نمایند - و از اصحاب عمایم و ارباب استحقاق شهر معادت بهر دار الملك دهلی هر کس بشرف ملازمت مشرف شد ابرافضال خاقانی کشت امیدواران را سر هبزو شاداب گردانید \*

بیدست و هفتم از نور گده یشکار پالم که صید گاهی است مقرر رکضیت نموده در عمارات پادشاهی که دران هر زمین اساس یافته نزول اجلال فرمودند - و چهار روز دران مقام دل افروز بعشرت نخچیر پرداخته فرادان صید نمودند - چنانچه در یک روز بذات اقدس چهل آهوی سیاه بتفنگ خاصه که بخاص بان موسوم است شکار کردند - و هیچ یکی محتاج به تیر دوم نگشت - و ایند معنی باعث تعجب

همگنان گردید - بر زبان گوهر بار رفت که در ایام پادشاهزادگی  
روزی در چگنیر ( جلیسر ) که شکارگاه حوالی دار الخلافه اکبر آباد  
است شانزاده آهو بدست مبارک شکار کرده بودم - و چون این ماجرا  
بسمع حضرت جنت مکانی رسید فرمودند که ما نیز در یک روز هژده  
آهو بتفنگ زده ایم - طالبای کلیم این رباعی بعرض مقدس  
رسانیده بصله کامیاب گردید \*

چون شاه جهان پادشه شیر شکار \* انگذد بدالم پنی نخچیر گذار  
روزی بتفنگ خاص بان چل آهو \* انگذد که نفگند پیک صید در بار  
دوم شهر رمضان مقرب خان دکنی از سنبل انقطاع خود آمده  
شرف زمین بوس دریافت \*

پنجم در مقام سون پت اعتقاد خان صوبه دار دار الملک دهلی  
را بعدایت خلعت سرافراز ساخته رخصت انصراف دادند \*

هفتم مقرب خان بمرحمت خلعت نوازش یافت و بجایگزین خود  
مرخص گردید - سپهدار خان از قلعه احمد فکر آمده بتقبیل عتبه والا  
فرق عزت بر افراخت و هزار مهر نذر گذرانید \*

شانزدهم باغ پرگنه انباله که بفرمان گیتی خدیو در ایام سعادت  
فرجام پادشاهزادگی ترتیب یافته بود و در آغاز جلوس مبارک به نواب  
آسمان قباب پادشاهزاده عالمیان بیگم صاحب عنایت شده بفرزول  
اقدس نصارت فردوسی یافت - و حکم شد که متعبدیان سرکار آن  
ملکه دوران دران مکان روح افزا مطابق امر خاقانی عمارتی بنمایند \*

نوزدهم باغ حافظ رخنه که در زمان دولت حضرت عرش آشیانی  
به جد کاری حافظ که دران ایام کروری مهرند بود درانجا مرتب

گشته و در نزاهت و لطافت دران هنگام قریزه نداشت و بامر حضرت  
جنت مکانی متصل آن تالابی دلکشا ساخته اند - منزل سعادت  
محفل گردید \*

### گذارش نو روز

شب سه شنبه بیست و یکم رمضان المبارک سنه هزار و چهل  
و سه هجری خورشید زرین لوا باشعه گیتی افروز نزهت سرای  
حمل را فروغ آگین ساخت - خاقان هفت اقلیم - و بادشاه تخت  
و دیهیم - سریر خلافت را بانوار عدالت برافروخته ابواب نشاط بر  
روی جهانیان مفتوح گردانیدند - سپهدار خان را بغایت خلعت  
و اسپ بازین مطلا و نیل و صوبه داری گجرات از تغیر باقر خان  
نجم ثلثی بلند پایگی بخشیده رخصت فرمودند - امام قلی که شاه  
صفی والی ایران ادرا همراه خیرات خان نوکر قطب الملک به سفارت  
کلمکده فرستاده بود و مصحوب او نامه بدرگاه عالم پناه نذر ارسال داشته  
درینوقت شرف استلام عتبه والا دریافت - و بیست اسپ و چند  
استر و شتر با دیگر اشیای ایران بر سمیل پدشکبش بنظر انور خاقان  
جود گستر در آورد - و بخلعت و انعام چل هزار روپیه سرافراز  
گردید - پاینده بی اوزبک که بسعادت باوری از ماوراء النهر بعزم  
زیارت حرمین شریفین آمده بود شرف اندوز ملازمت گردید - و  
هزده اسپ و ده شتر فرو ماده پدشکبش نمود - و به انعام ده هزار  
روپیه نوازش یافت - بدیانت خان دیوان و فوجدار سهرزد حکم شد  
که مطابق طرحی که پسند طبع اقدس آمده نشیمنی دلکش

که یک رو طرف باغ و دیگری جانب تالاب داشته باشد بسازد \*

بیسبت و دوم رایات فیروزی از انجا نهضت نمود \*

بیسبت و سیوم سرای اعتماد الدوله مضرب خیام گردید - درین روز راجه جگت سنگه ولد راجه باسواز فواحی کانگه آمده بتقبیل سده سینه سربرافراخت - و دیانت خان بمرحمت خلعت و منصب هزاری ذات و پانصد سوار از اصل و اضافه مفتخر گشته دستوری معاودت بسپهرند یافت \*

سلخ رمضان گذار آب بدهاء معسکر اقبال گشت - درین ماه مبارک مبلغ سی هزار روپیه مقرر بارباب استحقاق رسید \*

روز عید فطر مقام فرمودند - درینولا از نیرنگی تقدیر صبیغه صفیه پادشاهزاده بلند اختر محمد دارا شکوه که نخستین گل آن نهال حدیقه سلطنت بود بفردوس برین ارتحال نمود - خاطر آن گوهر اکلیل خلافت غم آگین شد - چنانچه از فرط اندوه اثار تب ظاهر گشت - و حرارت و اضطراب رو بفزونی نهاد - و چون برمعالجه اطبایی حضور اثری مترتب نمی گشت - خاقان مهر گستر وزیر خانرا که از بند های معتمد تدیم الخدمت است و از علم طب بهره رانی دارد و مزاج خلیقه زمان و پادشاهزاده های بلند مکانرا نیکو میشناسد از دار السلطنة لهور طلب فرمودند - و ازافرو که ساعت مختار بجهت ملازمت نزدیک نبود حکم شد که خود را بایلغار برساند و بمداوا پرداخته معاودت نماید - پس ازان که موکب اقبال حوالی دار السلطنة برسد در ساعت نیک سعادت استلام عتبه والا دریابد - خان سومی الیه چهارم شوال داخل اردوی کیهان پوی گشته



پادشاهزاده جهانیان را ملازمت کرد - و نخست تشخیص مرض  
که ناگزیر مداواست و طبای دیگر آن را نیک در نیافته بودند  
نموده در صدد معالجه شد - و بیمن توجه خاطر ملکوت ناظر در  
اندک وقتی مزاج گرامی باعندال گرائید - و بزم نشاط را رونق  
پدید آمد - اطمینان حضرت در ایام بیماری آن اختر برج کامکاری  
از دوزنی عاطفت حکم فرموده بودند که سرایده آن والا گهر متصل  
دولتخانه پادشاهی برپا میکرده باشند - تا نواب قدسی القاب بیگم  
صاحب اکثر اوقات آمد شد نموده به بیمار داری بپردازند - و خود  
نیز بذات اقدس مکرر بعبادت تشریف بردند - و مبالغه گرانمند  
بفقر و مساکین عطا فرمودند \*

ششم کنار تالاب خواجه هشیار که در ظاهر دارالسلطنة است  
مرکز اعلام جاه و جلال گردید \*

هفتم مطابق هفدهم فروردین از انجا برفیل نصرت نشان سوار  
شدند - درین هنگام وزیر خان دولت ملازمت دریافت و هزار مهر  
فذر گذرانید - و نجابت خان فوجدار دامن کوه کنگره و میرزا والی  
و سزاوار خان پسر لشکر خان فوجدار لکهی جنگل و سابر تعیناتینان  
و اعیان و اشراف لاهور با او آمده شرف کورنش حاصل نمودند -  
و بعد از یک بهر روز دولتخانه دارالسلطنة به نزول اقدس  
آسمانی پایه شد \*

نهم که روز شرف بود وزیر خان پیشکشی عالی از جواهر و سمرع  
آلات و طلا آلات و اسب و شتر و پارچه ولایتی و قالی کار ولایت  
و لاهور و دیگر اشیا که در مدت صوبه داری پنجاب سرانجام داده

بود از نظر انور گذرانید - برای سرافرازی او جنس چهار لک روپیه شرف پذیرائی یافت - و هم درین روز سعید خان صوبه دار کابل که بعد از جلوس مقدس سعادت ملازمت در نیافته بود بدارگاه عظمت و جاه رسیده بتقدیل آستان گردون نشان سر برافراخت و هزار مهر بصیغه نذر و صداسپ و صد شتر نر و ماده بعنوان پیشکش بنظر کیمیا اثر در آورد - و قلیچ خان حاکم ملتان بدرگاه والا آمده احراز شرف ملازمت نمود - و هزده اسپ عراقی و لختی اقمشه ایران برسم پیشکش بنظر انور در آورد - و چهل اسپ کچی با دیگر امتعه گجرات که باقر خان نجم ثانی حاکم آن ولایت روانه درگاه معلی ساخته بود درین وقت رسید و شرف قبول یافت - منصب نجابت خان که خدمت فوجداری دامن کوه کانکره بوجه شایسته بتقدیم رسانیده بود باضافه پانصدی ذات سه هزاری ذات و دو هزار سوار مقرر گشت - مخلص خان از گورکهدور آمده باستلام عتبه والا سرافراز گردید و دو فیل پیشکش کرد - منصب افتخار خان برادر سعید خان از اصل و اضافه هزاری ذات و هشتصد سوار قرار یافت - قیمت آنچه از روز نوروز تا روز شرف از پیشکش پادشاهزاده های کامکار و امرا و اعیان دولت بپذیرائی رسید مبلغ ده لک روپیه شد • پانزدهم زیارت مرقد منور حضرت جذت مکانی تشریف فرموده ده هزار روپیه از سرکار خاصه و پنج هزار روپیه نذر پادشاهزاده های والا قدر به نیازمندان بذل نمودند •

از اینجا که خاطر حق نظر خدیو خدا شناس بمصاحبت خاک بیزان کوی نیاز میل تمام دارد هفدهم کلبه مصباح طرق هدایت -

مقتاح کنوز ولایت - میان میررا که نقد سلوکش بسکه قبول رسیده و مبادی طلبش بمنت‌های وصول - ریاضت از جبین نور آگیش ساطع - و آثار عرفان از باطن فیض موطنش لامع - و احوال سعادت اشتمال او و دیگر مشایخ و فضلاء این عهد بتفصیل در خاتمه نکارش خواهد یافت - بحضور موفور السرور فروغ آمود گردانیدند - چون ان دانای اسرار کونی و الهی حطام دنیوی و مواد صوری را بنظر در نیاورده بذاکمی نفس خود کام در خواهش بسته دارد پادشاه روشن دل جز تسبیح و دستار سفید چیزی ندادند - و از اشتها میل طبیعت آن سرآمد و رستگان بتنها نشینی و وحدت‌گزینی بعد از جلسه خفیه اظهار وداع نمودند - آن پیشوای اهل یقین بخواش تمام استدعا نمود که ساعتی بجلوس فیض مانوس محنت کده این بی‌نوا را راحت آما گردانند - و این محفل روحانی در کمال شگفتگی و بشاشت انجام پذیرفت - و بسانکات گوش آرا و کلمات سعادت امرا بزبان الهام بیان گذارش داده باعث نشاط خاطر آن خموش زبان گویا دل و انبساط باطن ان کنج نشین پیوند گسل گشتند \*

نوزدهم منزل شیخ بلال را شرف قدوم ارزانی داشته لختی بمقالات دلکشا و مقولات فیض انتما مامعه افروز گردیدند - و دوهزار روپیه بشیخ که هرچه بدو رسیدی صرف اضیاف و فقرا نمودی عطا فرموده بدولتخانه والا مراجعت نمودند - و چون عمارات دولتخانه خاص و آرامگاه دولتخانه عالی که بامر حضرت جنت مکانی ساخته شده بود پسندیده طبع اقدس نیامد که شد کم از

سربسازند - و طرحی گزیده بوزیر خان و متصدیان عمارات پادشاهی  
حواله شد - که تا هنگام معاودت از کشمیر د'پذیر مهیا گردانند -  
عوض خان قاقشال باضافه پانصدی دویست سوار بمنصب هزار و  
پانصدی هزار سوار - و از اصل و اضافه شادی بیگ ولد جانش  
بهدار بمنصب هزار و هشتصد سوار سربلندی یافتند \*

بیست و یکم منزل یمین الدوله که بسان قدر و منزلت و اعتبار  
و مرتبت او نسبت بسایر نوئینان و الامقدار از منازل دیگر امرا در  
فراغت و دلکشائی و وسعت و رفعت امتیاز تمام دارد - و مبلغ بیست  
لک روپیه خرچ آن شده حسب التماس او بفرمقدم مبارک آرایش  
یافت - یمین الدوله بعد از ادای شکر عواطف و مراسم شهنشاهی  
و مراسم پائنداز و فذار پیشکشی عالی از جواهر و مرصع آلات و طلا  
آلات و اسب و پارچه و دیگر نفایس که قیمت مجموع آن شش  
لک روپیه شد بنظر انور در آورد - و عاطفت پادشاهی شرف  
پذیرائی بخشید - و یمین الدوله سوای آن پادشاهانهای کامگار نیز  
برخی از مرصع آلات و اسب و پارچه پیشکش گذرانید - و خاقان  
بنده نواز طعام تناول فرموده آخر روز بدولتخانه والا تشریف آوردند -  
درین تاریخ سعید خان را بمرحمت خلعت و جمدهر مرصع نوازش  
نمودند - و از سواران منصب او که چارهازاری چار هزار سوار و دوهزار  
دو اسبه سه اسبه بود هزار سوار دیگر دو اسبه سه اسبه مقرر فرمودند -  
و او را بعنایت اسب با زین مطلا و فیل سر برافراخته بکابل رخصت  
انصراف دادند - چون سپری شدن راجه بهارته بندیده بمسامع  
حقایق مجامع رسید دینی هنگه پسر او را بمنصب دوهزاری دوهزار

سوار و خطاب راجگی بر نواختند - عزیز الله ولد یوسف خان  
بخطاب عزت خانی و عذایت علم سربلند شد \*

بیست و دوم نجابت خان بعذایت خلعت و اسپ با زین  
نقره نوازش یافته بمحال فوجداری مرخص گردید - پیشکش سید  
حسن ولد سید دلیر خان باره پنج فیل بدایه قبول رسید \*

بیست و سیوم بشکار جهانگیر آباد معروف به هرن مناره که  
شکارگاه مقرر حوالی دار السلطنت است متوجه گشتند - و سه روز  
دران مکان نشاط افزا توقف فرموده عذان مراجعت منعطف  
گردانیدند - و چون سید گاه مذکور بروح افزائی و کثرت نخچیر از  
مصاید دیگر امتیاز دارد - و عمارتی که در زمان حضرت جنت  
مکانی درانجا بنا یافته چنانچه باید نبود - فرمان شد که عمارتی  
دیگر درکمال خوش طرحی و زیبائی مرتب گردانند - چنانچه در  
عرض یکسال بصرف هشتاد هزار روپیه صورت تمامیت یافت \*

هشتم ذی القعدة قلیج خان را بعذایت خلعت و اسپ با زین مطلا  
سرافراز ساخته رخصت انصراف بجانب ملتان دادند - مخلص  
خان بمرحمت خلعت و باضافه پانصدی ذات بمنصب سه هزار  
ذات دوهزار سوار و صوبه داری تلنکانه که از صوبجات ملک جنوبی  
است و عذایت اسپ با زین نقره سربلند گشته بآنصوب راهی  
گردید - محمداار خان دکنی بخلعت و علم و اسپ با زین مطلا  
و خدمت فوجداری سرکار گورکھ پور از تغدیر مخلص خان فرق  
عزت برانراخت - پردل خان باضافه پانصدی ذات بمنصب  
هزار و پانصدی هزار سوار و از اصل و اضافه لطف الله ولد



لشکر خان بمنصب هزاری ششصد سوار مفتخر گردیدند \*

## نهیست موکب اقبال بسیر نزهتگاه کشمیر

بیست و چهارم مطابق نمره ماه خورداد بساعت مختار ارباب  
تلمجیم از دار السلطنت رکضت فرمودند - و آن روی دریای راوی  
سراپرد شاه عالم پناه \* کشیدند بر اوج خورشید و ماه  
بیست و پنجم وزیر خان را بعنایت خلعت خاصه و جمدهر  
مرصع با پهلوانتاره بر نواخته دستوری معاودت بدار السلطنت  
دادند - روز دیگر رایات اقبال جانب بهنبر بحرکت درآمد \*

پوشیده نماند که از دار السلطنت تاکشمیر چهار راهست یکی  
راه پکلهی که سی و پنج منزل و یک صد و پنجاه کروه پادشاهیست -  
کروهی دویست جریب - و جریبی بیست و پنج ذراع - ذراعی  
چهل انکشت - این راه اگرچه بعید المسافت و خم و پیچ و نشیب  
و فراز بسیار دارد اما گرم سیر است و نسبت بر راههای دیگر درین  
برف کمتر می افتد - و زود برطرف میشود - چون خواهند که در  
آغاز موسم شگوفه یکشمیر رسند ازین راه میروند - دوم راه چومکه که  
بیست و نه منزل و یک صد و کروهست - درین راه نیز برف  
کم است لیکن یک دو جا بعد از گداختن از فراوانی گل ولای  
گذشتن دشوار است - و ازین راه در اوسط بهار میروند - سیوم راه  
پتوج که بیست و سه منزل و نود و نه کروه پادشاهیست - این نیز  
همان قدر برف دارد و ازین راه اواخر بهار میتوان دریافت -  
چهارم راه پیر پنچال که هشتاد کروه پادشاهیست - از لاهور تا بهنبر

که راهیست هموار هشت منزل و سی و سه کروه هست - و از بهنبر تا کشمیر که کوهستان است دوازده منزل و چهل و هفت کروه - از صعوبت ممر که بیشتر بر شوا منج جبال واقع است شتر از بهنبر پیشتر نمیروند - و بار بر فیل و اسب و استر بر می دارند - چنانچه پیش خانه نسبت به سفرهای دیگر درین سفر بسیار تخفیف می یابد - و لهذا از زمان حضرت جنت مکانی قرار یافته که در یازده منزل از منازل دوازده گانه که جوگی متی و نوشهره و جیکس متی و راجور و تنه و بیدرم کله و پوشانه ولدهی محمد قلی و هیرة پور و ساجه مرگ و خانپور باشد هر جا یکدست عمارت که باصطلاح اهل کشمیر انرا لدهی نامند مشتمل بر مشکوی دولت و دولتیخانه خاص بسازند - و عمارت هر کدام را باهتمام یکی از نوئیذیان عظام واگذاشته اند - و اگر از راه دیگر رایات جلال متوجه کشمیر میشود در منازل کوهستان نیز این طریقه معمور است - راه پیر پنچال اگرچه بهتر و نزدیک تر از سه راه دیگر است اما ادراک هنگام تماشای شگوفه و لاله جو غاسو باین راه ممکن نیست - چه تا اواخر اردی بهشت که انجام بهار است بر سر کتل پیر پنچال برف می باشد - و چون تا روانه شدن اردوی گدیهان پوی از دار السلطنة برف گداخته بود طی مراحل براه پیر پنچال مقرر شد - و از آب چناب براه پل کشتی عبور فرمودند \*

سیوم شهر ذی الحجه مطابق دهم خرداد در ظاهر بهنبر نزول اجلال واقع شد - از آنجا که در عهد دولت حضرت جنت مکانی لشکر از کفرت و از دحام در راههای تذک و کریوهای دشوار گذار این

راه ازار بسیار می کشید شهنشاه حقیقت آگاه که آسایش و آرامش  
 کانه برایا پیش نهاد همت والا دارند حکم فرمودند که سوای  
 پادشاهزادهای کامکار و اسلام خان میربخشی و جعفر خان و شاهنواز  
 خان قوش بیگی و مرشد قلی خان آخته بیگی و چندین از بندهای  
 نزدیک و قراولانی که حضور اینان بجهت صید و شکار ضرورت است و  
 گروهی از اهل کارخانجات دیگر در رکاب ظفر نباشد - عقب اردوی  
 معلى یمین الدوله آصف خان باشایسته خان و جمعی دیگر از خویشان  
 و منتسبان خود - پس ازان علامی افضل خان با عمله دفتر -  
 سپس میر جمله میر سامان با کار گزاران بیوتات سرکار خاصه  
 شریفه - ازان پس معتمد خان بخشی دوم با سایر منصبداران  
 بفاصله یک منزل می آمده باشند - و اینمعنی باعث آسودگی  
 همگان در عقبات معضله گردید - ظفرخان صوبه دار کشمیر تا بهنبر  
 که در جاگیر او بود استقبال نموده باستلام عتبه فلک رتبه سر  
 بر افراخت \*

چهارم ریات جهان پیما از بهنبر نهضت نمود و چوکی هتی  
 که از انجا چهار کروه است معسکر اقبال شد - درین راه کروه است  
 معسکر العبور که بگهائی آدی دکه یعنی سخت تنگنا اشتها دار -  
 و ازینطرف ارتفاعش يك کروه و ربع است و از جانب دیگر سه ربع  
 کروه - چون لدهی ان در اهتمام اسلام خان بود خان مشارالیه  
 پیشکشی بنظر اکسیر اثر در آورد - روز دیگر از چوکی هتی کوچ  
 نموده بنوشهره که از انجا سه و نیم کروه است و از توابع صوبه کشمیر  
 و بامر حضرت عرش اشیدانی برگذار رود خانه آن حصار استوار

ساخته اند تشریف فرمودند - این قصه در جاگیر ظفرخان بود  
 و لدهی آن در عهد او - در سالف زمان درین راه دو سنگ کلان از  
 کوه غلطیده بر کرانه شاه راه افتاده بود - بامر حضرت جدت مکانی  
 سنگتراشان هنر پرداز دو پیکر فیل تراشیده اند - صبا حی آن  
 جنکس ستمی که از نو شهره چهار و نیم کوه است و عمارت لدهی  
 آن که مشرف بر رود خانه است بروشن ضمیر خلف صادق خان  
 تعلیق داشت مقرر اعلام نصرت انجام گردید - از آنجا بر اجور که پنج  
 و نیم کوه است و لدهی آن نیز بر کنار این رود خانه واقع شده و  
 در اهتمام ظفرخان بود نهضت نمودند - روز دیگر در موضع تهذه  
 از مضامین برگزیده راجور که بفاصله چهار و نیم کوه از آن واقع است  
 دایره شد - و لدهی آنرا که بسربراهی میر جمله صورت تمامیت  
 یافته و بسان همتش پست و زبون بود بنزول اجلال منور گردانیدند -  
 یک روز برای آرامش لشکر در آنجا مقام نموده برای آن از کتل  
 رتن پنجال که بفراوانی سبزه و ریاحین و اشجار زبان زد روزگار است  
 عبور فرمودند - و بموضع بزم کله که از تهذه سه کوه است و دوطرف  
 آن کوههای مملو از گل و منوبرمر بغلک کشیده - و رود خانه دارد  
 که منبعض تال پریان است و در گوارائی و لطافت مصداق هذا  
 عذب فرات - و لدهی یادشاهی بسرکاری ظفرخان بر کنار آن  
 اساس یافته - و در دره کوه آبشار یست که بقدر سه چهار آمیا آب  
 از ارتفاع می گز ریخته برود خانه می پیوندد - و بحکم حضرت  
 جدت مکانی محاذی آبشار چپوتره از سنگ ساخته اند - فرود آمدند -  
 روز دیگر چون عید اضحی بود در آن مکان توقف فرموده و برهم

قربان پرداخته بهسیر آبشار و از آنجا بشکار قمرغه متوجه گشته پنج  
راسو که از کمر کوه نمودار شدند باوجود بعد مسافت بتفنگ شکار  
فرمودند و هفت راسو پیاده بدست گرفتند \*

پنجشنبه یازدهم از بیرم کله سوار شده پوشانه را که عمارت  
لدهی آن نیز در عهد ظفر خان بود و در کوه بادشاهی فاصله  
داشت مهبط رایات جلال گردانیدند - روز دیگر از پوشانه که پای  
مکتل پیر پنجال است کوچ نمودند - و مکتل مذکور را که از پائین  
تا بالا قریب دو کوه بادشاهیست و ازان میان یک کوه بمرتبه بند  
و ناهموار که طی بعضی جاها مواره ممکن نیست بخجستگی  
پالکی سوار عبور نمودند - مصاعد آن با فلک انباز است و مصاعد  
آن با ملک هم آواز - مرغ تیز پر بر قله آن پرواز نکند - و محاب  
بلندی گرا از دامن آن سر بر نیارد - حاجی محمد جان قدسی  
این چند بیت در وصف آن گفته \*

معان الله ز راه پیر پنجال \* که مثلش دیده کم چرخ کهن سال  
مباد در دامنش زان می خرامد \* که نتواند ببالایش بر آمد  
هرایا گشته حیرت چرخ والا \* که ره این کوه را چون رفته بالا  
درین ره مرغ نتواند پریدن \* بمقراض پر این ره را بریدن  
بود مشکل گذشتن زین ره تنگ \* درین ره راهرو نقشیدست بر سنگ  
رهی افتاده چون طول امل پیدش \* که در هر کام دارد صد خطر بیش  
گروهی دست از جان بر فشانده \* دران ره چون گره بر تار مانده  
ز قطع ره بسر غلطیده یکسر \* چنان کنز رفته بگسسته گوهر  
بعد از قطع این عقبه موکب جلال در منزل لدهی محمد قلی که

از پوشانه سه و نیم کرده است - و او در حکومت کشمیر برای فرود آمدن سفر گزینان و ره نوردان ساخته بود - و پس از اندراس آن ظفر خان حاکم آن ملک از زر سرکار خاصه شریفه بکمتر مسافتی لدهی دیگر برای نزول اقدس بنا کرده - ورود نمود - روز دیگر از ناری براری که راهیست در کمر کوه و یلک جانب آن کوه و طرف دیگر دره واقع شده عبور فرموده بموضعی که آنرا سرای سوخته نامند و میان دره آباد گشته که مختتم نشیب و نراز و مفتتح همواری راه است رسیدند - درین دره رود خانه جاریست که آبش در کمال عزوبیت و گوارائی است - روز دیگر لدهی هیرو پور را که باهه‌مام علامی افضل خان انجام یافته بود و مسافت از لدهی محمد قلی تا اینجا سه کوه و سه ربع است رشک بهشت برین گردانیدند - نه‌ری که میان لدهی در نهایت دلکشائی و روح افزائی جاری است باعث انبساط خاطر ملکوت ناظر گشت - و پیشکش علامی بنظر کیمیا اثر در آمد - روز دیگر مقام شاجه مرگ که چهار کوهی هیرو پور است معسکر اقبال گردید و لدهی آنرا که سرکاری آن بشایسته خان متعلق بود به نزول میمنت موصول فروغ تازه بخشیدند - و از اینجا بخانپور که سه کوه مسافت دارد و لدهی ان بکار فرمائی یمین الدوله صورت اتمام گرفته - توجه فرمودند - درین راه نصارت سبزه‌ها و لطافت آبهای مسرت انگیز و طراوت گل‌های مشک پیز دیده را نور و دل را سرور می بخشید - و این گل زمین سر آغاز منزهات این ملک دل فشین است \*

روز پنجشنبه هژدهم از خانپور که پنج کوهی شهر است نهضت

نموده بدولتخانه والا تشریف بردند - این مصریوسف لقا را که  
 بکشمیر شهرت یافته در دفاتر سری نگر می نگارند - اما از سیومین  
 دفتر اکبر نامه مستفاد میگردد که نامش در راج ترنگنی که مبنی  
 است از احوال چهار هزار ساله این سرزمین "نزهت اگین سنی  
 سر است هندو سنی زن مهادیو و سر تالاب را نامند چون تمامی  
 این زمین اب فرو گرفته بود و سنی همواره در اینجا غسل نمودی  
 بدین اسم موسوم گردید - و سبب بر آمدن این سرز و بوم از زیر  
 آب نیز نقل نموده - مساحت طول کشمیر دلیذیر که محفوظ  
 است بشوایخ جبال از ویرناک که جنوب رویه واقع است تا  
 موضع دره کنجل از اعمال پرگنه وچهن کهاده که طرف شمال  
 است قریب صد کروه رسمی است - و عرض آن از موضع  
 ککنه کر جانب مشرق تا موضع فیروز پور از مضافات پرگنه بانگل  
 سمت مغرب نزدیک بسی کروه رسمی - این خطه فردوس نظیر  
 بحسب نزهت و صفا - و لطافت آب و هوا - و نور ریاحین و اشجار  
 و کثرت فوا که و اثمار - و باغهای خوش - و جزیرهای دلکش -  
 و چشمسارهای تمذیم زلال - و تالابهای کوثر مثال - و آبشارهای  
 فرج فزا - و دیدلقات دل کشا - بهترین معموره دنیا است - و مساحت  
 ربع مسکون - و سیاحتان کوه و هامون - باین کیفیت مکانی  
 گذارش فدهند - نظم طرازان پارسی در وصف آن اشعار غرا برگذارده  
 اند - از انجمله این چند بیت است که حاجی محمد جان قدسی که  
 درین سفر فرج اثر در رکب سعادت کامیاب بود گفته - و باحسان و  
 و تحسین سرافراز گردیده

\* نظم \*

خوشا کشمیر و خاکد پاک کشمیر \* که سر در زرد بهشت از خاک کشمیر  
 سوادش سرمه چشم بهار است \* بهشت وجوه شیرش آب لاراست  
 ز جوش سبزه در کوه و بیابان \* زمین کشته و فا کشته یکسان  
 جز آن گلها که مشهور جهانست \* گل اینجا بوستان در بوستانست  
 کند در بذل عمر جاودانی \* هواش کار آب زندگانی  
 بزیر سبزه ره در کوه و صحرا \* چو از عقد زمرد رشته پیدا  
 بود مایل بسبزی خاک پاکش \* مگر آب زمرد خورده خاکش  
 ز فیض ابر میروید درین کاخ \* ز تار شمع گل پیدش از رگ شاخ  
 کند گل بر سر دیوار ریشه \* شود فولاد سبز از آب تیشه  
 نگاری بر ورق گر صورت خار \* ز تائید هوا گل آورد یار  
 گرفتند از کف ساقی پیاله \* دو اند ریشه در گل همچو لاله  
 بمینا گر کند فیض هوا کار \* ببالد چون کدوی تازه بر تار  
 آب بهت که یکی از آبهای پنجاب است و فزون از شط بغداد از  
 وسط این شهر که بسی وسیع است میگذرد - و منبدمش چشمه  
 ویرناک است که از شهر بیست و دو کوه بادشاهی است - و  
 تعریف آن بجای خویش گذارش خواهد یافت - آب این چشمه  
 از طرف جنوب می آید - و در راه رودها و چشمهای بسیار بآن  
 می پیوندد - و دریائی شده از میان شهر جاری میگردد - و شمال  
 رویه رفته بکولاب محیط وسعت چرخ حباب که بتال آلر مشهور  
 است در می آید - و از آنجا تا باره موله بر زمین هموار میروند -  
 بعد از آن بکوهستان در آمده و سر از زمین پنجاب بر آورده از پنج  
 کوهی قلعه روهتاس میگذرد - و بآب چناب که از جبال کشتوار



برآمده است پیوسته از زیر ملتان عبور می نماید - و با سایر آبهای  
 پنجاب از پائین آنچه و بهر و سیوستان و تنگه گذشته در نواحی  
 لاهری بندر بدریای شور ملحق می شود - و در شهر براب ژرف  
 بهت از چوبهای استوار و عمودهای ستبرده پل بسته اند - از انجمله  
 چهار پل میان شهر واقع شده استحکام این پلهای چهارگانه بمرتبه  
 ایست که از گذارده انیال کوه پیکر و موکپ کیهان نور گردون اثر  
 خلای بقواعد آن راه فمی یابد - بدیشت عمارات این شهر پرکنار این  
 دریا اساس یافته - مهاکن این ملک جز دولتخانه پادشاهی و  
 و منازل پادشاهزادهای والا گوهر و امرای عالی قدر همه از چوب و  
 تخته است - و اکثر آن سه طبقه و چهار طبقه - و پشت بامها را از  
 تخته خرپشته ساخته روی آنرا توز پوش میگردانند - و برزبران  
 خاک ریخته تخم لاله چوغاسو که بهترین اقسام آنست و دران  
 سرزمین بغایت بالیده و سبز رنگ می باشد میکارند - شرقی  
 شهر گولابیسست وسیع که آنرا دل بفتح دال مهمله میخوانند آتش  
 دز نهایت صفاست - و ازان انواع سبزه سر برزده و بر جزایر مشحون  
 بریا حین و اشجار و ازهار محیط گشته - از انبوهی گل و سبزه گوئی  
 بر صحن آب فرش زمردین و بساط رنگین گسترده اند - و از  
 عکس آن \* نظم \*

بهشتی از ته دریا نمودار \* چنان کنز دیده تر عکس دلدار  
 چمنها در میان آب پیددا \* چو روی نوظطان از دیده ما  
 بهشت است آنکه تا کشمیر را دید \* سراز شرش بزیر آب دزدید  
 بدیشت گزار تماشا نیدان که بسیر باغ و جزایر این دل می پردازند

در سایه پیدامت که در رویه از میان آب رسته و هر بر سر یکدیگر  
 گذاشته سایه افکن است - سیر اکثر منزهات این زمین جنت  
 آئین بگشتی است - و چون آب زاید دل نهری بزرگ گشته بدریای  
 بهت می پیوندد از بهت بدل و از دل به بهت کشتی آمده شه  
 می نماید - از شهر سرا یالای آب تا موضع کهنه پل که قریب شانزده  
 گروه پادشاهی است و سرا زبر تا باره موله که دوازده گروه است بر  
 کشتی میروند - حدایق و بساطین و ریاض مملو بغوا که و ریاحین  
 دیده و دل را نشاط آموذ میگرداند - بهترین اینها باغ فرح بخش  
 است که بحکم اقدس مرتب شده - همانا این گل زمین نمودار نیست  
 از بهشت جاودانی - و اثمارش یادگاری از مهملذات انجمنی -  
 شاه نهر خیابانفش انموزجی از سلسبیل و کوثر - و عمارات رفیع  
 بنیانش با تصور بی تصور فردوس همسر - بانی این مبنای موسس  
 ارکان جهانبدانی حضرت صاحب قران ثانی اند - سراسر این باغ  
 خیابانیست بعرض سی گز که در ایام سعادت فرجام پادشاهزادگی  
 بامر حضرت خاقانی در جانب آن چنار و سفیدار پفاصله ده گز  
 نشانده اند - و از تاریخ بنا تا حال که چهارده سال باشد بلطف  
 تربیت سال بسال طراوت و نصارتش افزوده - سابقا این حدیقه  
 و شیشه بشاله مار معروف بود - درینولا که بشرف قدوم نخل پیرای  
 ریاض خلافت زیب و زیفت تازه یافت - و فیض و میمنت بی اندازه -  
 و ریاحین و اشجار آن در کمال تنومندی و سرسبزی و رنگینی  
 و شادابی بنظر کیمیا اثر در آمد - بفرح بخش موسوم گردید - بحکم  
 والا متصل این باغ جانب شمال حماسی نزه بنا یافته و نهر مذکور

که ده گز عرض دارد و اطلی حضرت آنرا شاه نهر نام کرده اند از عقب باغ داخل خیابان گشته - در وسط آن جاری است - و از میان عمارت میانه باغ عبور نموده در حوض زیرین عمارت مذکور که می گز درسی است و چبوتره در میان و هشت فواره دارد آبشاری شده میریزد - و نیز از وسط عمارت ابتدای باغ گذشته در حوض پائین آن که نه فواره دارد و سی درسی است آبشار دیگر شده در می آید - و از سه جای دیگر آبشار گشته و از خیابان برابر باغ گزارة نموده بدل می پیوندند پهنای شاه نهر درین خیابان که آن نیز سی گز عرض دارد ده گز است - کشتی از دل بخایان مذکور در آمده نزدیک عمارت ابتدای باغ میرسد - و در انتهای خیابان بر سر شاه نهر جائی که بدل متصل می شود اعلی حضرت عمارتی که از یکطرف بر دل و از جانب دیگر بر خیابان مشرف باشد و کشتی از میان آن آمد شد نماید مقرر نموده حکم فرمودند که دو ایوان رو بشاه نهر مقابل هم بسازند - بر دو سوی حوض پیش عمارت در آمد باغ دو دست منزل و در پس آن جائی برای خادمان محن مقدس ساخته اند - سفیداری که شهنشاه گیتی پناه در ایام پادشاهزادگی بدست میمنت پیوست در شاه نهر نشانده بودند و دو درخت چنار که بر دو کنار شاه نهر برابر همدیگر واقع شده در ته هریک چبوتره بسته بر روی آن سه برگه کاشته اند حسن جهان امروز این گلشن فردوس آئین را رونق دیگر بخشیده - مجمل اسباب خوبی و زیبایی این باغ بیش از آن است که بزبان خامه گذارش پذیرد - درینولا بفرمان قدر توان عقب باغ فرح بخش باغی دیگر

طرح نموده بقیض بخش موصوم گردانیدند - و حکم شد که خیابان آن به پهنای خیابان فرح بخش بسازند - و شاه نهر بعرض پانزده گز از میان بگذرد - و سه قطار فواره در آن جوشان باشد - و وسط باغ حوضی شصت گز در شصت که شاه نهر مذکور از ارتفاع دو گز آبشار شده در آن بریزد ترتیب داده یکصد و چهل و چار فواره نصب نمایند و میان حوض عمارتی طبنی ده گز در هشت گز و بر دور طرف طولانی آن دو ایوان سنگین هریکی بطول بیست و چهار گز و عرض هفت گز و بر دو جانب آن دو حجره هر کدام بطول هشت گز و عرض پنج بنا دهند - و نهر مذکور ازین حوض برآمده از سه جانب سه آبشار شده بریزد - هر آبشاری بعرض ده گز و تا دروازه فرح بخش جاری باشد - و در آن سه رشته فواره و یک جانب نزدیک دیوار باغ جهروکه دولخانه خاص و عام و قریبه آن عمارتی دیگر مرتب گردانند - تا هرگاه این مکان نزاهت نشان بقدم اشرف رشک افزای بهشت برین گردد - منازل باغ فرح بخش محل مقدس و عمارت میانه فیض بخش دولخانه خاص و پیدش جهروکه جانب بیرون باغ دولخانه خاص و عام باشد - و از جمله بساتین پادشاهی باغ دولخانه والا است که معمی بنور افزاست - و در فزونی اثماری همدا - در زمان فرمان روائی حضرت جغت مکانی در کشمیر درخت شاه الو کم بود - درین عهد میمنت مهد که جهان را نشوونمای دیگر است فراوان شده • دیگر باغ بحرارا ( ن ) که محاذی جهروکه درشن واقع شده و زمین

---

( ن ) بهرارا - حالا بهرار میگویند

آن دو طبقه است و در وسط آن چهار چنار موزون سر به خاک کشیده  
و بامر حضرت خاقانی میان چنارها تالاری ساخته اند دو مرتبه در  
کمال زنگینی \*

دیگر باغ عیش آباد که نشاط افزای خاطرهاست - و غمزدای  
دلها - اکنون باغهای که با نامار حدیقه خلافت و نویدبان والا قدر متعلق  
است بر نکاشته خامه را گلریز و نامه را نشاط انگیز میگرداند \*

باغ نور افشان که نور محل در زمان حضرت جنت مکانی بر  
گذار آب بهت که چنارهای سایه گستر داشت طرح انداخته و دو  
عمارت مقابل هم مشرف بران ساخته و فضائی دارد دلکشا \*

باغ صفا که بر کنار تالاب صفاپور ترتیب یافته است و آبش  
رشک افزای چشمه زندگانی است - و آن روی تالاب برابر باغ کوهچه  
در کمال موزونیت واقع - باغی که جواهر خان خواجه سرا در عهد  
حضرت جنت مکانی میان دل احداث نموده بود و این هر سه  
بسرکار پرده نشین سرادق سلطنت بیگم صاحب تعلق دارد - در  
باغ صفا متصدیان سرکار آن ملکه دوران عمارات خوش و چمنهای  
دلکش پرداخته اند \*

باغ شاه آباد نام که محمد قلی ترکمان در حکومت خویش  
ساخته بود - و در ایام فیک انجام پادشاهزادگی اطمینان حضرت داخل  
باغهای خاصه گشته - و درین وقت پادشاهزاده اقبال منذ محمد  
دارا شکوه مرحمت شد \*

باغ مراد که میان دل واقع شده پادشاهزاده والا گوهر مراد  
بخش عطا فرمودند \*

باغ نشاط که یمین الدوله جنوب رویه دل ساخته - و زمین آن نه مرتبه است در هر مرتبه آبشاری - در سر آغاز آن عمارت نیست که یک رو بسوی دل دارد و روی دیگر بباغ - و در انتهای آنکه بکوهی در نهایت نصارت و خضرت پیوسته است - نیز عمارتی رفیع و نشیب آن چبوتره وسیع و حوضی فسبح که آبشار از جوی میدان عمارت دران می ریزد ترتیب یافته \*

باغ نسیم که اعظم خان و باغ افضل اباد که علامی افضل خان شمال رویه دل پهلوی هم طرح انداخته اند هردو پرگل و خوش میوه است - متصل آن باغ نیست از سیف خان سرسبز و شاداب \*  
باغ ظفر خان که بر کنار جدی بل ( 3 ) که تالابی است حوالی شهر مرتب گشته - از شگفتگی و رنگینی در کمال دل نشینی است - و چون بر طول واقع شده بعد از پیشکش نمودن او اعلی حضرت باغ طولانی نام کرده اند \*

باغ الهی که میرزا یوسف خان هنگام حکومت این صوبه ساخته بود - و الحال از جمله باغهای پادشاهی است - نهری از آب لار که بهترین آبهای آن دیار است بعرض سه گز دران جاری است - در وسط باغ چبوتره ساخته اند و دران حوضی ده درده - بر کنار آن چنار بست بغایت رشیق و بالیده - چون نشیمن دل نشین نداشت درینولا حکم شد که دو دست عمارت بر دو جانب چبوتره مکافی هم بر هر جوی بسازند \*

( 3 ) حالا زیدی بل میگویند

باغ فیروز خان که برکنار دریای بهت مرتب شده - و باغ خدمت خان که در جزیره دل است - هر کدام سیرگاهی است روح افزا - سخن کوتاه بسیاری از منتسبان این درگاه آسمان جاه از امرا و خدمتگار درین سرزمین نشاط آگین در خور مرتبه و استعداد باغها ساخته اند - و از اماکن روح گستر کشمیر باغهای روشیان است که بزبان این دیار ایزد پرستان را خوانند برکنار دریای بهت باغها ساخته اثمار انرا وقف گردانیده اند - و بهترین آن باغ گنگا ریشی است در جزیره بهت - و آن بگلهای رنگارنگ و سبزه های گوناگون و انواع اشجار و اثمار مملو است \*

و از امکنه متغزه شهاب الدین پور است که برکنار دریای بهت واقع شده قریب صد چنارتناور بقطار بر لب آب سایه گسترده - از یکطرف آن آب لار بدریای بهت می پیوندد - و بامر حضرت جنت مکانی در دست عمارت قرینه هم زینت افزای این سرزمین گشته است - و از باستانی عمارات کشمیر عمارت لذك (3) است که میان دل اساس پذیرفته است - و چون بمرور دهور بآن اندراس راه یافته بود اعتقاد خان در ایام حکومت خود از سر عمارت مطبوعی ساخته \*

چون از گنگشت حدایق این خطه دلپذیر دشت و دامن خامه گل چین و عنبرین گردید - نبذی از کیفیت و کمیت اثمار خوش گوارش برنکاشته نی قلم را شکرین میگرداند - این چمن همیشه بهار اقسام فواکه دارد - و اکثر آن سرد سیری است -

( 3 ) حالا لاذک میگویند

از انجمله شاه آلو است که گیلان هم نامند - در بالیدگی و شیرینی  
 بهتر از شاه آلوی کابل است - و سیب که آن نیز رنگین و بالیده  
 است - و ناشپاتی که از فازکی و سیرابی تا بهنبر نمیرسد - و خربزه  
 اگر آفتی بدو نرسد بهمان خربزه خوب کابل است - و تربز که بغایت  
 بزرگ و شکفته و شیرین است - و اقسام انگور لیکن از رطوبت  
 شیرین نه - و شفتالو که در لطافت و نراکت مانند شفتالوی کابل  
 است - و انواع زرد آلو فراوان است - اما میرزائی و سفیدچنه کابل  
 بمراتب بهتر از زرد آلوی اینجا - و توت بیدانه و غیر آن بسیار  
 است - لیکن بیدانه کابل بهتر از بیدانه کشمیر - و افار اما زبون -  
 بادام وافر است - پسته اگرچه بهم میرسد اما کم درخت است -  
 گردگنرا بغراوانی این مکان جای دیگر نشان ندهند - چنانچه در  
 تمام این ولایت روغن انرا در چراغ بکار می برند - کلافترا اصناف  
 اثمار چون بحضور اشرف اقدس بر می خندند - شاه آلو یک مثال  
 در آمد - سیب پنجاه هفت - سفرجل نود و پنج - زرد آلو نوزده -  
 میوه های و گیاه های درائی زیاده بران است که بقید تحریر در آید •  
 چرن لختی از احوال بساتین این سرا بستان خلد آئین بر  
 گذارده آمد - برخی از پید قاتش که بخضارت و نصارت و کثرت  
 میاه ضرب المثل است گذارش داده فی خشک خامه را سر سبز  
 میگرداند - یکی بیلای گوهی مرگ است و آن انگهست که بسبزه  
 و ریاحین آسوده است - و ابواب نشاط بروی نظارگیان کشوده -  
 نهري دارد چون دل های روشن ضمیران مصفا - و مانند چشمه  
 حیوان روح افزا - دست قدرت بیچون بر دور آن از کوهی مشحون



باشجار صنوبر حصاری کشیده . و چشم جهان بین بدلکشائی و  
و طراوت آن مرغزاری ندیده - ازان رو که در زمان پیشین این  
ییلاق چراگاه اسپان بود و بزبان کشمیری ایلخی اسپ را گودی  
بضم کف عجمی و کسر دال نامند و مرغ را مرگ بفتح میم و را  
باین اسم اشتها ریافته \*

دیگر ییلاق توسعه مرگ چون سبزه اش در کمال نزاکت است  
اهل کشمیر انرا بتوس تشبیه داده باین نام میخوانند - خدیو حقیقت  
آگاه میفرمودند که در ایام پادشاهزادگی هنگام سیر این دو ییلاق  
خصوصاً گودی مرگ شصت قسم گل و لاله بنظر انور در آمده بود \*

دیگر ییلاق سنگ سفید و ییلاق ماء البدن است \*

اکنون گذارش چشمه سارها و آبشارها بمحل خود حواله نموده  
بنکشتن و قایمی که پیشه این مناقب نگار است میپردازد \* بیت \*

مرا مناقب ممدوح من شهاب الدین  
فراغ داده ز مدح بهار و فرور دین

در عشره اولای محرم ( ۱۰۴۴ ) ده هزار روپیه بدستور مقرر  
بمستحقان عطا فرمودند \*

پانزدهم منزل پادشاهزاده بلند مرتبت محمد دار شکوه را که  
در ایام پادشاهزادگی اعلی حضرت به نزول اقدس مورد برکت گشته  
بود بفروغ قدوم میمنت لزوم نور اگین گردانیدند - آن دره التاج  
سلطنت بشکر عواطف شاهنشاهی پرداخته بعد از ادای مراسم  
پانداز و نثار پیشکشی از مرصع آلات و اقمشه نفیسه بنظر کیما اثر  
در آورد - اعلی حضرت نعمت خاصه تناول فرموده آخر های روز

بدولتخانه والا معاودت نمودند - از عظام اشرافات ضمیر مهر تذویر  
 شهنشاہ حق آگاہ کہ درین ایام پرتو ظهور بخشید آنکہ - چون خاقان  
 غیب دان حسب الالتماس نواب قدسی القاب مخدر نقاب عظمت  
 و جلال بدیگم صاحب باغ آن درہ صدف دولت را بمقدم فیض توام  
 منور ساختند - در اثنای گلگشت نشیمنی بنظر والا در آمد کہ  
 سقفش بی دیوار بچهار ستون برافراخته بودند - برزبان الہام بیان  
 جاری گشت کہ چنان می نماید کہ این عمارت خواهد افتاد و خود  
 نزدیک رفته از عموم رافت دیگران را نیز منع فرمودند - مقارن  
 این حال سقف نشیمن مذکور از ہم فرو ریخت - و مشاہدہ آن  
 موجب حیرت همگان گردید - اری قدسی سماتی کہ باوجود این  
 همه اسباب مکنت و جهانداری - و مواد حشمت و فرمان گذاری  
 لحظہ بی یاد حق بسر نبرد - و عامہ خلایق را بدایع ودایع  
 ایزدی دانستہ ہمت پادشاہانہ بر رفاهیت زیردستان و جمعیت  
 ایزد پرستان مصروف گرداند - اگر باظهار خوارق عادات برای  
 رهنمونی برایا پردہ از روی باطن نہفتہ بین برگیرد مستبعد  
 نیست - و ملکی ملکاتی کہ پاسبائی جهانیان را پیش نہاد خاطر  
 ملکوت ناظر گرداند - اگر کار گزاران تقدیر ہموارہ در حفظ و حمایت  
 او کوشش نمایند شگفت نہ

\* بیت \*

اگر بحر گیتی شود پر نہنگ \* وگر کوه و صحرا بود پر پلنگ  
 کسی را کہ یارست بخت بلند \* نیابد ازان یک حرم و گزند  
 بستم از عرضداشت بادشاہزادہ بخت بیدار محمد شجاع بہادر  
 بعرض مقدس رسید کہ شب دو شبہ بست و دوم فی الحجہ کریمہ

معادت طینت از بطن دختر میرزا رستم صفوی حلیمه جلیله آن  
 کامگار متولد گشت و فردای آن والده اش ازین عالم در گذشت -  
 خدیو مهر پرور آن صبیحه را دلبند بانو بیگم نام نهادند \*  
 غره صفر از وفور عذایت بعیادت علامی افضل خان که عارضه  
 جسمانی داشت تشریف فرموده بگوارش لطف مداوای کامل  
 بخشیدند - علامی بعد از ادای اداب پالانداز و نثار پیشکش گذرانید -  
 چون پادشاه حق آگاه را درین پرورش جز رعایت سنت سنیه نبویه -  
 و نوازش و بلند نامی علامی - امره بگر منظور نبود - پیشکش  
 در معرض قبول نیفتاد \*

### گذارش نهضت بادشاهزاده جوان بخت محمد شاه شجاع بهادر بالشکر دکن بتسخیر قلعه پرینده

چون قلعه پرینده را که در تصرف نظام الملکیه بود و اقارضوان  
 نامی از قبل بی نظام بمحارست آن قیام می نمود اعظم خان چنانچه  
 گذارش یافت محاصره نموده بواسطه بعضی موانع دست ازان باز  
 کشید - عادل خان بقلعه دار مذکور پیغام داد که هرگاه لشکر  
 بادشاهی این قلعه را مسخر سازد جان و مال تو در معرض تلف  
 خواهد بود - اگر آن را بتصرف من واگذاری مبلغی گرامند بتو  
 می رسانم - و نوکر خود ساخته اقطاع لایق میدهم - و پس از استحکام  
 قواعد عهد و پیمان قریب مبالغ سه لک هون بدو گروهی از برافروخته  
 که در سپردن قلعه ساعی بودند داده قلعه را بدست آورد - و میدی  
 فرحان نامی را به نگاهبانی آن باز گذاشت - و توپ موسوم بملک

میدان را که باوجود کلانی و کشادگیش بدین مرتبه که دران آدم  
 بفرانغت می نشیند خوش قد و سرراست است ازین قلعه به بیجاپور  
 بود - توپ مزبور پیشتر در قلعه احمد فکربود در زمان حضرت  
 عرش آشیانی هنگام کشایش این قلعه بدست اولیای دولت قاهره  
 افتاد - در عهد حضرت جنت مکانی که از بی پروائی آن حضرت  
 قوان ملک داری چنانچه باید متمشی نمی شد عذیر که همواره  
 در کمین فرصت بود قابو یافته قلعه احمد نگر را قبل نمود - و گار  
 بر حصار نشینان تنگ ساخت - خواجه بیگ میروزی صفوی  
 حارس قلعه بتکرار اضطرار خود را بسططان پرویز که با گروهی از  
 امرای کلان منصب و لشکری گران و حشمتی بیکران و ساز و سامان  
 فراوان در برهانپور نشسته بود را نمود - سلطان از بی رشدی و  
 عیش دوستی و تن آسانی بفریاد او فرسید - او در سنه هزار و نوزده  
 قلعه را کام و نا کام بعذیر داده خود با همرها به برهانپور آمد -  
 و عذیر توپ مذکور را از انجا به سولا پور که در دست عادل خان بود برد  
 و حصار آنرا محاصره نموده بهمان دست افزار قلعه کشائی نوزدهم  
 رمضان سنه هزار و سی و چهار مفتوح گردانید - پس از فتح آن  
 در پریزده نگاه داشت - از انجا که کشایش پریزده از دیر باز مرکز  
 خاطر خانخانان بود بعد از رسیدن پادشاهزاده والا گهر محمد شاه  
 شجاع بهادر بنواحی برهانپور با لشکر جرار و سامان بسیار از درگاه  
 گیتی پناه بآن کامکار معین شده بود - چنانچه گزارش یافت -  
 بملازمت شتافته التماس نمود - که چون لشکری چندین همراه است  
 وقت آن است که بتسخیر قلعه پریزده پرداخته آید - پادشاهزاده

بخت بیدار انصرام این مهم گشاده پیشانی پذیرفته و از روی کمر  
 طلبی به برهانپور در فیامده حوالی باغ زین آباد دایره کردند \*  
 بیست و ششم ربیع الثانی مطابق هشتم آبان سال ششم با  
 خانخانان و دیگر امرای عظام و تمامی کومکیان صوبه دکن متوجه  
 مقصد گشتند - و بملکپور رسیده قرار دادند که خانزمان با بسیاری  
 از منصبداران و برق اندازان سوار و پیاده باستعجال بیشتر روانه  
 گرد و از قلعه چر گذشته بتاخت ملک بیکاپور و احراق علف آن  
 و محاصره قلعه پرینده بپردازد - تا لشکر که بکمک محصوران آید از  
 عنبر آذوقه و نایابی علیف زود متفرق شود - و خانزمان را خلعت  
 و فیل عنایت نموده با راجه جیسنگه و مبارز خان والله ویردی  
 خان و رشید خان و مرتضی خان و راد سقر سال و راجه بهار سنگه  
 و جگراج بنگدیل و اصالتخان و مبارک خان نیازی و احمد خان  
 نیازی و راجه روز افزون و سنگرام زمیندار جمو و باقی بیگ  
 آرزبک و گروهی دیگر رخصت فرمودند - و خود با خانخانان و سایر  
 منصبداران از عقب نهضت نمودند - از آنجاکه انجام این مهم وابسته  
 بآذوقه بود و رسیدن آن موقوف برین که سه چهار تهنه با جمعیت  
 شایسته در راه نشینند تا غله از برهانپور بلشکر منصور بآسانی برسد  
 مقرر شد که در ظفر نگر نور محمد عرب با پانصد سوار و در جالپور  
 سید عالم بارهه با پانصد سوار و در شاهگده قزلباش خان با هزار  
 سوار و در بیر صیف شکر خان با دو هزار سوار بنشینند و بمحافظت  
 رمد پرداخته از حدود خود سلامت بگذرانند - و چون بوضوح  
 پیوست که ساهوی بهونساه باتفاق برخی ضلالت پیشگان دازون

طالع یکی از خویشان محبوس بی نظام را که از قلعه انجرائی برآورده بود دست آویز نساد ساخته میخواست که فتنه برانگیزد - و در حوالی احمد نگر لشکر فراهم آورده پس از تاخت و تاراج نواحی دولتآباد بصوب ظفر نگر بشتابد - و طرق و مسالك را بر بنجاره و سایر مترددین مسدود گرداند - بذابران پادشاهزاده والا مقدار بصواب دید سده سالار خواص خان را با سه هزار سوار بجانب احمد نگر فرستادند - که مقاهیر را مالش بسزا دانه تاجنیر تعاقب نماید - و بذهب و غارت چمار کونده که وطن بهونسلمه است پرداخته در سنگمذیر اقامت گیرند - در خلال این احوال عادل خان از توجه عساکر گردون مائنر بقصد کشایش قلعه پرینده آگهی یافته کشفاجی و تورا با خزانه روانه ساخت که در تهیدم مود قلعه داری و امداد قلعه دار کوشش بجاء آرد - و رندوله و مراری پندت را با خیل و حشم خود تعیین نمود که کنار ناله آب سین را بنگاه ساخته هر کدام بکیشک قلعه قیام نماید - و چون خانزمان از ملکپور پیشتر راهی گردید باشلیقی قول بعهده خود گرفته راجه جیسنگه را با سایر را جپوتان هر اول و الله ویردی خان و رشید خان و اصالت خان را با برق اندازان برنغار و مبارز خان را با گروه افغانه جرانغار گردانید - و جگراچ را چنداول ساخت - و بسرعت هرچه تمامتر فزیدیک پرینده رسیده بر سر نهری که یک گروهی قلعه جاریست و دران حوالی سوای آن آب نشان ندهند فرود آمد - و تاکید نمود که لشکریان در گرد آوری هیمه و کاه سعی موندن مبدول نمایند - و بتقسیم ملچار و کندن نقب و ساختن کوچه

سلامت پرداخته اهدام آن بعهده الله ویرد یخان باز گذاشت -  
 مقابله در مدافعه کوشیده هر روز بتوپ و تفنگ قلعه چندی را در  
 ملچاها هلاک می ساختند - و بعد اندازان لشکر فیروزی نیز از  
 رخنه های شرفات حصار برخی از شقاوت منشان را روانه حصن عدم  
 میگردانیدند - چنانچه روزی سیدی فرحان پاسبان قلعه از سوراخی  
 نگاه میکرد تغذگی بر شقیقه اش زده کارآن ناتمام را باتمام رسانیدند  
 پس ازو غالب نامی از قبل عادل خان بجایش رسید و نیز  
 بنرخم تغنگ در گذشت - از آن پس عادل خان نورس نامی را به  
 نگهبانی فرستاد - و چون خان دوران صوبه دار مالوه که از درگاه  
 گیتی پناه بخدمت پادشاهزاده عالی قدر رخصت یافته بود با  
 جمعیت شایسته از تابینان خود درین نزدیکی نیز بعسکر نصرت  
 اثر پیوست آن والا گهر راجه پتهلداس را نزد خانزمان فرستادند \*  
 ششم رمضان پادشاهزاده والاتبار با سپه سالار و دیگر نوینان بیکار  
 گذار سه گروهی پرینده رسیده قرار دادند که روزی چند درانجا  
 رحل اقامت اندازند تا هم کاه و هیمه بلشکر منصور برسد و هم  
 کمک خانزمان نموده اید - درین اثنا مقهوران بیجاپور و ساهو با  
 جماعه نظام المملکيه نمودار شدند - روز دیگر خانخانان که نوبت کبی  
 او بود پسر خود لهر اسپ و حکیم خوشحال بخشی دکن را با  
 چندی دیگر از بند های والا درگاه و تابینان خویش بمحافظت  
 کبی تعیین نمود - و چون بر شوریده سرخی غنیم آگاه بود خود نیز  
 سوار شده بلهراسپ پیغام داد که تا رسیدن من توقف نماید -  
 خان دوران پس از استماع این خبر چندی برگماشت که از فوج

خانخانان واقف باشد - اگر احتیاجی رو دهد زرد آگاه گردانند -  
 اتفاقاً همین که خانخانان نیم گروه از معسکر پیش رفت قریب ده  
 هزار سوار ادبار آثار نمایان گشتند - و جوقی ازینان شوخی نموده  
 بر قلعه دار خان و حسینی قدیمی و گروهی دیگر که خانخانان  
 بقراولی پیش فرستاده بود تاخذند - خانخانان لهراسپ را بکوسک  
 روانه ساخته خود نیز از عقب راهی شد - شقاوت پرهان بهادران  
 نصرت شعار را جنگ کنان بفوج کلان خود کشیده سرکزار درمیان  
 گرفتند - مهیس داس راتهور که سرآمد راجپوتان خانخانان و  
 هراول او بود در گهنامه بهاتی و راجپوتان دیگر پا قایم کرده  
 بفوج پیش رو در آویختند - و لوازم سعی و جان فشانی بجا آورده  
 در میدان نبرد افتادند - و کار بر خانخانان و همراهان او بمرتب  
 تنگ شد که باوجود قرب کوسک اینجماعه بر دشوار گردید - و  
 برداشتن مجروحان ازان دشوار تر - خان دوران که تابیدن خود  
 مستعد پیکار و آماده کارزار بود برینمعنی آگهی یافته سوار شد - و  
 بسرعت تمام راهی گردید چنانچه غیرت خان با فوج عبد الله  
 خان بهادر فیروز جنگ و برخی از گرز برداران کار طلب مثل  
 خواجه طاهرو امیر بیگ و ناد علی و غیر اینان که از درگاه والا  
 رخصت همراهی خان دوران یافته بودند در راه باو ملحق گشتند -  
 و با تابیدن و همراهان که مجموع قریب دوهزار و پانصد سوار بود  
 قابودیده فوج عقب خانخانان را بر گروهی که جانب راست  
 خانخانان داشتند زده هردو قوشون را بجوق مقابل خانخانان رسانید  
 و مهیس داس را که زخمهایی منکر داشت با دیگر راجپوتان



که مجروح و مقتول در معرکه افتاده بودند برداشته بخانخانان پیوست - ادبار پژوهان از رسیدن خان دوران و دست برد مبارزان صف شکن و دلیران شیرافکن فرار برقرار نمودند - و خان خانان و خان دوران عنان معاونت منعطف گردانیده در حوالی ارد و پادشاهزاده جهانپان را که بعد از استماع استیلائی غنیم بقصد مدد سوار شده بودند ملازمت نمودند - اگر خان دوران بهادر بسرعت نمی رسید و بمالش غنیم که خانخانان را قبل نموده کار بروتنگ ساخته بود نمی پرداخت برآمدن خانخانان ازین معرکه محال بود - و این کار نمایان سبب مجرای عظیم خان دوران در پیشگاه خلافت شد \*

هشتم پادشاهزاده کامگار از مقام کنیاپور متوجه پرینده گشته نزدیک معسکر خانزمان برافراز کریوه فرود آمدند - همان روز قریب پانصدکس از قلعه برآمده برملچار راجه بهار سنگه ریختند و جنگ در پیوست - جمعی از گروه خندان پژه کشته و زخمی گشتند و چندی از مردم راجه و تابینان اصالت خان و راجه روز افزون خان در باختند - انجام کار بقیه مقاهیر ضلالت پذیر تاب مقاومت در خود نیافته بیای فرار از عرصه کارزار بدر رفتند - و هم خانخانان برای آوردن کهی سوار شده و سید خانجهافرا با برادران و تابینان او هراول گردانیده روانه پیش ساخت - و خود در دست راست کهی شده محافظت جانب چپ کهی را بعهده خان زمان و راد ستر سال و رشید خان و پرتیراج و جوقی دیگر باز گذاشت - و راجه جیسنگه و مرتضی خان را با فوجی از بند های دلا درگاه چنداول

گردانید - و جای مید شجاعت خان و راجه بتهلداس و مبارک  
 خان نیدازی و احمد خان نیازی میان خان زمان و راجه جیسنگه -  
 و جایی مالوجی و سایر دکنیان با شرزه خان و صالح بیگ جلایر  
 و کریم داد بیگ قاقشال و طایفه دیگر میان خود و راجه  
 جیسنگه مقرر ساخت - و چون افواج قاهره پنج شش گروه نور دیده  
 شروع در آوردن کهی نمودند غنیم نمودار گردید - خانخانان به خانزمان  
 پیغام داد که دو تیر پرتاب بیرون کهی بوده جانب چپ کهی  
 نگاهدارد تا مقهوران داخل کهی نتوانند شد - پس ازان مردم کاه و  
 هیمة یرداشتند و راهی گشتند - ادبار زندگان یک دل شده بر خان  
 زمان حمله آوردند - آن معرکه آزای نبرد قدم همت استوار داشته  
 گروه انبوه رابد لالت تیغ و سنان مرحله پیمای نیستی گردانید از مدارزان  
 لشکر منصور نیز برخی گشته و جمعی خسته گشتند - درین اثنا خانخانان  
 خبر آویزه غنیم با خانزمان شنیده به سرعت برق و باد خود را بخان  
 زمان رسانید - و بسطوت تمام جمعیت مقاهیر را پراکنده ساخته  
 براه فرار انداخت - و همچنین هر مرتبه که فرار پیشگان فراهم آمده  
 بر افواج نصرت امتزاج زور می آوردند خانخانان بآبباری جدوجهد  
 مردانه نیران شرارت ارباب خسارت فرو می نشاند - و راجه جیسنگه  
 نیز تمام راه باغذیم چپقلشهای نمایان کرده قطع مسافت نمود - و  
 آخر روز کهی سالما باردو رسید \*

دوازدهم حشری گران از بیدراه روان بر ملچار الله ویرد بخان  
 هجوم آورده هنگامه نبرد گرم گردانیدند - و چون آتش پیکار بالتهاب  
 در آمد و از هر طرف خرمن وجود جمعی بباد فنا رفت الله

ویرد بخان باعتماد اقبال عدو مال خاقانی از ملچار برآمده به نیروی  
شهامت و بازوی جلالت مخاذیل را منهنز ساخته بمقر خود  
مراجعت کرد \*

هزدهم سید خانجهان و خان دوران بهادر و مبارز خان و دیگر  
منصبداران که نویت گهی داشتند هنگام سحر براه نوردی درآمده  
دکنیان بی آرم آگهی یافته مقرر ساختند که قریب دو هزار سوار  
بر گذار ارم نمایان شوند و باقی جانب گهی روند - خانخانان پس  
از شنیدن این خبر لهر اسپ را فرستاد که هر دو لشکر برابر سواران  
مذکور بایستد - خسارت زدگان لهر اسپ را دیده خود را بجماعه  
که طرف گهی رفته بودند رسانیدند - و سید خانجهان و خان دوران  
مردم گهی را فراهم آورده تاکید نمودند که در راه از یکدیگر جدا  
نشوند - میدان غنیمت فرصت جو را دستی بکار رسد - اتفاقاتی بانی از  
لشکر غنیمت برشته‌ری از مردم گهی که کاه بار داشت می‌رسد و از طغیان  
باد آتش درگاه و همیه که بر دیگر جانوران بار بود و درگاه صحرا که  
بلند فراوان بود می‌افتد و بسیاری از شتر و گاو با دو فیل و برخی  
اسپ و آدم ضایع میگردد - و در نسق افواج قاهره فی الجمله  
برهم‌خورنگی راه می‌یابد - خانخانان بمجرد آگهی برین معنی کس  
بطلب خانزمان فرستاده سوار شد - اختر برج خلافت بادشاهزاده  
جهانیان نیز از اجتماع این خبر سوار شدند - خانخانان معروض داشت  
که برای تنبیه این جماعه دولتخواهان کفایت میکنند لایق آنکه  
برگردیده بمعسکر اقبال تشریف فرمایند - و چون دریافت که آن  
گوهر درج بسالت در تادیب اشرار خذلان شعار مصر اند و ازین

اراده برنخواهند گشت - مبالغه نهموده التماس کرد که بر فیل سوار شوند - و راجه پتهلداس و پرتهدراج را با خرد گرفته هر اول اسامی پیشتر روان گردید - غنیم که شتر و کوهی را پیش انداخته میبرد از شنیدن خروش کوس روئین و دیدن اعلام نصرت آئین پادشاهزاده با تمکین پای ثبات از دست داده راه فرار سپرد - درین اثنا خانزمان که حسب الطلب خانانان باستعجال تمام راهی گشته بود و رشید خان از جانب راست در رسید - خانانان راجه پتهلداس و پرتهدراج را نزد خانزمان فرستاد تا باتفاق گریختگان را تعاقب نموده مالش دهند - و گوهر اکلید سلطنت هزار سوار از ملازمان خود بکمک خانزمان فرستاده عنان یکران با خانانان باردو منعطف ساختند - شب هنگام خانزمان با همراهان از تعاقب و پرداخته برگشت و جوهر دلیری نوئیذان اخلاص سرشت مانند سید خانجهان و خانزمان و خان دوران و راجه پتهلداس که درین روز مصدر ترددات گشته بودند فروغ دیگر یافت \*

نوزدهم که نوبت کهی خانزمان بود چون بخانانان خبر رسید که مقهوران باراده انکه بر سر کهی بریزند سوار شده اند پایان روز با جمعیت خویش بحرکت در آمد - اتفاقا همین که افتاب رخ بدهفت رندوله و ندیره یاقوت و دیگر مخانیل نزدیک ملچارهای نقب رسیده برهنمونئی ادبار گروهی را پیاده ساخته بر ملچارها دوآیدند - الله ویردیخان باقبال نصرت مآل شاهنشاهی توسل جسته با همراهان از ملچار خود بر آمد و بضرب تیر و تفنگ اساس زندگی بسیاری منهدم گردانیده جمع دیگر را بزخمهای گران بر

خاک ناکامی اذداخت - از مردم الله ویرد خان و راجه پوتان جگراج و سپاهیان اصالت خان نیز برخی بگونه زخم سرخ روئی جاوید اندوختند - خانخانان در اثنای ره نوردی خبر فیروزی مبارزان لشکر منصور شنفته سپاس ایزدی بجا آورده بمقر خویش معادت نمود - و خانزمان سالما باکهی باردو درآمد \*

بدست و دوم پادشاهزاده عالی قدر بصواب دید خانخانان بسید خانجهان و خانزمان و راجه جیسنگه و مبارز خان و راجه پتهلداس و راول سترسال و راول کرن و مبارک خان نیاززی و احمد خان نیاززی و نظر بهادر خوبشگی و طایفه دیگر از بندهای درگاه گیتی پناه و از امرای دکنی مالوجی مقرر نمودند که چهار پنج گهزی از شب مانده خود را به بنگاه غنیم برسانند باشد که دست بردی نموده آید - دلیران پیکار پرست بموجب قرار دان شب پنجشنبه بدست و میوم راهی گشته بعد از سپری شدن یک بهر روز به بنگاه شقاوت منشان رسیدند ازان رو که مقاهیر بدست خبر یافته بنده را روان کرده بودند نهب و غارت دلخواه صورت نه بست - لختی بان و گاو بسیاری که بران آذوقه بار بود - و شتر و گاو لشکر بادشاهی که مقهوران روز سوختن کهی برده بودند - بدست مجاهدان ظفر پیوند افتاد - و چون غنیم سیه گلیم که بنده و بار میگریزانید بسیار نزدیک بود راجه جیسنگه هراول فوج مذکور اسپتاخته خود را بوی رسانید - و بسیاری از پیداهای را مردم را اسیر نمودند - و سید خانجهان و خان زمان و جماعه دیگر از فوج قول جلو ریز باو پیوستند - درین اثنا مودهوجی برادر مراری با مبارز خان در آویخت - اگرچه مبارز خان بدازی شجاعت تیغ

انتقام آخته جوقی را که دران چندی نامور بودند بر خاک هلاک  
افداخت - اما خانزمان پس از آگاهی بر آویزه سوده رسید خانبهان  
را بکمک راجه جیسنگه باز گذاشته بسرعت هرچه تماشتر بمدد  
مبارز خان رسید - و گروه افغانه را مستظهر ساخته مودهوجی را  
که دو زخم تیر داشت رهگرایی جهنم گردانید - بقیة السیف  
راه فرار سپردند •

دوازدهم شوال چون نوبره یاقوت و رفقای او با قریب چهارهزار  
سوار سر راه کاکا پندت ملازم خانخانان که بواسطه غله جانب بیر  
رفته بود گرفتند - خانخانان بعرض درة التاج خلافت رسانید که  
درینوقت که ستاره موختگان بطرف دیگر مشغول اند اگر بر بنه و  
و بار ایقان تاخت پرده شود اغلب آنکه کار بکار هواخواهان صورت  
یابد - پادشاهزاده عالی قدر از فزونی خواهش تماشای جنگ  
دکنیان مقرر فرمودند که خود نیز سوار شوند - جگراج و لهر اسپ  
ویکه تاز خان و چندی دیگر را پیاسبانی اردو باز گذاشته روز دیگر  
پیش از دمیدن صبح مسلح گشته بر فیل سوار شدند - و لختی  
بعرون معسکر برای فراهم آمدن لشکر و ترتیب افواج درنگ نمودند -  
و خانخانان و راجه جیسنگه و راجه پتهلداس و دیگر پیکار گزینانرا  
همراه خود در فوج قول نگاهداشته سید خان جهانرا هراول  
و خانزمان را با مبارز خان و راوستر سال و برخی دیگر میمنه -  
و سید شجاع خان و مرتضی خان را با گروهی میسره - و خان  
دوران چنداول - قرار داده راهی شدند - مقاهیر که پیشتر  
آگاهی یافته بنه را بطرفی فرستاده و در چرها آتش زده آماده قتال

ایستاده بودند - همین که مبارزان نصرت شعار نزدیک رسیدند از جانب برانغار ظاهر شده بیان اندازی مشغول گشتند - خان زمان فوج مقابل خود را بحمله نخستین از میدان برداشت - سید خان جهان نیز بر فوجی که برابر او آمده بود اسب انداخت - درین اثنا راجه جیسهنگه و راجه پتهلداس بکمک شتافته مقهوران را باتفاق یکدیگر از پیش راندند - و خاندوران که چند اول بود نیز از عقب راهی شد - خانزمان و سید خانجهان در حین فرار اشعار نابکار از دنبال در آمده گروهی را به تیغ آبدار روانه دار البوار گردانیدند - در اثنای گریز مراری سرآمد ادبار پژوهان از اسب افتاد و یکی از نوکرانش بر اسب خویش سوار کرده او را بر آورد - و خود کشته گردید - و پادشاهزاده زنیع مقدار پس از استماع خبر نصرت اولیای دولت بصوب آردو مراجعت فرمودند - آخر روز لشکر نیز رسید - و چون درین مدت بر مساعی دلاوران جان سپار جدکار که در انجام انقاب بکار می بردند اثری مترتب نمی شد - چه بعضی نقب هارا مقهوران یافته در انسداد آن می کوشیدند و از برخی آب بر می آمد - و از نقبی که الله و یرد یخان مابین شیر حاجی رسانیده بداروت انداخته بود - و پادشاهزاده والا گهر از راه کوچه سلامت رفته در حضور خود آنرا آتش داد - اگرچه یک برج شیر حاجی پرید لیکن راهی که یورش توان کرد مفتوح نگشت - و مع هذا میدان خانخانان و خان دوران از رهگذر آنکه خان دوران مکرر اظهار نمود که من خان خانانرا از کشته شدن خلاص کرده ام عداوت گونه بهمرسیده بود - و نیز سایر امرا و منصبداران از ناهنجاری و بد سلوکی خانخانان آزردہ

بودند و بدین سبب آن شقاوت پزوهان برتدبیرات خانخانان آگاهی یافته علاج آن می نمودند - و در تسخیر قلعه کوشش خانخانان اثری نمی بخشید - خانخانان بعرض پادشاهزاد نامدار رسانید که هرچند آذوقه فراوان است اما تا ده درازده گروهی اردوگاه و همیه نمانده - و هر مرتبه بواسطه کمی در رفتن و آمدن زیاده بر بیست گروه تردد باید نمود - و این معنی باعث خرابی لشکر میگردد - و برسات هم رسیده - مصلحت آنست که بیش ازین توقف ننموده عذران معاونت بصوب برهانپور منعطف گردانند - از آنجا که پادشاه زاد کامکار در جمیع کارها به عمل نمودن یصواب دید سپهسالار مامور بودند سیوم ذی الحجه مطابق دهم خرداد از پرینده کوچ کرده به برهانپور راهی گشتند \*

هفتم در حینی که افواج قاهره از زیرگهاتی که هنده گروهی بیراست نهضت نموده براه نورثی در آمدند - غنیم نمودار گشته بسردادن بان پرداخت - خانزمان با راستر سال و جگراج و راو کرن و برخی دیگر از بندهای پادشاهی که در فوج چنداول بودند بر مقاهیر تاخت - درین اثنا راجه جیسنگه و مرتضی خان از میمنه و اصالت خان و خلیل الله خان از میسره برآمده خود را بکمک خانزمان رسانیدند - و جمعی را طعمه شمشیر ساخته گروه انبوه را مجروح گردانیدند - و اسب بسیار غنیمت شد - و از آنرو که پراگندگی تمام بجمعیت مقاهیر راه یافته بود دیگر تا برهانپور که بیست و ششم مورد عساکر ستاره شمار گشت اثری ازان طایفه نکوهدیده آثار پدید نیامد - و پس از آنکه معاونت پادشاهزاد رنج قدر



از عرایض منهدیان آن صوبه بمسامع جلال رسید - خانخانان را که از بد خوئی فطری با دیگر بندهای پادشاهی طریق ناسازگاری می نمود چنانچه گزارش یافت و پادشاهزاده والا قدر را بی تسخیر قلعه برگردانیده بود معاتب ساخته آن اختر فلک خلافت را با جمیع بندهای که در رکاب ایشان رفته بودند بدرگاه گیتی پناه طلب فرمودند •

( اکنون لختی از وقایع حضور بر می نگارد )

پانزدهم صفر شهنشاه گیتی پناه از باغ فرح بخش کشمیر که يك شبانروز دران مکان دل افروز بگام بخشی و کامرانی پرداختند - حسب الإلتماس یمین الدوله بباغ او موسوم بباغ نشاط کشتی سوار شرف قدوم ارزانی داشتند - یمین الدوله بعد از اقامت مراسم نثار پیشکشی از جواهر و مرصع آلات بنظر کیمیا اثر در آورد - چون باغ مذکور بدلکشائی و راحت افزائی پسند طبعیت اقدس گشت تمام روز درانجا بعشرت و مسرت گذرانیده شامگاه بدولتخانه والا معاودت فرمودند •

هفدهم پرتییراج راتهور از اصل و اضافه بمنصب دو هزاری هزار و ششصد سوار سرافرازی یافت •

دهم ربیع اول پیشکش ظفرخان صوبه دار کشمیر از اقسام شال و قوطه و گوش پیچ طرح دار و ساده و انواع تهومه و کربلائی زرتار و ساده و زعفران و دیگر اشیای آن دیار از نظر انور گذشت و بدایه قبول رسید •

شب دوازدهم مجلس میلاد خاتم انبیا علیه و علی آله افضل

الصلوات و اکملها در دولته خانۀ خاص و عام ترتیب یافت - شهنشاه اسلام پناه دران محفل فیض منزل گروهی از علما و فضلا و اصحاب و حفاظ خطۀ دایر کشمیر را که بتفاوت درجات دران قدسی انجمن قعود نموده بتلاوت قران می پرداختند بمرحمت خلعت و فرجی و مدد معاش از زمین و یوسیه سرافراز ساخته مبلغ دوازده هزار روپیه نقد برسم معهود هر سال عنایت نمودند - و پس از انقضای یک بهر شب برخی از اعیان دولت را درانجا گذاشته بمحل مقدس تشریف بردند - و بحکم معلی پیشکاران بارگاه عظمت و جلال بتقسیم خوانهای الوان اطعمه و اشربه و انواع حلویات و عطریات پرداخته حضار آن مجلس منیف را بهرور گردانیدند \*

هژدهم منزل جعفر خان بغیض قدوم میمنت لزوم پادشاه بنده نواز فروغ آموذ گردید - و بعد از تقدیم مراسم پا انداز و نثار پیشکشی گذرانید - خادان دریا نوال برای مباحات او شرف پذیرائی بخشیدند \*

## نهضت رایات فیروزی از کشمیر بصوب

### ویرناگ و از انجا بدار السلطنة لا هور

چون در سمت جنوبی کشمیر چشمه سارهای نشاط افزا و مرغزارهای دامکشا که هر یک دلیلی است بر شگرفی صنایع ایزدی واقع شده بر خاطر ملکوت ناظر پرتو افکند که بسیران حدود توجه فرموده عنان عزیمت بجنب دارالسلطنة منعطف گردانند •

روز یکشنبه بیست و سیوم مطابق بیست و پنجم شهر یور بعد

از سپری شدن دو ساعت نجومی موکب گیهان نور که سه ماهه  
 درین سر زمین نزهت آگین اقامت داشت قرین هزاران  
 شادمانی نهضت نمود - و در موضع پنور که از دولتخانه شهر براه  
 خشکی سه کروه و ربع و راه دریا پنج کروه پادشاهی است دایره  
 شد - و باغی که در اینجا بر کنار بهت مرتب گشته به نزول اقدس  
 فیض آمود گردید - موضع مزبور زعفران زار است اما هنوز  
 زعفران گل نکرده بود - روز دیگر قریه و بتی پور که از مضافات  
 پرگنه آلاست و از پنور براه خشکی سه و نیم کروه ضرب سراق  
 مسجد و جلال گشت - فردای آن پنج براره را که از مضافات پرگنه  
 اینچه است و در قبول دره التاج خلافت پادشاهزاده محمد دارا  
 شکوه مقرر بنزول اشرف اعلی میمنت اما ساخته یکروز دران نزهتگاه  
 که از و بتی پور براه خشکی چهار کروه و ربعی و براه دریا پنج کروه  
 مسافت دارد مقام فرمودند - درین مکان پادشاهزاده بلند قدر  
 عمارتی دلاویز و باغی مسرت افگینز که نهی بعرض سه گز از وسط  
 آن بدریا می ریزد بر کنار بهت طرح افکنده اند - و آنروی دریا نیز  
 عمارتی و باغی محاذی این عمارت بنا نهاده - شب دوم از سرکار  
 آن اختر برج سلطنت در هر دو کنار بهت چراغان بر افروختند \*  
 بیست و هفتم از پنج براره تا پل کهنه که مفتیهای سیرکشتی  
 است بکشتی قطع مسافت نموده از اینجا بر تخت روان که از مختوعات  
 مبدع قوانین جهان با نداشت بغرخی و خجستگی سوار شده باینچه  
 که در قبول اسلام خان میر بخشی است تشریف بردند - درین پرگنه  
 معبدی بود باستانی - پادشاه عدالت گستر بهدم بنیان آن فرمان

داده برگشته مذکور را باسلام آباد موسوم گردانیدند - سابقا در دست  
 عمارت یکی برای محل مقدس و دیگری بواسطه دولتخانه خاص  
 بر دو چشمه خوشگوار که در آن مکان نزه واقع شده ساخته بودند -  
 چشمه محل از میان حوضی ده در ده گذشته بمختصر حوضی که  
 بر روی چبوتره وسیعی پرداخته اند - و بر کنار آن چنار عظیم سر  
 برافراخته - می آید - و از آن بحوضی بیست گز در بیست که در ته  
 چبوتره است ریخته بیرون می رود - و چشمه دولتخانه خاص نیز  
 از میان حوضی ده در ده بر آمده بحوض دیگر که چل گز در چل  
 است می ریزد - و ازین حوض جوئی بقدر دو آسیا آب بر آمده  
 بجوی چشمه محل ملحق میگردد - درینولا باسلام خان حکم شد  
 که در آن نزهتکده عمارات خوب و نشیمنهای مرغوب بسازد - آخر  
 این روز آصف آباد معروف بمچھی بهون که در تیدول یمین الدوله  
 است و آن نوین والا قدر بفرمان حضرت جنات مکانی در آنجا  
 عمارات و حیاض و انهار و ریاض ساخته - محط رایات اقبال گردید -  
 چون اهل آن دیار مچھی ماهی را خوانند و بهون خانه را - و چشمه  
 این مکان ماهی فراوان دارد موضع مذکور باین نام اشتهار یافته -  
 حاجی محمد جان قدسی صفت آن چشمه بدین گونه گزارش داده

#### \* بیت \*

اشارت جانب این چشمه از دور \* کند افگشت را فواره نور  
 کند گر امتحان سردی آب \* نیدار پنجه مرجان دمی تاب  
 مگر یاقوت اینجا آب خورده \* که آتش آبرویش را نبرده  
 از آن ماهی زند خود را بقلاب \* که در آتش جهد از سردی آب

بر روی چشمه ماهی صفت کشیده \* چو مژگان های تر بر روی دیده  
 دسام چشمه از ماهی طپیدن \* کند چون چشم آهنگ پریدن  
 و ازان رو که مکان مزبور دامش و روح افزا بود اعلی حضرت سه روز  
 مقام فرمودند - و یمین الدوله شب دوم بر حوضها و جویهای درون  
 و بیرون چراغان بر افروخت \*

غرة ربیع الثانی قرین دولت فزاینده در ده اچول که حضرت  
 شاهنشاهی آنرا بنواب گردون قباب خورشید احتجاب بیگم صاحب  
 مرحمت نموده صاحب آباد نامیده اند - نزل اجلال فرمودند -  
 و چون عمارت مشکوی معلی دولتخانه خاص که در عهد حضرت  
 جنت مکانی درین موضع ترتیب یافته بود - چه از کهنگی و چه  
 از بد طریقی پسند طبیعت اشرف نیفتاد - حکم شد که بجای آن  
 عمارات دیگر با آبشارها و حوضها بجهت آرامگاه مقدس دولتخانه  
 خاص و عام مرتب گردانند - و بمراتب بهتر از آنچه پیشتر بود بروی  
 کار آمد در اینجا چشمه ایست در کمالی عذوبت و صفا که باچندین  
 چشمه دیگر بحوض ایوان عمارت محل در شده در حوض کلان پیش  
 ایوان می ریزد - و از اینجا بحوض و جوی و ابشار ریخته بیرون باغ  
 میروند - درین مکان نیز سه روز مقام شد - و چراغان بر کنار  
 جداول و حیاض بامز اقدس بر افروخته آمد - روز سیوم مقام بسیر  
 لویه بهون که یک و نیم گروهی صاحب آباد است متوجه گشتند  
 و عماراتش که هنوز صورت اتمام نیافته بود بنظر اجمال در آورده  
 باز دولتخانه صاحب آباد را سعادت آسای گردانیدند - در لویه بهون  
 چشمه از دامن کوه برآمده جاری میگردد - بر سر چشمه حوضی

اهمیت چهارده گز در چهارده - و بر دو جانب آن دو حوض دیگر بهمان طول و عرض - جوئی بعرض دو گز از حوض نخستین درین دو حوض در می آید - و نهری بعرض چهار ذراع از پیش حوض سرچشمه روان گشته و میان عمارت قدیم در آمده بحوضی چهل و شصت ذراع در چهل و پنج داخل میگردد - و از آنجا بصحن عمارت دولتخانه خاص رسیده حوض پیش عمارت را که ده گز در نه است لبریز میگردد - و از آنجا در حوض بیرون می افتد در صحن دولتخانه خاص زیبا چناری است سر بر کشیده - و پائین آن مربع چبوتره که هر ضلعش دوازده گز است - و بر کنار حوض بیرون عمارت نیز چهار چنار بقطار سایه افکنده - اعلی حضرت لوکه بهون را بپادشاهزاده سعادت فصیب محمد اورنگ زیب بهادر عزایت کرده فرمودند که درین سرزمین عمارتی بسازند \*

پنجم از صاحب آباد نهضت نموده در ویرناگ که چشمه آن منبع دریای بهت است و بهترین چشمه سارهای کشمیر - انجمن آزای مسرت گشتند - بر سر این چشمه مئمن حوضی است که قطرش چهل گز است و هر ضلعش هفده - و حضرت جذمت مکانی در ایام پادشاهزادگی آبرو ساخته اند - ماهی آن شمار بر فتابد - و عقب چشمه کوهچه ایست مرتفع مطبوع در کنال نزاهت و نصارت چون بر دور چشمه عمارتی و باغی در خور این گل زمین نبود حضرت خاندانی باغی دلکشا و منازل و حیاض و جداول در حضور اقدس طرح انداخته بشاه آباد موسوم گردانیدند - و حیدر ملک کشمیری را بداروغگی عمارات مذکوره سرافراز ساخته حکم کردند

که او این گرد حوض را که بفرمان حضرت جنت مکانی رو بحوض  
اساس یافته از پابیندازد - و در مجرای آب چشمه از حوض ایوانی  
که یک رویش بیاب باشد و دیگر رو بحوض - بطول هفده ذراع و عرض  
دوازده - بر دو سر آن دو عمارت طبین که هر کدام شاه نشینی رو  
بیاب داشته باشد بسازد - بطرزی که جوئی بعرض پنج گز از اب  
چشمه میان ایوان مذکور شده در باغ جاری گردد - در هر طرف  
ایوان هفت ایوان دیگر که در هر دو جانب چهارده ایوان واقع شود  
و دو جوی دیگر از دو سمت نهر مزبور که هر یک بعرض چهار ذراع  
از پیش ایوانها بگذرد و بر دو جانب وسط باغ دو لتخانه خاص دو  
دست عمارت یکی بر سر دروازه دیگری قرینه آن و حمامی باحوضها  
و ابشارها و نشیمنها مقرر فرمودند - و در منتهای باغ نیز حوضی  
پنجاه و هفت گز در پنجاه و هفت که فواره در میان و سه ابشار بر  
طرف آن باشد طرح نمودند \*

### جشن قمری وزن

روزی یکشنبه هفتم ربیع الثانی سنه هزار و چل و چار مطابق نهم  
مهر جشن قمری وزن خاتمه سال چل و چارم و فاتحه چل و پنجم  
از عمر ابد اعتصام شهنشاه گزاون غلام آرایش یافت - و برسم  
معهود این جهان وقار بطلا و دیگر اشیا بر سخته آمد \*

درین روز نظم طرازان پیشگاه حضور اشعاری که در تهنیت این  
بزم گیتی افروز و تعریف کشمیر دایر گفته بودند بعرض اقدس  
رسانیده بصلوات و افره کامیاب گردیدند - و نغمه پردازان نیز با نغمات

متکاثره دامن امید برآمودند - مرشد قلبي خان از اصل و اضافه  
بمنصب هزار و پانصدی هفتصد سوار سرافراز گردید \*

هشتم خاقان دوران از شاه آباد بدار السلطنة متوجه گشته در چهار  
روز هیله پور را که سر راه پریپچال است بپورود اقدس فیض آگین  
گردانیدند - و در اثنای راه بسیر آبشار اوهر که دو کروهی موضع  
جمال فکری در دره دست چپ راه واقع است توجه فرمودند -  
منبع آبشار چشمه ایست کوثر نام که از برفهای گداخته جبل  
مشرق رویه نیز آبشاری بان ملحق میگردد - و نهري عظیم شده  
بر روی سنگ صلب می ریزد - از صدمه اب بمرور ایام بران سنگ  
حوضی وسیع بهم رسیده - و از حوض بدره که قریب پانزده ذراع  
نشیب دارد می افتد - از صدای آب نزدیک آبشار دو کس هر چند  
پهلوی هم باشند آواز یکدیگر نمی توانند شنید - در عرصه کشمیر  
فردوس نظیر و نواحی آن آبشار فراوان است اما بهترین آن آبشار  
اوهر است پس ازان آبشار سکهذاگ که حیرت انزایی تماشاگران  
است چه بقدر ده اسباب از ارتفاع چهارده گز ریخته دریاچه که  
زلالاش در صفا یادگار کوثر و تسفیم است جاری میشود - و از آنرو که  
این آبشار پیشتر بفطر افتاب سپهر خلافت در آمده بود درین هنگام  
به تماشای آن نپرداختند - دیگر آبشار بیدم گله که کیفیت و کمیت  
آن گزارش یافته - پیش ازانکه این نزهتگاه مورد عساکر گیتی کشا  
شود جهات خوبی آن منحصر در آب و هوا و نزهت جایی و فنونی  
سبزه های گوناگون و فراوانی گلهای رنگارنگ و میوه چند خودرو  
بود - چه ساکنان انجا طرز چمن پیرانی و بوستان آرائی نمی



دانشتند - و نیز اگرچه دران چندی که اکثر علوم متعارفه درس گویند بودند اما علوم متداوله شیوع تمام نداشت - برخی خط نسخ تعلیق نیکو می نوشتند و بنی زبان شعر داشتند - بعد از آنکه در عهد دولت حضرت عرش آشیانی کشایش یافت اکثر ساکنانش اکتساب مراسم اهلیت و لوازم آدمیت نموده شایستگی جوهر ظاهر ساختند - و فارسی گفتن و خط خوش نوشتن - و نغمه فارسی سرانیدن - رواج تمام یافت - از انجمله شیخ یعقوب کشمیری است که در اقسام علوم عقلیه و نقلیه درجه عالی داشت - و بصحبت بسیاری از اوصالان حق رسیده و ریاضات شاقه که طریقه طائفه علییه صوفیه است کشیده پیایه ارشاد رسیده بود - و بسا خداوندان استعداد را بعین تکمیل او رتبه کمال نصیب گشته - و ملا محمد حسین کشمیری که بعین تربیت حضرت عرش آشیانی در خط نسخ تعلیق از خوش نویسان عصر گوی سبقت برده بود - و اثمارش نیز تازه رو بخوبی نهاد - در زمان حضرت جنت مگانی که در اواخر سلطنت پنجم مرتبه تشریف فرمودند - چون توجه والا مصروف تربیت این سرزمین نشاط آگین با فراختن عمارات و اصلاح درختان میوه دار به پیوند و جز آن داشتند - از آنچه بود بسیار بیش آمد - و چون بجلوس میمنت مانوس خدیو عالم خداوند بنی آدم سزیر آرای جهان بینی حضرت صاحبقران ثانی جهانرا فروغ تازه بهمرسید - و جهانیان را فروغ بی اندازه - این سرزمین که از جمیع متنزهات عالم امتیاز دارد بعمارت روح افزا و بساتین دلکشا نمودار بهشت برین گردید - و اکثر اثمار آن به پیوند

و دیگر اسباب تربیت در شیرینی و بلیدگی و سیرابی یاد از میوه‌های نیک ولایت کابل میدهد - و از آنجا که در عسکر اقبال فضلا و هنرمندان هفت اقلیم فراهم آمده کامیاب اند ساکنان این زمین نشاط آگین از مصاحبت و همزیانی اهل اردو فضایل و هنرها کسب نموده اند - ایزد کام بخش که تشدید مبانی جهاندارى بارتفاع لوائى داد گسترى این پادشاه خلاق پناه مربوط گردانیده - و توکید مراسم فرمان گذاری بتمهید لوازم دین پروری این شهنشا دینی و دنیوی منوط - آفتاب دولتش را از مغفرت کسوف محفوظ و مامون و ماه سلطنتش را از سمت محاق محروس و مصون دارد \*

بیدست و دوم به بهنبر که منتهای کوهستان کشمیر است منزل شد - جگنات کلونت که بخطاب کبرائی سرافراز است - و در تصنیف نعمات هندوستانی و تالیف معانی امروز مثل او در هندوستان بهشت نشان نیست - و بجهت بسنن تصنیفات حسب الحکم در دار السلطنت مانده بود بدرگاه آسمان جاہ آمده دوازده تصنیف که بهندوستانی زبان دهرند نامند - و در نعمات مختلفه مشتمل بر مضامین رنگین بنام اقدس خاقان هنر پرور جود گستر ترتیب داده بود بعرض مقدس رسانید - از آنجا که تصنیفاتش خاطر اقدس را عشرت آگین ساخت بامر پادشاه دانش نواز بزر سنجیده آمد - و چار هزار و پانصد روپیه هم سنگش باو عنایت گشت - چون در یک و نیم گروهی بهنبر بفرمان قضا نغان قریب پانزده هزار آدم فراهم آمده جانور بسیار گرد آورده بودند بیدست و سیوم بعد نصف النهار به شکار قمرغه متوجه گشته یکصد و بیدست مودیال که

عبارت از قوج کوهی است و چکاره صید فرمودند - درین میان  
مودیال بیشتر بود - چکاره قسمیست از آهو و در اکثر جایهای ولایت  
و غیران بهم میرسد - و آهوی سیاه و سفید مخصوص هندوستان  
خلد نشان است \*

درینولا بعرض مقدس رسید که مسلمانان ساکن بهیمنه از جهالت  
پیشگی بکفار دختر میدهند - و ازین طایفه می ستانند - و مقرر  
شده که مسلمانان دختر کافر را بعد از ممات دفن کنند و کافران دختر  
مسلمانانرا پس از انقراض حیات بسوزانند - فرمان شد که هر کانی  
که مسلمة در خانه او باشد اگر شرف اسلام دریابد زن را بعقد مجدد  
با او باز گذراند - و اگر از شقاوت و غوایت از ادراک این سعادت  
سر بر تابید مومنه را ازو جدا سازند - و جوکو زمیندار اینجا که  
مصدر این کار نکوهیده آثار شده بود بتوفیق ربانی و بیم و امید  
حضرت صاحبقران ثانی با تمام قبیلۀ خود در ملت بیضایی  
مصطفوی درآمد - و بخطاب راجه دولتمند سر افزای یافت - و  
بسیاری از کفار از غوایت برآمدند و مسلمانان از جهالت رستند - و  
بیمن دین پروری این بادشاه اسلام نواز کفر گداز چنین رسم قبیح  
از میان این طایفه جهل بنیاد مرتفع گردید - و قاضی و معلم  
از سرکار خاصه شریفه معین گشتند - تا با اجرای احکام شریعت و تعلیم  
ادب عبادت پدید آزدند - و چون رایات جلال بحوالی گجرات پنجاب  
رسید - جمعی از سادات و مشایخ ان قصبه استغاثه نمودند - که  
برخی از کفار ناپکار حرایر و امای مومنه را در تصرف دارند -  
و چندی از بندان مساجد بتعدی در عمارات خود در آورده - بنابراین

شیخ محمود گجراتی که از رسمی دانش بهره ور است - و داروغگی مردم جدید اسلام برقرار - رخصت یافت - تا بعد از ثبوت نساء مسلمة را از تصرف کفار برآرد - و مساجد و عمارات آن ملائین جدا سازد - او مطابق حکم بعمل آورده هفتاد حرة و جاریه مومنه را از تصرف کفر فجرة برآورد - و هر جا که مسجدی در زیر عمارت هنوز در آمده بود بعد از تحقیق آن را افزای نمود - و زری از آنها بطریق جرمانه گرفته بدستور سابق مسجد ساخت - پس از آنکه این ماجرا بمسامع جلال رسید یرایغ قضا نفوذ صادر شد که بدستور قوم جنکو هر که مسلمان شود مسلمة را بعقد مسجد باو باز گذارند - و هر که از گمراهی و خرد تباهی پذیرا نشود معروض دارند - تا او را تادیب نموده اید - پس از ورود فرمان جمعی از سعادت یاری بدایه اسلام رسیده زنان مسلمة را بنکاح جدید متصرف گشتند - گمراهان دیگر را که ظلمت کفر پرده بر چشم آنها فروهشته بود و از ادراک این شرف محروم گردیدند تنبیه نموده زنان مومنه را از قید آنها باز داشتند - و بامر خانانی در عقد ازداج طبقه ناجیه اهل اسلام در آوردند - و حکم شد که در کل ممالک محروسه هر جا چنین واقع شده باشد بدین دستور عمل نمایند - چنانچه انان بسیار از دست کفار برآمده در نکاح مسلمانان در آمدند - و گروهی از کفار بقبول دین مبین از آتش دوزخ رهائی یافتند - و بتخانها منهدم گردید - و بجای آن مساجد بنا یافت - ایزد سبحانه مایه گران مایه این افتاب فلک خلافت و هدایت را بر جهان و جهانیان مبسوط داشته اعداب سراق عظمی و جلال او را باو تاد خلود منوط

گردانان - مدیر برکه بخاری را از تغیر سید عبد القادر مابک پوری  
 مدیر عدل اردوی گیهران پوی گردانیده بعنایت خلعت مرافراز  
 ساختند - و از آنرو که سید مذکور خود ترک منصب و اختیار  
 عزلت نموده بود ثانی الحال هر چند اظهار ندامت کرد سودمند  
 نیامد - و چون بعرض اشرف رسید که در نواحی کنته من اعمال  
 برگشته کاهون که از مضافات زمین جانوهه است و به نیله غازی  
 اشتها یافته مار خور و قوج بسیار است - به الله ویردی خان قراول  
 بیگی حکم فرمودند که با لوازم قمرغه بدان صوب بشتابند - و از  
 برگذات حوالی موضع مذکور جمعی کثیر فراهم آورده طرح قمرغه  
 اندازد - و خود نیز با شکوه آسمانی متوجه سید گاه مذکور گشتند -  
 و در اثنای ره نوردی بشکار نیله گاو و گورخر پرداخته دوازدهم جمادی  
 الاولی سرزمین کنته را مرکز ریات جهان پیما گردانیدند - و سه روز  
 متوالی بعشرت نخچیر اشتغال نموده از مار خور که بز کوهی باشد و  
 قوج کوهی و چهاره چار صد و بیست و چهار سید فرمودند - مار  
 خور شست و شش - قوج یکصد و شست و هفت - چهاره یکصد و  
 نود و یک - از انجمله پنجاه تا به تیر و تفنگ شکار خاصه شده بود  
 و تتمه را پادشاهزادهای والا تبار و نوینان عالی مقدار و قراولان  
 بامر شاهنشاهی سید کرده بودند \*

چهاردهم خانزمان از درشت خوئی و ازار جوئی پدر مفارقت  
 بسته باستلام عتبه فلک رتبه سر افتخار بر انراخت - در همین  
 تاریخ بعرض مقدس رسید که مهابتخان خانخانان بمرض بهکندر که  
 تازی زبانان ناسور خوانند و دبیرین رفیق او بود بساط زندگانی در

نورديد - معتمد خان تاريخ فوت او را كه نام قديمش زمانه بيگ بود  
( زمانه آرام گرفت ) يافته - بخان دوران صوبه دار مالوه فرمان شد كه  
بيالاهات شتافته تا تعيين شدن صوبه داری ازان مملكت خبردار  
باشد - و از سواران منصب او كه پنجهزاري پنجهزار سوار بود سه  
هزار سوار دو اسبه سه اسبه مقرر گرديد - رشيد خان انصاري باضافه  
هزار سوار بمنصب سه هزار سه هزار سوار و هريكي از احمد خان  
نيازي و مبارک خان نيازي از اصل و اضافه بمنصب دوهزار  
هزار و پانصد سوار فوازش يافتند - شادني بيگ ولد جانش بهادر  
بخطاب شادي خان و نور محمد عرب بخطاب عرب خان سربر  
افراختند - راجه جگت سنگه ولد راجه باسو زميندار كوه دامن  
كانگره از سرزمين خود آمده بتقديل استان عرش مكان دولت تازه  
اندوخت \*

هژدهم قمرغه گورخر نشاط افزاي خاطر اقدس گشت - اين  
جاندار كه بيشتر در دشت ممي باشد و هنگام تشنگي قطع مسافت  
بعيده نموده بآبشخور معين كه جز دران آب نخورد خود را مي  
رساند - در نواحي بهنهر كه بركنار دريائي بهت واقع شده بسيار  
است - و براي خوردن آب بدريائي مذكور مي آيد - الله ويرد بخان  
قراول بيگي بامر خافاني جمعي برگماشت كه هرگاه بوامطه آب  
رو بدريا آرد سرراه بگيرند تا از نيافتن آب از يلجا برگشته ناگزير به  
تنگنايي كه دران نزديكي است و اندك آبي دارد در شود بعد ازان  
مداخل و مخارج را مسدود گردانیده همه را بقيد در آورند - و چون  
تدبير خان مشارالیه مطابق خواهش بظهور آمد دامي كه براي

گرفتن وحوش ساخته آید بر دور کشیدند - و گیتی خدیو تشریف  
فرمودند - بیست شکار خاصه شد و چهل و سه بفرمان والا درازی فلک  
خلافت و اعیان دولت مید نمودند - و نتاج انرا حسب الحکم ملتزمان  
رکاب سعادت زنده بدست گرفتند \*

بیست و چهارم نجابت خان فوجدار کوهستان کانگره سعادت  
ملازمت دریافت \*

---

## آغاز سال هشتم

### از دور اول جلوس مقدس

روز پنجشنبه غره جمادی الثانیه سنه هزار و چل و چار مطابق  
دوم آذرماه سال هشتم از اورنگ آرائی خاقان زمین و زمان باعث  
امن امان نشاط افزای جهانیان و مسرت بخش عالمیان گردید •  
میوم وزیرخان صوبه دار پنجاب در نواحی دار السلطنه لاهور  
بادراک شرف ملازمت مستسعد گشت •

پنجم خاقان بیهمال بفروغ نیر اقبال دار السلطنه را منور ساخته  
مورد امن و امان گردانیدند - سابقا سرکار بیجاگر و سرکار ندر بار و  
بعضی محال سرکار هندیه که آنروی آب نریده است و نزدیک  
برهانپور داخل صوبه مالوه بود درینولا از پیشگاه خلافت فرمان شد  
که محال مزبوره چون از مالوه دور واقع شده از توابع صوبه خاندیس  
اعتبار نمایند - و باقی محال هندیه که اینجانب نریده است  
بدستور قدیم از مضافات صوبه مالوه انکارند - ولایت خاندیس  
و برار و دکن را که پیشتر یک صوبه دار بضبط و نظم آن می پرداخت  
دو حصه ساختند - یکی بالاگهات - دوم پایان گهات - صوبه داری  
بالاگهات که عبارتست از کل دکن که سرکار هولتباد و احمد نگر  
و پتن و بیر و جالناپور و جنیر و سنگمیدر و فتح آباد با توابع  
و مضافات باشد و لختی محال برار و تمامی تلنگانه و جمعش



يك ارب و بیست كرور دام بخانزمان تفویض فرمودند - و از سواران منصب او كه پنج هزارى پنج هزار سوار دوهزار سوار دو اسبه سه اسبه بود دوهزار سوار دیگر نیز دو اسبه سه اسبه مقرر نمودند - و او را بمرحمت خلعت خاصه و جمدهر مرصع با پهلكتاره و شمشیر مرصع و اسپ از طوبیله خاصه با یراق طلا و فیل از حلقه خاصه و ماده فیل سربلند گردانیده مرخص ساختند - و صوبه دارى پایان گهات را كه تمام خاندیس و اكنڈر ولایت برار باشد و جمع محال آن نود و دو كرور دام است بعهده خاندوران كه بنظم صوبه مالوه مى پرداخت مغوض نمودند - و با او خلعت و شمشیر مرصع و بسایر اصرای تعینات دكن خلعت مصحوب خان زمان فرستادند - و حكم شد كه از تعیناتیان دكن راجه جیسنگه و مبارز خان و راو ستر سال و جگراج با خانزمان در دولتآباد و راجه بهار سنگه بندیله و مادهو سنگه هادا و نظر بهادر با خان دوران در برهانپور باشند - و غیر اینان را هر دو سردار باتفاق یکدیگر باخود بگیرند - مبارز خان باضافه پانصدی پانصد سوار بمنصب سه هزار و پانصدی سه هزار و پانصد سوار سرفراز گردید - الله ویرد بخان قراول بیگی بخامت خاصه و صوبه دارى مالوه از تغیر خان دوران و باضافه هزارى ذات و دو هزار سوار بمنصب چار هزارى ذات و چار هزار سوار و بعنایت اسپ با زین مطلا و فیل مقتخر گشته از پیشگاه حضور رخصت یافت - اسحق بیگ زور آبادی خویش یادگار حسین خان بخدمت بخشىگری و واقعه نویسی صوبه پایان گهات و محمد رشید کابای بخدمت دیوانى آن صوبه سرفراز گشتند - غازى بیگ بخدمت بخشىگری و واقعه نویسی

پنجاب بلند پایه گردید - خواجه جهان خوانی که از دیرین بندهای  
والا درگاه است و بزیارت اماکن شریفه رفته بود دولت ملازمت  
دریافته نه اسپ عربی پیشکش نمود \*

هفتم پادشاهزاده والا گهر محمد شاه شجاع بهادر از دکن بدرگاه  
خواقین پناه آمده پساعات ملازمت مستعد گشتند و هزار مهرنذر  
گذرانیدند - جگجیون ولد اوداجیرام بمنصب سه هزار سوار  
که مهابتخان تجویز نموده بود نوازش یافت \*

نهم خدیو خدا آگاه بروضة منوره سریر آرای جنان حضرت جنت  
مکانی تشریف فرموده بعد از ادای اداب زیارت بعطای مبلغ  
ده هزار روپیه دامن امید سدن آن مکان فیض نشان و دیگر ایزدی  
نیازمندان و بینوایان بر آوردند - بختیار خان دکنی بخدمت  
فوجداری لکھی جنگل و تهارة که در تیدول او نیز مقرر گشت از  
تغییر سزاوار خان واد لشکر خان مباهی گردید - و سزاوار خان  
بمرحمت خلعت و اسپ سربلند گشته بجایگزین خود که در حدود دکن  
تن یافته مرخص شد \*

دهم محمد علی کامرانی از اصل و اضافه بمنصب هزار  
نات و پانصد سوار سرافرازی یافت \*

پانزدهم راجه جگت سنگه را بتهانه داری بنگش مابین و تنبیه  
مفسدان الوس ختک که دران مرز و بوم اقامت دارند و عنایت  
خلعت و خنجر مرصع و اسپ با زین نقره سرافراز ساختند \*

بیست و ششم منزل یمین الدوله بفر قدوم اشرف مورد سعادات  
گردید - یمین الدوله بمراسم پا انداز و نثار پرداخته پیشکشی از

جواهر و مرصع آلات و اقدشه نفیسه و مراکب باد پیدما بنظر انور  
در آورد و آن بشرف پذیرائی رسید - اعلی حضرت تمام روز در انجا  
بعشرت و انبساط گذرانیده شامگاه بدولتخانه والا معاودت فرمودند \*  
بدست و نهم امر سنگه ولد راجه گجسنگه باضافه پانصدی  
دویست سوار بمنصب دو هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و  
بعنايت علم و اسب و فیل - و از اصل و اضافه لطف الله ولد لشکر  
خان بمنصب هزارى هشتصد سوار سرافراز گشتند \*

سیوم رجب پادشاهزاده عالی قدر محمد اورنگ زیب بهادر  
را که پانصد روپیه روزیانه داشتند بمنصب ده هزارى ذات و چهار  
هزار سوار و علم و نقاره و تومان طوغ بلند پایگی بخشیده فرمان  
دادند که بعد ازین خیمه سرخ برای آن گوهر اکلیل سلطنت برپا  
میکرده باشند \*

هشتم خدیو خدا آگاه بکاشانه فیض آشیانه پیشوای ارباب  
مغوت و صفا - رهنمای اصحاب معرفت و تقی - قدوة حق  
شناسان صافی ضمیر - میان میر - که پیشتر نیز بقدم سعادت لزوم  
مهبط انوار گشته بود - تشریف فرموده بگذارش بسا دقایق حقایق  
و غوامض معارف باعث اشراح صدور و انبساط قلب آن زاویه  
نشین تجرد گزین گشتند \*

بدست و درم پادشاه درویش نواز کلبه سالک مسالک شرع  
مبدین شیخ بلاول را بشرف ورود میمنت آمود بار دیگر رونق بخشیدند  
و مبلغ دو هزار روپیه عنایت نموده مراجعت فرمودند \*  
بدست و چهارم تربیت خان که برسم سفارت نزد نذر محمد

خان والی بلخ رفته بود به تلذیم عتبه کیوان مرتبه رخ برافروخته  
چهل و پنج اسب و چهل و پنج شتر نر و ماده و برخی چینی آلات  
وقالی و نمد و دیگر اشیا بر مبدل پیشکش گذرانید - ازان میان  
چیزی که طبیعت اشرف را منبسط ساخت - مصحفی بود بخط  
شاد ملک خانم بنت سلطان محمد بن جهانگیر میرزا بن  
حضرت صاحبقران که بخط و بحان در کمال حسن و لطافت نوشته  
در خاتمه اسم و نسب خود بر قاع رقم نموده - و خان مشار الیه  
آن را در بلخ بدست آورده بود \*

بیدست و ششم خافان مهربان برای سر بلندی وزیر خان صوبه دار  
پنجاب منزل اورا که بتنازگی مرتب ساخته بود بورود اقدس مزین  
گردانیدند - او بعد از اقامت رهم با انداز و نثار پیشکشی از مرصع  
آلات و طلا آلات و اقمشه عراق از زربفت و جزان و امتعه گجرات و  
تخت روان زرین که پنجاه هزار روپیه قیمت داشت و پنجاه  
اسب عراقی گذرانید - از جمله اشیا مذکوره متاع دولک روپیه  
عز قبول یافت \*

شب بیدست و هفتم که لیلة المعراج بود ده هزار روپیه مقرر  
باهل استحقاق عنایت شد \*

غره شعبان منزل یمین الدوله آصف خان شرف قدوم خاقان  
سلیمان مکان رشک جنان گردید - یمین الدوله پهن از ادای رسم  
با انداز و نثار پیشکشی از جواهر و مرصع آلات و اقمشه نفیسه بنظر  
کیمیا اثر در آورد \*

## گذارش جشن شمسی وزن

روز سه شنبه سیوم مطابق چارم بهمن جشن فرخنده شمسی وزن انتهای سال چل و سیوم و ابتدای چل و چارم از عمر ابد اتصال خاقان با فر و اقبال که پرتو مهر عاطفش گیتی افروز باد - در عمارت برج دولتخانه دار السلطنت ترتیب یافت - و باآئین هر سال ان سریر آرای خلافت بطلا و دیگر اشیای معهوده بر سخته آمد - فضلا و شعرا و ارباب تنجیم بعطای زر سرخ و سفید کامروای گشتند - و اهل نغمه و طرب کامیاب - درین روز سعید خان صوبه دار کابل شرف ملازمت اندوخته هزار اشرفی نذر گذرانید - و عبد القادر پسر احداد را که مایه فساد الوس افغانه راه کابل بود - و بمساعی جمیده خان مومنی الیه از اعمال نکوهیده خودش نادم گشته طریق خدمتگاری پیش گرفته بود - همراه آورده بدولت زمین بوس رسانید - شهنشاه بنده پرور سعید خان را مشمول عواطف ساخته باضافه هزاری ذات بمنصب پنج هزاری چار هزار سوار سه هزار سوار دو اسبه سه اسبه بلند پایه بگردانیدند - و هریکی از میرابراهیم رضوی و راجه روز افزون باضافه پانصدی دویست سوار بمنصب دوهزار سوار - و تربیت خان بمرحمت خلعت و اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و بخدمت آخته بیگی از تغیر مرشد قلی خان - و هر کدام از اصالت خان و خلیل الله خان و عرب خان و جمالی بمنصب هزار و پانصدی هشتصد سوار - و نخستین بعطای خلعت و خدمت

بخشیگری احدیان از تغیر عبد الرحمن ولد صادق خان - و مغل خان  
 ولد زین خان بمنصب هزار و پانصدی هفصد سوار - و عثمان روهیلہ  
 عم بہادر خان بمنصب هزار پانصد سوار سرافراز گشتند - مہیس  
 داس راتھور کہ سابقاً نوکر مہابتخان بود بمنصب پانصدی چار صد  
 سوار نوازش یافت - از سوانح جنوبی ممالک کہ درینولا بعرض ارفع  
 رسید آنکہ چون مہابتخان خانخانان کہ نظم مملکت دکن برو مقرر بود  
 ایام زندگی بسر آورد ساهوی سیاه رو و گروہی دیگر از مخاذیل  
 بی نظامیہ فرصت غنیمت شمرده دست تطاول بمحال نواحی  
 دولتآباد کہ قلعه دارمی آن بمرتضی خان منوط بود دراز گردانیدہ شروع  
 در تحصیل زر نمودند - درین اثنا خان دوران از مالوہ خود را بہ برہانپور  
 رسانید - و مادھوسنگہ و میر فیض اللہ را کہ بمحافظت آن بلدہ  
 گذاشته با راجہ جیسنگہ و مبارز خان و جگراج بندیلہ و اکرام خان  
 و حکیم خوشحال بخشی و واقعہ نویس و باقی بیگ اوزبک و غیر  
 ایذان - و از دکنیان مالوجی و پرسوجی برای استیصال مفسدان  
 تباہ اندیش و قلع بنیاد بدراہہ روان ضلالت کیش برہ نوریدی  
 در آمد - و روز پنجم بظفر بکر رسید - و دران مکان توقف مصلحت  
 ندیدہ در عرض سہ روز بکھرکی رفت - و چون دریافت کہ مقہوران  
 از اجتماع این خبر از حوالی دولتآباد برخاستہ جانب رامدودہ  
 راہی گشتہ اند بدولتآباد شتافتہ یکروز مقام نمود \*

نوزدہم ماہ مذکور بہ رامدودہ آمد - و پایان شب بیستم از پنج  
 سوار شدہ پسر از سپری گشتن یک و نیم پھر روز بکنار آب بان گنا  
 رسید - درینوقت خبر آوردند کہ مردودان بصوب سیوگانو رفتہ اند -

لهذا متوجه آن طرف گشته آخرهای روز داخل ساوگانوند - و به ترتیب صفوف پرداخته خود در قول جایی گرفت - و راجه جیسنگه را هراول ساخت و بر انغار و جرانغار بدیگر مردان کار و دلیران کارزار استحکام داد - و با آنکه وقت تنگ بود بدفع گروه خسارت پژوه که از ساوگانو دوکروه پیش رفته برگذار نهر فرود آمده بودند رو آورد - مقاهیر بمجرد دیدن اعلام نصرت فرجام هراسان شده گریزان گشتند - بهادران نصرت مند چون ظلمت شب افاق را در گرفت تعاقب نموده همانجا منزل گزیدند - و اواخر شب بسمت امراپور راهی گشتند - بعد از رسیدن اینجا دریابند که مقهوران باراد که از راه کوتل موهری بالای گهات برآیند - بنه و بار خود را از گهات مانک دوده بصوب قلعه جزیروانه کرده اند - بنابراین بگهات مانک دوده شتافته خود را به بنه و بار ضالالت پیشگان رسانیدند - ازین طایفه جماعه بالابر آمده بودند - و گروهی بحراست و پاسبانی اسباب اشتغال داشتند - اینان لختی پای ادبار فشرده بکارزار پرداختند - باشد که بقیه مردم اینها نیز فرصت یافته فراز گهات توافد رسید - مبارزان لشکر فیروززی جوقی از شقاوت منشان را علف تیغ خونریز ساخته همگی اسباب و قریب هشت هزار گاو غله و گادی چند که بران اسلحه و بان بار بود بغارت برده نزدیک سه هزار آدم اسیر گردانیدند - خان دوران غنایم را بلشکر قسمت نموده از اینجا بموضع پاتهری و از پاتهری بقلعه احمد نگر آمد - و خاطر از سر انجام آذوقه و حراس قلعه فراهم آورده جانب پتن حرکت نمود - دریغولا چون آگاهی یافت که خانزمان بدولت آباد

راهی گشته است - تعیناتیان بالایی گهات را نزد خانزمان فرستاده  
به برهانپور که ضبط و ربط آن بعهده او مقرر بود برگشت •  
پنجم منزل علامی افضل خان که بتازگی در دار السلطنت بنا  
نموده بود بورود اقدس سعادت آمود گردید - علامی بعد از تقدیم  
مراسم نثار و پاندا از پیشکشی از جواهر و مرصع آلات و اقمشه نفیسه  
بنظر اقدس در آورد - شهنشاه قدردان از رفور عاطفت و شمول  
عنایت شرف قبول بخشیدند و ده هزار روپیه نثار بعبد القادر پسر  
احدای که درینوقت کامیاب سعادت حضور بود انعام فرمودند •

## رکضت موکب اقبال از دار السلطنت بدار الخلافه اکبر آباد

هفتم در ساعت مختار ستاره شماران باریک بین رایدات  
عالیات بصوب دار الخلافه اکبر آباد نهضت نمود و چون پادشاه  
زاده نیک اختر مراد بخش آبله بر آورده بود حکم شد که تا حصول  
صحت در دار السلطنت توقف نماید - و ستمی الذمها خانم را برای  
خدمت آن والا گهر همانجا گذاشتند - وزیر خانرا بعنایت پادشاهی  
مفتخر ساخته از نخستین منزل بجهت معالجه مرخص گردانیدند  
سعید خان را بخلعت و جمدهر مرصع با پهلکتاره و اسب از طویله  
خاصه با یراق طلا و فیل از حلقه خاصه سربلند گردانیده بصوبه کابل  
که نظم آن بعهده او بود - و نجابت خان را بخلعت خاصه و فیل  
فرق مباحات بر افراخته بمحالی که در فوجداری او مقرر بود -  
دستوری دادند - و عبد القادر پسر احدای را بعطای خلعت و



شمشیر و منصب هزارگی ذات و ششصد سوار نوازش فرموده با  
سعید خان - و پرتویی چند زمیندار چینه را بخلعت و امپ سرافراز  
ساخته با نجابت خان - رخصت نمودند - شیخ موسی گیلانی  
بخدمت دیوانی پنجاب سرافرازی یافت \*

شب پانزدهم ده هزار روبیه مقرر بارباب استحقاق  
عطا فرمودند \*

هفدهم پادشاهزاده عالی نسب مراد بخش که بعد از حصول  
صحت از دار السلطنة روانه درگاه معلی شده بود بسعادت ملازمت  
مستبعد گشت \*

بیست و هشتم ظلال جاه و جلال بر ساخت شهرند گسترده باغ  
حافظ رخنه را که هنگام توجه موکب اقبال از دار الخلافه اکبر آباد  
بصوب پنجاب نیز مورد برکات گشته بود بنزول اقدس آرایش  
بخشیدند - و بمنازل بیرون باغ که بحکم جهان مطاع برکنار تالاب  
مهیا شده بود تشریف برده - و تصرفی چند شگفت افزای دوربینان  
زرف نگاه بخاطر غیب دان آورده - میرعلی اکبر کروری شهرند را  
فرمان دادند - که مطابق طرح جدید بانجام رساند \*

دوم ماه رمضان شاه آباد معسکر اقبال گردید - اسلام خان را با  
سردار خان و دین دار خان و شیخ فرید ولد قطب الدین خان و  
سید عالم باره و اصالت خان و لطیف خان نقشبندی و قلعه دار  
خان و سید لطف علی و گروهی دیگر از دلیران کارزار که مجموع  
قریب هفت هزار سوار بود تعیین فرمودند که پیشتر خود را بدار  
الملک دهلی رسانیده از آب چون عبور نماید - و متمردان ان

روي آب را که سنگ راه مترددین اند مالش دهد - تا از اعمال  
نکوهیده خویش باز آمده به بیراه نه گرایند - و مقرر شد که مقرب  
خان دکنی جاگیردار سنبهل نیز با این فوج همراه بوده در برگردن بیخ  
مفسدان سعی بجای آورد - و شایسته خان خلیف یمین الدوله با  
دو هزار سوار از تایلند پدر - و اختیار ولد مبارز خان - و چندی دیگر  
از منصبداران که همه قریب پنجهزار سوار بودند معین گردید که  
بدار الملک دهلی رسیده باتفاق باقر خان صوبه دار آن ملک بدفع  
گمراهان این روی آب به پردازد - راجه دیپی سنگه باضافه پانصدی  
ذات بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار سر بلند گردید \*

پنجم از نواحی بوریه قرین هزاران میمنت و اقبال بر کشتی  
نشسته سیرکنان و صید افکنان روانه گشتند \*

یازدهم حوالی کیرانه را که مسقط الراس مقرب خان جراح  
است بنزول اشرف فروغ آگین ساخته از ذره پرورجی عمارت و باغ  
اورا که برگذار آب جون ترتیب داده سیر فرمودند - مقرب خان  
برسم پا انداز و نثار پرداخته جواهر و مرصع آلات و غیره که در عمارت  
باغ چیده بود از نظر انور گذرانید - خاقان پرورده نواز پذیرفتن لختی  
آن دیرین بنده را سرمایه افتخار بخشیدند \*

چهاردهم سید شجاعت خان که از دکن برگشته باقطاع خود رفته  
بود دوامت ملازمت دریانت \*

پانزدهم ظاهر شهر سعادت بهر دهلی مورد رایات نصرت آیات  
گردید - و سراق پادشاهی در نورگده برافراخته آمد صباح آن بمنار  
فیض آثار حضرت جنت آشیانی تشریف برده بجهت ترویج روح

آن عرش مکان پنجهزار روپیه بخدم آستان مدره نشان و دیگر  
روزگار شکستگان و اهل استحقاق که دران رضوان کده به ایند پرستی  
اشتغال دارند عزایت نمودند \*

هفدهم ماه مذکور اکثر اسرای اردو را در دهلی گذاشته با پادشاه  
زادهای عالی تبار و چندی از ارکان سلطنت پایدار و عمله شکار  
بصیدگاه پالم متوجه گشتند - چار روز دران سرزمین مسرت آگین  
خاطر اقدس بعشرت نخچیر منبسط گردید - و جاندار بسیار صید  
شد - چنانکه در یک روز چهل آهوی سیاه بتفنگ خاص بان که  
هنگام توجه بکشمیر نیز بهمان تفنگ بعدد مذکور زده بودند شکار  
خاصه گشت \*

بیست و دوم بدار الملک دهلی مراجعت فرمودند - و از انجا  
بدار الخلافه اکبر اباد متوجه گشتند \*

بیست و پنجم در سیوم منزل از دار الملک بعرض اشرف رسید  
که درین نواحی شیری چند در بیشه بنظر درآمده - پادشاه شیرشکار  
عنان بکران بدانصوب منعطف ساخته شش قلاده شیر که سه ازان  
نر بود و سه ماده بتفنگ شکار فرمودند - و چهار شیر بچه را گرز  
برداران زنده بدست گرفتند - درین هنگام که طبیعت والا بذشاط  
صید و شکار انبساط داشت - روز جمعه بیست و ششم رمضان سنه  
هزار و چهل و چار مطابق بیست و ششم امفندیار که مقام سلطان  
پور نیز اعمال پرگنه بلول معسکر اقبال گشته بود بمسامع بشایر  
مجامع رسید که پس از سپری شدن دو ساعت و ربع از پاس اول  
روز مهین خلافت را از دختر نیک اختر سلطان پریز گرامی فرزند

بوجود آمد که جبین خورشید آئینش مرآة جلایل اثار است - و  
 ناصیه سعادت قرینش لوحه نبایل اطوار - از وصول این بشارت  
 فرمان شد که نقاره شادمانی بنوا در آورند - صدای سرور بگنبد  
 آسمان در پیچید - و آوای تهذیب از آسمان بزمین رسید \*

بیست و هفتم مابین موضع منهوی و بجوای در اثنای راه  
 نورایی خبر شیر یافته بسمت بیشه که مکان آن جاندار جان شکر  
 بود متوجه گشتند - و چار شیر دو نر و دو ماده بتغذی شکار کرده  
 مراجعت نمودند \*

سیم منازل که بفرمان قدر توان نزدیک بگهات سامی بر گزار  
 دریای جون تازه اساس یافته بود بفرزول اقدس آراسته شد - و پادشاه  
 زاده جوان بخت محمد دارا شکوه که بواسطه ولادت فرزند سعادت  
 پیوند در سلطان پور از رکاب مقدس باز مانده بودند بادراک  
 دولت ملازمت مستسعد گشتند - و هزار مهر بر سبیل نذر گذرانیده  
 التماس نام نمودند - خلیفه الهی آن نوباره ریاض سلطنت را  
 بسلیمان شکوه که از اتفاقات حمده بتکرار یکبار تاریخ ولادت نیز  
 می شود موسوم گردانیدند - درین روز عبد الله خان بهادر فیروز  
 جنگ صوبه دار بهار که بحکم خاقانی برای تغذیه زمیندار رتن پور  
 رفته بود با مرزبان آنجا بابو لچهن نام و دیگر زمینداران آن نواحی  
 و غنایمی که درین یورش بدستش افتاد بتقدیل عتبه فلک رتبه  
 مهر بر افراخت - و هزار اشرفی نذر ملازمت و هزار دیگر که بجهت  
 انصراف این مهم نذر نموده بود بنظر اکسیر اثر در آورد - نبذی  
 از ترددات خان مشار الیه که درین مهم ازو بوقوع آمده بر می

نگار - چون عبد الله خان بهادر چهار گروهی کتل بهایی که قریب  
 شصت گروه از رتن پور این طرف واقع است رسید راجه امرسنگه  
 مرزبان باندھو با جمعیت خود بار پیوست - و قرار یافت که تکیه  
 بر حفظ ایزدی و انبال شاهنشاهی نموده بر کتل مذکور برآیند -  
 و همین که دلیران شجاعت دثار رو بکتل نهادند زمیندار آن  
 سرزمین که امباب خسران آماده میداشت با گروهی از فتنه‌گرایان  
 سر کتل را گرفته به تیر و تفنگ ابواب ممانعت کشود - فیروز جنگ  
 با همریان پیش رانده جمعی کثیر از مقامیر را روانه جهنم گردانید -  
 بقية السیف جز فرار چاره ندیده در حصار تینوتهر که شمال رویه  
 کتل میان جنگل در نهایت حصانت و متانت است و از تراکم  
 اشجار و تشابک اغصان گذار باد بران دشوار - متحصن گشتند -  
 خان از عقب شتافته حصار مذکور را سرسواری مفتوح ساخت - و  
 خسارت زدگان بد سگال را که در قلعه در آمده از استیلا مبارزان  
 فیروزی مآل اکثر عیال خود را سوخته دل بنیستی گذاشته بودند  
 بقتل رسانید - و زنان و فرزندان جمعی که جوهر نکرده مقتول  
 گشتند باسیری گرفت - و دوسه روز توقف نموده سر کتل را که  
 عبور اردو ازان متعذر بود آن چنان هموار گردانید که اراپهای  
 توپخانه در کمال سهولت گذشت - و ازانجا که راهی گشته استیصال  
 بابو اچهن زمیندار رتن پور پیش نهاد همت ساخت - و ازانچه  
 بر متحصنان حصار تینوتهر رفت خایف گشته بوساطت راجه  
 امرسنگه کسان نزد فیروز جنگ فرستاده از روی عجز و استکانت  
 اظهار اطاعت و ابراز تبعات نمود - و پیغام داد که خانرا دیده

کمیت پیشکش پادشاهی مقرر سازد - خان مزبور سند رکب رای را که از درگاه گیتی پناه نزد او رفته بود با یکی از معتمدان راجه امرسنگه برای استمالت او فرستاده خود از عقب کوچ بر کوچ بدانصوب روانه گردید - بابو لچهن بمجرد رسیدن سند رکب رای برای دیدن عبد الله خان بهادر راهی شد - و سه فیل با خود آورده فیروز جنگ را دریافت - و نه فیل و دو لک روپیه نقد پیشکش قبول نموده مقرر کرد - که در عرض بیست و پنج روز سرانجام داده همراه فیروز جنگ روانه درگاه عرش اشتباه شود - در همین تاریخ اسلام خان و شایسته خان که بواسطه مالش ضلالت پیشگان و وجانب آب جون دستوری یافته بودند - و بسیاری از دیو طغیتان در طبیعت را علف تیغ خونریز گردانیده اهل و عیال و مواشی آن گزوه ادبار پڑوه فزون از حد و شمار بدست آورده جاهای استوار را از بیخ برکنده بودند - شرف آستان بوس دریافتند - و مقرب خان تیولدار سنبهل و باقرخان صوبه دار دار الملک دهلی که رفیق اینان بودند باستلام سده سنیه مفتخر گشتند - سید خان جهان ناظم دار الخلافه اکبر آباد و اعتقاد خان و لشکر خان و راجه پتهلداس و راجه امرسنگه زمیندار بادهو و احمد بیگ خان و شیخ فرید و مکرمت خان و زبردست خان و غیرت خان برادرزاده عبد الله خان بهادر و میر عبد الکرم بخشی و داروغه عمارت دار الخلافه و غیر اینان که از انجمله چندی در دار الخلافه اقامت داشتند و برخی از اطراف آمده بودند نیز درین منزل با دراک سعادت ملازمت کامیاب گشتند - درین ماه مبارک سی هزار روپیه مقرر بارباب استحقاق و اصحاب احتیاج رسید •

## نگارش جشن نوروزی

درین هنگام که ابواب شادمانی بر روی روزگار کشاده است - و  
 روزگار صلاهی عشرت بدور و نزدیک داده - انجمن آرای جهان صورت  
 فروغ افزای عالم ظاهر - رنگ آمیز ریاحین و ازهار - حلی بند  
 بساتین و اشجار - یعنی خسرو سیارگان - در نهم ساعت فیض  
 اشاعت از شب چهار شنبه غره شهر شوال بسنه هزار و چهل و چار  
 لوی اعتدال در برج حمل بر افراخت \* شعر •

باد شبگیري نسیم آورد باز از نوبهار  
 ابر نو روزي علم افراخت باز از کوهسار  
 آن چو پیکان بشارت بر شتابان در هوا  
 دین چو پیلان جواهر کش خرامان در قطار  
 گه معطر خاک دشت از باد کافوری نسیم  
 گه مرصع سنک کوه از ابر مروارید بار

چون ساعت دخول موکب جهان کشا بدار الخلافت و جلوس میمنت  
 مانوس فرازنده تاج کشورستانی - براننده سریر جهانبدانی بر تخت  
 مرصع که بفرمان والا تازه انجام پذیرفته - و کیفیت و کمیت آن  
 گذارش خواهد یافت روز جمعه سیوم شهر شوال مطابق سیوم فروردین  
 مقرر شده بود - خاقان بر و بحر تا رسیدن ساعت مختار منازل  
 کهات سامی را به توقف گرامی آرایش بخشیده روز عید فطر که  
 باقدران نوروز مزده شادمانی بر شادمانی میسرسانید بمسرت و کامرانی  
 گذرانیدند - و بامر پادشاهی کار پردازان بارگاه سلطنت پیش ایوان

رفیع بنیان دولتخانه خاص و عام و دار الخلافت امپری از مخمل  
 زربفت که صنعت گران و هنروران گجرات انواع صنایع دران بکار برده  
 بودند - و بیک لک روپیه مهیا گشته - و سایبانهای مخمل زربفت  
 بستونهای طلا و نقره برافراخته - بسطهای زرین و فرشهای رنگین  
 گسترده - و بر دور تختگاه که زیر اسپک برای آن سرپر عرش نظای  
 آماده شده بود محجر طلا کشیده اورنگ مذکور را که زینت افزای  
 روزگار است و در عهد سلطنت هیچ یکی از خواقین بالیه چندین  
 تختی بروی کار نیامده در وسط آن گذاشتند - و شامیانة زرنگار  
 مسلسل مروارید که یمین الدواة مبلغ یک لک روپیه بران صرف  
 نموده با چهار ستون طلایی مرصع پیشکش کرده بود پیش تخت  
 برپا ساختند - و اطراف سرپر چترهای مرصع با غلاف مروارید و  
 دور مسلسل مروارید و تختها و کرسیهای طلای میناکار و ساده و  
 خرگاه های سیمین با پوشش زردوزی قرینه یکدیگر نصب نمودند -  
 و در و دیوار دولتخانه خاص و عام را بمخمل طلا بان و نقره بان  
 گجراتی و زربفت عرانی و دیدهای رومی و چینی و پردهای  
 فرنگی آذین بستند \*

الحال لختی از چگونگی تخت و سبب ساختن آن

برگزارة زبان خاصه را جواهر ریز میگرداند

چون بمرور ایام - و کرور اعوام - اقسام جواهر ثمینه که هریک  
 شایسته گوشواره ناهید - و کمربند خورشید است در جواهر خانه والا  
 فراهم آمده بود - در آغاز جلوس مقدس بر ضمیر الهام پذیر منطبق  
 گردید که از تحصیل چنین تحف غریبه و نگاهداشتن ازین نغایس



عجیبه مطمئن نظر دوربین حزن دولت آرائی و زینت افزائی امری دیگر نیست. بهر درجائی بکار باید برد که هم تماشاگران از حسن جهان افروز این نتایج بحس و کن بهره بگیرند - و هم کارگاه سلطنت را فروغی تازه پدید آید - حکم شد که سواهی جواهر خاصه که در جواهر خانه مشکوی میوه مثال می باشد از قسم لعل و یاقوت و الماس و مروارید قیمتی و زمرد که دو صد لک روپیه قیمت آنست هرچه در تحویل خانزمان بیرون است از نظر اظهار بگذارند - و جواهر نمیده گران سنگ را که پنجاه هزار مثقال است و مبلغ هشتاد و شش لک روپیه بهای آن شده بود انتخاب نموده به بی بدلخان داروغه زرگر خانه حواله فرمودند تا بیک لک توبه طلایی ناب که دوصد و پنجاه هزار مثقال است و مبلغ چهارده لک روپیه قیمت آن تختی بطول سه گزور بعی و عرض دو نیم گز و ارتفاع پنج گز سرکاری نموده بجواهر مذکوره ترصیع نماید و مقرر شد که سقف آنرا از درون بیدستور میذاکار و تختی مرصع و از بیرون بلعل و یاقوت و جز آن مرصع مغرق ساخته بزمردین اساطین دوازده گانه بر افرازد - و بالای آن دو پیکر طاووس مکمل بزواهر جواهر و در میان هر دو طاووس درختی مرصع بلعل و الماس و زمرد و مروارید تعبیه کند و برای عروج سه پایه نردبان مرصع بجواهر آبدار ترتیب دهد - در مدت هفت سال این تخت عرش مثال بمبلغ صد لک روپیه که سه صد و سی و سه هزار تومان عراق و چهار کورخانی رایج ماوراء النهر است صورت اتمام یافت - از جمله یازده تخت مرصع که بر دور آن برای تکیه نصب نموده اند تخت میدانی که خاقان سلیمان مکان بران دست حق پرست گذاشته تکیه زده می نشینند ده لک روپیه

قیمت دارد - از جواهری که درین تخته نشانده اند اعلی است در  
وسط آن بقدیمت یک لک روپیه که شاه عباس والی ایران مصحوب  
زنبدیل بیگ برسم ارمغان نزد حضرت جنت مکانی ارسال داشته بود  
آنحضرت در جلدوی فتح دکن بخاقان ممالک ستان حضرت  
صاحبقران ثانی بدست علامی افضل خان بدکن فرستاده بودند -  
نخست اسم سامی قطب الملک و الدین حضرت صاحبقران ثانی و  
میر شاه رخ و میرزا الخ بیگ بران منقوش بود - بعد از آنکه بانقلاب  
ایام و انقضای اعوام بدست شاه عباس افتاد او نیز نام خود را بران  
مرتسم گردانید - چون بحضرت جنت مکانی رسید نام سامی خود را  
با نام سامی پدر بزرگوار بران نکاشتند - اکنون باسم گرامی پادشاه  
هفت اقلیم شهنشاه تخت و دیهیم آب و تاب تازه و زیب و زینت  
بی اندازه دارد بامر خاقانی این مثنوی حاجی محمد جان قدسی  
که ختمش بر تاریخ است بمینای سبز درون تخت کتبه نموده اند

#### \* مثنوی \*

زهی فرخنده تخت پادشاهی \* که شد سامان بتائید الهی  
فلک روزی که میکردش مکمل \* زر خورشید را بگداخت اول  
بحکم کار فرما صرف شد پاک \* بمینا کاریش مینای افلاک  
جز این تخت از زر و گوهر چه مقصود \* وجود بحر و کان را حکمت این بود  
زیاقوتش که در قید بها نیست \* لب لعل بتانرا دل بجا نیست  
برای پایه اش عمری کشیده \* گهر افسر بهر خاتم بدیده  
بخرجش عالم از زر شد چنان پاک \* که شد از گنج خالی کیسه خاک  
رساند گر فلک خود را بدابش \* دهد خورشید و مه را زو بمالش

•

سرافرازی که هر بر پایه اش سود \* ز گردون پایه بر تخت افزود  
 خراج بحر و کان پیرایه او \* پناه عرش و کرمی سایه او  
 ز انواع جواهر گشته الوان \* چراغ عالمی هر دانه آن  
 در اطرافش بود گل‌های می‌دانه \* فرزنان چون چراغ از طورسینا  
 چو می‌کرد از فرازش کوتاهی دست \* نگین خویش چه بر پایه اش بست  
 شب تار از فروز لعل و گوهر \* تواند صد فلک را داد اختر  
 دعد شاه جهان را بوسه بر پای \* ازان شد پایه قدرش فلک‌سای  
 کند شاه جهان بخش جوان بخت \* خراج عالمی را خرج يك تخت  
 خداوندی که عرش و کرسی افراخت \* تراند قدرتش تختی چندین ساخت  
 اثر بانیست تاکنون و مکل را \* بود بر تخت جاشاه جهان را  
 بود تختی چندین هر روز جایش \* خراج هفت کشور زیر پایش  
 چو تار بخش زبان پرمید از دل \* بگفت اورنگ شاهنشاه عادل  
 دیگری این تاریخ یافته - ( سریر همایون صاحب قرانی )  
 هرگاه مدار مدارچ اطرا - و می‌دانی مراتب ثنا - بر تشبیه  
 و نظیر باشد و اشباه و امثال این سریر بی نظیر را در کارخانه ایجاد  
 خلعت وجود نداده باشند - در توصیف آن انشا پر دژان بلاغت شعار  
 و مدح طرازان فصاحت دثار را با آنکه خامه معجز نگارشان در اعجاز  
 نگاری یدطوای دارد جز شرمساری نصیبه نیست - نگزیر بر خفاف  
 گروهی از سخن وران کوتاه بین که کار مشکل ستایش این اورنگ  
 جهان‌نمایی را آسان پنداشته سجلی بر نادانی خود نگارش نموده اند  
 عذران گگون تبرک گام گردون خرام خامه را از قطع این بیدان بیکر  
 باز کشیده بر سر وقایع نویسی که شیوه این محامد گزار است می‌رود \*

شهنشاه دوران با فرایندی روز مبارک جمعه از دولتخانه گهات  
برکشتی روانه مستقر سریر خلافت گشتند - و بارگاه حشمت  
را بنور الهی برافروخته در آغاز ساعت دوازدهم که انوار سعادت  
ازان تابان بود بر اورنگ فلک رفعت جلوس فرمودند - ابواب سلوت  
و خرمی کشاده شد - و اسباب عشرت و بیغمی آماده - محفل انس  
بآئین تازه بسان خلد برین زینت بی اندازه یافت - دست گهربار  
خاتان کشور ستان که در بزم و رزم زرافشان و سرافشان باد جیب و  
دامن روزگار مملو گردانید \*

\* بیت \*

در رزم بدست آرد و در بزم ببخشد \* ملکی بسواری و جهانی بسواری  
طنطنه رود و سرود بعیوق رسید - و زمزمه دعای اصحاب عمایم از  
چرخ هفتم بگذشت - اسمان بزبان حال بدین مقال مترنم  
گردید - که \*

\* شعر \*

ای گهر تخت بخاتم ترا \* دور شهنشاهی عالم ترا  
گوش فلک باز پی کوس تست \* تخت هوا خواه قدم بوس تست  
نخستین مهین اختر برج اقبال پادشاهزاد \* تخت بیدار محمد دارا  
شکوه را خلعت خاصه با نادری که گریبان و دور آستین و دامانش  
مروارید نگار بود - و دولک روپیه نقد - و بهر کدام از گوهر درج جهانبانی  
پادشاهزاد \* محمد شاه شجاع بهادر - و نیز اوج کامرانی پادشاهزاد \*  
محمد اورنگ زیب بهادر - خلعت خاصه با نادری و یک لک و پنجاه  
هزار روپیه - و بسرو جویبار سلطنت پادشاهزاد \* مراد بخش - خلعت  
و نادری و یک لک روپیه عنایت فرمودند - پس ازان یمین الدوله  
آصف خان را به خلعت خاصه با چارقب زر دوزی و شمشیر مرصع

و والا خطاب خانخانانی و سپهسالاری و مرحمت دو اسپ از طوبه  
خاصه یکی با زین مرصع دیگری با زین طلای میدنا کار و نیل از حلقه  
خاصه با یراق نقره برنواختند - سید خانجهان که بمنصب پنجهزاری  
پنج هزار سوار سه هزار سوار دو اسبه سه اسبه سرافراز بود دو هزار سوار  
دیگرش نیز دو اسبه سه اسبه مقرر فرمودند و هزار سوار از منصف  
اسلام خان میر بخشی دو اسبه سه اسبه گردانیده او را بمنصب  
پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسبه سه اسبه و بصوبه داری ملک بنگاه  
از تغیر اعظم خان نوازش نمودند - مقرب خان دکنی ب خطاب رستم  
خان سرافرازی یافت - جعفر خان باضافه هزار سوار بمنصب چار  
هزاری سه هزار سوار مفتخر گردید - عزت خان از اصل و اضافه  
بمنصب دو هزار و دویست سوار - و راجه رامداس فروری باضافه  
پانصدی سه صد سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و  
از اصل و اضافه فیروز خان ناظر بمنصب دو هزار سوار - و خواجه  
برخوردار بمنصب هزار و پانصدی هشتصد سوار سر بلند گشتند  
و صد دست خلعت بنوئیذان والا قدر عنایت نموده مقرر فرمودند  
که تا نه روز دیگر روزی صد کس را از سایر بندها عطا فرمایند  
چنانچه در ده روز هزار خلعت زرین مرحمت شد - و ریاض آمال  
گروه انبوه باضافه مناصب و شمول دیگر عنایات سرسبزی یافت -  
از اطناب تفصیل آن نگارش نمی یابد - سخن پردازان نظم طراز را که  
قصاید غرا در ستایش پادشاه مفضل گزارش داده بودند از  
موج خیز دریای بخشش حیاض آرزو مالا مال گردید - طالب کلیم  
که بمذاقب گسترش این دولت ذاک صولت رطب اللسان است

چون قصیده رنگین بعرض اقدس رسانید بحکم شهنشاه دانش پرور  
بزر سنجیده آمد - و بانعام مبلغ هم سنگ که پنج هزار و پانصد روپیه  
بود کامیاب گشت - پادشاهزاده عالیقدر محمداشاه شجاع بهادر  
انعام جواهر و مرصع آلات و اوانی زرین میناکار و ساده و انواع  
اقمشه عراق و گجرات و دکن و شش فیل که قیمت مجموع آن  
دواک و بیست هزار روپیه شد برسم پیشکش گذرانیدند \*

ششم عبدالله خان بهادر فیروز جنگ بیست و شش فیل نرو و ماده  
و لختی مرصع آلات و طلا آلات و قمشه که همگی چهاراک روپیه ارزش  
داشت پیشکش نمود - و نه فیل و دواک روپیه نقد پیشکش زمیندار  
رتن پور را که باز زمیندار مزبور همراه آورده بود نیز بنظر انسیرا در آورد \*

هفتم پیشکش علامی افضل خان مشتمل بر جواهر و مرصع  
آلات و اقمشه نفیسه از نظر انور گشت - و متاع یک لک روپیه  
بپایه قبول موصول گشت - شایسته خان و سیف خان و جعفر خان  
فیز جواهر و مرصع آلات و نسایج عراق و گجرات پیشکش کردند \*

دهم گوهر اکلیل سلطنت مهین پادشاهزاده بخت بیدار بترتیب  
جشن ولادت ثمره الفواد سلطان سلیمان شکوه که در راه بوقوع آمده  
بود پرداخته التماس قدوم سعادت لزوم مظهر انوار آلهی حضرت  
شاهنشاهی نمودند - خدیو مهربان منزل پادشاهزاده جهانیان را  
بمقدم فیض توام نور آگین ساخته آن والا گهر را سربلند گردانیدند -  
و پادشاهزاده عالی مقدار هم از اقامت مراسم پا انداز و نثار  
پیشکش شایسته از جواهر و مرصع آلات و اصناف اقمشه که قیمت  
آن یک لک روپیه شد بنظر اشرف در آورده آن با کوره گلشن

اقبال را بسعادت حضور رسانیدند - سریر آرای خلافت بدیدار  
 میمنت آثار آن نوپادشاه چمن دولت نشاط آموذ گشته تسبیح  
 مرورید و لعل گران بها رونما عنایت نمودند - و بحکم گیتی خداوند  
 پادشاهزاده فلک قدر در تقوز پارچه و شمشیر مرصع بآصف خان  
 خانخانان بعد ازان خلعت با چارقب بعبد الله خان بهادر و علامی  
 افضل خان و خلعت بافرجی باسلام خان و اعتقاد خان و شایسته خان  
 و خان عالم و جعفر خان و موسوی خان و خلعت تنها بدیگر امرا  
 تا هزاری منصب دادند - نوئینان اخلاص آئین اولاد حضرت  
 خلافت و ثانیاد در خدمت پادشاه زاده کمال آداب بجا آوردند - و  
 خاقان زمان همانجا نعمت خاصه تناول نموده آخر روز دولتخانه  
 والا را بوررد مقدس برافروختند \*

دو ازدهم پیشکش سپهبدار خان صوبه دار گجرات اسپک مخمل  
 زر بفت با همین ستونهای طلا اندود که بیک لک روپیه در احمد اباد  
 مهیا ساخته بود بنظر اقدس در آمد - رستم خان و راجه بهلداس  
 و امر سنگه واد راجه گجسنگه و فیروز خان نیز بقدر حالت پیشکش  
 گذرانیدند - رستم خان بمعنایت جمدهر مرصع با پهلو نگاره مرافرازی  
 یافت - تربیت خانرا بمرحمت فیل بلند پایگی بخشیدند \*

چهاردهم بهادر خان روهیله از اقطاع خود آمده تقبیل آستان  
 سلاطین مخاطب نمود - محمد زمان طهرانی شرف ملازمت اندوخته  
 دو فیل و نه تانگهن که از بنگاله همراه آورده بود پیشکش کرد -  
 شیخ فرید از اصل و اضافه بمنصب دوهزار و پانصدی هزار  
 و پانصد سوار سر بلند گشت \*

هزدهم پادشاه مهر گستر بمنزل یمین الدوله تشریف فرمودند -  
 آن زبدۀ نوئیذیان والا مکان مراسم پا انداز و نثار بجا آورده و برخی  
 از جواهر و مرصع آلات و اشیاء مبدا کار با زرین تخت روان و اقمشۀ  
 نفیسه عراق و گجرات که قیمت مجموع آن پنج لک روپیه شد برسم  
 پیشکش گذرانید - و آن بشرف پذیرائی رسید - شهنشاہ آسمان جاء تا  
 آخر روز بهزاران مصرت و انبساط گذرانیده به نماز شام دولخانۀ  
 والا را منور گردانیدند \*

نوزدهم شوال مطابق نوزدهم فروردین جشن شرف ترتیب  
 یافت - بحر افضال خاقانی بموج درآمد - ابر احسان حضرت  
 صاحبقران ثانی ریزان گشت - بقرۀ باصرۀ خلافت پادشاهزادۀ  
 والا گهر محمد داراشکوہ اوربسی و جمہر مرصع با پھولکثارہ -  
 و بہ نور حدیقہ سلطنت سلطان سلیمان شکوہ فیل با یراق نقرہ -  
 و بخانخانان مہمسالار دواسپ ازطویلہ خاصہ یکی با زرین مرصع  
 دیگری با زرین طلائی مینا کار و فیل از حلقہ خاصہ با یراق نقرہ  
 و مادہ فیل مرحمت فرمودند - عبد اللہ خان بہادر فیروز جنگ  
 را بعنایت خلعت خاصہ و اسپ از طویلہ خاصہ با زرین طلا و فیل  
 برنواختہ بہ پٹنہ کہ نظم آن بدو مفوض بود رخصت انصراف دادند -  
 افضل خان باضافہ ہزار سوار بمنصب شش ہزاری چہار ہزار سوار  
 و راجہ جیسنگہ باضافہ ہزاری ذات بمنصب پنجہزاری چہار ہزار  
 سوار نوازش یافتند - میر جملہ را از تغیر اسلام خان میر بخشی  
 گردانیدہ بمرحمت خلعت و خنجر مرصع و باضافہ ہزاری پانصد سوار  
 بمنصب پنجہزاری دو ہزار سوار برنواختند - بہادر خان روہیلہ را



با عطای خلعت و باضافه پانصد سوار بمنصب چار هزار چار هزار  
سوار مباحی ساخته باقطاعش رخصت فرمودند - راجه بتلهداس  
بعنایت فیل بلند پایگی یافته بصوب اجمیر مرخص گشت - اصالت  
خان بخلعت خاصه و بصوبه داری دارالملک دهلی از تغیر باقر خان  
نجم ثانی و باضافه هزار و پانصدی ذات و هزار و هفتصد سوار بجهت  
ناگزیر بودن فزونی جمعیت بواسطه ضبط صوبه بمنصب سه هزار  
دو هزار و پانصد سوار و به علم و فیل - و روشن ضمیر ولد صادق خان  
باضافه پانصدی صد سوار بمنصب دو هزار ششصد سوار و نظریه  
ازبگ بمنصب هزار پانصد سوار سرمایه افتخار اندوختند - خدمت  
دیوانی بیوتات از تغیر قاضی محمد سعید کهرودی بمکرمات خان  
و خدمت عرض مکرر از تغیر حکیم حاذق بقاضی مزبور و خدمت  
داروغگی باغ از تغیر میر زین الدین علی بعنایت الله برادرزاده  
علامی افضل خان مغوض ساختند - درین روز پیشکش میر جمله و  
و معتمد خان و خواص خان مشتمل بر اختی جواهر و مرصع آلات  
بنظر اقدس در آمد - آنچه از نوروز جهان افروز تاجشن نشاط افزای  
شرف از جمله پیشکش پادشاهزادهای و التبار و امرای بلند مقدار  
به پذیرائی رسید مبلغ بیست و چار لک روپیه بود \*

بیست و پنجم منزل اسلام خان که برکنار دریای جون انجام  
یافته بود ورود اقدس سعادت آمود گشت - و خان مزبور بلوازم  
پالنداز و نثار پرداخته جواهر و مرصع آلات و اقمشه یک لک روپیه  
بر سبیل پیشکش گذرانید \*

دوم ذی القعدة باقر خان نجم ثانی بعنایت خلعت و اسب

بازین مطلا مفختر گشته بجوانپور که در تیدول او مرحمت شده بود  
د-توری یافت \*

چهارم اسلام خان را که در جشن نوروزی ایالت صوبه بنگاله  
بدو عذایت شده بود بمرحمت خلعت خاصه و جمدهر مرصع با  
پهلوتاره و اسپ از طویله خاصه بایراق طلا برنواخته بصوبه مذکور  
و محمد زمان طهرانی و صالح شهری را که دیوانی آن صوبه بدو  
مفوض گشته بمرحمت اسپ سرافراز ساخته همراه او رخصت  
فرمودند - درینولا چون بعرض ملتزمان بساط تقرب رسید که فتنه  
گرایان کامان پهای طریق تمرد و فساد می پویند - حکم شد که مرشد  
قلیخان مدیر توزک باگروهی از منصبداران که با تابندگان خود قریب  
دوهزار سوار بودند - برای تنبیه مفسدان آنجا بشتابند \*

هفدهم که روز رحلت حضرت مهد علیا ممتاز الزمانی بود بآئین  
هر سال در روضه آن محفوفه رحمت صمدانی مجلس عرس منعقد  
گردید خدیو خدا آگاه شرف قدوم بدان مکان فردوس نشان ارزانی  
داشته از جمله پنجاه هزار روپیه نصف بصالحا و اتقیا و حفاظ و دیگر  
مستحقین دران انجمن فیض مسکن مرحمت نمودند - و باقی فردای  
آن به مستحقات عطا فرمودند -

بیستم بسمع اقدس رسید که نابهر بی سفیر نذر محمد خان  
والی باخ حوالی دار الخلافه آمده - حکم شد که تربیت خان  
بدرگاه عرش اشتباه بیاورد - نابهر بی مصحوب خان مشارالیه  
رسیده باستلام عتبه والا جبین طالع برافروخت - و به تسلیمات  
سربرافراخته نامه گذرانید - و از جمله ارمغانی نذر محمد خان

نه باز طریغون و دوشنقار و نه چرخ که برخی آهو گیر بود - و  
چندی باب شکار قعل بنظر انور در آورد - شکار قعل بدین آئین است  
که هر جا خیل کلنگ نشسته باشد سواری چند چرخها گرفته پایان  
باد می ایستند - و قعل باشی با دو چرخ و بیست و سی سوار جانب  
راست و قعل باشی دیگر با دو چرخ و همین مقدار سوار جانب  
چپ روانه شده ازین سواران هر یکی را بفاصله ایک گزاند از ایستاده  
کرده کلنگها را دایره وار احاطه مینمایند پس از آنکه هر دو قعل باشی از  
چپ و راست بهم می پیوندند و سوار اسپان تاخته کلنگها میپرانند  
بعد از پرواز آنجماعه که پایان باد گرفته استاده اند چرخها سر میدهند  
چرخها فراز کلنگها بر می آیند - و چون خیل کلنگ قصد بر آمدن ازین  
دایره میکنند سواران از اطراف طبل زده فوطه میگردانند - و آواز بلند  
می کنند - کلنگ راه بر آمدن مسدود یافته باوج در می آید - درین اثنا  
از چپ و راست نیز چرخها سر میدهند - این تیز چنگلان قوی بال  
بصید پرداخته گاه یکی گاه دو و گاه زیاده بران از هوا فرود می  
آرند - و بهر طرفی که نزدیک آیند سوارانی که متصل باشند اسپان  
تاخته آنها میگیرند - روز دیگر تخته هدایا صد اسپ و پنجاه شتر نر  
و ماده و صد من سنگ لاجورد و لختی نسایج توران و سمور و قالی و  
نمد و تلاتین و چینی آلات و جزآن که قیمت مجموع هفتاد هزار  
روپیه شد از نظر اشرف گذشت \*

بیست و دوم تورانی و خشور چل امپ و می و پنج شتر  
نر و ماده و نبذی سمور و دیگر امتعه آن ولایت از جانب خود  
پیشکش نمود - او بعنایت خلعت و کاردیکده مرصع غلاف و یک

اشرفی چار صد تولگی موسوم بکوکب طالع و یک روپیه بهمین وزن - و خواجه یاقوت تحویلدار اشیاء مذکور بخلعت و یک اشرفی و یک روپیه که هرکدام صد توله وزن داشت نوازش یافتند - منصب جانباز خان از اصل و اضافت هزاره ششصد سوار مقرر گشت \*

### بدست آوردن نجابت خان بعضی از قلاع زمیندار

#### سری نگر و ناکام مراجعت نمودن از سوء تدبیر

چون نجابت خان فوجدار دامن کوه ولایت پنجاب عرضه داشت نمود که اگر مهم سوری نگر به بنده مفوض شود و دوهزار سوار بمک معین گردد با زمینداران کوه دامن بدان سو شتافته از مرزبان آنجا پیشکش شایسته میگيرد - و اگر از زر دوستی و عافیت دشمنی در ادای آن تعلل ورزد ملک او را مسخر میگردد - حسب التماس او مهم مذکور بدو مفوض گردید و دوهزار سوار از پیشگاه حضور بمک او روانه شد - او بعد از رسیدن کومک بملک غنیم در آمده نخست قلعه شیرگده را که زمیندار سری نگر آنرا در سرحد ولایت خود بر کنار آب چون مشرف بر ولایت سرمور ( که از زمینداران آن نواحی است - و بری که از غره اسفندار تا آخر خرداد بمستقر سر بر عظمت و مقر اورنگ خلافت بدار الخلافت اکبر آباد بر کشتی می آرند از کوهیست که سرمور در تصرف دارد ) بنا نهاده جمعی را در آنجا گذاشته بود تا هنگام فرصت بملک پادشاهی درآمده بنیر دستان دستي رسانند - سر سوار می مفتوح گردانید - پس ازان خضار کالپی را باندک تردد بدست آورده بنشیندار سرمور که درین یورش

با اوج قاهره همراه بوده لوازم دولتی خواهی اینجا می آورد - و حصن مذکور سابقا باز متعلق بود - و زمیندار سری نگر به استیلا آنرا متصرف گشته - حواله نمود - درین اثنا مرزبان سرمرور برگذارد که چون زمیندار سری نگر قلعه بیرات نیز بزور از من گرفته است اگر فوجی بکمک معین شود تا مردم خود فرستاده قلعه را باز بتصرف در آورم - نجابت خان جمعی را بکمک او تعیین نمود - اینان بآنجا رفته قلعه را از دست مقاهیر بر آوردند و با مواضع متعلقه آن بمردم او سپرده معاودت نمودند - نجابت خان از کاپی بقلعه سانتور که سه طرف آن آب ژرف محیط گشته روانه شد و آنرا بغلبه از دست مقهوران بر آورده چکته زمیندار لکهن پور را با صد سوار و قریب هزار پیاده بحراست آن باز گذاشت و خود پیشتر رفته تا گذار گنگ بتصرف در آورد - چون متصل هردوار از دریای گنگ عبور نمود آگهی یافت که بر کتل تلاو که در شعاب جبال سری نگر واقع است حشری از رجاله فراهم آمده راه درآمد آن ملک بگنج و سنگ مسدود ساخته اند - و تفنگچیان به پاسداری آن گذاشته بفابران گوجر گوالیاری و اودیسنکه را تهوور را بمحافظت بنده و بار تعیین نموده خود را بکتل رسانید - با آنکه مخالفان از اطراف مانند مور و ملخ هجوم آورده بسر دادن تیر و تفنگ می پرداختند مبارزان جدکار بر دیواری که فتنه گرایان آنرا سد راه لشکر ساخته بودند مستولی گشته از هرجانب رخنه افکنده برگروه مخالف ریخته بعد از کشش بسیار جمعی کثیر بقید اسر در آوردند - نجابت خان بفراوان جد و کد از کتل گذشته گوجر و غیره را با احوال و افعال نزد خود طلبید

و پائین کذل دایره کرد - روز دیگر چون می گروهی سری نگر رسید  
 مرزبان آن ملک ازین دستبرد پی در پی هراسان شده وکیل خود را  
 پیش خان منبور فرستاد - و ده لک روپیه برای سرکار والا و یک لک  
 روپیه بجهت خان مشار الیه قبول کرد - مشروط بآنکه تا وصول این  
 مبلغ همانجا توقف گزیده ملک او را پامال نگردانند - خان منبور  
 درانجا توقف نمود - اتفاقا در لشکر پادشاهی که براههای دشوار گذار  
 میان ملک غنیم درآمده بود ازان رو که رسد نمیرسید عسرت پدید  
 آمد - درین اثنا وکیل زمیگذار سری نگر برخی نقره آلات همراه  
 آورده نجابت خانرا دید اگرچه در اول حال قرار داد که در عرض  
 پانزده روز پیشکش واصل گرداند اما چون دریافت که از نایابی آذوقه  
 لشکر زیاده بریک ماه نمیتواند استناد و برسات نیز نزدیک آمده  
 به نیرنگ سازی و حیلت پردازی دو کس از خویشان خود گرو  
 گذاشته مرخص شد و برای اطمینان خاطر خان پی هم کس  
 فرستاده پیغام میداد که عنقریب پیشکش میرسانم - و یک و نیم  
 ماه بمکر و تزویر گذرانیده زیاده بریک لک روپیه نرسانید - با آنکه  
 عسرت از حد گذشت چنانچه سیری بیگ روپیه میسر نمیگشت -  
 از سنوح این حال مقاهر برگرد آوری اسباب شقاوت پرداخته راه  
 برآمد لشکر را بسنگ و چوب مسدود ساختند - و نجابت خان از  
 غرور جوانی و کم تجربگی و کشودن قلاع مذکور بمآل کار پی نبرده در  
 انتظار پیشکش غافل نشسته بود - پس از آنکه از فقدان آذوقه تشتت  
 تمام بحال مردم راه بابت و گروهی بر بستر هلاک افتادند گوجر  
 گوالیاری را با دوپست سوار بواسطه آوردن غله به پرگنه نگینده روانه

ساخت و همین که پنج شش کروه نوردید جمعی کثیر از اطراف  
 ریختند کوجر از ناموس پرستی دل بر نیسی گذاشته با پسران و دیگر  
 همراهان جان بدایری در باخت - و چون هنوز گوش سرگروه لشکر  
 به پیله غفلت آگنده بود خبری ازین واقعه بدر نرسیده و منتظر  
 مراجعت کوجر بوده چشم بر راه آذوقه میداشت - تا آنکه مقاهیر از  
 هرجانب لشکر را گرد گرفته بسر دادن تغنگ و فلاخن کار بر مردم  
 آنچنان دشوار گردانیدند که هیچکس از دایره قدم بیرون نیارستی  
 گذاشت - درین هنگام نجابت خان جز بر گشتن چاره ندیده از انجا  
 راهی گردید - و بتعب تمام با قلیلی ازان مهلکه رهائی یافت - چه  
 همراهنش دو کروه باوی نور دیده بعد از آنکه راهها بسته یافتند  
 بیشتر با امید رستگاری پداده شده هر طرف منتشر گشتند و اثری  
 از آنها پدید نیامد - و روپچندگوالیاری و طایفه دیگر که غیرت مردی  
 اینانرا بدیگونه برآمدن رخصت نمیداد داد نبرد داده همانجا کشته  
 شدند و از بی تدبیری سردار نا آزموده کار چنپن چشم زخمی به لشکر  
 رسید - اگر اندکی از خرد در بدین و رای صواب گزین بهره میداشتی  
 در ابتداء کار نظر بر منتهای امور انداخته در آن مزلقه با گهی سلوک  
 میکردی - و سر رشته تدبیر از دست فرو نهشتی - اگر کلمه روائی فتح نگشتی  
 همراهانرا بهلاک نیفگندی - و چون این ماجری بعرض ملتزمان سریر  
 خلافت رسید او را به تغیر منصب و جاگیر تادیب فرمودند - و میرزا  
 خان بن شاه نواز خان ولد عبد الرحیم خانخانان را بعزایت خلعت  
 و امپ با زین فقره و جاگیرهای او بر نواخته خدمت فوجداری  
 دامن کوه کانکره از تغیر مشار الیه بدو تفویض نمودند \*

## بیراه رفتن ججهار سنکه بندیلہ ، یکرماجیت پسر او و تعین عساگر فیروزی باستیصال آن دوبد مال و ظهور نیرنگی اقبال .

غنوده بختی که برهنمونئی ادبار از منہج تویم سداد بمسلک  
نا مستقیم فساد شتافته در خارستان جہل منزل گزیند و چشم از  
عواطف خدای مجازی و خداوند حقیقی باز بسته بدست کفران  
پرست سلسلہ عصیان کہ مورث زوال و مثمر و بال است بجنبانہ  
روز دولتش تیرہ گردد و دیدہ امیدش خیرہ \* بیت \*

چوتیرہ شود مرد را روزگار \* همه آن کذ کش نیاید بکار  
مصدّق این مقال احوال خسارت مآل ججهار ناپکار است چہ تا آن  
کج گرای تیرہ رای طریق خدمت گذاری و جان سپاری این  
درگاہ آسمانجہ را شاہراہ نجات خویش دانستہ ببرزن ضلالت  
در نیامدہ بود اختر دولتش طالع و کوکب بختش ساطع بود - ہمین  
کہ عذاب کردار بدست ادبار سپرد - و قدم در بیراہ گذاشتہ بادیدہ  
شقاوت پیمودن گرفت ابواب خسران ابد و اسباب خذلان سرمد  
بر روی روزگار کشادہ و آمادہ گشت - و جان و مال و عرض و عیال  
ار دستخوش حوادث و پامال نوایب گردید - تفصیل این اجمال  
آنکہ چون خاقان کرم گستر اوایل رجب سال دوم از جلوس مقدس  
رقم عفو بر جریده اعمال قبیلہ آن فتنہ آما کشیدہ بدکن تعیین  
فرمودند - آن کفرکیش خطا اندیش بعد از مدتی از مہابت خان  
خانخانان کہ نظم مملکت دکن برو مقرر بود رخصت حاصل نمود

۵



و پسر جانشین خود بکرماجیت مخاطب بجگراج را با جمعیت خویش در آنجا گذاشته بزمین شورش آئین خود برگشت - و باغواهی طبیعت لئیم و اغراء آز و خیم بر سر پیم نراین زمیندار ولایت کده اشکر کشیده اورا به پیمان و ایمان از در چوراگده که حاکم نشین آن ولایت است بیرون آورد - در شته عهد از دست واهشته با گروه انبوه از اعقاب و عشایر و دیگر منتسبان بقتل رسانید - و قلعه را با توابع و فراوان نقود و اجناس متصرف گردید - پس از آنکه پسر بیم نراین که خان دوران هنگام راهی شدن از مالوه اورا با پیشکش پدر همراه گرفته بدرگاه والا آورده بود طغیان آن مست بنیان بعرض معلی رسانید بآن واژون آثار از ممکن جلال یرلیغ قضا نغان مصحوب سندر کب رای صادر گردید - که چون بی حکم اقدس خون بیم نراین و منسوبان او ریخته ولایت مذکور به بندهای پادشاهی تسلیم نماید و اگر میخواهد که در اقطاع او مقرر شود در عوض آن جاگیرهای حوالی وطن بگذارد و از نقود بیم نراین مبلغ ده لك روپیه بدرگاه والا بفرستد - او پیش از ورود فرمان عالی شان از نوشته وکیل خود بر حکم ارفع مطلع گشته بدالات جهل و ضلالت از جاده عبودیت ره گرای معصیت گشته پسر خود بکرماجیت را که با جمعیت پدر همراه خانزمان در بالاگهات بود اشارت نمود که از آنجا گریخته خود را زود بوطن رساند - آن ره نورد وادی اذار بمجرد اطلاع راهی گردید درینوقت چون خان دوران که در برهانپور بصوبه داری پایان گهات می پرداخت آگهی یافت که خانزمان ناظم مهمات بالاگهات به

تکامشی آن مردود در نیامد - با راجه بهار سنگه و چند درمن بندیده  
 برادران خرد ججهار مقهور و مادی و سنگه هادا و را و کرن و نظر بهادر  
 و میر فیض الله و سایر منصبداران از برهانپور بطریق یلغار در عرض  
 پنجم روز بمقام اشته از مضافات صوبه مالوه بفوج مخالف رسیده  
 جمعی کثیر را روانه جهنم ساخت - و نزدیک بود که بکرماجیت نیز  
 درین زد و خورد بخلاب ممات در شود - اما از آنجا که نفسی چند از  
 زندگانی فانی آن گمراه تبه کار نادانی باقی بود زخمی از میدان نبرد  
 فرار نمود و با قلبی خود را بچنگلهای دشوار گذار و جبال عسیر  
 العبور زد - و راههای غیر متعارف را که جز شناسایی آن سرزمین  
 دیگری نتواند پی برد قطع نموده در برگشته دهامونی به بدر ملحق  
 شد - الله ویرد یخان صوبه دار مالوه با آنکه سر راه او بود توفیق  
 تعاقب نیافت - و با خان دوران نیز همراهی ننمود - و چون این  
 ماجری بعرض حضار محفل اقبال رسید بیست هزار سوار نبرد آرا  
 بسرکردگی سه سردار فیروزی آثار یکی عبد الله خان بهادر فیروز  
 جنگ که در همان نزدیکی رخصت معاودت پتند یافته بود درینولا  
 فرمان شد که از راه مراجعت نموده بقلع بنیاد آن بدنهاد پیردازد  
 دوم سید خانجهان میوم خاندوران که بعد از تعاقب بکرماجیت  
 در مالوه توقف گزیده انتظار حکم می برد معین گشتند تا  
 ببرکندن بیخ فساد آن سر گشتگان دشت ادبار عبرت مایه سایر  
 کوته بینان عافیت نشناس سرانجام دهند - و سید خانجهان را  
 بعنایت خلعت خاصه و امپ از طویل خاصه با یراق طلا سربلند  
 ساخته با سردارخان و امر سنگه واد راجه گچ سنگه و مختارخان و

کشن سنگه بهدوریه و قلعه دارخان و جهانخان کاکرو کرپارام کورو  
جیرام پسر راجه انوب سنگه و هادی داد برادر رشید خان انصاری  
و اندر سال نبیره راو رتن و روپ سنگه بنیره جگنات کچهوا و کروهی  
دیگر از منصبداران و پانصد سوار از تابینان یمین الدوله و دو هزار  
تفنگچی پیداده که مجموع هشت هزار سوار و دوهزار پیداده تفنگچی بود  
از پیشگاه حضور مرخص گردانیدند - و بامرا و منصبداران مذکور نیز  
در خور حالت خلعت و اسب مرحمت شد - و مقرر گردید که بهادر  
خان روهیله با راجه امر سنگه زمیندار باندهو و احمد بیگ خان و  
چندر من بندیه و راجه سارنگدیو و دیگر منصبداران که همگی  
شش هزار سوار بودند در فوج فیروز جنگ بوده بلوازم جان فشانی  
قیام نماید - و حکومت خاندیس بالله و یردیکان مفوض گردانیده  
و پایان گهات ولایت برار که ضبط آن به خان دوران متعلق بود  
بخانزمان عنایت فرموده خان دوران را بصوبه داری مالوه بر  
فواختند - و حکم شد که او با مادهو سنگه ولد راو رتن هادا و راجه  
دیپی سنگه ولد راجه بهارته بندیه و نظر بهادر خویشگی و یاسین  
و برادر او و پسران شیر خان و احداک مهمند و حبیب سور و  
تعیناتیان مالوه که جمله شش هزار سوار بودند از راه چندیری  
بحوالی بجهور آمده تا انقضای ایام بارش اقامت گزینند - و عبدالله  
خان بهادر پرگنه ابرج را از مردم ججهار گرفته و جمعی  
بحراست آن باز گذاشته از آب بهینه عبور نماید - و نزدیک  
بهاندر موهم برسات بگذرانند - و سید خانجهان تا سپری  
شدن بشکال در بداون توقف کند - بعد ازان افواج قاهره بهم پیوسته

در استیصال گمراهان صحرائی ادبار بکوشند - و برای هرفوجی دیوان  
و بخشی و واقعه نویس معین گردید - جبهه غزوه بخت با اجتماع  
خبر تعیین عساکر فیروزی از خواب غفلت درآمده دریافت که  
عقربیب دلیران کارزار و شیران خونخوار اهل و عیالش باسیری گرفته  
ملک و مال او را متصرف خواهند گشت - ناگزیر از راه استکانت  
و لایه گری وکیل خود را بدرگاه گیتی پناه فرستاده بوسیلۀ خانخانان  
مپهسالار التماس کرد که اگر یکی از بندهای درگاه والا نزد این  
عاصی تبه کار دستوری یابد بوساطت او استعفاي جرایم نموده  
مطالب و مآرب خود را معروض دارم - از آنجا که جرم پوشی و  
عذر نیوشی از کرایم شیم این حضرت گردون رتبت است مرتبۀ دوم  
سندر کب رای را رخصت نموده حکم فرمودند که اگر سی لك روپیه  
نقد بعنوان پیشکش داده سرکار بیاتوان عوض چوراکده وا گذارد و  
خود با جمعیت خویش نزد خانزمان ببالاگهات دکن رود و پسر  
جانشین خود را بآستان عرش مکان بفرستد دیگر باره نقوش  
معاصی او بزال مکرمت محو خواهد گردید - و یرایغ قدر نفاذ  
صادر شد که عبد الله خان بهادر فیروز جنگ و سید خانجهان و خان  
درران هرجا رسیده باشند تا برگشتن سندر کب رای توقف نمایند -  
و مقرر فرمودند که اگر جبهه مقهور از تیرگی بخت ره گرای شقاوت  
گشته بامتثال احکام پادشاهی گردن نه نهد قلعه اوندچه را مفتوح  
ساخته راجگی آن ولایت و ریاست قوم بنذیلۀ برآجه دیبی سانگه  
که سابقا به نیاگانش تعلق داشت و حضرت جنّت مبکائی درجلدوی  
کشتن شیخ ابو الفضل بنرسنگه دیو مرحمت نموده بودند چنانچه

در اثناء وقایع فرار چهار تبه کار مرتبه اولی در نخستین سال گذارده  
آمد عنایت فرمایند - چون سندر کب رای که بجهت تبلیغ اوامر  
پادشاهی از آستان سلاطین مطاب نزد آن واژون طالع رفته بود  
دریانت که برصانت قلاع و اندوهی جنگل وسعت ملک و فزونی مال  
و فراوانی دیگر اسباب نکال مدهوش گشته سر خود سری می خارد  
از انجا مراجعت نموده دیده و شنیده خود را در پیشگاه حضور برگذارد -  
منشیر قضات تأثیر بنام هر سه سردار که بامر خاقانی منتظر معاودت  
سندر کب رای و سپری شدن ایام بارش بودند صادر گردید - که  
استیصال آن تبه کار سیه روزگار را پیش نهاد همت گردانند - و  
چون بر خاطر غیب ناظر که عقده کشای مشکلات است پرتو افکند  
که مبادا سرداران مذکور مراتب قرب و منزلت و مدارج قدم  
خدمت خود بنظر در آورده از رای یکدیگر سر بر تابند و موافقت  
بمخالفت منجر گردد سرداری مواکب منصوره به اختر حمای  
خلافت پادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر مقرر فرمودند -  
چنانچه پانزدهم ربیع الثانی مطابق پنجم مهر در خجسته ساعتی  
آن والا گهر را بخلعت خاصه و طرۃ مرصع با پهلوانخانه و شمشیر مرصع  
و باضافه هزار موار بمنصب ده هزار پنبهزار سوار و بعنایت دو  
اسپ از طوبله خاصه یکی با زین طلای میدکار دوم با زین طلای  
ساده و فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و ماده فیل نوازش نموده  
روانۃ آنصوب گردانیدند - و شایسته خان و رستم خان و راجه بتهل  
داس و مخلص خان و راجه رایسنکه ولد مهاراجه بهیم و شیخ فرید  
ولد قطب الدین خان و دیندار خان بخاری و شیر خان ترین و

سید عالم باره و گوکلداس سیدسودیه و مهدیس داس راتهور و شیخ  
آلهدیه و جمعی دیگر از منصبداران و هزار احدی تیر انداز و برق  
افداز و هزار سوار تابینان یمین الدوله در خدمت آن عالی نسب  
معین ساختند - و هنگام رخصت بشایسته خان خلعت خاصه با جمدهر  
مرصع باپهلونقاره و اسب از طویلۀ خاصه با زین مطلا و فیل از حلقه  
خاصه مرحمت شد - دیگر امرا نیز بقدر مرتبت بعنایت خلعت  
و اسب نوازش یافتند - قاضی محمد سعید کره رودی بخدمت  
بخشیکری و واقعه نویسی این لشکر و باضافه پانصدی ذات بمنصب  
هزار و پانصدی دیوشت سوار مربلند گردید - و فرامین قدر آئین  
بنام عبد الله خان بهادر فیروز جنگ و سید خان جهان و خان  
دران بصدر پیوست که ضروریات امور را بعد از اطلاع آن درۀ المناج  
سلطنت انجام دهند - و در باب حرکت و سکون آن والاگهر هرچه  
مصلحت وقت باشد در خدمت ایشان معروض دارند \*

اکنون خامۀ سوانح نگار بگزارش وقایع حضور می پردازد  
غره ذی الحجه پادشاهزاده اقبال مند محمد دارا شکوه را فیل  
از حلقه خاصه با یرا و نقره و ماده فیل عنایت فرمودند - پیشکش  
اعظم خان صوبه دار بنگاله و دوازده فیل و پنجاه اسب تا نگین  
و بیست و پنج خواجه سرا و سپر بسیار و فراوان عود و پارچه  
سفید که قیمت مجموع آن هفت لک روپیه شد با پنج لک  
روپیه نقد که تمامی زمینداران آن ملک باو داده بودند - چه  
آئینی است مقرر که هرکه بصوبه دار آنجا سرفرازی می یابد  
مبلغ مذکور یک مرتبه بطریق پیشکش بوی میدهند و او همراه

پیشکش خود پیش از عزل راهی کرده بود - به پایتخت قبول رسید \*

دهم عید اضحی ابواب شادمانی بر روی جهانیان بر کشاد -

شهنشاه حق آگاه بعیدگاه تشریف فرموده بعد از ادای نماز

بدولخانه والا مراجعت نمودند - و رسم نثار درمجبی و ذهاب و سنت

قربان بمقدیم رسید - درین روز به نابهربی حاجب بلخ سی هزار

روپیه و بخواجه یاقوت تحویلدار ارمغان پنج هزار روپیه و بمیراد آخته

بیگنی چهار هزار روپیه و به نذر بیگ قوش بیگنی یک مهر سی

تولگی و دو هزار روپیه - و بعباد الله میرشکار دو هزار روپیه و بداروغه

شتوان هزار و پانصد روپیه مرحمت شد - ذوالفقار خان بعنایت

خلعت و منصب هزار و پانصدی هشتصد سوار از اصل و اضافه و

مرحمت اسب سرافرازی یافته از تغیر سید لطف ملی بهکری

بخدمت فوجداری میان دواب مرخص گشت \*

هزدهم میرجمله بعنایت فیل بلند پایگی یافت - میرخان

را بخلعت و خدمت بخشیدگري احدیان از تغیر اصالت خان

نوازش فرمودند \*

بیست و پنجم مکرمات خان باضافه پانصد سوار بمنصب

دوهزاری ذات و هزار و پانصد سوار مباهات اندوخت \*

در عشره اولی محرم هزار روپیه بدستور معروف باهل استحقاق

مرحمت شد \*

شانزدهم خواص خان بعنایت خلعت و اسب با زین نقره و

حکومت تنه از تغیر یوسف محمد خان تاشکندی مباهی گردید -

آگاه خواجه سرا بخطاب خانی و فوجداری این روی آب داراخانه

سرافراز گردید - جگنات کلاونت مخاطب بکبرای در جایزه تصنیفی  
 که تازه بسته بود و مستحسن افتاده بعنایت فیل مفتخر گشت \*  
 پانزدهم صغراءظم خان از تغدیر سیف خان بصوبه دارمی الهاباد  
 مربر افراخت - و سیف خان را بمرحمت خلعت و اسپ بازمین  
 مطلا و فیل سرافرازی بخشیده بصوبه دارمی گجرات از تغیر سپهدار  
 خان تعین فرمودند - و سید هنر خان را بعنایت اسپ بازمین  
 نقره و هریکی از سلطان نظر برادر سیف خان و یحیی پسر خان  
 مزبور را بمنصب هزاربی ذات و سه صد سوار از اصل و اضافه  
 برنواخته همراه او مرخص ساختند - لشکر شکن واد شاه نواز خان  
 بن عبد الرحیم خانخانان بخدمت فوجداری سرکار لکهنو فرق  
 مباهات بر افراخت - حکیم مسیح الزمان که بزیارت حرمین مکرمین  
 رفته براه بصره مراجعت نموده بود و از انجا به بندر لاهری رسیده  
 روانه درگاه والا شده درین هنگام باستلام عتبه جلال ناصیه بخت  
 بر افروخت - و چهل اسپ عربی که در بصره و نواحی آن برای  
 پیشکش خریده بود بنظر اقدس در آورد و بدرجه قبول رسید -  
 از انجمله دو اسپ یکی بوز و دیگری طرق که حسن منظر و نکوئی  
 لون و تناسب اعضا با تیزگامی و باد خرامی فراهم دارند داخل  
 سرآمد امپان گشته نخستین پیادشاه پشند و دومین به تمام عیار موسوم  
 گردید - و حکیم را بعنایت خلعت و منصب سه هزاربی ذات و  
 پانصد سوار بدستور سابق و فیل و بیست هزار روپیه نقد و حکومت  
 بندر و سرکار مسورت از تغیر معز الملک بلند مرتبه گردانیدند - پنج  
 اسپ عربی که علی باشا حاکم بصره بعنوان پیشکش مصحوب



کس خود همراه حکیم فرستاده بود نیز از نظر اکسیراثر گذشت -  
و یک اسپ طرق پسندیده افتاد \*

بیست و هفتم پادشاهزادهای کامگار و نوئیذان نامدار خلعت  
بارانی مرحمت گردید - سرکار سورتی بتیول میرزا عیسی ترخان  
عنایت شد - و او باضافه هزارهائی هزار سوار دو اسبه سه اسبه بمنصب  
پنجهزاری چار هزار سوار هزار سوار دو اسبه سه اسبه مبرر انراخت \*  
شب دوازدهم ربیع الاول مجلس عرس مقدس اشرف  
موجودات افضل کائنات علیه اکمل الصلوات و التکلیات بانواع بخور  
و اصناف مشعومات عطر آمود گشت - و گروهی از حفظه و دیگر  
ارباب صلاح و اصحاب استحقاق بمطعومات و عطاء دوازده هزار روپیه  
نقد برهم معهود بهره ور گشتند \*

شانزدهم بکوکب سماء خلافت پادشاهزاده محمد شاه شجاع  
بهدر فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و ماده فیلق عطا فرمودند -  
راجه دیبی سنگه بمرحمت نقاره و روشن ضمیر ولد صادق خان  
بخطاب صلابت خان و حکیم الملک بانعام شش هزار روپیه  
نوازش یافتند \*

### جشن قمری وزن

روز جمعه هشتم ربیع الثانی سنه هزار و چهل و پنج مطابق  
بیست و نهم شهریور مجلس قمری وزن اختتام سال چل و پنجم  
و افتتاح سال چهل و ششم از عمر ابد پیوند خاقان جهانیدان  
منعقد گردید - و آن گرانبار خلافت بطلا و دیگر اشیای مقرر

برسخته آمد - درین روز مسعود نابهربی ایلیچی نذر محمد خان بمرحمت خلعت و خنجر مرصع و انعام بدهت هزار روپیه و نه خوان از نثار طلا و نقره سرافراز گشته رخصت معاودت یافت - بخواجه یاقوت تحویلدار ارمغان و غیره خلعت و پنجهزار روپیه نقد عنایت شد - بصالح خواجه برادر عبد الرحیم خواجه که از بلخ یک دست باز طریغون و برخی اشیاء دیگر برسدیل پیشکش همراه نابهربی بدرگاه خواقین پناه ارسال داشته بود - چهار هزار روپیه مرحمت فرمودند - و میرک حسین خوانی را بعطای خلعت و اسب بلند پایگی بخشیده بعنوان سفارت نزد نذر محمد خان با گرامی نامه و صد و شصت یاقوت و دوصد و پنجاه زمرد یک ماده فیل با حوضه نقره و برخی مرصع آلات و اقمشه نفیسه هندوستان بهشت نشان که باب آنجا بود و قیمت همه یک لک و بیست و پنجهزار روپیه شد فرستادند - جمالی ولد قمر خان بخطاب جانسپار خان سرافراز گردید \*

چهاردهم راجه جیسنگه از دکن آمده دولت ملازمت دریافت \*

## ارتفاع رایات جهانکشا بسیر دولتا باد و

### عزم تسخیر دیگر قلاع بی نظام

چون دریافت حقایق ملک خصوصا آنچه بتازگی تسخیر پذیرفته باشد از قواعد ملک داری و قوانین فرمان گذاریست توجه بهمت دولتا باد که افتتاح آن از نبایل عنایات یزدانی و جزایل عطایای ممدانی بحضرت خاقانی است مرکوز ضمیر الهام پذیر

گردید - تا هم آگاهی بر کیفیت آن در آسمان تمثال بی وساطت  
غیری بحصول انجامد - و هم تادیب فتنه پڑوهان بد فرجام و تسخیر  
سایر حصون بی نظام دلخواه صورت گیرد - و فرمان طلب بنام  
اعظم خان صوبه دار الہا باد صادر شد کہ ملتفت خان را با جمعی  
دران صوبہ گذاشته بدار الخلافہ اکبر آباد بیاید - و بحکومت آن مصر  
جامع بپردازد - و حراست حصن دار الخلافہ بمصر انداز خان قلماق  
مفوض ساخته ہز دہم ربیع الثانی مطابق ہشتم مہر در ساعتی  
کہ چہرہ افروز سعادت بود بر رتہ سوار شدہ روانہ گشتند - و باغ نور  
منزل بنزل الویۃ ظفر پیکر منبع برکات گردید - و مبشر غیبی  
تاریخ این نہضت مبارک بدین گونه گزارش دادہ \*

پادشاہ جہان این سفر مبارک باد

درین مکان نوز سہ روز توقف واقع شد - از آنجا بدر کوچ و یک  
مقام ساحت فتح پور مضرب خدام گردون رفعت گردانیدہ سہ روز  
بشکار مرغابی و سیر تالاب جیحون وسعت آن پرداختند \*  
بیست و ہشتم منزل رو بداس بورود معلی رونق فردرس یافت -  
درینجا شش روز عشرت اندوز نچچہر گشتند - درین منزل مرشد قلیخان  
میرتوزک را بخلمت برنواختند - و فوجداری متہرا و مہابن و  
مالش شقاوت کیشان آنجا بوی مفوض فرمودند - و چون فزونہ  
جمعیت ناگزیر ضبط آنجا است باضافہ پانصدہ ذات و ہزار و سیصد  
سوار بمنصب دہزاری دہزار سوار سر بر افراختہ و بمہرمت علم  
عز افتخار بخشیدہ دستوری دادند - میرخان کہ بخشیدگری احادیان  
و داروغگی کرکیراق خانہ بد و منوط بود بخدمت میرتوزکی نیز از تغیر

خان مشارا الیه و مرحمت خلعت و عصای مرصع مفتخر گشته \*  
 هشتم جمادی الاولی موضع یاری بمچه رایات گیتی کشای  
 بر افروخته هشت روز مسرت آرای مید و شکار گشتند \*

بدست آمدن قلاع و دقایق جبهار تیره روزگار و بیاسا  
 رسیدن آن بادیه پیمای ادبار و بکرماجیت پسر یکه او  
 و رسیدن سرپرشر آن دو تیره اختر بدرگاه خان عدل گستر \*

شرح این مقال آنکه سران افواج قاهره بعد از وصول فرامین  
 والا از جائی که توقف گزیده انتظار صدور حکم معلی و انقضای  
 ایام بارش می بردند راهی گشته در نواحی بهاندیر بیکدیگر  
 پیوستند - و هدم بغیان آن ره نور بغی و طغیان و تسخیر حصون  
 حصینه اورا وجه همت گردانیده پس از رسیدن سه گروهی اوندچه  
 که آغاز شجرستان بوم آن بوم طبیعت است به بریدن اشجار  
 متراکمه و هموار ساختن طرق عسیره پرداخته هر روز لختی پیش  
 میرفتند جبهار خدلان شعار قریب پنجهزار سوار و ده هزار پیاده  
 در اوندچه که مهرب آن منبع فتنه و فساد بود فراهم آورده  
 باستظهار جنگل منتظر کارزار نشسته بود - و گروهی از سوار و پیاده  
 را پی هم میفرستاد تا در پناه درخت زار بریزش تیر و تفنگ  
 می پرداختند - و غزاة لشکر اسلام نیز هر روز چندی را آتش  
 افروز جهنم میگردانیدند - و بدین طرز و آئین قطع مسافت نموده  
 بیست و نهم ربیع الثانی حوالی مواضع کهمر والی که یک گروهی  
 اوندچه است - و مقاهیر آنرا نبردگاه قرار داده بودند معسکر  
 ساختند - درین اثنا راجه دیبی سنگه با هراول فوج خان دوران

شده‌افنده کوهچقه کهمر والي را از تصرف مردم ججهار سیده گلیم  
 وازون طالع که در آنجا اقامت داشتند بر آورد - و جمعی را دستگیر  
 ساخته پیش خان دوران آورد - ججهار غنوده بخت با وجود  
 انبوهی جنگل و سنگ لاهی فعل فرسا و فزونی جرو و حل  
 حوالی اوندچیه از در آمدن عساکر فیروزی متأثر هر اسان گشته اهل  
 و عیال و منتسبان خود را با دواب و لختی زر سرخ و سفید از  
 حصار اوندچیه بر آورده بقلعه هامونی که پدر آن تیره اختر در  
 کمال مقاومت بنا نموده و شرقی و شمالی و جنوبی آن جره‌های  
 عمیق است که کندن نقب و کوچه سلامت صورت نپذیرد و غربی  
 آن که هموار است خندقی بزرگای بیست ذراع پادشاهی کفده  
 بجره‌های مذکور رسانیده اند - روانه ساخت - پس ازان جوقی را  
 بصیانت حصن اوندچیه گذاشته خود نیز با بکرماجیت و سایر  
 منسوبان بدان صوب ره نورد فرار شد - سرداران لشکر پادشاهی از  
 استماع این نوید نشاط افزا خود را بسرعت نزدیک قلعه اوندچیه  
 رسانیدند - و بترتیب ملچار و سرانجام زبغه پرداخته فوجی را از  
 دلیران فبرد آزما تعیین کردند - تا پایان شب دو شنبه دوم جمادی  
 الاولی که آغاز صبح نصرت بود بزبغه و کمند بر دیوار حصار بر  
 آمدند - پاسبانان حصن از استیلا مبارزان قلعه کشا آسیده سر  
 گردیده چون جز فرار چاره نیافتند از طرف دیگر بدر رفتند - شیران  
 بیشه و غا از دیوار بدرون حصار فرود آمده در قلعه را بر کشادند -  
 سران سپاه نیز بقلعه در آمده باقامت تکبیر و آذان تقدیم نیایش  
 ایند منان و فاتحه استعمار دولت خاقان گیتی ستان پرداختند و

یک روز در اوندچپه مقام نموده راجه دیبی سنگه را که اوندچپه با مضافات از درگاه خواقین پناه بار عنایت شده بود با جمیعت او در آنجا گذاشتند و عرایض متضمن بشارت فیروزی بدرگاه والا و بگرامی خدمت پادشاهزاده جهانیدان ارسال داشته چهارم از دریای بت دهارة که قصبه اوندچپه برکنار آن واقع شده و بواسطه تندی آب و فزونی خرسنگ گذاره ازان متعسر است عبور نموده بتعاقب آن مردود نکوهیده عاقبت روانه گشتند \*

چهاردهم سه گروهی دهامونی رسیده آگهی یافتند که آن مقهور عیال خود را با برخی اسباب و خواسته که یدش از برآمدن خود از قلعه اوندچپه بحصار مذکور فرستاده بود ازینجا نیز بر آورده بقلعه چوراگده که بر استواری و حصانت آن بیشتر اعتماد دارد روانه ساخته است - و عمارت دور حصار دهامونی برانگنده رتنائی نام شخصی را با گروهی از معتمدان خویش بحراست قلعه باز داشته جانب پرگنه کهنوا که در سمت چوراگده است رفته بعد از تسخیر پذیرفتن حصن دهامونی زود خود را بقلعه چورا گده تواند رسانید - هزیران معرکه هیچجا ببردن اشجار و ساختن ممر مشغول گشته در عرض دو روز در نواحی قلعه دهامونی رسیدند - و پدای مردمی شجاعت ملچارها را تا کنار خندق برده کار بر قلعه نشینان دشوار گردانیدند - اگرچه مقاهیر از درون حصار بسر دادن بان و تفنگ و انداختن حقه و سنگ نایره حرب برافروخته تا نصف شب دست و پای زدند اما آخر کار از سطوت لشکر فیروزی بطلب زینهار کس نزد خان دوران فرستادند - درین اثنا بهادر خان روهیله

و نظر بهادر خویشگی که از طرف جنوبی قلعه ملچار خود را بکنار  
 جبرسانیده از سمت شرقی بیرون می آید و در ظلمت شب خود  
 را بجنگلی که در همان نزدیکی بود رسانیده پنهان میگردد - بهادران  
 ظفر پیوند از فرو نشستن صدای توپ و تفنگ و بر فیامدن  
 آوای محصوران حصار را از وجود اشرار خالی دانسته سرداران  
 افواج قاهره را بسرعت هرچه تمامتر آگاه گردانیدند - سرکرده های  
 عساکر منصوره بعد از شنیدن این خبر مقرر ساختند که اوائل  
 صبح بقلعه در آیند - هنوز اختی از شب باقی بود که یغماچیان  
 درون قلعه رفته بذهب و غارت پرداختند - خان دوران بمجرد اطلاع  
 برینمعنی از خندق گذشته با اسحق بیگ بخشی فوج خود و  
 چندی دیگر از راه دریاچه درآمده جمعی را به نگهبانی آن راه گذاشته  
 بمنع گروه غارت گرو گرد آوری اموال مقید گردید - لیکن تارسیدن  
 خان مشار الیه چارده پانزده خانه تهی ساخته بودند - درین اثنا  
 شخصی از جنوبی قلعه فریاد برآورد که در فلان برج خون گرفته  
 چند هستند - علی اصغر واد جعفر بیگ اصف خان بخان دوران گفت  
 که من رفته جماعت مذکوره را بسته می آرم - خان دوران هر چند  
 او را ازین اراده باز داشته مکرر بر گذارد که درین شب تار و کثرت  
 عوام که در آن دوست از دشمن باز نتوان دانست تردد معقول نیست  
 فرضا اگر عاجل رسید چند مانده باشند صباح گرفتار خواهند شد -  
 او گوش ندموده بر فراز حصار برآمد - قرین این احوال گل  
 مشعلی که غارتیان بر افروخته برای تاراج اموال می گشتند در  
 انبار باروتی که به برج قلعه بود می افتد و آتش در گرفته تمام

آن برج را با هشتاد گز دیوار در جانب که ده گز عرض داشت  
می پراند - و علی اصغر با همرها نداشت و نابود میگردد -  
چون خان دوران در آن وقت بواسطه غبط اسپان مقاهیر بجائی  
رفته بود مضرتی بدو نرמיד برخی از همرها او از سنگ  
ریزهائی که بدان طرف افتاد آزار کشیدند - و از آن رو که اکثر  
سنگها جانب بیرون افتاده بود بگروهی که با دیگر سرداران در خارج  
حصار برای در آمدن انتظار تباشیر صبح می بردند آسیب رسید -  
و قریب سیصد آدم که پیشتر آنها از مردم امر سنگه ولد راجه  
گجسنگه بودند و در دست اسب بباد فنا رفتند - آنچه از نقد و جنس  
قلعه بضمبط در آمد خان دوران بجماعه معتمد حواله نمود روز دیگر  
خبر آوردند که جوتی برای هیمه و علف بجنگل رفته چاهی که  
چهار شقاوت شعار در آن زرهائی خویش پنهان ساخته بود یافته اند  
خان دوران بدان موشتانده بعد از جست وجو سه چاه دیگر بهم  
رسانید - و مبلغ دواک و پنجاه هزار روپیه بدست آورده داخل  
خزانة پادشاهی گردانید - و ازین ظاهر شد که او در جنگل چاهها  
کنده زر خود را پنهان ساخته است و چون اولیاء دولت دریافته اند  
که آن صلاحت کیش در قصبة شاه پور که دو گروهی چورا گده  
واقع است اقامت دارد و کس نزد زمیندار ولایت دیو گده فرستاده  
منتظر است که اگر بوعدهای او بازی خورده میان ملک خود راه  
دهد ازینجا بدکن بگریزد و درین ضمن بتهدیه اسباب قلعه داری  
چورا گده نیز می پردازد - و بموجب حکمی که از پدشگاه خلافت صادر  
شده بود سید خانجهان بجهت تنسیق ولایت مفتوحه و تغذیش



دواین همانجا توقف گزید - عبد الله خان بهادر فیروز جنگ و خان دوران با سایر امرا بیست و پنجم بصوب شاه پور راهی گشتند - درینولا چهار سیه بخت خبر فوت زمیندار دیوگده شنیده از تذبذبی که در ماندن و بر آمدن داشت بیرون آمد و توبه‌های قلعه چوراکده شکسته و اسبابی که در آنجا بود سوخته و منازل درون حصار را که بیم نراین زمیندار دیوگده ساخته بود بباروت پراکنده با آهل و عیال و اموال از راه لاجپی و کروله که داخل ملک زمیندار دیوگده است روانه دکن گردید - سران لشکر بعد از آگاهی باستعجال تمام قطع مراحل نموده بچوگانا چوراکده رسیدند و خان دوران بصواب دید فیروز جنگ با جمعی از بندهای پادشاهی بقله در آمده بر بام بتخانه رفته آرای آذان و دعای فزونعی عمر شهنشاه دوران بلند گردانید - و احداث مهمند را با جمعی از منصبداران و پسر صاحب تنکه سنگرام زمیندار کنور و پانصد پیاده تغلگچی بیاسبانی آن دژ فلک رفعت گذاشته بشاه پور که درینوقت عبد الله خان بهادر فیروز جنگ نیز بانجا رفته بود معاودت نمود - درینجا چودهری تبه کرلی را گهونام که بدیدن خان دوران آمده بود بر گذارد که چهار مقهور قریب دو هزار سوار و چهار هزار پیاده و شصت فیل بیست نرو چهل ماده که بر بعضی زر نقد و طلا آلات و نقره آلات و برچندی عیال خود را برداشته است همراه دارد و از سنگینی هر روز چهار کوره کوندی که نزدیک هشت کوره رسمی است نوردیده می‌رود - با آنکه او پانزده روزه راه پیش رفته بود سر کردهای افواج قاهره از شاه پور بتگامشی در آمدند - و بقصد آنکه

تا آن نکوهدیده آثار را بکیفر اعمالش نرسانند و عیال و اموال او را بدست فیارند عذاب باز نگیرند - هر روز قطره نموده ده کروه کوندی می نوشتند - و قره العین خلافت پادشاه زاده اورنگ زیب بهادر نیرطی منازل نموده عساکر جهانکشا را مستظهر میگرددانیدند - و همواره حقایق تسخیر ملک و قلاع و قمع بندیلهای بد فرجام و دیگر اخبار مسرت انجام که از نوشتجات سرداران و سوانح نگاران بظهور می پیوست بدرگاه عرش اشتباه معروض میداشتند - و بعد از آنکه اولیاء دولت ابد میعاد بتعاقب در آمده ان خسران گرای را آواره دشت ادبار ساختند و نزدیک رسید که آن مخدول مقتول یا ماسور گردد - و پادشاهزاده جهانیدان بد هامونی رسیده روزی چند اقامت گزیدند - و عبد الله خان بهادر فیروز جنگ و خان دوران که باعساکر فیروزی از شاه پور بر اثر آن ادبار آثار شتافته بودند از ولایت گدده کنکه ولانجی که بگویند کوند متعلق داشت گذشتند - و چون بسرحد ملک چاندا رسیده اگهی یافتند که مخاذیل چهار کروه پیشتر فرود آمده اند پیش از ظهور تباشیر مبع بقصد مالش شقاوت کیشان ضلالت اندیش بره نوردی در آمدند - و پس از سپری شدن یک بهر روز بمنزلگاه ادبار پژوهان رسیده آگاه گردیدند که از وصول ادواج قاهره مخدولان شبشب ره سپر فرار گشته اند - بنابراین تعاقب نموده تا فرونشستن امداب قریب بیست کروه کوندی طی کردند - و آن روز که مراکب مواکب منصوره لختی نعل انداخته بودند و برخی مانده شده تا دو بهر توقف گزیدند - و باز بسرعت برق و باد راهی گشتند - و همین که دو بهر از روز گذشت قراوان فیروز

جنگ خبر فرستادند که غنیم عاقبت و خیم انیال مال و عیال و  
سایر احمال و اذقال پیش انداخته نزدیک میرود - فیروز جنگ  
گروهی از تغلگچی و تیرانداز را بکمک قراولان تعیین کرده برببرد  
آرائی تحریر نمود - و به بهادر خان که هراول فوج او بود پیغام  
داد که او نیز بوقت کار و هنگام پیگار خود را رسانیده فوج قراول را  
مستظهر گرداند - قراولان بعد از رسیدن کمک بر مقاهیر تاخته و  
به تیر و تفنگ و دیگر آلات جنگ پرداخته پاشنه کوب میزدند -  
درین اثنا نیکم نام عم بهادر با جمعی از همراهان پدای مردی  
شجاعت از فوج قراول گذشت - چهار شقاوت شعار و بکرماجیت  
ضالالت دثار از غلبه دلیران کارزار زنی چند را که اسپان آنها  
توانائی نداشتند بکوی نیستی فرستاده از بد فرجامی بر سر نیکم نام  
هجوم آوردند - بعد از آنکه نایر قتل زبانه برکشید و نیکم نام بترددات  
مردانه با هفت کس دیگر زخمها برداشته در عرصه نورد افتاد -  
مادهو سنگه ولد راو رتبه که در فوج هراول خان دوران بود از زمین  
نیکم نام جلو انداخته جوقی را بآب تیغ آتش بار غریق بحر فنا  
گردانید - بقية السیف تاب صدمات جنگ آزمایان ظفر نشان  
نیارده رجعت قهقری نمودند - درینولا خان دوران به بهادر خان  
ملحق میگردد و هردو بر قلب سپاه خسارت زدگان که در آن چهار  
و بکرماجیت و اژون طالع بودند می ریزند - اگرچه آن دو بد گوهر  
حرکت المذبحی نمودند اما آخر کار جمعی را بکشتن داده و طوغ  
و نقاره خود را با چهار فیل و نه شتر زر آموذ گذاشته بدرخت  
زاری که در آن نواحی بود گریخته پناه بردند - غزاة اسلام با وجود

تزام اشجار بتجسس آن دو نكوهیده کردار تا شام پرداخته همانجا فرود آمدند - و چون اختی از شب گذشت زمینداران اطراف که بتوغیب و ترهیب اولیائی دولت ابد قرین از ملاعین سراغ می جستند برگزاردند - که عیال خود را با هشت فیل خزانه همراه پسران خود اودیبهان و برادر خردش و سیام دوا که معتمد او بود و جماعة دیگر جانب گلکنده روانه ساخته خود نیز بدان صوب از عقب راهی گشته است - فیروز جنگ و خان دوران بهادرخان را که باوجود عارضه جسمانی لوازم جان فشانی بجا می آورد و محمود بیگ خواقی را که دیوانی فوج فیروز جنگ بدو مغوض بود بر بنه و اشیائی که مجاهدان دین بغنیمت گرفته بودند نگاهداشته خود با گروهی از مبارزان رزم پرست بتعاقب مقاهیر نهضت نمودند - و هر ادای عساکر اقبال و هر کردن طریق خان دوران بر خود گرفت - و با آنکه محتالان بد مآل در گم کردن پی امیال بدالت خرد تباه و فکر کوتاه لطایف الحیل بکار بردند از اصابت تدبیر براهی که فتنه پژوهان شتافته بودند افواج منصوره را می برد - و هر چند مکرر خبر رسید که مقهوران ده فیل خزانه در جنگل شمالی نبرد گاه گذاشته رفته اند سران لشکر نصرت اثر غنیم را فرصت نداده خود بدان طرف متوجه نگشتند - و به بهادر خان و محمود بیگ خواقی پیغام دادند که فیلان را با زربدست آورند - و در آن روز پانزده کروه گوندي نور دیده در آغاز ظلمت شب برای آهودگی مراکب فرود آمدند و پس از انقضای نیمه آن باز سوار شده بر قتل مفسدان کمر عزیمت استوار بستند - در خلال این احوال ظاهر

گرددید که اودیبهان از جمله هشت فیل شش فیل را بانداز مغلطه  
 از راه گلکنده به سمت چاندا فرستاده است - و دوماه فیل باد رفتار  
 که بر آن نسا و اطفال آن مستعد نکال سوارند با خود گرفته بسرعت  
 تمام میروند - و شیران پیشه دلیری بغیلان مذکور مقید نگشته راه  
 گلکنده از دست ندادند - و به پیمودن آن بال استعجال کشادند -  
 اتفاقا گروهی از تابندگان فیروز جنگ که از عقب می آمدند -  
 بغیلان بر خورده هر شش را با احمال میگیرند - و چون بعد از  
 نوزدیدن پنج شش گروه سپاهی مخالف نمودار شد خان دوران  
 سید محمد پسر کلان خود را با مادهو سنگه و نظر بهادر خوشگهی  
 و خواجه عنایت الله و اسحق بیگ بخشی و پانصد سوار مغل  
 بر سبیل تعجیل تعیین نمود - مخدولان از سطوت افواج قاهره  
 فرصت جوهر کردن زنان که آئین جهال کفر هندوستان است نیافته  
 باضطراب دو زخم جمدهر برانی پارینی زن کلان راجه نرسنگه دیو  
 و بدیگراناث و اطفال پیکان شمشیر و جمدهر زده خواستند تا بکام  
 گریز بدر روند - درین اثنا گروه مذکور در رسیده جمعی را به تیغ  
 و سنان از هم گذرانیدند - و طایفه را که در هنگام ستیز بقدر دست  
 و پای میزدند خاندوران از عقب آمده طعمه شمشیر جان شکر و  
 خنجر اجل پیکر ساخت - و در گبهان پسر ججهار و در جن مال  
 ولد بکرماجیت را اسیر گردانیده مضمون \* غ \*

سرکشی با سرفرازان سرنگونی آورد

بروی روز انداخت و اودیبهان و برادر خرد او سیام دوا که بگلکنده  
 فرار نموده بودند پس از چندی نیز گرفتار آمدند - چنانچه تفصیل

آن نگارش خواهد یافت - جوانان کار طلب باشاره خان دوران رانی  
 پارتی و دیگر زنان مجروح را از خاک برداشته با اخیالی که  
 مرصع آلات و اشرفی بار داشتند و دیگر غنایم نزد فیروز جنگ  
 آوردند و سرکرده‌های عساکر منصوره بر کنار تالابی که در آن نزدیکی  
 بود برای آسایش دواب و ضبط غنایم و جست و جوی تدمه اموال  
 و تعحص احوال کثیر الاختلال چهار و بکرماجیت که پیش نهاد  
 همت اریاء دولت درین سفر نصرت اثر قتل و اسر آن دوخسران  
 مآل بود - دایره نمودند - درین هنگام که بمددگاری و کارگذاری  
 تأییدات ربائی طنطنه کوس فیروزی بلندی گرای بود - بشارت  
 کشته شدن چهار و بکرماجیت که از دستبرد دلیران خونخوار  
 خایف گشته در یکی از جنگلهای آن نواحی پنهان شده بودند -  
 و طایفه کوند که در آن سرزمین آبادند بعقوبت تمام آن دونمک  
 حرام حق نشناس را بقتل آوردند - گوش هوا خواهان برانروخت -  
 خان دوران از شنیدن این مرده کام اندرزی شتایش ایزدی و  
 نیایش اقبال جهان پیرای خاقانی بجا آورده سوار شد - و به پیگر  
 آن دو حیلست گرآمده گفت تاسرهای شان که زنبور خانه فتنه  
 و فساد بود ازتن برداشتند - و آنرا با انکشتهای آن دوگم نام و  
 اسپ و یراق که پیش کشندگان بود فیروز جنگ آورده باستصواب  
 مشارا الهیه هر دو سر را مصحوب بهادر بیدگ داروغه تغذگهای خاصه  
 روانه درگاه خواقین پناه ساخت

\* بیت \*

همه سر کشان را سر انداختند \* اساس مخالف بر انداختند  
 امان یافت هر کس که گردن نهاد \* شده عصایان را سرور بیداد

غره شعبان در نواحی سیهور که معسکر اقبال بود بهادر بیک  
 سرهای گردن کشان به پیشگاه حضور آورد - بفرمان والا از دروازه  
 سرای سیهور آویختند - تا عبرت مایه سایر شقاوت گریزان کوتاه  
 بین گردد - نرسنگدیو پدر جبهار غنوده بخت در درخت زار و  
 جاهای دشوار گذار آن ملک چاهها کنده بزر آگنده بود تا در حوادث  
 روزگار و هوانج چرخ غدار آن نابکار و فرزندان بی هنجارش را بکار  
 آید - و بغیر خود و دو خدمتکار راز دارش دیگری بر آن آگهی  
 نداشت - و جبهار مقهور بعد از آنکه جانشین پدر شد در افزایش  
 آن کوشید - غافل از آنکه آنچه باندیشه کوتاه مواد جاه و دستگاه خود  
 پنداشته از اسباب زوال آن گمراه خواهد گردید - چنانچه پس از  
 ورود افواج قاهره بآن سرزمین فتنه آگین جان و مال آن بد مال و  
 اولاد کفر نژادش در معرض تلف افتاد - و از جمله دقایق و نقودی  
 که با خود گرفته بود بمرات قریب يك كرور روپیه بخزانة عامرة رسید -  
 و ولایتی که نزدیک پنجاه لک روپیه حاصل دارد بتصرف درآمد - ایزد  
 بیهمال همواره آوازه گیتی کشائی و کشور گیرئی اقبال روز افزون  
 خاقان زمان و شهنشاه دوران در روزگار سایر دارد - چون سرداران  
 عساکر منصوره بسرحد ملک چاندا رسیده بودند - مقرر ساختند -  
 که از کپا زمینداران ولایت که سرآمد زمینداران گوندوانه است  
 پیشکشی گرفته مراجعت نمایند - بنابراین سنگرام مرزبان کنور را  
 بدآنصوب پیشتر فرستاده و بزبان او کلمات و عد و وعید حواله نموده  
 خود از عقب راهی گشتند - کپا جز اطاعت و فرمان پذیری چاره  
 ندیده به سنگرام قرار داد - که سران اشکر را به بید و بگرد آوردی

لختی از اموال و اسباب مقاهیر بندیلہ کہ در سرزو بوم او بغارت رفته بود پرداختہ سرکردہای لشکر فیروزی را سہ کرویہی ملک خود بر کنار دریای پرتینہ آمدہ دید و فراہم آوردہ را گذرانید و برہذمونئی طالع تقبل نمود کہ از روی فرمان پذیري پنج لک روپیہ نقد بر سبیل پیشکش بسرکار والا و یک اک روپیہ از نقد و جنس باولیاء دولت ابد مدت برساند - چنانچہ در همان نزدیکی بدو دفعہ واصل گردانید - از آنجملہ دو فیل نامی بود یکی موسوم برورپ سنگار و دیگری بہ بہوجراج و نیز قبول نمود کہ ہر سال بیست فیل پنج نر و پانزدہ مادہ بدرگاہ آسمان جاہ بفرستد - یا در عوض آن ہشتاد ہزار روپیہ نقد بخزانہ عامرہ واصل سازد - و ناصیئہ بخت بخاک آستان سلاطین مطاف در دواتباد بر انروزد - خان فیروز جنگ و خان دوران تعہد نامہ از گرفتہ روانہ درگاہ خواقین پناہ گشتند \*

#### اکنون بنگارش وقایع حضور می پردازد

چون از عرائض گوہر اکلیل سلطنت پادشاہزادہ محمد اورنگ زیب بہادر کیفیت آبادی اوندچہ و نزاہیت آن فراخدا و فراوانی انہار و غدیران و الذکھای روح افزا و سیر جاہای دامشای و فزونی اصناف نخچیر بمسامع حقایق مجامع رسید - و مسافت راہ اوند چہ از راہ راست بیست و یک کرہ بیش نبود - پانزدہم جمادی الاولی از موضع باری بدانصوب متوجہ گشتند - شکر اللہ عرب بفوجداری کامان بہاری فرق عزت بر انراخت \*

بیستم شیخ دبیر و غدیرہ کہ عادل خان برہم سفارت روانہ درگاہ



معلی ساخته بود باسلام سده سنیة مقتدر گشتند . و شیخ دبیر  
یک فیل بعنوان پیشکش بنظر انور در آورد - و همه بانعام ده  
هزار روپیه نوازش یافتند \*

بیست و یکم مخلص خان و مکرمت خان را بعنایت خلعت  
و اسب برنواخته با چندی دیگر بتسخیر حصار جهانسی که از  
حصون رصیند مرزو بوم بذیل است و بر فراز کوهچه میان  
اشجار متراکمه و اغصان متشابکه واقع شده و از معتمدان جبهه  
غفوده بخت بسنت نام بحراست آن قیام می نمود دستوری دادند  
و حکم شد که در تفحص دناین آن مطرور که پیشتر دران نواحی  
نشان میدهند نیز سعی نمایند \*

بیست و سیوم علامی افضل خان بمرحمت فیل مر بلندی  
یافت \*

## آغاز سال نهم از در نخستین اورنگ ارانی خاقان هفت افلیم و خدایگان تحت و دیهیم

روز مبارک در شنبه غره جمادی الثانیه سنه هزار و چل و پنجم  
مطابق بیستم آبان ماه نهم سال از جلوس مقدس روزگار نشاط  
آموز ساخت زمانیان عشرت از سر گرفتند \*

هفتم موضع هر را از مضافات بیانوار بود، موکب گیتی پیم  
مورد سعادت گردید - صباح آن بتماشای آبشار موضع دهم گهات  
که در کمال نزاهت و لطافت است تشریف برده تا دوپهر بنشاط  
و انبساط گذرانیدند - و ازان رو که در آن نزدیکی مکانی شایسته  
نزول اقدس نبود با دولت روز افزون بموضع سروا مراجعت نموده  
چهار روز مقام فرمودند \*

دوم بعرض اشرف رسید که پس ازان که مکر متخان و دیگر بندهای  
پادشاهی حوالی حصار جهاندی رسید به سرانجام موافق قلعه  
کشائی پدر اخذند قلعه دار آنجا از استیصال چهار شقاوت شعار و  
غلبه افواج نصرت امتزاج رنگاری خود مدحصر در سپردن قلعه  
دانسته زینهار طلبید - و حصار را با توپ بسیار که ازان جمله ده  
توپ کلان راجه نرسنگهدیو پدر چهار تیره روزگار در همان قلعه  
ریخته بود - و فراوان سرب و باروت بمکر متخان حواله نموده اورا دید

خاقان ممالک ستان در اثنای ره نوردی حصن مذکور را بضمیاء  
لواى ظفرانتما بر افروخته گردهر داس برادر راجه پتهلداس را  
بخدمت قلعه داری سرانراز گردانیدند - نجابت خان بغوجداري  
و تیدول کول و غیره سربلندی یافت \*

هردهم سراق جاه و جلال نزدیک موضع دتیه بر افراخته آمد  
دتیه در دامن کوهی واقع شده - نرسنگه دیو دران عمارتی که  
مشرف است بر انهار و سبزه زار و اشجار بی خار هفت طبقه  
چنانچه متعارف هنوز است بر اساس هشتاد و چهار گز در هشتاد  
و چهار برافراشته زر بسیاری بران صرف نموده است - اعلیٰ حضرت  
بدماشای آن عمارت توجه فرمودند - و چون بعرض مقدس رسید  
که در یکی از بساطین نواحی دتیه از جمله دفاین چهار دژ  
طالع چاههای زر نشان میدهند - حکم شد که اسحق بیگ یزدی  
دیوان سرکار نواب سپهر قباب پادشاهزاده جهانیان بیگم صاحب  
تفحص نموده بتقید ضبط در آورد - باقی خان نیز معین گشت که  
با مکرمت خان در جنگلهای حوالی دتیه بتحقیق مدفونات آن  
گمراه روسیاه پردازد - تاناجی دکنی بمنصب دو هزاره ذات و  
هزار سوار و دیانت خان از اصل و اضافه بمنصب هزاره ششصد  
سوار مفتخر گشتند \*

بیست و پنجم نواحی اوندچیه معسکر اقبال گردید - شهنشاہ  
دین پناه بسیر قلعه و عمارات آن تشریف فرمودند - بتخانۀ که  
نرسنگه دیو نزدیک منازل خود در کمال رفعت و حصانت بنا نهاده  
بود بامر پادشاه اسلام پرور از بیخ بر انداختند - و بیدم قدم ارفع

مراسم کفر بمناسک اعظم مبدل شد - راجه دیدی سنگه که پاسداری  
حصار مذکور بعد از تسخیر بدو مفوض گشته بود دولت کورنش  
اندوخته پیشکشی گذرانید - دور قلعه اوندچیه که سنگ چینی است  
بی گل و آهک و شرزات ندارد و قریب چهار کوره پادشاهی است \*  
بیست و ششم ظلال اعظم ظفر پیکر بر کنار تالاب بیدر ساگر که  
نرسنگه دیو ساخته و تالاب خوشی است و دورش پنج و نیم کوره  
پادشاهی مبسوط گردانیده سه روز بصید و شکار پرداختند \*

سلخ ماه کنار تالاب سمندر ساگر که در پرگنه چهتره واقع شده  
دائره گاه گردید - دور این تالاب هشت کوره پادشاهی است -  
فرسنگ دیو دران جسر می استوار بر بسته و آبشاری روح گستر از روی  
این جسر می ریزد در پهنا و زرفا از سیصد کولاب خرد و بزرگ  
آن پرگنه امتیاز دارد - از صفای آبش آیفه حلبی در رنگ  
شومساری - و از چین دلکشایش زلف مهوشان در پیچ و تاب بی  
قراری - عذو بتش نمک بر جگر بحر محیط بیخته - و گوارائیش  
آب چشمه حیوان ریخته - در اینجا روزی چند اقامت فرموده نشاط  
افزای طبیعت اقدس گشتند - و پرگنه چهتره که نهصد قریه دارد  
حاصل هر سال آن هشت لک روپیه است بحکم اشرف در خالصه  
شریفه ضبط شد - و بامر خاقانی باسلام آباد موسوم گردید \*

معیوم رجب نور حدیقه سلطنت و کامکاری پادشاهزاده محمد  
اورنگ زیب بهادر محاسب الحکم از ناحیه دهامونی معاودت نموده  
شرف ملازمت دریافته - و هزار اشرفی نذر گذرانیدند - و شایسته خان  
و گروهی دیگر که با آن کامکار بودند نیز در آن آستان بوس اندوختند \*

پنجم مکرمات خان و باقیخان و اسحق بیگ یزدی که بتفحص  
مدفونات حوالی ذتیه و حصار جهانسی از پیشگاه حضور رخصت  
یافته بودند بیست و هشت لک روپیه از جاههای آن نواحی بر  
آورده بنظر اکسیر اثر در آوردند - و بفرمان والا این مبلغ با سی و  
چهار لک روپیه دیگر که سید خانجهان و خان دوران و مردم  
پادشاهزاده جهانزیان و قلعه دار خان و میر خان و جمعی دیگر که  
در مدت اقامت آن سرزمین از دفاین جنگل دهامونی بدست  
آورده بودند بر فیلان بار نموده بدارالخلافت اکبر آباد فرستاده آمد -  
مردار خان را باضافه هزار سوار بمنصب سه هزارچی ذات و سوار  
سر بلند گردانیده برگشته دهامونی با توابع در اقطاع او و نگهبانی  
قلعه دهامونی با تنسیق آن ولایت بعهده او مقرر فرمودند - و  
حکم شد که تصفیح تتمه دفاین و ذخایر آن خائب خاسر نموده  
نگذارد که دیگری چیزی متصرف گردد - ویرلیغ قضایان بطلب  
سید خانجهان شرف صدور یافت - و عنان یکران از راه سررنج  
بسمت دولت آباد معطوف گشت - سریسنگه راتهور از اصل و اضافه  
بمنصب هزارچی هشتصد سوار سربرافراخت •

بیست و یکم ظاهر بلده سررنج مخیم هشت و  
اقبال گردید •

شب بیست و هفتم دامن امید اصحاب نیاز بعطای ده هزار  
روپیه مقرر برآمود •

پنجم ماه شعبان اردوی گیهان پوی از دریای نریده عبور نمود  
و آن روی آب به نزول اعلام ظفر انجام آرایش پذیرفت - الله

وردیخان صوبه دار برهانپور که برسم استقبال راهی گشته بود سعادت  
ملازمت دریافت \*

## گذارش جشن شمسی وزن

روز شنبه دهم مطابق بیدست و نهم دی جشن شمسی وزن  
خاتمه سال چهل و چهارم و فاتحه سال چهل و پنجم از سنین عمر  
ابد قرین خاتان گیتی ستان آوای مهرت بکیوان رسانید - و آن  
مظهر انوار الهی را بطلا و دیگر اشیای معهوده برسنجیدند \* نظم \*

روزی که شود وزن شه کون و مکان

چرخ از مه و خورشید بسازد میزان

و نگاه که عقل کل بسنجد گهرش

آید ز در کون شاه جم جاه گران

درین روز میمنت افروز سید خان جهان بتقبیل عتبه فلک رتبه  
سر بلند گشته هزار اشرفی نذر گذرانید - و بعنایت خلعت خاصه با  
چار قب طلا دوزی و جمدهر مرصع با پهلوانخانه و شمشیر مرصع و  
افعام یک لک روپیه فرق مباحات برافراخت - و رستم خان و گروهی  
دیگر از بندهای پادشاهی که همراه او بودند شرف ملازمت اندوختند -  
شاه نواز خان صفوی قوش بیگی باضافه هزارگی ذات بمنصب  
چار هزارگی ذات و دوهزار سوار - و امر سنگه ولد راجه گجهنگه باضافه  
پانصد سوار بمنصب سه هزارگی ذات و هزار و پانصد سوار - و میر  
خان از اصل و اضافه بمنصب هزارگی ذات و در بیدست سوار - نوازش  
یافتند - چون عادلخان از مستی باد نا بخردی جمعی از فتنه

پس بیجان نظام الملکیه را خصوصاً ساهوی فساد خو که بعضی محال  
 ملک بی نظام بتصرف در آورده بود - و هر لحظه درد سودا از کانون  
 سربیی مغزش سر بر میزد اعانت نموده در ارسال پیشکش تعلل  
 می ورزید - و قطب الملک نیز عروقه و ثقای بندگی و حبل متین  
 عبودیت از دست داده با عادلخان راه موافقت می پیمود - و چشم  
 از عواطف خاقانی که موجب حفظ و حراست او از دست انداز  
 حوادث است باز بسته بود - و در ابراز تشیع طریق نا هموار نیاگان  
 بطالت شعار خویش مسلوک میداشت - و در ملک او خطبه والی  
 ایران خوانده می شد - بر خاطر مهر ناظر شهنشاه دین پناه پرتوانگند  
 که برای اقامت حجت رشاد و ارادت محبت سداد نزد هر کدام  
 یکی از بندهای سخنده کار بایر ایغ وعد و وعید و منشور ترغیب و  
 تهدید فرستاده آید - باشد که از اعمال نکوهیده و افعال ناپسندیده  
 خود باز آمده رهگرایی سعادت شوند - و رعایت مراتب اطاعت و  
 انقیاد را سرمایه نجات خویش دانند - بنابراین مکرمت خان دیوان  
 بیوتات را که بکار دانی و دور بینی متصف است بعنایت خلعت  
 و اسب و فیل بلند پایگی بخشیده بصوب بیجاپور مرخص ساختند  
 و فرمان قضا جریان و یک قبضه شمشیر دکنی که انرا دهب نامند  
 بایراق و پردانه مرصع بعنوان تبرک مصحوب او برای عادلخان  
 فرستادند - و حکم شد که مشافهه آنها کند که اگر از شاه راه خدمتگذار می  
 دولت ابد پیوند انحراف ورزیده بر همان طریقه ذمیمه مستقر باشد  
 و در ادای پیشکش و گذاشتن آنچه از محال بی نظام متصرف  
 گشته است باولایای دولت و اخراج ساهوی هیه رو و دیگر او باش

نظام المملکيه که در ولايت خود جا داده است يا نوکر کردن اينان  
تساهل ورزد انواع قاهره از پيشگاه عظمت و جلال دستوري خواهد  
يافت - که تا ملک و مال او را تلف گردانند - و سزای کردار  
اين گروه فساد پزوه در کنار روزگار اينان نهد \*

### نقل فرمان فضا جريان بعالخان

امارت و ايالت پناه - نصفت و شوکت دستگاه - نقاره دودمان  
عز و علا - عضاده خاندان مجد و اعتلا - مصدر آداب خيرخواهي -  
مظهر اسباب هوا خواهي - قدوه متخصصان سعادت کيش - خلاصه  
مخلصان صلاح انديش - جوهر مرآه صفا و صفوت - فروغ ناصيه  
دولت و رفعت - سزاوار صنوف عنايات و مراحم بيکران - شايسته  
وفور توجهات و تلطفات نمايان - المختص بمواهب الملك المنان -  
المخصوص بمزيد الانصال والاحسان - عادالخان بجلايل الطاف  
پادشاهانه و شرايف اعطاف شاهنشاهانه مفتخر و مستظهر گشته  
بداند - که چون عادالخان مرحوم اخلاص درستي بخدمت موفور  
السعادت داشت - و ما نيز بدولت و اقبال عنايت خاص بآن مرحوم  
داشتيم - و التماس آن مغفور از ما منحصر درين بود که هميشه بآن  
عدالت و نصفت پناه در مقام عنايت و مرحمت باشيم - و پس  
از رحلت آن غفران پناه از دار فنا بدار بقا حقيقه تقصيري ازان  
زيد مخلصان ارادت کيش سر بر نزده بل مصدر هر تقصيري که  
درين مدت از اطرف بوقوع آمده غلام بد اصل بد طيننت بود -  
چه درين مدت مدار معاملات آن خانه برآن بد بخت بود و آن



عدالت و شوکت دسنگه استقلالی و اختیاری در معاملات آنچنانداشت  
و آن بدنهاه بسزای اعمال قبیح خود رسید - و از عرایض آن  
امارت پناه که بعد از واصل شدن آن بد کردار بجهنم متواتر بدرگاه  
خلایق پناه ارسال داشته و فور اخلاص و صدق اعتقاد و قبول اطاعت  
و انقیاد ظاهر میگردد - و بنابراین ما بدوالت و اقبال غایت عنایت  
و نهایت مرحمت نسبت بآن عدالت پناه داریم - و ملکی که عادل  
خان مرحوم در تصرف داشت آنرا بالتامام دیده و دانسته بآن زبده  
مخلصان عقیدت پیشه مرحمت فرموده ایم - و قرار خاطر ملکوت  
ناظر آنست که تا آن امارت مرتبت بر جاده دولتخواهی و اطاعت  
و انقیاد احکام پادشاهی باشد اصلا و مطلقا از افواج قاهره پادشاهی  
ضروری بآن ملک فرسد - می باید که آن عدالت و نصفت پناه قدر  
عنایات بیغبات پادشاهانه ما را دانسته سر رشته اخلاص و بندگی  
خود را باین درگاه خلایق پناه مستحکم داشته آنچه لازمه مریدی و  
دولتخواهی و بندگی و اخلاص و اطاعت و انقیاد بوده باشد بعمل  
آورد - چون دولت آباد و احمد نگر که جای نشستن نظام الملک  
سابق و لاحق بود به تصرف اولیای دولت قاهره در آمد - و هر دو  
نظام الملک را بندهای درگاه والا در قلعه گوالیار در قید دارند -  
تمام ملک نظام الملک و قلاع و توپهای او که از جمله آن توپ  
ملک میدان و امثال آن باشد تعلق باولیای دولت قاهره دارد -  
او باشی چند مثل ساهو و غیره که در بعضی از محال نظام باعتماد  
حمایت آنعدالت دستگاه مانده اند - اگر آن نصفت منزلت  
بهبود خود را میخواهد می باید که دست از حمایت این اوباشان

باز دارد - و چون بعد از جلوس اقدس تا حال پیشکش آن عدالت و نصفت پناه بدرگاه آسمان جاه نرسیده واجب و لازم آنکه پیشکشی را که حکم فرموده ایم از قسم جواهر نفیص و مرصع آلات قیمتی و فیلان کلان بی عیب نامی مثل هنونت و سرناک و بخت بلند و فتح نورس بدستوری که عادل خان مرحوم ترتیب داده می فرستاد - بدرگاه معلی ارسال دارد - هرگاه آن مرحوم باوجود آنکه قلعه سولاپور را با ولایتی که نه لک هون جمع آنست مثل محال سولاپور و محال و نکو ازان مبرور گرفته بملک عنبر داده بودیم آنچنان پیشکشی فرستاده باشد درینوقت که ما بدولت بآن عدالت مرتبت قلعه سولاپور و آن محال را عنایت می نمایم باید که پیشکشی که بمراتب از پیشکش آن مغفور بهتر و بیشتر باشد بفرستد - چون ضرور بود که بنده روشناس معتمد معتبری را پیش آن زبده مخلصان ارادات کیش بفرستیم تا این مراتب را بدلائل واضح و براهین قاطعه خاطر نشان نماید - و خاطر آن قدوة مخلصان خیر اندیش را بالکل بشرح عنایت بیغایت پادشاهانه ماحمع سازد - تا آن معدلت دستگاه بیقین داند که من بعد بشرط ثبات آن مهبط عنایات نمایان برجاده اخلاص و دولتخواهی و قبول اطاعت و انقیاد احکام پادشاهی بغیر از عنایت و مرحمت از مانسبت بآن عدالت و شوکت پناه امری دیگر بظهور نخواهد آمد - اینمعنی نسلا بعد نسل و قرنا بعد قرن برقرار و پایدار خواهد بود - بنا برین ندوی خاص مخلص درست اخلاص مورد مراحم بیکران مکرمات خان را که بمزید اعتماد و اعتبار از ابنای جنس

خود امتیاز تمام دارد - و گفته و کرده او پیش ما منظور و معتبر است - با آنکه بخدمت دیوانی بیوتات سرافراز است - و بودن او در رکاب سعادت لازم - بآنصوب مرخص ساختیم تا مراتب مذبور در فی الصدر و این ارشادها را خاطر نشان نماید - و احکام جهان مطاع عالم مطیع چندی را که بآن زبده مخلصان ارادت کیش فرموده ایم برساند تا بمقتضای آن عمل کند - و بمزده عنایت قلعه سولاپور و محال متعلقه آن و عنایت ملک ونکو که مجموع آن نه لک هون جمع دارد آن عدالت و نصفت پناه را مسرور و مبتهج گرداند - هرگاه خان مشارالیه بملاقات آن قدوه متخصصان ارادت کیش فایز گردد - و آن مراتب را بالتمام معلوم نماید - و آن حشمت و شوکت دستگاه تمام آن مقدمات را قبول کند - و عرضه داشت خود را که مشتمل بر قبول این مقدمات بوده باشد نوشته با عرضه داشت خان مذکور بدرگاه والا بفرستد - فرمان عالیشان مزین بنشان پنجه مبارک که از صدور آن فرمان مرحمت عنوان خاطر آن عدالت و نصفت دستگاه بالکل بهمه جهات از جانب عنایت و مرحمت ما جمع گردد - صادر خواهد شد - و بآنجا خواهیم فرستاد - تا خان مشارالیه آن امارت و ایالت پناه را بورود آن فرمان عنایت عنوان مسرور و مطمئن خاطر گرداند - و پیشکشی را که مقرر شده گرفته آن چنان روانه شود که در ایام نوروز عالم افروز بدولت آبدار برسد و آن پیشکش را از نظر اشرف اقدس اعلیٰ بگذرانند - مجمل اگر آن عدالت و نصفت دستگاه میخواهد که درجا و مقام خود ایمن باشد و ملک آن نصفت و حشمت پناه از آسیب لشکر ظفر پیکر محفوظ

مانند بمقتضای آنچه درین فرمان عالی شان حکم شده بموجب آن  
آنچه آن عدالت پناه را زبانی ارشاد فرموده ایم بعمل آورد - و اگر  
بهیچن جمعی از نا عاقبت اندیشان بخلاف این مراتب عمل  
نمایند آنچه بآن عدالت پناه و آن ملک برسد آنرا از نتایج اعمال  
خود داند - و وبال هر آزاری که درین ضمن بخلق الله برسد آنرا  
بخود عاید شناسد - یک قبضه دھوپ خاصه میدنکار با پردلے مرصع  
و فرگل خاصه مصحوب خان مشار الیه فرستاده شد - عنایت پادشاهانه  
را شامل حال خود داند - کنار آب فربه در مقام هندیہ تحریر یافت \*

و عبد اللطیف گجراتی را که سر رشته طلب و تفحواہ تیول با  
او بود بمرحمت خلعت و اہپ و فیل فوازش نموده نزد قطب  
الملک روانہ ساختند و فرمان قدر توان با کمر مرصع تبرکا فرستادند \*

### نقل فرمان عالیشان بقطب الملک

ایالت و امارت پناه - ارادت و عقیدت دستگاه - عمدہ امجد  
کرام - سلالہ اکرام عظام - نقاوہ خافدان عزو علا - عضادہ دودمان  
مجد و اعتلا - زبدہ مخلصان صلاح اندیش - خلاصہ متخصمان معادت  
کیش - مورد الطاف شاهنشاهی - مصدر آداب خیر خواہی -  
جوہر مرآة صفا و صفوت - فروغ ناصیغ دولت و رفعت - سزاوار  
عاطفت بیکران - المخصوص بعنایت الملک المنان - قطب الملک  
بشمول عنایات پادشاهانہ مستظہر بودہ بداند - کہ ما بدولت و  
اقبال پادشاه اسلام - و مروج دین مبین حضرت مید انام - علیہ و  
علی آکہ و اصحابہ صلوات الله الملک العلام - و موید و مروج مذهب

اهل سنت و جماعتیم - بر ما واجب است که در هر جا که حکم  
 اشرف اقدس ما جاری باشد احکام شریعت غرا و ضوابط ملت  
 بیضا را جاری سازیم - و آثار بدعت و ضلالت را محو فرمایم -  
 بمسامع جاه و جلال رسیده که در ملک آن قطب فلک شوکت ملی  
 روس الاشهاد سب اصحاب کبار که آیات قرآن مجید و فرقان حمید  
 دلالت میکنند بر فضل ایشان - و اخبار آثار صحاح شهادت میدهد  
 بر علو درجه و سمو مرتبه آن بزرگان - رضی الله تعالی عنهم - و  
 با فضائل صوری و معنوی ایشان قرابت قریبه حضرت رسالت  
 صلوات الله و سلامه علیه و علی آله و اصحابه اجمعین فراهم آمده -  
 مینمایند - و آن ایالت پناه منع نمیکند - و بسزای اعمال نمیرسانند -  
 بنا برین از روی ارشاد حکم میفرمایم که از ملک خویش این امر  
 قبیح و فعل شنیع برطرف گرداند - و اگر بد بختری از بی سعادت  
 مرتکب شود ادرا سیاست نماید - و اگر چذین نخواهد کرد و  
 رضامندیش باین معنی بوضوح نخواهد پیوست - درینصورت بر ما  
 لازم است که در مقام تسخیر آن ملک شویم و مال و اهل آن ولایت  
 را بر خود حلال دانیم - و خون آنها را هدر شناسیم - و دیگر بعرض  
 رسید که خطبه را در آن ملک بنام فرمانروای ایران میخوانند -  
 هرگاه آن ایالت پناه دعوی مریدی ما میدهمده باشد با فرمان  
 روی ایران چه رجوع دارد - باید که بعد ازین نام فرمانروای  
 ایران در خطبه مذکور نسازد - و در آن ملک خطبه بنام نامی و  
 القاب سامی ما مزین باشد - دیگر مبلغ کلی از بابت پیشکش  
 آن ایالت و شوکت پناه را باید داد چنانچه تفصیل آن از ادراقی

که بدسخط دیوانیان کرام رسیده و همراه این فرمان عالیشان فرستاده شده معلوم خواهد شد - آنرا ادا نماید - چون ضرور بود که فهمیده معتمدی را بآن صوب بفرستیم تا مقدمات مسطوره را خاطر نشان آن شوکت دستگاه کند - و اعلام نماید که ما بدولت و اقبال نظر یوفور اخلاص و صدق اعتقاد می که پدر آن ایالت پناه سلطان محمد قطب الملك مرجوم بخدمت ما داشته و خدمتی که ازان مرحوم بوقوع آمده این همه عنایات پادشاهانه نسبت بآن قطب فلک ایالت میفرمایم - و آن ملک را باو مرحمت نمایم - و مقبر می کنیم که بشرط استقامت بر جاده دولتخواهی و اطاعت و انقیاد احکام جهان مطاع عالم مطیع و ادای مطالبات سرکار خاصه شریفه بعد ازین ضروری از اولیای دولت قاهره بآن ملک نرسد - و در عوض مبلغ مذکور جواهر نفیسه و مرصع آلات ثمینه و فیلان بی عیب کلان نامی مثل داک سمندر و بشیر که پدر او بعنوان پیشکش فرستاده بود - و دیگر تحف و هدایا ازان امارت دستگاه گرفته روانه درگاه والا گردد - لهذا معتمد کار آگاه ملا عبد اللطیف را که از بندهای روشناس این درگاه خلائق پناه است با آنکه خدمت دفتر تن داشت و بودن آن لایق العنایت در رکب ظفر نساب لازم بود پیش آن ایالت و شوکت پناه فرستادیم - و هر ارشادی که آن قطب فلک ایالت و ابهت را بایست نمود بزبان آن معتمد حواله فرموده ایم - بموجب آنچه درین فرمان عالیشان حکم شد - و بهرچه زبانی ارشاد فرموده ایم عمل نماید - و این پیشکش را آن چنان ترتیب داده مصحوب مشار الیه روانه سازد که در ایام نوروز عالم

افروز در دولت آباد از نظر اشرف بگذرد - و نفاست جواهر و خوبی  
 فیلان پیشکش مذکور بعنوانی باشد که مجرای خوب آن نصفت  
 دستگاه ازین جهت شود - و یقین داند که اگر توفیق قبول این احکام  
 نیافت و باین ارشاد مترشد نگشت و پیشکش مزبور را بروشی که  
 حکم جهان مطاع واجب الاتباع شرف صدور یافته روانه درگاه ملک  
 اشتباه که ساکنان اقالیم سبعة را ملجاء و پناه امت نگردانند افواج  
 قاهره و عساکر منصوره بآن ملک خواهند درآمد - درآن هنگام آنچه  
 بآن ملک و اهل آن ملک برسد از نتایج اعمال خود داند \*

شب پانزدهم شعبان ده هزار روپیه مقرر به ارباب احتیاج  
 مرحمت شد - فردای آن خان دوران که از ملک چاندا ررافه  
 درگاه جهان پناه گشته بود به تلثم عتبه خلال سرافراز گردیده  
 هزار اشرفی نذر گذرانیده پنج لک روپیه نقد و فیل روپ نگار بابت  
 زمیندار چاندا مذکور با یراق طلائی مبلغ پنجاه هزار روپیه که خان  
 مشارالیه از خود مهیا ساخته بود و برخی از اموال مقاهیر بندیده  
 که زمیندار مذکور نزد سرداران افواج بحرامواج آورده و زنان چهار  
 مردود و درگیهان پسرش و درجن سال نبیره او را بنظر انور در آورد -  
 بفرمان اقدس فیل بمها سندر موسوم گردید و در گیهان و درجن  
 سال را مسلمان ساخته نخستین را به اسلام قلبی و دومی را به علی  
 قلبی مسمی گردانیدند و هر دو را بغیروز خان ناظر سپردند - رانی  
 پارتی چون زخم کاری داشت در گذشته بود مگر زنان بعد از  
 ادراک شرف اسلام بخدمتگاری مشکوی مینو مثال نوازش  
 یافتند - خاندوران بمرحمت خلعت خاصه با چارقب زر دوزی و

خنجر مرصع با پهلوانخانه و شمشیر مرصع و خطاب بهادری و انعام صد اسپ از انجمله یکی از طویلله خاصه با یراق طلا سر بر افراخت - و از سواران منصبت او دو هزار سوار در اسپه سه اسپه مقرر فرموده او را بمنصب پنج هزاره ذات پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه عزافه بخشیدند - ماده و سنگه و نظر بهادر خویشگی و میر فیض الله و باقی بیگ از بک و غیر اینان از همهرهان خاندوران بهادر ادراک دولت ملازمت نمودند - و نخستین به اضافه پانصدی صد سوار منصب سه هزاره هزار و ششصد سوار و دومی باضافه پانصدی ذات منصب دو هزاره هزار و پانصد سوار و بمرحمت علم و سیومی باضافه پانصد سوار منصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و ب خطاب رحمت خان و چهارمین از اصل و اضافه بمنصب هزاره هشتصد سوار و ب خطاب قزاق خان سر بر افراختند \*

هفدهم عبد الله خان بهادر فیروز جنگ بسعادت ملازمت فایز گشته و هزار اشرفی نذر گزرا نیده فیل بهوجراج بابت زمیندار چاندا بنظر اکسیر اتر در آورد - و بعنایت خلعت خاصه و چار قب طلا دوزی و خنجر مرصع با پهلوانخانه و شمشیر مرصع و دو اسپ از طویلله خاصه یکی با زین طلا و دیگری با زین مطلا بلند پایگی یافت - بهادر خان روهیله شرف ملازمت اندوخته بمرحمت خلعت و خنجر مرصع و اسپ تپچاق با زین مطلا سر افراز گردید \*

بستم شهنشاه گردون حشمت منازل موضع کراره را که نخچیر گاه مقرر حوالی برهانپور است به نزول اقدس فروغ آمود ساختند - و در روز بعشرت صید و شکار پرداخته و برهانپور را دست راست



گذاشته متوجه گهات گشتند - پس از رسیدن رایات جهانکشا بنواحی  
دولتآباد خانزمان صوبه دار بالاگهات از دولت آباد آمده بادراک  
دولت ملازمت مستسعد گشت و هزاراشرافی نذر گذرانید و یک فیل  
بعنوان پیشکش بنظرکمیا اثر در آورد - و مبارز خان و راورستر سال  
نبیره راورتن و پرتییراج راتهور و راورهتی سنگه ولد راور دودا و از دکنیان  
مالوجی بهونسله و پرموجی و دانش خان حبشی و گروهی از کمکیان  
دگن نیز رخساره معادت بخاک آستان عرش مکان بر افروختند \*

## انتهاض عساکر فیروزی مائثر بمالش

## ساهو و دیگر افساد پیشکان نظام الماکیه

## و افتتاح سایر قلاع ولایت بی نظام

چون ساهوی ضلالت خو و طایفه از فتنه سگالان نظام الماکیه  
با آنکه بی نظام در حصن گوالیدار محبوس بود برای انقیداد شقاوت  
پژوهان آن دیار طفلی را از قبیله و بدله او بر داشته نظام الملک نام  
کرده بودند - و برخی حصول محال ملک بی نظام بتصرف در آورده  
براه مخالفت می شنافتند - درین هنگام که حوالی دولت آباد از  
اشعه گیتی افروز ماهچه لوای فیروزی منور بود حکم قضا صدور  
یافت که خاندوران بهادر و خانزمان و شایسته خان با افواج نصرت  
امتزاج به تنبیه و تادیب گمراهان پردازند - اگر عادلخان برهنمونعی  
طالع گروه مفسد را معارفت نه نموده درین بورش با جنود ظفر  
امود موافقت نماید بدو متعرض نشوند - و الا ملک اورا نیز پایمال  
مواکب کواکب شمار گردانند - و راجه جیسنگه و راجه پتهلداس و مبارز

خان و رشید خان انصاری و مادهو سنگه ولد راو رتن و امر سنگه  
 ولد راجه گجسنگه و سزاوار خان ولد لشکر خان و مبارک خان  
 نیاری و نظر بهادر خویشگی و اهتمام خان و قزلباش خان و  
 سید عالم بارهه و نور محمد مخاطب بعرب خان و جانسپار  
 خان و مغولخان واد زینخان کوکلتاش و قزاقخان و لطف الله ولد  
 لشکر خان و کرم الله ولد علیمردان بهادر و گوکلداس میسودیه و  
 مهیس داس راتهور و هادی داد برادر رشیدن خان و خواجه عنایت  
 الله و جمعی دیگر از دکتیان و سرافراز خان و جوهر خان حبشی  
 و جگجیون پسر اوداجی رام و سادات بهکری و چندی دیگر یا هزار  
 سوار احدی و تفکنچی و تیر انداز که مجموعه قریب بیست هزار  
 سوار بودند در فوج خاندوران بهادر معین گشتند - و بخشگیری و واقعه  
 نویسی این فوج باسحق بیگ مفوض گردید - و حکم شد که راجه  
 جیسنگه با راجه بیهداس و امر سنگه و سایر راجپوتان هر اول و مبارز  
 خان افغان با جماعه افغانه چنداول باشند - و خاندوران بهادر بسمت  
 قندهار و ناندیر که بملک گلکنده و بیجاپور پیوسته است رفته  
 اقامت نماید - و بتاخت و تاراج پرداخته حصار اودگر و اوسه را که  
 از قلاع متینند انحدرد است مفتوح سازد - بهادر خان روهیله و سید  
 شجاعت خان و شاه بیگ خان و راو سترسال و راجه بهار سنگه بندیله  
 و پرتیراج راتهور و خواجه برخوردار و بهیم را تهور و راجه کشن سنگه  
 بهدوریه و بهگون داس بندیله و اوربک خان و حکیم خوشحال  
 و حبیب کرانی و راو تلوک چند و دلیر همت و سام سنگه راتهور و  
 جگنات را تهور و مغول ولد مرزا شاهرخ و سید مرزا برادر مختار خان

وزارت دیل داس جهالا وگروهی دیگر از دکنیان مالوجی و کار طلب  
 خان و پتنگ رای مخاطب بچادون رای و آتشخان حبشی و  
 بتهوجی و دتاجی ولد بهادر جی و رستم راو و هاباجی و بریل راو  
 و برخی دیگر دکنیان و تابیدان را با جگت سنگه که همراه برادر زاده  
 او بودند و هزار سوار احدی از تفکنچی و تیر انداز که همه اینان قریب  
 بیست هزار سوار بودند بهمراهی خانزمان مقرر گشتند - و هر اویی  
 این فوج برادر سترسال و سایر راجپوتان و چند اولی به بهادر خان  
 و طایفه افغانان تفویض یافت - و حکم شد که خانزمان پس از رسیدن  
 احمد نگر محال وطن ساهورا که در چمار کونده داشتی نزدیک حدود  
 احمد نگر واقع است مسخر ساخته ولایت کوکن را از تصرف اوبیرون  
 آورد - و هرگاه یرلیغ مطاع صادر بود اختی ولایت عادلخان از را که  
 دران ضلع است به نهب و غارت ویران گرداند - الله وردیخان و شیخ فرید  
 وند قطب الدین خان و یکه تاز خان و راجه سنگرام و سید ابوالفتح  
 و سید عبدالوهاب و میر جعفر ولد میر حاج و از دکنیان سعادت  
 خان بیجاپوری و راو و سرور خان و فرحان خان و میدنی راو  
 و دو هزار از تابیدان آصفخان خانخانان سپه سالار که همگی هشت هزار  
 سوار بودند با شایسته خان معین شدند - و ارتفاع قلعه جهیر و سنگمذیر  
 و ناسک و تربنگ بدو مغوض گشت \*

و هفتم رمضان مطابق، بیست و ششم بهمن هریکی از خاندوران  
 بهادر و خانزمان را بخلمت و جمدهر خاصه و اسپ از طوبله خاصه  
 با یراق طلا و فیل از حلقه خاصه - و شایسته خان را بخلمت جمدهر  
 مرصع و اسپ از طوبله خاصه با یراق طلا و دیگر بندگان را دو خور

مرتبت بخلعت و اسب بر نواخته رخصت فرمودند - ۲۰ احمد خان  
 نیازي باضافه پانصدي پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصدي دو هزار  
 سوار - و حسن نبیره یاقوت خان که بخطاب خاني نیز سر بلند گردید  
 بمنصب دو هزار ي هزار و پانصد سوار - و از اصل و اضافه قزلباشخان  
 بمنصب دو هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار - و مبارکخان نیازي  
 بمنصب دو هزار ي دو هزار سوار - و هر یکی از اهتمام خان و همت  
 خان بمنصب هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار - و مغل خان  
 بمنصب هزار و پانصدي هزار سوار - و بهیم راتهور به منصب هزار  
 و پانصدي هشتصد سوار - و اوزبک خان بمنصب هزار ي هزار سوار  
 هراراز گشتند - سنگرام زمیندار کنور بمنصب هزار ي ششصد سوار  
 نوازش یافت - و چون عمارت دولخانه درون حصار مهاکوت انجام  
 پذیرفته بود بیست و یکم خاقان گیتی ستان کنار حوض قتلو را که  
 دو کروهی دولت آباد است و بقرط صفا و طیب هوا و عنایت ما  
 بهترین مواضع آن نواحی است بغرغ نزول نورآگین ساختند \*  
 بیست و چهارم آفتاب جهان تاب سپهر خلافت حصار آسمان  
 سار دولت آباد را که صفت متانت و رصانت و ارتفاع آن باشکوهی  
 دیگر صنایع گزارش یافته بصعود میمنت آمود رشک افزای  
 نه فلك گردانیدند \*

بیست و ششم سپهدار خان از ایلچچور آمده به استلام سده  
 سنیه رخ برافروخت - و هزار اشرفی نذر گذرانید - چون بمسامع حقایق  
 مجامع رسید که از جمله حصون نظام الملیکه که در سمت قلعه چافدا  
 و دهرپ واقعست شش قلعه را مردم ساهوی مقهور و در قلعه

را بهوجبل نایکوارې که به اصطلاح اهل دکن قلعه دار را نامند و شش قلعه دیگر را فتنه پڑوهان متصرف اند - و به استظهار حصانت و استحکام آن گرد فساد برانگیخته زیر دستان پرگنات نواحی را ایذا می‌رسانند - به الله وردیخان که همراه شایسته خان رخصت یافته بود یرلیغ جلال بصدر پیوست که بایکه تاز خان و دو هزار هوار از جمله هشت هزار سوار فوج شایسته خان بدانصوب شذافته قلاع مذکور را مسخر سازد - درین ماه مبارک بدستور معهود دامن امیدمختاجان بعطای سی هزار روپیه برآمود \*

پنجم شوال از عرضه داشت شایسته خان معروض گشت که احمد خان نیازی قلعه را مسیح را از تصرف مردم ساهو برآورده بحوزه تسخیر در آورد - ماباجی نبالگر دکنی بانعام ده هزار روپیه نقد سرافراز گردید \*

هفتم اودییهان پسر ججهار و برادر خرد او و میام دودا که از نبرد گاه بهس تن نیم جانی بدر برده خود را بولایت گلکنده کشیده بودند - و قطب الملك قید نموده همراه کس خود بدرگاه خواقین پناه فرستاده بود رسیدند - شهنشاه حق آگاه برادر خرد اودییهان را بفیروز خان ناظر سپرده فرمان دادند که او را بسعادت اسلام رسانیده با پسر بکرمساجیت که سابقا بار حواله شده نگاه دارد - و در باب اودییهان و میام دودا که کلان مال بودند حکم شد که اگر شرف اسلام دریابند بجان امان دهند - والا بیدارسانند - آن دو خسران گرامی از شقاوت جبلی هدایت پذیر نگشته بجهنم پیوستند \*

هشتم بهرجی سرزبان بکلانه از وطن آمده دولت تلمذیم عتبه والا

در بابت - چون از اطوار ناستوده عادالخان واضح گردید که پریشانی  
 دماغش در تزیید است و قدر مطاوعت و متابعت بندگان درگاه  
 آسمان جاه که وسیله نجات اوست نشناخته باغواهی دشمنان دوست  
 نما مواد زوال ملک و مال خود سرانجام داده قلعه دار اودگیر و  
 اوسه را نهانی زری فرستاده است و خیریت خان را با گروهی  
 جهت محافظت آن دو حصار استوار تعیین نموده - و ساهوی سیه روز  
 را مستمال ساخته رندوله را با جمعی بمعاونت او معین گردانیده  
 شهنشاہ انجمنیه که صواعق غضبش ارکان مستقیمه زمین را بتزلزل  
 در آورده درین تاریخ سید خانجهان را نیز با سپه دار خان و رستم خان  
 و شاه نوازخان صفوی و مرتضی خان و صف شکن خان رضوی و راکرن  
 و خلیل الله خان میرآتش با پانصد سوار برق انداز و نود و پسر میرزا  
 حیدر صفوی و مراد کم نبیره میرزا رستم صفوی و شیرخان ترین واحد  
 مهمند و هریسنگه راتهور و قلعه دار خان و راجه بهروز وک راجه روز  
 انزون و سید لطف علی بهکری و جیرام وک راجه انوب سنگه وخواجه  
 ابوالبقا و یعقوب بیگ وک شاه بیگ خان کبلی و اندر سال نبیره  
 راورتن و عبد الهادی پسر صفدر خان اسمعیل اتائی - و از دکنیان  
 والی محمداار خان و منگوجی و حسن خان وک فخر الملک و شرزه  
 راکر شناجی و جسونت راکر و جوقی از منصب داران دیگر که  
 که مجموعه هزار سوار بودند برای مالش آن کوتاه بیدن ضلالت گزین  
 مرخص ساختند - و سید خانجهان بعنایت خلعت خاصه و شمشیر  
 خاصه و اسب از طوبله خاصه بایراق طلا و فیل از حلقه خاصه و  
 بعضی از بندها به خلعت و اسب و برخی به خلعت و برخی به

اسپ نوازش یافتند - و فرمان شد که خان مشار الیه و خاندوران بهادر و خانزمان با افواج سه گانه از سه جانب بولایت عادلخان در آمده رندوله را بکمک مقاهیر میان بر بسته از میان برداشته ملک بیجاپور را بتاختهای پی در پی ویران سازند - درینضمن اگر عادلخان از غنودگی غفلت بیدار گشته ره گرای اطاعت شود دست از یغمار باز داشته آسیبی بدو نرسانند - و الا در استیصال آن خطا اندیش بکوشند \*

یازدهم از عرضه داشت شایسته خان بعرض ارفع رسید که صالح بیگ نظام الملکیه نگهبان حصن کهبر درک که به نیروی طالع اظهار بندگی و ابراز دولخواهی نموده مردم ماهوی مقهور را که دران حصار بودند بقید در آورد - و قلعه را با پرگنات نواحی به اولیای دولت ابد مقرون باز گذاشت - درین تاریخ عثمان روهیله از اصل و اضافه بمنصب هزاری ذات و هفتصد سوار مقتخر و مباهی گشت \*

### • گذارش نوروز کیهان افروز

روز پنجشنبه دوازدهم شوال سنه هزار و چهل و پنج هجری پس از سپری شدن سه ساعت نجومی سریر آرای آسمان چارم پرتو اعتدال بر ساحت چمن انداخته افشوده طبعان نبات را به اهتزاز در آورد شهنشاه ابرنوال بحر افصال اورنگ گیتی ستانی بجلوس سعادت مانوس بلند پایه ساخته جهانی را کامیاب مطالب گردانیدند - بمنصب مهین گوهر بحر خلافت پادشاه زاده محمد دارا شکوه به اضافه دو هزار سوار دوازده هزار ذات و هشت هزاری

سوار - و منصب هر کدام از دو نیر ارج سلطنت پادشاه زاده محمد شاه شجاع بهادر و محمد اورنگ زیب بهادر به اضافه هزار سوار ده هزار و شش هزار سوار مقرر گشت - بر اجه گجسنگه اسپ از طوبه خاصه با زین مطلا عنایت شد - ملا تقی سفير قطب الملک به استلام عتبه جلال سر بر افراخته دو فیل مست و سه ماده فیل با بندی جواهر و مرصع آلات پیشکش قطب الملک که قیمت مجموع یک لک و بیست هزار روپیه شد بنظر انور در آورد - و بمرحمت خلعت نوازش یافت \*

شانزدهم حاجي محمد جان قدسي را در جلدوي قصیده که بمدح پادشاه فلک پایگاه محلی ساخته بود بزر بر کشیده مبلغ وزن را که پنجهزار و پانصد روپیه شد باو مرحمت نمودند - درنگ خان کلونت را که بقدم بندی مباهي است و در نیکو بندی از همسران امتیاز دارد نیز بزر سنجیده مبلغ چهار هزار و پانصد روپیه همسنگش بار عطا فرمودند - غره ذي القعدة مطابق نوزدهم فروردین که روز شرف بود راجه رایسنگه از اصل و اضافه بمنصب سه هزار و پانصد سوار - و مرشد قلیخان باضافه پانصد و شش هزار و پانصد سوار و پانصد و دو هزار و پانصد و دو هزار و پانصد سوار - و خلیل الله خان به اضافه پانصد و شش هزار و پانصد سوار و سیورام گوریه اضافه پانصد و شش هزار و پانصد سوار و پانصد سوار بمنصب هزار و پانصد و شش هزار و پانصد سوار - و بتیولاری دهند هیره سرفرازی یافتند - و کیبان مرزبان ولایت چاند ابدالت طالع دولت استلام آستان جلال دریافت - و سه فیل بطریق پیشکش گذرانید - و بعنایت خلعت و سرپیچ مرصع و اسپ



تارک بخت‌مندی برافراخت - شانزده اسپ که خواجه کوچک داد  
میرهاشم که از ماوراءالنهر برسد پدشکش ارسال داشته بود از نظر  
اکسیر اثر گذشت - همه را بعد الله خان بهادر فیروز جنگ بخشیدند  
بهریکی از امر الله ولد عبد الرحیم خانخانان و محمد زاهد کوکه و حکیم  
ضیاء الدین خویش ستمی الفسا خانم پنجهزار روپیه عنایت شد -  
از روز نوروز تا روز شرف از پدشکش پادشاه زادهای بخت بیدار و  
امرای نامدار از جوهر و مرصع آلات و دیگر اشیا متاع ده لک روپیه  
بپذیرائی رسید - از انجمله پنج لک روپیه از یمین الدوله \*

چهارم میر ابو الحسن و قاضی ابو سعید که عادلخان بعد از روانه  
شدن ابواج قاهره بنهب و غارت بلجاپور از خواب مستی در آمده ایشان  
را بدرگاه گیتی پناه فرستاده بود بوسیلۀ آصفخان خانخانان سعادت تقبیل  
سده سنی در یافته پدشکشی مشتمل بر جواهر و مرصع آلات و عرضه داشتی  
مذبی از کمال تضرع و ابتهال که عادلخان ارسال داشته بود گذرانیدند  
هفتم بهرجی زمیندار بکلانه را خلعت عنایت نموده بکمک الله وردیخان که  
بکشودن حصان دهرپ و جزآن معین گشته بود مرخص گردانیدند -  
راجه دینی سنگه که از تنسیق ولایت اوند جبهه که در تیول او مقرر بود  
خاطر فراهم آورده روانۀ درگاه گیتی پناه شد - بود دولت ملازمت  
اندوخت - و بعد از خلعت و کعبه مرصع و اسپ مغر گشت -  
و نزد سید خانجهان دستوری یافت - جعفر ولد الله وردیخان نرسنگدیو  
پسر کلان بکرماجیت مردود را با سوداگری بهادر نام از طایفه افغانه  
که نرسنگدیو را نزد بهاول نامقبول می برد مقید ساخته به پیشگاه  
حضور آورد - و حکم شد که نرسنگدیو را پس از دریافت شرف اسلام

بحسن قلمي موموم ساخته حواله معتمد خان نمایند - و سود اگر را  
ببایا رسانند \*

یازدهم کیدا زمیندار چاندا بهرحمت خلعت و کپپوه مرصع  
و لختی مرصع آلات مباحی گشته بوطن مرخص گردید -  
حقیقت سفیران پادشاهی که برای هشیار  
ساختن عادخان و قطب الملک از مستی باد  
نا بخردی و خود پرستی رفته بودند آنکه

چون مکرمتخان بنواحی بیجاپور رسید و عادخان دانست که  
اگر از اطاعت اولیاء دولت گردن خواهد پیچید نایر قهرجهان سوز  
خاقانی خرمن زندگانی او را خاکستر خواهد ساخت - و تند باد سخط  
جهانبانی بنیاد امن و امانی او از بین خواهد برداخت -  
ناگزیر اظهار هواداری و خدمت گزاری نموده از درانعمان وایلی  
درآمد تاموضع ارکبیریا که پنج گروهی شهر است به استقبال یرلیع  
قدر توان و تبرک خلیفه دوران شتافته آئین تسلیم و دیگر آداب  
بندگی و تعظیم بجا آورد - مکرمتخان را باعزاز و اکرام به بیجاپور برده  
در تقدیم مراسم ضیافت کوشید - پس از چندی چون مکرمتخان  
دریافت که عادخان بظاهر از خوف صدمات عساکر ستاره شمار  
ابراز اطاعت و انقیاد می نماید و بیاطن از شرارت انگیزی و فتنه  
آمیزی نامی مدار علیه او می خواهد که فرصت یافته سرعصیان از  
جیب طغیان برآورد - این معنی را عرضداشت نمود - بعد از وصول  
عرضداشت بدرگاه معالی فرمان شد که افواج قاهره بتاخت مصافات  
بیجاپور پیش از پیش ساعی بود و بقتل و غارت پردازند - و چون

عبد اللطیف بحوالی گلکنده رسید - قطب الملک بسعادت یادری  
 پنج گروه برسم پذیره پیش آمد - و تبجیل فرمان قضا جریان و  
 تبرک خاقان ممالک ستان را از اسباب استقرار دولت دانسته تارک  
 افتخار بتسلیمات عنایات شاهنشاهی بر افراخت - و عبد اللطیف  
 را با احترام تمام همراه خود بشهر آورد - ازان رو که پیشکاران تقدیر  
 مواد رستگاری او از جنگ مبارزان فیروزی نشان اماده ساخته بودند  
 و دیده دور بین او کشاده - پذیرای او امری که در منشور دولت  
 مثبت بود گشته خطبه را باسمای سامیه خلفای راشدین والقباب  
 نامیده بادشاه عدل آئین بلند آوازه گردانید - و مکرز هنگام خطبه  
 خواندن حاضر شده بافشاندن زرنثار و دادن خلعت به خطیب  
 سرمایه سعادت اندوخت - و سکه را باسم سامی خدیو هفت اقلیم  
 مزین ساخته لختی از زر مسکوک بدرگاه والا ارسال داشت - و به تهیه  
 پیشکش مقید گردید \*

دوازدهم نقود مذکوره بنظر اقدس در آمد ارکان دولت و اعیان  
 سلطنت صدای تهذیب بعیوق رسانیده اقامت مراسم تسلیم  
 نمودند - تا این عهد میمنت مهد هیچ یکی از قطب الملکیه را  
 توفیق چنین اطاعت و خواندن خطبه بر وفق عقاید طایفه سنیه  
 سنیه رفیق نگشته بود - ایند تعالی همکنان را در سایه لوای  
 دین پروری و حق گستری این خدیو خدا پرست داشته از مقرة  
 بدعت و مضرت ضلالت مصئون دارد \*

اکنون نکارش تتمه این احوال بجای خود گذاشته بگذارش  
 فتوحاتی که به امداد جنود آسمانی و اقبال حضرت

صاحبقران ثانی سرداران ظفر نشان را روی نموده می پردازد  
 چون الله وردیخان بعد از ورد یرایغ جهان مطاع بصوب قلعه  
 دهرپ راهی گشت اولای پای حصار چاندور در آمده آن معقل  
 زمین را که بر فراز کوهی مرتفع واقع شده در قلاع آن دیار بمقتات  
 شهرت دارد محاصره کرد - و بفراوان جد و جهد شانزدهم شوال  
 آنرا مفتوح ساخته کلید قلعه را بدرگاه خواقین پناه فرستاد - و گردن  
 کشان آن ولایت از نیرنگی تقدیر جان و مال خود را در معرض  
 زوال یافته حلقه فرمان پذیری در گوش کشیدند - ابتدا کندهر را و  
 قلعه دار انجراهی که آن نیز بر قلعه کوه اساس یافته و حصانت  
 آن افزون از حصن چاندور است زینهار خواسته الله ویردیخان را  
 دید - و نوزدهم شوال آن دژ استوار را بالوازم قلعه داری به بندهای  
 پادشاهی سپرد - الله ویردیخان برای استمالت دیگر قلعه داران کندهر  
 را را دو هزاره ذات و هزار سوار منصب تجویز نموده پنجاه هزار  
 روبیه نقد از خزانه عامره داد - و جمعی بحراست قلعه گذاشته بتسخیر  
 حصار کانبجنه و مانجنه که بقلعه دار دهرپ تعلق داشت روانه گردید \*

بیست و یکم شوال بان مویل منیع رسیده مداخل و مخارج  
 آنرا دیده از چار جانب به ترتیب ملچار و تعدین دلیران نبرد کار  
 پرداخت - یکه تاز خان را با گروهی محاذی دروازه - و غضنفر  
 پسر خود را باطایفه شمالی قلعه نگاهداشته - حسن علی پسر دیگر  
 را با جمعی جنوبی قلعه معین گردانید - و سرور خانرا (ن) باچندی

( ن ) سردار خان

عقب قلعه نشانده خود در جائی که از آنجا خبری از ملچارها تواند  
گرفت فرود آمد - و قرار داد که همه یکدل بوده بمجروح استماع  
آوای کرنا از اطراف یورش نمایند - پس از آنکه صدای نغیر بلندی  
گرا شد - بهادران از هر طرف بقلعه دویدند و با آنکه تغنگ و بان  
و سنگهای کلان از فراز حصار ریزان بود - بعون تائیدات ربانی خود را  
پائیدن دیوار رسانیده ارکان ثبات محصوران متزلزل گردانیدند -  
درینوقت که غلغلۀ تکبیر مجاهدان دین - و ولولۀ تهلیل مبارزان  
جسارت آئین - قلعه نشانیان خسارت گزین را در گرداب اضطراب  
انداخته بودند کذبهر راو قلعه دار انجرائی که بر همنمائی  
دولت غاشیۀ بندگی بردوش گرفته همراه الله و یرد یخان بود  
بحراس قلعه پیغام داد - که اگر حصار را باولیای دولت پایدار  
و گذارند من متکفل رستگاری شما می شوم - نگهبانان رهائی  
خود را از جنگ شیران بیشه و غنا محصور در سپردن قلعه  
دانسته ناگزیر آمان طلبیدند - کذبهر راو برادر خود را درون فرستاده  
بعهد و پیمان حارمان قلاع را مطمئن گردانیده نزد الله و یرد یخان  
آورد - و آن هر دو قلعه بتصرف اولیای دولت در آمد - و همچنین  
قلعۀ روله و جوله و اهونت و کول و یومرا و اچلاگر و دیگر حصون  
متینۀ آن سرزمین که همه بر فراز جبال واقع شده باقبال جهان  
کشای خاقانی بزودی و آسانی مسخر گردید - و حصن راجه پیر  
که جمعی از خویشان بی نظام نکوهیده فرجام آنجا بودند - و قلعه  
نشینان برای محافظت آنها فراوان سعی و کوشش بجای می آوردند  
و مدت دو ماه در محاصره دلیران رزم پرست بود - با آنکه حصانت

قواعد آن افزون از قلعه انجرائی است - اراسط محرم بمددگاری  
 عنایت ایزدی مفتوح گشت - و خویشان بی نظام بقید اسر  
 بهادران ظفر انجام در آمدند - الله ویرد یخان از فتح قلاع مذکوره  
 فارغ گشته خود را حوالی حصار دهر ب که بمزید استحکام و ارتفاع  
 شهره آن دیار است رسانیده همت بر تسخیر آن بست - بهوجبل  
 پاسبان قلعه از شنیدن فتوحاتی که بتواتر و توالی دست داده بود  
 هراسان شده و تاب مقاومت انواع قاهره در خود نیافته کس نزد  
 الله ویرد یخان فرستاده پیغام کرد - که اگر یک لک روپیه در  
 وجه انعام و منصب و جاگیر لایق مرحمت شود قلعه بی محنت  
 پیکار بولیای دولت حواله می نماید - از آنجا که ایام بارش نزدیک  
 رسیده بود الله ویرد یخان دست از قبل باز داشته ملتتمسات او را  
 بدرگاه جهان پناه معروض داشت - و در آن نواحی منتظر حکم  
 بنشست - بعد ازان که مضمون عرضه داشت بسمع اقدس رسید  
 فرمان شد که بهوجبل را پس از سپردن قلعه تسلیم منصب هزارری  
 ذات و هشتصد سوار فرموده یک لک روپیه نقد بدهد - مشار الیه  
 بیست و پنجم محرم آن در فلک رفعت دشوار کشا را که تسخیر  
 آن بی مددگاری اقبال پادشاهی میسر نبود به الله ویرد یخان  
 سپرده تسلیمات عنایات خاقانی بتقدیم رسانیده در سلک بندها  
 منسلک گردید - شایسته خان در روز پیش از نوروز بسنگمیر رسیده  
 پرگنات آنرا از تصرف پسر ساهوی سیه رو و دیگر ضلالت پیشگان  
 بر آورد - و مقاهیر را ازان ولایت اواره دشت ادبار ساخت - و چون  
 آگاهی یافت که بسمت ناسک شتافته اند - شیخ فرید واد قطب

الدین خان را به تهنانه داری آنجا تعیین نمود - تا برعایای آن  
 مرزوبوم زحمتی نرسد - و احمد خان نیازی را بدندوری و احداث  
 مهمند را بانکوله بجهت ضبط پرگنات و فراهم آوردن کشاورزان و سایر  
 رعایا که از جور و ستم مردودان و هدیت عساکر منصوره پراگنده  
 شده بودند معین ساخت - تابه تسلیم و استماله سرگرم زراعت  
 سازند - و در استحکام تهنانجات کوشیده سعی نمایند که در محال آن  
 ولایت اختلال راه نیابد - مقهوران بمجرد رسیدن شیخ فرید از ناسک  
 بصوب کوکن رفتند - شایسته خان پس از آگاهی برینمعنی باقر  
 سرکرد تابدینان یمین الدوله را با هزار و پانصد سوار بضبط سرکار  
 جنیر و تادیب مخافیل روانه گردانید - درینولا یرلیغ مطاع بشایسته  
 خان سید - که چون از انتظام و انتساق سنگمذیر و توابع آن خاطر  
 جمع نموده و نواحی احمد نگر خالی است زود خود را بانحدود  
 برساند - او بموجب حکم بلا توقف باحمد نگر راهی گشت چون  
 در اثنای ره نوردی از نوشته باقر دریافت که مشار الیه بر اثر پسر  
 ساهو و سایر شقاوت اندوزان جانب کوکن رفته و درجنیرقلیلی از  
 ادبارزدگان مانده اند - بنابران پانصد سوار از تابدینان یمین الدوله  
 بسرداری سید علی اکبر (ن) بخاری بطرف جنیرفرستاد - ایذان بدان  
 جانب رفته شهر را از مردم ساهو متصرف گشتند - و باقر خبر مقهوران  
 در ماهوای شنیده بقصد مالش روانه شد - درینوقت پسر ساهوی  
 فتنه خونزد پدر تیره اختر که در حوالی چمار کونده بود آمده

( ن ) اکبر علی

گروهی را همراه گرفت و بسمت حصار جنیر که عیال آن خسران  
 مآل در آنجا اقامت داشت روانه گردید - بعد از آن که نزدیک جنیر  
 رسید فوج پادشاهی از شهر بیرون آمده بمقابله و مقاتله پرداخت -  
 و از جانبین جمعی مقتول و مجروح گشتند - شایسته خان  
 برین ماجری واقف گشته هفت صد سوار از همراهمان خود  
 بکمک دلیران عرصه شهادت تعیین نمود - مخدولان همراه گرفته  
 هرچند خواستند که با فروختن نایره قتال جماعه مذکوره را از  
 کمک باز دارند - سواران لشکر فیروزی داد شجاعت داده بشهر در  
 آمدند - و باتفاق یکدیگر شهر بند را مستحکم گردانیده نگذاشتند که  
 آن مردود بشهر در آید - و پی هم اخبار احاطه نمودن طایفه  
 ضالعه شهر را و فزونیه عسرت خود از کمی آذوقه و نایابی کاه و هیمة  
 بشایسته خان نوشته استمداد نمودند - خان مزبور با آنکه اکثر  
 کومکیان و تابیدنان خود را باطراف فرستاده بود و قلیلی با خود  
 داشت بسرعت تمام بجنیر رسیده مقاهیر را مغلوب و منکوب  
 ساخت - و تا کنار دریای بهمنه تعاقب نموده جوقی را به تیغ آبدار  
 و سنان آتشبار معدوم گردانید - و قرین نصرت بخیر برگشت - و  
 از آنرو که حصن جنیر در کمال متانت است و تسخیر آن بدین  
 مایه جمعیت میسر نمیگشت باقر را از کوکن طلبیده بمحافظت و  
 مراقبت شهر و ولایت جنیر برگماشت - و در اندک وقتی سنگمنیر  
 و جنیر که با هفده پرگنه از مضافات آن در کرور و شست لک دام  
 جمع دارد داخل ممالک محرومه گردید - و شایسته خان حسب  
 الحکم بیست و پنجم ذی الحجه بدرگاه آسمانجاء روانه شد - و خان



دوران بهادر چون بقندهار رسید مطابق امر خاقانی تسخیر قلعه  
اوسه و اودگیر را وجه همت ساخته بحرکت در آمد و بواسطه  
حفظ متددین و نگهبانی رسد از دست اندازی مخالفین جا بجا  
تهافه نشانده قطع مراحل نمود \*

هشتم شهر شوال در یک گروهی حصار اودگیر یرلیغ قضا نفاد  
پرتو ورود انگذد که چون عادلخان در پذیرفتن او امر پادشاهی و  
ارسال پیشکش تعلل می ورزد و هید خانجهان را با فوجی از بهادران  
ناموس جو تعیین نموده مقرر فرموده ایم که خان مذکور از سمت  
سولا پور و خان زمان از طرف ایندا پور بملک او در آمده بفهب و  
غارث پدر ازند - باید که او نیز از جانب بیدر روانه شده محال آنحدود  
را ویران سازد - خان دوران بهادر احمال و ائقال لشکر را با جماعه  
که از زبونی سراجب تاب همراهی نداشتند بر کنار آب ونجبه  
گذاشته ارائل شب نو روز سوار شد - و پس از سپری شدن پنج  
گهری از روز حوالی قصبه کلیان که معمور ترین محال آن ولایت  
است رسیده بر مردم قصبه که از وصول موکب منصور غافل بودند  
تاخت برد - و قریب دوهزار آدم را طعمه شمشیر ازدها پیکر گردانیده  
و جمعی را باسیری گرفته فراوان اسباب و اموال و مواشی بدست  
آورد - از آنجا به نراین پور که یک ونیم گروهی از قصبه واقعست  
رفته نیز بقتل و اسر پرداخت - و از فروکه لشکر گرانبار غنیمت  
بود شب هنگام همانجا توقف گزیده روز دیگر بهالکی رفت - و  
غذایم را با چندی در حصن بهالکی نگاهداشته و آنرا بنگاه قرار داده  
غله و گاه بسیار گرد آورد - و بعد از شش روز یا شیران خو بخوار بر

مکاناته که ده گروهی بهالکی و دو گروهی بیدر است - و بآبادی و عمارت شهرت داشت - تاخته و تا کنار قلعه بیدر شتافته اثری از آبادانی نگذاشت - چنانچه در عرض سه روز پنجاه محل معمور آن ولایت پامال عساکر فیروزی مآل گردید - و بر ساحل آب و نجره برای آسودگی دواب یک مقام کرده در سه روز باز بهالکی آمد درینوقت حشری از مقاهیر که همراه بهلول مخدول و خیریت خان بیجاپوری عم رندوله و یاقوت نبیر یاقوت حبشی که به پیکار فوج خان دوران بهادر معین شده بودند نزدیک بیدر منزل کرده در هزار سوار نبرد گزین را به حوالی لشکر منصور فرستادند - همین که سپاهی غنیم نمایان شد راجه جیسنکه هراول این فوج با گروهی از مبارزان عرصه ناورد بر مقاهیر حمله آورده بصدمات کوه شکن برافراز انداخت - خان دوران بهادر از بهالکی کوچ کرده دیونی که سه گروهی اودگیر است آمد - و غنایم و بغه و بار را مصحوب جمعی بناندر راهی ساخته تا معارفت آنجماعه همانجا دایره نمود - و بعد برگشتن آن طایفه از دیونی بصوب بیجاپور متوجه گردید - و جمیع محال آن ناحیت را بتاخت و تاراج خراب گردانید - درین میان غنیم فرصت دستبرد نیافته از دور نمودار میگشت - و از سطوت دلیران جنگ آزما راه گریز می سپرد - تا آنکه افواج قاهره محاذی گلبرگه گذاشته بر سلطان پور و هیراپور که از قصبیات عامره عظیمه بودند تاختند - و غنیمت بسیار بدست آورده در هیراپور نزول نمودند - و چون عساکر منصور از هیراپور بکنار آب بهونره روانه شدند مقهوران نزدیک آمده شوخی آغاز نهادند - خان دوران بهادر خواست که

اردو بمنزل فرود آورده و لشکر توزک ساخته برگروه ادبار پژوه بتبازد -  
 برخی جوانان کار طلب مانند عرب خان و خواجه عنایت الله و  
 سلطان یار و اسفندیار پسران الله یار گوکه ملقب بهمت خان و  
 اهتمام خان و حسینی بر قلب مخالف جلو انداختند - و راجه  
 جیسنگه کمک نمود - خان دوران بهادر توقف مصلحت ندیده مبارز  
 خان را بر اردو گذاشت و خود نیز از عقب رسیده آمد - و مقاهیر  
 را از میدان برداشته و گروه انبوه از هم گذرانیده اسپ بسیاری بغنیمت  
 گرفت - و قرین فتح و نصرت بمعسکر مراجعت کرده برای آسایش  
 خیول یک روز مقام کرد - و از انجا در دو روز بغیروز آباد که دوازده  
 کورهی بیجاپور است رفت - درینولا از نوشته مکرمتخان بظهور  
 پیوست که بیجاپوریان تالاب شاپور را شکسته مردم آن قصبه و دیگر  
 مضافات بیجاپور را درون حصار در آورده اند - و درین نواحی آب و  
 آذوقه پیدا نیست - خان دوران بهادر بصوب بیتلی و دیگر محال  
 تیدول نبیره یاقوت حبشی که کمال آبادانی داشت روانه گشت -  
 و شب در نراین پور گذرانیده هنگام طلوع نیر اعظم سوار شد - پس  
 از نوردیدن چهارده گروه بر کملاپور (ن) تاخته فراوان غله و جز آن که  
 در آن قصبه یود بدست آورد - و از کملاپور چهار گروه پیش رفته  
 قطاع ریحان سولاپوری را غارت نمود - و ولایات معموره غنیم را تا  
 سرحد قطب الملک ویران ساخت - و بسمت سلطان پور وهیرا پور  
 برگشته یکی از معتمدان خود را با محمد تقی که از جانب

( ن ) کمال پور

قطب الملک نزد او آمده بود برای تاکید روانه ساختن پیشکش  
 همراه عبد اللطیف سفیر بگلکنده بیجاپور و تلنگانه تا معارفت کس  
 فرستاده - برکنار آب و نجره میان حدود گلکنده خود توقف گزید -  
 درین اثنا خبر آوردند که فوج مخالف که دوازده کروه عقب افواج  
 قاهره بود بکمک گروهی که بسر کردگی رندوله در برابر سید خانجهان  
 تعیین شده اند راهی گشته - خان دوران بهادر اردو را بحصار کوتکر  
 که از توابع تلنگانه است فرستاده در آن روز شانزده کروه نور دیده -  
 در دیکلور برای فراهم شدن جماعه که از دنبال می آمدند فرود آمد -  
 صباح آن بیست و چهار کروه رانده و از گهانت اودگیر گذشته سه کروه  
 بصوب اوسه رفت - و خبر برگشتن غنیم که در آن نزدیکی بود شنیده  
 شب همانجا منزل کرد - روز دیگر آگهی یافت که رندوله نیز از  
 محاذی لشکر سید خانجهان برخاسته راه سولاپور پیش گرفته است -  
 در خلال این احوال فرمان قدر توان وارد گردید که چون عادلخان میر  
 ابو الحسن و قاضی ابو سعید را بدرگاه خلایق پناه فرستاده الله اس  
 حصار اوسه و اودگیر کرده بود - حکم شد که این دو قلعه از انرو که  
 داخل قلاع بی نظام است باو عنایت نمی فرمایم - و درینولا از  
 عرضه داشت مکرمتخان برضوح پیوست که او ازین خواهش باز  
 آمده برانقیاد احکام مطاعه مصمم گشته است - باید که دست از  
 خرابی ملک او باز داشته بکشایش حصن اوسه و اودگیر بپردازد -  
 بنابراین بیست و سیوم محرم محاصره قلعه اودگیر پیش نهاد همت  
 گردانیده بدان صوب روانه گشت \*

گزارش بقیه این احوال در مکالمات خواهد نمود الحال

دستبردهای سید خانجهان\* بر می نگارند \*

خان مشارالیه بعد از آنکه از سمت شاه گدّه و بیر بدهارور رسید بنه  
و بار در آنجا گذاشته به ترتیب افواج پرداخت - خود در قول جای  
گرفت - بموجب حکم شاه نواز خان صفوی قوش بیگی را سردار  
فوج هراول ساخته راوگرن بهورتیه و فوذر ولد میرزا حیدر صفوی  
و مراد کام نبیرگ میرزا رستم و هریسنگه راتهور و قلعه دار خان و  
جیرام ولد راجه انوپ سنگه و جماعه دیگر از منصبداران و احدیان و  
تفنگچی و تیر انداز را همراه او مقرر گردانید - و در برانغار رستم  
خان را با احداک مهمند و راجه بهروز پهر راجه روز افزون و خواجه  
عبد الهادی ولد صفدر خان و برخی دیگر منصبدار و چندی از  
احدیان برق انداز - و در جورانغار مرتضی خان را با شیر خان ترین  
و راجه رام داس و تایینان صف شکن خان رضوی که بسبب ضعف  
و بیماری با بنه در دهارور مانده بود و طایفه از منصبدار و احدی  
و تفنگچی و تیر انداز معین ساخت - و چنداوی بعهده سپهبدار  
خان باز گذاشته خلیل الله خان میر آتش را با مردم توپخانه و راجه  
دیدی سنگه و سید لطف علی بهکری و جمعی دیگر از منصبدار  
و احدی همراه او مقرر گردانید - و از دهارور سایاجی و کشناچی  
شرزه راو را با جوقی دکنیان برای کشایش مراد هون تعیین نمود -  
اینان بیست و ششم شوال بیک ناگاه خود را حوالی قلعه رسانیدند  
و عنبر نامی که از قبل ربّحان مولاپوری پاسبانی آن محکمه می  
نمود - و بیرون حصار در باغ انبه نشسته بود از مشاهده گرد لشکر  
منصور سراسیمه شده با چندی جانب قلعه دوید - درین میان لختی

که دم از تیغ میزدند بدم تیغ بهادران جان میزدند - بقية الصیف  
 زخمها برداشته با عنبر درون قلعه در آمدند - دلیران لشکر ظفر  
 طراز امپی چند گرفته باحاطة قلعه پرداختند - و روز سوم آنرا  
 مسخر گردانیدند و ادوات قلعه داری از توپ و تفنگ و دیگر اسباب  
 جنگ با آذوقه بتصرف در آورده عنبر را پیش سید خانجهان  
 آوردند - آن نوئین شجاعت آئین او را باستعفای دکنیان مطلق  
 العنان ساخت - و کشن جی شرزه را و را با جماعه رعد انداز در  
 تهانه سرادهون گذاشته خود به سمت دهاراهیون راهی گردید - و در  
 اثنای ره نوردی بر سه محل آباد تیزول ریحان سولاپوری تاخت  
 برده گروهی را که از قریات نواهی در آنجا جمع شده بودند با سیرمی  
 گرفت - و مواشی و آذوقه بسیار بدست آورد \*

بیست و نهم شوال بدهاراسیون رسید و امتعه و حبوبی که  
 مردم آن مکان از باس مبارزان فیروزی نشان گذاشته فرار نموده  
 بودند همه را غارت نمود - در آنجا ابو البقا برادر زاده عبد الله خان  
 بهادر فیروز جنگ را با جمعی از تابیدان خود و طایفه تفنگچی  
 به تهانه داری گذاشته روز دیگر بقصبه کانتی که شش گروهی  
 قلعه سولاپور است رفته حصار آنرا محاصره نمود - حصار نشینان  
 بانداختن بان و تفنگ پرداختند - خان مشار الیه باستاناد عنایت  
 یزدانی که مفتاح شیون مشکله است - و اعتماد اقبال خاقانی که  
 مصباح امور مظلومه - بر دور قلعه گردید بعد از ملاحظه ممر همریان را  
 بیورش در آورد - مبارزان ظفر آئین حصار را مفتوح ساخته حصن  
 گزینان را به تیغ خون ریز از هم گذرانید - و همگی توپ و تفنگ و

بان و سرب و باروت و آذوقه را بغذیمت گرفتند - بعد از تسخیر این محکمه بر قصبه دیوگانو تاخت و هرچه از اسباب و آذوقه در آنجا یافت برگرفته بسمت ساهوره راهی گردید - دریندولا جمعی از فوج مقاهیر که عادلخان به نبرد سید خانجهان بسر گردگی زندان حبشی فرستاده بود نمایان شدند - و بانی چند مرده راه گریز سپردند \*

پنجم ذی القعدة در حین سوارى افواج قاهره ادبار زدگان شوخی نموده بفوج چنداول در آویختند - شاه نواز خان سر کرده فوج هراول بکمک شتافته با سپهدار خان ورستم خان که ایذا نیز بمرد چنداول رسیدند بآویز و ستیز پرداخت - و تا دو کوه به بان و تفنگ و دیگر آلات جنگ هنگام پیکار گرم بود - سید خانجهان دلیری مقهوران دیده مرتضی خان را بصیدانت اردو معین ساخت و مردم خود را در غول گذاشته با طایفه رزم آرا به شاه نواز خان و دیگر مبارزان پیوست - و شیرانه قلب غنیم شکسته جماعت کثیر را کشته و خسته گردانید - چنانچه زندان سر آمد شقارت اندوزان زخمی شده از زین بر زمین افتاد - و یکی از رفقا اسب باو رسانیده از میدان بر آورد - از لشکر فیروزی نیز برخی بدلاوری جان در باختند - و گروهی بگونه جراحت چهره شجاعت بر آراستند - سید خانجهان بدهاراسیون برگشته تا واسط ذی القعدة در آنجا بسر برد - و چون آگاهی یافت که مقاهیر دیگر باره فراهم آمده اراده نبرد دارند لختی از اسباب و مراکب بتهانه داهاراسیون سپرده چهاردهم ذی القعدة بمالش گروه ضلالت پزوه راهی گردید - و

هفت گروه رسمی قطع نموده بعد از یک پهر روز نواحی برگشته  
 تولاچاپور لشکر مخالف را دریانت - رندوله - که باوجود زخم صف  
 آرا بود آویزش در آمده آتش قتال مشتعل ساخت - و فرهاد پدر  
 آن بد نهاد با حشم عادلخان و دیگر او باش بسپهدارخان در آویخت -  
 سپهدارخان با همرهاں خود و جمعی از تابیدان سید خانجہان کہ  
 درینوقت خان مذکور بمعاونت او فرستاده بود بران مقهور حمله  
 آورده نزدیک یلک گروه بعقب گریزاندید - و عصاة دیگر تا دو پهر  
 روز باغزاة نصرت شعار معرکہ آرای بیکار بوده جوقی را بکشتن داده  
 از عرصه ناورد گریختند - و از آنجا کہ درین نزدیکی آب و آذوقہ  
 نبود سرکردہ عساکر ظفرلوا بدہارا سیون مراجعت نموده مقرر  
 ساخت کہ بنہ و بار را در سرادہون بگذارند - و از وسط اوسہ و نلدراک  
 گذشتہ بسمت گلبرگہ راہی گردد - و مواضع معمورہ آنحدود ویران  
 سازد بدین قرار دان بنہ را در سرادہون گذاشتہ بدست و دوم  
 ذی القعدہ برہ نورڈی در آمده و قری و محال آن نواحی پی  
 سپر مواکب فیروزی گردانید \*

غرة ذی الحجہ ستارہ موختگان بعد از سه پهر شب نزدیک  
 اردو کہ دو گروهی اوسہ بود آمده بدان اندازی پرداختند - و  
 همین کہ دلاوران جنگ آژما از ملچار معسکر اقبال برآمدند  
 مردودان ثبات نورزیدہ ہر طرف متواری گردیدند - روز دیگر  
 هنگام کوچ نمایان گشتہ بسپہ دارخان و راجہ دیدی سنگہ آویزش  
 نمودند - و چون جنگ در گرفت خلیل اللہ خان کہ طرح بود خود  
 را بسپهدارخان رسانید و سید خانجہان نیز گروہی را بمظاہرت



او فرستاد - غازیان عسکر منصور داد نبرد داده مقهورانرا از میدان برداشته و تا دو کروه تعاقب نموده جمعی را مقتول ساختند - درین اثنا سید خانجهان بر قلب مخالف تاخت و باندک تردد منہزم ساخته براه فرار انداخت - و رستم خان و شاه نواز خان نیز غنیم خود را باستیلا و چیره دستی شکست دادند - سید خانجهان از ناورنگه برگشته بسبب ویرانی آنولایت و رسیدن ایام بارش بصوب بیرروانه گردید بعزیمت آنکه اگر در راه از مقاهیر آگهی یابد مالش بسزا داده بمملک پادشاهی درآید - و هرجا حکم شود برسات بگذراند \*

یازدهم ذی الحجه بعد از کوچ کردن مبارزان از هشت گروهی سرادهون خسارت زدگان از عقب آمده ظاهر گشتند - شاه نواز خان که هراولی افواج نصرت امتزاج بر او مقرب بود بسید خانجهان پیغام داد که غنیم دنبال چند اول گرفته نزدیک است که جنگ در پیوندد - و امروز چنداوی من اختیار میکنم - چون مبالغه بسیار نمود سردار لشکر قبول کرد - پس از نور دیدن یک کروه مقهوران بفوج شاه نواز خان در آویخته بسر دادن بان پرداختند - دلاوران ظفر آئین نیز بانداختن گجنال و تغنگ و بان عرصه پیکار را کره نار گردانیده تایک پهر کارزار نمودند - سید خانجهان چون دریافت که مردودان در میدان پا قایم کرده اند بشاه نواز خان ملحق گشت - و از میمنه خلیل الله خان با سید لطف علی و مردم توپخانه و از میسرگ مرتضی خان و سیدرخان ترین با همریان خود رحیده برفاقت سید خانجهان ضلالت اندوزان را براه فرار انداختند - درین

اِثنا کهیلوجی بهونسله و ربحان هولاپوری بفوج رستم خان که در پس  
 فول بود در آویختند - سپهدار خان با جمعی از همهران بکمک  
 شتافته بتلاشهای نمایان طایفه ضاله را پراکنده گردانیده آخر کار اشرار  
 تیره روزگار گروهی را در میدان پیکار غریق آب تیغ خون بارلشکر جرار  
 گذاشته بادیه پیمای فرار گشتند - و بهزاران یاس و باس مراجعت  
 کردند - عسکر منصور قرین ظفر معاودت نموده نخست بسرادهون  
 بعد ازان بکنار آب و نجره و از آنجا بدهار در آمد \*

کیفیت استیلای خانزمان بر سر گشتکان بود می بغی و طغیان  
 آنکه او پس از دستوری از درگاه والا باحمد نگر آمده برای گرد  
 آوری آنوقت روزی چند اقامت نمود - و بیشتر احوال و ائقال  
 در آنجا نگاهداشته به ترتیب صفوف پرداخت - خود در قول جای  
 گرفت و فوج هر اول به بهادر خان و برانغار بسید شجاعت خان و  
 برانغار بشاه بیگ خان و چند اول برادر ستر سال استحکام داده  
 بصوب جنیر روانه شد و چون بقریه ایکولنیر که شش گروهی  
 احمد نگر است رسید آگهی یافت که ساهوی زشت خوبا میناجی  
 بهونسله که حصن ناهولی در تصرف داشت مصالحه نموده حصن  
 مذکور را متصرف گشته است - و او را بجنیر همراه آورده میخواست  
 که از راه پار گانون بسمت پرینده بشتابد - بنابراین از ایکولنیر  
 بحرکت در آمد - و پانزده کروه قطع نموده در موضع راجپور که از  
 توابع جنیر است دایره کرد - صباح آن نوزده کروه نور دیده متصل  
 موضع پار گانون معسکر گردانید - ساهوی مفسد که آن موضع را  
 برای فرود آمدن خود برگزیده بود از وصول افواج قاهره سمت

پارگانو گذاشته براهی که میان کوه و جنگل واقع است و بچاکنه و پونه منتهی میگردد راهی گشت - پس از چندی بر خانزمان ظاهر گردید که آن مقهور از آب بهونرا عبور نموده بلوهگانو که از مضافات پرگنه پونه و طعلقات ولایت عادلخان است خود را رسانیده از آنجا که حکم اقدس بنفاد پیوسته بود که اگر آن فتنه گرا بولایت عادلخان در آید اورا دنبال نکند - و صورت حال بدرگاه خواقین پناه معرض داشته تا ورود یرلیغ قدر توان منتظر نشیند - آن نبرد آرای جنگ آزما بکنار دریای بهونرا رفته فرود آمد - و عرضه داشتی منببی ازین ماجرا به پایه سریر خلافت فرستاده باستمالت رعایا و بزرگان و معمور ساختن محال کفیر الاختلال حوالی آن پرداخت - و بهادر خان را با گروهی بجهت محافظت قطان آن محال از دست انداز ساهوی محال که بفاصله بیست کوه رخل اقامت افکنده بود گذاشت - و شاه بیگخان را به تسخیر حصار چمار کونده تعیین نموده مقرر ساخت که آنرا برکشود در آنجا باشد - خان مشار الیه بچمار کونده رفته قلعه را محاصره کرد - اگرچه حصار نشینان تا سه بهر روز در سر دادن تفنگ و بان مساعی بلیغ بکار بردند اما انجام کار از غلبه مبارزان قلعه کشا مضطرب شده زینهار طلبیدند - شاه بیگخان امان داده قلعه را بتصرف درآورد - خانزمان از دریای بهونرا بجذیر حرکت نموده خواست که تا رسیدن منشور امر و نهی بضبط سرکار جنیر به پردازد - درین میان یرلیغ مطاع وارد گردید - که چون شایسته خان مامور گشته که از سنگمذیر بجذیر شتافته سرکار مذکور بحیطه تصرف اولیای دولت روز انزون

در آرد - و اگر تواند حصن آنرا نیز مفتوح سازد - او بدان صوب  
 فرود - و همچنان که مید خانجهان و خان دوران بهادر بموجب حکم  
 معلی از سمت پرینده و کاتبی بولایت عادل خان در آمده بنهب و  
 غارت آن ملک پرداخته اند او نیز بولایت مذکور داخل گشته در  
 ویران ساختن محال معموره آنجا و تادیب ساهو و جمعی که عادل  
 خان بکمک آن واژون طالع فرستاده سعی نماید - و خانزمان بکنار  
 آب بهونرا برگشته برخی احوال ثقیله خود و همراهان بهادر خان  
 حواله نمود - و هژدهم شوال داخل ملک عادلخان شد - و بهر قریه  
 و محال آباد که میرسید بتاخت و تاراج خراب میگرددانید \*

بیست و ششم شوال مابین گهات دودبائی آمد - و زمانی  
 توقف نموده و لشکر گذرانیده پانصد کس از تابیدان خود را در آنجا  
 نگاهداشت - باشد که مقاهیر دلیری نموده پیش آیند و پرمبارزان  
 معرکه و غا دستبردنی نمایند - و خود جانب بالا متوجه گردید -  
 همین که نصفی از راه قطع نموده جمعی از مقاهیر نمایان گشتند  
 دلاوران فبرد جو که در کمینگاه بودند بیرون آمده جلو انداختند -  
 خانزمان نیز عیان بر تافته بر آنها تاخت - و فساد پیشگان را بضرب  
 تیغ و سنان برداشته نزدیک دو کوه تعاقب نمود - و جوقی را بزخمها  
 بر خاک ناکامی و طایفه را بزدان عدم انداخته باردو پیوست -  
 درین اثنا حشری از لشکر ادبار بر او ستر سال که عقب خانزمان  
 می آمد نبرد آغاز نهادند - آن ناموس پرست به نیروی حماست  
 گروهی را هلاک گردانیده بعسکر نصرت قرین ملحق گشت - درین  
 گیرودار برخی از راجپوتان نیز مقتول گردیدند - صباح آن خانزمان

بالشکریان از کتل عبور نمود - و بهفت روز نواحی کولاپور رسیده قلعه  
و قصبه را محاصره کرد - و هرچند اهل حصار نایره بیکار برانروخته  
بمدافعت و ممانعت پرداختند اما از سطوت شیران جانستان

همه پولاد پوش آهن خای

کین کش و دیوبند قلعه کشای

که از اطراف مستولی گشته بودند حصار با قصبه بر حسب خواهش  
کشایش یافت - و گروه انبوه بکوی نیستی نگونسار گشته جمعی  
کثیر بقید اسیر بهادران کشور گیر در آمدند - خانزمان قرین فیروزی  
در آنجا فرود آمد - درینولا خبر آوردند که بسیاری از سکان مواضع  
آن نواحی در جدلی بهس بلند و تزد که در همان نزدیکی بود گزد  
آمده اند - و عیال و اموال و مواشی همراه دارند - سرکرد لشکر  
بهادر خان و شاه بیگ خان را بمالش آن گرانجانان تعیین نمود -  
مجاهدان فیزوی نشان پدای مردمی شهادت بر آن کوه شامخ بر  
آمده گروهی را بشمشیر صاعقه کردار از هم گذرانیدند - و نزدیک  
دو هزار آدم سیرت با سیری گرفته و فراوان مواشی و اموال و  
اعیاب بدست آورده مراجعت کردند - و چون خانزمان از کولا پور  
روانه شده بساحل دریای کشن گنگا رسید ساهوی فساد خو با  
جمعیت خود و وفود شقاوت آمود بیجاپور محاذی افواج قاهره آمده  
تا سه روز بیان اندازی پرداخت - درین میان قابویانته با دلیران  
رزم گرامی آویخت - و پای ثبات از دست داده میگریخت -  
خانزمان شاه بیگ خان را با جوقی از راجپوتان بر اردو گذاشته  
بقصد آنکه بر بنگاه مقاهیر بریزد نصف شب راهی گردید -

و در آغاز سطوع فجر اعظم تاخت برد - ازان جا که مقهوران پیش از رسیدن خانزمان اکثر احوال گذرانیده بودند - و خود سبکبار ایستاده درین وقت اختی آویزش نموده راه فرار پدیدند - مبارزان لشکر اقبال طایفه را بقتل آورده و برخی از اسباب که مخافیل فرصت برداشتن آن نیافتند بغنیمت گرفته برگشتند - روز دیگر هنگام کوچ عساکر منصوره که مجاهدان عرصه نورد جوق جوق برجا ایستاده انتظار کوچ اردو می بردند لشکری گران از ضلالت پیشگان بر فوج بهادر خان و سید شجاعت خان که نزدیک هم بودند ریخته بچنگ مشغول گشتند - پیکار گزینان ظفر آئین بتلاشهای دست بالا جمعی را ره سپر فنا گردانیدند - و هنوز در زد و خورد بودند که شاه بیگخان از جانب یمین تاخته اشرار را بباد حمله از پیش برداشت - و مانند بنات النعش پراکنده ساخت - خانزمان با سایدالوران از انجا شتافته بلند مرج را که از مشاهیر بلاد بیجاپور است غارت کرد - و ازان مکان بیشش روزی ره نوردی بر رای باغ که از باستانی شهرهای آن ولایت است تاخت برده غنایم موفوره بدست آورد - و ده روز در رای باغ گذرانیده معاودت کرد - مخدولان از گمراهی و خرد تباهی عقب مجاهدان راهی گشته گاه گاه بانداختن بان آتش در دودمان خود می افروختند - سر کرده لشکر بفاصله هشت کوره از مرج عبور نموده بر ساحل نهری منزل گزید - و ازانرو که گروهی برای گرد آوری علف و هیمة منتشر گشته بودند با افواج نصرت امتزاج بجهت محافظت آنجماعه بیرون اردو ایستاده ماند - درین اثنا خسارت زدگان بی

آزرم بغونج شاه بیگ خان در افتاده جدال بنیاد نهادند - خانزمان  
از وفور حماسه با قلیلی تاخت - شاه بیگ خان نیز از جانب  
شمال حمله آورد - و غنیم را بر داشته و جمعی را طعمه شمشیر  
گردانیده تا دو گروه تعاقب نمودند - از آنجا که مخازیل مالش بسزا  
یافته بودند دیگر تا بهونرا گرد لشکر نگشتند - درینولا که کنار آب  
بهونرا معسکر افواج قاهره بود یرلیغ قضا نفعان درود نمود - که چون  
از عرضه داشت مکرمت خان بمسامع بشایر مجامع رسید که عادل خان  
از عاقبت بینی و عافیت گزینی قبول احکام واجب الانعان نموده قرار  
داده است که پیشکشی از جواهر ثمینه و مرصع آلات و انیال کوه  
شکوه موازی بیست لک روپیه مصحوب خان مزبور بپایه مریر  
خلافت روانه سازد - و مقرر ساخت که اگر ماهوی میه بخت از  
شقاوت اندوزی باز آمده حصن جنیر را با دیگر حصون ولایت بی  
نظام که در تصرف دارد بارلیدی دولت گردون صوات را گذارد  
او را نوکر کند و الا در کشودن قلاع مذکوره و تادیب آن تبه رای  
فتنه آما باتفاق هوا خواهان این سلطنت ابد اعتصام بکوشد - باید که  
بمجرد رسیدن منشور سعادت گنجور بدرگاه خواتین پناه راهی گردد -  
قا او را مشافهه در باب تسخیر حصار جنیر و غیره و تنبیه ساهوی  
تیره اختر تدبیرات صایبه ارشاد فرموده مرخص گردانیم -  
خانزمان بعد از وصول فرمان قدر توان روانه آستان ملایک اشیان  
گردید \*

بیستم ذی القعدة بعرض اقدس رسید که فوجی از تابینان خان  
خانان سپهسالار که حسب الحکم بکشودن حصن انکی و تذکی

و الکه و پالکه که هژده گروهی دولتاباد واقع شده فرستاده بود قلاع مذکوره را مسخر گردانیدند - بنام اقبال جهان کشای خاقانی را که چنین حصون متدینه و قلاع رصدینه که بیشتر بر جبال شامخه اساس یافته و از رفعت شرفات اندیشه را بدان راه نیست و وهم ازان آگاه نه بکمتر کوششی تسخیر پذیرفت \*

چهارم ذی الحجه اعظم خان بصوبه داری احمد آباد از تغیر سیف خان و اعتقاد خان به تیواداری سرکار جونپور از تغیر بلقر خان نجم ثانی سرانراز گشتند \*

هفتم وقاص حاجی که برسم سفارت از قبل نذر محمد خان آمده و مشمول عنایات حضرت شاهنشاهی گشته معاودت نموده بود - و پس از رسیدن بلخ از وطن مالوف دل برگرفته روی نیاز بدرگاه سلاطین مطاف آورده - با محمد مومن پسر خود و حاجی محمد یار و خدا قلی بتقبیل عتبه فلک رتبه سر بلند گردید - از بخلعت و خنجر مرصع و یک قبضه شمشیر طلای مینا کار و بمنصب هزاری ذات و هشتصد سوار و عنایت اسپ با زین مطلا و فیل و بیست هزار روپیه نقد هر برانراخت - و حاجی محمد یار بخلعت و شش هزار روپیه - و خدا قلی بخلعت و پنج هزار روپیه - و محمد مومن بخلعت و چهار هزار روپیه نقد - کامیاب شدند - و هر کدام بمنصب در خور نوازش یافت - سالیانه حکیم مومنا از اصل اضافه هژده هزار روپیه مقرر شد \*

دهم عید اضحی مزده نشاط رسانید - پادشاه دین پناه بعد از ادای نماز برسم قربان پرداختند - و از اصل و اضافه سعادت خان



بمنصب هزار و پانصدی هزار و دویست سوار - و عبد الرحمن واد شیرخان رو هیله بمنصب هزاری ششصد سوار سرافراز گشتند - چون عادل خان پش از فرمان پذیری و اطاعت اولیای دولت التماس شبیه مقدس و عهد نامه نموده بود - تاهم تارک اعتبارش زینت گیرد - و هم ملک و مال او از نهب و غارت عساکر گردون متأثر امن پذیرد - درین تاریخ خدیو کرم پرور مهر گستر از وفور رامت شبیه اقدس را که بندش محلی بدر و زمرد بود با آویزه مروارید گران بها و یک قبضه دعوپ مرصع و عهد نامه مطرز بنقش پنجه مبارک مصحوب محمد حسین سلدوز که با میر ابوالحسن و قاضی ابوسعید و شیخ دبیر که بعنوان رسالت از بلجاپور آمده بودند دستوری یافت - بعادلخان عنایت نموده فرستادند - و میر ابوالحسن بمرحمت خلعت و اسب و فیل و پانزده هزار روپیه - و قاضی ابوسعید بخلعت و اسب و فیه هزار روپیه و شیخ دبیر بخلعت و اسب و پنج هزار روپیه نوازش یافتند \*

### نقل فرمان عالیشان مشتمل بر عهد که چون کاخ فلک پایدار است و مانند سد سگندر استوار

امارت و ایالت پناه - نصفت و شوکت دستگاه - نقاره دردمان عزو علا - عضاده خاندان مسجد و اعتلا - مصدر آداب خیر خواهی - مظهر اسباب هوا جوئی - قدوه متخصصان سعادت کیش - خلاصه مخلصان صلاح اندیش - جوهر مرآة صفا و صفوت - فروغ نامیده دولت و رفعت - سزاوار صنوف عنایات و مراحم بیکران - شایسته

وفور توجهات و تملطفات نمایان - المختص بمواهب الملك المذان -  
المخصوص بمزید الافضال و الاحسان - عادل خان بجلیل الطاف  
پادشاهانه و شرایف اعطاف شاهنشاهانه مفتخر و مستظهر گشته  
بداند - عرضه داشتی که درین ایام بدرگاه خلیق پناه ارسال داشته  
بود رسید - و از نظر اشرف اقدس ارفع اعلی گذشت - چون از  
فحوای آن عرضه داشت و فور اخلاص و اختیار اطاعت و صدق ارادت  
آن عدالت و شوکت پناه مفهوم میشد - و از خطی که درینولا  
بوکلای خود نوشته بود و آنها باعتضاد سلطنت و فرمان روائی -  
اعتماد خلافت و کشور کشائی - فص خاتم شجاعت و بختیاری -  
آب گوهر جلالت و کامگاری - عقدہ کشای معاهد ملک و دولت -  
سپه آرای مواکب فتح و نصرت - صاحب الشوكة و الاحتشام -  
واجب العز و الاحترام - منتخب نسخه دانش دري و دانائی -  
فهرست مجموعه بینش و بینائی - شناسای رموز ابهت - نگاهبان  
قوانین معدلت - قدره خواقین سمو المکان - عمده امرای رفیع  
الشان - مبارز الملة یمین الدوله فیروزی دثار - خانخانان سپهسالار -  
متوسل شده آنرا بسپهسالار عالیقدر داده بودند - و عضد الخلافه  
سپهسالار مضمونش بعرض اشرف اقدس اعلی رسانید - و از عرضه  
داشت دولتخواه بلا اشتباه معتمد درگاه آسمان جاه مرید فدوی  
مکرمیت خان نیز که مقارن این حال رسید چنین ظاهر شد که درهرباب  
هرچه بآن مورد الطاف بیکران حکم فرموده ایم قبول نموده بطریق  
اطاعت و انقیاد را اختیار کرده بنابرین تقصیرات گذشته آن مهبط  
اعطاف نمایان را بعفو و اغماص مقرون ساختیم - و مجددا در مقام

عدالت و مرحمت نسبت بآن عدالت مرتب در آمدیم اگرچه پیش ازین هم ما به دولت و اقبال چه بواسطه اخلاص خدمات عادل خان مرحوم و سفار شهای آن مغفور و چه بجهت اخلاص و ارادتی که آن عدالت مآب از صمیم قلب بخود بخدمت ما دارد نمیخواستیم که از ما نسبت بآن امارت و ایالت دستگاه اصلا بیعنایتی بظهور رسد و خرابی بملک آن حشمت آیاب راه یابد - اما چون مردم کوتاه اندیش آن نصفت دثار لازم گردانیدند - ضرور شد که باین مقدار خرابی که بملک آن عدالت پناه درین وقت راه یافت راضی نشویم - بهر حال چون زود ازان راهی که مردم کوتاه اندیش آن شوکت انتباه را بآن راه برده بودند برگشت - و بهبود خود را فهمید و سلوک طریق مستقیم بندگی و اطاعت این درگاه آسمان جاه اختیار نمود - و در هرباب آنچه حکم فرموده بودیم قبول کرد - ما نیز بدولت تمام ملکی که از عادلخان مرحوم بآن عدالت مرتبت رسیده بآن زبده مخلصان مرحمت فرمودیم - و از ملک نظام الملک هم محال ونکو و قلعهائی که دران محال واقع است و قلعه سولاپور و محال متعلقه آن که ما آنرا بدولت سابقا از عادلخان مرحوم گرفته بنظام الملک و ملک عنبر داده بودیم و قلعه پریزده و پرگنات متعلقه آن و پرگنه بهالکی و پرگنه جیت کو با و از ولایت کون آنچه به نظام الملک متعلق بود و قلاعی که در ولایت مذکور واقع است و پرگنه چاکنه را که مجموعه پنجاه پرگنه میشود و قریب بیست لک هون حاصل دارد بموجب تفصیل ضمن بآن شوکت انتباه مرحمت فرمودیم - و مقرر نمودیم که سایر ملک نظام الملک بممالک

• محرومه منضم بوده باشد - و تا وقتی که آن عدالت پناه و اولاد و احفاد آن حشمت دستگاه بشروطی که در ذیل این فرمان عنایت عنوان که بمنزله عهد نامه ماست مرقوم گشته عمل نمایند انشاء الله تعالی هرگز ضرری از ما و از فرزندان برخوردار نگردد نامدار عالیقدر ما و از اولیای دولت قاهره ما به ملک آن عدالت پناه نخواهد رسید - و این معنی نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن و قرنا بعد قرن برقرار و پایدار خواهد بود \*

شرط اول آنست که آن عدالت پناه سر رشته مریدی و اخلاص را از دست ندهد - و آنرا محکم داشته باشد - و احکامی که درین فرمان سعادت نشان مرقوم گشته تغیر و تبدیل بقواعد آن راه نداده خلاف آن ننماید - لوازم آنرا همیشه بجای آورد - و از خلاف آن محترز و مجتنب باشد \*

دیگر آنکه قرار دهد که اصلا و مطلقا نظامالملکی در میانہ نباشد و هر نظامالملکی که مانده باشد عادل خانی شود - و مردم آن عدالت پناه مطلقا متعرض محالی که از سابق و حال درین سرحد بممالک محرومه منضم شده است نشوند - و آسیبی بآن محال نرسانند - و از حدود متعلقه خود که درین مرتبه قرار یافته تجاوز ننمایند - و پیشکش بیست لک روپیه را که از نقد و جنس درین مرتبه آن عدالت پناه قبول نموده مصحوب فدوی مکرمتخان بنودی بدرگاه والا ارسال دارد - و چون در هر باب آنچه بامارت پناه ارادت و عقیدت دستگاه - عمده اکرام عظام - سلاله امجد کرام - زنده مخلصان صلاح اندیش - قدره متخصمان سعادت کیش - قطب

الملك حكم شده بود از روی کمال اخلاص و بندگی قبول نمود - و  
 از زمره مبتدعان بد اعتقاد برآمده در سلك فرقه ناجیه اهل  
 سنت و جماعت درآمد - و بروشی که خطبه را در ممالک محروسه  
 باسامی سامی خلفای اربعه را شدین مهدیدین رضوان الله تعالی  
 علیهم اجمعین - و القاب نامی ما مزین ساخته میخوانند در ولایت  
 خود برؤس منابر بلند آوازه گردانید - و وجوه درهم و دنانیر را  
 در آن ملک بنام نامی ما زیب و زینت داد - و قریب پنجاه لک  
 روپیه پیشکش که بعد از جلوس اقدس مقرر فرموده بودیم ارسال  
 داشت - و این معنی مقتضی آن بود که آن قطب فلک ایالت را  
 رعایتی فرمایم - بنا برین مقرر فرمودیم که از جمله چهارلک هون  
 که هر سال حسب الحکم الاشرف بنظام الملك میداد دولک هون  
 را هر سال بسرکار خاصه شریفه واصل سازد - و دولک هون دیگر  
 بآن قطب فلک شوکت معاف باشد - می باید که آن عدالت پناه  
 هم که کلان ترین دنیا داران دکن - و راس و رئیس آنها - و بجای  
 برادر کلان آن قطب فلک ایالت است اصلا و مطلقا در مقام رسانیدن  
 ضرری بملك آن قطب فلک شوکت نشود - و متعرض محال متعلقه  
 او نگردد - و تکلیف دادن چیزی از نقد و جنس بآن قطب فلک  
 ایالت نکند - و بهمان داد و ستد یادکاری که از قدیم الایام میدانند  
 آبای آن عدالت پناه و قطب فلک ابهت متعارف بوده  
 اکتفا نماید - و این مقدمه را نیز از شرایط این قرار داد داند -  
 ساهو و ریحان سولاپوری را چه بجهت آنکه تقصیرات از آنها بوقوع آمده  
 و چه بواسطه التماس آن عدالت پناه باین درگاه والا راه نخواهیم داد

و چون درباب دیگر مردم آن عدالت پناه چنان مقرر فرموده ایم که بهیچ یکی از آنها نه قول بدهیم و نه آنها را بطلبیم - همچنین شاهزادهای والا گهر کامگار نامدار عالیقدر و امرای فیروزی شعار ما نه بآنها قول بدهند و نه آنها را بطلبند - می باید که آن عدالت پناه نیز اگر بنده ازین درگاه معلی از بی سعادتیی خود خواهد که ازین درگاه والا محروم گردد و فرار نموده پیش آن عدالت پناه برود - آن شوکت دستگاه او را نگاه ندارد - و این مقدمه را نیز از جمله شرائط این قرار داد و عهد این مرتبه داند - و چون ساهوی مقهور جای دیگر ندارد ظن بغالب آن است که نوکر آن عدالت پناه خواهد شد - و منقاد آن عدالت پناه خواهد بود - درین صورت بساهوی مذکور بگوید که قلعه جذیر و قلعه تربنگ و قلعه راج دیو هیر و قلعه ترنگل واری و قلعه بیم گرا که بتصرف اوست بزودی خالی نموده حواله بندهای درگاه والا نماید - که مابدولت حکم فرموده ایم که هیچکس متعرض مردم ساهو و اهل و عیال آنها که در قلاع اویند نشود - و سوای توب و غیره که از لوازم آنقلاع باشد بگذارند که آنها بهرجا که می خواهند ببرند - و اگر بالفرض و التقدير ساهوی مقهور نوکر آن عدالت دستگاه نشود آن شوکت پناه او را در ملک خود راه ندهد - و اگر بملک آن عدالت پناه در آید او را دستگیر نماید یا زده از ملک خود برآورد - و به بندهای پادشاهی تنبیه آن مقهور باز گذارد - تا بندهای درگاه خلایق پناه آن مردود را مستاصل سازد - و خاطر ازان مفسد بالکل جمع نمایند - مانند معامله قلعه اوسه و اردگیر که قلعه داران آنها نظام الملکی اند اگر

آنها هم مطیع آن عدالت پناه باشند بآنها نیز تاکید کند که آنها قلمعه را با توب و غیوه که لوازم قلاع است حواله بندهای بادشاهی نمایند - و اهل و عیال و مال خود را که در آن قلاع داشته باشند بهرجا که خواهند ببردند - و اگر مطیع آن شوکت انتباه نباشند پس عرضه داشت نماید تا به بندهای بادشاهی بفرمائیم که آن قلاع را به عنایت الهی جبر و قهرا از آنها بگیرند - میداید که آن عدالت پناه بگوید که تمام این شرایط و عهود را بر صحیفه بنویسند - و تعهد بخط خود بر نگاشته بمهر خود رسانیده برطبق آن در حضور فدوی مکرمت خان قسم بمصحف مجید و فرقان خمید یاد کند - و آن نوشته را بفدوی مکرمت خان بدهد که همراه پیشکش و عرضه داشت آن عدالت انتباه آورده از نظر اشرف بگذراند - این فرمان مرحمت عنوان را که مشتمل بر عهد و قول ماست و ان شاء الله تعالی این عهد و قول همچو سند سکندر ثابت و استوار خواهد بود و تغیر و تبدیل بقواعد آن راه نخواهد یافت - بدستخط خاص و نشان پنجه مبارک مزین نمودیم - و خدا و رسول خدا را شاهد این مراتب ساختیم - و حسب التماس آن عدالت پناه فرمودیم که خلاصه این مضامین مرحمت آئین را بر لوح طلائی که در ثبات ثانی لوح محفوظ خواهد بود منقوش گردانند - وقتی که لوح مهیا شود و فدوی مکرمت خان با پیشکش بدرگاه معلی برسد آن را مصحوب سید ابوالحسن و قاضی ابو سعید خواهیم فرستاد - می باید که آن عدالت پناه قدر این عنایات و مراحم نمایان پادشاهانه ما را که هیچ یکی از ابای آن شوکت دستگاه را این قسم عنایت ما روزی نشده بود بداند - و

و باصنیت تمام و اطمینان تام که بالا ترین نعمتهاست و از درایت  
 ما آن عدالت پناه را حاصل شده در ملک خود بفراموشی و عشرت  
 مشغول باشد - و شکر این نعمت را بجا آورد تا عنایت ما نسبت بآن  
 عدالت مرتبت پیوسته در تزیید و تضاعف باشد - که الله تعالی  
 در قرآن مجید می فرماید لَنْ شُكِّرْتُمْ لَازِدْكُمْ وَلَنْ تُكْفَرْتُمْ اِنَّ  
 عَذَابِي لَشَدِيدٌ - و ما که سایه خدائیم اقتدا نسبت الهی نموده  
 چنین می فرمائیم و بمقتضای آن عمل میکنیم \*

### نقل عرضه داشت عادل خان که پس از اقتضار

### بعنایت شبیه و وصول عهد نامه بدرگاه والا

#### ارصال داشته بود \*

عرضه داشت بندۀ فدوی بر شاه راه عقیدت مستقیم - محمد  
 بن ابراهیم - ذره وار بموقف عرض ایستادهای پایۀ سریر خلافت  
 مصیر اعلیٰ حضرت خاقانی سلیمان مکانی حضرت صاحبقران ثانی  
 میرساند - که فرمان عالیشان قضا توان - و شبیه بی مثل و نظیر  
 پادشاه پادشاهان - و شمشیر قبضه مرصع مرحمت حضرت صاحبقران  
 که مصحوب شجاعت مآب محمد حسین سالدوز مرسل گشته بود  
 با عهد نامه پایدار استوار بوساطت و وسیله معتبر درگاه حضرت  
 صاحبقرانی - معتمد بارگاه سلطانی فضیلت و مکرمت دستگاه مکرمتخان  
 ( مصرع ) بساعتی که تولا بدو بگذد تقویم

فیض ورود و شرف نزول بخشید - و سراین مرید حلقه بگوش -  
 و معتقد غاشیه ارادت بر دوش - را باوج رفعت و سمای



عزت رسانید - مراسم استقبال و تعظیم و تسلیم بجا آورد - بچه زبان شکر این عطیۀ عظمی نماید و بکدام ادا از عهدۀ این موهبت کبری بر آید - دعای آن حضرت ورد شبا روزی و ذکر محمد و ظیفۀ اوقات خود ساخته لمحۀ بغفلت نمیکذرانند - روز دوم وصول فرمان عالیشان که دوشنبه و بیست و پنجم شهر ذی الحجه الحرام باشد خان معزالیه رخصت ملازمت سراسر سعادت یافتند - ولین مرید از منتخب جواهر و مرصع آلات و نیلانی که داشت پیشکشی بقدر وضع و امکان خود ترتیب داده همراه ایشان روانۀ درگاه والا ساخت - بعد از دریافت سعادت استلام عتبه والا شرح حال و ارادت و اعتقاد درستی که در خدمت اقدس دارد و خان مذکور برآی العین مشاهده نموده اند بعرض مقدس خواهند رسانید - محمد حسین سالدوز که در همین شب متوجه درگاه فلك بارگاه شد آنچه درین مجلس از صدق ارادت و صفای عقیدت مشاهده مومنی الیه شده باشد یقین که در عرض آن متعسر نخواهد گردید - سایۀ چتر معلی بر مفارق عالم و عالمیان پاینده باد - عاد الحان عرایضی که بنایۀ سریر خلافت میفرستند این ابیات غواص بحر معرفت خواجه حافظ شیرازی بر دور آن باب زر بر می نگارد

\* \* بیت \*

جوزا سحر نهان حمائل برابرم \* یعنی غلام شاهم و سوگند میخورم  
 گردید نام شاه جهان حرز جان من \* وز این خجسته نام بر اعدا مظفرم  
 شکر خدا که از مدد بخت کار ساز \* کامی که خواستم ز خدا شد میسر م  
 راهم مزن بوصف زلال انخضر که من \* از جام شاه جرعه کش حوض کوثر م

من جرعه نوش بزم تو بودم هزار سال \* کی ترک آبخورد کند طبع' خوگرم  
 شاهامن ار بعرض رسانم سریر فضل \* مملوک این جنابم و مسکین این درم  
 گریا ورت نه میشود از بنده این حدیث \* از گفتۀ کمال دلیلی بیارم  
 گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر \* آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم  
 بر من فتاده سایه خورشید سلطنت \* اکنون فراغت است ز خورشید خاورم  
 نامم ز کارخانه عشاق محو باد \* گرجز محبت تو بود شغل دیگرم  
 ای شاه شیرگیر چه کم گرد دار شود \* در سایه تو ملک قناعت میدهرم  
 عهد الست من همه با مهرشده بود \* در شاه راه عمر ازین عهد نگذرم  
 و ختم کلام بدین مصراع می نماید

\* ع \* پادشاهها جهان بکام تو باد \*

دوازدهم نور الله باضائه پانصد سوار بمنصب دو هزار دویست  
 سوار سر بلند گردید \*

پانزدهم بمیرزا ابو الجحسن ولد میرزا رستم صفوی ده هزار روپیه  
 و بمیرزا نودر ولد میرزا حیدر بن میرزا مظفر صفوی پنجاه هزار روپیه  
 عنایت شد \*

درم محرم شایسته خان که بفرمان والا از تنظیم و تنسیق سرکار  
 سنگمذیر و جنیر را پرداخته روانه درگاه عرش اشتباه گشته بود باستلام  
 سده سنی سر برافراخت \*

پنجم سید خانجهان که بعد از افتیاد عادل خان فرمان طلب  
 او صادر شده بود شرف ملازمت اندوخته هزار اشرافی بصیغه نذر  
 گزرا نید - رستم خان و سپهدار خان و شاه نواز خان و خلیل الله خان  
 و دیگر بندها نیز همراه او سعادت آستان بوس دریافتند - سید

محمد ولد خان دوزان بهادر بمنصب پانصدی پانصد سوار  
نوازش یافت - در عشره اولای ابن ماه مبلغ مقرر بمسئقان  
عطا شد \*

بیست و پنجم خانزمان که بامر خاقانی بنه و بار را با کومکیان  
خود در احمد نگر گذاشته روانه حضور شده بود بتلذیم عتبه جلال  
چهره طالع برانروخت - و از پیشگاه عنایت بخلعت خاصه و  
جمدع مرصع با پهلوانه و شه شیر مرصع و اسب از طویلۀ خاصه  
بایراق طلا و خطاب بهادری کامیاب گردید - و در همان نزدیکی  
بکشودن حصن جنیر و جزآن و مالش ساهوی مفسد دستوری  
یافت - حکیم خوشحال بخدمت بخشیدگی این فوج معین گردید \*  
بیست و نهم راو ستر سال باضافه هزار سوار بمنصب سه هزار  
سه هزار سوار و شیخ الهدیه ولد کشورخان باضافه پانصدی پانصد سوار  
بمنصب هزار و هشتصد سوار سرافراز گشتند \*

غره صفر شیخ عبد اللطیف سفیر از گنکده مراجعت نموده  
بادراک سعادت ملازمت فایز گشت - و مبلغ چهل لک روپیه نقد  
و جنس از جواهر گران بها و مرصع آلات و صد فیل نرو ماده ازان  
میان دو فیل بایراق طلا و دو بایراق نقره و پنجاه اسب عربی  
و عراقی با زینهای مرصع زرین و سیمین و دیگر اشیای نفیسه که  
قطب الملک مصحوب شیخ مشار الیه و شیخ محمد طاهر نوکر  
معتد خود بطریق پیدشکس ارسال داشته بود با سحلی ناطق  
بپذیرائی اوامر و نواهی پادشاهی بخط و مهر قطب الملک  
بنظر اکسیر اثر در آورد - و قریب دو لک روپیه از نقد و جنسی که

قطب الملک در مدت اقامت او در آنجا بار داده بود ؛ خوان  
پیشکش گذرانید \*

## نقل انقیاد نامه قطب الملک

تعهد نامه مرید موروثی نیک خواه - محصل وفدوی بلا اشتباه -  
عبد الله قطب الملک آنکه - چون بندگان اعلیٰ حضرت خاقانی ظل  
سبحانی خلیفه الرحمانی سلیمان مکانی صاحب قران ثانی خلد  
الله ملکه و سلطانه - و افاض علی العالمین بره و احسانه - که هزار جان  
گرامی فدای نام نامی و لقب سامی آن حضرت باد - از روی کرم  
فطری و رافت جبلی این ناحیه مقرر بشرایط ذیل نسلا بعد نسل  
و بطنا بعد بطن باین نیاز مزد درگاه جهان پناه مرحمت فرمودند - این  
مرید موروثی از صدق اعتقاد و وفور اخلاص تعهد می نماید - که همواره  
درین ملک خطبه چار یار با صفا را چنانچه اسم سامی هر یک از  
اکابر دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین صریحا در آن مذکور شود  
مزین بنام نامی و لقب گرامی بندگان اعلیٰ حضرت خاقانی ظل  
سبحانی در جمع و اعیاد لا ینقطع می خوانده باشند - و هرگز  
پیرامون روشی که سابقا خوانده اند نگردند - و پیوسته بر زر  
سرخ و سفید سکه مبارک که از درگاه عالم پناه کذبه فرستاده اند  
می زده باشند - و نیز قبول نمودم که از ابتدای سنه نه جلوس  
مقدس مبلغ دو لک هون را که هشت لک روپیه می شود از جمله  
چهار لک هون بابت نظام الملک سال بسال بی عذر و اهمال بسرکار  
خاصه شریفه واصل سازم - بدین گونه که اگر پادشاهزاده والا گوهر

بلند اختر نظام بخش صوبه دکن باشند بخدمت ایشان بفرستم  
و الا بهر يك از عمدهای آن دولت ابد اتصال كه پرداخت صوبه  
مذكور برای رزین او مفوض باشد برسانم - و هشت لك روپيه از  
جمله سي و دولك روپيه پیشکش كه تا آخر سده هشت بالمقطع  
برین نیازمند درگاه مقرر شده بود باقی مانده نیز با دولك هون  
سال متصل كه سده نه جلوس مبارك باشد بدرگاه معلی بفرستم -  
و آنچه تفاوت قیمت جواهر و فیلان و اسپان و غیره موافق قیمت  
حضور اشرف نسبت بقیمت گلكنده از پیشکش حال مشخص شود  
این مرید موروثی تعهد مینماید كه بلا عذر واصل خزانة عامره  
سازد - و در سنوات آینده هم اگر جنسی در جمله زر پیشکش فرستاده  
شود همین طریق مسلوک باشد - و بعد ازین همیشه با اولیای  
دولت عظمی از صمیم قلب یك رنگ و موالف و با مخالفان كه اسم  
بی مسمائی بیش نیستند از ته دل دشمن و مخالف باشم تاراستی  
و رسوخ این نیازمند در تعهدات المذكوره ظاهر و باهر گردد و در حضور  
رفعت پناه فضایل و كمالات دستگاه مولانا عبد اللطیف بر قرآن  
مجید دست گذاشته قسم یدان كردم كه خلاف آنچه تعهد كرده ام  
از من هر نژد - و اگر خدا نخواسته باشد مصدر خلاف آن كردم  
اولیای دولت قاهره در انتزاع ملك من محقق خواهند بود - طریقہ  
عمدهای دولت كه صوبه دار دكن باشند آنكه چون همچشمان بسبب  
پیش قدمی این نیازمند در قبول اطاعت و بندگی درگاه جهان  
پناه كمر بعداوت من چست بسته اند اگر احیاناً عادالخانیه بعد از  
معاودت رایات عالیات از كوته اندیشی و نا عاقبت بینی دست

قطب الملک در مدت اقامت او در آنجا بار داده بود به عنوان  
پیشکش گذرانید \*

## نقل انقیاد نامه قطب الملک

تعهدنامه مرید موروثی نیک خواه - محصل و فدوی بلا اشتباه -  
عبد الله قطب الملک آنکه - چون بندگان اعلیٰ حضرت خاقانی ظل  
سبحانی خلیفه الرحمانی سلیمان سکانی صاحب قران ثانی خلد  
الله ملکه و سلطانه - و افاض علی العالمین بره و احسانه - که هزارجان  
گرامی فدای نام نامی و لقب سامعی آن حضرت باد - از روی کرم  
فطری و رافت جبلی این ناحیه مقرر را بشرايط ذیل نسلا بعد نسل  
و بطنا بعد بن باین نیاز منذ درگاه جهان پناه مرحمت فرمودند - این  
مرید موروثی از صدق اعتقاد و وفور اخلاص تعهد مینماید - که همواره  
درین ملک خطبه چار یار با صفا را چنانچه اسم سامعی هر یک از آن  
اکبر دین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین صریحا در آن مذکور شود  
مزین بنام نامی و لقب گرامی بندگان اعلیٰ حضرت خاقانی ظل  
سبحانی در جمع و اعیاد لا ینقطع می خوانده باشند - و هرگز  
پیرامون روشی که سابقا خوانده اند نگردند - و پیوسته بر زر  
سرخ و سفید سکه مبارک که از درگاه عالم پناه کنده فرستاده اند  
می زده باشند - و نیز قبول نمودم که از ابتدای سنه نه جلوس  
مقدس مبلغ دو لک هون را که هشت لک روپیه می شود از جمله  
چهار لک هون بابت نظام الملک سال بسال بی عذر و اهمال بسرکار  
خاصه شریفه واصل سازم - بدین گونه که اگر پادشاهزاده والا گوهر

بلند اختر نظام بخش صوبه دکن باشند بخدمت ایشان بفرستم  
و الا بهر یک از عمدهای آن دولت ابد اتصال که پرداخت صوبه  
مذکور برای رزین او مفوض باشد برسانم - و هشت لک روپیه از  
جمله سی و دو لک روپیه پیشکش که تا آخر سده هشت بالمقطع  
برین نیازمند درگاه مقرر شده بود باقی مانده نیز با دو لک هون  
سال متصل که سده نه جلوس مبارک باشد بدرگاه معلی بفرستم -  
و آنچه تفاوت قیمت جواهر و فیلان و اسپان و غیره موافق قیمت  
حضور اشرف نسبت بقیمت گلکنده از پیشکش حال مشخص شود  
این مرید موروثی تعهد مینماید که بلا عذر واصل خزانه عامره  
سازد - و در سنوات آینده هم اگر جنسی در جمله زر پیشکش فرستاده  
شود همین طریق مملوک باشد - و بعد ازین همیشه با اولیای  
دولت عظمی از صمیم قلب یک رنگ و موالف و با مخالفان که اسم  
بی مسمائی بیش نیستند از ته دل دشمن و مخالف باشم تاراستی  
و رسوخ این نیازمند در تعهدات مذکوره ظاهر و باهر گردد و در حضور  
رفعت پناه فضایل و کمالات دستگاه مولانا عبد اللطیف بر قرآن  
مجید دست گذاشته قسم یاد کردم که خلاف آنچه تعهد کرده ام  
از من هر نرزد - و اگر خدا نخواسته باشد مصدر خلاف آن کردم  
اولیای دولت قاهره در انتزاع ملک من محقق خواهند بود - طریقه  
عمدهای دولت که صوبه دار دکن باشند آنکه چون همچشمان بسبب  
پیش قدمی این نیازمند در قبول اطاعت و بندگی درگاه جهان  
پناه کمر بعداوت من چست بسته اند اگر احیاناً عادلانیه بعد از  
معاودت رایات عالیات از کوته اندیشی و نا عاقبت بینی دست

تطاول بملک این نیازمند دراز کنند ایشان در دفع شر آنها از من  
و ملک من ممد و معاون باشند - و اگر باوجود آنکه این نیازمند  
طلب امداد و اعانت نماید و صوبه دار دکن بتغافل بگذرانند و  
عادلخانه به عنف و تعدی ازین نیازمند مبلغی بگیرند آن مبلغ  
درین هشت لک روپیۀ پیشکش هر ساله مجری باشد - این چند  
کلمه بر سبیل حجت نوشته شد - تحریر فی التاریخ شهر ذی الحجه  
الکرام سنه هزار و چهل و پنج \*

لله الحمد که مهمام مملکت کذیر الفسحت دکن انجام پذیرفت -  
و بسیاری از فتنه پژوهان پذیرای اطاعت گشتند - و لختی که از  
صوب صواب و سداد منحرف گشته طریق خطا و فساد می پیمودند  
بظلمت آباد نیستی شتافتند - نخست قطب الملک حاکم گلکنده  
به نیروی طالع دولت متابعت و انقیاد دریافته مشمول عوطف  
بی کران شهنشاه ممالک ستان گردید - بعد ازان عادل خان حاکم  
بیجاپور که در آغاز کار باغواهی دیو پندار - و اضلال شقاوت اندوزان تیره  
روزگار - عواقب امور بنظر در نیارده باندیشه های فاسد و اراده های  
کسد از سعادت فرمان پذیری باز مانده مواد استیصال و اسباب  
زوال خود سرانجام میداد - تاب مقاومت دالوران نبرد آئین  
نیارده بمسلک مطاوعت در آمد - و مناشیر قضا تاثیر  
خاتان اقلیم کشا را پذیرفته مبلغ بیست لک روبیه از نقود  
و اجناس نفیسه که گزارش خواهد یافت بعنوان پیشکش  
روانۀ درگاه عرش اشتباه گردانید - از شگرفی اقبال خاقانی در  
اندک وقتی چنین فتوحات مشکله باولیای دولت قاهره روزی



نشت - و مبالغ گرامند از پیدشکس دولتمندان دکن و سرزبانان  
 گوندوانه با آنچه از دفاین و اموال چهار نگوهدیده کردار که درین یورش  
 غزاة نصرت شعار گرفته بودند - همگی نزدیک دو کروڑ روپیه بود که  
 قریب ششصد و هفتاد هزار تومان عراق و هشت کروڑ خانی رایج  
 ماوراء النهر است - بخزانة عامرة رسید - و برای ثاقبه و تدبیرات  
 صایبه خدیو آگاه دل و ترددات شیران آهن گسل مملکتی که درایام  
 آبادانی قریب یک کروڑ روپیه حاصل داشت با معاقل منیعه و  
 موائل رفیعه که تفصیل انفتاح آن وجد و جهدی که در آن بکاررفته  
 گذارده آمد علاوه ممالک محروسه گشت - طالب کلیم اینمغنی را  
 چه نیکو سرائیده \*

شاهان بختت کشور اقبال گرفت \* تیغبت زعدو ملک و سرومال گرفت  
 چل قلعه بیکسال گرفتی که یکیش \* شاهان نتوانند بچل سال گرفت  
 لله الحمد که ولایت دکن که از زمان حضرت عمرش آشیانی انارالله  
 برهانه تا این عهد میمنت مهد که قریب پنجاه سال سپری گشته  
 همواره مورد عساکر گیتی پیم بود - و مهمش انجام نه یافته - بیمن  
 نیت عالم آرا و همت کشور کشای شاهنشاهی کشایش یافت -  
 و بفرخی و خجستگی مطابق خواهش اولیای دولت قاهره تیسر  
 پذیرفت \*

همیشه تاکه زتائیر مهر و بارش ابر \* دهان غنچه گل را صبا بخنداند  
 لب مرادش ازخنده هیچ بسته مباد \* که خصم را بسزاخلنداش بگریاند  
 پوشیده نماند که اورنگ آرای اقبال پیش از جلوس مقدس دوبار  
 بدین مملکت تشریف فرموده بغلبه و استیلا دنیا داران این سرزمین

شورش آئین را از غنودگی غفلت بر آورده رهگرای اطاعت و انقیاد گردانیده بودند - و فتنه پژوهان و فساد پیشگامان مالش بسزا داده بر بقعه تباعت در آورده پیشکشی شایسته گرفت - شرح نهضت اولی آنکه چون از بی رشدی و کارشناسی شاهزاده پرنیز که با عبد الرحیم خانخانان و خان عالم و خانجهان و مهابتخان و شاه نواز خان و عبد الله خان بهادر بل تمامی امرابهم دکن معین گشته بود - و مدتی دراز در آنجا اقامت داشت کار ابتدرشد - و دنیا داران دکن باهم متفق گشته بچیرگی ولایت بالاگهات راحتی قلعه احمد نگر متصرف گشتند - و چاره کار منحصر در تعیین این بزرگ کرده پروردگار شد - لاجرم حضرت جنت مکّی اعلی حضرت را که فتح رانا نموده آمده بودند بعنایت خاعت خاصه و چارقب مرصع که دورگریبان و سرآمین و دامانش بلآلی آبدار مطرز بود و خنجر مرصع باپهلونکته و شمشیر مرصع و دواسپ خاصه یکی عراقی با زین مرصع و دیگری با زین طلا و فیل خاصه بایراق نقره و ماده فیل برنواخته و بخطاب شاهي که درین دودمان عرش مکان تا امروز بشاهزاده ها مرحمت نشده اختصاص بخشیده بر منصب آنحضرت که پانزده هزارمی ذات و هشت هزار سوار دو اسبه سه اسبه بود پنجههاری ذات و دوهزار سوار دو اسبه سه اسبه افزودند که مجموع منصب بیست هزارمی ذات و ده هزار سوار دو اسبه سه اسبه باشد و خوانی چند مشحون بلالی و دیگر جواهر از ملبوس خاصه نزد آنحضرت آورده فرمودند - که آنچه خوش آید بردارند - پادشاه والا گهر تسبیح سرواریدی که لعل و زمرد نیز دران منظوم بود و حضرت عرش آشیانی مکرر بر سر تاجور خویش

بسته بودند و جز تبرک باعث گرفتن آن نبود برگزیدند - حضرت  
 جنت مکانی آنها با یک تسبیح دیگر که در گردن مبارک خود می  
 انداختند و یک لک روپیه قیمت داشت مرحمت نمودند - و  
 روز جمعه سلج شوال سال هزار و بیست و پنجم هجری مطابق  
 بیستم آبان ماه از اجمیر بدافصوب مرخص ساختند - و بمهابت  
 خان یرایغ رفت که سزاولی شاهزاده پرویز نموده بجانب الہاباد که  
 در تیول او بود روانه سازد - و مقرر گشت که حضرت جنت مکانی  
 بماند و که مکان دلکشی است و هوای خوشی دارد خاصه در ایام  
 برسات تشریف فرمایند - و اعلیٰ حضرت بخجستگی و مبارکی با  
 قلیدی از امرا که از رکب ظفر انتساب حضرت جنت مکانی بهمراہی  
 موکب اقبال نامزد گشته بودند از راه چیتور و مندسور عازم مقصد  
 گشتند - چون این سرزمین بسرحد رانا امرنگه متصل بود و  
 از خلوص عبودیت و رسوخ عقیدت و حق گذاری عنایات و سپاس  
 داری نوازشات ارادہ استلام عتبہ فلك مرتبه نمود - از مہربانی و  
 قدر دانی بجهت مزید عزت و اعتبار او که دستگرفتہ اعلیٰ حضرت  
 بود رای رایان را دستوری دادند - کہ بخدمت سراسر سعادت بیاورد  
 رانا برفاقت رای رایان در مقام انتولہ کہ بیرون کوهستان است  
 بموکب منصور پیوست - و دولت کورنش یافت - و پس از تقدیم  
 مراسم بندگی لختی جواهر و مرصع آلات و ابدان و فیلان بطریق  
 پیشکش گذرانیدہ - از پایہ شناسی او را بعنایت خلعت فاخر و خنجر  
 مرصع با پهلکتارہ و شمشیر مرصع و دو اسپ از طریلہ خاصہ یکی  
 عراقی دیگری راہوار با زین طلا و مطلا و فیل از حلقہ خاصہ با یراق

نقره و ماده فیل سرافرازی ساخته رخصت انصراف دادند - و جگت سنگه پسر کلان نخستین پسرش را با هزار سوار در رکاب نصرت نصاب گرفتند - و از همین نواحی علامی افضلخان و رای رایان را با وکلای عادل خان نزد او مدیریکی مخاطب بمعتمد خان و رای جادونداس را پیش قطب الملک برسم سفارت فرستادند - و نشان های والا مشتمل بر ترغیب و ترهیب نگارش یافت - که اگر ولایتی که در زمان حضرت عمرش آشیانی و نخستین سال جلوس حضرت جنت مکانی باو لایمی دولت متعلق بود باز گذارند - و سر بر خط فرمان پذیری نهند و من بعد از جاده اطاعت و انقیاد انحراف نوزند - و پیشکشی از جواهر و مرصع آلات و ویلان بگذرانند - از مدمات افواج قاهره آمن خواهند بود - والا آماده هلاک باشند - و بنفس مقدس شکار کنان قطع مسافت می نمودند - چون از آب نریده عبور واقع شد خانخانان و خانجهان و مهابت خان و شاه نواز خان و عبد الله خان بهادر و راجه سورج سنگ و راجه بهار سنگه خلف راجه مانسنگه و داراب خان و راجه نرسنگه دیو بندیل و دیگر امرا و مناصبداران کومک آن صوبه برسم پذیره شتافته سعادت ملازمت اندوختند \*

روز دو شنبه پنجم شهر ربیع الثانی سال هزار و بیست و ششم هجری مطابق بیست و سیوم اسفندار شهر برهانپور بقدم ظفر لزوم رونق خلد برین یافت - در همین تاریخ حضرت جنت مکانی بشادی آباد ماند و نزول اجلال فرمودند - از آنجا که باس این شایسته اورنگ ظل الهی آرام از دل های کجگرایان برگرفته بود و هراس این قهرمان الهی خاطرهای نخوت مزندان در گرفته -

عادلخان که تا حال نشان هیچ شاهزاده را استقبال نه نموده بود - چون بختش رو به بیداری داشت پس از آگاهی بر وصول علامی و رای رایان بحوالی بیجاپور مقدم اینان گرامی داشته تا ار کبیره که پنج گروهی بیجاپور است باستقبال نشان عاطفت که سجل امان و حرز جان او بود شتافت - و مقرر ساخت که آنچه از ملک پادشاهی بتصرف در آورده با اقلید احمد نگر و مقالید سایر قلاع تسلیم نماید - و پیشکشی شایسته از خود و دیگر دنیا داران دکن سرانجام داده بذایع سریر سلطنت فرستد - و شاه راه مطامعت مسلوک داشته دقیقه از دقایق بندگی و خدمتگذاری فرو نگذارد - و همواره مراتب اخلاص دولتخواهی را پاس دارد - و بر طبق تعهد پانزده لک روپیه شش لک روپیه نقد و نه لک روپیه جواهر نمیند و مرصع آلات زرین و پنجاه اسپ عربی و عراقی نژاد و پنجاه فیل کوه نهاد برسم پیشکش مصحوب اینان ارسالداشت - و کلید احمد نگر و غیره حواله نمود - و قطب الملک نیز رسم پذیر و دیگر اداب بتقدیم رسانید - و پیشکشی از نوادر جواهر و مرصع آلات گران ارز و فیلان نامی و اسپان عربی و عراقی که قیمت مجموع آن هم پانزده لک روپیه بود سامان نموده با فرستادهای آستان والا روانه ساخت - و مهمی چنان دشوار بطرزی چندین آسان در عرض هفت ماه از روز رسیدن به برهانپور انجام پذیرفت - خاقان کشورستان پس از معاودت دولتخواهان از نزد عادل خان و قطب الملک خاندیس و برار و احمد نگر را بخانخان صاحب صوبه حواله فرموده شاه نواز خان خلف

اورا با دوازده هزار سوار بخبردارعی محال مفتوحه تعیین نمودند -  
 و نگهبانی هر یکی از پرگنه بیدر که ده کرور دام جمع داشت و چندین  
 پرگنه کلان در ولایت دکن نیست با قلعه آن و قلعه احمد نگر  
 و دیگر قلاع و تهاجمات بعهده یکی از امرای جمعیت دار مقرر  
 ساختند - و سواهی دوازده هزار سوار که با شاه نواز خان تعیین  
 فرمودند هزده هزار سوار دیگر که مجموع سی هزار سوار باشد  
 و هفت هزار پیاده تفنگچی بکومک خانخانان معین گردانیدند -  
 و چون خاطر نظام ناظر از نظم و نسق آن دیار فراغ یافت ریاست  
 اقبال بصوب ماند و نهضت نمود - و راجه بهیم که باجوئی بتادیب  
 مرزبانان گوندوانه از برهانپور مرخص گشته بود مراجعت نموده  
 در اثناء راه بموکب اقبال پیوست - و دو لک روپیه نقد و شصت  
 فیل از زمیندار چاندا و یک لک روپیه و سی فیل از زمیندار  
 جابنا آورد - و بیدر بیگ میر بخشی که با فوجی به تنبیه بهرجی  
 زمیندار بکلانه دستوری یافته بود درین وقت اورا با ایفالی که داشت  
 به پیشگاه حضور رسانید - و چون پس از طی مراحل حوالی ماند و  
 مخیم سرادقات اقبال گشت - مهین پور عظمت بادشاهزاده محمد  
 دارا شکوه که سعادت پذیر خدمت جد امجد بودند بحکم آنحضرت  
 با جمیع امرای ذی شان بامتقبال شتافته احراز سعادت ملازمت  
 نمودند - و بعد از یازده ماه و یازده روز یازدهم شوال این سال موافق  
 هشتم مهر ماه بساعت مختار اعلی حضرت ملازمت والد ماجد  
 نمودند - حضرت جنت مکانی بی اختیار از جا برخاسته و قدمی  
 چند پیش گذاشته در آغوش عاطفت کشیدند - اعلی حضرت هزار

مهر بطریق نذر و هزار دیگر بر سبیل تصدق گذرانیدند - و درین روز فیل سرناک را که بهترین اخیال عادل خان بود و مشارالیه انرا بعنوان پیشکش باعلیحضرت فرستاده بود بایراق طلا و ماده فیل و دو فیل بچه و بلورین صندوقچه پر از جواهر و مرصع آلات نفیسه که از انجمله لعلی بود قریب به هزده تانگ وزن که باین کلانی لعلی در سرکار پادشاهی نبود چنانچه حضرت جنت مکانی فرمودند که تا امروز لعلی زیاده از دوازده تانگ بنظر در نیامده و رای رایان دو لک روپیه نقد که عادلخان بار داده بود از بیجاپور بکوده فرستاد آنها بمبلغ مزبور خریده در وقت ملازمت اعلیحضرت پیشکش نمود - و نیلم نادر تمام عیاری بوزن هفت تانگ و قیمت پنجاه هزار روپیه که بآن وزن و قیمت نیلمی در سرکار پادشاهی نبود - و یک قطعه الماس نفیس و یک دانه مروارید غلطان نفیس و یک زمرد نو نادر بنظر انور در آوردند - حضرت جنت مکانی خدیو نشاتین را بخطاب والای شاه جهان نوازش نموده بر منصب این جهان اقبال که بیست هزار بی ذات و ده هزار سوار دو اسبه سه اسبه بود ده هزار بی ذات و ده هزار سوار دو اسبه سه اسبه افزودند - که مجموع منصب سی هزار بی ذات و بیست هزار سوار دو اسبه سه اسبه باشد - و خلعت خاصه با چار قب که دور گریبان و سر آستین و دور دامن آن مروارید قیمتی داشت و خنجر مرصع با پهلوانخانه و شمشیر مرصع با مرصع پردله که در فتح احمد نگر بدست افتاده بود و حضرت عرش آشیانی بحضرت جنت مکانی مرحمت فرموده بودند و یک لک روپیه قیمت داشت و لعلی که عالیجناب خلد ایاب حضرت مریم

مکانی والدۀ ماجدۀ حضرت عرش آشیانی هنگام ولادت حضرت جنت مکانی رو نما آورده بودند با دو سرورید کلان عنایت نمودند - و بجهت اعلای مرتبت و اسنای منزلت آن عالی گهر از جهر و که فرود آمده از خوانهای نثار یک خوان جواهر بدست جود پیوست بر تارک مبارک افشاندند - و فزونی عمر و درایت و جاه و حشمت این شایستۀ دیهیم و تخت از حضرت احدیت مسالت نمودند - انگاه بر فیل سرناک که بهی قوی هیکل و تفومند و خوش ترکیب و سربلند بود و از افراد نوع خود کمال امتیاز داشت سوار شده بدرون غسالخانه رفتند - و بغشاندن نثار از یمین و یسار جیب و دامان خلقی برآموندند - و آنرا بنور بخت موسوم ساخته سرآمد جمیع افعال خاصه گردانیدند - و قیمت یک لک روپیۀ قرار یافت - و ازان روز باز مقرر شد که اورنگ نشین فرمان دهی همواره در محفل مقدس متصل سریر والا بر سندی جلوس میزوده باشند - و املی حضرت پس از روزی چند پیشکش راکه هرده خوان جواهر و مرصع آلات بود و درصد فیل سه بایراق طلا یکی نور بخت که سابقا مذکور شده دو مین هنونت میومین بخت بلند و قیمت هر کدام یک لک روپیۀ شد - و اگرچه هنونت و بخت بلند از نور بخت بلند و عظیم جثه بودند اما نور بخت بحسن صورت و تناسب اعضا امتیاز داشت - و نه فیل بایراق نقره و صد اسپ عربی و عراقی سه بازیین مرصع در صحن دولتخانه خاص و عام ماند و بترتیب و آئینی که دیدۀ روزگار ندیده از نظر اقدس حضرت جنت مکانی گذرانیدند - و قیمت مجموع بیست لک روپیۀ شد - و سوای پیشکش دو لک



روپیه جواهر و مرصع آلات که از انجمله لعلی بود خوش رنگ بغایت نفیس بوزن پنج و نیم تانک که قیمت آن پنجاه هزار روپیه شد بذور محل - و شصت هزار روپیه جواهر بدیگریگمان بطریق ارمغانی دادند - که مجموع بیست و دو لک و شصت هزار روپیه موافق هفتاد و پنج هزار تومان رایج ایران و قریب صد لک خانی رایج ماراء النهر باشد \*

#### بیان نهضت ثانیه آنکه

چون همگی دنیاداران دکن پیمان یکروئی و یکوائی بسته در مخالفت اولیای دولت هم داستان گشتند - و قریب پنجاه هزار سوار به هیئت اجتماعی تابشهر برهانپور رسیده آنچه مملکت دکن داخل ممالک محروسه بود چه از صوبه دکن که احمد نگر و نواحی آن باشد و چه از بالاگهات و پایان گهات برار و ولایت خاندیس بتصرف در آورده برهانپور را محاصره نمودند - و جمعی از آب نریده گذشته به نهب و غارت ولایت ماندو که از مضافات صوبه مالوه است پرداختند - و عبد الرحیم خانخان صاحب صوبه آنجا که با کومکین آنصوبه حصار نشین و قلعه گزین بود عرضه داشت نمود که اگر بسان حضرت عرش آشیانی که از فتح پور یلغار فرموده در نه روز بگجرات رسیده خان اعظم و دیگر بندها را از تنگنای محاصره میرزایان و گجراتیان رهائی بخشیدند - بفریاد رسند - و تدارک فرمایند جان بخشی بندها میشود - و الا از ناموس پرستی و حمیت درستی بآئین راحدوتیه اهل و عبال خود را جوهر که عبارت است از کشتن ایقان از راه اضطرار نموده این فدوی و دیگر بندها جان خویشتن را فدای کار

آن حضرت خواهیم ساخت - حضرت جنت مکانی در اثنای تماشای نزهتگاه کشمیر عرضه داشت مطالعه نموده و بخدیو اقبال داده فرمودند که از جوهر ذاتی و دایره جلی و فطرت بلند و همت اسمان پیوند فرزند سعادت مند چنین متوقع است که بآئین جد امجد فریعه رستگاری جهانی و وسیله زندگانی عالمی گردن - و ملک از دست رفته بتصرف در آرد - و جزای کردار نکوهیده حکام دکن در کنار روزگار شان نهد - خاقان عدو بند کشور کشا به شگفته روئی و کشاده پیدایشی پذیرای حکم معالی گشته بموقف عرض رسانیدند که سعادت این فرزند این که مصدر خدمتی گردد که بکارهای حضرت عرش آشیانی مشابه باشد - و موجب خشنودی و رضامندی حضرت و مقرر شد که پس از معاودت بدار السلطنة لاهور عازم مطلب گردند - چه اکثر ملازمان اعلی حضرت با رای رایان مشغول تسخیر حصار کانگره بودند - و چون در اوایل دی ماه این سال روزی که رایات جهانکشا از کشمیر مراجعت نموده بدار السلطنة لاهور نزول اجلال فرموده رای رایان بعد از کشایش این حصار دولت ملازمت دریافت رخصت اعلی حضرت را بصوب دکن موجب توقیفی ننماید - حضرت جنت مکانی غرق شهر صفر سده هزار و سی هجری مطابق چهارم دی ماه خلعت خاصه با چار قب مرصع که در گریدان و سر آستین و دور دامان به لالی آبدار زینت یافته بود و خنجر مرصع و شمشیر مرصع و دو اسپ سر آمد اسپان خاصه یکی عربی با زین مرصع و دیگری عراقی با زین طلا و فیل خاصه فتح جنگ نام با یراق نقره و صاده فیل عذایت نموده از دار السلطنة لاهور رخصت فرمودند - و رای رایان

که بتازگی صدر فتح قلعه کانگه شده بود بخلعت و اسپ وفیل و حسب الالتماس اعلیٰ حضرت بخطاب راجه بکرماجینت - راجه بهیم و افضلخان و چندی دیگر بخلعت و اسپ - و برخی بخلعت تنها نوازش یافتند - و مقرر گشت که پس از انجام مهم و حصول فیروزی سوای چهل کرور دام سابق که سی و هشت کرور طلب منصب سی هزار جی ذات و بیست هزار سوار دو اسبه سه اسبه بود و دو کرور انعام ده کرور دام دیگر از محال دکن بجای بی فتح تن گردد - که مجموع پنجاه کرور دام بوده باشد - و عبد الله خان بهادر و خواجه ابوالحسن و لشکر خان و سردار خان و سید نظام خلف مدیران جهان صدر و معتمد خان بخشی و وافعه نویسن لشکر منصور و جمعی دیگر از بندها و گروهی انبوه از برق اندازان سوار و پیاده هاتوخانه در خدمت خدیو اقبال معین گشتند - و پنجاه لک روپیه از خزانه همراه ساختند - و چون طینت مقدس از سعادت ابدی و هدایت سرمدی سرشته اند و ذات اقدس بحاسن و مکارم مخمر گشته خدیو نشاتین که از شرب باده که باعث آن رضا جوئی حضرت جنت مکانی بود متذکر و متذانی بودند هرگز بی باعثی و ضرورتی مرتکب نمی گشتند - و در ایام جشن بتکلیف حضرت جنت مکانی ارتکاب مینمودند - همواره همت آسمان پیوند برای ترک آن جویای سبب بود - درینوقت که متوجه تسخیر ممالک دکن میشدند انتهاز فرصت نموده بعرض حضرت جنت مکانی رسانیدند - که صعوبت مهم دکن بر حضرت واضح است این مرتبه معامله بسان سابق نیست بل بهراتب ازان دشوار تر است -

خواهش آنست که چنانچه حضرت گیتی ستانی فردوس مکانی  
 هنگام توجه محاربه رانا سانکا که با لشکر گران با آن پادشاه دیندار  
 معرکه آرای بیکار شده بود از شرب خمر توبه نمودند - و بیدمن  
 نیت حق گرامداد آسمانی رسید - و فتح و فیروزی نصیب گردید  
 این مرید نیز در انتهای سال حال که انجام قرن اول عمر است  
 و سی سال قمری تمام میشود از ارتکاب باز آید تا ببردگت آن بر  
 اعدا ظفر پابد و پیش قبله و ولعی نعمت سرخ روئی حاصل نماید  
 درین باب از حضرت التماس اجازت دارد - آنحضرت تلقی  
 بقبول نموده و تحسین فرموده برگذارند که حق سبحانه و تعالی  
 گرامی فرزند را درین نیت راسخ دارد - و توفیق کرامت کند -  
 خدیو خدا شناس در بیست گروهی کهاتی چاندا روزی که جشن وزن  
 قمری انجام سال سیم و آغاز سال سی و یکم از عمر ابد طراز بر  
 کنار آب چنبل منعقد شده بود شرابها را در آب مزبور ریختند -  
 و اسباب بزم باده از ساغر و صراحی و دیگر ظروف مرصع و اوانی  
 طلا شکسته بفقرا و اهل استحقاق قسمت نمودند - زهی توفیق و  
 خهی سعادت که با افزونی اسباب عیش و کامرانی و فراوانی مواد  
 تنعم و شادمانی از کمال شناسائی در عین برنائی و هنگام استیلا  
 شهوات و استیغای لذات

\* مصراع \*

نفس خود کام رام گردانند

چون حوالی اجین مضرب خدام فیروزی شد از عرضه داشت محمد  
 تقی فوجدار مالوه که حراست حصار ماند و نیز بعده او بود بمسامع  
 علیه رسید که منصور خان فرنگی با قریب هشت هزار سوار دکنی

از آب نریده گذشته و اطراف قلعه سوخته دشت نهب و غارت دراز ساخته است - پادشاه دور بین خواجه ابوالحسن را برسم مغلای با چهار هزار سوار از بندهای پادشاهی و بیرم بیگ میر بخشعی خود را که هر اولی خواجه بدو مفوض بود با هزار سوار از ملازمان سرکار خود دستوری دادند - و حکم شد که محمد تقی که با هزار سوار در قلعه است پس از رسیدن خواجه بماند و باو پیوسته باتفاق غنیم را مالش دهند - دالوران رزم جو بمیامن اقبال عدو مال مقاهیر را مکرر شکست داده از آب نریده گذرانیدند - چنانچه غنیم را مجال آن نماند که مابین نریده و برهانپور توقف تواند نمود - و فرار نموده بلشکر کلان خود که در نواحی برهانپور بود پیوست - و سران فوج منصور بر کنار آب منزبور دایره نموده حقیقت معروض داشتند - یرایغ شد که تاوصول موکب جهانکشا همانجا اقامت گزینند - و اعلام ظفر انجام کوچ بر کوچ بره نوردی در آمد \*

و بیست و هفتم ربیع الآخر سال هزار و سیم که روز نوروز بود شادی آباد ماند و ورود ظفر آمد و زیفت تازه یافت - با آنکه همگی امرای تعینات بموکب اقبال نرسیده بودند و در رکاب سعادت چندان جهیمیتی نبود و عرایض خانخانان و دیگر دولخواهان ظاهر بین متواتر رسید که غنیم عاقبت و خیم باسظهار گذرت باد نخوت در سرب می مغز جا داده جیره و خیره گشته است - اگر تا لاحق شدن امرا بمعسکر اقبال در ماند و اقامت فرمایند بصواب اقرب است و اکثر دولت اندوزان حضور نیز درین رای موافقت داشتند - اما شهنسوار مضمار فیروزی که مطمح نظر حق بینش تائید جنود

آسمانی است - قلت موافق و کثرت مخالف را وزنی نهاده پس از توقف چند روزه که بجهت قسمت اسلحه و توزک افواج در ماند و واقع شد شب دوشنبه دوازدهم جمادی الاولی مطابق شانزدهم فروردین بصوب برهانپور نهضت فرمودند - و روز شرف بر ساحل آب نریده دایره شد - در همین روز عبد الله خان بهادر با دوهزار سوار از خود و همراهان از کالپی که در تیول او بود رسیده شرف ملازمت اندوخت - و درین منزل ترتیب افواج هنگام سواری بدین نمط مقرر گردید - فوج قول بذات اقدس زیب و آرایش پذیرد - فوج هراول بهر داری عبد الله خان بهادر اعتضاد یابد - برانغار بخواجه ابوالحسن مستظهر گردد - جو انغار بر اجه بکرماجیت قوت گیرد - تا عبور موکب گیتی نور از آب نریده خانخانان از بیم غنیم برسم پذیرد نتوانست شتافت - و چون نوزدهم جمادی الاولی مطابق بیست و سیوم فروردین حوالی برهانپور مخیم هراوق عظمت شد خانخانان باندیشه آنکه مبادا غنیم عرصه را خالی یافته از طرفی بشهر برهانپور در آید کومکیان را در انجا گذاشته تنها آمده احراز سعادت ملازمت نمود - و در ساعت بجهت محافظت شهر رخصت انصراف یافت \*

روز پنجشنبه بیست و دوم جمادی الاولی مطابق بیست و ششم فروردین شهر برهانپور بقدم میمنت لزوم آسمانی پایه گشت - و تماسی بندها دولت ملازمت دریافتند - و خانخانان و کومکیان و سکنه - شهر که دل از جان برداشته بودند و از ناموس مایوس گشته حیات تازه و نشاط بی اندازه اندوختند - و چون غنیم

سیده گلیم باوجود وصول لوای ظفر انکما از حوالی شهر برنخاست  
و در انچهاپور که پنج گروهی برهانپور است رحل اقامت انداخت  
خدو اقبال از خانخانان و عبد الله خان و داراب خان پور خانخانان  
و خواجه ابوالحسن کذکش خواستند - خانخانان که از زمان حضرت  
عرش آشیانی تا امروز خانخانان و سپهسالار و اتالیق حضرت  
جنت مکانی بود - معروض داشت - که ازین رهگذر که مخالف  
قوت و استیلا تمام دارد - و تا ایام بارش دو ماه بیدش نمانده -  
و درین مدت نیز بسبب شدت حرارت تردد دشوار است - اگر  
لشکر منصور افواج مقاهیر را از آب عادل آباد که هفت گروهی  
برهانپور است و بدریای بورنه زبان زد روزگار - گذرانیده همانجا  
توقف نماید - بعد از سپری شدن برشکال بتوفیق ایزد متعال  
ببالاگهات برآمده بتسخیر آن ملک پرداخته خواهد شد - عبد الله  
خان بهادر و داراب خان و خواجه ابوالحسن تصویب این رای  
نمودند - و معروض داشتند که جانقی سپهسالار محض صوابست  
و عین صلاح - بر زبان غیرت دیهیم خداوند که کمند همت بر آسمان  
می اندازد رفت - که آنچه بندها را بمقتضای دولتخواهی در خور  
دانش بخاطر رسید بموقف عرض رسانیدند - الحال هرچه رای  
دور بین ما تقاضا کند انشاء الله بفعل خواهد آمد - و چون اقطاع  
تعیناتیان صوبه دکن در تصرف غنیم بود و ازین رهگذر پریشانی  
تمام بحال آنها راه یافته حکم شد که طلب آنها نقد حساب نموده  
معروض دارند - و متصدیان خزانة وجه طلب بموجب سپاه در حضور  
اقدس تن کنند - و بذات مقدس از مشکوی اقبال برآمده تا ربع

شب بعطای زر می پرداختند - در عرض سه روز مبلغ سی لک روپیه که صد هزار تومان عراق و صد و بیست لک خانگی ماوراء النهر باشد به بندهائی که از بی جاگیری در کمال عسرت و صعوبت میگذرانیدند عنایت فرموده سامان بخشیدند - درین ایام سه گانه جز آن قدر وقت که بادای صلوات و تناول نعمت خاصه وفا کند اوقات بکار دیگر سوای زر پاشی صرف نمیشد - و سی هزار سوار مکمل که از جمله آن هفت هزار سوار گزیده خوش اسپه تمام یراق از سرکار اعلیٰ حضرت بود و باقی لشکر پادشاهی توکز ساخته پنج فوج هر فوجی شش هزار سوار خونخوار خنجر گذار بسر کردگی پنج سردار - داراب خان - عبد الله خان بهادر - خواجه ابوالحسن - راجه بکرماجیت - راجه بهیم - قرار دادند - و خانخانان را در خدمت نگاهداشتند - تا کار شکنی و تنویر و تبلیص نتواند کرد - و چون برای سردارچی کل لشکر یکی ناگزیر است تا همگی بندهای عمده نزد او فراهم آمده صلاح کار برگزینند - و در مصاحبت و کنکاش همداستان شوند با شلیقی کل بظاهر بر داراب خان مقرر شد - و در حقیقت بر راجه بکرماجیت - چه مدار کار بر بود - و خزانه با او \*

و شب یکشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق بیست و نهم فروردین بعد از انقضای سه روز از روز دخول جمیع امرا و اعیان و سایر بندها را بقدر مرتبه بخلعت و خنجر مرصع و شمشیر مرصع و اسب و فیل بر نواخته دستوری دادند - و در جریده ساختن این افواج اهتمام تمام بکار بردند - و ارشاد فرمودند که غنیم ر



فرصت جنگ قزاقانه که اهل این دیار برگزیده نامند نداده و  
 بهیئت اجتماعی جلو ریز رسیده و بضرب تیغ و سنان براه فرار  
 انداخته بتگامشی بدوازند - و در اثنای تعاقب بقتل و سر دمار از  
 روزگارش برآرند - و چون عنبر که صاحب مدار و اختیار بود در حقیقت  
 نظام الملک او - و با نظام الملک جزنامی نه - چه همواره او را در  
 قید نگاه میداشت - گاهی در مجلس می آورد و خود دست بسته  
 پیش او می ایستاد - و دیگران نصفی در یمین و نیمی در یسار  
 می ایستادند - نه او را یاری نگاه بجانب کسی - و نه ایشان را  
 مجال نظر بسوی او تا بحرف و حکایت چه رسد - پنجاه هزار سوار  
 بسرداری یاقوت خان حبشی سده سالار خویش که باصطلاح دکنیان  
 بدتی خوانند معین ساخته بود - همین که سران افواج بحر امواج  
 از آب برهانپور که به پندی موسوم است گذشته - و مطابق ارشاد  
 اقدس بائین شایسته افواج بر آراسته - یک کروه نوردیدند -  
 بچیرگی و خیرگی مغرور بغزونی و کثرت نمودار شده هنگامه آویز  
 و ستیز قزاقانه که شیوه دکنیان است گرم گردانید - و آتش پیکار  
 زبانه بر کشید - هوا از بانهای غنیم کره نار گشت - و زمین از هم  
 ستوران در تزلزل بسان سیماب - دلاوران عرصه هیجا و شیران  
 پیشه و غا بطریقی که از پیشگاه پادشاه حقیقت آگاه دور بین صواب  
 گزین هدایت رفته بود سر پنجه جلالت کشاده - و تیغ خون آشام از  
 نیام کشیده - برق دار صاعقه کردار جلو انداختند - و بحملهای کوه  
 شکن غنیم را برداشتند - مخالف از نهیب سطوت بهادران و بیم  
 صولت دلیران روی حمیت از معرکه کارزار بر تافت - و نیل

ناکامی بر رخسار روزگار خود کشیده راه فرار پیش گرفت \* بیت \*

گریزان شدند آن گروه دلیر \* چو نخچیر رم خورده از پیش شیر  
یکی جبه افکنده تا جان برد \* کلاه آن دگر تا مر آسان برد  
افواج قاهره تعاقب نموده از آب عادل آباد که خانخانان معروض  
داشته بود که اگر در عرض دو ماه تا رسیدن برسات غنیم را ازین  
آب گذرانیده آید کار عظمی بوقوع آمده باشد - گذرانیدند - و از  
مخالف جمعی قتیل و جوقی اسیر گشتند - و فراوان اسب و شتر  
و پالمی و نشانها بدست مبارزان افتاد - و بمدد گاری پیشکاران قضا  
و قدر لشکر منصور هر روز در اثنای طی مراحل و قطع منازل  
مقاهیر را مالش بسزا داده جمعی مقتول و برخی ماسور  
میگردانید - و کار بر ادبار پزوهان آن چنان تنگ شد که بنات الذعش  
و از متفرق گشته هر فریقی بطریقی شتافت - و هر جوقی بگهاتی  
برآمد - عسکر اقبال ششم روز از نهضت بغراز گهات دیول گانو ( که  
شاهزاده پرویز با آن لشکر گران و حشر بیکران و نوئیذیان عظیم الشان  
مثل خانخانان و خان اعظم و میرزا رستم و راجه مانسنکه و مهابت  
خان و عبد الله خان و دیگر سران و سرداران و امرا و اعیان بل کل  
لشکر بادشاهی در عرض دو ماه بدانجا نتوانست رسید - و از انجا  
نا کام برگشته و تمام ملک بالاگهات را بطریق صالح بتصرف غنیم  
داده بیرهانیپور معاودت نمود ) بر شد - و چون بکهرکی که اقامتگاه  
عزیز تیره اختر بود و آنرا بعد از شکست دادن عبد الله خان بفتح  
آباد موسوم ساخته مدتی مدید و عهدهی بعید در عمارت و آبادانی  
آن فرادان کوشش و جد و جهد بکار برده بود رسید - عزیز از مقر

خویش بقلعه دولتآباد پناه برد - افواج قاهره سه روز در کهرکي بوده  
 عمارات شهر و نظام الملك و عذبر بخاک سياه برابر ساخته رو  
 به پتن گذاشت - تا از انجا بملك آباد و معمور نظام الملك که  
 ولايت سنگمير و فاسک و آن نواحي باشد و هرگز قدم لشکر پادشاهي  
 بدانجا نرسیده در شده بقتل و اسر و نهب و غارت خراب مطلق  
 سازد - ادبار پژوهان در حين ره نوردی صف آرا گشته باز بمحاربه  
 پرداختند - سپاه ظفر لوا داد مردی و مردانگی دادند - و گروه انبوه  
 از مخالف بکوی نیستی شتافت - عذبر از دیده نیرنگی اقبال - واستیلا  
 و فیروزی مجاهدان - و شکستهای فاحش پی در پی لشکر نکبت  
 اثر خود - چاره کار منحصر در اطاعت و انقیاد اولیای دولت  
 جاوید طراز دانسته بقدم عجز و انکسار راه خجالت و ندامت پیمود  
 و طالب عفو و نجات گشت - و وکلای معتمد نزد راجه بکرماجیت  
 فرستاده التماس نمود - که حضرت در نخستین مهم دکن عادلخان  
 را مشمول عواطف و عنایات ساخته بر قول او اعتماد فرمودند -  
 امیدوار است که این بار داغ غلامی بر نامهید اعتبار این خاکسار  
 کشند - عهد می نماید که من بعد بهیچ وجه سر از خط فرمان  
 پذیری نه پیچد - و ر بقاء اطاعت و قلاعه عبودیت در گردن داشته  
 باشد - و از ملك پادشاهي آنچه از تصرف برآمده باتمام باولیاء  
 دولت قاهره تسلیم نماید - پس از آنکه حقیقت از عرضه داشت  
 راجه بمسامع حقایق مجامع رسید حکم شد که پذیرائی ملتمس  
 مشروط بآنست که هر سه دنیا دار دکن پنجاه لك روپیه نصف نقد  
 و نصف جنس از جواهر و مرصع آلات و انیال و دیگر تحف و

نقایم و از انجمله بدست لک روپیه عادلخان و هژده لک روپیه قطب الملک و دوازده لک روپیه نظام الملک بطریق پیشکش ارسال دارند - و محال مشترکه که در تصرف نظام الملک است و جمعش چارده کرور دام باصفیای سلطنت متعلق باشد - شرحش آنکه در عهد دولت مهید حضرت عرش آشیانی لختی پرگنات بالکل داخل ممالک محرومه نشده بود برخی ازان در تصرف اولیای دولت آهمان صولت بود و پاره بدست نظام الملک و از آنرو که بار اول در حیدرآباد دکن باهم متفق گشته ولایت بلاگهات و قلعه احمد نگر متصرف گشته بودند - و خدیو اورنگ و دیهیم بدکن رسیده و ازینان انتزاع مملکت نموده سی لک روپیه پیشکش گرفته بودند - قرار چنین یافته بود - که آنچه در زمان حضرت عرش آشیانی مفتوح گشته بود به بندهای بادشاهی تعلق پذیرد - شرکت درین محال باقی مانده بود - درینولا حکم فرمودند که محال مشترک بالکل داخل ممالک محرومه باشد - و چون عنبر بورود حکم اقدس شرف اندوز گردید - از آنجا که دل از حیات بر گرفته بود و دست از نجات شسته بقبول و انعام آن منت بر خویش نهاده معروض داشت - که محال مشترکه باولیای دولت می سپارم و دوازده لک روپیه حصه نظام الملک بلا توقف میسرمانم - قطب الملک نیز از گفته من بیرون نیست - اگر عادل خان در نیاید و سرتابی نماید فوجی بسرکردگی راجه بکرماجیت دستوری یابد - که این غلام همراه بوده ولایت اورا پی سپرد مواکب خواهد گردانید - و زیاده بر آنچه حکم میشود از او خواهد گرفت - بعد ازان که اینمعنی بموقف عرض

اظهر اقدس در آمد . از پیشگاه حضور حکیم عبد الله گیلانی نزد  
 عادلخان و قاضی عبد العزیز نزد قطب الملک و کهتوداس برادر  
 راجه بکرماجیت پیش نظام الملک برای آوردن پیشکش معین  
 گشتند - و چون پنجاه لک روپیه بتفصیلی که گذارش یافت مصحوب  
 فرستاده های درگاه با وکلای ایشان بآستان قدس رسید - بان شاه  
 گیتی ستان عرضه داشت مبارکباد این فتح عظیم مصحوب سید  
 عبد الله ولد سید قاسم بن سید محمود خان بارهه که بعد از فوت  
 عمش سید علی اصغر مخاطب بسیف خان بن سید محمود خان  
 بالتماس اعلی حضرت جهانبانی از پیشگاه عنایت حضرت جنت  
 مکانی بسیف خان سرافرازی یافته بود بخدمت حضرت  
 جنت مکانی فرستادند - از آنرو که اختیار معاملات سلطنت بآن  
 حضرت نموده بود - و شیون دولت مختل گشته - و متکفلان مهمات  
 برهنه منعی شقاوت از اخلاص اعلی حضرت که سرمایه سعادات  
 دینی و دنیوی و پیرایه برکت صوری و معنوی است - بی بهره  
 بودند - آنچه در برابر این کار شگرف که بتائید ذوالجلال و اقبال  
 عدو مال و تدبیرات صایبه و افکار ثاقبه و ترددات نمایان خدیو  
 ممالک ستان - و ضرب سیوف و طعن رماح خاقان جهان - تیسیر  
 پذیرفته - حیرت افزای دیده دران آزمون کار - و ناسخ کارنامه های  
 رستم و اسفندیار است - و امروز شهنشاه دوران با کمال قدرت و  
 دستگاه - و فزونی مکنات و جاه - و ظهور فتوحات بزرگ و تسخیرات  
 سترگ - بآن مباهات میفرمایند - از احسان و تحسین و ستایش و  
 آفرین متوقع بود جلوۀ ظهور نیافت \*

ار تفاع رايات فيروزى سمات از دولت

آباد بسمت ماندو و نگارش ديگر سوانح

چون خاطر ملكوت ناظر از تسخير قلاع دكن و قلع و قمع مفسدان  
وا پرداخته آمد - و عادل خان از توقف مواكب اقبال باندیشه آنكه  
مبادا كشايش بيجاپور نيز مركزز طبيعت اشرف باشد خايف  
گشته مكرر بوسيله اولياي دولت گردون صولت معروض داشت  
كه اکنون كه مهام اينحدود داخواه صورت يافته و حصني چند كه  
آنها ساهو و غيره متصرف اند من تكفل تخليص آن مينمايم - اگر  
الويه ظفر طراز بمستقر رهبر خلافت راهي گردد باشد كه رعايا و  
برايا بكار خود كه ازان باز مانده اند بپردازند - خاقان زمان از وفور  
رافت و فزوني شفقت كه فطري و طبيعى اين برگزيده آلهي  
است هفدهم صفر مطابق سيم تير در ساعت مسعود با دايي حق  
گزين و خاطري نشاط آگين بصوب با صواب ماندو كه در موسم  
برسات بغزوني گل و سبزه روح افزاي نظار گيان ميگردد مراجعت  
فرمودند - بعزيمت آنكه تا سپري شدن ايام بارش و مسخر گشتن  
بقية حصون كه خان دوران بهادر و خانزمان بهادر بگرفتن آن  
مامور بودند - و دفع فتنه ساهو و برخي ضلالت پيشگان ديگر - بسير  
و شكار آن مكان نزهت نشان عشرت افزاي خاطر اقدس باشند -  
درين تاريخ مكرمات خان از بيجاپور آمده بتقبيل عقبه والا رخ بر  
افروخت - و پيشكش عادل خان از جواهر نفيسه و مرصع آلات  
گزيده و فيلان كوه نهاد و امپان تازي نژاد و ديگر نوادر اشيا و نفود  
بنظر انور در آورد - اطي حضرت از جمله اين افيال فيل امان الله

نام را که در بلندی و تدرمندی و زیبائی بهترین اخیال عادلخان بود پسند فرمودند - و خان مشار الیه از خود نیز پیشکش دراک روپیه از قسم جواهر و غیر آن گذرانید - و از جمعه دو فیل که عادل خان باو داده یکی که به نکوئی منظر و تناسب اعضا متصف بود بشرف پذیرائی رسیده داخل اخیال خاصه گردید - و فیل دیگر باو عنایت شد - و حکم فرمودند که ولایت بیجاپور بر عادلخان مسلم داشته حصار پرینده را که پیشتر بنظام المک متعلق بود و قلعه دار بحرص زر آنرا بعادلخان داده با لواحق بار واگذارند - و ولایت کوکن که بر ساحل دریای شور طولانی واقع شده - و نصف باو و نیمه به بی نظام تعلق داشت - بانیمه بی نظام که مشتمل بر بندر جیول و قلاع متین است نیز باو مرحمت شد - و چون عادلخان فیلان نامی خود را روانه درگاه والا ساخته معروض داشته بود که فیل خوب نزد من نمانده - از روی عاطفت دل سوها نام فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و جل مخمل زربفت و ماده و هرنده تقووز پارچه گجراتی از مخمل زربفت و غیر آن با لوح زرین که عهد نامه والا از منشآت علامی افضل خان بران مرتسم بود همراه محمد زمان مشرف اصطبل فرستادند \*

### مصاد عهد نامه

ایالت و شوکت پناه - عدالت و نصفت دستگاه - زبد ارباب  
 دول - عهده اصحاب ملل - خلاصه مریدان - عادلخان - بونور  
 عنایات با دشاهانه مفتخر و مستظهر بوده بداند - که چون درینولا

آن عدالت پناه بیاری بخت اختیار بندگی و اطاعت نمود - و عرایضی که دلالت برین مراتب می نمود ارسال داشت - تقصیرات گذشته آن عدالت پناه را عفو فرمودیم - و در مقام عنایت در آمده تمامی ملکی که از عادل خان مرحوم بطریق ارث یافته بود برین مسلم داشتیم - و از روی مرید نوازی از ملک نظام الملک نیز محال و نکو و قلعهائی که در آن محال است و قلعه سولاپور و محال متعلقه آن و قلعه پربنده و چارده محل متعلق بدان قلعه و ولایت کوکن با قلعهائی که در آن است و پرگنه بهالکی و جیت کوبا و چاکنه را بآن عدالت مرتبت عنایت نمودیم - و مقرر شد که سایر ملک نظام الملک بممالک محروسه منظم باشد - اما این عنایات مشروط است بآنکه نظام الملک و نظام الملکیه اصلا درمیان نباشند - و آن عدالت پناه متعرض محال که از سابق و حال درین سرحد ضمیمه ممالک محروسه گشته نگردد - و از حدود خود که درین مرتبه قرار یافته تجاوز نماید - و اگر بنده از درگاه والا از روی بی سعادت فرار نماید او را در ملک خود جای ندهد - خدا و رسول خدا را شاهد این مراتب ساخته حکم می فرمائیم که مبادام که آن عدالت پناه و اولاد و احفاد او بشرط مذکوره عمل نمایند و خلاف آن نکنند انشاء الله تعالی از ما و از فرزندان کامگار نامدار برخوردار ما و از امرای عالیقدر ما ضرری بملک آن عدالت پناه نخواهد رسید و خلاف عهودی که درین اوج طلا که در ثبات ثانی لوح محفوظ است منقوش گشته بعمل نخواهد آمد - و این قول و قرار نسلا بعد نسل همچو سد نکندر استوار خواهد بود - تحریر فی تاریخ بدست



و سیوم شهر ذی الحجه سنه هزار و چهل و پنج هجری مطابق  
نهم ماه خرداد سنه نهم جلوس مقدس \*

ایالت ولایت دکن که شصت و چهار قلعه دارد پنجاه و سه بر  
جبال مرتفعه و یازده بر روی زمین - و مشتمل است بر چهار صوبه  
یکی دولتآباد با احمدنگر و دیگر محال که آنرا صوبه دکن نامند  
و حاکم نشین این ولایت که بنظام الملک تعلق داشت سابقاً  
احمدنگر بود بعد از آن دولتآباد گشت - دوم تلنگانه - و این در صوبه  
بالاگهات واقع شده - سیوم خاندیس که حصار آن با سیر و شهر  
برهانپور که چهار گروهی قلعه مذکور است شهرت دارد - چهارم  
برار که ایلیچپور حاکم نشین آن است و حصن مشهور نواحی ایلیچپور  
کوایل است که بر فرق کوه اساس یافته و بحصانت و رصانت از دیگر  
حصون آن ملک امتیاز دارد - و صوبه سیوم بالکل و از برخی چهارم  
پایان گهات آباد است - و جمع هر چهار داراب دام است که موافق  
دوازده ماه پنج کرور روپیه باشد پادشاهزاده کامگار بخت بیدار  
محمد اورنگ زیب بهادر مغرض گردید \*

بیستم صفر مطابق غره اسر داد آن نور حدیقه خلافت را بمرحمت  
خلعت خاصه با چارقب و جمدهر مرصع با پهلونگاره و شمشیر مرصع  
و صد اسب عراقی و صد ترکی و مهاسندر نام فیل خاصه با ماده فیل  
و دو لک روپیه نقد سر بلند گردانیده از حوالی دولتآباد مرخص  
ساختند - و اهتمام فتح قلاع ده گانه که از جمله چهل قلعه ملک بی نظام  
ساهو و دیگر فساد پیشگان متصرف بودند و انواع فائز آنرا در محاصره  
با سایر تیول داران هر چهار صوبه بهمراهی آن اختر فلک معالی

معین شد - سید خانجهان را بعزایت خلعت خاصه نوازش فرموده فرمان دادند - که تا خانزمان بهادر از تسخیر حصه جزیر و غیره فارغ گردد آن نوئین بلند مقدار بخدمت پادشاه زاده بختیار قیام نماید - و خاقان سلیمان مکان باعساگر ظفر نشان از راه گهات تواندا پور نهضت نموده موضع کزازه را که از مضافات برهانپور است و در غایت نزاهت و دلکشائی است بنزول میمنت وصول سعادت آمود گردانیدند - و بواسطه ریزش ابرو و فزونی گل ولای و طغیان دریای تپتی دران موضع روزی چند توقف فرمودند \*

### گرفتار شدن بایستغر جعلی و بیاسا رسیدن آن تیره اختر

تفصیل این اجمال آنکه یکی از شوریده سران فتنه اندوز خود را بایستغر که در جنگ ناشدنی سالار لشکر بود و بعد از شکست آن برگشته روزگار جانب قلعه کوالس که به قطب الملک تعلق دارد گریخته بحتف انف درگذشت - نامیده - و پسری سلطان دانیال مرحوم بر خود بسته بخیدیهایی تباه و فکرهای کوتاه ببلنج رفت - والی بلنج او را در نسبت این دردمان والا شان صادق پنداشته باراد پیکوند اعزاز نمود - چون درین دعوی صدق آن کاذب بیقین نه پیوست ازین عزیمت باز آمد - آن حیل ساز کذب پرداز از بیم آنکه مبادا پرده از روی کار او برافتد و موجب رسوائی گردد اظهار آشفتگی از نسخ اراده مذکور نموده بصوب ایران شتافت - والی ایران اگرچه او را نزد خود نطلبید اما بگمان آنکه شاید دعوی او فردی از راستی

داشته باشد لختی بتکلفات رسمی پرداخت - و ازان رو که آن خطا  
اندیش دریافت که درین هرزمین کارش روانی نخواهد گرفت  
بهزاران پریشانی و سرگردانی ببغداد و روم رفت - و پس از پیری  
کام و ناکام به تته آمد - از آنجا که اجل موعود آمد و معهودش  
نزدیک رسیده بود درینجا نیز این دعوی ازو سر برزد - خواص  
خان صوبه دار تته بعد از آگاهی آن فکوهیده حال خسران مثال را  
مسلسل ساخته روانه دزگاه آسمان جاه گردانید - چون ببارگاه جلال  
رسید وقاص حاجی که او را در بلخ دیده بود شناخته حقیقت  
بعرض مقدس رسانید - از پیشگاه جهانبانی استفسار رفت که  
وقاص حاجی را می شناسی - گفت می شناسم و اشاره بدو کرد -  
بموجب حکم عالم آرای نظام پیرادرش آن مدهوش نا بخردی را از  
باز سرش که دیو خانه اکذیب بود سبک ساختند - و او را بسزای  
کردار نا سزا رسانیدند \*

نهم ربیع الاول آنا افضل تیولدار بروده بفرمان طلب از صوبه  
گجرات آمده شرف ملازمت اندوخت - و بهرحمت خلعت واسپ  
و خدمت دیوانی دکن مبدایی گشته مرخص گردید - دو اسپ  
از طویلۀ خاصه بازرین طلای مینا کار و ساده مصحوب او ببادشاه  
زاده والا گهر محمد اورنگ زیب بهادر عنایت شد \*

شب دوازدهم مبلغ مقرر بفقرا عطا فرمودند - فردای آن  
به پیشکاری اقبال از دریای تپتی بر کشتی گذاره فرموده ساحل  
آنرا محط سراق جاه و جلال گردانیدند - شصت اسپ عراقی  
با برخی اشیای نفیسه که وزیر خان صوبه دار دار السلطنه

لاهور بعنوان پیشکش ارسال داشته بود بنظر اکسیر اثر درآمد \*

نوز دهم پادشاهزاده اقبال مند محمد دارا شکوه فیل از حلقه  
خاصه با ماده فیل عنايت شد - مير خان ولد قاسم خان نمکي  
بخلمت و اسب و تهنه دارى بدير عزامتياز اندوخت \*

بيست و سيوم عبد الله خان بهادر فيروز جنگ بمرحمت  
خلمت و جمدهر مرصع با پهلوتارة سر بر افرخته بصوبه بهار که  
حکومت آن بدو منوط بود دستوري يافت - سيف الله عرب بخلمت  
و فوجدارى چوپره مفتخر گشت \*

بيست و ششم گذار آب نريده مضرب خيام گردون احتشام گردید  
صبح آن بفرخي و فيروزي ازین دريا نيز بر کشتي عبور فرمودند \*

بيست و نهم دولتخانه شادي آباد ماندو را بفر قدوم سعادت  
لزم رونق تازه بخشيدند \*

### خجسته جشن قمری وزن

روز دوشنبه هفتم ربیع الثاني سنه هزار و چل و شش موافق  
هفدهم شهریور جشن قمری وزن انتهای سال چل و ششم و ابتداء  
سال چل و هفتم از زندگانی جاودانی مژده شادمانی با قاضي  
وادانی رسانید - و آن مظهر الطاف سبحانی بطلا و دیگر اشیای  
معهوده منجیده آمد - درین روز فرخنده بنواب فلک قباب پادشاه  
زاده جهانیان بیگم صاحب دولک روپیه - و به مهین گوهر بحر  
خلافت یک لک روپیه - و به ثمره شجره سلطنت محمد شاه شجاع  
بهادر هشتاد هزار روپیه - انعام فرمودند - رستم خان بعنايت خلمت

خاصه و اسب از طویلۀ خاصه با زین مطلا سمرافراز گشته بهمنبیل که در جاگیر او مقرر بود مرخص گردید - شاه نواز خان باضافۀ پانصد سوار بمنصب چار هزاری ذات و دو هزار و پانصد سوار - و حسن نبیره یاقوت خان باضافۀ هزار و پانصد سوار بمنصب سه هزار و دو هزار سوار - و دتاجی باضافۀ هزاری ذات بمنصب سه هزار سوار نوازش یافتند - کلیان جهالا که رانا جگت سنگه اورا بتهدیت گذاری فتوحات تازه با پیشکش فرستاده بود - و لختی از حال او در تضاعیف سوانح سال هفتم نگارش یافته - دولت بار اندوخته پیشکش گذرانید - چون نهال چند جوهری که حسب الحکم برای انتخاب و قیمت جواهر پیشکش همراه عبداللطیف بگلمکنده رفته بود در روز پذیره شدن قطب الملک فرمان قدر توان و تبرک خاقان زمان را نگین یاقوت نادر قیمتی در دست او دیده و عبداللطیف از شنیده روزی که پیشکش او از نظر انور گذشت عبد اللطیف و جوهری مذکور حقیقت آن گرانمایه گوهر معروض داشتند - بعلامی افضل خان که همواره عرائض ملتجساتش بعرض مقدس میرسانید حکم شد که باو بنویسد تا آن انگشتی بغرستد - قطب الملک پس از وصول نوشته علامی انگشتی مذکور که یاقوتش بوزن دوازده رتی است و کمال خوش رنگی و تمام عیاری دارد به پیشگاه حضور فرستاد - و بواسطت علامی از نظر اشرف گذشت - و پسندیده خاطر خورشید متأثر گردید - و پنجاه هزار روپیه قیمت قرار یافت - و عوض پنجاه هزار روپیه که از قیمت پیشکش او کم آمده بود محسوب گردید - شیخ محمد طاهر سفیر قطب الملک بعذایت خلعت

و امپ وانعام درازده هزار روپيه - و محمد تقوي و غيره كه همراه او آمده بودند بخلعت و امپ و هشت هزار روپيه - عز افتخار اندوخته رخصت انصراف يافتند - و از آنجا كه قطب الملك از رسوخ بندگي التماس شديه نديه و فيل نموده بود - شهنشاه مهر گستر شديه مقدس كه بندش از لآلي متلاي بود و با آويزه مرواريد گران بها و فيل از حلقه خاصه ظفر نشان نام با يراق نقره و جل مخمل زربفت و ماده فيل و هژده تقوز پارچه نفيس و زرین لوحی كه بتقدش عهد نامه نگارين بود مصحوب خواجه طاهر گرز بردار و شيخ محمد طاهر حاجب قطب الملك عنایت نموده فرستادند - و چون خواجه طاهر در برهانپور در گذشت حكم شد كه خواجه محمد زاهد ولد خواجه محمد رفيع كه از خاندان درگاه است اشيای مذكوره بقطب الملك برساند \*

### نقل عهد نامه

ایالت و شوكت پناه - عظمت و حشمت دستگاه - عهده ارباب دول - قدوة اصحاب ملل - زبده مخلصان ارادت كبش - قطب الملك بعنايات بی غایات بادشاهانه مستظهر و مفتخر بوده بدانند - كه چون درینولا آن قطب فلك ایالت بيدارمی بخت اختیار بندگي و اطاعت این درگاه آسمان جاه نموده خطبه را كه مزین بنام ناسی خلفای راشدين مهديدين رضوان الله تعالى عليهم اجمعين و محلی بانقلاب سامیه ما بود در ملك خود بر رؤس منابر بلند آوازه گردانید - و وجوه دراهم و نانیر را بسكه مبارك ما آراسته و پیراسته ساخته

قرار داد که همیشه بهرین دستور در تمام آن ملک خطبه میدوانده باشند - و زر را بسکه مبارک ما مسکوک می نموده باشند - و پیشکشی که مقرر فرموده بودیم بدرگاه والا ارسال داشت - و قبول نمود که از جمله آنچه بنظام الملک میداد هر سال دو لک هون که هشت لک روپیه باشد بسرکار خاصه شریفه رساند - بنابرین ما تقصیرات گذشته او را عفو فرمودیم - و ملکی که در تصرف آن عمده ارباب دول است برو مقرر و مسلم داشتیم - خدا و رسول خدا را شاهد این مراتب ساخته حکم می فرمائیم - که مادام که آن قطب فلک ایالت و اولاد و احفاد او بشروط مذکوره عمل نمایند و خلاف آن نکنند - ان شاء الله تعالی از ما و از فرزندان نامدار برخوردار ما و امرای عالم مقدار ما ضرری بملک آن مرید نخواهد رسید - و خلاف عهدی که درین لوح طلا که در ثبات ثانی لوح محفوظ است منقوش گشته بعمل نخواهد آمد - و این قرار نسلا بعد نسل همچو ستمکنند استوار خواهد بود - هفتم شهر ربیع الثانی سنه هزار و چل و شش هجری مطابق هفدهم ماه شهریور سنه نه جلوس مقدس سمیت تحریر یافت \*

## سواد عرضه داشت قطب الملک که در سپاس

### گذاری عنایات مزبوره ارسال داشته بود

عرضه داشت مخلص صادق الاعتقاد - و مرید موروثی فدویت نهاد - عبد الله قطب الملک - تحفه دعائی که کروبیان ملاء اعلی را استقبال آن زبید - و هدیه ثنائی که لمعات شوارق آن بز عالم و

عالمیان پرتو اندازد - اتحاف درگاه آسمانجاء - وا هداء بارگاه عرش  
 اشتباه اعلیٰ حضرت - کیدوان رفعت - فریدون حشمت - گردون  
 بسطت - سلیمان جاه - عالم پناه - مهر رخشان - پهر سلطنت و جهان  
 بانی - ماه درخشان آسمان خلافت و کشور ستانی - سلطان سلاطین  
 الاق - خاقان خواقین العصر بالارث و الاستحقاق - ممالک ممالک  
 اقبالیم سبعه بالطول و العرض - جالس سریر انا جعلناک خلیفه  
 فی الارض - خسرو سلیمان فر نوشیروان داد - و دارای خورشید رای  
 سکندر استعداد - ناصب رایات عالیات فتح و ظفر - رافع اعلام  
 نصرت فرجام سلطنت هفت کشور - معمار خانه دولت و دین -  
 مصداق کریمه فضل الله المجاهدین علی القاعدین - خدایگان عرصه  
 عالم - واسطه امن و امان زمره بنی آدم - پادشاه سلیمان اقتدار -  
 مسیحا آثار - افضل و اکمل خواقین روزگار - ادام الله تعالی مآثر  
 سلطنته و خلافته - و حشمته و اقباله علی صفایح الشهور و السنین -  
 و اشاع احکام معدلته و نصفته و ایهته و جلاله فی السموات والارضین -  
 بجاه محمد سید اولین و آخرین - گردانیده - بعرض ایستادگان  
 مجلس خلد برین - و بسمع بار یافتگان محفل فردوس قرین -  
 میرساند - که همایون توقیع رفیع منیع - و گرامی فرمان جهان  
 مطاع عالم مطیع - که از موقف مرحمت و ذره پروری - و مقر عطف و  
 و مرید نوازی - بنام این فدوی صادق الاراده شرف نفاذ یافته بود  
 و در ضمن هر حرف آن عنایتی - و در طی هر سطر آن مکرمتی  
 اندراج داشت - مع لوح مبارک همایون - و صفحه ذهب مرحمت  
 مشحون - که بالاخلاف - نمودنچ لوح محفوظ خالق بیچون - و بمذابنه



مرنوشست کاینات از وصمت تغیر و تبدیل مصون و مامون - بود -  
 و شبیه بی شبه و نظیر مبارک که از برکات وصول فیض موصول  
 آن عطیة عظمی - و میامن ورود مسعود آن موهبت کبری - محسن  
 فراق زمانی براحت وصال جاودانی تبدیل یافت - و نکایت حرمان  
 ملازمت حضور قابض الذور - بسعادت لقای وافر السرور - مبدل  
 شد - و مصحوب سادات و عزت دستگاه عهدة السادات الاجلاء خواجه  
 زاهد ارسال یافته بود \* مصراع \*

بساعتی که تولا بدو گذد تقریرم

کالوحي المنزل من السماء بميامن ورود سراسر مسعود تبارک مفاخر  
 و فرق مباحثات این مرید موروثی را عرش فرسا گردانید - و عنایت  
 فیل ظفر نشان که بی شایبۀ تکلف و غایبۀ تصلف تا غایت فیلی  
 باین حسن اندام و خوشخوئی و باین لطافت ترکیب و تناسب  
 اعضا و نکو منظری بنظر این فدوی در نیامده است - و یحتمل  
 که تا حال واقع نشده باشد که باین مثابه فیلی از فیلخانه والا بهیچ  
 یکی از مریدان ثابت الارادة عنایت شده باشد - مع بعضی تبرکات  
 ذات البرکات که نمونه حلمهای جنان - و رشک نفایس جهان -  
 بود - فرق عزت را باوچ دولت رسانید - شکر نعمتا و سپاس آلاء  
 منحصر در اعتراف بعجز و قصور میداند - چه اگر خواهد که اداء  
 شکر یک لطف از الطاف گوناگون و تفقذات از حد و حصر بیرون  
 که در ضمن فرمان عالی شان عطوفت عنوان نسبت باین مرید  
 صادق الاعتقاد مندرج بود نماید - سالها از عهده آن نمیتواند  
 برآمد - و اگر در مقام سپاس یک عنایت از عنایات مذکوره فوق

در آید - عمر نوح و امتداد زمان بآن کفایت نکند \* بیت \*

اگر سالها عذر لطف تو خواهم \* برون نایم از عهدۀ آن کماهی  
همان به که آنرا بلطفت گذارم \* که هم لطفت از خود کند عذر خواهی  
چون علامات طلوع آن کواکب درخشان از مشارق عاطفت واحسان  
سمت ظهور یافت - علی العادة المستمرة که لازمة ارادت و وظیفه  
بندگی این مرید موروثی است - بافدام استکانت و خضوع استقبال  
کرده بوظایف تعظیم و تکریم و مراسم ادب و تسلیم قیام نمود -  
چنانچه شمه ازان شاید از عرضه داشت سیادت و عزت دستگاه  
مومنی الیه بر ایستادگان پایه سریر اعلی بمنصه ظهور رسیده باشد -  
و امیدوارست که بعد از وصول مشار الیه بسعادت استلام درگاه  
خلایق پناه حقیقت صدق ارادت - و خلوص عقیدت - و انقیاد  
احکام مطاعه - و پیروی اوامر لازم الاطاعة - این فدوی صادق الراهه  
بمسامع جاه و جلال رسد - و بآن وسیله مجددا در سلک مریدان  
خاص و فدویان قویم الاختصاص در آید - و بعضی اشارات ذات  
البشارات و احکام مطاعه لازم الاطاعة که در مطامری آن منشور اقبال  
شرف تحریر یافته بود بتقریر دایمیر سیادت و وکالت آیات مشار  
الیه و عزت و فضیلت نصاب شیخ محمد طاهر که بیادری بخت  
بسعادت آسمان بوس آن درگاه آسمان جاه استسعاد یافته مشمول  
مراحم معاونت نموده بگوش جان و جنان رسید - و همه را سمعا  
و طاعة از صمیم قلب تلقی بقبول نموده توفیق امتثال اوامر مطاعه  
را در هر باب از درگاه احدیت سایل است - و فیل گجموتی که در  
فرمان قضا جریان در باب آن اندراج یافته که هر آمد فیلان نامی

این فدویست و فی الواقع فیل نامی جز آن نداشت بموجب اشاره  
والا که در تضاعیف فرمان قدر توان مرقوم بخط قدسی نمط که بنام  
عمدة الملک خاندوران بهادر شرف صدور یافته بود و نقل آن بنظر  
این فدوی در آمد قبل از ورود این فرمان عالییشان روانه درگاه  
آسمانجاء شده است - یحتمل که داخل فیلخانه معنی شده باشد -  
با انکه اطاعت بفعل آمده - لیکن چون خالی فرستادن عرضه داشت  
مناصب نبود - و تحقیق که قابل فرستادن باشد نزد فدوی نمانده -  
حیرت داشت که چه کند - چنانچه مبادات و وکالت پناه موسی الیه  
بعرض خواهد رسانید - درین اثنا پیش بعضی تجار الماسی که  
بوزن الماس سابق بود و در آب و رنگ بزان رحجان داشت - و  
صاحبش مدعی آن که الماس کهنه است - بهم رسیده - اگرچه ظاهر  
است که الماس باین وزن هرچند که خوش آب و رنگ باشد لیاقت  
آن ندارد که تنها فرستاده شود اما بحکم - مالا یدرک کلمه لایترک  
کلمه - خربده بر ارسال آن جسارت نمود - لطف کریم و کرم عمیم عذر  
خواه حقارت آن خواهد شد - زیاده ترک ادب می نماید - ظل  
ظلیل سلطنت و خلافت و عظمت و فرمان روائی بر مفارق عالم  
و عالمیان پاینده باد \*

چون بعرض مقدس رسید که در بیدش نواحی حصن مانند  
شیربسیار فراهم آمده بسکان آن مکان و ره نوردان ایذا میروانند -  
و درون حصار در آمده آدم می ربایند - چنانچه سکند مانند  
بر گذارند - که در اندک وقتی افزون از دویست کس گرفتار  
چنگال آن جان شکران خون خوار گشته اند - خاقان مهر گستر بدان

صوب توجه نموده بذات اقدس هشت قلاده شیر تئار قوی چنگ را بتغنگ شکار فرمودند - و شیر بچه را ملتزمان رکاب اقبال زنده گرفتند - ساکنان آن سرزمین از اضرار سباع مذکوره رهائی یافته زمزمه دعا و فزونی عمر ابد انتمای پادشاه شیر شکار بفلک دوار رسانیدند \*

ششم جمادی الاولی تربیت خان بعنایت خلعت و علم واسپ سرافراز گشته بمالش سرزبان جیت پور که از فتنه گرایی و تباه پسیجی بره زنی و شقارت اندوزی می پرداخت - دستوری یافت - درین تاریخ پیشکش معتقد خان هشت فیل که از اودیسه ارسال داشته بود بنظر اکسیر اثر در آمد - و از اقبال منبوره یک فیل بگوهر اکلیل خلافت مهین پادشاهزاد و الا قدر مرحمت شد \*

دوازدهم تربیت خان بادراک شرف ملازمت مباهی گشت - و رمیندار ولایت جیت پور را که تاب صدمات کذاوران نصرت شعار در خود نیامده از راه انکسار پیش آمده بود همراه آورده بسعادت آستان بوس فایز گردانید - امان بیگ از اصل و اضافه بمنصب هزاره سوار و خدمت قلعه داری حصار قندهار سر بلند گردید \*

چون موسم بارش منقضی شد اعلام اقبال شانزدهم از راه اوجین و گهاتی چاندا بصوب دار الخلافه نهضت فرمود - فدائیخان را بمرحمت خلعت و اسپ با زین مطلا سرافراز گردانیده بگورک پور که در اقطاع او مقرر بود رخصت نمودند - از آنجا که از عرضداشت وزیر خان بمسامع جلال رسید که میرزا خان ولد شاه نواز خان بن

عبد الرحیم خانان که خدمت فرجدارئی کانگه بدو مفوض بود  
از شوریدگی دماغ افزوا گزیده - بذابران وقاص حاجی را بعنایت  
خلعت و خنجر مرصع و بجهت لزوم فزونی جمعیت برای ضبط  
مجال کوهستان باضافه هزارئی ذات و هزار سوار و دویمت سوار  
بمنصب دو هزارئی ذات و دو هزار سوار و بخطاب شاه قلی خان  
و عنایت علم و اسب قنچاق و فیل بلند پایگی بخشیده بخدمت  
مذکور معین گردانیدند \*

بیست و چهارم رانا جگت سنگه را بفرستادن سرپیچ مرصع  
و شمشیر مرصع مصحوب کلیدان جهالا که از جانب رانا بدرگاه خواقین  
پناه آمده بود مفتخر ساختند \*

درین ایام میمنت انتظام به نیرنگی اقبال خاقانی حصار  
اودگیر و قلعه اودیسه مفتوح گردید - تبئین این مقال آنکه - چون  
خاندوران بهادر بفرمان والا بعد از انقیاد عادلخان بتسخیر قلاع  
مذکوره مقید گردید - نخست بپاسبانان هردو قلعه پیغام داد که  
اکنون که همگی حصون و ولایات بی نظام از شگرفی اقبال گیتی  
آزای شهنشاه اقلیم کشا مسخر گشته - و عادلخان از خواهش ناروای  
این دو قلعه باز آمده - اولی آنکه قلعهها را باولیای دولت قاهره  
واگذارند - و الا عن قریب هردو حصار بجبر و قهر مفتوح خواهد  
شد - و جان و مال شما عرضه تلف خواهد گشت - آن عاقبت  
نشناسان بی اساس مثال کار بنظر در نیاورده باستحکام برج و باره  
پرداختند - خاندوران بهادر روز یکشنبه بیست و پنجم محرم در  
هوا قصبه اودگیر دایره نموده بعد از ملاحظه دور حصار بتقسیم

ملچار پرداخت - نظر بهادر خویشگي و اهتمام خان و پهلوان درویش  
 سرخ را درون قصبه محاذی دروازه جنوبی . سرافراز خان دکنی و  
 هزار خان واد لشکر خان و چند من بندیل را مقابل دریچه قلعه  
 که میان جنوب و مغرب واقعست - و تابندگان مبارز خان و حسن آقای  
 رومی با طایفه برق انداز و زلفی آهون زن را غریبی حصن که نقب  
 پذیر بود معین ساخت - و مقرر نمود که هرگاه ملچار گزینان را  
 بکمک احتیاج افتد - تابندگان خود را بفرستد - دلیران کار طلب  
 بدستیارمی حماسه و پایمردی جلالت ملچارها پیش برده شروع  
 در کندن نقب نمودند - و چون نقبها بقلعه نزدیک رسید حصار  
 نشینان را پای ثبات از دست رفت - و سید مفتاح حبشی پاسبان  
 قلعه مضطرب گشته بخاندوران بهادر پیغام داد که اگر مرا در سلک  
 بندهای درگاه خواقین پناه منخراط سازند قلعه را می سپارم - خان  
 دوران بهادر با آنکه ملتسمات او را قبول نمود آن کوتاه بین آرزوهای  
 دیگر که شایستگی پذیرائی نداشت درمیان آورد - خان مشار الیه  
 نقبی را که سرپای برج شیر حاجی کشیده بود آتش زد - اگرچه  
 تمامی آن برج که دورش نزدیک صد گز بود با توپ و منجنیق و  
 دیگر ادوات پیکار که بر فراز آن بود بپريد - لیکن ازان روز که خللی  
 بقواعد حصن ارک راه نیافت سردار لشکر فیروزی دران روز دلاوران  
 نبرد آئین را از یورش باز داشته بمفتاح گفته فرستاد که اگر از  
 عاقبت بینی و خرد گزینی حصار بارلینای دولت پایدار بسپارد  
 بجان امان می یابد - و الا زود باشد که طعمه شمشیر آتش افشان  
 فتنه نشان مبارزان ظفر شان گردد - سیدی مفتاح از طغیان هراس

جزر اطاعت چاره نیافته نزد خان دوران بهادر در آمد - و روز پنجشنبه  
هشتم جمادی الاولی که از آغاز محاصره تا این وقت سه ماه و کسری  
گذشته بود قلعه را با اسمعیل نبیرة ابراهیم عادلخان که در اینجا محبوس  
بود و محمد عادلخان برای گرفتن او بلطایف الحیل سیدی را  
مستمال میگردانید به بندهای بادشاهی سپرد - و چنان حصار  
استوار که بر فرق کوهچه از سنگ و ساروج در کمال متانت اسام  
یافته و سوای خندق ژرف که بر دور آن کنده اند خندق دیگری در  
سنگ پدید آمده از مواد فزونی رصانت آن در متین گشته است -  
بکمتر مدتی مسخر گردید - اسمعیل پسر درویش محمد است و  
نخستین پسر ابراهیم عادلخان و همشیره زاده محمد قلی قطب الملک  
چون ابراهیم عادل خان میخواست که پسر دوم او محمد جانشین  
گردد بدولت نام غلامی کلاونتی که در نوکری او اعتبار تمام یافته  
قلعه دار بلجنا پور شده بود در مرض موت وصیت نمود - که بعد از او  
محمد را بسری بردارند - پس از آنکه ابراهیم از جهان گذشتنی در  
در گذشت و محمد بر مسند حکومت نشست - درویش محمد را  
نابینا گردانید - زنان درویش محمد اسمعیل را که در آن ایام شش  
ساله بود مصحوب چندی پنهانی نزد بی نظام فرستادند - باشد  
که از چنگ دشمنان رهائی یابد - و از بیم آنکه مبادا رسیدن  
اسمعیل شهرت پذیرد و خاطر عادلخان ازان انحراف گیرد نادیده  
پیش سیدی مفتاح قلعه دار اودگیر روانه ساخت - و مدت ده  
سال اسمعیل را در اینجا بزدان نگاه داشت - و درین وقت که حصن  
اودگیر مفتوح گردید او را حواله نمود - خان دوران بهادر منصب

سه هزارمی ذات و هزار و پانصد سوار و خطاب حبش خان برای  
سیدی مفتاح از درگاه جهان پناه التماس نموده بقلعه اوسه که در  
اندامی قبل حصن اودگیر بآن مکان رفته بعد از ترتیب ملچار رشید  
خان را با گروهی جنگ آزمای نبود گرا بمحاصره گذاشته بود  
شذافت - و به بهوجراج قلعه دار گفته فرستاد که اگر بتنازگی از  
تسخیر قلعه اودگیر عبرت گرفته بی محنت کارزار حصار واگذارد - از  
دستبرد بهادران قلعه کشا رهائی خواهد یافت - و الا بکیفر اعمال  
نا شایسته گرفتار خواهد آمد - چون از قبول اینمعنی خبری بخان  
دوران بهادر نرسید - بیگار گزینان نصرت آئین را اشارت نمود تا در  
تسخیر آن سعی نمایند - با آنکه از بالای قلعه تنوپ و تغنگ پی هم  
می انداختند شیران بیشه و غا در اندک وقتی ملچارها بخندق  
نزدیک رسانیده از هر جانب نقبها دوانیدند - درونیان را از دیداین  
جسارت ارکان استبداد متزلزل گردید - و از امن پژوهی زینهار  
طلبیدند - بهوج راج قلعه دار که تشتت خاطر او از همگنان افزون  
بود جز سپردن حصار راه نجات نیافته بخان دوران بهادر گفته  
فرستاد که قلعه را می سپارم بشرطیکه امان نامه داده مرا در زمره  
بندگان درگاه والا در آورید - و بعد ازان که خاطرش مطمئن گردید  
بیست و نهم جمادی الاولی که از ابتدای محاصره تا این تاریخ  
سه ماه سپری گشته بود خان دوران بهادر را دیده حصار سپرد -  
سر کرده عساکر فیروزی هزارمی ذات و پانصد سوار منصب برای  
او تجویز نموده بدرگاه عرش اشتباه معروض داشت - که از نظم و  
نسق قلعه خاطر فراهم آورده و اهتمام خان را که بقدم بندگان این



دولت آسمان صولت مفتخر است بپاسبانی آن باز گذاشته عنان  
 معارفت بر تافت - پس از رسیدن عرائض خان دوران بهادر پدایه  
 سریر گردون نظیر فرمان شد که مطابق تجویز خان مشار الیه هر دو  
 قلعه دار را در ولایت تلمگانه جاگیر تن نمایند - و از پیشگاه عنایت  
 خان دوران بهادر را خلعت خاصه و اسب از طویل خاصه با یراق  
 طلا و فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و ماده فیل مرحمت نموده  
 فرستادند - مغل خان ولد زین خان کوکه باضافه پانصدی ذات و  
 پانصد سوار بمنصب دوعزاری ذات و هزار و پانصد سوار و بقلعه  
 داری اودگیر نوازش یافت \*

## آغاز دهم سال فرخنده مال ازدور اول جلوس مقدس شهنشاه بیهمال و بادشاه با فر و اقبال

روز جمعه غره جمادی الثانیه سنه هزار و چهل و شش مطابق  
فهم آبان ماه دهم سال فرخ فال از جلوس اقدس سریر آرای  
خلافت و جهانبنانی آغاز شد - و ابواب مسرت بر روی روزگار باز  
نشاط آئینی تازه گرفت - و عشرت رونقی بی اندازه \*

دوم ساحت اوجیدن بنزول اعلام نصرت فرجام منور گشت -  
میر فیض الله مخاطب برحمت خان را خلعت و علم مرحمت  
نموده بسرکار بیجاگده که در تپول او بود دستوری دادند \*

دوازدهم موضع کهجوری از مضافات برگنه رامپور مخیم اقبال گردید  
چون موضع مذکور وطن را وهتی سنگه بود یک فیل بعنوان پیشکش  
گذرانید - و بعنایت خلعت سر برافراخت \*

شانزدهم نواحی پرگنه خیرآباد دایره شد - و از آنجا که گذار  
اردوی گیهان پونی از پرگنه پلایتهه که در اقطاع مادهو سنگه است  
واقع شد - موهن سنگه و ججهار سنگه پسران او دولت ملازمت  
اندوخته یک فیل پیشکش نمودند - و هر دو بهرحمت خلعت  
و اسب سرافراز گردیدند \*

بیست و یکم منداور از توابع پرگنه بروده مرکز رایات جهانکشا

گشت - بهاسنگه ولد راوستر سال که رطش نزدیک بود بدرگاه والا  
آمده یک فیل پیشکش نمود - و بعنایت خلعت و اسپ  
نوازش یافت \*

### تعیین افواج ظفر امتراج بر مرزبان دهندهییره

چون از پیشگاه عنایت خاقانی ولایت دهندهییره بسپورام ولد  
بلرام پسر کلان راجه گوپال داس کور مرحمت شد او با جمیععی بر  
ولایت مذکور رفته ایندومن زمیندار آنرا جبرا و قهرا از انجا برآورد  
و ولایت را بتصرف در آورد - و پس از چندی زمیندار مزبور  
حشری فراهم آورده بقصد پیکار برسیورام آمد - و از روی استیلا آن  
ملک را دیگر باره متصرف گشت - بنابران راجه پتهلداس بتادیب  
آن فتنه سرواژون اثر مامور گردید - وحسب الائتماس راجه معتمد خان  
و سیورام مذکور که برادر زاده راجه پتهلداس است و سید عبدالماجد  
امرویه و جیرام ولد راجه انوب سنگه و راجه بهروز ولد راجه روزافزون  
و خواجه ابوالبقا برادر زاده عبد الله خان بهادر فیروز جنگ رسید  
چاون و هریسنگه وادراوتن و شتاب خان پسر ملک علی و امیر بیگ  
واد شاه بیگ خان کابلی و دادار بیگ قدیمی و سید سعادت الله  
حاجی پوری و ششصد سوار احدی کماندار و برق انداز بهمراهی  
معین گشتند \*

و بدست و پنجم راجه پتهلداس و معتمد خان و دیگر منصبدارانرا  
در خور مرتبت خلعت و اسپ عنایت نموده بدان صوب مرخص  
گردانیدند - اگرچه شهنشاه فلک بارگاه پیش از جلوس مبارک

دراثنای نهضت الویه ظفر پیکر از جنیر بدارالخلافت اکبر آباد زیارت  
مقتدای ارباب تقید و اطلاق - پیدشوی رمز شناسان انفس و آفاق  
رهنمای سرگشتگان بادیه یقین - خواجه معین الملة والدین - دریافته  
بودند چنانچه در تضاعیف وقایع پیدش از جلوس مقدس گذارده آمد  
اما چون بعد از فوز بمرتبه خلافت آلهی اینمعنی جلوه ظهور نیافته  
بود - خاقان حقیقت امامس بمتابعت نیاگان بزرگوار که پس از  
اورنگ نشینی بر تربت جنت رتبت آن واقف سرایر کونی و آلهی  
رفته استمداد فتوح نموده اند بصوب اجمیر متوجه گشتند \*

هفتم شهر رجب بآن شهر کرامت بهر ورود سعادت آمود فرموده  
دولتخانه والا را که بر ساحل تالاب آنا ساگر ترتیب یافته به نزول  
اقدس فروغ آگین گردانیدند - حضرت جنت مکانی بریند این  
تالاب دلپذیر عمارتی از سنگ مرمر بنا نهاده بودند - بفرمان سریر  
آرای جهانبانی حضرت صاحبقران ثانی جهروکه دولتخانه خاص  
و عام در نهایت دلکشائی و روح افزائی انجام پذیرفته است - قریب  
سه لک روپیه صرف این عمارت شده - از نصف کمتر در ایام  
دولت حضرت جنت مکانی - و بیش از نصف درین عهد سعادت  
مهد - پایان روز از دولتخانه معلی تا مزار خلد آثار آن اسوه  
اصحاب تحقیق از روی ادب پیاده رفته هم زیارت بتقدیم رسانیدند  
و مبلغ ده هزار روپیه بسدنه و مستحقین آن مکان فردوس نشان  
عزایت کرده بمسجدی که در ایام مراجعت از جنیر حکم بنای  
آن صادر شده بود و پس از جلوس مقدس بصرف چل هزار روپیه  
باتمام رسیده تشریف فرمودند - و بعد از نماز شام بدولتخانه والا

معاودت نمودند - بی بدل خان گیلانی تاریخ انجام این مقام  
فیض انتظام • \* مصراع \*

قبله اهل زمان شد مسجد شاه جهان \*

دو ازدهم راج کفور پسری که رانا جگت سنگه بدرگاه عرش اشتباه  
آمده دولت تقبیل آستان سلاطین طاف اندوخت - و نه اسب  
پیشکش گذرانید - و بمرحمت خلعت و سرپیچ مرصع و مالی  
مروارید سرافراز گردید - عرضه داشت خانزمان بهادر مشتمل بر  
مژده تسخیر حصار جنیر و جز آن و تمشیت پذیرفتن مهمان دکن و دفع  
فساد دکنیان بدایه سریر فلک نظیر رسیده اولیای دولت ابد قرین  
را نشاط آگین ساخت - تفصیل این اجمال آنکه خان مزبور بعد  
از آنکه از درگاه اسمان جاه مرتبه دیگر رخصت شده بکومکیان و  
تأبیدن خود ملحق گشت - و آگهی یافت که ساهوی ضلالت خو  
بنوکری عادلخان تن در نداده نمی خواهد که حصن جفیر و دیگر  
حصون را به بندهای پادشاهی بسپارد - و عادلخان زندوله را فرستاد  
که در قلع بنیاد ساهوی شقاوت نهاد و تخلیص قلاعی که در تصرف  
آن بد نژاد است با هوا خواهان این سلطنت جاوید طراز یکدل بوده  
از صواب دید سرکرد افواج قاهره بیرون نرود - بجای شتافته مداخل  
و مخارج حصار بنظر در آورد - و بهادر خان را با کار طلب خان و  
راوتی سنگه و اورنگ خان و سید میرزا و قریب هزار سوار رانا جگت  
سنگه و هزار پیاده برق انداز تعیین نمود تا بمحاصره قلعه پردازد - و  
خاطر از تقسیم ملچار و تهیه مواد محاصره و پرداخته باراده  
استیصال ساهوی خسران مآل که در حوالی قصبه پونه اقامت

داشت بهره‌نوردهی در آمد - و بکنار دریای کهورندی رسیده از کثرت  
 بارندگی و طغیان آب نزدیک یک ماه توقف گزید - همین که آب  
 روبکمی آورد ازان رود خانه عبور نموده بر کنار آب ایندان قریب  
 بلوهگانو فرود آمد - ساهوی مدبر که هفده گروهی لوهگانو بود - بمجرد  
 شنیدن این خیر بکوهستان کوندهانه و نورند گریزان گشت - و چون  
 میان افواج قاهره و آن مردود سه دریای کلان ایندان و مول و موه  
 طغیان داشت - و نیز رندوله پیش ازیں بخانزمان نوشته بود که  
 مقالید سایر حصون بی نظام را از ساهو گرفته میفرستم - تا نوشته  
 من نرسد پیش نیائید - خانزمان بهادر نزد رندوله کس فرستاده  
 در باب تعاقب آن بد عاقبت مشورت خواست - و بعد از رسیدن  
 نوشته رندوله مطابق اراده او از دریای ایندان گذشت -  
 و سه فوج از دالوران نبرد جو ترتیب داده کار فرمائی یکی  
 بخویش و دوم براو سترسال و سوم به پرتیراج مقرر گردانید  
 و راه نور گهات که وسعت و آبادی داشت پیش گرفت - درینولا  
 ساهوی فساد جو بسرعت هرچه تمامتر از کتل کونبها عبور نموده  
 بولایت کوکن درآمد - و به تهبانه دار دندا راجپوری و دیگر مرزبانان  
 آن نواحی پناه برد - باشد که اورا چندی جایی دهند - چون  
 زمینداران مذکور از مآل اندیشی آن نکوهیده فرجام را بناکامی  
 تمام از حدود خود راندند - ناچار معاونت نموده از کتل کونبها فرود  
 آمد - درین اثنا عسکر فیروزی ازان کتل گذشته داخل ولایت  
 کوکن گردید - و رندوله نیز خود را نزدیک کتل رسانید - آن تیره  
 رای ادبار گرا عذنان حزم از دست واهشته بآسیمه سری جانب

ماهولی فرار نمود - خانزمان بهادر بر این معنی آگهی یافته هر چند  
 اردو بنجاره نگذشته بود - و رندوله هم بلاشکر نه پیوسته - در توقف  
 مصلحت ندیده بتگامشی در آمد - نشود که آن سیه روی تباہ خرد  
 بمامن برسد - و از اتفاقات حسنه بهمان مسلکی که ساهو می نورید  
 بر اثر آن واژن اثر راهی گشت - درین وقت خبر آوردند که آن  
 گمراه نامه سیاه در حصار مورنجن که میان کوه و جنگل واقعست  
 و ازینجا پانزده کوه مسافت دارد فرود آمده می خواهد که لختی  
 توقف نموده روانه گردد - سرکرد لشکر نصرت طراز جلو ریزه کروهی  
 قلعه رسیده بر فراز کریوه بر آمد - و سپاهی ادبارزدگان دیده با  
 آنکه از دشوار پیمائی راه و کثرت گل ولای قلیلی باورسیده  
 بودند پائین آمده بطرف غنیم رو آورد - ساهوی مقهور از سطوت  
 دلیران کار طلب مغلوب هراس گشته برخی از احوال و ائقال را  
 بجای روانه ساخت - و تتمه را گذاشته خود نیز از عقب راهی گردید  
 اندکی از راه قطع نموده بود که مبارزان بیگار پزده در رسیده اسام  
 هستی بسیاری از مقاهیر بآب تیغ خون آشام بر انداختند - و بگرد  
 آوری اسبابی که آن مقهور گذاشته براه فرار شتافت نپرداخته قریب  
 دوازده کوه تعاقب نمودند - چون از فزونگی سرما و فراوانی تردد  
 در گل ولای با مراکب اکثر منصبداران و تابینان خانزمان نیروی  
 حرکت نماند ساهوی فساد خو فرصت غنیمت شمرده همراه  
 جمعی از چنگ بهادران ضرغام صولت بهزاران جان کندن رهایی  
 یافت - دلیران نبرد آزمایده و بار و اسب و شتران او را با نقاره و چتری  
 و پالکی و نشانهای خویش بی نظام که او را نظام الملک نامیده

باخود میگرددانید بدست آررده قرین فتح و نصرت مراجعت گرداند -  
و شب هنگام در مکانی که گل ولای کمتر داشت دایره نمودند - و از آنرو  
که خیمهای عسکر منصور نرسیده بود خدام آن گم گشتگان بادیّه  
فرار را که بغنیمت گرفته بودند برپا ساخته باسودگی گذرانیدند - و آن  
ضلالت اندیش در يك شبانروز خود را بپای قلعه ماهولی رسانیده  
نخست خواست که بسمت تربنگ و ترنکلواری برود - لیکن از بیم  
آنکه مبادا در راه بدست غازیان لشکر ظفر گرفتار آید همانجا اقامت  
نمود - و جمعی را که همواره با او طریق مرافقت می پیمودند  
نگاه داشته باقی را مطلق العنان گردانید - و خود با پسر تیره اختر  
و قلیلی از اسباب و اموال که همراه او بود بارادۀ تحصن بقلعه درآمد  
خانزمان بهادر دوازده گروهی ماهولی این خبر شنفته با وجود  
معویت راه در يك روز پدای حصار رسید - کشکچیان پائین قلعه  
و طایفه که بغراهم آوردن آذوقه می پرداختند از مشاهده لشکر فیروزی  
مضطرب گشته گریختند - و تمامی آذوقه با مطایا بدصرف غزاة  
افواج قاهره درآمد - سرکردۀ لشکر اقبال ملچارهای محاذی دروازه  
کلان قلعه را بر اجه بهار سنگه بندیده سپرده بر محصوران راه آمد شد  
باز بست - پس از چندی رندوله نیز در رسیده برابر دروازه دوم که  
از دروازه نخستین تا این در بواسطه کوه و جنگلی که در میان واقع  
شده هفت کروه مسافت بود ملچار ساخت - بعد از آنکه از هر دو  
جانب کار بر حصار نشینان تنگ شد ساهوی ادبار آثار مکرر  
بخانزمان بهادر نوشت که قلعه را می سپارم بقرار آنکه مرا در زمره  
بندگان درگاه خواقین پناه در آورید - خان مشار الیه پاسخ میداد که



اگر رهائی خود می خواهی با عادلخان بساز که فرمان چنین  
 رفته - و الا زود باشد که نایب شمشیر مبارزان قلعه کشا کاخ زندگانی  
 ترا خاکستر گردانند - او ناچار بمتابعت عادلخان تن در داده التماس  
 عهد نامه عادلخان نمود - پس از وصول عهد نامه از خرد تباهی  
 آرزوهائی که نه درخور حوصله کوتاه او باشد درمیان آورده از آنچه قرار  
 یافته بود برگشت - و چون استیلائی شیران بیشه و غا روز بروز بتزاید  
 نهاد - و نزدیک رسید که حصار کشایش یابد - ماهوی مخدول از  
 قلعه برآمده در کمرکوه رندوله را طلبیده دریافت - و خویش بی  
 نظام را باو سپرد - و پذیرای نوکری عادلخان گشته مقرر ساخت که  
 حصن جنیر و غیره را به بندهای درگاه آسمان جاه حواله نماید -  
 صباح آن طوماری مشتمل بر بعضی ملتمسات مصحوب قاضی  
 ابوسعید که عهد نامه عادلخان آورده بود و وکیل خود نزد خانزمان  
 بهادر فرستاد - ازان رو که حکمی درین باب بخانزمان بهادر نرسیده  
 بود خان مزبور جواب آن را موقوف داشته قاضی ابوسعید را رخصت  
 نمود - و نقل طومار را با عرضه داشت خود روانه درگاه والا گردانید  
 و بعد از ورود پیرلیغ قضا نفاذ متضمن پذیرائی ملتمساتش آن دل  
 پایی داده را مطمئن ساخت - ساهو جمعی را از معتمدان خویش  
 همراه قاضی ابوسعید با نوشتجات مشعر بر سپردن حصن جنیر و  
 دیگر حصون متین و مثل تربنگ و ترنگلواری و هریس و جودهن  
 و جوند و هرسرا بارلیداء دولت قاهره پیش خانزمان بهادر فرستاد  
 سرداران و اوج فیروزی پس از رسیدن این جماعت برای پاسبانی  
 هریک از قلاع مذکوره یکی از بندهای بادشاهی را با گروهی از

سوار و پیاده همراه مردم ساهو تعیین کرد - و قدغن نمود که زود بدانصوب شتافته قلاع را بتصرف در آورند - و خاطر از انجام این مهم فراهم آورده روزی چند دران نواحی بجهت خویش بی نظام که ساهو او را برندوله داده بود و رندوله در باب سپردن او به خواهران سلطنت ابد اعتصام بعدالخان نوشته منتظر جواب بود - اقامت نمود درین اثنا نوشته عادلخان که منبئی از دادن خویش بی نظام بود برندوله میرسد - و رندوله او را حواله خانزمان بهادر نموده با ساهو به بیجاپور راهی میگردد - خانزمان بهادر ازانجا بسمت دولتآباد معادلت کرده بملازمت بادشاهزاد بختیار محمد اورنگ زیب بهادر رسید \*

اکنون بنگارش تتمه احوال خان دوران بهادر و فتوحاتی که بپمن اقبال خاقانی پس از انفتاح حصن اوسه و اودگیر او را دست داده می پردازد

چون خان مشارالیه شنیده بود که قطب الملک فیلی دارد گجتموتی نام که بحسن صورت و لطف سیرت سرآمد انیال اوبست و فرمان طلب آن نیز از پیشگاه خلافت صادر گردید بذابران از تسخیر حصار اوسه و اودگیر و اپرداخته بکومگیر که سرحد ملک قطب الملک است رفت - و به ترغیب و ترهیب آن فیل را بابیست و پنج هزار هون که مبلغ یک لک روپیه باشد بصیغه نعلبندی ازو گرفت - و ازانجا بدغوردیوگده آمده حصار کتلچهر و آشته را که از توابع پرگنه کرماندگانو و برار است - و جمعی از گوندان فتنه پرست آنرا در تصرف داشته اطاعت حکام و صوبدار نمی نمودند - مفتوح گردانیده و کذک سنگه بپمن را نزد کوکیان مرزبان دیوگده فرستاده پیغام

داد - که اگر می خواهی که از دست افداز بهادران کشور گیر محروم  
مانی خود را با پیشکش شایسته برسان - والا عن قریب اساس  
زندگانت از پا خواهد در آمد - پس از آنکه عساکر منصوره یک  
منزلی ناگپور رسید کنگ سنگه با وکیل او آمده خاندوران بهادر را  
دریافت - و ظاهر شد که دود سودا بدماغش دریده است - و باد  
غرور در سرش پیچیده - و بدانچه خاندوران بهادر بزبان کنگ سنگه  
حواله نموده بود تن در نداده میخواست که بمکر و تزویر بگذراند -  
خان مذکور بناگپور رسیده کشایش حصن آنرا که بمذانت و استواری  
از دیگر قلاع ولایت کوکیا امتیاز داشت وجه همت گردانیده بترتیب  
ملچار و تهیه دیگر مواد قلعه کشایی پرداخت - و بتدبیرات صایبه  
و آزای ثاقبه در عرض پنجروز ملچارها بکنار خندق رسانیده قوایم  
عزیمت حصار نشینان را مبتلزل گردانید - ناگزیر مقاهیر که بحصانت  
قلعه مغرور گشته آتش فتنه می افروختند از در استکانت در آمده  
زینهار طلبیدند - خان دوران بهادر گفته فرستاد که اگر رستگاری خود  
میخواهید همگی اسباب و اسلحه و دواب را درون قلعه گذاشته بیرون  
آیید - از آنجا که اسباب هلاک شان آماده شده بود - و ابواب زوال  
کشاده - از قبول اینمعنی سربرتافته در استحکام قلعه کوشش نمودند  
سرکرد لشکر پهلوان درویش سرخ را اشارت نمود تا برخندق حصار  
که عرضش هشت ذراع بود و زرفا ده بند محکم بر بست - مبارزان  
لشکر اسلام ازان عبور نموده قلعه را گرد گرفتند - در خلال این احوال  
کیبا زمیندار چاندا که بطلب خاندوران بهادر از ملک خود راهی  
گشته بود با هزار و پانصد سوار و سه هزار پیاده آمده هفتاد هزار

روپیه مهمانی گویان گذرانید - و سکنگرم زمیندار کنور نیز بحکم  
 اقدس نزدیک دو هزار سوار و پنج هزار پیاده از مپاهی و یغماچی  
 و فراوان اسباب و مواشی که در اثنای ره نوردی از اهل ولایت کوکیا  
 که هنگام مرور اواج قاهره گریخته در شعاب جبال و اماکن معصمه  
 فراهم آمده بودند گرفته بود همراه آورده بلشکر فیروزی پیوست -  
 و پس از آگاهی بر حقیقت محاصره و انجام پذیرفتن نقبهای سه گانه  
 که بکار فرمائی پهلوان درویش بر روی کار آمده بود بخان دوران بهادر  
 گفت که اگر بالفعل پرانیدن قلعه موقوف دارید یکمرتبه آن شوریده  
 سرنا بخرد را آگاه میگردد انم - باشد که از گران خواب غفلت بیدار  
 گشته ره گرای اطاعت شود - و باتفاق کیدا کس نزد کوکیا فرستاده  
 باندزهای کبرا و مواظ هوش افزا بر سر انقیاد آورد - او وکیل خود  
 را با طوماری که اسامی یک صد و پنجاه فیل نر و ماده دران مندرج  
 بود پیش خان دوران بهادر فرستاده التماس نمود - که اگر دست از  
 محاصره باز داشته مرا امان دهید آمده اخیال مذکوره می گذرانم -  
 خاندوران بهادر پاسخ داد که رهائی او منحصر دران است که حصار  
 از متحصنان خالی گذاشته با فیلانی که داخل طومار کرده فرستاده  
 است بیدار تا جمعی برسم کشک درانجا بنشانیم - چون وکیل  
 کوکیا بگذاشتن قلعه راضی فشد دلیران ناموس پرست نقب ملچار  
 پهلوان درویش را آتش داده يك برج قلعه را با جماعه مقاهر که  
 بر فراز آن بودند پرانیدند - ازان پس در نقب راجه جیسنکه که  
 بدای برج کلان سر کشیده بود آتش زدند - اگرچه از کمی باروت  
 نپرید اما خلل فاحش بقواعد آن راه یافت - نقب سیوم که اهتمام

آن بسپهدار خان تعلق داشت چون بر افروخته آمد یک برج و لختی از دیوار با جماعه مخاذیل پرید - و راهی وسیع واگشت - مبارزان پیکار پزده خصوصا سپهدار خان و راجه جیسنگه بیایمردی شهامت بقلعه در شده تمامی مقهوران را از هم گذرانیدند - و دیوجی قلعه دار زنده گرفتار آمد . کوکبا از شگرفی اقبال حضرت شاهنشاهی خود را در معرض تلف دانسته روز مبارک دو شنبه بیدست و نهم شعبان پانزده گروهی دیوگده آمده خان دوران بهادر را دید - و مبلغ یک لک و پنجاه هزار روپیه نقد و همگی فیلان خود را که از نرو ماده یک صد و هفتاد بود پیشکش سرکار والا کرده مقرر نمود که بعد ازین از مسلک قویم خدمتگذاری و منهج مستقیم فرمانبرداری بر نیاید - و در هر سه سال چهار لک روپیه بخزانة عامرة برساند - چون آثار رسوخ کوکبا در بندگی این دولت بلند صولت بظهور پیوست خان دوران بهادر حصن ناگپور را بار باز گذاشت - و باجنود نصرت آمود بذواحی کالی بهیت رسیده از بهیم سین مرزبان آنجا که درین هنگام برهنمونی طالع دولت عبودیت خاتان ممالکمتان دریافته بود یک فیل با ماده فیل بعنوان پیشکش گرفته بدرگاه خواقین پناه راهی گردید \*

پانزدهم رجب الوبه ظفر پیکر از خطه فیض اساس اجمیر بصوب دار الخلافه اکبراباد نهضت نموده ساحل تالاب جوکی را فروغ آمود گردانید - راجه گجسنگه بمرحمت خلعت خاصه واسپ از طوبله خاصه بازرین مطلا و فیل - و راج کنور ولد رانا جگت سنگه بخلعت و کپوه مرصع و شمشیر با یراق طلا مینا کار واسپ و فیل

و چندی دیگر از راجپوتان نامی مثل راولوی چوهان و رات مانسنگه  
جوندات و غیراینان نیز که همراه راج کنور بودند بخلعت و اسپ  
سرافراز گردیده دستوری یافتند - و برانا جگت سنگه یک فیل  
مرحمت نموده براج کنور حواله نمودند که به پدر برساند \*

هزدهم ساحت قصبه مغرباد که در تیول راجه جیسنگه مقرر  
بود بنزول اقدس رونق و بها یافت - و پیشکش راجه اسپه چند  
و یک فیل و بیست هزار روپیه نقد بنظر انور در آمد - اعلی حضرت  
از شمول رافت اسپ و فیل پذیرفته نقد براجه بخشیدند - شاه  
بیگ خان باضافه هزاره ذات بمنصب چار هزاره سه هزار سوار  
و خدمت قلعه داری حصار جنیر سرافراز گشت \*

بینست و پنجم علامی افضل خان و مکرمت خان با عمله دفتر  
و کار خانجات زاید از راه راست بدار الخلافه مرخص گشتند - و ریات  
فیروزی بنشاط اندوزی شکار بصوب باری برافراخته آمد \*

شب بیست و هفتم ده هزار روپیه مقرر باصحاب نیاز عطا شد \*

غره شعبان ملتفت خان ولد اعظم خان بمعنایت خلعت و از  
تغیر عبد الرحمن پسر صادق خان بخدمت عرض مکرر نوازش یافت \*

هشتم منازلی که برکنار تالاب باری در عرض در سال بصرف  
یک لک و چهل هزار روپیه انجام پذیرفته بفر قدوم شه نشاه فلک  
بارگاه رشک افزای خلد برین گردید - چون از سنگ سرخ در کمال  
دلکشائی اتمام یافته بود بلال محلل موسوم گشت - درین تاریخ  
سیف خان صوبه دار اکبر آباد بادراک دولت ملازمت سر برافراخت  
راجه پتهلداس و معتمد خان و سایر بندهای پادشاهی که بمالش

زمیندار دهند هیره دستوری یافته بودند و پس از رسیدن آنجا  
 حصار شهر آرا که در نهایت استحکام و متانیت بود محاصره نموده  
 قلعه نشینان را در مضیق اضطراب انداخته - و ناگزیر مرزبان آن  
 ولایت زینهار طلبیده معتمد خان را دیده بود - و ولایت را با ولایت  
 دولت قاهره وا گذاشته - بتقبیل عتبه جلال عز افتخار اندوختند -  
 و معتمد خان زمیندار مذکور را با یک ذیل که ازو بر سبیل پیشکش  
 گرفته بود به پیشگاه حضور آورد - اعلیٰ حضرت چنان بخشی او نموده  
 حکم فرمودند که در قلعه جنیر ملبوس دارند \*

شب پانزدهم که لیلة البراءة بود ده هزار روپیة مقرر به نیازمندان  
 مرحمت فرمودند \*

## وصول موکب معلیٰ بدار الخلافه اکبر اباد و گذارش مجلس شمسی وزن

فرزنده چتر جهانبانی حضرت صاحبقران ثانی روز پنجشنبه  
 هزدهم از باغ نور منزل بر فیل کوهسار آسمان رفتار بدار الخلافه توجه  
 فرمودند - و بهزاران خجستگی داخل ارک گشته ایوان عرش مکان  
 دولتخانه خاص و عام را که برای فرخنده مجلس وزن شمسی انتهای  
 سال چهل و پنجم و آغاز سال چهل و ششم از عمر ابد طراز بسان  
 فردوس برین ارایش یافته بود نور آگین ساخته بر سریر فلک نظیر  
 که به تخت مرصع زبان زد روزگار است جلوس نمودند - این ایوان  
 بجای ایوان پارچه که در زمان پیشین و چندی درین دولت ابد  
 قرین نیز بر روی جهر و گة دولتخانه خاص و عام می کشیدند - و ایوان

چوبین که آن نیز اگرچه برای پناه حصار این محفل منیف هم  
درین سلطنت خدا داد بنا یافته بود اما چون مناسبتی باین عمارات  
رفیعه نداشت برداشته بکار پردازی مهندسان بدیع آثار بدرازی  
هفتاد و شش ذراع و پهنای بیست و پنج و نیم از سنگ سرخ  
که آن را بصاروج مرمر سفید ساخته رشک افزای تباشیر صبح  
گردانیده اند - و دیگر تکلفاتش بگذارش در نیاید بنطاق جوزا  
و طاق ثریا مرمر انراخته \* نظم \*

خم طاق بلندش چون مه نو \* ز رفعت با فلك پہلو همی رود  
چو با شمشیر سوی بالا برافراخت \* زمین را آسمان دیگر افزود  
جهروکه دولتخانه خاص و عام پیشتر چندان تکلفی نداشت - درین  
اوان سعادت عنوان که همگی مستقبحات روزگار رو بعدم کشیده است  
و تمامی مستحسنات بارج کمال رسیده - آن را از سنگ مرمر که در  
هرچار دیوار آن احجار ثمینه رنگارنگ پرچین کرده و آسمانه آن را بطلا  
منبت ساخته نمودار سقف آسمان گردانیده اند - بنا نمودند - چینی  
خانه این نگارین خانه که ظروف مرصع دران منصود است مظهر  
صبح عالم افروز است - و عقب جهروکه نشیمنی است رو بدولتخانه  
خاص که جدران و سقف آن از سنگ سرخ است و تمام این خانه  
بچونه پدیالی که در جلا و صفا بهتر از چونه سنگ مرمر است آئینه نما  
اگرچه در آغاز جلوس میمنت مانوس از دین پروری و حق پرستی  
کانه برآیا را از سجده که عبادت نیست مخصوص آفریدگار جهانیان باز  
داشته بجای آن زمین بوس قرار داده بودند چنانچه گزارده آمد  
لیکن چون بسجده مشتبه بود بادشاه حق آگاه درین روز آنرا نیز



معاف نموده بجای آن تسلیم چهارم مقرر گردانیدند - و حکم شد که در برابر عنایتی که از پیشگاه عواطف شاهنشاهی پرتو ظهور دهد تسلیمات چهارگانه بجا آید - و مذاشیر قضا تأثیر بناظرمان صوبجات صادر گشت که هرگاه بوزود حکمی یا وصول عنایتی از عنایات خاقانی بر بر افرازند همین طریقه مسلوک باشد - و از دولتخانه خاص و عام بدولتخانه خاص تشریف برده منازل آنرا که حسب الحکم هنگامی که سرزمین دکن بماهچچ رایات اقلیم کشا منور بود مرتب ساخته بودند فروغ آموذ گردانیدند - پس از لحظه بمشکوی معلی که بیشتر عماراتش مجدداً انجام پذیرفته شرف قدوم ارزانی داشتند - از جمله مبدائی دولتخانه خاص خانه ایست طینی از سنگ مرمر و بطول پانزده گز و عرض نه بذراع پادشاهی که درازی آن چهل انگشت - ست دیوار این خانه را بگونگون نقوش بر ارسته بطلا مزین گردانیدند - و دو جانب آن دو شاه نشین هر یک بسقف نیم کمره که باقسام رنگ آمیزی و انواع تکلف آرایش یافته است درکمال زیبایی واقع شده - اگرچه سقف این خانه را بملاحظه سبکی چوب پوش ساخته اند - اما بروی آن تنگهای سیمین گرفته بنهجي بطلا منبت گردانیده اند که گوئی لواصع خورشید است از سیدده سحر تابان - یا اشعه جام جمشیدی بر بساط کافوری درخشان - و پیش آن ایوانیست سر بکیوان کشیده که بجای ایوان پیشین مطابق طرح تازه بنوعی که حیرت افزای دشوار پسنندان باشد سراپا از سنگ مرمر بطول بیست و شش ذراع و عرض یازده دو ستونه بنا نهاده اند - متن ازاره این ایوان

منبت امت و هاشیه پرچینکاری یعقوب و مرجان و سقفش  
سافند سقف خانه طینی \*

زهی فرخنده قصری کنر لطافت • جهانرا نسخه خلد برین است  
بزیب افروزی و زینت فزائی • توگوئی آسمانی بر زمین است  
و زیر این عمارت رفیع البنان مذبح الارکان ته خانه ایست روح انزا که  
در دیوار آنرا بعضی جا آئینه بندی نموده اند و برخی بطا و گونا  
گون رنگها بر آراسته - این خانه دو حوض دارد یکی بآبشار چادری  
مملو میگردد - و ازان نهروی بطول یازده ذراع و عرض یک منشعب  
گشته در حوض دیگر که ازان و منبع تر است می ریزد - صحن ایوان  
مذکور بطول چهل و یک گز است و عرض بیست و نه که در زیر آن  
خانها ساخته اند و دران خزانه اشرفی است - غربی صحن مزبور  
چبوتره است از سنگ مرمر که در تابستان پایان روز و شب هنگام  
بران جلوس میفرمایند - و آن مشرف است بر صحن روی زمین  
که بطول شصت و شش گز است و عرض پنجاه و پنج - و شرقی آن  
تختی است از سنگ محک مشرف بر دریای جون و سه طرف صحن  
پائین عمارات عالیله و وظیفه از سنگ بر افراشته شده که دران اکثر  
گنجینه جواهر ثمینه و مرصع آلات نفیسه است - جنوبی این صحن  
منبت نشیمنی است چتر آما از سنگ مرمر بر چار ستون در  
نهایت تکلف و صفا و دران زرین ادرنگ سدره آهنگ بجلوس  
مقدس بلند پایگی می یابد - محاذی ایوان درلخانه خاص  
ایوانیست بطول بیست و پنج گز و عرض پنج و نیم و متصل آن  
حمامی مشتمل بر منازل متعدده که بر دریای جون و چمن پای

چهره که در سن و همگی بساتین آن طرف آب اشراف دارد - و صنعت گران جادو طراز - و هنروران شگرف پرداز صنعت پرچینکاری و آئینه بندی و منبت و دیگر صنایع عجیبه در درون و بیرونش چنان پرداخته اند که پا لغز نظر دوربینان دشوار گزین است - وسط خانه کلان حوضی است پیچ در پیچ مانند آئینه دل صافی ضمیران روشن - که در اطراف چهار گانه آن فوارها در جوش است و دریا سوی رخت کن و سرد خانه و گرم خانه مرا یای حلبی چنان تعبیه یافته که تمام رودخانه و ریاض مذکوره در نظر است - طاق و در حمام نیز بشیسه های حلبی زیب افروز دیگر بدایع گردید - در زمان دولت حضرت عرش آشدانی بر شاه برجی که متصل دولخانه خاص است مختصر خانه بود از سنگ مرمر و پیش آن ایوانی هم ازان سنگ و جزاین عمارتی از سنگ مرمر بنا نیافته بود - در فرمان روائی حضرت جنت مکانی اطراف سه گانه آن ایوانها از سنگ مرمر بر افراختند - درین مهد میمنت عهد چون عمارات مذکوره پسندیده طبع دشوار پسند شه نشاه جهان پرور هنر گستر که بیمن نیت عالم آرا

زن نقش بست این کهن طاق را \* عمارت گری کرد آفاق را بیفتاد آنرا مهدم گردانیدند - و عمارتی دیگر از سنگ مرمر در نهایت دلکشائی مشتمل بر مژمن خانه بقطر هشت ذراع که اضلاع پنج گانه آن مشرف است برود خانه اودین بغایت رنگین و دل نشین و در سه ضلع غربی آن سه شاه نشین است در نهایت زینت و پیش آن ایوانی است سرچشمه اساس پذیرفت - تمامی

این عمارت از درون و بیرون پرچینکاری است باصناف احجار - میان عمارت محل و شاه برج دو خانه طیننی محلی به گوناگون نقوش طلا واقع شده - و دران ایوانی است در رویه از سنگ مرمر که آنرا نیز بزر نقاشی نموده اند - آرامگاه که مقدس منشای سعادت و مہبط برکت است ایوانی است از سنگ مرمر بدرازی بیست و شش ذراع و پهنای ده و نیم که جدران تا کرسی اسباطین مہبت. اندود ست - و جداول آن پرچینکاری با حجار ملونه - و سقفش مفرج بہرمافی کہ مہبت آنرا نیز بطلا اندودہ اند - عقب این ایوان رفیع بنیان خانہ ایست طیننی از سنگ مرمر بطول پانزدہ گز و عرض ہشت و نیم گز - کہ سقف و دیوار آن در رنگ دیوار ایوان است و بصور و تمائیل نمودگی از منازل آسمان - و در جانب آن دوشاہ نشین است در وسط این منزل اقبال و شاه برج بنگلہ در سن مبارک است از سنگ مرمر - کہ مطلع آفتاب خلافت است و آنرا بنقوش طلا زینت افزا گردانیدہ - بر پشت بام آن الواح طلا چندان تعبیدہ کردہ اند

\* غ \*

کہ خلق زان بدو خورشید در گمان افتد

در صحن آرامگاه معلی کہ ہشتاد گز مربع است حوضی است بطول پانزدہ گز و عرض نہ - و دران پنج فوارہ در جوش \* بیت \*

درخشندہ حوضی چولوح ضمیر \* چو آئینہ عقل صورت پذیر  
زلالش بروشن دلی چون بصر \* بہر قطرہ اش مایہ صد گہر  
پیش آن ابشار یست چادری و بر روی آن باغی است - خلد آسا  
کہ چار چمنش باقسام ازہار و انواع ریاحین مشحون است چہوتہ

میان باغ و خیابانهای آنرا همه از سنگ مرمر ساخته اند \*  
 اکنون بنگاشتن منازل فردوس مشاگل نواب فلک نقاب  
 و لا جذاب ملک دوران بیگم صاحب می پردازد  
 پهلوی آرامگاه گردون جاه ایوانی است منقش بگونهگون نقوش  
 در کمال زیبایی و تکلف - و قرینۀ عمارتی که میان شاه برج و  
 آرامگاه مقدس واقع شده - و پس ایوان طینی خانه در رنگ آمیزی  
 بسان ایوان شرقی - در صحن این مبنای بنگلۀ ایست مشرف  
 بر دریای جون قرینۀ بنگلۀ مبارک - و دو جانب آن دو حجره است  
 زیب افزا - جدر و حقوف و اساطین بنگله و هر دو حجره طلا اندود  
 و نقوش آمود است - پشت بام این منازل سه گانه بالواح طلا  
 آرایش یافته  
 \* بیت \*

تا زمین را طبیعت امت آرام \* تا زمان را گذشتن امت آئین  
 از زمانش بخیر باد دعا \* وز زمینش بمهر باد آمین  
 عالمش بنده باد و دهر غلام \* ایزدش یار باد و چرخ معین  
 نوزدهم بعد از سپری شدن یک پهر و یک گهری از روز جمعه  
 که با اختیار انجم شناسان ساعت وزن مبارک بود خاقان بحر نوال ابر  
 افضال را در دولتخانه خاص و عام بطلا و دیگر آشیا بآئین مقرر  
 منعیدند - و آرزومندان جهان کامیاب گردیدند - درین روز خجسته  
 بیادشاه زادۀ کامگار ستوده اطوار خلعت زرنگار عنایت شد - وامرایی  
 ذوالاقدار و دیگر بندهای اخلاص شعار نیز در خور مرتبت بمرحمت  
 خلعت نوازش یافتند - سعید خان باضافۀ هزار سوار بمنصب  
 پنج هزاری پنج هزار سوار در اسب سه اسب - و راجه پتهلداس

باضافه هزارى ذات و هزار سوار بمنصب چار هزارى سه هزار  
سوار و بعنايت ولايت دهند هيره براى توطن - و معتمد خان  
باضافه پانصدى ذات بمنصب چار هزارى هزار و دويست سوار -  
و نجابت خان كه در همين روز احراز هرف ملازمت نمود باضافه  
پانصد سوار بمنصب سه هزارى دو هزار و پانصد سوار - و ميرشمس  
باضافه پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصدى دو هزار و پانصد  
سوار - و فوجدارى و تيول دارى پرگنه بروده - و پرداخان باضافه  
پانصدى ذات و هزار سوار بمنصب دو هزارى دو هزار سوار و خدمت  
تهانه دارى بنگش پايان از تغئير راجه جگت سنگه - و از اصل و  
اضافه خليل الله خان قراول بيگى بمنصب دو هزارى هزار سوار -  
و هريكى از سعادت خان و اكبر قلي سلطان كهر بمنصب هزار و  
پانصدى هزار و پانصد سوار - و عرض خان قاقشال بمنصب هزار  
و پانصدى هزار و دويست سوار - عز افتخار اندوختند - بهمن يار  
ولد آصف خان خانانان سپهسالار بمنصب پانصدى ذات و دويست  
سوار مفتخر و مباهاى گشت - بهادر خان روهياه باسئلام آستان  
معلى فرق مباهاى برافراخت \*

بيست و پنجم بمنار فيض آثار حضرت مهدي عليا ممتاز الزماني  
تشریف فرمودند - و هنگام مراجعت منزل بادشاهزاده فرخنده سير  
محمد شاه شجاع بهادر كه مزاج گراميش از منهج اعتدال منحرف  
گشته بود بمقدم فيض توام سعادت آما گشت - آن والا گهر مراسم  
پا انداز و نثار و لوازم پيشکش بجا آورده مشمول عواطف  
شهنشاهى گرديد \*

بیدست و هفتم بهادر خان بمرحمت خلعت و اسب عربی از طویله خاصه با زین طلا بلند پایگی یافته بصوب قنوج مرخص شد -  
 مرشد قلعه خان بعنایت خلعت و فیل عز امتیاز اندوخته بمهترا و  
 مهابن که خدمت فوجداری آن بدر منوط بود دستوری یافت \*

بیدست و نهم در ساعت مختار جواهر و مرصع آلات شصت هزار  
 روپیه و اصداف اقمشه چهل هزار روپیه و شصت هزار روپیه نقد که  
 جمله یک لک و شصت هزار روپیه باشد برسم حاجق بمنزل شاه  
 نواز خان صفوی که پیش ازین کریمه فخریه او را برای بادشاهزاده  
 بخت بیدار محمد آورنگ زیب بهادر خطبه نموده بودند مصحوب  
 موسوی خان صدرو میر جمله میر بخشی و مکر متخان میر سامان  
 و خلیل الله خان فرستادند \*

بیدست و یکم رمضان الله وردیخان را بمرحمت خلعت و اسب  
 با زین مطلا و فیل و فوجداری سرکار لکهنو و بیسواره برنواختند \*

سلخ ماه عبد الرحیم بیگ برادر عبد الرحمن بی اتالیق  
 عبد العزیز نخستین پسر نذر محمد خان والی بلخ باراده بندگی  
 آستان سلاطین مطاف از بلخ آمده بتلذیم عتبه فلک رتبه تارک  
 بخدمندی برافراخت - و یکدهست باز طویغون و سه تقوز اسب و  
 همین مقدار شتر بعنوان پیشکش گذرانید - اطمی حضرت او را  
 بمرحمت خلعت و خنجر مرصع و شمشیر با یراق طلائی میناکار  
 و منصب هزارگی ذات و ششصد سوار و بیدست و پنجاه هزار روپیه نقد  
 کامیاب گردانیدند - و خدیو حق آگاه تمام این ماه بصوم گذرانیده  
 سی هزار روپیه مقرر بارباب استحقاق بذل نمودند \*

روز جمعه ثمره شوال که عید فطر بود بعیدگاه تشریف فرموده  
 در محلی و ذهاب دامن امید آرزومندان را گران بار عطایا ساختند \*  
 موم انصباب ماده دموی بر اسافل اعضای صحت \* انتمای  
 خدیو عالم و خداوند بنی آدم که \* ع \*

سلامت همه آفاق در سلامت اوست

سبب الم شدید گردید - و بتجویز پزشکان آزمون کار و معالجان  
 میمنت آثار دو مرتبه خون کشیده شد - بادشاهزادهای کامکار و  
 امرای نامدار مبالغ گرامند برسم تصدق باهل استحقاق رسانیده جاوید  
 زندگانی آن سرمایه امن و امانی جهانیان - و پیرایه مسرت و کامرانی  
 عالمیان - از درگاه شفا بخش حقیقی مسالت نمودند - و بالطف خفیه  
 و جلایه حکیم مطلق طبیعت اشرف باعبدال گرائید - و مدت فزوده  
 روز که ایام وجع و نقاهت بود نه در دولتخانه خاص و عام تشریف  
 فرمودند - و نه در دولتخانه خاص - گاهی لختی از خاصان پیشگاه  
 حضور را در خوابگاه مقدس طلب فرموده بشرف کورنش میرسانید  
 و بعواطف ملکانه تسلیه بخش خواطر پژمرده و دلهای آزرده  
 این گروه اخلاص پزوه میگشتند - و از آنجا که همت پادشاهانه  
 برفاهیت کافه انام مبذول است اکثر اوقات علامی افضل خان  
 را درون طلبیده مهم ضروریه ملکی و مالی را سرانجام میدادند  
 \* نظم \*

تا بر بساط مرکز خاکی زروی طبع \* زردی زعفران نشود سبزی دواب  
 بادا جناب حضرت او مرجع جهان \* بگرفته حادثه زجناب روی اجتناب



## نگارش نوروز جهان افروز

روز جمعه بیست و دوم شهر شوال هفده هزار و چهل و شش هجری  
بعد از انقضای هشت ساعت و بیست و پنج دقیقه و هفت ثانیه  
نجومی آفتاب جهان تاب رخت به بیت الشرف کشید - اورنگ  
آرای خلافت پس از نوزده روز که عارضه جسمانی آن صحت  
افزای روحانی جهانرا تیره داشت - درین ساعت مسعود و اوان  
محمود از آرامگاه مقدس بیرون آمده بر تخت مرصع جلوس  
فرمودند - کمرانی را آب رفته بجو آمد - و ناکامی را سنگ بر سبزو  
پادشاهزاده های بخت بیدار رفیع مقدار و امرای نامدار و دیگر  
بند های اخلاص شعار مبالغ گرامند برسم تصدق و نثار گذرانیدند -  
و جهانی کام اندوز گردید - و شعرای پایه سریر اعلی قصاید غرا  
بعرض اقدس رسانیده از دریا بار عنایات خاقانی صلات گرانمایه  
اندوختند - درین روز مبارک نخست پیشکش نواب گردون قباب  
بادشاهزاده جهانیان بیگم صاحب از جواهرگران بها و مرصع آلات  
و دیگر نوادر اشیا که از انجمله تختی بود زرین بصنایع منبتکاری  
آراسته و قیمت مجموع دواک و پنجاه هزار روپیه شد بنظر انور  
در آمد - و عزقبول یافت - پس ازان پیشکش درازمی سمای عظمت  
و جلال پادشاهزاده های ستوده خصال محمد دارا شکوه و محمد شاه  
شجاع بهادر و مراد بخشش مشتمل بر جواهر نمینده و مرصع آلات و  
اقمشه نفیسه از نظر انور گذشت - صباح آن علامی افضل خان جواهر  
قیمتی و دیگر امتعه پیشکش نمود - و متاع یک لک روپیه شرف

- پذیرائی یافت - شایدستہ خان ہم پیشکش شایدستہ بنظر اکسیر در آورد - میر جملہ میر بخشی نیز لالی شاہوار با دیگر جواہر کہ قیمت ہمہ یک لک و شصت ہزار روپیہ شد پیشکش کرد - چندی دیگر از اولیای دولت نیز در خور مرتبت پیشکش ہا گذرانیدند \*
- روز مبارک دوشنبہ بیست و پنجم خاندوران بہادر بتقبیل سدہ سنیہ چہرہ سعادت بر افروختہ ہزار اشرفی نذر گذرانید - و اسمعیل
- نیرہ ابراہیم عادلخان را کہ بعد از کشایش حصن اودگیر بدستش افتادہ بود بہ پیشگاہ حضور آورد - فرمان شد کہ اورا موظف ساختہ در حصار دار الخلافہ اکبر آباد نگہدارند - راجہ جیسنگہ و مبارزخان افغان و امرسنگہ پسر راجہ گجسنگہ و مادھوسنگہ ولد راورتن و گروہی دیگر کہ ہمراہ خان مشار الیہ بودند نیز بدولت استلام عتبہ والا فایز گردیدند - خان دوران بہادر پس از احرار شرف ملازمت سراسر مہمبت دوہست فیل بابت کویا و غیرہ با ہشت لک روپیہ نقد کہ مرزبانان گوندوانہ و جز آن لختی برسم پیشکش پادشاہی و برخی باو دادہ بودند بنظر اقدس در آورد - لک روپیہ قیمت فیلان شد - و از جملہ انیال مذکور فیل گجموتی نام کہ خان مشار الیہ حسب الحکم از قطب الملک گرفتہ و مبلغ یک لک روپیہ از جانب خود بر یراق طلائی آن صرف نمودہ بود چون برشاقت پیکر و نکوئی منظر و لطف خو اتصاف داشت بہ پادشاہ پسند موسوم گردید - و یک لک روپیہ قیمت مقرر شد - شگرف کاری تائیدات رحمانی - و نیرنگ پردازی تقدیرات آسمانی - و کار کشائی اقبال خاقانی - و گیتی پیرائی توجہات جہانبانیست -

که پیشکشی بدین کیفیت و کمیت در اندک وقتی گرفته آمد -  
والا از عهد دولت مهد حضرت عرش آشیانی انار الله برهانه تا  
این زمان میمنت نشان هیچ یکی از نوئیضان والا مکان یک مرتبه  
چنین پیشکش نمایان از گردن کشان نگرفته - خاقان قدردان خان  
دوران بهادر را که جواهر اخلاص و مردانگی او درین ترددات مرد  
آزما فروغی دیگر داشت - در جلدوی این فتح بمرحمت خلعت خاصه  
با چارقب طلا دوزی و خنجر مرصع و شمشیر مرصع و باضافه هزارمی  
ذات و هزار سوار دو اسبه سه اسبه بمنصب شش هزارمی ذات و  
شش هزار سوار دو اسبه سه اسبه که تنخواه آن ده کرور و هشتاد  
لک دام است که دوازده ماه آن بینهت و هفت لک روپیه باشد  
و ب خطاب نصرت جنگ و عطای دو اسب از طویل خاصه با زین  
طلا و مطلا و فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و جل مخمل زربفت  
و ماده فیل پایه فراتر نهادند - و پرگنه شجاع پور را از خالصه  
شریفه بر آورده در طلب اضافه او عنایت نمودند - و از بنده پروری  
و پرورده نوازی بر زبان حقیقت بیان رفت که درین مهم اگرچه  
اکثر بند ها مصدر مساعی جمیله گشته اند اما ترددات پسندیده و  
تدبیرات گزیده آن ندومی جان نشان بر همه مزیت دارد - خان  
مومی الیه در ازای این نوازش والا لوازم استکانت و مراسم میاس  
بتقدیم رسانیده معروض داشت - که بمددکاری اقبال روز افزون و  
کارگذاری دولت ابد مقرون چنین امور دشوار کشای دیربرا  
بکمتر وقتی تیسیر می پذیرد - و الا از دست و بازوی این فررمایه  
چه آید که در خور پذیرائی بندگان این درگاه خواقین پناه شاید -

و از نیروی این کهمین مایه چه کشاید که در جنب تربیت و عطوفت خاقانی بنماید - ایند کرساز جهان پرداز انوار خلافت این پادشاه بسیار بخش کم پذیر را که در نظر خورشید اثرش دنیا بحد آخرت واقعی و وزنی ندارد تا بتسخیر این قلاع و تفتیح این ممالک چه رسد - و با این بندگان اخلاص گزین ارادت آئین را بفتح قلعه و ضبط شهری مشمول اعطاف ملکنه و الطاف پادشاهانه گردانیده عز اعتبار و شرف افتخار می بخشد - همواره تابان و درخشان دارد - راجه جیسگنه نیز بعنایت خلعت خاصه و کپوهه مرصع با پهلکتاره و باضافه هزار سوار بمنصب پنج هزاری پنجهزار سوار و بمرحمت تیول پرگنه چانسواز توابع صوبه اجمیرکه متصل وطن او واقع شده و داخل خالصه شریفه بود واسپ قلیچاق از طویلله خاصه با زین مطلا سرافراز گردید - و هر یکی از امر سنگه و مادهو سنگه بخلعت و منصب سه هزاری دو هزار سوار از اصل و اضافه و عنایت اسپ با زین نقره مباحی گشت - سیدی مفتاح حارس حصن اودگیر که بقلا وزی طالع در زمره بندگان درگاه خواقین پناه منضم گشته از پیشگاه خلافت بخطاب حبش خان عز افتخار یافته بود - با خان دوران بهادر نصرت جنگ آمده سعادت تلذیم آستان ملایک آشیان اندوخت و یک فیل پیشکش گذرانید - در همین تاریخ سید خانجهان از دولتآباد آمده سعادت ملازمت دریانت - و هزار اشرفی نذر گذرانید - جعفر خان جواهر و اقمشه نفیس پیشکش کرد و متاع یک لک روپیه پذیرائی رسید - و باضافه هزاری ذات بمنصب پنج هزاری ذات و سه هزار سوار سرافراز گردید \*

بیست و ششم سربر آرای خلافت با کواکب، ثواقب فلک سلطنت  
و مخدرات تنق عصمت بمنزل یمین الدوله تشریف فرموده آن  
نوئین والا مقدار را بصنوف عوطف برنواختند - و متاع پنج لک  
روپیه از جمله پیشکش یمین الدوله که بعد از ادای لوازم پا انداز  
و نذر از جواهرگران بها و مرصع آلات و اصناف اقمشه و دیگر نفایس  
بنظر اقدس در آورده بود شرف قبول یافت - و همانجا نعمت خاصه  
تناول نموده هنگام فرو نشستن آفتاب دولخانه معلی را به پرتو انوار  
خلافت فروغ آگین ساختند - درین نوروز مسرت اندوز آنچه از  
پیشکش بادشاه زادهای والا نژاد و نوئینان اخلاص فهاد بشرف  
قبول رسید سی لک روپیه بود \*

سوم فی القعدة بخان دوران بهادر نصرت جنگ اسپ از  
طوبله خاصه با زین طلا مرحمت شد - صلابت خان ولد صادق خان  
از اصل و اضافه بمنصب دو هزاره ذات و هشتصد سوار سر بلند  
گردید - میراعظم کشغری بمنصب پانصدی دویست سوار  
سرافرازی یافت \*

چهارم قزلباش خان باضافه پانصدی ذات و پانصد سوار بمنصب  
سه هزاره دو هزار سوار و بتهانه داری پاتهری - و قزاق خان اوزبک  
باضافه پانصدی ذات و هشتصد سوار - و از اصل و اضافه اسحق بیگ  
دیوان سرکار نواب عالمیان مآب مخدره قباب ابهت و جلال بیگم  
صاحب بمنصب هزاره ذات و صد سوار نوازش یافتند - و حسب  
الالتماس خان دوران بهادر نصرت جنگ مبارک خان فیازبی بمرحمت  
علم و نقاره - و راجه دیدی سنگه بعنایت علم و نقاره سربرافراختند \*

دوازدهم مطابق نوزدهم فروردین که روز شرف بود راجه پتهلداس بخلعت و اسب از طویله خاصه با زین مطلا سربلندگشته بولایت دهند هیره که بطریق وطن بار مرحمت شده بود رخصت یافت - خان جهانخان کاکر باضافه پانصدی ذات ششصد سوار بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار - و یکدل خان خواجه سرا که دیرین بند درگاه معلی است و به تحویلدارمی لباس خاصه و جواهر خاصه سرافراز - از اصل و اضافه بمنصب هزارمی ذات و دویست سوار سربلند گردیدند - باقیای نامی که در شعر طبیعت روان دارد - و تصانیف فارسی او از آمیزش نغمات هندوستانی تاثیر فراوان - قصیده که در مدح شهنشاه جود گستر گفته بود بمسامع جاه و جلال رسانیده بفرمان خاقان سخن پرور او را بزر سنجیده مبلغ هم سنگ را که پنج هزار روپیه بود بار دادند •

### از سوانح این سال کشتن وقاص حاجی مخاطب بشاه قلی خان فوجدار دامن کوه کانکره بهوپت ولد سنکرام مرزبان جمون را با گروهی از قبیلله او

بدان این مقال آنکه چون شاه قلی خان بهوپت را که در زمره بندگان درگاه آسمان جاه در آمده همواره کومک فوجدار پرگنات دامن کوه قلعه کانکره می بود و پس از چندی باضلال دیو نفسانی رهگرایی فساد گشته در ادای خدمات قاصر شد - و آثار خبیث طبیعت فتنه آمی آن ادبار انتما روز بروز ظاهر - چنانچه از بیم و هراسی که لازم دورنگی و ناسپاهی است هرگاه نزد فوجدار میآمد

جمعی کثیر همراه می آورد - نزد خود طلبید - آن شقاوت پزوه  
 باجوتی از عشیره و گروهی دیگر از سوار و پیاده راجپوت کماندار و  
 تفنگچی باراده شورش انگیزی رسید - شاه قلیخان از اطوار آن  
 نکوهدیده آثار اینمعنی دریافته طایفه را که حوالی خانه او منزل  
 داشتند درون حصار برادر ساری خود مستعد پیکار نگاهداشت -  
 بهوپت پس از رسیدن بدرخانه خان مزبور از دیدن جماعه که انتظار نبرد  
 می بردند بیقین دانست که مکون ضمیر او بروی روز افتاده ناگزیر  
 از مال کار چشم باز بسته آتش کارزار بر افروخت - مبارزان از سه  
 پهر روز تانهان شدن آفتاب گیتی افروز داد حماسه داده کاخ  
 هستی بسیاری از کفار اشرار بنایر تیغ و شعله سنان خاکستر  
 ساختند - و بهوپت نیز در اثنای زد و خورد افروزینه جهنم گشت  
 و از غزاة لشکر منصور میر علی اصغر بخشی کاکره و برخی دیگر  
 پدایه شهادت رسیده زندگی ابد اندوختند - پس از آنکه این ماجرا  
 از عرضه داشت شاه قلی خان بعرض مقدس رسید اورا بعنایت  
 خلعت و نقاره و فیل سرافراز گردانیدند - چون دار الخلافه اکبر آباد  
 بر ساحل دریای جون که اکثر آن بسبب آب کند پست و بلند است  
 آسای یافته - و در سر آغاز معموری بطرح آباد نگشته پیش دروازه  
 قلعه ارک که دولت سرای بادشاهی و همگی کارخانجات سرکار والا دران  
 است فسحتی درخور جلوخانه نبود - و هر یام و شام که هنگام طلوع آفتاب  
 جهانتاب خلافت و ظهور ماه شب افروز سلطنت است و درین دو وقت  
 خلائق سعادت بار و شرف کورنش در می یابند از کثرت ازدهام مردم  
 متذنی می گشتند بتخصیص در اعیاد و دیگر ایام سور و سرور

و اوقات سواری مقدس که از هجوم خیل و فیل و خدم و حشم  
 همگنان بیم جان داشتند - و نیز مسجدی که شایسته این مصر  
 جامع باشد نبود - و خاقان ممالک ستان که همت والا نهمت را  
 بر اکمال نواقص و اصلاح مفاسد مصروف دارند درین ایام که از  
 دولت‌آباد مراجعت نموده دار الخلافه را بمرور مسعود میمنت آورد  
 گردانیدند پیش دروازه قلعه رو ببازار کلان چوکی بطرح مذهب  
 بغدادی که قطر آن یکصد و هفتاد ذراع پادشاهی و در هر ضلع  
 طویل چارده حجره و ایوان و در تصویر پنج چشمه دکان باشد  
 طرح افکندند - و فرمان شد که غریبی چوک مذکور مسجدی  
 منیع البنیان رفیع الارکان بطول یکصد و سی ذراع پادشاهی که  
 بر سمت قبله سه گنبد داشته باشد و در اطراف سه گانه پنجاه و  
 سه طاق - ایوان و صحن آن هشتاد و نه در هشتاد از سرکار خاصه  
 شریفه بنا کنند - و چون نواب گردون قباب خورشید احتجاب قدسی  
 نقاب پادشاهزاده جهانیان بیگم صاحب که احراز مذبوبات اخروی و  
 اکتساب مبرات دنیوی شیمه رضیه آن مالک زمان است التماس  
 نمودند که این معبد منیف و منسک شریف را که باعث بقای  
 فکر جمیل و حصول اجر جزیل است بنا نمایند - مقرر فرمودند  
 که عمارت این پرستش گاه را از پیشکاران سرکار آن نور حدیقه  
 جهانبانی بانجام رسانند - و سواي منازلی که بشرکار اقدس تعاق  
 داشت خانه چندی از سکنه شهر که زمین آن داخل مسجد شد برخی  
 را بهای ده پانزده خریدند - و لختی را منازل عوض داده مالکان  
 انرا خورسند گردانیدند \*



شب هفدهم که تاریخ ارتحال حضرت مهد علیا ممتاز الزمانی بود بحکم خدیو خدا آگاه گروهی از فضلا و حفاظ و قراء و دیگر ارباب سعادت و اصحاب تقی در مزار فیض آثار آن مطرح انوار الهی فراهم آمده به تعبیح و تهلیل پرداختند - و خاقان حق پرور با پادشاهزادهای رفیع مقدار و نوئیضان والا اعتبار بآن مکان خلد نشان تشریف برده - و مبلغ بیست و پنج هزار روپیه بجماعه مذکوره عطا فرموده بعد از یک پهر بدولتخانه والا مراجعت نمودند - و فردای آن مرقد مطهر ملفوفه مراحم سبحانی دیگر باره بپرتو ورود شهنشاه دین پناه منور گردید - مخدرات مشکوی دولت که درین وقت سعادت حضور دریافته بودند فیض اندوز زیارت گشتند - و مبلغ بیست و پنج هزار روپیه بمستحققات قسمت شد \*

بیست و دوم در محفل اقبال منزل سخنی از سخت گیری و ناسازگاری دیوان یکی از صوینجات در میان آمد - از رافت کامله و عاطفت شامله بر زبان حقیقت بیان رفت که کارهای فراخنای دنیا بی مسامحه و مساهاله متمشی نشود - و بسا باشد که مهمات جلیله و معاملات نبیله از ترک مدارا و عدم موااسا اختلال پذیرفته سبب توزع خاطر و تشدت جمعیت متکفلان گردد - سخن طراز باستانی حافظ شیرازی این معنی را بشیوا زبانی در قالب نظم ریخته

\* ع \*

سخت میگردد جهان بر مردمان سخت کوش  
چنانچه در زمان خلافت امیر المومنین - و یعسوب الموحدین -  
کرم الله وجهه - بظهور پدوست - چه مظهر نظم آن برگزیده

الهی در احکام دین و اوامر شرع متدین حق محض بود -  
و در بعضی امور اغماض عین هرچند ناگزیر بودی نفرمودی - و  
این باعث شورش عظیم گردید - تا آنکه رفته رفته کار بمحاربه و  
مقاتله که تاریخ نامها ازان باز گوید کشید - درین اثنا صفار خانداں  
نبوت - نقاره دودمان فتوت - سید جلال بخاری بعرض مقدس  
رسانید که امیر المومنین میفرمودند که دنیا بدو پایم است  
حق و باطل - من خواستم که پدای حق آنرا قایم دارم - از پیش  
نرفت - پرده کشای غوامض اسرار یعنی خدیو دربین گذارش  
فرمود که بر تقدیر صحت این نقل باید که شیخین معظمین که در  
جمیع شیون پیرومی طریقه انیده نبوی می نمودند در حین  
خلافت خود ارتکاب باطل نموده باشند - بل اشرف موجودات و  
اکرم مخلوقات نیز - و دیندار حق گذار چگونه بپذیرد که در زمان  
صدق نشان این برگزیده های ایزدی باطل روائی گیرد - اگرچه  
برخی از دانشوران که بدولت حضور کامیاب بودند در خور دانش  
خویش درین باب توجیهات باز نمودند اما پسندیده طبع اشرف  
نیفتاد - و خلیفه حق که گرامی فطرت دقیقه سنجش لوح محفوظ  
رشاد است - و سامی فکرت صواب آهنگش جام جهان نمایی سداد  
بمصباح این بیان وجیه و توجیه نبیه ظلمت اشکال از دلها برگرفت  
که همانا بیدمن وجود فیض آسود اکمل کائنات افضل مکونات  
مرا یای قلوب از زنگ خلاف مصفا گشته بود - و صفحات طبایع  
از غبار اختلاف معرا - جهانیان اقوال و افعال آن قافله سالار  
هدایت و شمع شبستان رسالت را که حق صرف و صواب بحث بود

سرمایه حصول متأرب پنداشته از شاهراه تبعات بر نیامدندی -  
 وهم چنین در عهد صدیق و فاروق چون بمیامن قرب زمان خاتم  
 الانبیا آثار پذیرائی حق و گیرائی صدق در دلها بود هیچ یکی  
 سر از اطاعت بر نمی تافت - بعد از روزگار سعادت اطوار این  
 نفوس قدسیه زمانه از عدالت و سویت که انتظام جهان و التیام  
 جهانیان بآن باز بسته است دور افتاد - چنانچه حادثه قتل  
 ذی النورین و خون ریزی و فتنه انگیزی که در خلافت ملی بن  
 ابی طالب کرم الله وجهه بروی کار آمد ازان نشان میدهد -  
 حاضران بشاط تقدس از رفع این اشکال و دفع این افعال نیایش  
 ظل الهی بتقدیم رسانیده بمراسم دعا و لوازم ثنا پرداختند \*

بیست و چهارم اهتمام خان حارس حصن اوسه را بمرحمت  
 نقاره - و مغول خان ولد زین خان نگهبان حصار اودگیر را بعنایت  
 علم - سر بلند گردانیدند \*

سلخ ماه اختر برج جهانبدایی پادشاهزاده محمد اورنگ زیب  
 بهادر که بفرمان والا از دولاباد برای ازدواج میمنت امتزاج  
 روانه پایتخت سریر عرش نظیر گشته بودند در باغ نور منزل نزول  
 نمودند - شهزاده مهر آئین از عواطف پدری این رباعی طالبی  
 آملی را مرقوم قلم اعجاز رقم ساخته نزد آن والاگهر فرستادند  
 \* نظم \*

بامژده اگر زود در آئی چه شود \* یا تاخته پیش از خبر آئی چه شود  
 زود آمدنت نظر بشوقم دیر است \* از زود اگر زود ترائی چه شود  
 غره ذی الحجه پادشاهزاده کامگار مراد بخش با پمدن الدوله

و خان دوران بهادر نصرت جنگ و علامی افضل خان و مید خان  
جهان و شایسته خان و جعفر خان حسب الحکم آن بخت بیدار را  
بسعدت کورنش رسانیدند - خافان دوران آن درة التاج سلطنت را  
در آغوش عاطفت کشیده بعنایت خلعت خاصه و دیگر مواسم  
تفقدات پادشاهانه نوازش فرمودند - بادشاه زاده بخت بیدار هزار  
اشرفی بر سبیل نذر و همین مقدار بعنوان نثار گذرانیدند - در باب  
خویش بی نظام که فتنه پژوهان دکن برای گرمی هنگام شورش  
و فساد او را نظام الملک نامیده بودند و خانزمان بهادر از ساهو گرفته  
نزد بادشاهزاده فرخنده سیر آورده بود - و در رکاب آن ثمره شجره  
مفاخر و معالی بدرگاه آسمان جاہ آمد - فرمان شد که مید خان  
جهان او را با دو نظام الملک دیگر که یکی در سلطنت حضرت عرش  
آشیانی هنگام کشایش حصار احمد نگر بدست آمده بود - و دوم  
در فتح دولتآباد که مخصوص این دولت خدا داد است - در دژ  
استوار گوالیار نگاهدارد \*

دهم عید اضحیٰ نوید کامرانی رسانید - بادشاه دین پرور بعیدگاه  
تشریف فرموده نماز را با نیاز ادا نمودند - و پس از معاودت  
بدولتخانه معلی سنت قربان بتقدیم رسید - و در ذهاب و ایاب  
جهانیان بزر نثار کام دل بر گرفتند \*

چاردهم بادشاه بنده نواز راجه جیسنگه را که در مهم دکن کارهای  
نمایان ازو بروی کار آمده بود بمرحمت خلعت خاصه و فیل نوازش  
فرموده دستوری دادند که چندی بآنبیر که وطن اوست رفته از  
محنت سفر آسودگی گراید - و چون در سرزمینش قیمت اسب

تا هزار روپيه خانه زاد رسیده بیدست مادیان برای نذاج باو عنایت شد - از عرائض وقائع نگاران جنوبی ممالک بعرض اقدس رسیده که خانزمان بهادر بامراض متباینه که از دیر باز باوی بود در دولتآباد رخت حیات بر بست - خاقان مهر گستر که صورت مهربانی و معنی قدرتدانی اند بر ارتحال آن خانه زاد فدوی که بحسن عقیدت و لطف ارادت منظور نظر اکسیر اثر بود تاسف نمودند - مبارزخان باضافه پانصدی ذات بمنصب چار هزاری سه هزار و پانصد سوار - و رشید خان انصاری باضافه هزاری ذات بمنصب چار هزاری سه هزار سوار - و سزاوار خان باضافه پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار - و نظر بهادر خویشگی باضافه پانصدی ذات بمنصب دو هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار - و سکرام زمیندار کذور باضافه پانصدی ذات بمنصب هزار و پانصدی ششصد سوار - و از اصل اضافه سهراب خان بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار - و آگاه خان بمنصب هزاری دویست سوار - مباحی گشتند - درین تاریخ حسینی را بخلعت و جمدهر مرصع بر نواخته بایران فرستادند - و شمشیر مرصع و متکای مرصع که قیمت مجموع پنجاه هزار روپیه بود بار حواله نمودند - که بشاه صفی رساند - و نامه از منشات علامی افضل خان متضمن برفتوحات دکن و بباسا رسیدن چهار که سوادش درین نگارین نامه ثبت می شود مصحوب او ارسال داشتند \*

### نقل نامه

حمد بلحد مر خدائی را که هدیب خود را بفتوحات غیبیه

برگزید - و بتائیدات لارییده اختصاص بخشید - و بخطاب مستطاب  
 ( انا فتحنالک فتحاً مبیناً ) مستبشر - و بنص قاطع ( وینصرک الله  
 نصراً عزیزاً ) مستظهر - گردانیده - سلاطین معدلت آئین را از برکت  
 متابعت آن سرور انبیا و مرسلین برتبه عالیّه سروری و ظن الهی  
 رسانید - و به تبعیت آن ذات مقدس فیض گستر - و صفات کمال  
 حق را جامعترین مظهر - ابواب فتح و نصرت را بر روی آن گروه  
 صاحب شکوه کشوده بجنود ( لم تروها ) بر اعدا مظفر و منصور -  
 و بمغانم کثیره ( تاخذونها ) خزاین آن طبقه عظیم الشان را مملو  
 و معمور - ساخت - و صلوة بید بر قایل ( نصرت بالربعب مسیره  
 شهر ) طی رؤس الاشهاد - و فاتح ابواب سبعه شداد - بمقالید تائید خالق  
 عباد - که در مضممار نبوت قصبات سبق از انبیا و رسل ما سبق  
 ر بوده - و بقوت ( انا نبی بالسیف ) اعدای دین مبین را مغلوب  
 و منکوب نموده - و بر آل ولایت مآل آن مالک ملک کمال که مالکان  
 ملک ولایت اند - میما بر اهل بیت آن قدسی جناب - که طهارت  
 ایشان ثابت بنص کتاب - و محبت آن طایفه عظیم الشان اجر  
 رسالت صدر نشین دیوان یوم الحساب است - و بر اصحاب قدیمی  
 مکان - آن نبی مبعوث بانص و جان - خصوصاً بر خلفای راشدین  
 مهتدین - رضوان الله علیهم اجمعین - که آیات فرقان مجید ناطق  
 است بعلوم شان - و احادیث مخبر صادق شاهد است بسمو مکان -  
 آن بزرگان - بعد از ادای حمد و صلوة و ارسال سلامی که ساکنان  
 جنان آرزوی رسیدن بغیض آن - و اهدای دعائی که قدمیاری اجابت  
 را مهیا بهر نثار آن داشته باشند - مشهود ضمیر انور - و خاطر فیض

گستر عالیحضرت - والا رتبت - زینت افزای سریر سلطنت - رونق  
افزای مجالس عظمت - بلند سازند رتبه اقبال - عالی گردانند  
درجه جلال - ثمره شجره مصطفوی - نور حقیقه مرتضوی - دودمان  
رفیع مکان صفویه را صفوت - خاندان عظیم الشان علویه را علورتبت -  
خواقین کامکار را سلاله - سلاطین فامدار را علاله - گلشن دولت را  
برومند نهال - منهل شوکت را صافی ترین زلال - آسمان سلطنت را  
خورشید - زمین عظمت را جمشید - باصره کامکاری را قره - ناصیه  
نامداری را غره - شاه جم جاه - فرزند فلک بارگاه - گردانیده می  
آید - که چون ظاهر بود که آن سزوار تخت و تاج را از استماع  
اخبار فتوحاتی که این نیازمند درگاه صمدیت را روی داده  
ابتهاج تمام حاصل میگردد - چه مقتضای یگانگی دوستی آن  
است که از اطلاع بر حصول اسباب مسرت دوست خود مسرور گردند  
لذا بوسیله این صحیفه و واسطه این رفیقه بعضی از تسخیرات را  
که درین ایام خجسته فرجام نصیب گشته اعلام نموده می شود -  
شرح این مقال بر سبیل اجمال آنکه - پیش نهاد خاطر ملکوت  
ناظر چنین بود که بتمشای قلعه دولتاباد که سیاحان هفت اقلیم  
و مساحان روی زمین بامتداز آن حصن حصین معترف اند - و آن  
قلعه را در متانت بی نظیر آفاق - و در رفعت قرین طاق نه رواق  
میدانند - و درین نزدیکی بعون عنایت ایزدی بتصرف اولیای  
دولت قاهره در آمده - از دار الخلافه اکبر ابان بصوب دکن نهضت  
واقع شود - و دران ضمن قلعه چند از ملک نظام الملک که بتصرف  
در فیامده مفتوح گردانیم - و معاملات آن سرحد را آنچنان انتظام

دهیم که خاطر از مهمات آنطرف بالکل جمع گردد - و دیگر احتیاج  
 توجه بدانصوب نماند - و الحق بعد از مشاهده آن حصار ظاهر شد  
 که آنچه در توصیف آن مذکور می ساخته اند بیان واقع بوده -  
 و معلوم نیست که قلعه دیگر بدین آئین بوده باشد - اگر آن قلعه  
 در سرحدی که بملک آن فرزند نامدار کامگار فلک اقتدار اتصال  
 دارد واقع می بود آن را بممالک محروسه آن مهر سپهر سلطنت  
 و عظمت منضم میساختم - تا تماشای خلقت غریب و صنعت  
 عجیب آن مینمودند - چون آن فرزند کامگار را دیدنش میسر  
 نیست صورت آنرا فرستاده آمد - تا ازان بر غرابت هیئت و  
 ندرت صنعت آن اگهی پدید آید - اتفاقا در اثنای اراده این  
 نهضت بظهور پیوست که راجه ججهار سنگه بندیده که او و راجه  
 نرسنگه دیو پدر او آن قدر رعایت ازین دولت ابدی الاتصال یافته  
 بودند که بحسب ملک و مال از اقربان و امثال امتیاز تمامی آنها  
 را حاصل شده بود - از غایت شقاوت و نهایت جهالت قدر این  
 همه نعمت که ببرکت این دولت عظمی بهم رسانیده بود ندانسته  
 بملک بسیار و مال بیشمار - و کثرت پیداده و سوار - و قلاع استوار  
 و قلبی زمینهای آن مرز و بوم - و انبوهی بیشهای اطراف مساکن  
 آن قوم شوم - مغرور گشته سالک مسلک طغیان - و نا هیچ منهج  
 عصیان - گردیده - سنوح این قضیه باعث شد که رکضت بسمت  
 دولتآباد از راه ملک آن کافر نعمت بوقوع آید - تا خاطر درینضمن  
 ازان مهم که متضمن اکتساب فضیلت جهان و مهتلزم تحصیل  
 ثواب غزا ست بزودی جمع شود - لهذا رایات اقبال بتاریخ هشتم



ماه مهر سنه هشت مطابق هزدهم شهر ربیع الثاني سنه هزار و  
 چهل و پنج از دار الخلافه اکبر اباد بصوب دکن منتهض شد - و از  
 سه طرف سه فوج - یکی بسرداری عمده سادات رفیع الدرجات -  
 زبده خوانین مذبح الرتبات - موتمن الدولة العلیة العالیة -  
 معتمد السلطنة البهیة القاهرة - مخلص بی ریو و رنگ - عبد الله خان  
 بهادر فیروز جنگ - و دیگرے بسرکردگی خلاصه سادات عظام -  
 نقاوه امرای کرام - رکن سلطنت عظمی - اعتضاد خلافت کبری  
 انواع عنایت و اصناف مرحمت را در خور - خان دوران بهادر -  
 و فوجی دیگر بسری سیادت و امارت مرتبت - شجاعت و شهامت  
 منقبت - عمده امراء رفیع مکان - مورد مراحم پیکران - رحمت  
 زمان - سید خانجهان - تعیین نمودیم - و بهمراهی هر یکی ازین  
 سرداران والا مکان جمعی از بندها را که شیران بیسته و غا و دلیران  
 معرکه هیجا اند مقرر ساختیم - این هر سه مید نجیب تقدیم این  
 خدمت را که باعث افزونی عزت و مرتبت در دنیا و موجب  
 زیادتیی ثواب و درجه در عقبی است فوز عظیم دانسته بلا توقف  
 و تاخیر از روی شوق تمام شروع دران نمودند - و بنوعی که در هیچ  
 اندیشه نمیگذشت آن بیسه را بضرب تبر و تیشه از بیخ و ریشه  
 بر کردند - و پنج قلعه را که از قلاع عمده آن ملک بود - و بحصانت  
 و متانت شهرت تمام داشت - و فزونی رصانت مقتضی آنکه  
 تسخیر هر یکی بعد از مدت مدیدی بمحاصره صورت گرفت -  
 بعون عنایت الهی سرسواری مفتوح گردانیدند - آن کافر بد فرجام  
 تاب صدمه مقدمه لشکر فیروزی اثر اسلام نیاورده فرار برقرار

اختیار نمود - و از میان ولایت گوندوانه بجانب دکن روانه شده -  
 باشد که خود را بدنیا داران آنجا رساند - و بوسیله شفاعت آنها بجان  
 امان یابد - افواج قاهره اسلام با یلغار تعاقب نمودند - و با وجود  
 آنکه فاصله بسیار بود خود را در سرحد ملک قطب الملک بآن  
 سالک سبیل غوایت رسانیدند - و آن سرگردان وادی ضلالت را  
 با پسر رشید جانشین و اکثر همهرهان او بجهنم و اصل گردانیدند -  
 و اهل و عیال او را از صغیر و کبیر اسیر ساخته سرهای آنها را با  
 اساری باسرها بدرگاه معلی فرستادند - و آنچه از نقد و جنس  
 از جواهر و مرصع آلات و فیل و اسب و غیرها همراه داشت به دست  
 لشکر ظفر اثر در آمد - و سوای جنس صدک روپی نقد از مال آن  
 مقهور بخزانة غامره واصل شد - و بتخانها بمساجد مبدل گردید -  
 و اذان نعم البدل صدای ناقوس آن بد کیشان گشت - آن عمدهای  
 دولت ابد پیوند مظفر و منصور در نواحی شادی آباد معروف  
 بماندو بسعدت ملازمت مستسعد گشتند - هر یکی ازان ارکان  
 دولت عظمی را با دیگر بندهائی که درین مهم با آنها بودند در  
 خور سعی و کوششی که از آنها بظهور رسیده بود مشمول عواطف  
 پادشاهانه و مراحم شاهنشاهانه گردانیده کوچ بر کوچ بجانب  
 درتاباد متوجه گشتیم - و چون برخی از او باش نظام الملکیه با  
 وجود گرفتاری نظام الملک و محبوس بودن او در قلعه گوالیار  
 با اعتماد استحکام قلاع و حصونی که در تصرف آنها مانده بود باد  
 غرور را بدماغ بی مغز خود راه داده از خویشان دور نظام الملک  
 شخصی را که در یکی ازان قلاع محبوس بود بر آورده بجای نظام

الملك اورا اعتبار نموده دست آویز فتنه انگیزی خود ساخته بامداد  
 عادالخان که قوت و قدرت او از سایر دنیا داران دکن بیشتر است  
 دران سرحد غبار فتنه و فساد برانگیخته بودند - و پرگنات اطراف  
 و اکناف آن قلاع را بتصرف خود در آورده - پس از رسیدن موکب  
 جلال بحوالی دولتآباد بتاریخ بیست و ششم ماه بهمن مطابق هفتم  
 شهر رمضان المبارک سه فوج یکی بسرداری رکن السلطنة العظمی  
 خان دوران بهادر - و دیگری بسرکردگی عمده امرای رفیع الشان  
 سید خانجهان - و فوجی دیگر بباشلیقی فایز مرتبه امارت - فارس  
 مضمارشجاعت - مورد الطاف پیکران - مشمول اعطاف نمایان - عمده  
 الملك خان زمان بهادر - بر سر آن فیه باغیه بقیه نظام الملیه و  
 عادالخان که از روی خرد سالی و کم خردی توفیق آن نیافت که  
 بلا توقف و تاخیر طریق بندگی و فرمان برداری را مسلوک دارد  
 و مع هذا ارتکاب امداد آن ارباب فساد نموده تحریک آن جماعه  
 و خیم العاقبت برین معنی میگرد تعیین نمودیم - بمجرد روانه شدن  
 عساکر منصوره آن فیه باغیه تاب مقابله و مقاتله در خود نیافته  
 ازان ملک برآمده بملک عادالخان در آمدند - بندهای درگاه والا  
 ملک را باسرها متصرف گشته بملک عادالخان که جا دادن بقیه  
 نظام الملیه را در ملک خود ضمیمه دیگر تقصیرات و زلات خود  
 نموده بود در آمدند - و اکثر ولایت معمور اورا بقتل و بند و تاخت  
 و تاراج و نهب و غارت خراب مطلق ساختند - خان مذکور بعد از  
 مشاهده این حال خسران مأل از خرابی ملک خود بخرابی حال  
 خود استدلال نمود - و متیقن او گردید که این معنی منهی بخرابی

خانۀ او میشود - و حال او همچو حال نظام الملک میگردد لاعلاج  
از در انکسار در آمده از افعال قبلی گذشتۀ خود نادم و پشیمان  
گشت - و عرایض مشتمل بر التماس عفو گناهان و محتوی  
بر قبول احکام قضا جریان مصحوب رسولان چرب زبان و معتمدان  
کردان ارسال داشت - و هر حکمی که بار فرموده شد آنرا بقبول  
تلقی نمود - و بیست لک روپیۀ پیشکش از نقد و جنس از جواهر  
نغیس و مرصع آلات قیمتی و فیلان کوه پیکر فرستاد - بمقنضای  
( اذا ملکت فاسمح ) رقم عفو بر جریدۀ زلات او کشیده حکم نمودیم که  
عساکر منصوره دست از خرابی ملک او باز دارند - و قطب الملک  
که آن قدر قوت و قدرت ندارد که ارادۀ مخالفت بخاطر راه دهد و  
در انقیاد احکام تاخیر نباید بلا توقف و تاخیر سالک صراط مستقیم  
اطاعت و انقیاد گشته شیوۀ ستودۀ بندگی را مرعی داشته لوازم  
آنرا کمایبغی بجای آورد - و مبلغ چهل لک روپیۀ را نقد و جنس  
از نغایس جواهر و نوادر مرصع آلات و یک صد فیل بدرگاه آسمان  
جاء ارسال داشت - و چون خاطر از معاملات دکن بالکلیه جمع شد  
حکومت چارصوبۀ عمده را که صوبۀ دولاباد و برار و تلنگانه و خاندیس  
باشد - بفرزند سعادت مند کامگار نامدار - موید منصور بختیار - قرۀ  
باصرف دولت - غرۀ ناصیۀ سعادت - تازه نهال بوستان خلافت کبری -  
نوبادۀ گلستان سلطنت عظمی - نور حدیقه حشمت - نور حدیقه  
شوکت - گنجینۀ سلطنت را گرانمایه در - بادشاهزاده محمد ارنگ  
زیب بهادر - مفوض فرموده آن عالی نسب را دران سرحد گذاشتیم  
و مقرر نمودیم که عمده الملک خانزمان بهادر و سایر جاگیر داران

صوبجات مذکوره در خدمت بادشاهزاده نامدار کامگار بوده باشند -  
 و بتاريخ سي و یکم ماه تير موافق هفدهم شهر صفر هجده هزار و چل  
 و شش هجري ازین مقرر خیر اثر عنان عزیمت را بصوب دار الخلافه  
 معطوف گردانیده بیست و ششم ماه دي مطابق هژدهم شهر شعبان  
 المعظم سنه مزبوره بمبارکي بدار الخلافه اکبرآباد داخل شدیم -  
 مجملًا بیمن عنایت الهی که همیشه شامل حال این نیازمند  
 درگاه صمدیت است درین یورش در عرض یک سال این قسم  
 فتوحات نمایان و این چنین غنایم پیکران نصیب این نیازمند  
 درگاه ملک مژگان گردید - و از نقد و جنس چه از پیشکشهای دنیا  
 داران دکن و زمینداران گوندوانه و چه از مال بنذیله دو صد لک روپیه  
 با چهار صد فیل بسرکار خاصه شریفه عاید گشت - و ولایتی که حاصل  
 آن قریب بصد لک روپیه است و سی و یک قلعه مثل جنیر و  
 دهر و تربنگ و اوسه و اودگیر و غیرها سوای نه قلعه دولتآباد و  
 قلعه قندهار و غیرها باشد - و در یساق سابق و بعد ازان از مملکت  
 نظام الملک با ملکی که حاصل آن نزدیک بصد لک روپیه است  
 بدست درآمده بود بتصرف ولایتی دولت قاهره در آمد - که همگی  
 مفتوحات این دو یورش چهل و پنج قلعه نامی مشهور از ولایت  
 نظام الملک و مملکت بنذیله و ملکی که حاصل آن قریب بدو صد  
 لک روپیه است - بوده باشد - اگرچه وقوع این مقدار فتوحات نظرب  
 رسوم و عادات درین قدر زمان در نظر ظاهر بینان مستبعد می نماید -  
 اما چون در جنب قدرت الهی آسان است میتواند بود که بنده را  
 که بمزید لطف و احسان امتیاز داده باشد درین مقدار زمان چنین

تسخیرات جسیم و غنایم عظیم روزی گرداند - توقع آنکه آن زیب  
 سریر سلطنت و کامگاری نیز شیوه مرضیه ارسال رسل و رسائل را که  
 رافع حجاب بیدگاری و مثبت دعوی یگانگی است مرعی داشته  
 بنگارش اخبار مسرت آثار فتوحات تازه که آن تازه نهال گلشن جلال  
 و اقبال را روی دهد مسرت بخش خاطر دوستی گزین این نیازمند  
 درگاه بی نیاز گردند - و چمن مودت را فطرت تازه و گلشن محبت  
 را خضرت بی اندازه دهند - از عرضه سیادت و امارت  
 مرتبت سزاوار عواطف بیکران صفدرخان که در اثنای تحریر این  
 رقیمه رسید چنین ظاهر شد که آن سیادت و امارت پناه بخداست  
 آن فرزند کامگار مشرف گشته و مشمول عنایات آن نامدار شده -  
 و ظن غالب آن است که تا رسیدن این نامه در آنجا باشد - این صحیفه  
 الوداد را مصحوب معتمد شجاعت شعار حسینی ارسال داشته شد -  
 که باتفاق خان مشار الیه بگذراند - حرفی چند در فرمانی که بنام  
 خان مومنی الیه صادر شده و همراه این نامه فرستاده آمد مرقوم  
 گشته آن مقدمات را ازان سیادت و امارت مرتبت خواهند شنید -  
 همواره بر سریر سلطنت و کامگاری متمکن بوده معدلت پیرا  
 و نصفت آرا باشند •

## نگارش جشن کدخدائی بادشاهزاده

### ستوده سیر محمد اورنگ زیب بهادر

بیدست و نهم شعبان این سال یک لك و شصت هزار روپیه از  
 جواهر و اقسام اقمشه نفیسه و نقد از سرکار خاصه شریفه برسم ساچق

مصحوب موسوي خان صدر و مير جمله مير بخشي و مكرمت خان  
مير سامان و خليل الله خان و چندی از پرديگان مشكوى. اقبال  
بخانه سلاله دودمان سيادت شاه نواز خان خلف ميرزا رستم صفوي  
كه صبيه كريمه اورا پدشاهزاده بخت بيدار محمد اورنگ زيب  
بهادر خطبه نموده بودند ارسال يافته بود چنانچه گذارش يافت -  
درينولا كه ساعت خجسته عقد نزديك رسيد از انجا كه مواد ازدواج  
مبين خلف خلافت بادشاهزاده محمد دارا شكوه و دو يمين پور  
سلطنت بادشاهزاده محمد شاه شجاع بهادر را نواب فلک جناب بيگم  
صاحب ترتيب داده بودند خديو ابر دست دريا دل بآن قدوة  
منظهرات جهان فرمودند كه لوازم اين جشن خجسته از سرکار اقدس  
سرانجام خواهد يافت \*

و پانزدهم ذي الحجه سال هزار و چل و ششم هجري روز وزن  
آن نهال چمن اقبال ده لك روپيه نقد بآن والا گهر انعام فرمودند  
تا اسباب اين طوى فرخنده را از جواهر ثمينه و مرصع آلات و طلا  
آلات و نقره آلات و غيرها و گوناگون اقمشه و فرشها و بساطها و تورها  
و خلعتها و ديگر لوازم كارخانهجات آماده نمايند \*

شب دو شنبه بيست و دوم اين ماه مطابق بيست و نهم اردي  
بهشت از خانه صفار و خاندان صفوت شاه نواز خان بآئين پسندیده  
حنا آوردند - و بزم فرح افزای حنا بندان در دولخانه خاص منعقد  
گشت - و انسام آتشبازي كه از جانب شاه نواز خان آورده بودند  
افروخته عرصه روي زمين را رشك سپهر برين گردانيدند - و حسب  
الحكم الارفع يمين الدوله آصف خان با ديگر اسراي عظام دران

مجلس انشاط آگدين نشست - و رسم حنا بندي بتقدیم رسید -  
 و فوطهای زرکش داده آمد - و خوانهای پان و انواع تنقلات و عطریات  
 به نیکوترین طرزی دران محفل چیدند - از نغمه و ساز مطربان  
 سحر پرداز عیش و طرب را روز بازاری و سرور و انبساط را سرکاری  
 دیگر شد - بگوش آسمانیان جز صدای کامرانی نمیرسید - و سامعه  
 زمینیان جز آواز شادمانی نمی شنید \*

شب سه شنبه بیست و سیوم که پیش از ظهور تابشیر صبح  
 بچارگري ساعت عقد مبارک گزیده ستاره شماران بود بفرمان گیتی  
 خداوند در درج عظمت بادشاهزاده مراد بخش و یمین الدوله  
 با دیگر نوئیان بمنزل بادشاهزاده جوان بخت که در ایام سعادت آغاز  
 میمنت انجام بادشاهزادگی اعلی حضرت نشیمن اقبال بود و برکنار  
 دریای جون مبنی گشته و بعد از جلوس مقدس بآن نامدار  
 عنایت شده است رفته آن اختر برج حشمت و جلال را از راه کنار  
 دریا بدولتخانه اقدس آورده بشرف کورنش رسانیدند - خاقان زمان  
 آن غره ناصیه دولت را بعنایت خلعت خاصه با چارقب طلا دوزی  
 و دو تهیج درر نمین و جمدهر مرصع با پهلک تاره و شمشیر مرصع  
 با پردانه مرصع و دو اسب عربی و عراقی از طویل خاصه با زین  
 مرصع و طلای مینا کار و فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و جل  
 مخمل زربفت و ماده فیل مشمول عواطف گردانیده بدست جود  
 پیوست فرق آن گوهر دریای ابهت را بهسر لالی آبدار که دران لعل  
 و زمرد نیز منتظم بود زینت بخشیدند - بادشاهزاده ارجمند سپاس  
 عنایات و مراسم تملیقات بجا آوردند - فرمان شد که بادشاهزاده



والا تبار مراد بخش و یمین الدوله و دیگر امرای بلند مکان در گرامی خدمت آن دره القاج شوکت سوار شده بمنزل شاه نوازخان بروند - در نور دیدن ساحت نگارش اقسام آتشبازی که این شب مبارک بفروغ آن روز مسرت شده بود پای چوبین خامه لنگ است - و عرصه بیان برای گذارش آن تنگ - اواخر این شب سعادت آمود اعلیٰ حضرت از وفور شفقت برای سر بلند می قره باصره جهانبانی بر سفینه دولت تشریف فرموده منزل شاه نواز خان را بفر قدوم فیض لزوم آسمانی پایه گردانیدند - و در حضور مراسم نور آن دو گران مایه گوهر در سلک عقد ازدواج انتظام یافتند - و چار لک روپیه کابین مقرر گردید - زمزمه تهنیت و طنطنه عشرت از حاضیض خاک باوج افلاک رسید - و نوای مزامیر و ادای مزاهیر زمین و زمان را در گرفت - فروغ افزای اورنگ خلافت ازان محفل ابتهاج کشتی سوار بدولت سرای والا مراجعت نمودند - ایزد بیهمال ایام سوار این پادشاه کام بخش و اعوام سرور این شهنشاه فلک رخس تا رهم شادی در جهانیان و اثر آبادی در جهان است متواتر و متوالی دارد

\* بیت \*

مدام تاهمی امروز باشد از پی وی \* همیشه تاهمی امصال باشد از پی یار  
بقاش باد و مهرش سبز و روزگار نکام \* فلک مصاعد و دولت رفیق و داور یار  
طالب کلیم تاریخ این گزین پیوند را بدین گونه لباس نظم داده

\* بیت \*

جهان کرده سامان بزم نشاطی \* که گلبانگ عیشش بگردون رسیده  
قران کرده سعدین وزین سان قرانی \* فرح خیز و فرخنده دوران ندیده

ز پیوند این گلبن باغ دولت \* زمانه گل عیش جاوید چیده  
 فلک رتبه اورنگ زیب آنکه ایزد \* سزاوار تائید غیبیش دیده  
 نهال برومند بستان دولت \* که اقبال در سایه اش آرمیده  
 خرد بهر تاریخ تزویج گفتا \* در گوهر بیک عقد دوران کشیده  
 از انرو که رسم مقرر هندوستان است که پدر عروس در مجلس عقد  
 حاضر نمی شود شاه نواز خان دران شب شرف حضور اقدس در  
 نیافته پیشکش نگذرانید - و روز یکشنبه بیست و هشتم جواهر و مرصع  
 آلات و دیگر امتعه بنظر کیمیا اثر در آورد - از انجمله متاع یک لک  
 روپیه شرف پذیرائی یافت \*

روز مبارک دو شنبه بیست و نهم خاقان سلیمان مکن بمنزل  
 گوهر درج جهانفانی بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر تشریف  
 فرمودند - و آن کامگار جوان بخت بتقدیم مراسم پا انداز و نثار  
 پرداخته انواع جواهر و مرصع آلات و گوناگون افمشه برسم پیشکش  
 گذرانید - و بحکم والا بیمین الدوله آصف خان خانان همپهسالار  
 دو تقوز پارچه و شمشیر مرصع - و بعلامی افضل خان و خاندوران بهادر  
 نصرت جنگ و سعید خان جهان خلعت با چارقب طلا دوزی و به لختی  
 دیگر اولیای دولت خلعت با فرجی و به بسیاری از بندهای رو  
 شناس خلعت تنها عنایت نمودند - نوئیان با تمکین و بندهای  
 اخلاص گزین نخست در جناب اقدس پس از ان بحکم مقدس در  
 خدمت آن والا گهر تسلیمات عنایت بجا آوردند \*

چون گروه شقاوت پزوه بندیده که طینت ایمان آمیخته شورش  
 و فساد است باوجود کشته شدن چهار تیره روزگار و قمع بنیاد

دیگر اشرار عبرت بر نگرفته پرتیراج نام طفلی را که از اولاد آن بد نژاد بود و از معرکه نبرد گریزانیده بودند دست اویرز فتنه ساخته سرعصیان برداشتند - و دست طغیان به آزار زیردستان آن ملک دراز کرده لختی از قریات خراب گردانیدند - درین روز خان دوران بهادر نصرت جنگ را بعنایت خلعت دو اسپ از طویلۀ خاصه با زین طلا و مطلا و فیل از حلقۀ خاصه عنایت فرموده از پیشگاه خلافت مرخص گردانیدند - و فرمان شد که از استیصال آن ضلالت اندیشان و اپرداخته بصوب مالوه که در تیول اوست برود - و از آنجا که خان زمان بهادر در دولتآباد رخت هستی بر بسته بود چنانچه گزارش یافت - در همین تاریخ شایسته خان خلف سده سالار را دستوری بخشیده مقرر فرمودند که پیش از وصول بادشاهزادۀ والا قدر محمد اورنگ زیب بهادر بدولتآباد شتافته نیابة بنظم مهام آنجا قیام نماید - و از سواران منصب او که پنجهزاری ذات و پنجهزار سوار بود دو هزار سوار دو اسپه ده اسپه گردانیدند \*

### بیا رسیدن پرتاب اجینیه با اعوان شقاوت آثار

گزارش این ماجرای عبرت آنرا برسم اجمال آنکه پرتاب مقهور بیمن بندگی و پرستش درگاه خواتین پناه حکومت سرزمین فتنه گزین خود که از دیر باز آرزوی آن داشت یافته بود - از آنجا که مال کار آن برگشته روزگار نگوید بود برهنزی بخت رسیده و دشمنی خرد شمیده سراز اطاعت و فرمان پذیری برتافت - و باعداد مواد ادبار و احصاد مصالح بوار پرداخت - پس از آنکه حقیقت ضلالت

و جهالت او بعرض ایستادهای پایه سریر خلافت رسید فرمان شد که عبد الله خان بهادر فیروز جنگ با تعینات صوبه بهار بمالش آن بد کردار آشفته روزگار بپردازد - خان مزبور بموجب حکم جهان مطاع او امط جمادی الثانی با همگی تابیدنان خود و مختار خان تیولدار منگیر که از مضافات آن صوبه است و دیگر بندهای پادشاهی متوجه قلع آن مفسد و تسخیر ولایت او گردید - درین اثنا فدائی خان از کار پزوهی بی آنکه باو حکمی رسد از گورکپیور که در تیول او مقرر بود نزد فیروز جنگ رسید - فیروز جنگ باتفاق دلیران شیر آهنگ استیصال مقاهیر وجه همت گردانیده نخست حصار بهوجپور را که حاکم نشین آن سرزمین است - و پرتاب و اثر و طالع در آنجا متحصن گشته بود محاصره نمود - از استوارچی قلعه و انبوهی جنگل دشوار گذار و فزونی تغنچی و کمانداری محاصره تا شش ماه کشید - و از جانبین هر روز بتوپ و تفنگ هنگام قتال گرم میگرددید - آخر کار بتدبیرات صایبه عبد الله خان بهادر و جد و جهد دلوران نصرت نشان آن مکان منیع باحصنی که از نحوست طالع بشکل مثلث بر ساحل رود بهوجپور بنا نهاده تردپاک که عبارت از سه برج است نام کرده بود و یازده قلعه دیگر که دران نزدیکی بود مفتوح شد - و جمعی کثیر از طایفه نابکار طعمه ثعبان سنان و لقمه ضرغام حسام گشتند - و بسیاری بقید اسار درآمدند ناگزیر پرتاپ فتنه گرا باعدال و برخی دیگر خود را از باس دم شمشیر و خم کمند هنربران معرکه هیجا بیاغی که درون قلعه بهوجپور ترتیب داده بود انداخت - و بعد از آن که جنگ آوران لشکر منصور تعاقب

نموده. جانب باغ شتافتند باهمرهاں از رخنه دیوار باغ برآمده  
 بخانه که میان قلعه در نهایت استحکام ساخته بود پناه برد - اتفاقاً  
 مظفر بیگ و فریدون بیگ دو پسر محمد یار بیگ ملقب بزبر  
 دست خان بالختی از نبرد آزمایشان او را دران خانه افکشته پیاپی  
 مردی حماسه پیشتر در آمده بودند - درینولا که آن شقاوت انما  
 باجمعی از عقب میرسد جنگ درمی پیوندند - و آن دو ناموس  
 جوی شجاعت خود داد نبرد داده مردانه شربت شهادت می چشند -  
 و نبدی دیگر رخساره دلیری بگلگون جراحات می آرایند - معاهیر  
 دروازه خانه را بسته درانجا متحصن گشتند - و افواج قاهره پاشنه  
 کوب خود را رسانیدند - مختار خان که مقدمه این لشکر بود  
 محاذی دروازه ملچار ساخت و جوقی از بهادران رزم پرست سه  
 جانب دیگر را گرد گرفته بکارزار پرداختند - هر چند پرتاب حمله  
 می آورد تا درضمن آویزه راه گریز بدست آورده بدر رود - شیران  
 بیشه و غا بضرب شمشیر او را باز گردانیده چندی از همرهاںش را  
 روانه جهنم می ساختند - از یک بهر روز دوشنبه هشتم ذی الحجه  
 تا صبح روز دیگر جنگ قائم بود - چون آن مقهور دریافت که  
 عنقریب گرفتار خواهد آمد بآئین مقرر جهال کفار قرار جوهر کردن  
 و کشته شدن بخود داد - انجام کار از شتردلی و ربه منشی تاب آب  
 شمشیر نیاورد - و از طغیان تشنگی و فقدان آب مضطرب گشته بعبدالله  
 خان بهادر پیغام داد که پناه بشما آورده ام اکنون در کشتن و گذاشتن  
 اختیار شما راست - و برسم معهود زینهار جویان از اسلحه و لباس  
 برهنه شده لنگی بربست - و دست زن خود گرفته بوساطت یکی از

خواجه سرايان معتمد فيروز جنگ نزد آن نوئين والا مكان آمد -  
 فيروز جنگ اورا با زنش مقيد ساخته ساير ضلالت اندوزان را كه  
 همراه آن خسارت زده طريق وفاق مي پيموند بگوي عدم فرستاد -  
 و فيل و ماده فيل و فراوان اموال پرتاب و ديگر مقاهيمر بدست  
 غزاة دين و كماء ظفر آئين افتاد \*

غره محرم چون اين ماجري از عرضه داشت فيروز جنگ  
 بمسامع جلال رسيد - حكم قضا نفاذ صادر شد كه پرتاب مخدول را  
 بپاسا رسانيده زن او را با اموال خود متصرف شود - فيروز جنگ  
 بعد از ورود يرليخ جهانكشا الخبي از غنايم بگذراوران نصرت شعار  
 واگذاشته زنش را مسلمان ساخت و بنكاح نبيرد خود در ارد - دوم  
 شانزده فيل با يراق نقره و بيست و چهار ماده فيل و پنجاه اسب  
 نا نگهن ابلق و ديگر مرغايب ولايت بنگاله كه اسلام خان صوبه دار آن  
 ملك بعنوان پيشکش ارسال داشته بود از نظر انور گذشت - ده هزار  
 روپيه مقرر اين ماه بمحتاجان و بي نوايان عطا فرمودند - چون  
 بعرض اقدس رسيد كه باقرخان نجم ثاني ناظم صوبه الهاباد باجل  
 طبعي در گذشت شهنشاه فلک بارگاه بيست و چهارم سيد شجاعت  
 خان بن سيد جهانگير بن سيد محمود خان بارهه را بمرحمت  
 خلعت برنواخته به تفويض خدمت صوبه داري آنجا بلند پايجي  
 بخشيدند - و بجهت ناگزير بودن فزوني جمعيت براي نظم صوبه  
 باضافه دو هزار سوار بمنصب چار هزاري چار هزار سوار سرفراز  
 گردانيدند - و بعنايت اسب توپچاق بازين مطلا و فيل سر بر افراخته  
 دستوري دادند \*

یازدهم صفر که روز تیر از ماه تیر بود جشن عید کلانی ترتیب یافت - پادشاهزادهای کامگار و یمین الدوله صراحیهای مرصع و دیگر اسرا و منصبداران صراحیهای میناکار و زرین و سیمین پیراز گلاب و عرق بهار و عرق فتنه از نظر انور گذرانیدند - پرتهمیراج راتهور از اصل و اضافه بمنصب دو هزار و هفصد سوار سرافرازگشت \*

چاردهم بعرض مقدس رسید که افغانی نوکر مختار خان که متعهد ضبط تیول او بود هنگام تغذیه محاسبه شمشیر کین آخته برو انداخت او بهمان زخم جهان را پدرود کرده - و کشنده را حضار از هم گذرانیدند - اگرچه مختار خان هم جمدهری بآن زیاده سر وازون اثر رسانیده بود اما کارگر نیامد \*

پانزدهم نجابت خان ولد میرزا شاه رخ باضافه پانصد سوار بمنصب سه هزار و سیصد و شصت گشت - و از سواران منصب مرشد قلی خان فوجدار مهترا و مهابن که دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار بود پانصد سوار دو اسبه سه اسبه مقرر نموده او را بمرحمت نقاره نیز مباحی ساختند \*

بیست و پنجم سید خان جهان بعنایت خلعت خاصه فرق عزت برافراخته دستوری گوالیار که در اقطاع او بود یافت - و عبد الرحیم بیگ برادر عبد الرحمن اتالیق عبد العزیز مهین خلف نذر محمد خان باضافه پانصدی ذات و دو صد سوار بمنصب هزار و پانصدی و هشت صد سوار سر بلند گشته بجایگیر خود که در صوبه بهار تنخواه یافته بود مرخص شد - درین هنگام که فیض افضال محاب کوه و هامون را بسبزهایی گوناگون آرایش بخشیده است -

و باغ و راغ بغزونی خضارت و نصارت پا لغز نظر تماشائیان  
گردیده - خاطر اقدس بسیر و شکار باری که درین موسم روح  
افزا مینو نما میگردد عشرت گرا شد - و سیوم ربیع الاول بدانصوب  
توجه فرمودند - و ازان رو که میلاد سعادت نهاد آفتاب فلک  
رسالت - انجمن افروز هدایت - علیه و علی آله افضل الصلوات -  
و اکمل التحیات - نزدیک رسیده بود بموسوی خان صدر حکم شد  
که دوازده هزار روپیة مقرر بمستحقین برساند \*

دهم این ماه فرازندگ اکیل کمرانی قرین هزاران فرخی  
و شادمانی ظل جهانبانی بر ساخت باری انداخته منازل آنرا  
بنزول میمنت موصول فروغ آگین گردانیدند - و هشت روز بنشاط  
نخچیر پرداخته و در قلاده شیر و بیست نیله گاو و شصت آهوبه  
تفنگ شکار فرموده با فرمردی و دولت ابدی بصوب دار الخلافه  
مراجعت نمودند - درین ضمن سیر و شکار رو پیاس و فتح پور نیز  
مسرت افزا گردید \*

بیست و دوم دار الخلافه بلوامع رایات جهانکشا بر افروخته آمد \*

بیست و سوم از عراض منہیان صوبہ تہہ بعرض مقدس رسید که  
در شهر و قرای قریبہ دریای شور دوازده پهر متوالی بشدت تمام باران  
باریده بهیاری از منازل و مبانی را خراب گردانید - و فراوان آدم  
و اقسام دراب هلاک گشتند - و هبوب ریاغ عاصفہ کہ نمونچ باد عاد  
بود اشجار بلند تفومند را از بینج بر کند - و تلاطم امواج فزون از  
شمار ماهی بر کنار انداخت - و قریب هزار سفینه خالی و حبوب  
آمد از تہوج دریا فرو نشست - و ازین ممر خسارت تمام بخداوندان



سفاین راه یافت - و بر هر زمینی که از شورش باد آب دریا انداد  
شوره زار گشته زراعت پذیر نماند •

## گزارش جشن قمری وزن

روز یکشنبه دوم ربیع الثانی سال هزار و چهل و هفتم هجری  
مطابق غره شهر یور بزم شادی آمای میمنت انتمای قمری وزن  
اختتام سال چل و هفتم و افتتاح سال چل و هشتم از عمر جاودانی  
حضرت خاقانی دلها را نشاط آگین ساخت - و باین هر سال وزن  
افدس بطلا و دیگر اشیا و رسم نثار بتقدیم رسید - درین روز خجسته گوهر  
درج خلافت بادشاهزاده والا مرتبت محمد داراشکوه را باضافه سه  
هزارمی ذات و هزار سوار بمنصب پانزده هزارمی ذات و نه هزار  
سوار - و هر کدام از سرو جویدار مفاخر محمد شاه شجاع بهادر و  
نهال چمن اقبال محمد اورنگ زیب بهادر را - با فزایش دو هزارمی  
ذات و هزار سوار بمنصب دوازده هزارمی ذات و هفت هزار سوار  
نوازش فرمودند - و ازان روکه اختر برج فلک معالی مهدین پادشاهزاده  
والا گهر را افتابگهر مرحمت شده بود درین روز مسرت افروز این  
دو اختر برج خلافت را نیز بدین مناسبت سربلند گردانیدند -  
شجاعت خان ناظم صوبه الهاباد که بمنصب چار هزارمی چار هزار  
سوار سرافراز است دوهزار و پانصد سوار دو اسبه سه اسبه مقرر  
گردید تا ضبط این صوبه که زور طلب امت کمایقبعی نماید - باقی  
خان بخلمت و باضافه هزارمی ذات و هزار سوار بمنصب دو هزارمی  
ذات و دوهزار سوار و بمرحمت علم و فوجداری اسلام آباد و چهره و

اسپ وفیل - و سراندا از خان باضافه پانصدی ذات و هزار و دویست سوار  
و بفوجدار می سرکار لکهنو و بیدسواره از تغیر الله و یرد یخان و غذایت  
علم سر بلند گردیدند - نور محمد عرب ملقب بعرب خان باضافه  
پانصدی ذات و هفصد سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه بمنصب  
دو هزار و پانصد سوار از انجمله پانصد سوار دو اسپه سه  
اسپه و بخد مت حراست قلعه فتح آباد معروف بدهارور و  
مرحمت علم - و محمد حسین برادر همت خان بمنصب هزار و  
هزار سوار از اصل و اضافه و خدمت محافظت قلعه ظفر نگر نوازش  
یافتند - جان سپار خان بخد مت بخشگیری احدیان سرانرا گشت  
چون درین حال امساک باران جهانیان را در مضیق اضطراب انداخته  
بود پنج روز پیش از وزن مبارک بحکم خدیو گیتی پرور دوحه ریاض  
سیادت - شعبه انهار کرامت - ذوالمجد و الکمال سید جلال - و قاضی  
محمد اسلم - و ملا عبد السلام مفتی عسکر - و شیخ محب علی  
سندی و مظهر بدایع شیخ ناظر - و گروهی دیگر از اصحاب طهارت  
و تقی بنماز استسقا برون مده بزبان تضرع و ابتهال از اینزد بیهمال  
غمام افصال مسالت نموده بودند - اگرچه بقدر بارانی بارید اما  
لب تشنگان نبات را سیراب نساخت - روز جشن مقدس که روز  
نشاط عالم و تاریخ انبساط عالمیان است بیدم نیت عالم آرا بحر  
عواطف اینزدی بجوش در آمد - ابر رحمت دریا بار گردید - زمانه  
و زمانیان بدین ترانه مترنم گشتند \*

\* ابیات \*

که از فراقبال شاه جهان \* جهاندار جم حشمت کامران  
همیشه جهان باد در خر می \* نهاده بکف ساغر بیغمی

دهم میر جمله میر بخشی که لختی از احوال او گذارش یافت -  
 بلقوه و فالج رخت هستی ازین جهان بر بست - محمد قلی قطب  
 الماک حاکم گلکنده از دوام ارتکاب مدام همگی مهمات ملکی و معاملات  
 مالی بمیر را گذاشته خود بآن نمی پرداخت - پس از آنکه نوبت  
 حکومت ازو که پسر نداشت به برادر زاده اش سلطان محمد رسید  
 او از رشد و کردانی بمصالح ایالت پرداخته میر را از سر زمین خود  
 بر آورد - و میر بصوب صغاهان شتافت - جمعی از قصور فهمیدگی  
 احوال او چنانچه باید در نیافته بخدمت حضرت جنت مکانی  
 معروض داشتند - آنحضرت فرمانی بخط مقدس نوشته میر را طلب  
 فرمودند - از آنجا که از دیر باز آرزوی این سعادت داشت در ایام  
 سلطنت شاه عباس از اصفهان فرار نموده بملازمت حضرت جنت  
 مکانی آمد - و بکمتر مدتی بمرتبه میر سامانی رسید - و درین  
 دولت گردون صولت نیز بوسیله دیرین بندگی بهمان خدمت  
 سرافراز شد - و روزی چند میر بخشی بود - اگرچه در سیادت مرتبه  
 بلندی داشت اما از اخلاق مرضیه و اطوار بهیه نصیبه نداشت - و  
 بد اعتقاد و سبک بود - خاقان بنده پرور معتد خان بخشی دوم  
 را نظر بقدیم خدمت بمرحمت خلعت برنواخته میر بخشی  
 گردانیدند - و تربیت خان را بعزایت خلعت و باضاده پانصدی  
 ذات و درویش سوار بمنصب دو هزارمی ذات و هزار و درویش  
 سوار و به بخشیدگری دوم متاخر ساختند •  
 دوازدهم آخر روز شهنشاه فلک بارگاه از وفور رافت بمنزل جعفر  
 خان که بر کنار دریای جون تازه اساس یافته تشریف فرمودند -

و پیشکشی که خان موسی الیه پس از اقامت مراسم پاننداز و نثار  
 بنظر اقدس در آرد پذیرفته و بتماشای مهتاب پرداخته بعد از  
 مدّری شدن یک پهر شب بدولتخانه اقبال آشیانه مراجعت نمودند •  
 بیست و هفتم بعد از انقضای دو و نیم گهری بساعتی که مختار  
 ستاره شناسان بود گوهر بحر خلافت بادشاهزاده محمد اورنگ زیب  
 بهادر را بمرحمت خلعت خاصه و سرپیچ مرّارید و زمرّد بیش بها  
 و تسبیح لائی گران ارز و خنجر خاصه و شمشیر خاصه و صد اسپ  
 عراقی و ترکی ازان میان دو اسپ از طویلّه خاصه با زین طلای  
 میناکار و طلای ساده و فیل از حلقّه خاصه بایراق نقره و جل مخمل  
 زربفت و ماده فیل مشمول عوطف ساختند - ولایت بکلانه که  
 باعتدال آب و هوا و کثرت معموری شهرت دارد و در وسط ملک  
 بادشاهی واقع شده و از یک جانب بخاندیس دکن و از سمت دیگر  
 بتوابع سورت و گجرات پیوسته است و کافری بهرجی نام ارثا آفر  
 در تصرف دارد بالتماس آن کوکب سماء عظمت نیز عذایت شد -  
 و حکم فرمودند که بدولتباک رسیده فوجی از دلیران کارزار بتسخیر  
 آن ولایت بفرستند - و از نرط عاطفت فاتحه خوانده - مرخص  
 گردانیدند - غیرت خان برادر زاده عبد الله خان بهادر فیروز جنگ  
 بخلعت و باضافه هزاری ذات و هزار و دویست سوار بمنصب دوهزار  
 و پانصدی ذات و دوهزار سوار و بخدمت نظم صوبه دار الملک  
 دهلی از تغیر اصالت خان و مرحمت اسپ - و آگاه خان خواجه سرا  
 بخلعت و ازاصل و اضافه بمنصب هزاری ذات و هزار سوار و بخدمت  
 فوجداری این روی دریای جون تارک افتخار برافراختند - چون

ایفای عهود و ادای نذور و تکذیر خیرات و توفیر ممبرات و تفقد حال ضعفا و رفع احتیاج فقرا همواره پیش نهاد همت والای خدیو خدا شناس است از جمله مبلغ پنج لک روپیه که بعد از اورنگ آرایی نذر نموده بودند که بسدنة مکه معظمه و مدینه طیبه و سادات عظام و شرفای کرام و منزویان و محتاجان آن دو بقعه شریفه برسانند دو لک و چهل هزار روپیه مصحوب حکیم مسیح الزمان و ملا خواجه جان بآن دو مکان متبرک سابقا ارسال یافته بود - چنانچه در آخر سال چارم گذارده آمد - درینولا مبلغ شصت هزار روپیه دیگر همراه حکیم ابو القاسم مخاطب بحکیم الملک که از پزشکان محرم و بندگان معتمد این درگاه است - و از سعادت پژوهی رخصت سفر فیض ائر حجاز گرفته - روانه ساختند تا دران دوسوطن ملایک مسکن بمسئحقین قسمت نماید - و باعظم خان صوبه دار گجرات یرلیغ شد که بصواب دید حکیم مبلغ مزبور را متاع باب بر عرب خرید نموده با موسی الیه نفرستد \*

### رفتن ظفر خان صوبه دار کشمیر به تسخیر تبت

در عهد دولت حضرت جنیت مکانی که همواره تسخیر ولایت مذکور پیش نهاد همت علیا داشتند هاشم خان ولد قاسم خان میر بحر حاکم کشمیر بفرمان آن حضرت سوار و پیاده بسیار از سپاهی و زمیندار گرد آورده هر چند دست و پا زد که دران ملک درآمده کاری تواند ساخت صورت نگرفت - و آخر کار جمعی کذیر بکشتن داده و خسارت تمام کشیده برگشته بود - درین هنگام که آوازه جهان کشائی و کشور گیری عساکر منصوره ارکان بنیان گردن کشان و فتنه

گمران رزگار را مصداق کریمه - جعلنا عالیها سافلیها - گردانیده است حکم شد که ظفر خان حارس کشمیر با لشکر آنجا بدان صوب شتافته ولایت مزبور را مسخر گرداند - او بتهدیه این یساق پرداخته قریب هشت هزار سوار و پیاده از بندهای پادشاهی و تابینان خود و مرزبانان آن فواحی فراهم آورده از راه کرچه بره نوردهی در آمده و عقببات معضله این راه دشوار گذار را که بتفصیل گذارش خواهد یافت پیموده - در عرض یکماه به شکردو نام پرگنه که سر آغاز ملک تبت است و این طرف آب نیلاب - رسیده نزدیک حصار علی رای دایره کرد - علی رای پدر ابدال مرزبان حال تبت بر دوسر کوهی بس بلند طولانی در حصار استوار برانراخته - بلند تر آن بکهر پهوچه زبان زد گشته است - و دیگری که پست است به کهچنه - هر کدام راهی دارد \* ع \*

چون گلوگاه نای و سینده چنگ

و راه آمد شد قلعه نشینان نزد هم بفرزاز کوه واقع شده - ابدال در حصن کهر پهوچه متحصن گشته بود - و محمد مراد نامی را که وکیل و راتق و فائق مهماتش بود بحراست قلعه کهچنه باز داشته و عیال و اسوال را در حصار شکر که آن روی نیلاب بفرق جبلی رفیع اساس پذیرفته است نگاه داشته - ظفر خان از رفعت و متانت هردو محکمه مصلحت در محاصره و پیکار ندیده چنین اندیشید - که سپاهی و رعیت تبت را که از ناهنجاری ابدال دل آزرده بودند بهمدارا و مواجها جانب خود بکشد - و جوقی برای کشایش حصار شکر و اسیر کردن فرزندان ابدال معین نماید - چه همگی مدت

اقامت عسکر منصور دران سرزمین بیش از دو ماه نیدست - و اگر  
 زیاده برین توقف واقع شود از فزونی برف راه برآمد مسدود  
 میگردد - بنا بران میرفخرالدین را که نوکر معتمد او بود با فرهاد  
 بیگ بلوچ و نزدیک چهار هزار سوار و پیاده بر قلعه شکر فرستاده  
 خود بقلع ابدال پرداخت - و حسن خواهرزاده ابدال را با دیگر  
 تابینان که در زمره بندگان درگاه آسمان جاه منتظم اند و لختی  
 از زمینداران کشمیر که با سکان آن مرز و بوم آشنائی داشتند بران  
 داشت که بتربیب و تهریب این گروه را بشاه راه اطاعت و  
 انقیاد رهنمون کردند - و برخی بسد مداخل و مخارج آن دو  
 حصن حصین برگماشت - میرفخرالدین بساحل دریای نیلاب  
 رسیده کشتی چند ترتیب داد - و چون فتنه پژوهان تبت  
 دیواری سر راه کشیده گریه از تفنگچیان بقصد باز داشت  
 انواج قاهره عقب آن نشانده بودند - میرنزدیک دو هزار آدم  
 بدالت جمعی از سنده آن ولایت نصف شب روانه ساخت - تا  
 بسمت پایان آب شتافته راه را از دست صلاحت پدشگان برآورند -  
 دلبران جنگ جو طی مسافت نموده بغتة برطایفه ضاله ریختند -  
 و فریقی را بر خاک هلاک انداخته بقیة السیف را ره سپر فرار  
 گردانیدند - میراز نیلاب گذشته بپای قلعه شکر آمد - و بسر انجام  
 مواد قلعه کشائی پرداخت - روز دیگر دولت پسر ابدال که پانزده  
 ساله بود و با حشری حراست حصار بتقدیم میرسانید غزاة لشکر  
 فیروزی را کم انکاشته با همریان بانداز قتال بیرون آمد - میرفرهاد  
 بیگ پس از آگهی بسرعت هرچه تمامتر خود را بکمروک رسانیده

سر راه گرفتند - و نایره حرب بر افروخته بسیاری را از هم گذرانیدند -  
 از لشکر ظفر اژرنیز فرهاد بیگ بلوچ مجروح و چندی از نوکران ظفر  
 خان مقتول گردیدند - شقاوت مذشان رعائی خود در گریز دانسته  
 جانب قلعه برگشتند - و دلاوران تا دروازه صوب شکرور تگمشی  
 نموده بیرون آن ملچار ساختند - و از آنرو که غالبه عسکر اقبال  
 رعب تمام در دل پسر ابدال انداخته بود آن نکوهیده مآل پای  
 ثبات از دست داده ببرآوردن عیال پدر مقید نگردید - و از سیم  
 و زر هرچه توانست با خود گرفته شب هنگام از در دیگر که جانب  
 کاشغر بود بدر آمده بدانسو راهی شد \*

بیست و نهم ربیع الاول که فروغ صبح عالم را در گرفت - و نور  
 تابشیر پردۀ ظلمت از روزگار برگرفت - میر بر فرار آن نابکار آگهی  
 یافته باجمعی بقلعه درآمد - اما از نهب و غارت همهرهان ضبط  
 اموال نتوانست نمود - و عیال ابدال بدست آورده طایفه را بدنبال  
 پسرش فرستاد - ایشان بدو فرسیده لختی از طلا و نقره که در راه  
 افتاده بود گرفته برگردیدند - ظفر خان از استماع فتح این دژ قوی  
 بنیاد مستظهر گشته در کشایش حصن کهرپه و کهنه جد و  
 جهد فرایش گرفت - و باشارۀ او جماعه از قطان تبت که بلشکر  
 ظفر پیوسته از روی بندگی درگاه والا داشتند حراس قلعه کهنه را  
 که از قلت آنوقت مضطر گشته بودند - با ندرزهای کبرا طریق  
 رستگاری باز نموده از ابدال برگردانیدند - و کورسین ( ن ) کشتواری

( ن ) کورسین



و شادمان پکھلی وال ابدال را بمقدمات مهاونت و مقالات مصالحت از اهتمام استحکام قلعه کهنه غافل ساختند - ظفرخان بموجب قرار داد ششم ربیع الثانی روز پنجشنبه فوجی با آدم خان تبتي برادر خرد ابدال که در زندگي پدر خویش علي رای در عهد دولت حضرت جنت مکاني هنگامی که اعتقاد خان بنظم صوبه کشمیر می پرداخت شرف عبودیت دریافت - و ازان باز تا امروز بیمن بندگی این آستان فلک نشان کامیاب مقاصد است - و محمد زمان خویش خود را بر قلعه کهنه فرستاد - حارس آن با سایر قلعه نشینان بر آمده قلعه را محصور - ابدال از مخالفت مردم و سپردن قلعه و اسارزن و فرزندان بباس و یاس افتاده جز زینهار چاره نیافت - ناگزیر حصن کهرپهوچه را وا گذاشته بوساطت شادمان پکھلیوال ظفرخان را دید - روز دیگر سرکرد لشکر با جوقی از بندهای بادشاهی و تابندگان خود ابدال را همراه گرفته بقلعه کهرپهوچه رفت و خطبه خاقان ممالک ستان خوانده بمعمر فیروزی برگشت - و عرضه داشت منبئی از کیفیت تسخیر قلاع که بیمن اقبال دشمن مال شهنشاه فلک بارگاه بزودی و آسانی تیسر پذیرفت بپایه سریر خلافت روانه ساخت - درین اثنا میر فخر الدین نیز با فوجی که همراه او رفته بود و عیال و سایر منتسبان ابدال و دوالک رویه که دست یغماچیان بآن نرسیده بود سالم و غانم مراجعت نمود - از فیرنگی تائیدات آسمانی که در باره اولیای دولت قاهره آنا فانا جلو ظهور میدهد آنکه زنان و فرزندان حبیب چک و احمد چک که در زمان حکومت اعتقاد خان بسبب شورش انگیزی و فتنه

آمیزی از کشمیر بصوب تبت گریخته بودند و درین هنگام ابدال  
اینان را بکشمیر فرستاده بود تا بانگیختن گرد نهاد مجاهدان را  
پراگنده خاطر سازند بقید اسر ظفر خان در آمدند - و حبیب چک  
دیگر که در صوبه داری میرزا علی بیگ اکبرشاهی بادیۀ ضلالت  
نور دیده به تبتیان پناه برده بود با فرزندان و خویشان خود امان  
جسته نزد ظفر خان آمد - خان مشار الیه باندیشه آنکه مبادا از  
ریزش برف راهها بسته شود یا مفسدانی که بتحریر ابدال جانب  
کشمیر رفته اند فتنه برانگیزند بی تنظیم و تسدیق ولایت و تغذیش  
اموال ابدال را با تبعه او و دیگر شقاوت گزینان آن ملک و چکان  
مذکور همراه گرفته و ملک تبت را بعهد محمد مراد وکیل ابدال  
وا گذاشته بکشمیر مراجعت نمود \*

بدست و نهم ربیع الثانی چون حقیقت مراجعت او بعرض  
مقدس رسید یرلیخ قدر نفاذ صادر شد که بعد از تسخیر ملک و  
تغذیح قلاع و ایل شدن مرزبان آن ولایت و بدست آمدن دیگر ایل  
پژوهان بی ضبط مملکت و نظم حال رعیت بسرعت برآمدن و ملک  
را بوکیل ابدال پیش از آنکه خاطر از انقیاد او فراهم گردد سپردن  
پسندیده خرد دور بین و رای صواب گزین نبود \*

از تشابک اغضان اقاریل و تعانق افغان احادیث شرح  
صعوبت راه تبت و کیفیت آن ملک می نماید  
تبت دو ممر عام دارد یکی کرچ ( ن ) و دیگری لار که ظفر

( ن ) کرخ

خان بدین دو مسلک آمد و شد نموده - اگرچه مسافت راه کرچ  
 چهارمئزل از راه لار افزون است و بیشتر آن بر کوههای بلند و کتلهایی  
 تنگ که ازان یک سوار بیدش نگذرد واقع شده - اما چون نسبت بلار  
 برف و سرما کمتر دارد ازیں راه زود به تبیت میرسند - و راه لار  
 هرچند به تبیت نزدیک است اما از کثرت و دوام برف و یخ بعسرت  
 تمام نوردیده می آید - و درین راه چلبلی است باذخ بارتفاع نیم  
 کروه که سراپای آن را یخ در گرفته است - و بر فرار آن میاه جاریه  
 فراوان - ره نوردان ازان بصعوبت برگذرند منزلی چند ازیں راه بسبب  
 همواری بآسانی قطع می شود لیکن سی گروهی کشمیر کتلی است  
 که سفر گزینان جهان پیدما بسختی و دشواری آن کمتر نشان دهند -  
 در رفعت دو برابر پیرپنچال است چندان بند که صعود و هبوط آن  
 سواره میسر نگردد - و ازانرو که درین دو طریق آذوقه فرا دست  
 نمی آید ظفر خان و همهرمان از چندان آذوقه برگرفته بودند که تا  
 معادوت بکشمیر کفایت نمود - ملک تبیت که همگی بیدست و یک  
 برگنه و سی و هفت قلعه دارد از فزونی کوه و تنگی عرصه بغایت  
 کم زراعت است - و از حبوبات بیشتر جو و گندم درانجا می روید -  
 اگرچه ضبط آن ولایت چنانچه باید نشده بود تا بر حقیقت خراج  
 آن قرار واقع آگهی یافته شود - اما چندین شفته آمد که محصول  
 سال کامل آن فزون بر یک لک روپیه نیست - دران دیار جوی  
 آبی است که بر یک سوی آن قراضهای طلا بهم می رسد - نزدیک ( ن )

دو هزار توله طلا که از کم عیاری توله زیاده بر هفت روپیه نیرزد هر سال از اجاره آن حاصل میشود - اکثر اثمار سرد سیري مانند زرد آلو و شفتالو و خربزه و انگور دران سرزمین لطیف و شیرین است - سیبی دارد که درون و بیرونش سرخ است - توت و چنار و زرد آلو و شفتالو و خربزه و انگور در یک موسم میرسد \*

از آنجا که براننده اورنگ جهانبدانی - حضرت صاحبقران ثانی باصغای مقالات ارباب تقی - و کلمات ائمه هدی - و استماع حکایات عدالت سمات رافغان لوی سلطنت - سالکان مسالک دولت - سیما براننده اورنگ و دیهیم - خاقان هفت اقلیم - ثالث القطبین - حضرت صاحبقران نور الله مضجعه - که همواره اقتدای آداب رضیه و اقتضای اطوار بهیمة آنحضرت را مرقاة مدارج دین و دولت - و میزان قوانین ملک و ملت - میدانند - توجه تام دارند - وزرای دانشور - وندمای سخن گستر - همیشه دل نشین داستانهای باستانی بشیوا بیانی گذارش میدهند - درین ایام از کتاب واقعات حضرت صاحبقرانی که بزبان ترکی بود - و میر ابو طالب تربتی از کتابخانه والی یمن بدست آورده پیاپی ترجمه نموده - داستان نصایح خرد افزا که آن حضرت هنگام تعیین میرزا پیر محمد خلف میرزا جهانگیر باصارت کابل و غزنین و قندهار و غیره فرموده بودند و دران کتاب مندرج است بعرض مقدس رسید - نسخه ازان بسرو جویبار خلافت بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر که بنظم مهمام صوبه دکن پیش ازین بچندین روز مرخص گشته بودند از کمال رافت و فزونی عاطفت فرستادند - و بامر خاقانی درین هدایت

فامه نیز برای هوش افزائی خوانندگان اندراج یافت \*

## نقل داستان

درین وقت بخاطر رسید که بدمور کابلستان و حدود هندوستان و نواحی غزنین و باختر و قندهار گردانی فرستاده اید که بنظم آن بولایات فسیحه تواند پرداخت - و دل مصلحت اندیش بران شد که بیکى از امیرزاده‌های کامگار مفوض گردد - باز اندیشه رفت که مبادا هوای سلطنت و استقلال از کلخ دماغ او سر برزند - چه جای آنست که اگر بنوئینی تفویض یابد این خیال محال مغزش بشوراند تا بامیرزاده چه رسد - لختی در تامل بودم که بدل پرتو افکند که اگر تذکری تعالی مرا سلطنت ارزانی داشته کرایار که بمخالفت گراید - و الا از نیروی بازو چه کشاید - درین اثنا کتاب بوستان برسم فال برگشودم این ابیات برآمد \* بیت \*

چو درامت نه بخشد سپهر بلند \* نیاید بمردانگی در کمند  
نه سختی رسد از ضعیفی بمور \* نه شیران بسرنجه خوردند و زور  
خدا کشتی آنجا که خواهد برد \* اگر نا خدا جامه برتن دره  
مرا ازین اشعار آبدار طبیعت بشگفت - بخود گفتم که سرحد  
هندوستان تا آب سند و غزنین و کابل تا حدود قندهار که مملکت  
سلطان محمود غزنوی است گزیده آنکه بیکى از فرزندان بهپارم -  
اگر احیانا براه بغی در آید و بر من براید فلذا کبد من خواهد  
بود - نه بضعت جسد غیر - من برین اراده راسخ گشتم و ایالت آن  
حدود بامیرزاده پیر محمد مقرر گردانیدم - و چون هران و سرداران

تومنات و قشونات و هزار جات فراهم آمدند - اورا طلب داشتند و کلاه  
خود بر فرق دی گذاشته فرجی خاصه پوشانیدم - و بگفتم که ترا  
به پنج چیز مامور میگردانم - اول آنکه چون به تختگاه سلطان محمود  
غزنوی برنشینی و بران مملکت فرمان فرمای شوی مرا و خود  
را فراموش نکنی و از پایگاه خود در نگذری - دوم از حال همسایگان  
ملک غافل نگردی - سیوم در ضبط مملکت و رعایت رعیت  
تساهل نورزی - که تنگری تعالی بجهت آنکه بر احوال زیر دستان  
و مظلومان آگاه باشیم ملک خود را بما عطا فرموده - چهارم در نظم  
لشکر بکوشی - و هر که بدو در اید نگاه داری که تنگری تعالی برات  
روزی اورا بر تو نوشته - و سپاهی را رخصت ندهی و اگر دستوری  
طلبد و بدانی که در سپاه گری چنانچه باید هست باحوال او  
چنان پردازی که بفراغ بال بخدمت قیام نماید - چه سپاهی جان  
خود را بفروشد و سر بازی میکند - و بدان که حصار ملک سپاه  
است نه دستگاه - پنجم دین مصطفوی را رونق بخشی - و بر خلاف  
اوامر و نواهی الهی کاری نکنی - که قوام دولت بدین باز بسته  
است - و با سادت و علما و صلحا معاشرت نیکو نمائی - و از اشرار  
و انزال اجتناب ورزی - و در همین محفل گروهی از نوئینان را با  
لشکر گران همراه وی تعیین فرمودم - و امیر قطب الدین ابن عم امیر  
سلیمان شاه را دیوان بیگی - و اسلام خواجه پسر ایلچی خواجه برلاس را  
میرتوزک - و برات خواجه کوکلتاش را صاحب اسرار او گردانیده امر  
نمودم که در مجلس او از امرا میر موسی و عالی غانچی و امیر بهلول  
و امیر درویش برلاس و تیمور خواجه پسر آفروغا و حسین صوفی پسر

غیاث الدین ترخان و حمیدنی خواجه خویش امیر عباس بهادر و  
اقبال شاه بر غوجی و شمس الدین پسر ارج قرا و سونچ تیمور تلبه  
بنشینند - و از هر یکی سخنی که بر مکنون ضمیر او آگهی دهد -  
پرسیدم - امیر قطب الدین پانچ داد که اگر پشت من قائم باشد  
بر شکم چوب نخورم و گفت که پشت و پناه من امیر است دیگری را  
نشناسم - اسلام خواجه باز نمود که اوضاع خانه یکدست اگر دو گردد  
خانه خراب شود - و برات خواجه برگذارد که چراغ یکی است که بقروغ  
آن ره می نوردیم - و ما چراغ امیر را افروخته میدانیم و در سایه  
آن زندگی مینمایم - امیر علی غانچی ادا کرد که ما را بعد از امیر  
زندگانی مباد - و هر یکی لوازم اخلاص و اطاعت و اختصاص و  
تبعات خویش ظاهر میگرددانید - درینولا امیر زاده معروض داشت  
که اگر بر امیر عصیان ورزم سر از حکم تذکری تعالی بر تافته باشم -  
و دین خود را در باختن - گفتم چهارم حصه ممالک خود را بتو  
ارزانی داشته ام برادران از حقد و حسد در حق تو سخنان خواهند  
ساخت باید که پیوسته آثار نروتنی و خاکساری از تو بظهور پیوندند -  
ووی را در آغوش عاطفت کشیده مرخص فرمودم \*

چون هر عشره از سنین خلود آئین جلوس سعادت مانوس دوری  
از ادوار جهانبنانی مقرر گشته - و بفرمان اقدس وقایع هر دوری  
جلدی - اکنون که سوانح نخستین دور خلافت این بادشاه دین  
پرور - شهشاه داد گر - که ایزد نام بخش اوقات کامگارش چون  
اعوام دهور باهم پیوسته دارد - و ساعات فرمان گزاران مانند ایام  
شهر از هم ناگهسته - بفرخی و خجستگی صورت رقم پذیرفته -

خاتمه این مجلد مخلص را که فاتحه ادوار ناستغاهي باد به تكميق  
 مناصب دراري سماء خلافت - لالي دريای جلالت - انوار باصره  
 عظمت - ازهار حديقه ابهت - نوئينان والا مکان - و ماير منصبداران  
 تا پانصدي منصب و ترقيم نبذی از احوال فيض اشتمال مبارزان  
 نفوس شکن - و مجاهدان رياضت فن - و علمای دانش گستر -  
 و حکمانی عیسی اثر - شعراي سخن طراز - نگارین ميگرداند \*

## مناصب لالي بحر خلافت دراري سماء جلالت

بادشاه زاده محمد دارا شکوه نخستين گوهر دريای عظمت پانزده  
 هزاري نه هزار هوار \*

بادشاه زاده محمد شاه شجاع بهادر دويمين کوكب سماء ابهت  
 دوازده هزاري هفت هزار هوار \*

بادشاهزاده محمد اورنگ زيب بهادر سيومين مرو جويبار  
 سلطنت دوازده هزاري هفت هزار هوار \*

بادشاه زاده مراد بخش چارمين نتيجه دودمان دولت پانصد  
 رويه روزينه \*

## نوئينان والا مکان و امراي عاليشان و ديگر

### منصب داران

نه هزاري

يمين الدوله آصفخان خانخانان سده سالار نه هزاري نه هزار هوار  
 دو سده سه سده \*



## هفت هزاری

مهابت خان خانخاناں هفت هزارى هفت هزار سوار دو اسپه  
سه اسپه - ماه جمادى الاولى سال هفتم از جلوس مقدس در  
برهانپورر هگرای سفر آخرت گردید \*

خانجهان لودی هفت هزارى هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه  
بیست و ششم صفر سال دوم از اورنگ آرائی خدیو زمان مطابق  
بیست و دوم مهر برهنمائی شقاوت ابدی از آستان اقبال  
رو بر تافته خاک فرار بر فرق روزگار خود بیخت - و روز دو شنبه  
غره رجب سال چهارم موافق پانزدهم بهمن علف تیغ مبارزان  
فیروزی انتما گردید چنانچه بتفصیل گذارش یافت \*

## شش هزاری

خان دوران بهادر نصرت جنگ شش هزارى شش هزار سوار  
دو اسپه سه اسپه \*

خواجه ابوالحسن شش هزارى شش هزار سوار - بیستم رمضان  
سال ششم از جلوس اقدس و دیعت حیات سپرد \*

اعظم خان شش هزارى شش هزار سوار \*

عبد الله خان بهادر فیروز جنگ شش هزارى شش هزار سوار \*

انصل خان شش هزارى چار هزار سوار \*

## پنج هزاری

سید خان جهان باره پنج هزارى پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه \*

خان زمان بهادر پنج هزارى پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه - چهاردهم  
ذی الحجه سال دهم در دولتآباد برحمت حق پیوست \*

اسلام خان پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار سه هزار سوار دو اسبه سه اسبه \*

سعید خان پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار سه هزار سوار دو اسبه سه اسبه \*

شایسته خان پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار دو هزار سوار دو اسبه

سه اسبه \*

قاسم خان پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار دو هزار سوار دو اسبه سه اسبه -

مال پنج در صوبه داری بنگاله داعی حق را لبیک گفت \*

وزیر خان پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار هزار سوار دو اسبه سه اسبه \*

رانا جگت سنگه پنج هزاری پنج هزار سوار \*

راجه گجسنگه ولد راجه سورجسنگه راتهور پنج هزاری پنج‌هزار سوار \*

راجه جیسنگه کچه‌وا‌ه پنج هزاری پنج‌هزار سوار \*

رستم خان دکنی پنج هزاری پنج هزار سوار \*

سپهدار خان پنج هزاری پنج‌هزار سوار \*

شیر خان تونور پنج‌هزاری پنج هزار سوار - سال چارم در صوبه داری

احمد آباد ازین جهان بگذشت \*

راو رتن هادا پنج هزاری پنج‌هزار سوار - سال چارم در بالاگهات

رخمت هستی بر بست \*

راجه ججهار سنگه ولد راجه نرسنگدیو بندیله پنج‌هزاری پنج‌هزار

سوار - آن کافر ماجرا در سال هشتم بجزای کردار خود گرفتار

آمده بکوی عدم فرو رفت \*

داقوت خان حبشی پنج‌هزاری پنج‌هزار سوار - در رمضان سال ششم

برهنمونئی ادمار فرار نمود - و بیست و چارم فی القعدة سال

ضد کور در دولاباد طعمه نهنگ شمشیر مبارزان اشکر اقبال گردید \*

مالوجي برادر کهيلوجي دکني - پنج هزاري پنجهزار سوار \*

اوداجي رام دکني پنج هزارى پنج هزار سوار - سال ششم سپري گشت \*

بهادر جي ولد جادون راي دکني پنج هزارى پنج هزار سوار سال  
هشتم پيمانہ عمر او لب ريز گرديد \*

ميرزا عيسي ترخان پنجهزارى چار هزار سوار هزار سوار در اسپه  
سه اسپه \*

اعتقاد خان پنجهزارى چار هزار سوار \*

لشکر خان پنجهزارى پنج هزار سوار \*

رحيم خان ولد آدم خان دکني پنجهزارى چار هزار سوار - سال چهارم  
در گذشت \*

جعفر خان پنجهزارى سه هزار سوار \*

مير جمله پنجهزارى دو هزار سوار - دهم ربيع الثاني سال دهم  
بساط حيات در نورديد \*

#### چارهزارى

سيد شجاعت خان باره چار هزارى چار هزار سوار دو هزار و پانصد  
سوار در اسپه سه اسپه \*

قليج خان چار هزارى چار هزار سوار \*

سيدف خان چار هزارى چار هزار سوار \*

صادق خان چار هزارى چار هزار سوار - نهم ربيع الثاني سال ششم  
رخت هستي بر بست \*

باقر خان نجم ثاني چار هزارى چار هزار سوار - سال دهم در  
صوبه آله آباد در گذشت \*

- الله ویرد بخان چار هزاری چار هزار سوار \*
- معتقد خان چار هزاری چار هزار سوار \*
- دربا خان روهيله چار هزاری چار هزار سوار - سال سیوم از برهانپور  
فرار نموده بخانجهان مقهور پیوست - و هفدهم جمادی الثانی  
آغاز سال چهارم جگراج پسر راجه ججهار سنگه بنديله اورا در  
مرز مین خود بقتل رسانید \*
- بهادر خان روهيله چار هزاری چار هزار سوار \*
- دلور خان بریج چار هزاری چار هزار سوار - سال چارم درگذشت \*
- شیر خواجه چار هزاری سه هزار و پانصد سوار - در سنه احدی  
و دیعت حیات سپرد \*
- مبارز خان روهيله چار هزاری سه هزار و پانصد سوار \*
- راجه بهارت بنديله چار هزاری سه هزار و پانصد سوار - در سال  
هفتم شهری گردید \*
- راجه پتهلداس چار هزاری سه هزار سوار \*
- جان سپار خان صوبه دار اله آباد چار هزاری سه هزار سوار - در نخستین  
سال جلوس والا بگذشت \*
- شاه بیگ خان چار هزاری سه هزار سوار \*
- مرتضی خان ولد میر جمال الدین حسین آنجو چار هزاری سه  
هزار سوار - سال دوم در صوبه داری تنه مراحل زندگی در نوردید \*
- سید دلیر خان باره چار هزاری سه هزار سوار - در سال ششم ازین  
عالم انتقال نمود \*
- فدائی خان چار هزاری سه هزار سوار \*

( ۲۹۷ )

سرافراز خان چار هزارى سه هزار سوار \*

رشید خان انصاری چار هزارى سه هزار سوار \*

راو سور بهورتیه چار هزارى سه هزار سوار - در سال چهارم  
سپری گشت \*

سرافراز خان دکنی چار هزارى سه هزار سوار \*

جگدیو رای برادر جادون رای دکنی چار هزارى سه هزار سوار -  
در سال پنجم عنصری پیوندش از هم گسیخت \*

شاه نواز خان صفوی چار هزارى دو هزار و پانصد سوار \*

صفدر خان چار هزارى دو هزار و پانصد سوار \*

همیر رای دکنی چار هزارى دو هزار و پانصد سوار - در سال  
هفتم پیمانۀ زندگی او برآمود \*

محلدار خان دکنی چار هزارى دو هزار سوار \*

معتمد خان چار هزارى هزار و دویست سوار \*

موموی خان صدر چار هزارى هفتصد و پنجاه سوار \*

سه هزارى

نجایت خان ولد مبرز شاه رخ سه هزارى سه هزار سوار \*

جهانگیر قلیخان سه هزارى سه هزار سوار - در سال پنجم رخت  
حیات بر بست \*

سردار خان سه هزارى سه هزار سوار \*

راوستر سال نبیره راو رتن هادا سه هزارى سه هزار سوار \*

جوهرخان دکنی سه هزارى سه هزار سوار \*

اصالت خان سه هزارى دو هزار و پانصد سوار \*

شمشیر خان سه هزارې دو هزار و پانصد سوار - سال پنجم ازین  
جهان در گذشت \*

بیگلر خان ولد سعید خان سه هزارې دو هزار و پانصد سوار - سال  
سیوم و دیعت حیات سپرد \*

مبرز خان ولد شاه نواز خان بن عبد الرحیم خان خانخاندان سه  
هزارې دو هزار سوار \*

یوسف محمد خان تاشکندی سه هزارې دو هزار سوار \*

مخلص خان سه هزارې دو هزار سوار - در سال دهم سفر  
آخرت گزید \*

ترکمان خان سه هزارې دو هزار سوار - سال هفتم در گذشت \*

قزلباش خان سه هزارې دو هزار سوار \*

شهباز خان معروف بشیر خان روهیله سه هزارې دو هزار سوار - سال  
چهارم در دکن جان فشانی نموده حیات ابد اندوخت \*

مرتضی خان ولد سید صدر جهان سه هزارې دو هزار سوار \*

امیر خان سه هزارې دو هزار سوار \*

خواص خان سه هزارې دو هزار سوار \*

ظفر خان سه هزارې دو هزار سوار \*

امیر سنگه ولد راجه گجسنگه راتهور سه هزارې دو هزار سوار \*

مادهو سنگه ولد راورتن هادا سه هزارې دو هزار سوار \*

راجه بهار سنگه ولد راجه نرسنگه دیو بندپله سه هزارې دو هزار سوار -  
سال پنجم در گذشت \*

راجه جگت سنگه ولد راجه باسو سه هزارې دو هزار سوار \*

( ۲۹۹ ) .

فخر الملک ولد یاقوت بد جوهر سه هزاري دو هزار سوار - سال  
پنجم فرو شد \*

حسن خان ولد فخر الملک سه هزاري دو هزار سوار \*  
جمشید خان خویش ملک عنبر حبشی سه هزاري دو هزار سوار -  
سال سوم فرو رفت \*

کار طلب خان دکنی سه هزارى دو هزار سوار \*  
ازداجیرام ولد اوداجی رام سه هزاري دو هزار سوار \*  
آمد خان معموری سه هزاري هزار و پانصد سوار - سال چهارم  
روزگارش بسر آمد \*

راجه رای سنگه ولد مهاراجه بهیم سیسودیہ سه هزاري هزار  
و پانصد سوار \*

راجه انوب سنگه سه هزاري هزار و پانصد سوار - در سال دهم  
پیمانہ زندگانی او مالا مال گشت \*

پرموجی دکنی سه هزارى هزار و پانصد سوار \*  
منکوجی دکنی سه هزاري هزار و پانصد سوار \*  
حبش خان سه هزاري هزار و پانصد سوار \*  
جادون رای دکنی سه هزاري هزار و پانصد سوار \*  
سید هنیر خان بارهه سه هزاري هزار سوار \*  
راجه منروپ کچهواہه سه هزاري هزار سوار - سال میوم بملک  
عدم شتافت \*

دیاجی ولد بهادر جی دکنی سه هزاري هزار سوار \*  
حکیم منسیج الزمان سه هزاري پانصد سوار \*

( ۳۰۰ )

دو هزار و پانصدی

مرشد قلبي خان ترکمان دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار-

پانصد سوار دو امده سه اسپه \*

میر شمعن دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار \*

سزاوار خان ولد لشکر خان دو هزار و پانصدی دو هزار و

پانصد سوار \*

غیرت خان برادر زاده عبد الله خان بهادر فیروز جنگ دو هزار و

پانصدی دو هزار سوار \*

دیانت خان دشت بیاضی دو هزار و پانصدی دو هزار و پانصد سوار -

در سال سیوم ره نورن آخرت گردید \*

افتخار خان برادر سعید خان دو هزار و پانصدی دو هزار سوار - سال

چهارم بشهرستان فیستی رفت \*

احمد خان ولد محمد خان نیازی دو هزار و پانصدی دو هزار سوار \*

صف شکن خان ولد سید یوسف خان دو هزار و پانصدی دو

هزار سوار \*

راجه دیبی سنگه ولد راجه بهارته بندیلہ دو هزار و پانصدی

دو هزار سوار \*

الله یار خان دو هزار و پانصدی هزار و هشتصد سوار \*

خنجر خان ترکمان دو هزار و پانصدی هزار و هفتصد سوار - سال دوم

در گذشت \*

خدمت پرست خان دو هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار - بیست

و ششم صفر سال دوم در نبرد خانجهان مقهور جان در باخت \*



نظر بهادر خوشگي دو هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار \*  
شيخ فرید ولد قطب الدین خان کوکه دو هزار و پانصدي هزار  
و پانصد سوار \*

دلاور خان دکنی دو هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار \*  
شمس خان دکنی ( ن ) دو هزار و پانصدی يك هزار و دوصد و پنجاه  
سوار - سال سیوم رخت هستي ازین جهان بر بخت \*  
جان نثار خان دو هزار و پانصدي هزار و دویست سوار \*

#### دو هزاری

باقیخان قلماق دو هزاری دو هزار سوار \*  
شاه قلبي خان اوزبك دو هزاری دو هزار سوار \*  
مبارک خان نیازی دو هزاری دو هزار سوار \*  
پرداخان ولد دلاور خان بریج دو هزاری دو هزار سوار \*  
جگراج بندوقله دو هزاری دو هزار سوار - در سال هشتم همراه پدر  
بقتل رسید \*

پرتیهراج راتهور دو هزاری هزار و هفتصد سوار \*  
عزت خان دو هزاری هزار و پانصد سوار دو لسهه سه امده \*  
مغلخان ولد زین خان کوکه دو هزاری هزار و پانصد سوار \*  
مکرم خان دو هزاری هزار و پانصد سوار \*  
احمد بیگ خان دو هزاری هزار و پانصد سوار \*  
سادات خان دو هزاری هزار و پانصد سوار \*

---

( ن ) کرانی

( ۳۰۲ )

اهتمام خان دو هزارې هزار و پانصد سوار \*  
مختار خان سبزواري، دو هزارې هزار و پانصد سوار - سال دهم  
کشته شد \*

راو کړن ولد زار سور بهورتیه دو هزارې هزار و پانصد سوار \*  
راو دودا نډیرغ راو چاندا دو هزارې هزار و پانصد سوار - سال ششم  
در مهم دولتآباد جان نثار گردید \*

راوت راي دهنگر دکنی دو هزارې هزار و پانصد سوار \*  
بابو خان کراني دو هزارې هزار و پانصد سوار - سال سیوم اجل  
موعودش منصرم شد \*

محمد زمان دو هزارې هزار و چار صد سوار \*  
غیرت خان عزیز الله نام ولد یوسف خان دو هزارې هزار و  
دو صد سوار \*

تربیت خان دو هزارې هزار و دویست سوار \*  
دیندار خان دو هزارې هزار و دو صد سوار - سال هشتم شربت  
مرگ چشید \*

نور الله هروی ( ن ) دو هزارې هزار و دو صد سوار \*  
بهاریداس کچهواهد دو هزارې هزار و دو صد سوار - سال چهارم ازین  
جهان بیرون شد \*

میرزا والي دو هزارې هزار سوار \*  
میرزا حسن ولد میرزا رستم صفوی دو هزارې هزار سوار \*

---

( ن ) مروي

( ۳۰۳ )

- غدير تخان خواجه بابا نام دو هزار ي هزار سوار - سال ششم مسافر ملك بقتاشد \*
- لهر اسپ خان ولد مهابت خان خانخانان دو هزار ي هزار سوار \*
- خليل الله خان دو هزار ي هزار سوار \*
- جان باز خان خواجه بابا نام دو هزار ي هزار سوار \*
- اخلاص خان دو هزار ي هزار سوار \*
- اکرام خان ولد اسلام خان فتحپوري دو هزار ي هزار سوار \*
- فيروز خان خواجه سرا دو هزار ي هزار سوار \*
- راجه رام داس نوروزي دو هزار ي هزار سوار \*
- راجه روز افزون دو هزار ي هزار سوار - سال هشتم بخواب عدم غنود \*
- شير خان تيرين دو هزار ي هزار سوار \*
- بختيار خان دکني دو هزار ي هزار سوار \*
- سيد عمر دکني دو هزار ي هزار سوار \*
- آتش خان دکني دو هزار ي هزار سوار \*
- انديرام دو هزار ي هزار سوار \*
- سرور خان حبشي دو هزار ي هزار سوار \*
- پتهوجي ولد اچلاجي دکني دو هزار ي هزار سوار \*
- التفات خان دو هزار ي هشتصد سوار \*
- سيد عالم باره دو هزار ي هشتصد سوار \*
- صلاحت خان ولد صادق خان دو هزار ي هشتصد سوار \*
- هاباجي ديوريه ( ن ) دو هزار ي هشتصد سوار \*

( ن ) پوريه

( ۳۰۴ )

نور الدين قلبي دو هزارى هفتصد سوار - سال پنجم راجپوتى اورا  
بقتل رسانيد \*

خواجه جهان خواني دو هزارى ششصد سوار \*

حكيم الملك دو هزارى پنجاه سوار \*

هزار و پانصدي

سعادت خان هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار \*

عوض خان قاقشال هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار \*

همت خان هزار و پانصدى هزار و پانصد سوار - در سال دهم  
وديعت حيات باز داد \*

رحمت خان هزار و پانصدى هزار و پانصد سوار \*

اكبر قلبي سلطان كهر هزار و پانصدي هزار و پانصد سوار \*

راول پونچا زميندار دونگر پور هزار و پانصدى هزار و پانصد سوار \*

شريف خان قديمي هزار و پانصدي هزار و دويست سوار - سال نهم  
قابض ارواح قبض روحش نمود \*

اسفنديار ولد حسن بيگ شيخ عمري هزار و پانصدي هزار و  
دويست سوار \*

سرانداز خان چيله قلماق هزار و پانصدي هزار و دويست سوار \*

زين العابدين ولد آصف خان جعفر بيگ هزار و پانصدي هزار  
و پانصد سوار - سال دوم از سرمايه زندگي تهني دست شد \*

سهراب خان ديگر پسر خان مزبور هزار و پانصدي هزار و پانصد  
سوار \*

شجاع ولد معصوم خان كابلي هزار و پانصدي هزار سوار \*

مرحمت خان هزار و پانصدي هزار سوار - سال چهارم اجل

معهودش در رسيد \*

جهان خان کاکر هزار و پانصدي هزار سوار \*

سکندر برادر شهناز خان دومانبي هزار و پانصدي هزار سوار \*

زبردست خان هزار و پانصدي هزار سوار \*

سيد يعقوب ولد سيد کمال بخاري هزار و پانصدي هزار سوار - سال

ميوم بعدم اباد رفت \*

ياسين خان ولد شير خان تونور هزار و پانصدي هزار سوار - سال

هشتم به نخستين منزل اخروي فروکش کرد \*

سيورام ولد بلرام کور هزار و پانصدي هزار سوار \*

هرديرام ولد بانکا کچهوايه هزار و پانصدي هزار سوار - سال نهم طی

وادی نيستی فرا پيش گرفت \*

ستر سال کچهوايه هزار و پانصدي هزار سوار - سال ميوم در پیکار

خانجهان ضلالت دثار بمردانگي نقد حیات در باخت \*

راجه دوارکا داس ولد راجه گردهر کچهوايه هزار و پانصدي هزار

سوار - سال چهارم در جنگ آن معصيت گرا جانبازي نمود \*

راو منهي سنگه ولد راو دودامی چندراوت هزار و پانصدي هزار سوار \*

رراجه پرتاب اوجينيه هزار و پانصدي هزار سوار - در سال دهم

بدست عبد الله خان بهادر فيروز جنگ گرفتار آمده بپاداش

نمک حرامی حسب الحکم بياسا رسيد \*

جان سپار خان هزار و پانصدي هشتصد سوار \*

زبردست خان هزار و پانصدي هشت صد سوار \*

( ۳۰۶ )

- سرفراز خان هزار و پانصدی هشت صد سوار \*
- خواجه برخوردار هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- قزاق خان هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- ذوالفقار خان هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- عبد الرحیم خان اوزبک هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- میر عبد الله خویش سید یوسف خان هزار و پانصدی هشتصد سوار - در سده هشت به فیستی سرای رفت \*
- کرمسی راتهور هزار و پانصدی هشتصد سوار - سال سیوم در نبرد خانجهان مقهور گشته شد \*
- بهیم راتهور هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- چندر من بندیلہ هزار و پانصدی هشتصد سوار \*
- یادگار حسین خان هزار و پانصدی هفتصد سوار - سال ششم ملک فیستی پیمود \*
- جلال ولد دلاور خان کاکر هزار و پانصدی هفتصد سوار \*
- جگمال واد کشن سنگه راتهور هزار و پانصدی هفتصد سوار - سال دوم بوادی عدم در شد \*
- ملفت خان هزار و پانصدی ششصد سوار \*
- یکه تاز خان هزار و پانصدی ششصد سوار \*
- ذوالفقار بیگ ترکمان هزار و پانصدی ششصد سوار - سال چهارم در گذشت \*
- سنکرام زمیندار کنور هزار و پانصدی ششصد سوار \*
- خدمت خان خواجه سرا هزار و پانصدی پانصد و پنجاه سوار \*

جمال خان نوحانی هزار و پانصدی پانصد سوار \*  
اعتماد خان خواجه سرا هزار و پانصدی پانصد سوار - سال دوم  
درگذشت \*

حکیم محمد حاذق ( ن ) ولد حکیم همام گیلانی هزار و پانصدی  
سه صد سوار \*

قاضی محمد سعید کرهرودی هزار و پانصدی دو صد سوار -  
سال نهم ایام زندگیش آخر شد \*

#### هزاری

امان بیگ هزاری هزار سوار \*

اوزبک خان هزاری هزار سوار \*

محمد حسین ولد یوسف نیکنام هزاری هزار سوار \*

آگاه خان خواجه سرا هزاری هزار سوار \*

راول سرمسی زمیندار بانسواله هزاری هزار سوار \*

شیخ الهدیه ولد کشور خان هزاری هشتصد سوار \*

لطف الله ولد لشکر خان هزاری هشتصد سوار \*

ابو البقا ولد احمد بیگ خان هزاری هشتصد سوار \*

دولتخان ولد الف خان قیامخانی هزاری هشتصد سوار \*

محمد صالح ولد میرزا شاهی برادر ( ن ) آصفخان جعفر بیگ هزاری

هشتصد سوار : سال دوم راه آخرت فرا پیش گرفت \*

نوبت خان هزاری هشتصد سوار - سال نهم نقد حیات باز داد \*

---

( ن ) عبد الحاذق ( ن ) برادر زاده

( ۳۰۸ )

حسيني برادر باقر خان نجم ثاني هزاري هشتصد سوار - ۰ سال  
هشتم از آشوب حوادث رعائي يافت \*

شادي خان شادي بيگ نام هزاري هشتصد سوار \*  
ابو محمد كنډو هزاري هشت صد سوار - سال پنجم ايام زندقانديش  
منقضي گرديد \*

پير خان ميانه هزاري هشتصد سوار - سال هفتم در احمدآباد خرمن  
عمرش بباد فنا رفت \*

هري سنگه ولد كشن سنگه راتهور هزاري هشتصد سوار \*  
جيرام ولد راجه انيراي هزاري هشتصد سوار \*  
محمد شريف خالوي باقر خان نجم ثاني هزاري هفتصد سوار \*  
لعل خان هزاري هفتصد سوار - در نخستين سال جلوس اشرف  
ازين سپنجي سراي بيرون شد \*

نصيب شيراني قديمي هزاري هفتصد سوار \*  
سيد غلام محمد بخاري هزاري هفتصد سوار - سال چهارم بندهانخانه  
عدم در شد \*

سيد علاول برادر سيد كبير هزاري هفتصد سوار - سال هفتم در دكن  
بدرجه شهادت رسيد \*

عثمان عم بهادر خان روهيله هزاري هفتصد سوار \*  
جان باز خان هزاري ششصد سوار \*  
قلعه دار خان چيله هزاري ششصد سوار \*  
ديانت خان هزاري ششصد سوار \*  
شجاع خان ولد معصوم خان كابلې هزاري ششصد سوار \*



- عبد الرحمن ترنابی هزاری ششصد سوار \*
- مرتضی قلی برادر جانسپار خان هزاری ششصد سوار - سال دهم
- دردکن بکنج نیستی خزید \*
- علاول ولد ابابکر ترین هزاری ششصد سوار \*
- عبد الرحمن روهیله هزاری ششصد سوار \*
- عبد القادر ولد احدات هزاری ششصد سوار - سال نهم جان سپرد \*
- بابهدر میکهارت هزاری ششصد سوار - سال میوم در جنگ خانبهان
- نابکار بکار آمد \*
- راجه بیر فراین بد کوجر هزاری ششصد سوار - سال میوم بساط
- زندگی در پیچید \*
- بهگوانداس ولد راجه نرسنگدیو بندیله هزاری ششصد سوار \*
- کشن سنگه بهدوریه هزاری ششصد سوار \*
- روپچند گوالیاری هزاری ششصد سوار - سال هشتم در مهم سری نگر
- نقد زندگی در باخت \*
- بهرام خان ولد جهانگیر قلیخان بن خان اعظم گوکلتاش هزاری
- پانصد سوار \*
- میرزا خان ولد زین خان هزاری پانصد سوار - سال چهارم ره نورده
- منزل عدم گردید \*
- خواجه برخوردار داماد مهابتخان خانخانان هزاری پانصد سوار \*
- پرورش خان هزاری پانصد سوار - سال چهارم از اوج هستی بحضیض
- نیستی رفت \*
- عقیدت خان هزاری پانصد سوار - سال چهارم رهگرای آخرت گردید \*

کرم الله ولد علي مردان بهادر هزاری پانصد سوار \*

حیات ترین هزاری پانصد سوار \*

آقا افضل هزاری پانصد سوار \*

احداد مهمند هزاری پانصد سوار \*

پهازه مل ولد کشن سنگه راتهور هزاری پانصد سوار - در سده

احدی ازین جهان در گذشت \*

راجه گردهر پسر کدسو داس نبیره جتمل میرتهیه هزاری پانصد

سوار - سال سیوم در پیگار خانجهان نکوهیده آثار جانفشانی نمود \*

جیت سنگه راتهور هزاری پانصد سوار - سال سیوم بعدم گاه

شدافت \*

متر سین برادر راجه سیام سنگه تونور هزاری پانصد سوار - سال

ششم بخلاب ممات در شد \*

سیام سنگه سیسودیه هزاری پانصد سوار \*

محمد علي کامرانی هزاری پانصد سوار \*

حسین ولد خانجهان تبیره بخت هزاری پانصد سوار - بیست و ششم

صفر سال دوم علف تیغ مبارزان اشگر فیروزی گردید \*

سکندر خان هزاری چارصد و پنجاه سوار - سال چهارم بدار البقا رفت \*

ترکناز خان هزاری چارصد سوار \*

لطیف خان نقشبندی هزاری چارصد سوار \*

اسام قلیخان ولد جان سپار خان هزاری چارصد سوار - سال سیوم

در نبرد خانجهان مطرود جان در باخته سرخ روئی ابد

حاصل کرد \*

سیف الملوک کاشغری هزاری چار صد سوار - سال پنجم سفر اخرویش  
پیش آمد \*

سید مبارک قدیمی هزاری چار صد سوار - سال نهم طایر وحش  
از قفس تن پرواز نمود \*

ابابکر ولد بهادر خان قوریگی هزاری چار صد سوار - سال هشتم  
بساط هستی در نور دید \*

خنجر خان هزاری چار صد سوار - سال سیوم از جهان درگذشت \*  
بهادر برادر زاده خانجهان مردود هزاری چار صد سوار - سال سیوم  
در اثنای جنگ اعظم خان بگوی عدم فرزندت \*

سلطان نظر ولد امانت خان هزاری سه صد سوار \*

محمد یحیی ولد سیف خان هزاری سه صد سوار \*

راجه کورسین کشتواری هزاری سه صد سوار \*

رفا خان خواجه سرا هزاری دو صد و پنجاه سوار - سال هفتم در  
گذشت \*

میرزا حیدر ولد میرزا مظفر صفوی هزاری دو صد سوار - سال چهارم  
ازین جهان بگذشت \*

میر برکه هزاری دو صد سوار \*

میر خان هزاری دو صد سوار \*

میر عبد الکریم هزاری دو صد سوار \*

حکیم خوشحال ولد حکیم هماد هزاری دو صد سوار \*

یک دل خان خواجه سرا هزاری دو صد سوار \*

شریف خان هزاری دو صد سوار - سال پنجم درگذشت \*

- حبيب شور هزارى دو صد سوار \*
- مير شريف هزارى دو صد سوار - سال چهارم در گذشت \*
- راى مانيداس هزارى صد و پنجاه سوار - سال پنجم سپرى گشت \*
- اسحاق بيگ هزارى صد سوار \*
- معز الملک هزارى صد سوار \*
- امانت خان هزارى صد سوار \*
- راى بنواليداس هزارى صد سوار - سال چهارم در گذشت \*

#### نه صدی

- راجہ مانسنگہ گواليارى نهصدى هشتصد و پنجاه سوار \*
- ميل سنگه ولد راجہ سورج سنگه راتهور نهصدى هشتصد سوار \*
- قزلباش خان نهصدى هفصد سوار - سال ميوم در گذشت \*
- شرزه خان نهصدى ششصد سوار - سال هشتم در گذشت \*
- گوپال سنگه ولد راجہ منروب کچهواپه نهصدى ششصد سوار \*
- سيد ولي نهصدى پانصد سوار \*
- ذوالفقار خان ترکمان نهصدى پانصد سوار \*
- شمشير خان ولد شير خان تونور نهصدى پانصد سوار \*
- سيد ماکهن باره نهصدى پانصد سوار - سال نهم در گذشت \*
- گوکلداس سيد سودپه نهصدى پانصد سوار \*
- علي قلبي برادر ترکمان خان نهصدى پانصد سوار \*
- راو هرچند کچهواپه نهصدى چار صد سوار - در سال چهارم فرو رفت \*
- راى کاشي داس نهصدى چار صد سوار \*
- نور الله ولد مير حسام الدين آنجو نهصدى سه صد سوار \*

مرحمت خان ولد صادق خان نهصدی سه صد سوار \*  
ایمل افغان نهصدی سه صد سوار - سال چهارم با خانجهان حرام نمک  
بگوی عدم فرو رفت \*

محمد زمان ولد حاکم خان نهصدی دو صد و پنجاه سوار \*  
شافی پسر سیفخان نهصدی صد و پنجاه سوار \*  
نیانت رانی نهصدی صد و پنجاه سوار \*

#### هشتصدی

سید عبد الوهاب ولد سید عبد الرحمن هشتصدی هشتصد سوار \*  
سید شهاب ولد سید غیرت خان هشتصدی ششصد سوار \*  
سید عبد الواحد ولد سید مصطفی خان بخاری هشتصدی شش  
صد سوار \*

مهیس داس ولد دلپت راتهور هشتصدی ششصد سوار \*  
اختیار ولد مبارز خان روهیلہ هشتصدی هشتصد سوار \*  
جمال ولد دالور خان کاکر هشتصدی شش صد سوار - سال ششم  
کشته شد \*

شادمان پکهلپوال هشتصدی ششصد سوار \*  
نظام ولد غزنین خان جالوری هشتصدی پانصد و پنجاه سوار -  
سال ششم درگذشت \*

ازد شیرنبدیر احمد بیگ خان هشتصدی پانصد سوار \*  
سید بهکر برادر زاده مرتضی خان بخاری هشتصدی پانصد  
سوار \*

سیف الله ولد شمشیر خان روهیلہ هشتصدی پانصد سوار \*

- خضر سلطان کهکمر هشتصدی پانصد سوار \*
- کمال الدین ولد شیرخان روهیلہ هشتصدی پانصد سوار \*
- رای تلوکچند نبیرہ رای منوہر هشتصدی پانصد سوار \*
- لکھمی سین چوہان هشتصدی پانصد سوار \*
- سید لطف علی بہکری هشتصدی چار صد سوار \*
- عنایت اللہ ولد میرزا عیسیٰ ترخان هشتصدی چار صد سوار \*
- میر فاضل مخدوم زادہ هشتصدی چار صد سوار \*
- صوفی بہادر هشتصدی چار صد سوار \*
- حاجی محمد خواجہ هشتصدی چار صد سوار - سال چہارم درگذشت \*
- محمد علی خویش قبیچ خان هشتصدی چار صد سوار \*
- فرخ زاد ولد جہانگیر قلی خان هشتصدی چار صد سوار - سال ششم درگذشت \*
- رحمان اللہ پسر شجاعت خان عرب هشتصدی چار صد سوار - سال سوم در جنگ خانجہان مقہور جان در باخت \*
- نیاز خان پسر شہباز خان کنبو هشتصدی چار صد سوار \*
- تاج سروانی هشتصدی چار صد سوار \*
- اوگر سین کچہواہہ هشتصدی چار صد سوار \*
- بہوجراج ولد رایسال درباری هشتصدی چار صد سوار \*
- بہادر ارند افغان هشتصدی چار صد سوار \*
- رای جگناتپہ راتہور هشتصدی چار صد سوار - سال سیوم سپہری گردید \*

صدر برادر شیر خان روهیلہ ہشتصدی چار صد سوار \*  
 عظمت پسر خانجہان منکوب ہشتصدی چار صد سوار - سال دوم  
 بہزاران خواری کشته شد \*

راجہ ادریسنگہ والد راجہ سیام سنگہ تونور ہشتصدی چار صد سوار -  
 سال سیوم در گذشت \*

بہادر بابی ہشتصدی سہ صد و پنجاہ سوار \*  
 عثمان ولد بہادر خان قور بیگی ہشتصدی سہ صد و پنجاہ سوار - سال  
 نہم در گذشت \*

یوسف بیگ کابلی ہشتصدی سہ صد سوار \*  
 بہادر بیگ ترکمان ہشتصدی سہ صد سوار \*  
 طغرل والد شاہ نواز خان بن عبد الرحیم خان خانان ہشتصدی  
 سہ صد سوار \*

شیر زاد خویش خان عالم ہشتصدی سہ صد سوار - سال چہارم  
 در نبرد خانجہان مخدول جانفشانی نمود \*  
 لشکری والد مخلص خان ہشتصدی سہ صد سوار - سال ششم  
 در گذشت \*

بہادر والد جانشہار خان ہشتصدی سہ صد سوار - در سال ہفتم  
 بگذشت \*

سبحان سنگہ سیدسودیہ ہشتصدی سہ صد سوار \*  
 رانا جودھا زمیندار امرکوت ہشتصدی سہ صد سوار \*  
 میرزا مراد کام صفوی ہشتصدی در صد سوار \*  
 دانا دل والد شاہنواز خان بن عبد الرحیم خانخانان ہشتصدی

دو صد سوار \*

میرک حسین خوانی هشتصدی دو صد سوار \*  
حیات خان نذیر دربار خان که در عهد حضرت جنت مکانی  
بخدمت پرست موسوم بود هشتصدی دو صد سوار \*  
مقیم خان هشتصدی دو صد سوار - سال هشتم در گذشت \*  
خواجه عبد الله نقشبندی هشتصدی دو صد سوار - سال دهم ره سپهر  
آخرت گشت \*

فتح سنگه سید سودیه واد مهاراجه بهیم هشتصدی دو صد سوار -  
در سده احدی در گذشت \*

یزدانی ولد مخلص خان هشتصدی دو صد و پنجاه سوار \*  
بیدل خان گیلانی هشتصدی صد سوار \*  
شیخ عبد اللطیف هشتصدی پنجاه سوار \*  
هفتصدی

کرپارام کور هفتصدی هفت صد سوار \*  
ستمر سال ولد راو سور بهورتیه هفتصدی شش صد سوار \*  
سید اسد الله ولد سید بایزید بخاری هفتصدی پانصد و  
پنجاه سوار \*

راجه بهرز ولد راجه روز افزون هفتصدی پانصد سوار \*  
هادی داد برادر رشید خان انصاری هفتصدی پانصد سوار \*  
سید صدر همشیرزاده مرتضی خان بخاری هفتصدی پانصد سوار \*  
سید حسن مساعد هفتصدی چار صد سوار \*  
نصر الله عرب هفتصدی چار صد سوار \*



چشتی خان هفتصدی چار صد سوار - سال پنجم درگذشت \*

فتح الله ولد راجو خان هفتصدی سه صد و پنجاه سوار \*

چیقون بیگ جلابری هفتصدی سه صد و پنجاه سوار - در سنه  
احدی سپری گشت \*

میرزا ( ؟ ) برادر رشید خان انصاری هفتصدی سه صد و پنجاه سوار -  
سال چهارم درگذشت \*

زنبیل بیگ خویش خواجه بیگ میرزا هفتصدی سه صد سوار \*

اجمیری کوکه هفتصدی سه صد سوار \*

جگناتپه راتپور هفتصدی سه صد سوار \*

محمد طاهر خویش شهاب الدین احمد خان هفتصدی سه صد  
سوار \*

عادل خان ولد قاسم خان میر بحر هفتصدی سه صد سوار \*

محمد بیگ اباکش هفتصدی سه صد سوار \*

نصیر الدین محمود هفتصدی سه صد سوار \*

سعید شیرانی هفتصدی سه صد سوار \*

بیرنراین زمیندار پچیت از توابع صوبه بهار هفتصدی سه صد  
سوار - سال ششم درگذشت \*

هررام ولد بهگونداس کچهواه هفتصدی سه صد سوار \*

روپ سنگه کچهواه هفتصدی سه صد سوار \*

عزیز ولد بهادر خان بلوچ هفتصدی دو صد و هشتاد سوار - سال  
پنجم سپری گشت \*

حسن خان برادر خدمتگار خان هفتصدی دویست و شصت سوار \*

صف شهن خان ولد میرزا حسن صفوي هفتصدي دو صد و پنجاه سوار \*

کریم داد قاقشال هفتصدي دو صد و پنجاه سوار \*  
 یولم بهادر هفتصدي دو صد و پنجاه سوار - سال هفتم درگذشت \*  
 صالح اشهری هفتصدي دو صد و پنجاه سوار \*  
 عزایت الله ولد امانت خان هفتصدي دو صد سوار \*  
 حاجي نیاز هفتصدي دو صد سوار - سال دوم درگذشت \*  
 میرزا محمد سلدوز هفتصدي دو صد سوار - سال سوم و دیعت حیات سپرد \*

سید سعادت الله حاجي پوری هفتصدي دو صد سوار \*  
 کاظم خویش وزیر الملک هفتصدي دو صد سوار \*  
 محمد رضا جابری هفتصدي دو صد سوار - سال دوم درگذشت \*  
 سید میرزا سبزواری هفتصدي دو صد سوار \*  
 بالا ولد راجه جگنات کچهاوه هفتصدي دو صد سوار - سال سیوم درگذشت \*

رای بنارسیداس هفتصدي دو صد سوار \*  
 حسام الدین ولد نظام الدین خان هفتصدي صد و پنجاه سوار \*  
 انور ولد سلاح خان هفتصدي صد و پنجاه سوار \*  
 نصر الله ولد مختار بیگ هفتصدي صد و پنجاه سوار - سال دهم درگذشت \*

سلطان محمود خویش خواجه ابوالحسن هفتصدي صد و پنجاه سوار - سال پنجم پوری گردید \*

عارف بیدگ شیخ عمری هفتصدی صد و پنجاه سوار - سال سیوم  
در گذشت \*

جمال خان قراول هفتصدی صد و پنجاه سوار \*  
فراست خان خواجه سرا هفتصدی صد و بیست سوار \*  
عارف ولد تاتار خان سفرچی هفتصدی صد سوار \*  
مبارک خان ولد سیف خان هفتصدی صد سوار \*  
کفایتخان معروف بمحمد مقیم هفتصدی صد سوار \*  
غازی بیدگ هفتصدی صد سوار \*

#### شش صدی

شمس الدین ولد نظر بهادر خویشگی ششصدی ششصد سوار \*  
مجاهد ولد فیروز جالوری ششصدی شش صد سوار \*  
سید عبد الماجد امروهه ششصدی چار صد سوار \*  
عبد الغفور ولد عرب خان شش صدی چار صد سوار \*  
جعفر برادر باقر خان نجم ثانی ششصدی چار صد سوار - در سال  
ششم کشته شد \*

سید عبد الله باره شش صدی چار صد سوار \*  
میرزا خویش قزلباش خان شش صدی چار صد سوار \*  
فیروز برادر غزنین خان جالوری شش صدی چار صد سوار - سال  
چهارم در گذشت \*

سیدام سنگه ولد کرمسی را تهور ششصدی چار صد سوار \*  
راجه اودیبهان ولد راجه گرهه ششصدی چار صد سوار \*  
اوگرسین ولد ستر سال کچهواوه ششصدی چار صد سوار \*

- محمد شریف قدیمی ششصدی سه صد و پنجاه سوار \*
- میر یوسف کولالی ششصدی سه صد سوار \*
- سید شاه علی ولد سید رشید ششصدی سه صد سوار \*
- سید سلیمان ولد سید قاسم باره ششصدی سه صد سوار \*
- محمد بیگ شش صدی سه صد سوار - سال نهم در گذشت \*
- ابو البقا برادرزاده عبد الله خان بهادر فیروز جنگ - ششصدی  
سه صد سوار \*
- سید عبد المنعم امرویه ششصدی سه صد سوار - سال نهم رخت  
هستی بر بست \*
- حسن قلی خلیج ششصدی سه صد سوار \*
- باگه ولد شیر خان تونور ششصدی سه صد سوار \*
- اندر سال نبیره راو رتن شش صدی سه صد سوار \*
- ادهم ولد نیابت خان ششصدی سه صد سوار - سال چهارم  
در گذشت \*
- پاینده بیگ خواجه خضری ششصدی دو صد و هشتاد سوار -  
سال هفتم چپری گشت \*
- سلطان یار ولد الله یار کوکه ششصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- خواجه عنایت الله ششصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- میر بزرگ نواسه سید خان ششصدی دو صد و پنجاه سوار - سال  
پنجم در گذشت \*
- میر جعفر ولد میر حاج ششصدی دو صد سوار \*
- میر شاه علی ششصدی دو صد سوار \*

- پهلوان درویش سرخ ششصدی دو صد هوار \*
- محمد سعید پسر خوانده مرتضی خان بخاری ششصدی دو صد هوار \*
- سید صادق ششصدی دو صد هوار \*
- محمد یوسف ششصدی دو صد هوار \*
- نذر بیگ تیمان ششصدی دو صد هوار - سال دوم در گذشت \*
- بهرام ولد صادق خان ششصدی صد و پنجاه هوار \*
- جلال الدین محمود نواسه مخدوم الملک ششصدی صد و پنجاه هوار \*
- مسعود شش صدی صد و پنجاه هوار - در سال چهارم روزگارش  
بسر آمد \*
- زلفی بیگ ششصدی صد و پنجاه هوار سال سیوم در گذشت \*
- مکنداس راتهور ششصدی صد و پنجاه هوار - او نیز سال سیوم  
در گذشت \*
- میر باقر ششصدی یکصد و بیست و پنج هوار - سال پنجم  
سپری گشت \*
- سیام خان حبشی ششصدی صد و بیست هوار \*
- زین الدین علی برادر اسلام خان ششصدی صد هوار \*
- محمد قاسم برادر خواجه ابو الحسن ششصدی صد هوار \*
- بلند ولد بهروز کلال ششصدی صد هوار - سال دهم در گذشت \*
- قاصی محمد اسلام ششصدی شصت هوار \*
- محمد حسین جابری ششصدی ذات - سال ششم در گذشت \*
- پانصدی
- محمد شاه یکه پانصدی پانصد هوار \*

- مظفر ولد مبارک خان مروانی پانصدی چار صد و پنجاه سوار \*
- سید باقر ولد سید حامد بخاری پانصدی چار صد سوار \*
- محمد شریف ولد افضل تولکچی پانصدی چار صد سوار \*
- بهادر کنبو پانصدی چار صد سوار \*
- نرسنگداس ولد راجه دوارکا داس پانصدی چار صد سوار \*
- چندر بهان فروکه پانصدی چار صد سوار \*
- متھرا داس کچھوآهه پانصدی چار صد سوار \*
- هریسنگه ولد راد چاندا پانصدی چار صد سوار - سال نهم درگذشت \*
- شیروی خواجه سرا پانصدی چار صد سوار \*
- ناهر سولنگھی پانصدی چار صد سوار \*
- محمد زمان ولد ناد علی ارلات پانصدی سه صد و پنجاه سوار \*
- امام قلی پانصدی سه صد سوار \*
- چلپی رومی پانصدی سه صد سوار \*
- بیر بهان زمیندار چندر کونه بنگاله پانصدی سه صد سوار \*
- راجه جگمن جادرن پانصدی سه صد سوار \*
- سید اختیار الدین پانصدی سه صد سوار \*
- حبیب کرانی پانصدی سه صد سوار \*
- چندر بهان زمیندار کانگره پانصدی سه صد سوار \*
- خوشحال پسر خوانده میدرزا رستم صفوی پانصدی سه صد سوار \*
- یوسف نیدازی پانصدی سه صد سوار \*
- جبار قلی ککهر پانصدی سه صد سوار \*
- دایمت ولد ماندن راتهور پانصدی سه صد سوار - سال سیوم درگذشت \*

- محمد جادون پانصدی سه صد سوار \*
- جمال پانصدی سه صد سوار - سال چهارم درگذشت \*
- محمود ولد یابو میکلی پانصدی سه صد سوار \*
- راجه اویسنکه ولد راجه مان سنگه زمیندار جمون پانصدی  
سه صد سوار - سال دهم درگذشت \*
- عبد الله نجم ثانی پانصدی دو صد و هشتاد سوار \*
- ابوالبقا ولد شریف خان پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- پشوتن نبیر شیخ ابو الفضل پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- سید حسن ولد سید دلیر خان پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- خلیل الله ولد دلیر خان پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- راوت دیالداش جهالا پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- فتح الله ولد مهر علی برلاس پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- میر ابایل برادر شجاعت خان عرب پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- مان سنگه ولد راجه بکرماجیت پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- ولمز بیگ پانصدی دو صد و پنجاه سوار \*
- سید مبارک پانصدی دو صد و پنجاه سوار - سال ششم درگذشت \*
- مادهو سنگه سیمسودی پانصدی دو صد و پنجاه سوار - سال  
هشتم درگذشت \*
- سید راجی ولد سید عبد الهادی پانصدی دو صد و پنجاه سوار -  
سال چهارم درگذشت \*
- اسحاق بیگ برادر یادگار حسین خان پانصدی دو صد و چهل سوار \*
- سید چاون ایرجی پانصدی دو صد و چهل سوار \*

( ۳۲۴ )

- \* بهمنیار ولد یمین الدوله پانصدی دو صد سوار \*
- \* جمال بنگشی پانصدی دو صد سوار \*
- \* میر مقتدای غزنوی پانصدی دو صد سوار \*
- \* نعیم بیگ ولد اخلاص خان پانصدی دو صد سوار \*
- \* نجف علی ولد قزلباش خان پانصدی دو صد سوار \*
- \* یساول خان پانصدی دو صد سوار \*
- \* یعقوب بیگ منقط پانصدی دو صد سوار \*
- \* بهد العزیز عرب پانصدی دو صد سوار \*
- \* میر عنایت پانصدی دو صد سوار \*
- \* خدایار ولد بلندکوش پانصدی دو صد سوار - سال دهم درگذشت \*
- \* حیدر بیگ بدخشی پانصدی دو صد سوار - سال چهارم درگذشت \*
- \* سکندر بیگ ولد حسن علیخان پانصدی دویست سوار - سال پنجم درگذشت \*
- \* محمد زمان داماد احداک انصاری پانصدی دو صد سوار \*
- \* میان داد پسر جلاله پانصدی دو صد سوار - سال چهارم پدری گشت \*
- \* بیدنی داس ولد راجه نرسنگه دیو بندیله پانصدی دو صد سوار \*
- \* نرهر داس برادر بیدنی داس پانصدی دو صد سوار - سال هفتم بساط حیات در نورید \*
- \* مدن سنگه بهدزیه پانصدی دو صد سوار \*
- \* گروهر داس برادر راجه پتهلداس پانصدی دو صد سوار \*
- \* رکناته زمیندار سو سنگه پانصدی دو صد سوار \*



هر داس جهالا پانصدي دوصد سوار - سال سيوم درگذشت \*

فرهر داس جهالا پانصدي دوصد سوار - سال سيوم در جنگ

خافجهان مدبر بدليوي جان در باخت \*

مرتضي قلبي ولد خان اعظم کوگلتاش پانصدي دوصد سوار \*

گرشاسپ ولد مهابت خان خانان پانصدي دوصد سوار \*

ميرزا شينخ ولد سعيد خان پانصدي دوصد سوار \*

سعد الله خان ديگر پسر سعيد خان پانصدي دوصد سوار \*

شکر الله ولد خان زمان بهادر پانصدي دوصد سوار \*

سيد عبدالرسول ولد سيد عبد الله خان بهادر فيروز جنگ پانصدي

دوصد سوار \*

جعفر ولد الله ويرديخان پانصدي دوصد سوار \*

مير خليل ولد اعظم خان پانصدي دوصد سوار \*

شينخ قطب ولد شجاعت خان فتحپوري پانصدي دوصد سوار \*

مير اعظم کاشغري پانصدي دوصد سوار \*

سيد راجي ولد سيد مبارک مانکپوري پانصدي دوصد سوار \*

خواجه زين العابدين خويش عبد الله خان بهادر فيروز جنگ

پانصدي دوصد سوار \*

شتاب خان ولد ملک علي پانصدي دوصد سوار \*

آي محمد تاشکندی پانصدي دوصد سوار \*

عنايت الله تتوي پانصدي دوصد سوار \*

حسيني پانصدي دوصد سوار \*

ابوالبقا ولد قاضي خان پانصدي دوصد سوار \*

- آدم ولد علي راى تبني پانصدى دو صد سوار \*
- جعفر بلوچ پانصدى دو صد سوار \*
- نعمان بيگ حارثي پانصدى صد و هفتاد سوار \*
- امير بيگ ولد شاه بيگ خان كابلې پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- درويش بيگ قاقشال پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- شيخ موسى گيلاني پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- مكند داس ولد راجه گوپال داس كور پانصدى صد و پنجاه سوار -
- سال چهارم در نبرد خانجهان در گذشت \*
- سيد عبدالغفور پانصدى صد و پنجاه سوار - سال چهارم در گذشت \*
- خورشيد نظر ولد خواجه ابو الحسن پانصدى صد و پنجاه سوار -
- سال نهم در گذشت \*
- حاجي ادرار اوزبك پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- دريا داؤد زئي پانصدى صد و بيست و پنج سوار \*
- محمد واحد پانصدى صد و بيست سوار - سال ششم در گذشت \*
- عبد المومن پانصدي صد و پنجاه سوار \*
- حاجي محمد يار اوزبك پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- شريف بيگ درمان پانصدى صد و پنجاه سوار \*
- فتح ضيا نبيرو حكيم ابو الفتح پانصدى صد سوار \*
- ملك امان پانصدى صد سوار \*
- محمد تقى تفرشي پانصدى صد سوار \*
- عبد الله ولد سعيد خان پانصدى صد سوار \*
- حكيم ضياء الدين پانصدى صد سوار \*

- سید نور العیدان پانصدی صد سوار \*
- سید محمد پانصدی صد سوار \*
- بدیع الزمان ولد آقا ملا پانصدی صد سوار \*
- محمد رشید خان دورانی پانصدی صد سوار \*
- روز بهان خواجه سرا پانصدی صد سوار \*
- صالح بیگ جلابر پانصدی صد سوار \*
- ظریف پانصدی صد سوار \*
- خواجه عبد الهادی ولد صفدر خان پانصدی صد سوار \*
- سید عبد القادر مانپوری پانصدی صد سوار \*
- یعقوب بیگ ولد شاه بیگخان کابلی پانصدی صد سوار \*
- میر قاسم سمزانی پانصدی صد سوار \*
- علی اعمر ولد آصف خان جعفر بیگ پانصدی صد سوار - در قلعه
- دهامونی سوخت \*
- دلدار بیگ قدیمی پانصدی صد سوار \*
- کریم پانصدی صد سوار - سال ششم در گذشت \*
- خواجه هاشم ولد شیر خواجه پانصدی صد سوار \*
- محسن ولد مختار بیگ پانصدی صد سوار - سال ششم در گذشت \*
- صابر ولد باقر خان پانصدی صد سوار - سال سیوم در گذشت \*
- خدمت رای پانصدی صد سوار \*
- طالب بیگ پانصدی صد سوار - سال سیوم در گذشت \*
- عبد الرسول بزیج پانصدی صد سوار - سال هشتم در گذشت \*
- رکن الدوله داد میر حسام الدین آنجو پانصدی صد سوار \*

- \* حسن ولد محمد خان نيازى پانصدى صد سوار \*
- \* حكيم ابو الفتح پانصدى صد سوار - سال ششم در گذشت \*
- \* مقدم خويش آصف خان جعفر بيگ پانصدى صد سوار \*
- \* هردى نراين پانصدى صد سوار \*
- \* دوستكام ولد معتمد خان پانصدى هشتاد سوار \*
- \* شيخ معين الدين راجگرى پانصدى هشتاد سوار \*
- \* راى سبهاچند پانصدى هشتاد سوار \*
- \* خداوند دكنى پانصدى هشتاد سوار \*
- \* منكو رام دكنى پانصدى هشتاد سوار \*
- \* مشكين ولد قاتار خان جعفرى پانصدى هفتاد سوار \*
- \* محمود بيگ ولد بايزيد بيگ پانصدى شصت سوار \*
- \* حكيم عبد الوهاب ولد حكيم على پانصدى پنجاه سوار \*
- \* مير عبد الوهاب معمورى پانصدى ذات \*

## نگارش احوال مشايخ وغيرهم و آن مبنى است بر طبقات چهارگانه

### طبقه مشايخ

شروع دران از سادات صحيح النسب كه مودت اين طبقه عليه  
اجر تبليغ فرمان است - و محبت اين طايفه سنيه از لوازم  
ايمان - نموده ميشود \*

سيد محمد رضوي

مختدگزاميش بخارا است - و مولد ساميش احمد اباد گجرات -

به پنج واسطه بمظهر انوار ولایت - مظهر اشرار هدایت - شاه عالم بخاری قدس سره که مرقد فیض مورد او در گجرات مزار زوار عالم و مطاف طواف جهان است - میرسد - و نسب شاه عالم به بیست و یک واسطه بامیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه منتهی میگردد - سید محمد بصباح و صاحت زبان و صاحت ید و رجاحت خرد و دیگر مکارم جلیله و مآثر نبیله اتصاف داشت - پیش از جلوس مقدس دوبار در گجرات شرف ملازمت دریافته مشمول عنایات گشته بود - نخست هنگامی که اعلیٰ حضرت با حضرت جنت مکانی بآنجا تشریف فرموده بودند - دیگر بار زمانی که موکب اقبال از جنید بسمت دار الخلافه توجه داشت - بعد ازان که اورنگ جهانبانی بجلوس مبارک پایه آسمانی یافت - سید از اشتداد عارضه ضیق النفس بدولت حضور نتوانست رسید - و سید جلال خلف الصدق خود را به تهذیب گذاری بدرگاه گیتی پناه فرستاده - سال هشتم جلوس میمنت مانوس مطابق هزار و چهل و پنجم هجری از جهان فانی بعالم جاودانی ارتحال نمود - در گنبدی که بدروازه غربی روضه شاه عالم پیوسته است مدفون گردید - او در تاریخ ولادت خود بدین \* مصرع \*

من و دست و دامان آل رسول \* ملهم گشته بود •

میان میر

شادور بحر معرفت - غواص لجه حقیقت - بود - و در تصفیة

باطن و تهذیب نفس و نوریدن مراتب و مازل ایند شناسی و

تبدیل غوامض حقایق و شرح مشکلات معارف زبده دهر واسوه

عصر - موطن گرامی او سیهوانست از توابع صوبه ملتان - در سلوک  
 راه حق طریقه اندیشه قادریه داشت - در عنفوان شباب بدار السطنه  
 آمده با نفس توسن مجاهده فرا پیش گرفت - و قریب چهل سال  
 در کنج ناکامی و زاویه گمناهی بفروع ریاضت و پرتو معرفت نشیب  
 و فراز این طریق دشوار نورد را طی نموده چنان بسر برد که درین  
 مدت مدید و عهد بعید هیچ یکی بر چگونگی حالاتش آگاه  
 نگردید - بمرور ایام اطوار خفیه و آثار خبیثه او برملا افتاد - و  
 گروهی از طلاب حق بدو گرویده صاحب مقامات مزیده و درجات  
 رفیع گردیدند - و چون از زخارف دنیای دنیوی دل برگرفته بود -  
 بر خداوندان ثروت نظر تربیت نینداختی - و از مخالطت و  
 مجالست این طایفه نفور بودی - و تا از خواهش حطام ناپایدار  
 این نشاء بی مدار متنفر ندیدی تلقین نمودی - باوجود دیرین  
 زندگی پیرامون تاهل و تعلق نگشت - و از فزونی استغنا در خواهش  
 برخود بسته داشت - و بآمیزش و اختلاط همگان کمتر می پرداخت -  
 بادشاه اسلام شهنشاه افام که از ایند پژوهی و دید والا بدریافت  
 حق شناسان حقیقت آئین فراوان توجه دارند - دو مرتبه یکی  
 پیش از سفر کشمیر فردوس نظیر - دیگر بعد از مراجعت که در سنه  
 هفت واقع شده کلبه شیخ را بقدم فیض لزوم مذکور ساخته اند -  
 و تفصیل آن رقم پذیر خامه وقایع نگار گشته - دیده جهان بینش  
 از امتداد زندگانی که سبب فتور قوی و قصور ارکان است نابینا شده  
 بود - چون گویم که از مشاهده اشباح و هیاکل مسحوران پیشگاه  
 خدا بینی و دوران شاه راه معرفت گزینی باز پوشیده - در سال

هزار و چل و چارم هجری از محنت کده دنیا بدار السروز آخرت  
 انتقال نمود - قبر گرامیش در موضع غیات پور است نزدیک  
 بعالم گنج دار السلطنه لاهور - مکرر بر زبان حقیقت تبیان حضرت  
 خاقانی گذشته که از مرتاضان هندوستان بهشت نشان دو کس را  
 مرتقی بدرجه کمال یافته شد - میان میدرو شیخ محمد فضل الله  
 که در برهانپور رحل اقامت انداخته برهنمونئی سالکان جاده حق  
 طلبی اشتغال داشت - اعلی حضرت در ایام میمنت انتظام بادشاه  
 زادگی بمنزل شیخ تشریف فرموده ایشان را دریافته بودند \*

سید جلال

گرامی خلف سید محمد مذکور است مجاوره دانشا و  
 مصاحبت روح افزا باحسن خلق و لطف خلق فراهم دارد -  
 و علوم ادبیه را نیکو ورزیده - و در مصطلحات طایفه سنیّه صوفیه  
 و احوال مشایخ بالیه نیک مستحضر است - و بخدا پرهیزی  
 و پرهیزگاری متصف - از جودت قریحت و نظم طبیعت گاهی  
 مضامین رنگین و معانی دل نشین را بلباس شعر می آراند - و  
 و از آنرو که نژاد سعادت نهادش بنام المتقین قدوة الاولیا امام رضا  
 می پیوندند خود را برضائی متخاص گردانیده است - در زندگی  
 پدر و بعد از آن نیز مکرر بآستان بوس رسیده از دریا بار عواطف  
 خاقانی کام اندوز گردیده - اکثری بر زبان وحی بیان بادشاه حق  
 آگاه رفته که سید مذکور از روی فجابت ذات و شرافت صفات و دیگر  
 خصایل بهیه و شمایل رضیه شایسته صحبت فیض منقبت ماست  
 و سزاوار آنکه همواره بوسیله دوام ملازمت سراسر سعادت کامیاب

باشد - تاریخ ولادتش ( وارث رسول ) یافته اند - بیشتر سکن هندوستان باین سلسله نسبت اعتقاد دارند - الحق این طبقه سمیه منبع اولیا و منشای عرفا است - از انجمله یکی سید جلال ملقب بمخدوم جهانیان است - که مضجع متبرک او در بلده اوچه واقع شده - و دیگر سید برهان الدین معروف بقطب عالم که نبیره مخدوم جهانیان است - و نخستین کسی که ازین قبیله بکجرات آمده او در قریه بتوه سه گروهی احمد آباد مدفون است - دیگر سید محمد مشتهر بشاه عالم که بیرون شهر احمد آباد در رسول آباد آسوده است - و مذاقب این سه بر گزیده ایزدی از شهرت باشند و از ظهور باظهار احتیاج ندارد \*

#### خواجه خاوند محمود

نبیره مقتدای عرفاء کبار خواجه علاءالدین عطار است - و از دانی اسرار انفس و آفاق \*

#### خواجه اسحق ده بیدی مجاز

خواجه در اوان سلطنت حضرت عرش آشیانی از توران بکابل و از انجا به هندوستان بهشت نشان آمده و شرف ملازمت آنحضرت دریافته - و از ان باز در کشمیر اقامت گزیده است - خانقاهی عالی در انجا بنا نموده با گروهی از ارادت کیشان بعبادت اشتغال دارد - پس از اورنگ آرائی بادشاه حق آگاه حضرت صاحب قران ثانی مکرر بدرگاه گیتی پناه رسیده - و از چشمه سار مرحام خاقانی ریاض آمالش سرسبز و شاداب گردیده موضعی چند بطریق هیور غال در کشمیر جنت نظیر بجهت اوقات



گذار خواجه و فرزندان و متعلقان او مرحمت شده - و در روزهای  
وزن مبارک و دیگر ایام متبرکه نیز بانعامات زر سرخ و سفید  
کامیاب میگردد \*

#### ملا شاه بدخشی

از بدخشان بلاهور آمده بارادت سابع دریای امرار الهی -  
سائج بیدای حقایق نامتناهی - میان میر استمعاد یافت -  
و ببرکات صحبت نور آگیزش منازل و مقامات علیّه صوفیه  
پیموده - او نیز بسان پیر خود بقید ازدواج در نیامده - و بزایده  
وحدت در ساخته - راه آمد و شد مسدود دارد - چندی پیش از  
انتقال آن رهنمای سرگشتگان وادی طلب زمستان بلاهور و تابستان  
بکشمیر میگذراند - پس ازان بموجب اشاره پیر در نزهت آباد  
کشمیر رحل اقامت انداخت - و ازان باز در آنجا بایزد پرستی  
مشغول است \*

#### ملا خواجه

موطنش بهار است - در ریمان شباب بدار السلطنت  
لاهور آمده بعد از تحصیل علوم رسمیه دست افابت باسوق اولیای  
زمان میان میر داد - و بر ریاضت و مجاهدات پرداخته نفس خود  
کام را بنا کامی رام گردانید - در لباس و طعام به خشن و ناگوار خرسند  
است - و از وفور و آراستگی پیرامون تا اهل بل هیچ سببی از اسباب  
تعلق نگشته - آنچه از خوارق عادات و بوارق تصرفاتش جمعی را که  
بحلیّه راستی آراسته اند حکایت مینمایند اگر بر نویسد نامه  
بتطویل می انجامد - در دار السلطنه بادرک مجلس فیض آمود

باشد - تاریخ ولادتش ( وارث رسول ) یافته اند - بیشتر سگان  
هندوستان باین سلسله نسبت اعتقاد دارند - الحق این طبقه  
سمیه منبع اولیا و منشای عرفا است - از انجمله یکی سید جلال  
ملقب بمخدوم جهانیان است - که مضجع متبرک او در بلده اوچه  
واقع شده - و دیگر سید برهان الدین معروف بقطب عالم که نبیره  
مخدوم جهانیان است - و نخستین کسی که ازین قبیله بکجرات آمده  
او در قریه بتوه سه گروهی احمد آباد مدفون است - دیگر سید  
محمد مشتهر بشاه عالم که بیرون شهر احمد آباد در رسول آباد  
آسوده است - و مناقب این سه بر گزیده ایزدی از شهرت باشند  
و از ظهور باظهار احتیاج ندارد \*

#### خواجه خاوند محمود

نبیره مقتدای عرفاء کبار خواجه علاءالدین عطار است - و از  
دانای اسرار انفس و آفاق \*

#### خواجه اسحق ده بیدی مجاز

خواجه در اوان سلطنت حضرت عرش آشیانی از توران بکابل  
و از آنجا به هندوستان بهشت نشان آمده و شرف ملازمت آنحضرت  
دریافته - و از آن باز در کشمیر اقامت گزیده است - خانقاهی  
عالی در آنجا بنا نموده با گروهی از ارادت کیشان بعبادت اشتغال  
دارد - پس از اورنگ آرائی بادشاه حق آگاه حضرت صاحب  
قران ثانی مکرر بدرگاه گیتی پناه رسیده - و از چشمه سار  
مراحم خاقانی ریاض آمالش سرسبز و شاداب گردیده موضعی  
چند بطریق میور غال در کشمیر جنت نظیر بجهت اوقات

گذار خواجه و فرزندان و متعلقان او مرحمت شده - و در روزهای  
وزن مبارک و دیگر ایام متبرکه نیز بانعامات زر سرخ و سفید  
کامیاب میگردد \*

#### ملا شاه بدخشی

از بدخشان بلاهور آمده بارادت سایح دریای امرار الهی -  
سایح بیدای حقایق نامتناهی - میان میر استسعاد یافت -  
و ببرکات صحبت نور آگینش منازل و مقامات علیّه صوفیه  
پیموده - او نیز بسان پیر خود بقید ازدواج در نیامده - و بزایو  
وحدت در ساخته - راه آمد و شد مسدود دارد - چندی پیش از  
انتقال آن رهنمای سرگشتگان و ادعی طلب زمستان بلاهور و تابستان  
بکشمیر میگذراند - پس ازان بموجب اشاره پیر در نزهت آباد  
کشمیر رحل اقامت انداخت - و ازان باز در انجا بایزد پرستی  
مشغول است \*

#### ملا خواجه

موطنش بهار امت - در ریعان شباب بدار السلطنت  
بلاهور آمده بعد از تحصیل علوم رسمیه دست افابت باسوق اولیای  
زمان میان میر داد - و بر ریاضت و مجاهدات پرداخته نفس خود  
کام را بنا کمالی رام گردانید - در لباس و طعام به خشن و ناگوار خرسند  
است - و از وفور و آراستگی پیرامون تاهل بل هیچ سببی از اسباب  
تعلق نگشته - آنچه از خوارق عادات و بوارق تصرفاتش جمعی را که  
بحلیّه راستی آراسته اند حکایت مینمایند اگر بر نویسد نامه  
بتطویل می انجامد - در دار السلطنه بادراک مجلس فیض آمود

فرازنده اورنگ جهان‌بانی رسیده مسرت اندوز گردید - و چون بر  
پیشگاه ضمیر خورشید تنویر خافان غیب دان پرتو انگذ که احوال  
سلامت اشتمال او از تکلف و تصنع مبرا است بذشاط و انبساط تمام  
صحبت داشته و بگذارش نکات دلکشا و معارف سعادت افزا پرداخته  
رخصت فرمودند - اکنون در دار السلطنه بدل خوشی و آزادی  
بسر می برد \*

#### شیخ بلال قادری

در دار السلطنه رحل اقامت انداخته پای تردد بدامن  
عزالت کشیده بود باندوختن مواد معیشت مقید نگشتی - و  
هرچه بی خواهش رسیدی پذیرفته در مصارف بکار بردی -  
باخلاق ستوده همگان را از خود راضی داشت - لوح جبینش از  
نقوش چین ساده بود - و مائده قضیافتش برای توانگر و فقیر  
آماده - اوقات شب‌روزی در اوراد و وظایف بسر بردی - و بسا  
مقالات سعادت انزای بزرگان دین - و مقولات فیض انتمای ره روان  
وادی یقین - در ذکر داشت که آنرا بموقع ذکر نمودی - از فروزی  
تجرد گرد تاهل نگردید \*

#### شیخ پیر

اوقاتش در کمال تعینی بسر رفتی - بتواجد شغف تمام  
داشت - مجلسش اکثری برود و سرود گرم بودی - و چون از  
نغمه هندوستان بقدری آگاهی داشت خود نیز بمشرب صوفیه اختی  
تصانیف بسته است - در بعضی سفرها با اردوی معلی همراهی  
گزیدی - و بشمول تفقدات شاهنشاهی عز امتیاز اندوختی \*

## میر حسام الدین بدخشی

پدرش قاضی نظام در اوایل زمان حضورش عرش آشیانی  
 بهندوستان آمده داخل بندهای پادشاهی گردید - و بمیامن  
 خدمات شایسته رتبه امارت دریافته بخطاب قاضی خان پسر  
 ازان بغازی خان تارک افتخار برافراخت - مولد میر بدخشان  
 ست - و منشأش هندوستان - مدتی در سلک منصبداران  
 انسلک داشت - بمرافقت قاید توفیق و معاونت سائق تائید  
 اجتناب از متذمعات فانیة جسمانیة نموده زاویه نشین گشت -  
 خلاصه اوقاتش بطاعت و عبادت سپری گشتی - و در دوروز ختم  
 مصحف نمودی - نسبت و اجازت بسالک مسالک ولایت و کرامت  
 خواجه عبد الباقي داشت - اصل خواجه سمرقند است - مولدش  
 کابل - در اواخر عمر بدارالملک دهلی آمده توطن گزید - و بارشاد  
 ایزد طلبان پرداخت \*

## ملا محب علی سندی

از علوم ظاهری بهره مند است - و از تکلفات رسمی و  
 تصنیعات عرفی بیگانه - بیشتر اوقات برانجاش حوایج مسلمانان  
 و اسلام کفره و اصلاح فجیره مصروف دارد - و تا بادراک سعادت  
 حضور مستسعد بود بامر خاقان عدل پرور داد گستر جمعی را  
 که بجاذبۀ توفیق از تنگنای کفر بوسعت آباد ایمان میگزائید  
 از نظر اکسیر اثر گذرانیده در اسعاف مقاصد شان می کوشید - او  
 خود را بگروه کوه برکه قبیلۀ است از قبایل چغتای منسوب می سازد  
 علی بیگ جد او در گرامی ملازمت حضرت فردوس مکانی انار الله

برهانه بهندوستان بهشت نشان آمده در غزو افغانه بدایه شهادت رسید - پدرش صدر الدین محمد در سر آغاز جوانی همراه موکب معالی حضرت جنت آشدانی به تته رفته بمقتضای آبشخور در انجا اقامت گزید - و او دران سرزمین متولد گردید - و ازین رو بمذبی اشتها یافت - در صغرسن او والدش ازین جهان رخت هستی بر بست - و او همت بر کسب علوم گماشت - بعد از آنکه مملکت سند داخل ممالک محروسه شد نوکری عبد الرحیم خان خازان اختیار نموده از سند بهند آمد - و بسی سالگی دل از تعلق برگرفته در برهانپور منزوی گشت - پس از چندی چون بعزم زیارت حرمین شریفین سفر گزین گشته به بندر سورت رسید صحبت فیض منقبت ناهج مذاهج شریعت کشف اسرار حقیقت شیخ محمد فضل الله طیب الله ثراه دریافته ازیشان خرقه بگرفت - و بطواف مکانین مکرمین شتافت - بعد از مراجعت باز ببرهانپور آمده متوطن گردید - از انجا که بختش بیدار بود و دولت مددگار هنگام نخستین یورش حضرت صاحبقران ثانی بصوب دکن بعد از جلوس بر اورنگ جهانبانی بدرگاه گیتی پناه آمده شرف ملازمت اندوخت - و مدتی ملتزم رکب فیروزی نصاب بود - اکنون از پیشگاه حضور مرخص گشته در برهانپور پیرستش ایزدی و دعای دوام دولت گردون صولت کامیاب است \*

شیخ ابو المعالی

مولد و منشاء او قصبه بهیره است از پرگنات دارالسلطنه لاهور - در خدمت میان میر ترک و تجرید اختیار نموده - و از اهل و عیال

گسیخته - اکنون بشغلی که ازان ره نوردهی بیدای یقین فرا گرفته  
مشغول است - و پای آمد شد او کوتاه - چشم گریان و دل بریان  
دارد - سیمای حالش برسوز و گداز دلالت میکند •

### شیخ ناظر

اسمش ناصر محمد است - و الحال بشیخ ناظر که پدرش  
بدان نامور گردانیده در همگنان معروف - او مرید سلاله خاندان  
نبوت نقاوه دودمان ولایت - سید احمد بن سید رفیع الدین بن  
سید جعفر شیرازیست - که از اصحاب و جد و حال و ارباب  
دانش و کمال بود - و در گجرات اقامت داشت - مولد و منشاء  
او طایفه طایفه است - در آغاز سلوک لختی بسیاحت گذرانیده از  
ایام دولت انتظام پادشاهزادگی حضرت خلافت پناهی ملازم رکاب  
اقدس بوده بشمول عواطف بیکران پادشاه درویش نواز عمر امتیاز  
دارد - در صیف و شتا جبهه پنبه آگین با ندم آستین پشمین  
که آن نیز پنبه آمود باشد شباروز می پوشد - و همواره اسلحه  
با خود داشته شبها بیرون خوابگاه مقدس بعبادت اینزدی میگذرانند  
و از پیشگاه الوهیت بخدمت این مفتاح ارزاق خلائق و مغلق  
شداید بوانق خود را مامور می نماید - باوجود یومیه و تعدد اسب  
وفیل که از سرکار بدو عنایت شده اکثر اوقات بصحرا شتافته حزمه  
گاه و هیمه برداشته می آرد - و انرا فروخته قوت خود میگرداند -  
و بسا باشد که بجای طعام بعاف بگذرانند - تفصیل امور عجیبه و  
شیون غریبه که ازو بظهور میرسد و در حضور اقدس نیز مکرر بروی  
کار آمده مانند ساختن سروراید از قطره آب و اشرفی و روپیه از

سفال و نبات و نمك از خاک و ماهي از ميخ چوبين زياده بران  
است كه بقالب تحرير در آيد - اعلى حضرت ميفرمودند كه پيش  
ازين گاهي شيخ را در حضور اقدس تواجد دست ميداد - و بمرتبه  
اثر داشت كه اگر نشسته مى بوديم بي اختيار بر مى خاستيم -  
روزى در محفل خلد آئين كه نغمه سرايان جادو پرداز بساز و آواز  
پرداخته بودند - شيخ بوجد در آمد - و در اثنای آن آب طلبیده  
قدری خود خورد - و باقي بمردم داد - هر کدام گذارش نمود كه شهد  
ناب است - و مرتبه حضرت شاهنشاهي از راجه بكرماجيت كه بنده  
معتبر اين درگاه بود نقل فرمودند - كه او بعرض رسانيد - كه روزی  
شيخ بمن گفت كه نماز معكوس ميگذارم به بين اما مترس - و  
شروع دران نمود - ديدم كه سياهي محاسن او بسپيدي مبدل گشت  
- و باز مشاهده كردم كه سرش از تن جدا است - پس از لمح  
بحالت سابق باز آمد - اگرچه چنين خكايات شگرف و روايات شگفت  
از اهل اعتقاد و خداوندان و داد كه مدارشان بر گرمی كار و رواج  
بازار شيخ است كمتر پذيرفته مى آيد - اما از بيدگان دين كه  
غرض آلود نباشند باور مى توان كرد - نوبتي احوال او در مجلس  
فردوس تزيين مذکور مى شد - قره باصره خلافت بادشاهزاده محمد  
دارا شكوه و قاضي محمد اسلم بعرض اقدس رسانيدند - كه در دارالخلافت  
اكبر آباد ديديم كه مرتبه كوزه و بار ديگر رومال را كبوتر ساخت -  
و نيز معروض داشتند كه اكثري برگ گاه بدست ما داده و آن  
كرم شده پيرو از در آمده است \*

احوال برخى از مشاهير درين سپاس نامه ثبت شد -



والا درین اوان محمود و زمان مسعود که هنگام ورود برکات الهی و ظهور سعادت نامتناهی است در همگی اطراف و اکناف سواد اعظم هندوستان بهشت نشان هنگامه ایزد پرمتی بوجود با سود این گروه حق پژوه رونق دارد \*

### طَبَقَةُ فَضْلَا

افضل خان - نامش ملا شکر الله است - و زاد بومش شیراز - همگی مراتب دانش و کمال نزد میر ابراهیم همدانی و میر تقی الدین محمد نسابة شیرازی اندوخته بهندوستان بهشت نشان آمده در ملک بندگان حضرت جنت مکانی مفسلک گشت - هنگامی که اعلیٰ حضرت در ایام بادشاهزادگی از خدمت آنحضرت بهم رانا امر سنگه دستوری یافته باودیپور توجه فرمودند او در زمره منصبداران که در رکاب دولت خدیو جهان معین گشته بودند رخصت یافت - و به خجستگی طالع و یاروی بخت منظور نظر عنایت شد - و در اودیپور بروفق ملتئم گیتی خداوند بخدمت دیوانی خاقان جهان سربرافراخت - و بمیامن تربیت بادشاه دانا پرور دانش نواز آداب بندگی ملوک و مراسم نظم مهم کسب کرد - و چون قبله انبال بعد از انجام مهم رانا امر سنگه احراز شرف ملازمت حضرت جنت مکانی نمودند - بالتماس این جهان افضل ب خطاب افضل خانی نامور گشت - و پس ازان که ارزنگ خلافت بجلوس مقدس آرایش پذیرفت - و دیرین آرزوی روزگار برقرار روائی برآمد - از جوهر شناسی و قدر دانسی حضرت خاقانی در

بیست و چهارم رجب سال دوم سریر آرائی از تغیر ارادت خان که  
آخر بخطاب اعظم خانی سرافرازی یافت چون او بصوبه داری دکن  
سر بلند شد بدایه جلیل وزارت کل ممالک مکر و مه رسید - و مراقبی  
مناصب عالیہ نور دیده بمنصب نبیل هفت هزارچی ذات و چار  
هزار سوار مرتقی گردید \*

#### ملا محمد فاضل

مولدش بدخشان است در ابتدای جوانی نخست بکابل  
رسیده نزد ملا صادق حلوائی تلمذ نمود - و بعد ازان بدوران رفته  
فیض صحبت حلال معاهد و منقول - کشف غوامض معقول -  
ملا میرزا جان شیرازی دریافت - و فزون حکمت را از ملا محمد  
یوسف کوسه که ارشد تلامذ آن سر آمد اساتذہ زمان بود کسب نموده  
بدار السلطنه لاهور وارد گردید - و تفسیر و اصول را پیش ملا جمال  
لاهوری که در عربیت یگانه روزگار بود خوانده حارثی علوم عقلیه و  
فقلیه گشت - در عهد سلطنت حضرت جنم مکانی بمنصب عدالت  
ارزدی گیہان نور عز امتیاز داشت - و در زمان خلافت حضرت  
خاقانی نیز تا سال هشتم بہمان منصب مقتدر بود - اکنون در  
دار السلطنہ بافاضه علوم اشتغال دارد - و بنقد و سیور غالی که از  
پیشگاه عنایت بادشاہ ابر دست بحر نوال برای او مقرر است بنجمیت  
و رفاهیت تمام میگذرانند \*

#### ملا عبد الحکیم

مولد و منشاء او قصبه سیالکوت است - نشیب و فراز کمالات  
پیموده - و در مضمار فضایل از همسران قصب السبق روده - اکثر

علوم نزد ملا کمال کشمیری که در سیدالکوت مسکن داشت و بانوار ریاضت باطنی روشن تلمذ نموده است - در ایام معادیت فرجام حضرت جنت مکانی بضروریات معیشت در ساخته عزلت گزین بود - درین دولت خدا داد که بلژار دانش رواج دیگر گرفته است - و کار دانشوران رونق از سر - اسباب رفاهیت حال و فراغت بال فراهم دارد - چند ده دراست برسم سیور غال بدر مرحمت شده - و هرگاه بدرگاه عرش اشتباه آمده کامیاب حضور میگردد - از دریا بار اوصال شهنشاه بیهمال مبالغ گرامند فغد نیز می یابد - و بی تفرقه خاطر بوظایف دعای کمروائی اوایای این سلطنت جاوید طراز - و افاده طلبه علم می پردازد - و در فنون علوم بدام بادشاه دانش نواز تصانیف رایقه دارد \*

#### شیخ عبد الحق دهلوی

مجمع فضایل صوری و معنویست - در سر آغاز آگهی باموختن و حفظ کلام الهی اشتغال نمود - و چون سنین عمرش بعشرین رسید از پایه تحصیل بدرجه تدریس برآمد و چندی هنگامه افاده گرم داشته بپای طلب بادیه پیمای سفر حجاز گردید - و زیارت حرمین معظمین دریافته در حوضه درس بسیزی از اکابر علمای حدیث خصوصا نسخه اسلاف محدثین نخبه اخلاف متورعین - شیخ عبد الوهاب متقی که قاطن ام القری بود - و لوامع انوار ولایت و سواطع آثار هدایت از ناصیه اطوارش هویدا - کتب معتبره احادیث بسند رسانید - و مدتی دران امکنه شریفه بسر برده بوطن مالوف مراجعت نمود - و بافاضه علوم دینه

پرداخت - او در فنون دانش یکصد و کسری از تصانیف مختصره و مطوله دارد - با آنکه عقود زندگیش بتسعین پیوسته است از سلامت قوی بانواع طاعات و ریاضات و تعلیم و تالیف و تصحیح بسان ایام شباب می پردازد - از اعقاب او هفت تن تحصیل علوم رسمیه نموده بافاده مشغول اند - یکی از نیاگانش در رکب ظفر نصاب حضرت صاحبقران جهان ستان از توران بهندوستان آمده بود و آنحضرت هنگام معاودت او را با لختی از امرا در دارالملک دهلی گذاشته بودند - او دران دیار متاهل گشته اقامت گزیده - و ازان بازدارالملک وطن اجداد شیخ است - و مولد او نیز همان شهر کرامت بهرامست •

#### ملا یوسف لاهوری

او عالم عامل بود - کسب کمالات از ملا جمال لاهوری نموده - در منقولات مهارت تمام داشت - علم تفسیر نیکو دانستی - و آنرا به نیکو ترین طرز بیان کردی - از علوم معقوله نیز نصیبی اندوخته بود - قریب پنجاه سال بافاده پرداخت - بسیاری ازو بهره مند گشتند - و بکمال رسیدند - هشتاد مرحله از زندگانی نور دیده انتقال نمود •

#### ملا عبد السلام دیوی

اصناف عربیت در زادبوم خود ورزیده چون بدار السلطنه لاهور آمد نزد حاوی معقول و منقول ملا عبد السلام لاهوری مفتی که فنون ادبیه و فقه و اصول فقه را نیکو دانستی و هشتاد سال عمر یافت - و قریب شصت سال بافاضه مشغول

بود - و جمعی کثیر از افاده او بپایه فضیلت رسیدند - و در نخستین سال جلوس اقدس داعی حق را لبیک اجابت گفت - هرچه خوانده بود سره کرد و آنچه خوانده بود کسب نمود - چندی بدانش آموزی متلمذه گذرانیده از اسعاد بخت بیدار خود را بآستان خواقین مکان رسانید - و در سلک ملازمان درگاه خلائق پناه در آمده لختی بخدمت عسکر فیروزی قیام می نمود - اکنون از فزونی سال که باعث اختلال حواس و انحلال اعضاست حسب الحکم دست ازان باز داشته در اردوی گدیهان پوی بدرس متداولات و دعای دولت ابدی سمات اشتغال دارد \*

قاضی محمد زاهد کابل

بذریعه فضیلت و ورع در ایام سلطنت حضرت جنت مکانی منصب قضای کابل یافته بود - در عهد خلافت حضرت صاحبقران ثانی نیز چندی بهمان منصب قیام نمود - سال سیوم جلوس ازین جهان رخت هستی بر بست \*

قاضی محمد اسلم

در صغری از هرات که مسقط الراس اوست به بخارا شتاده برخی از علوم دینی کسب نمود - و در آغاز جوانی از بخارا به هندوستان بهشت نشان آمده مشمول مرام حضرت جنت مکانی شد - پس از آنکه وفور دینداری و پرهیزگاری او بر ملا افتاد - خدمت والا رتبت قضای عسکر بدو تفویض یافت - و درین عهد سعادت مهد از مال جلوس مبارک تا امروز خدمت مذکور بدستور سابق بامنصب امامت نماز پادشاه دین پناه بدو مفوض است \*

قاضی محمد سعید کوه‌رودی

که احوال او نگارش یافت - از تلامذه تذکره علماء پیشین  
میر محمد باقر مشتهر به امام بود - و از فن حکمت آگاهی تمام  
داشت - چون بر پیشگاه خلافت ظاهر شد که در خدمتگذاری  
جدکار و راست کردار است - چندی به داروغگی داغ و تصحیح  
و اختیاری بخدمت عرض مکرر مدتی بدیوانی بیوتات نوازش یافته  
پایه هزاره رسید - و در سال هشتم جلوس مقدس جهان  
را بدور کرد \*

ملا میرک شیخ هروی

در غفوان شعور از هرات بهندوستان آمده بیشتر متداولات  
نزد ملا عبد السلام لاهوری اکتساب نمود - و در ایام برنایی بنیارت  
حرمین محترمین موفق گشته پیش اکابر محدثین آن اسکان  
فیض موطن کتب احادیث بسند رسانید - و از آنجا برگشته  
در زمره بندگان این آستان عرش مکان در آمد - نخست بدولت  
تعلیم مهین کوکب اقبال پادشاهزاده کامگار محمد دارا شکوه تارک  
اعتبار بر افراخت - و الحال بخدمت معلمی ثمره شجره سلطنت  
پادشاهزاده مراد بخش سرافراز است \*

ملا عبد اللطیف سلطانپوری

بگرد آوری علوم و حل معضلات و تحقیق دقایق و تشخیص  
حقایق آن چنانچه باید پرداخته بود - و حدت فهم و جودت تقریر  
و قوت حافظه او زینت افزای فضایلش گشته - بیشتر کتب  
متداوله این دیار نزد سرآمد نحاریر زمان ملا جمال لاهوری خوانده -

معقولات را پیش فهرست جلال ملکات - جریده جزایل کمالات -  
 یادگار حکمای یونانی - انموذج دانشوران باستانی - میر فتح الله  
 شیرازی استفاده نموده بود - از بیداری بخت و سازگاری روزگار  
 پیش از جلوس اشرف سعادت بندگی درگاه افاضل پناه دریافته  
 بآموزگاری مهین گوهر بحر خلافت مفتخر گشت و مدتی بدین  
 خدمت جلیل القدر شرف اندوز بود - بعد ازان که چراغ باصره  
 اش کم نور گردید - پادشاه دانا نواز از مراحم ملکی و عوطف  
 پادشاهی محلی چند برهم سیور غال بدو عنایت فرموده دستوری  
 دادند که بوطن خویش شتافته درس علوم دینیه فرابیش نهد \*

میر محمد هاشم

معروف بحکیم هاشم خلف میر محمد قاسم گیلانی است -  
 مدت دو اوده سال در حرمین شریفین بوده معقولات را از شیخ  
 محمد عربی محدث و شیخ عبد الرحیم حسانی و ملا علی نبیرة  
 ملا عصام الدین مشهور - و معقولات را از میر نصیر الدین حسین  
 پسر زاده میر غیاث الدین منصور و میرزا ابراهیم همدانی  
 فرا گرفته بهندوستان آمد - و طب و ریاضی نزد سرآمد اطبا حکیم  
 علی گیلانی ورزیده چندی در احمدآباد گجرات بتدریس مشغول  
 بود - چون دانائی او در فنون فضایل خصوصاً طب بعرض اقدس  
 رسید - حکم شد که در همان بلده بخدمت صدارت و طبابت به  
 پردازد - پس از انقضای مدتی ملزم عبودیت سده سنیه گشته  
 بامر خاقانی شرف تعلیم اختر برج سعادت پادشاهزاده محمد اورنگ  
 زیب بهادر دریافت - و اکنون در ملازمت آن والا گوهر کامیاب

است - بر تفسیر بیضاوی حاشیه نکاشته بذام نامی حضرت  
شاهنشاهی - خلد جلال اقباله و ابد ظلال انضاله مطرز گردانیده است \*

شیخ محمد

فدیرو حکیم شمس الدین گیلانی است - که از پیشگاه عنایت  
حضرت عرش آشیانی بخطاب حکیم المملک مباهی بود - در مکّه  
مکرمه که مولد و منشاء اوست دانش اندوخته بهندوستان آمد -  
و برهنه‌نوی طالع خود را بدرگاه آسمان جاه که مامن دانشوران  
و منماء خردمندان است رسانید - و چون برهیزگاری و شایسته  
کرداری او با دیگر فضایل بعرض مقدس رسید در خور استعدادش  
وظیفه مقرر نموده میر عدل دار اخلافه گردانیدند \*

### طبقة اطبا

حکیم علیم الدین - ملقب بوزیر خان - پس از تحصیل عربیت  
لختی از کتب طب نزد حکیم داوی خوانده بفروغ کوکب بخت  
پیش از اوزنگ ارایی حضرت شاهنشاهی داخل بندهای درگاه  
عرش اشتباه گردید - و از مساعدت طالع و مرافقت دولت بکمتر  
وقتی مزاج وهاج شهنشاه فلک بارگاه و پادشاهزادهای والا جاه  
نیک دریافته جوهر دانائی و شناسائی خود بر روی روز انداخت -  
و بدین وسیله بسعدت محرمیت استعداد یافت - و از کاردانی و  
معامله فهمی و خلوص اخلاص و سموخ ارادت و وفور دیانت بمناصب  
و خدمات عالیّه فایز گشته چندی بدیوانی بیوثات و برخی بمیر  
سامانی و پاره بدیوانی بلند پایگی داشت - و بعد از آنکه قوایم



سرور جهان‌بانی بجلوس حضرت صاحب‌قران ثانی آسمانی گرامی‌شد.  
 بادشاه پرورده نواز اورا بپایه پنج هزاره ذات و سوار که از مراتب  
 علیه این دولت علیا است و صوبه داره پنجاب که وطن‌گاه و زاد  
 بوم اوست رسانیده کامیاب صورت و معنی گردانیدند \*

### حکیم صدرا

خلف حکیم فخرالدین محمد شیرازی است - که شاه  
 طهماست والی ایران اورا بحکیم میرزا محمد موسوم گردانیده  
 بود - و در همگان بهمان نام اشتهار یافته - نسب‌مشار الیه بحارث  
 بن کلدی که از حذاق اطباء عرب بود منتهی می‌گردد - حارث  
 مذکور دولت حضور سرور کائنات مکرر در یافته بود - و بدعای  
 اجابت انتمای آنحضرت طیبیان دانا و پزشکان شناسا از قبیل او  
 بهم رسیدند - و تا امروز فن طبابت دران دودمان باقی است -  
 چون زنبیل بیگ عم او در آغاز فرمان فرمائی حضرت عرش آشیانی  
 از ولایت آمده بیمن بندگی درگاه خواقین پناه منظور نظر عاطفت  
 گشته بود - حکیم صدرا نیز بعضی از مصنوعات این فن خوانده در  
 سده هزار و یازده بهندوستان آمده و برهنه‌مونی سعادت ابدی  
 و قلاووزی بخت بیدار در سلک بندهای حضرت عرش آشیانی  
 انسلک یافته کامیاب مقاصد گردید - پس ازان که شرف  
 بندگی حضرت جنت مکانی دریافت - و استعداد و استحقاق او  
 بظهور انجامید - اورا مشمول عواطف گردانیده بمسیح الزمان نامور  
 ساختند - و درین عهد میمنت مهد که روز بازار مستعدان روزگار  
 و دانشوران هر دیار است پایه اعتبار او رو باور ایش نهاد - و بمنصب

سه هزاری هر برافراخت - و چون از فزونی در دست از معالجه که احتمال مضرت نیز دارد باز کشیده بود - خدمت عرض مکرر برو مقرر گشت - و چندی بخدمت مرجوعه قیام نمود - و با آنکه در زمان سلطنت حضرت جنت مکانی شرف طواف حرمین مکررین دریافته بود درین اوان فیض نشان نیز بآرزوی تمام سرخص گشته خود را با مکنه معظمه رسانیده بعد از مراجعت بتهجیکه گذارش پذیرفت حکومت بندر سورت بالتماس حاصل نموده بدانصوب شتافت - او همچنانکه در طب ماهر است از علوم دیگر نیز آگاهی دارد - اکثر متداولات را از شیخ بهاء الدین محمد جبل عاملی - و علم طب از حکیم محمد باقر بسر حکیم عماد الدین محمود در ایران اندوخته بهندوستان آمده - و درینجا نیز پیش حکیم علی گیلانی که سرآمد اطباء عهد دولت مهد حضرت عرش آشیانی بود تلمذ نموده - طبیعت موزون دارد - و بالهی متخلص ست \*

حکیم ابوالقاسم

ملقب بحکیم الملک پسر حکیم شمس الدین مذکور است - در هندوستان متولد گشته - و همین جاکسب فضایل نموده - در فن خود مهارت تمام دارد - و بحلیه درع متحلی است در عهد دولت حضرت جنت مکانی اگرچه منظور نظر عاطفت بود اما درین هنگام که غمام انعام خاقانی چمن آرزوی دانشوران را سیراب دارد بصنوف مراحم بادشاهی نیز اختصاص یافته بدایه والای دو هزاری رسید \*

## حکیم رکنا

ولد حکیم نظام الدین احمد کاشی - زاد و بومش کاشان است - از علم طب بهره وافر دارد - و معالجات صایده ازو بوقوع آمده - نزد شاه عباس والی ایران اگرچه بقدر عزت و اعتبار داشت لیکن از خوی ناهموار و سلوک بی هنجار خود درانجا نتوانست ماند - و ناگزیر بهندوستان آمد - و بدرگاه گیتی پناه حضرت عرش آشیانی رسیده دولت ملازمت اندوخت - و چون روزگار بدین دولت بی اندازه نشو و نمای تازه یافت - چندی در زمرة بندگان آستان معلی بوده از ضعف پیری رخصت انصراف بوطن حاصل نمود - و از ابرجود خدیو زمان خداوند جهان کشت امید خویش سرسبز گردانیده روانه گشت - و بعراق رفته پس از چندی بزیارت حرمین شریفین منیفین شدافت - و بعد از احراز این سعادت بدانجا معاودت نمود - اکنون بمیدان ثنا طرازی و مدحت پرداز می خدیو آفاق اکثری مبالغ گرامند از درگاه آسمان جاه بدو ارسال می یابد - او از سخنوران ایران است - و اشعارش مقبول همگنان \*

## حکیم مومنائی شیرازی

بطبابت معروف است - و بمیمنت دست موصوف - اخلاق مهذب و اطوار مرضیه فراهم دارد - پس از فکه بهندوستان بهشت نشان آمد نخست با مهابت خان همراهی گزیده برد - و در اواخر عهد حضرت جنت مکانی داخل ملتزمان آستان گیوان مکان گشت - درین سلطنت پایدار از جوهر شناسی شهنشاه روزگار در پزشکان ماهر انتظام دارد - و بشمول اعطاف بادشاهی مقضی المرام است \*

## حکیم فتح الله

ولد حکیم ابوالقاسم شیرازی - از طب نیک آگاه است -  
 ولختی دیگر دانش نیز اندوخته - اولاً نزد امام قلی خان  
 پسر الله ویردی خان حاکم فارس بطبابت می پرداخت -  
 بعد از کشته شدن او بقلاوزی طالع سفرگزین هندوستان گشته خود  
 را بدرگاه خلائق پناه حضرت صاحبقران ثانی رسانید - و بدستداری  
 معالجات پسندیده در جرکه حکمای معتمد در آمد - و محفوظ  
 اعطاف خاقانی گردید - جد او حکیم فتح الله از بیداری بخت  
 بهندوستان آمده شرف اندوز ملازمت حضرت عرش آشیانی گردیده  
 بود - و مدتی به بندگی آن بادشاه گردید - جاه مقتدر بوده در پایان  
 زندگانی بزرگوار خود مرخص گشت - و در ضوای آن عنصری  
 پیوندش از هم گسیخت •

## مقرب خان

نامش شیخ حسن است - در فن جراحی بسان پدر خویش  
 شیخ بهینا که بوسیله بندگی حضرت عرش آشیانی نامور شده بود  
 بدل ندارد - بتربیت و نوازش حضرت جنت مکانی درجه امارت  
 دریافته ملقب بمقرب خان گشته بود - درین دولت خدا داد ابد میعاد  
 از انحلال قوی و اضمحلال اعضا رخصت انزوا گرفته در وطنگاه خود  
 که بطریق سیورغال بدر عنایت شده و خراج آن یک لک روپیه  
 است چنانچه نکاشته شد در کمال آسایش و آرامش بسر می برد •

## شیخ قاسم

پور عبد الرحیم کهین برادر مقرب خان است - در جراحی

که شیوه نیاگان اوست شاگرد رشید عم خویش - از دیگر فنون  
طب نیز بهره وافر یافته - و ریاضی را نیکو ورزیده - بیمن  
خدمتگذاری درگاه خواقین نشان اسباب جمعیت آماده دارد - و ابواب  
رفاهیت کشاده \*

### طَبَقَةُ شَعْرَا

حاجی محمد جان - مشهدی قدسی تخلص - برنگینی الفاظ  
و تازه آئینی معانی در دل همگان جا دارد - و سعادت منشی و  
پاک گوهری از اطوار گزیده او هویدا است - در سال پنجم جلوس  
اقبال مانوس فرزند اکیل کشورستانی حضرت صاحب قران  
ثانی بهندوستان آمده در سلک منافذ گذاران انسلک یافت -  
نبذی از اشعار او برسم یادگار برمی نگار \*

\* ابدیات \*

\* من آن نیم که کنم سرکشی ز تیغ جفا \*

\* چو شمع زنده سرخویش دیده ام برپا \*

\* دمی که بگذردم بی کرشمه ساقی \*

\* نفیس کند بدلم کار ریزه میذا \*

\* کسی که لذت پیکان بی نشانی یافت \*

\* دگر نشد به نشان آشنا چو تیر خطا \*

\* نه غم بسینه نه پیکان بدل نه خار پدای \*

\* بتنگ عیشی من کس مباد در دنیا \*

\* شبی که عقده کشایم بناخن از مویش \*

\* چو شمع جان بسر انگشتم آید از اعضا \*

\* برای زینت مژگان بدیده خواهم خون \*  
 \* و گرنه بر کف دریا کسی نه بسته خدا \*  
 \* بآب خود چو زمرود کسی که سبز بود \*  
 \* نه شان ابر شناسد نه شوکت دریا \*

## دیگر

\* ای مرا بی رخت افتاده دو عالم ز نظر \*  
 \* مردم چشم مرا خاک رخت نور بصر \*  
 \* خط رخسار تو با خویش طلسمی دارد \*  
 \* که توان خواندنش از رو نتوان کرد از بر \*  
 \* با من خسته زیگ عالمی ای پروانه \*  
 \* من یکی ریخته بالم تو یکی سوخته پر \*  
 \* تا همای کرم آسوخته دست تو شد \*  
 \* بر سر دست کسی سایه نیفکند دگر \*  
 \* بحر با دست تو منشور سخا می طلبید \*  
 \* همه گفتند که بر آب نویسد محضر \*  
 \* خویش را خصمت اگر در شط خون اندازد \*  
 \* همچو ماهی ز تنش بال بر آرد خنجر \*  
 \* مرد رزم تو گر از جوهر رستم باشد \*  
 \* رعشه پنجه اش از تیغ بریزد جوهر \*  
 \* گر کنی نامه را منع نداید بیرون \*  
 \* غنچه از شاخ چو پیکان محبت ز جگر \*  
 \* در حضور تو ستایش نتوان کرد ترا \*

( ۳۵۳ )

\* نگر فتمت کھی آئینہ را رو در زر \*

دیگر

\* زود به کردم من بی صبر داغ خویش را \*

\* اول شب میکشد مفاصل چراغ خویش را \*

دیگر

\* عیش این باغ بانداز یک تنگدل است \*

\* کاش گل غنچه شود تا دل ما بکشاید \*

دیگر

\* هر که امشب می نمی نوشد بما منسوب نیست \*

\* پارسا در حلقه مستان نشستن خوب نیست \*

\* در چین فصلی که بلبل مست و گلشن پر گل است \*

\* گر همه پیمانۀ عمر است خالی خوب نیست \*

\* سر نوشتم را قضا از بس پریشان زد رقم \*

\* هر که دیدش گفت مضبوطی درین مکتوب نیست \*

دیگر

\* در ساغر من می طلبم را جا نیست \*

\* میگویم و از هیچ کسم پروا نیست \*

\* با گوهر اشک خویشتن ساخته ام \*

\* چشم چو حباب بر کف دریا نیست \*

ابو طالب

متخلص بکلیم - همدانی مولد کاشانی موطن است - لباس  
نظمش بر قالب معانی زیباست - و زیور استعار آتش بر پیکر

( غم ۳ )

مضامین زینت افزا - سر آغاز جوانی بشید از شتافته دانش آموزی  
فرا پیش گرفت - و لختی برسمی علوم آشنائی بهم رسانیده ره نور  
هندوستان بهشت نشان که منشاء هنرمندانست گردید - اگرچه  
مدتی در سرزمین دکن و برخی در دیگر ممالک هندوستان بسر  
برده طرفی از کامروائی نه بسته بود - اما چون طنطنه اورنگ آرائی  
حضرت شاهنشاهی گوش جهانبان برافروخت - و همگی هنروران  
اقالیم سبعه روی امید بدین درگاه که کعبه آمال آرزومندان است  
نهادند - باستان معلی رسیده در زمره بندگان در آمد - و بگذارش  
محمّد و نگارش مفاخر این والا دولت ابد مدت دامن آرزو گرانبهار  
روائی گردانید - این ابیات مرأراست \*

- \* چمن تمام فوج شد ز انبساط بهار \*
- \* بچه بادیه در سرچه گل بگوشه دستار \*
- \* رطوبتی است هوا را که بر نمی آید \*
- \* ز زیر شبدم نرگس چو چشم عینک وار \*
- \* کشیده و سمه بر ابروی موج سبزه تر \*
- \* نهاده پرتو گلها خدا بدست چنار \*
- \* شود ز جدول تقویم کهنه آب روان \*
- \* کند رطوبت امسال اگر اثر در بار \*
- \* درین بهار ز طغیان آب می بیند \*
- \* ز بحر شعر خطرها سفینه اشعار \*
- \* زمانه ساز طرب میزند چنانکه بگوش \*
- \* رسد ز زاری غمگینوت نغمه تار \*



\* پیاله ساقی پرتر بده ترا قسم است \*  
 \* بخاک پای صراحی و آبروی بهار \*  
 \* زمان مستی مدح حیف زرد میگذرد \*  
 \* کمیت باده نبایست این قدر رهوار \*  
 \* بشست ابر چنان گرد را ز چهره خاک \*  
 \* که نیست جز بسر کوی خط نشان غبار \*  
 \* دمی که لشکر خود را بهار عرض دهد \*  
 \* بسعی نامیده گردد گل پیاده سوار \*  
 \* درین بهار عجب نیست زاب نغمه تر \*  
 \* که برگ بیدون آید ز نای موسیقار \*  
 \* دیگر

\* تا شد مژه بی اشک فتاد از نظر من \*  
 \* اکنون چه کنم رشته که رفتی گهری داشت \*  
 \* دیگر

\* شیرینم و مغز سخنانم تلخست \*  
 \* عیش همه عالم ز زبانم تلخست \*  
 \* من هم از خویش در عذابم که مدام \*  
 \* از گفتن حرف حق دهانم تلخست \*  
 \* دیگر

\* خواری از دهر دانش اندوخته دید \*  
 \* وز بی ادبان جور ادب آموخته دید \*  
 \* با تیره دلان زمانه را کاری نیست \*

\* آفت از باد شمع افروخته دید \*

معیدای گیلانی

که مجملی از احوال او بتقریبات گذارش یافت - از رسائی  
طبع و روانی فکر اکثری بنظم معانی می پردازد - الفاظش  
همواره دل نشین است - و مضامین نوآیندش رنگین - در  
عهد حضرت جنت مکانی از ولایت آمده به بندگی عتبه فلک  
رتبه سرافراز گشته بود - چون در فنون هنر زرگری و خدمتگاری  
نیک ظاهر گردید - بداروغگی زرگر خانه خاصه و خطاب بی بدل  
خان سرعزت برافراخت - درین زمان محمود نیز بهمان خدمت  
بلند پایگی دارد - این چند بیت از اشعار اوست \* بیت \*

\* سواره آن مه زرین رکاب می آید \*

\* بچهره اشک هزار افتاب می آید \*

\* بآب تیغ تو دل میکشد ز آب حیات \*

\* چو تشنه کو سوی آب از سراب می آید \*

\* کند غرق رخت ای نازنین زتاب نگاه \*

\* بدور حسن تو از آتش آب می آید \*

\* تو مست حسنی و من مست عشق چیدست حجاب \*

\* چندین دو مستی کی از شراب می آید \*

دیگر

\* از ناز چو آغاز کنی عشوه گری را \*

\* آرام بری آدمی و حور و پری را \*

\* شاید که بچین هر زلف تو برد راه \*

\* بگرفته دلم دامن باد . سحري را \*  
\* از جيب دلم تا نكزي دمت ستم دور \*  
\* با ناله هم آغوش كنم بي اثري را \*

ديگر

\* زتاب عشق هرگه پيش او بي تاب ميگردم \*  
\* گهي از شرم آتش ميشوم گه آب ميگردم \*  
\* بروئي چون درم هرگاه خندد دلستان من \*  
\* بگردش مضطرب چون قطره سيماب ميگردم \*  
\* نسيمي گر وزد بر تار زلف عنبر ايشانش \*  
\* چو زلف مشکبويش گرم پيچ و تاب ميگردم \*  
\* زشوق ديدنش از پاي تا سر ديده ام ليکن \*  
\* نه از بيداريم آگه نه گرد خواب ميگردم \*

ديگر

\* اي گلشن جمال ترا صد بهار گل \*  
\* يک گل زحسره تو نشگفت از هزار گل \*  
\* مژگان چو سايه بر گل روي تو اوگند \*  
\* ترسم شود نگار چو از نوک خار گل \*  
\* گر بگذري ز روي نو زش بگلستان \*  
\* بلبل کند براه تو اي گل نثار گل \*

ديگر

\* دارم اندر غنچه دل از خيالت گلشنبي \*  
\* همچو گل پوشيده ام از خون دل پيراهني \*

- \* تیر مژگان بسکه زد چشمت زمستی بردم \*
  - \* سینۀ دارم که هر داغش بود پرویزی \*
- دیگر

آنی که سریرت آسمان پایه بود \* بر ملک جهان عدل تو پیرایه بود  
تا هست خدا تونیز خواهی بودن \* زیرا که همیشه ذات با سایه بود

شیدا

- مولد و منشاء او فتحپور سیکری است - از موزونی طبع  
بی ماده علمی شعر گفتی - و مضامین گزیده را لباس رنگین  
پوشانیدی - این چند بیت از اشعار اوست \*
- \* بیت \*
  - \* ای بروی تو گرد آئینه را چشم نیاز \*
  - \* شانه را دست دعا در شب زلف تو دراز \*

دیگر

- \* گر بصر را موفشاند دشت پرسنبل کند \*
- \* در بدریا رخ بشوید خار ماهی گل کند \*

دیگر

- \* هوای شست زلفت ماهی از کوثر برون آرد \*
- \* شکر خند تو سر جوهر از خنجر برون آرد \*
- \* هوایت در سر کنجد که در زردم تیغست \*
- \* چو شمع از جیب خود هر دم سرد دیگر برون آرد \*

دیگر

- \* زلف او را رشته جان گفتم و گشتم خجل \*
- \* زانکه اینم معنی چو زلفش پیدش پا افتاده است \*

دیگر

- \* اگر گیسو بر افشانی هوادر مشک تر پیچی \*
- \* وگر رخساره بنمائی شب مادر سحر پیچی \*
- \* فسو نگرداند آن خاکی که ازوی بوی مار آید \*
- \* شناسم بوی زلفت را اگر در مشک تر پیچی \*
- \* نه من دودم نه توبادی نه من زلغم نه توشانه \*
- \* که چون من بیشتر پیچم تو بامن بیشتر پیچی \*
- \* بدین حسن تو نگرزلف چون دلوق گداد اری \*
- \* که گاهی سایبان رخ کنی که بر کمر پیچی \*

لله الحمد

که بفرخ فالی و فیروز مندی \* سخن را دادم از دولت بلندی  
طراز آفرین بستم قلم را \* زدم بر نام شاهنشاه رقم را  
شهاب الدین محمد شاه آفاق \* چو ابرو با سری هم جفت و هم طاق  
سایه گرانمایه این سایه آسمان پاینده ایندی که چون طوبی درو  
نزدیک سایه نشین اوست - و مانند آفتاب آباد و خراب نور آگین  
او - تا سایه و آفتاب همنشین همدگر اند - در روز و شب قرین  
یکدیگر - بر مفارق جهانیان مبدوط و ممدود باد \*

تمام شد





۲۲۱ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳

۲۳۴ - ۲۶۱

امام قلي ولد جان سپار

۲۴۴ - ۳۰۵

امام قلي ميرزا

بادشاهزاده اميد بخش

امير بيگ

امير شاه

امانت خان برادر علامي افضل خان

۵۳۵

راجه انيراي سنگهدلن انوپ سنگهه

دکني ۸۲ - ۱۲۱ - ۲۴۱

۲۷۹ - ۳۱۵ - ۳۲۴ - ۳۶۰

۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵

انبيان حافظ

رانا اودي سنگهه

شيخ اوحد الدين کوراني

اوداجيرام دکني

۲۹۶ - ۵۰۱

۵۰۳ - ۵۱۰

اکرام خان ولد اسلام خان فتحپوري

۲۹۹ - ۲۵۸ - ۱۸۴

الله ويردي خان قبل معتقد خان بود

۷۳ - ۱۸۰ - ۲۵۳ - ۲۶۵ - ۲۷۵

۳۱۰ - ۳۱۹ - ۴۲۳ - ۴۲۵

۴۳۱ - ۴۷۷ - ۵۳۸

الهداد پسر رحيم خان

الله يار خان کوه

۳۰۶ - ۴۳۲ - ۴۳۵ - ۴۳۶

۴۳۸ - ۴۴۷

الفتات خان ولد ميرزا رستم صفوي

۱۸۳

اليم سلطان

الله قلي مير اخور

رانا امر سنگهه ولد راجه گجه سنگهه

۸۰۰ - ۱۶۱ - ۲۲۷ - ۲۹۱

امير خان ولد قاسم خان

۱۲۸ - ۱۸۳ - ۲۸۷

امام قلي خان والي توران

۲۰۶ - ۲۱۶ - ۲۱۹ - ۲۲۰

اوسیک قصبه در ماوراء النهر ۴۶	اوگر سین ولد ستر سال .. ۳۰۶
اصفهان ..... ۲۱۹ - ۲۵۸	اهتمام خان میر آتش داروغه توپخانه
دار الخلافه اکبر آباد مسمی اگره	۱۱۹ - ۱۲۳ - ۱۹۷ - ۳۲۳
۶۲ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱	۳۳۰ - ۳۴۰ - ۳۵۸ - ۳۹۷
۷۵ - ۷۹ - ۸۲ - ۸۶ - ۸۷	۴۳۰ - ۵۴۳
۹۷ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۶ - ۱۲۵	ایشم خان قزاق ..... ۲۲۰
۱۲۶ - ۱۵۰ - ۱۵۴ - ۱۷۷	ایمل ..... ۳۵۰
۱۹۴ - ۲۱۶ - ۲۳۳ - ۲۴۰	* مواضع *
۲۴۳ - ۲۵۲ - ۲۵۴ - ۲۶۲	آمنه ..... ۱۷۰
۲۶۹ - ۲۹۱ - ۳۰۶ - ۳۶۲	آشتی ..... ۳۴۶
۳۹۰ - ۳۹۷ - ۴۰۳ - ۴۲۱	اناره ..... ۱۹۱
۴۲۶ - ۴۲۹ - ۴۵۰ - ۴۵۳	اجمیر ۷۶ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲
۴۶۹ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۷	۱۳۴ - ۱۶۵ - ۲۵۹ - ۳۷۲
۵۴۳	۳۹۱ - ۴۷۶
اکبر پور ..... ۳۳۶	اجودهن ..... ۸۲
آله باد ۱۲۶ - ۱۸۵ - ۳۴۸	احمد آباد ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸
۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۵۲	۷۹ - ۱۲۶ - ۲۲۸ - ۲۷۱
اند جان ..... ۴۶ - ۴۷	۳۶۳ - ۴۰۷ - ۴۵۲ - ۴۷۸
انچری ..... ۲۱۳	احمد نسر ..... ۱۷۹ - ۲۷۱
انتری ..... ۲۹۰	۳۸۰ - ۳۳۰ - ۳۹۹ - ۵۱۶



۲۴۶ .....	ایرچ	۳۲۸ .....	قصبه اندول
۳۲۸ .....	ایر کھتلہ	۳۴۶ - ۳۲۹ ..	انبہ جوکائی
۳۳۱ .....	ایلم	۳۳۹ - ۳۳۱ ..	انجن دودہ
۳۷۸ .....	ایندور	۳۳۵ .....	اندور
۴۱۸ .....	ایلچپور	۱۶۸ .....	انتولہ
* قلع *		اودی پور ۱۶۸ - ۱۷۰ - ۱۷۵	
۲۹۴ - ۲۶۶ .....	قلعہ آسیر	۲۹۰	
۵۴۰ .....	قلعہ احمد نگر	۱۷۰ .....	اورتن
۳۱۷ .....	قلعہ النگ	۱۷۰ .....	اوکڈہ
۶۶ .....	حصار امرکوٹ	- ۳۷۳ - ۲۰۱	صوبہ اودیسہ
۳۵۴ .....	قلعہ انبہ جوکائی	۴۵۰ - ۳۹۷	
۴۸۴ .....	قلعہ اندور	۲۱۷ .....	اور گنج
۲۴۶ .....	قلعہ اوندجہ	۲۴۲ - ۲۴۱ - ۲۴۰	اوندجہ
۴۱۳ .....	قلعہ اودگڑ	۳۲۹ - ۳۱۹ .....	اوجہر
۲۴۷ .....	قلعہ ایرچ	۳۶۶ - ۳۳۷ .....	اوجین
* بحار *		۳۵۶ .....	پرگنہ اوسہ
۳۱۱ .....	آب انک	۵۲۴ - ۵۲۰ ..	اوپر کھٹکہ
۸۰ .....	تالاب انا ساگر	- ۲۳۲ - ۲۲۷ - ۲۲۰ - ۷۳	ایران
		- ۴۲۲ - ۳۰۴ - ۲۸۱ - ۲۶۵	
		۴۷۷ - ۴۳۳	

باقی برادر کلان عبدالرحمن حاکم

قباد یان ..... ۲۰۷

باقی محمد خان ۲۱۷ - ۲۱۵

خواجہ بابای آفتاب ..... ۳۳۸

شیخ بابو ..... ۳۹۶

بحری بیگ ۲۶۱ - ۲۸۱ - ۴۷۷

راجہ بختاور ..... ۵۴۰

مرزا بدیع الزمان پسر مرزا شاه رخ

۱۷۰ - ۱۶۶

بدن سنگھ بہدو ریہ ..... ۵۱۳

خواجہ برخوردار ..... ۱۱۹

میر برکہ ۲۵۸ - ۲۸۱ - ۴۳۱

بسونت رای دکنی ۱۸۳ - ۳۰۹ -

۵۰۰

راجہ بکرماجیت سندر داس جگراج

ولد جہار سنگھ بندیلہ

۱۲۳ - ۱۸۴ - ۲۸۹ - ۲۹۰ -

۳۳۸ - ۳۳۹ - ۴۲۵ - ۴۹۸ -

۵۰۱ - ۵۰۳ - ۵۰۹ - ۵۱۸ -

۵۱۹ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۴

\* حرف باء - کسان \*

ظہیر الدین محمد بابر بادشاہ فردوس

مکانی ۴۲ - ۴۷ - ۶۷ - ۶۸ -

۹۵ - ۱۳۲ - ۱۶۲ - ۵۴۲

بایسنغر خلف شاهزادہ دانیال

۷۳ - ۷۴

بابو خان کرانی ..... ۱۲۱

باقرخان نجم ثانی ۱۲۵ - ۱۸۲ -

۲۰۱ - ۳۳۲ - ۳۳۴ - ۳۷۳ -

۳۷۴ - ۴۳۰ - ۴۵۰

باگہ پسر رانا امر سنگھ ۱۷۳

خواجہ باقی خان مخاطب بہ شیر

خواجہ ۷۳ - ۱۲۴ - ۱۸۱ -

۲۰۰ - ۲۲۰ - ۳۰۳ - ۴۳۶ -

بالچو قلیچ داماد قلیچ خان ۱۸۳ -

۱۹۰ - ۲۰۹ - ۳۱۱ - ۳۱۴ -

سید بایزید ..... ۱۸۳

بابا خواجہ مخاطب بجان باز خان

۱۸۴ - ۱۸۵ - ۲۹۹ - ۳۶۵ -

۴۷۶ - ۲۹۷ - ۴۷۶

سیدبھوہ دیندار خان .. ۸۲ - ۱۲۱	راجہ بکرماجیت بہدوریہ .. ۱۶۶
بہادر خان اوزبک ..... ۸۲	بلاقی پسر خسرو ۷۰ - ۷۱ - ۷۲
بہادر خان روهلہ ۱۱۷ - ۱۲۳	۷۹
۱۹۱ - ۲۴۶ - ۲۴۸ - ۳۲۳	بلرام ولد راجہ گو پال داس کور
۳۲۴ - ۳۲۷ - ۳۸۰ - ۳۸۱	۱۱۸ - ۱۲۴
۴۱۵ - ۴۲۳	بلبھدر سنگھوات ۱۸۴ - ۲۴۱
راجہ بهیم پسر رانا امر سنگھ ۱۲۳	۳۰۵
۱۷۳ - ۱۸۶	بنارسی ہندو ..... ۷۱ - ۷۵
شیخ بہنا ..... ۱۵۹	بولا ..... ۵۳۴
بہاریداس کچواہہ ۱۸۲ - ۲۰۵	سلطان بہلول لودی ۵۳ - ۲۷۰
۳۷۲	۳۰۴ - ۳۲۱ - ۳۲۹ - ۳۳۱
بہاریمیل ولد کشن سنگھہ راتھور ۱۸۵	۳۵۴ - ۳۵۶ - ۳۷۵ - ۳۸۱
بہرام نبیرڈ خان اعظم .. ۱۸۵	۵۰۵ - ۵۰۹ - ۵۱۴
بہگوان داس پسر راجہ نرسنگھ دیو	خواجہ بہلول بدخشی .... ۵۴
بندیلہ ۲۰۵ - ۲۴۱	سلطان بہادر ..... ۶۴
بہادر برادر زادہ پیرا ۲۷۶ - ۳۲۳	بہلول میانہ ..... ۱۸۲ - ۲۸۹
۳۲۵	راجہ بہارت بندیلہ ۸۲ - ۱۲۰
بہادر جی دکنی ولد جادون راے	۱۹۱ - ۲۲۹ - ۲۴۱ - ۳۰۲
۳۰۹ - ۳۰۰ - ۵۰۳ - ۵۰۷	۳۷۴ - ۳۷۷ - ۳۹۶ - ۴۰۵
۵۱۹	۵۳۴ - ۵۴۲

بي بدل خان . . . . . ۳۸۹ -	بهرجي زميندار بکانه ۳۱۷ - ۴۱۹
بي دل خان . . . . . ۴۸۷	بهرام ميرزا بن شاه اسماعيل صفوي ۳۹۰
* مواضع *	بهيم سين . . . . . ۴۲۳
بادبوري . . . . . ۱۷۰	بهادر کذبو ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۸ - ۵۳۴
قصبه باري ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۸ -	بهاگيرت بهيل . . . . . ۴۴۹
۴۹۳ - ۵۴۳	بهیکوجي . . . . . ۵۰۰
ولايت بالا گهاٺ ۷۶ - ۲۴۸ - ۲۴۹ -	راجہ بهادر سنگه . . . . . ۵۱۷ - ۵۱۸
۲۵۰ - ۲۷۱ - ۲۷۳ - ۲۸۹ -	بهويت . . . . . ۵۲۱
۲۹۴ - ۲۹۸ - ۳۰۲ - ۳۰۶ -	بهرام صادق خان . . . . . ۵۳۹
۳۱۸ - ۳۴۷ - ۳۵۲ - ۳۵۴ -	بيرم دے . . . . . ۵۱
۳۶۲ - ۳۹۸ - ۴۰۱ - ۴۰۴ -	راجہ بيتهلداس پسر راجہ گوپال
بالا پور . . . . . ۲۸۹ - ۳۰۴ - ۴۱۱ -	داس کور ۱۱۷ - ۱۲۳ - ۲۴۱ -
باسم . . . . . ۳۱۵ - ۴۱۱	۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۸۰ - ۳۲۴ -
پرگنه باري . . . . . ۳۵۹	۳۶۹ - ۴۱۰ - ۴۷۶ - ۵۳۸
قصبه بالني . . . . . ۳۶۱	راجہ بدير نراين . . . . . ۱۲۱
بالي . . . . . ۴۳۷	بيدم بيگ ترکمان ۱۲۴ - ۱۶۹ - ۱۷۰
بخارا . . . . . ۸۱ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ -	بيکترخان ولد سيد خان ۱۸۲ - ۲۲۱ -
بدخشان ۶۵ - ۲۰۶ - ۲۲۰ - ۲۳۳ -	بيتھوجي . . . . . ۳۱۰ - ۳۶۰ - ۴۰۰
۳۷۲	بيني داس و لد راجہ نور سنگهديو
بداون . . . . . ۸۲	بنديله . . . . . ۳۶۸

بن ..... ۵۰۶	برهان پور ۷۶ - ۱۲۴ - ۲۰۰ - ۲۵۰
بودن ..... ۳۷۸	۲۹۶ - ۲۷۳ - ۲۷۲ - ۲۶۶
ولایت بوندي ..... ۴۰۱	۳۵۲ - ۳۳۲ - ۳۲۰ - ۳۰۰
بھنبھر ..... ۷۱	۳۸۶ - ۳۶۵ - ۳۶۳ - ۳۶۲
بھار ..... ۱۲۵ - ۲۲۸ - ۴۲۶	۳۹۰ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۴۲۱
بھرايچ ..... ۱۹۵	۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۷ - ۴۳۲
بھوراسہ ..... ۲۹۰	۴۴۳ - ۴۷۴ - ۵۱۷ - ۵۳۲
بھونسلہ ..... ۳۲۷	۲۲۷ - ۲۹۸ - ۳۰۴ - ۳۰۷ - ۳۱۰
بھوکري ..... ۳۴۷	برتنگ ..... ۳۰۳
پرگنہ بھالکي ..... ۳۵۶ - ۳۷۹ - ۳۸۱	قصبہ بریل ..... ۳۴۶
قصبہ بھوم ..... ۳۵۹	بردوان ..... ۴۳۶
سرکار بھکر ..... ۳۶۵	برودہ ..... ۴۴۸
بھولنيري ..... ۴۹۸	بشاودہ ..... ۲۵۱
بیانہ ..... ۵۲	بغداد ..... ۸۱ - ۱۵۷
بیجا پور ۱۲۵ - ۱۷۰ - ۱۹۵ - ۳۴۴	بکلانہ ..... ۳۰۱ - ۳۰۷ - ۳۱۷
۳۵۶ - ۴۱۷ - ۴۲۲ - ۵۲۰	بلخ ۲۰۶ - ۲۱۴ - ۲۱۷ - ۲۱۹ - ۲۲۰
۵۳۷ - ۵۳۲	۲۳۳ - ۴۳۱ - ۴۶۵ - ۴۷۰
پرگنہ یدر ۲۵۰ - ۳۲۱ - ۳۲۵	صوبہ بنگالہ ۶۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۲۲۶
۳۳۱	ملک بندیلہ ..... ۴۲۵
بیضا پور .. ۳۲۷ - ۳۵۷ - ۵۲۶	بنارس ..... ۴۵۱ - ۴۷۸

۲۲۱ ..... پرناب سنگه اوجينه	۳۳۶ ..... بيچا گده
۲۵۶ - پرسوجي برادر كهيلوجي	۳۵۴ ..... بيلي
۵۰۸ - ۵۲۱	۳۷۹ - ۳۸۲ ..... بيدر
۳۲۵ ..... پرسوام	۳۹۸ - ۴۰۹ ..... بيگانير
پردل خان برادر دلاورخان بريچ	* قلع *
۳۸۴ - ۵۴۱	۲۶۰ ..... قلعه باميان
۳۹۰ ..... پرهيز بانو بيگم	۳۰۳ ..... قلعه باتوره
پرسوتم سنگه نبيرق راجه راج سنگه	۳۵۶ ..... قلعه بندر
۵۴۴	۴۱۱ - ۴۱۲ ..... قلعه بهالكي
۲۶۰ - ۲۱۸۰۲۱۱ - ۲۰۹ پلنگتوش	۴۱۵ - ۳۶۰ ..... قلعه بيچاپور
۴۷۵	* بحار *
۱۸۳ ..... راول پونجا	۳۲۱ ..... بان گنگ
راجه بهار سنگه ولد راجه نرسنگه ديو	* حرف پيه - كسان *
۲۴۸ - ۲۰۵ - ۱۹۷ بنديله	۲۱۸ - ۲۱۷ سلطان
۳۶۰ - ۳۲۴ - ۳۰۳ - ۲۵۵	۸۱ ..... راي پتهورا
۵۱۸ - ۵۱۳ - ۵۰۹ - ۵۰۷	۴۵۶ - ۴۵۲ - ۱۶۵ شاهزاده پرويز
۵۲۴ - ۵۲۱	۳۹۷ - ۱۸۵ سيد پرورش خان باره
۵۴ ..... پيرقله سيستاني	۲۷۸ - ۲۷۷ - ۱۸۶ پرنهيراج رانهور
۲۱۸ ..... پير محمد سلطان	۲۸۰ - ۲۹۶ - ۳۱۰ - ۴۷۷
۲۲۰ ..... پير محمد خان	۵۰۱ - ۵۰۴ - ۵۱۵ - ۵۲۱

قلعہ پربندہ .. ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۹۴	پیرخان میانہ ..... ۲۴۱
* حرف تا - کسان *	* مواضع *
تارنیمل ایدری ..... ۵۱	قصبہ پانی پت .... ۳۶۶ - ۴۷
تاماجی دورویہ ۳۷۱ - ۳۷۸ - ۵۱۵ -	پاتورہ ..... ۱۷۰
۵۳۲	پاتھری ..... ۳۲۱
تردی بیگ برادر قوج بیگ .... ۵۳	پانسی ..... ۳۶۰ - ۳۵۹
تردیک ..... ۵۵	پاترہ ..... ۳۶۰
ترخان میانہ ..... ۱۱۹	پتن ..... ۵۱۱ - ۴۷۸
ترکنازخان ..... ۲۹۹ - ۱۱۹	پرتور ..... ۳۶۸ - ۳۴۶ - ۳۳۱
مصطفی بیگ ترکمان خان ۱۲۱ -	پربندہ ..... ۳۵۷ - ۳۵۶
۵۰۶ - ۵۰۵ - ۳۰۰ - ۱۲۳	پشاور .. ۳۱۲ ۳۱۱ - ۲۱۳ - ۱۹۰
تریت خان نبیرہ مقیم خان ۱۶۶	قصبہ پلیتہ ..... ۳۵۷
۴۶۶ - ۴۶۵ - ۴۳۱ - ۲۹۹	پمغان ..... ۲۰۹
ترسون بے قطغان حاکم اسکمش ۲۰۷ -	صوبہ پنجاب ۶۵ - ۲۱۸ - ۴۰۷ - ۴۲۱
۴۱۸	پونہ ..... ۵۱۶
تشریف خان ..... ۱۸۲	پھولیسور ..... ۵۱۷
تلوک چند ..... ۵۱۹ - ۵۰۷	پیدلاد ..... ۱۲۵
تلنگ رای ..... ۳۱۰	پیگو ..... ۲۶۸
سلطان امیر تیمور صاحب قران	پیدانیر ..... ۳۲۲
۱۵۳ ۹۶ - ۶۸ - ۴۴ - ۴۳	* قلع *

## \* حرف ٹا . کسان \*

ٹریا بانو بیگم ۹۷ - ۱۹۲ - ۱۹۶ - ۳۹۲

## \* حرف جیم . کسان \*

جان بیگم ۵۵

جان نثار خان ۷۵ - ۷۶ - ۱۱۸ -

۱۲۳ - ۲۶۰ - ۲۷۱ - ۲۸۸ -

۳۲۰ - ۳۹۹ - ۴۱۰ - ۴۷۶ - ۵۴۲

جان سپار خان ترکمان ۱۲۶ - ۱۸۵

سید حاجی حاجی پوری .. ۱۶۶

جادون رای کایتھ دیوان بیوٹات

۱۶۹ - ۱۸۲ - ۳۰۸ - ۳۲۷

جاجم توقسانہ ۲۰۷

جانی خان ۲۱۷ - ۲۱۸ -

جان جهان پسر پیرا ۳۵۱

راجہ چچہار سنگہ ولد راجہ نور سنگہ دیو

بندیله ۱۸۲ - ۱۹۶ - ۲۰۳ -

۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۴۰ - ۲۴۱ -

۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۵۴ - ۲۸۰ - ۲۸۹

۲۹۶ - ۳۰۳ - ۳۳۸ - ۳۴۰ -

۳۴۳ - ۳۵۹ - ۴۰۵ - ۴۱۱

## \* مواضع \*

تاریک آب ..... ۲۱۴

قال گانو ..... ۳۳۷

تقر ..... ۷۸

ترمذ ..... ۲۱۱

ترینگ [ترینگ] ۳۰۱ - ۳۱۷ - ۵۳۳

ترنگلویاری ..... ۳۶۸

تری گانو ..... ۵۳۳

تلنگانہ ۱۲۴ - ۲۹۸ - ۳۰۷ - ۳۱۵ -

۳۷۴ - ۵۳۴

تلنگی ..... ۳۳۰

تنگ خرم ..... ۲۱۹

توران ۱۹۴ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۲۰ -

۲۳۶

## \* قلع \*

قلعہ تلتم .. ۳۴۶ - ۳۶۸ - ۴۸۴

## \* بحار \*

آب تپتی ..... ۲۵۱ - ۳۸۶

## \* حرف تے - مواضع \*

صوبہ قٹھہ ..... ۱۲۴ - ۲۴۴



- میرجلال الدین حسین ..... ۲۵۸  
میرجمله محمد امین میر سامان  
۷۳ - ۱۸۱ - ۲۲۶ - ۲۵۸ - ۳۲۰  
۴۵۳ - ۴۶۱
- جمال نوهانی ..... ۷۹  
جمال خان قراول ..... ۳۳۱ ۱۲۵  
حکیم جمالی کاشی دیانت خان ۱۹۱ -  
۴۰۷ - ۴۱۹
- جمالی ..... ۲۹۶  
سیدی جمال ..... ۳۷۰  
سید جمال الدین بارهه ..... ۴۵۱  
چمشید خان حبشی .. ۲۶۹ - ۲۹۹  
جوهر خان حبشی ..... ۳۶۸  
جوهر خان دکنی ..... ۳۹۵  
نورالدین محمد جهانگیر بادشاہ  
جنت مکانی ۴۲ - ۶۷ - ۶۸ -  
۶۹ - ۷۰ - ۷۳ - ۷۴ - ۸۰ -  
۸۲ - ۹۵ - ۹۶ - ۱۱۰ - ۱۱۳ -  
۱۱۶ - ۱۲۰ - ۱۲۵ - ۱۲۶ -  
۱۳۲ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۵۹ -
- جسونت رای ..... ۳۶۵  
سید جعفر خلف سید جهانگیر ۷۳ -  
۴۳۹  
جعفر بیگ .. ۳۰۳ - ۴۴۳ - ۵۲۷  
جعفر خان ۲۹۱ - ۴۰۹ - ۴۱۰ -  
۴۴۶ - ۴۵۱ - ۵۳۸ -  
جعفر نجم ثانی ..... ۵۰۷  
راجہ جگت سنگھ ولد راجہ باسو  
۷۳ - ۱۸۳  
جگمال ولد کشن سنگھ رائور ۱۲۱ -  
جگت سنگھ پسر کلان کرن ۱۷۶ -  
جگدیورای برادر جا دون رای ۳۰۹ -  
۳۱۰ - ۳۲۵ - ۴۰۰  
جگجیون جراح ..... ۳۱۶ - ۳۲۰  
جگرام ولد هردیرام ..... ۴۹۶  
جگناتھ ولد دلپت رای ..... ۵۰۹  
جگجیون پسر اوادجیرام ۵۱۰ - ۵۱۴  
جلال ولد دلاور خان کاکر ..... ۱۸۴  
سید جلال بہاری ابن سید محمد ۲۰۵  
سید جلال بخاری ..... ۲۲۸

راجہ جیسنگھہ نبیرے راجہ مان سنگھہ	۱۶۲ - ۱۶۵ - ۱۶۹ - ۱۷۴
۷۶ - ۸۲ - ۱۲۰ - ۱۹۶ - ۲۰۴	۱۹۰ - ۱۹۳ - ۲۰۶ - ۲۲۴
۲۱۲ - ۲۷۹ - ۲۹۵ - ۲۹۶	۲۳۱ - ۲۳۸ - ۲۴۱ - ۲۴۴
۳۱۶ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۵۷	۲۴۸ - ۲۵۸ - ۲۶۳ - ۲۶۷
۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۴۰۳	۳۱۱ - ۳۸۸ - ۴۲۵ - ۴۵۱
۴۷۳ - ۴۹۲ - ۵۳۸	۴۵۸ - ۴۷۳ - ۴۹۳ - ۵۴۲
جیت سنگھہ راتھور ..... ۱۱۹	جہانگیر مرزا نخستین پسر امیر تیمور ۱۴۵
جیت سور ..... ۲۴۱	جہان آرا بیگم المدعوۃ بہ بیگم صاحب
* مواضع *	۹۱۴ - ۹۶ - ۱۷۸ - ۱۹۲ - ۳۸۵
جاور ..... ۱۷۰	۳۹۱ - ۳۹۳ - ۳۹۸ - ۴۰۶
جارول ..... ۱۷۰	۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۶ - ۴۶۰
جالناپور - ۲۸۹ - ۳۰۹ - ۳۲۱ - ۳۴۶	۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۸۷ - ۵۳۶
۳۵۴ - ۳۹۷	جہان خان کاکر ..... ۱۱۹
قصبہ جامکھدر ..... ۳۳۰	خواجہ جہان خوافی .... ۱۲۳
قصبہ جادہ - ۲۴۶	جہان گیر قلی خان ولد خان اعظم
جلال آباد - ۲۱۳	گو کلتاش ۱۲۶ - ۱۸۲ - ۲۲۱
جمارتیکری - ۵۲۶	۴۰۹
جنیر - ۲۷۱ - ۳۳۱ - ۳۵۷	جہان بانو بیگم بذت شاہزادہ مراد
ولایت جودہ پور مایوار .... ۱۵۸	۴۵۳ - ۴۵۶
جونپور .. ۲۲۸ - ۳۸۳ - ۴۱۸	شاہزادہ جہان افروز ..... ۳۶۰

چاليس گانو ..... ۳۲۸	جويرة ..... ۳۳۵
چاکنه ..... ۵۱۶	جيت کويه .. ۳۵۶ - ۳۷۹ - ۳۸۱
چنديري ..... ۲۹۰	* قلع *
* قلع *	قلعه جونپور ..... ۶۱۴
قلعه چانپانير ..... ۶۱۴	* بحار *
قلعه چارجوي ..... ۲۱۹	درياي جون جمن ۶۱-۶۲-۶۵-۸۶ -
قلعه چاندور .. .. ۳۰۳ - ۳۱۸	۱۲۴ - ۱۵۴ - ۱۵۶ - ۱۵۷ -
قلعه چيتور ..... ۱۶۴ - ۳۰۵	۲۲۸ - ۲۵۴ - ۴۵۸ - ۴۶۳ -
* حرف حاء - کسان *	۴۸۸ - ۵۳۵ -
حاجي بے اوزبك ..... ۱۶۷	آب جيڪون ..... ۲۱۹
حاجي خواجه ..... ۱۹۶	* حرف چے - کسان *
حاکم خان ..... ۴۷۵	راي چندر بهان چوهان ۶۰ - ۵۲۱
حکيم حازق پسر حکيم همام ۲۳۳ -	چندر من پسر راجه نرسنگهديو
۳۱۸ - ۲۳۶	بنديله ..... ۳۷۲ - ۲۰۵
حبیب سور ..... ۱۱۹	چنگيز ولد عنبر حبشي ..... ۲۶۸
حسن خان ميوا تي .... ۵۱ - ۵۷	چنگيز خان ..... ۴۶۷
حسين تيمور سلطان .. ۵۳ - ۵۶	* مواضع *
خواجه حسين .. ۵۳ - ۵۷ - ۸۱	چاوند ..... ۱۷۰
حسين ايلچی سيستان .... ۵۴	چار يکاران ..... ۲۰۹
شاه حسين يارکي مغول غانچي ۵۵-۵۷	چاندور ..... ۳۲۸

حيات ولد علي خان ترين ..... ۱۱۹	حسن بيگ پسر بيرم بيگ تر کمان
ميرزا حيدر ولد ميرزا مظفر صفوي	۱۲۴
۱۸۵ - ۲۰۳	حسن بيگ بدخشي ..... ۱۲۵
آقا حيدر غلام بي نظام ..... ۳۵۳	مير حسام الدين ولد مير جمال الدين
ملاحيدر خصالي ..... ۴۳۲	حسين ..... ۱۶۶
حيات خان داروغه ..... ۴۹۴ - ۴۹۵	مير حسام الدين آنجو ..... ۱۸۱
حكيم حيدر علي ..... ۵۲۰	ميرزا حسن ولد ميرزا رستم صفوي
* حرف خاء - کسان *	۱۸۴ - ۲۰۵ - ۲۵۳ - ۳۰۶
خان معظم آرايش خان ..... ۵۳	حسن بيگ شينخ عمري ..... ۲۱۸
خان اعظم مرزا عزيز گوکلتاش ۶۸ -	حسن خواجه برادر عبدالرحيم خواجه
۱۶۷ - ۱۶۹ - ۱۷۵	۲۳۴
خان لر خلف ذوالفقار خان قرامانلو	حسن پسر پيرا ..... ۳۴۹
۷۳ - ۴۳۲ - ۴۷۶	سيد حسن کمونه ..... ۴۳۸
خانجهان لودي پيرا ناظم دکن و برادر	حسيني برادر باقر خان نجم ثاني ۵۴۴
خاندیس ۷۵ - ۱۲۵ - ۱۸۲ -	حق نظر توپچي باشي ..... ۲۰۷
۱۹۹ - ۲۰۲ - ۲۴۱ - ۲۴۶ -	حكيم الملك ..... ۲۲۷
۲۴۹ - ۲۵۵ - ۲۶۹ - ۲۷۴ -	هلال خان ولد سلطان علاء الدين ۵۵
۲۸۰ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ -	حميد خان حبشي ..... ۳۷۸
۲۹۳ - ۳۰۰ - ۳۰۴ - ۳۱۱ -	حميد راو موهنيه ..... ۵۱۷
۳۲۱ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ -	حورنساء بيگم ..... ۳۹۰

سید خان جهان ۳۹۹ - ۴۲۵ -	۳۲۸ - ۳۳۴ - ۳۳۸ - ۳۵۸ -
۴۳۰ - ۴۵۰ - ۴۶۴ - ۴۷۴ -	۴۸۲ - ۴۲۱
۵۳۸ - ۵۴۰	خان عالم ۸۲ - ۱۲۰ - ۱۲۵ - ۲۲۸ -
خدمت پرست خان رضا بهادر ۷۷ -	۴۲۶
۷۹ - ۱۱۴ - ۱۱۸ - ۱۲۳ -	خان قلی بهادر برادر قلیچ خان ۱۲۴
۲۴۴ - ۲۵۳ - ۲۶۵ - ۲۷۷ -	خانه زاد خان خان زمان مهین ولد
خدمت خان خواجه میرا ۷۴ - ۴۲۱ -	مهابت خان ۱۲۶ - ۱۵۸ - ۱۹۹ -
خداوند خان ..... ۵۲۰	۲۲۷ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۷ -
خسرو گو کلتاش ..... ۵۶ - ۵۴	۲۶۹ - ۲۷۹ - ۲۸۸ - ۳۰۵ -
میرزا خلیل فرزند میران شاه ۴۶ -	۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۶۷ - ۳۹۵ -
محمد خلیل آخته بیگی .... ۵۶	۴۰۰ - ۴۱۳ - ۴۲۴ - ۴۴۲ -
میر خلیل الله پسر میر میران یزدی	۴۴۳ - ۴۸۷ - ۴۹۷ - ۴۹۹ -
۷۳ - ۲۹۹ - ۴۲۶ - ۴۵۱ -	۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۳ - ۵۰۵ -
۴۷۴ - ۵۳۵ - ۵۳۸	۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ -
سبحان وردی خنجر خان ۱۱۹ - ۱۸۳ -	۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۴ -
۲۰۸ - ۲۴۲	۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ -
خواجگی اسد جاندار ۵۴ - ۵۶ -	۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۶ - ۵۳۱ -
خواص خان ۷۳ - ۱۸۱ - ۲۵۳ -	۵۳۳
۲۷۸ - ۲۸۰ - ۳۲۴ - ۳۵۶ - ۴۱۴ -	خان دوران ..... ۲۱۱
۴۱۶ - ۴۷۵	خان بیگی ..... ۳۷۰

درویش محمد ساریان ..... ۵۳	ملاخواجه خان مخاطب:خواجه جهان
دریای روهله ۲۰۲ - ۲۲۶ - ۲۵۱ -	۴۰۶ - ۷۸
۲۷۰ - ۲۹۷ - ۳۰۰ - ۳۰۴ -	حکیم خوشحال پسر حکیم همام
۳۲۱ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ -	۴۲۳ - ۱۸۲ - ۱۷۰
۳۲۹ - ۳۳۴ - ۴۸۳ -	خیریت خان حبشی عم رندوله ۴۱۴ -
درویش محمد خان دکنی ۲۲۷ - ۳۲۵ -	۴۱۵ - ۵۰۳ - ۵۰۹ - ۵۱۵ -
درویش محمد پسر کلان ابراهیم	۵۱۶ - ۵۱۷
عادل خان ۳۶۰	خیریت خان بیجاپوری ۵۰۰ - ۵۱۳ -
دلورخان خان خانان ۵۴ - ۱۲۳ -	* مواضع *
۱۶۹ - ۱۷۰ - ۳۶۱	خانوه ..... ۴۸ - ۵۱
دلپت راي ..... ۶۰	ولایت خاندیس ۲۲۷ - ۲۵۱ - ۲۹۳ -
سید دلیرخان بارهه ۷۷ - ۷۹ -	۳۱۰ - ۴۲۴
۱۲۰ - ۲۶۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ -	خراسان ..... ۸۱ - ۲۳۳ - ۲۶۳ -
۳۵۶ - ۳۶۱ - ۴۴۸ -	خرمانه از مضافات تیراه ..... ۱۹۰
دلورخان بریج ۱۱۷ - ۲۴۱ - ۳۸۳ -	خلجی پور .. ..... ۳۳۷
۳۹۸	* حرف دال - کسان *
دلورخان کاکر ..... ۱۶۷ - ۳۱۲ -	داؤد گماشته لشکرخان ..... ۳۱۱
دلورخان حبشی ..... ۳۳۰	دادا پندت ..... ۳۱۷
دلورخان دکنی ..... ۳۹۹ - ۴۴۳ -	شاهزاده دانیال ..... ۴۷۳
دلیرهمت پسر مهابت خان ۴۲۸ -	شیخ دیپر ..... ۴۱۴

۲۱۸ - ۲۱۷	۴۹۸ - ۵۰۱ - ۵۰۴ - ۵۰۷ -
دیانت رای گجراتی ..... ۳۶۵	۵۲۱ - ۵۱۶ - ۵۱۱
دیال پسر شیرخان ..... ۴۰۹	خواجہ دوست خاوند ..... ۵۳
* مواضع *	دوست ایشک آقا ..... ۵۶ - ۵۳
دامن گانو ..... ۳۳۰	دونکرسی ..... ۶۰
پرگنہ در دال ۳۷۱ - ۳۷۸ - ۳۸۲	راجہ دوار گاداس کچھواہہ ولد راجہ
صوبہ دکن ۹۵ - ۱۲۶ - ۱۳۸ - ۱۶۷ -	گردہر ۱۲۱ - ۳۰۵ - ۳۴۹
۲۲۷ - ۲۳۲ - ۲۴۹ - ۲۵۷ -	دوست بیگ ولد تولک خان ۱۶۶ -
۲۶۶ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۱۰ - ۳۳۲ -	۱۸۵
۳۳۸ - ۳۶۲ - ۴۲۲ - ۴۲۳ -	دوست خان ولد الف خان .. ۱۸۴
۴۲۴ - ۴۲۶ - ۴۶۸ - ۴۷۷ -	سلطان دولت افزا ۱۹۸ - ۲۵۹ -
۵۳۶	۳۹۳
ولایت دونگر پور ..... ۶۰	راودودا ولد راوچاند ۲۹۹ - ۳۰۵ -
دولت آباد ۲۵۱ - ۲۹۰ - ۳۰۹ - ۳۲۷ -	۵۱۵ - ۵۲۱ - ۵۲۲
۳۳۱ - ۳۴۶ - ۳۵۸ - ۳۶۲ -	دولت غلام عادل خان ..... ۴۰۴
۴۱۷ - ۴۲۲ - ۴۲۹ - ۴۹۹ -	دوتوناگ ناتھ .. .. ۵۱۵ - ۵۱۶ -
۵۰۱ - ۵۰۷ - ۵۱۷ - ۵۲۸ - ۵۳۳ -	دیندارخان ..... ۱۹۱
دوکی چٹالی ..... ۴۲۰	دیانت خان دست بیاضی ۱۱۹ - ۲۰۵ -
دارالمک دھلی ۶۱ - ۶۳ - ۶۵ -	۲۵۸ - ۳۲۰ - ۴۳۲
۱۲۶ - ۱۵۶ - ۲۰۹ - ۲۵۵ -	دین محمد خان مشہور بہ یتیم خان

## \* حرف ذال - کسان \*

ذوالفقار بیگ توکمان .. ۱۸۵ - ۲۵۸

ذوالقرنین فوجدار سرکار بهرا یج ۱۴۶۶

## \* حرف راء - کسان \*

راجہ رای سنگھ ولد راجہ بهیم

۱۹۵ - ۴۲۱ - ۵۳۵

راجہ رام داس نروری .. ۲۴۱

راوت رای دکنی .. ۲۸۸

راگھو پسر جادون رای .. ۳۰۹

راجہ رام داس کچھواہہ ۱۴۹۴ - ۱۴۹۵

ربی رای ساتھیہ .. ۳۲۸

راو رتن ہادا ۱۶۶ - ۱۸۵ - ۲۱۲ -

۲۹۸ - ۳۰۴ - ۳۱۵ - ۳۱۹ - ۴۰۱

رحیم خان کاکر .. ۱۲۵

رحیم خان ولد آدم خان حبشی ۳۰۰

رحمان اللہ پسر شجاعت خان عرب ۳۰۵

رزاق بے اوزیک .. ۱۶۶

رستم ترکمان باشلیغ .. ۵۵ - ۵۶

رستم خان برکی .. ۱۲۵

میرزا رستم صفوی ۱۲۵ - ۲۰۵ -

۳۵۲ - ۴۲۴ - ۴۲۶ - ۴۴۰ - ۴۷۲

دھول پور .. ۲۷۷ - ۳۶۹

دھولیہ .. ۳۰۱

دھارور ۳۲۱ - ۳۲۹ - ۳۴۶ - ۳۶۰ -

۳۶۱ - ۵۱۶

دھرن گانو .. ۳۲۸ - ۳۳۵

دھرم پوری .. ۳۳۶

دیت .. ۶۴

دیول گانو .. ۳۱۶ - ۳۲۱

دیبال پور .. ۳۳۶ - ۳۳۷

دیکلور .. ۳۷۷

## \* قلع \*

قلعہ دولت آباد نام قدیمش دیوگڑ

و دھارا گڑ ۳۲۸ - ۴۱۰ - ۴۷۸ -

۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۹۶ - ۵۲۹

قلعہ دھارور ۳۳۱ - ۳۳۹ - ۳۴۵ -

۳۵۷

قلعہ دیکلور .. ۵۳۴

## \* بحار \*

آب دردنه .. ۳۳۱



۵۱۸ - ۵۲۰ - ۵۲۴ - ۵۲۷	۴۵۲ - ۴۹۱
روشن راي بيگم ۹۷ - ۱۹۲ - ۳۹۲	رستم سلطان پسر ولي محمدخان
راجہ روزافزون ۱۸۲ - ۲۱۳ - ۲۴۱ -	۲۱۹
۳۱۶	رشیدخان خواجہ سرا ۱۱۹ - ۱۲۳ -
رومي خان ..... ۴۱۱	۳۵۶ - ۳۶۸ - ۳۸۱ - ۴۴۱
روپ چند گوالياري ..... ۲۹۹	رشیدخان انصاري ۱۸۳ - ۱۹۶ -
روشن ضمير ولد صادق خان ۱۴۱۷ - ۵۳۹	۳۲۹ - ۳۶۴ - ۳۸۰ - ۴۳۱
* مواضع *	رضوي خان ..... ۱۸۳
راجور ..... ۶۹	مير رضا ..... ۲۵۸
ولايت رانا ..... ۸۰	رضاقلي ..... ۳۷۰
راج محل مشهور به اکبرنگر ۱۲۴ -	رعایت خان ..... ۳۰۳
۴۳۳	مير رفيع الدين ..... ۲۵۸
ولايت رامن ..... ۴۱۷	رقیہ سلطان بیگم .. ۶۷ - ۱۳۲
رام بهاري ..... ۳۲۱	حکیم رکنای کاشی متخلص به مسیح
قصبہ راجوري ۳۲۱ - ۳۷۱ - ۳۸۲	۹۵ - ۱۴۱
راج پیلہ ..... ۳۳۱	زندوله پسر فرهاد ۳۴۴ - ۳۴۷ -
رامدودہ ..... ۳۴۷ - ۳۵۴	۳۵۴ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ -
رامگانو ..... ۳۶۸	۳۷۱ - ۳۷۵ - ۳۷۹ - ۳۸۱ -
رنڌهڻپور ..... ۴۸۷	۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۳ - ۵۰۴ -
روم ..... ۱۳۹	۵۰۸ - ۵۱۱ - ۵۱۴ - ۵۱۷ -

سَاهُوجِي بهونسله ۲۵۱ - ۳۲۸ - ۳۳۱	روتيه .. .. . ۲۹۰
- ۳۵۸ - ۳۶۷ - ۴۴۲ - ۴۹۷	روهيله .. .. . ۳۴۹
- ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۵ - ۵۱۴	روهنگهيدوره .. .. . ۵۱۷
۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۲۰ - ۵۲۴ - ۵۲۶	رهتاس .. .. . ۵۴۳
ساباجي .. .. . ۳۰۷	* قلع *
ساماجي ولد ساهوجي .. .. . ۳۲۸	قلعه رننهنيور .. .. . ۲۹۲ - ۳۶۹
راجہ سارنگ ديو .. .. . ۵۱۳	قلعه رهتاس .. .. . ۳۹۲ - ۴۵۱
هيدي سالم حبشي ۳۴۱ - ۳۴۳ - ۵۲۰	* بحار *
سپهرن .. .. . ۱۷۱	درياي راوي .. .. . ۷۴
سپهدارخان ۷۶ - ۱۸۲ - ۲۷۱	* حرف زاء - کسان *
- ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۴۶	زاهد ولد شجاعت خان ۱۶۷ - ۱۷۰
۳۶۸ - ۳۷۰ - ۳۹۵ - ۳۹۹	قاضي زاهد قاضي کلان ۲۰۹ - ۲۱۵
ستودي کچهي .. .. . ۵۱	زبردست خان ۱۱۹ - ۱۲۳ - ۲۵۳
ستي النساخانم ۱۵۱ - ۳۹۴ - ۴۰۳	۲۶۶ - ۳۹۹
۴۵۳ - ۴۵۵ - ۴۶۲	زناردار ترهتي .. .. . ۲۶۸
راول سترسي .. .. . ۱۸۴	شينخ زين خوافي .. .. . ۵۳
- ۴۰۱ - ۴۱۷ - ۴۹۹ - ۵۰۳ - ۵۰۵	زين العابدين ولد جعفر يگ ۱۸۴
۵۱۰ - ۵۱۹	زينت بيگ .. .. . ۲۶۵
ستر سال پسر اوسور .. .. . ۳۹۸	زين الدين علي برادره سالم خان ۵۴۳
	* حرف سين - کسان *

۳۱۰ - ۳۱۲ - ۳۱۴ - ۴۰۰ -	سردارخان برادر عبدالله خان ۱۱۷ -
۴۴۰ - ۴۴۷ - ۴۵۰ - ۴۹۹	۱۲۳ - ۱۶۷ - ۲۱۳ - ۲۴۱ -
سعادت خان ولد زين خان ۱۸۴ -	۳۵۶ - ۳۶۸ - ۴۱۷ -
۱۹۰ - ۴۴۰ -	سرفرازخان ۱۸۳ - ۲۶۷ - ۳۳۶ -
سکندر سور..... ۶۵	۳۷۵ - ۳۸۱ - ۳۹۷ -
سکندر دوتاني ۷۶ - ۲۷۲ - ۲۸۹ -	سرسال ولد ماهدو سنگهه کچهوايه
۳۸۴	۱۸۴ - ۲۴۱ - ۳۰۵ -
راجه سکنديو بنديله ..... ۱۷۲	سرورخان ..... ۳۰۰ - ۳۶۷ -
سکندر برادر شهبازخان ..... ۱۸۴	راوسرجن هادا ..... ۳۶۹ -
سکندر خان پدر عبدالله خان ۲۱۷	سراندازخان قلماق .. ۴۲۱ - ۴۵۰ -
سکندر علي پسر عم زندوله .. ۴۱۴	سراندازخان کوتوال ..... ۴۸۸ -
سلطان محمد مرزا فرزند ميران شاه	سزوارخان پسر لشکرخان ۱۲۱ -
۴۶ - ۵۴ - ۵۷ - ۲۶۴ -	۴۷۶ - ۲۱۴ -
سلیمان شاه ..... ۵۳	سزوارخان برادر عبدالله خان بهادر
سلیمان آقا ایلچی عراق ..... ۵۴	۱۶۷ - ۱۷۰ - ۲۱۳ - ۲۳۰ -
میرزا سلیمان ..... ۶۵	۳۹۴ - ۳۱۴ -
سلیمان خان ..... ۶۵	سعیداي گیلاني مخاطب به بي دل
سلطان نظر برادر سيف خان .. ۲۴۲	خان ۹۵ - ۴۹۳ -
سلطان یار ولد الله یار..... ۲۶۵	سعیدخان ولد احمد بیگ ۱۸۳ -
رانا سنکا ..... ۴۸ - ۴۹ -	۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۵۳ - ۲۶۶ -

## • مواضع •

سادھري .. .. . ۱۷۱	رانا سنگر ولد رانا اودي سنگھ . ۱۷۰
سانگانو .. .. . ۴۳۳ - ۴۳۴	سندر داس ۵ پير سامان ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳
سارنگ پور .. .. . ۴۴۹	سندر برھمن ملقب بکب راء ۳۳۹
سانکي .. .. . ۴۹۹	سنگرام زميندار کنور ۴۴۹ - ۵۱۳ - ۵۲۵
سدهير .. .. . ۳۸۳ - ۳۹۴	راجہ سورج سنگھ ۱۶۶ - ۱۷۱ - ۱۷۲
سرهند .. .. . ۶۵	راجہ سورج مل پسر راجہ باکو ۱۶۶
سرونچ .. .. . ۳۳۸	سورج مل پسر رانا امر سنگھ .. ۱۷۳
سري پور .. .. . ۴۳۶	راو سور بھوريہ ۱۲۰ - ۲۱۲ - ۲۹۶ - ۳۹۸
سلواني .. .. . ۲۹۰	سھنہ برادر رانا امر سنگھ .. ۱۷۳
سلطان پور .. .. . ۳۳۱ - ۴۱۳	سھراب خان ولد جعفر بيگ ۱۸۴
سمرقند ۱۴۰ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۶۵ - ۸۱ -	سھراب خان ولد آصف خان ۵۴۲
۲۲۱ - ۲۲۰ - ۲۱۹ - ۲۱۸	سيف خان ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۱۲۶ - ۱۷۷
سنبھل ۶۱ - ۲۵۵ - ۲۶۹ - ۲۸۸ -	سيوزام کور .. .. . ۱۱۹
۴۲۵ - ۴۴۰	سوام سنگھ سيئوديہ .. .. . ۱۱۹
مند .. .. . ۶۵	سيد سيف خان ولد سيد محمود خان
سلچر .. .. . ۸۱	بارھہ ۱۶۶ - ۱۷۰ - ۱۷۲
سنگمير ۳۰۱ - ۳۱۸ - ۳۳۱ - ۳۵۴ -	
۳۷	
سندھکر .. .. . ۳۰۹	

شاه بیگ خان ۱۲۴ - ۸۵ - ۲۱۸ -	سورت . . . . ۷۸ - ۳۶۳
۲۸۰ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۲۱ -	سوندیپ . . . . ۴۳۴
۳۹۴ - ۴۱۹ - ۴۷۲ - ۵۴۳	سهرند ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۳۰ - ۴۰۹
شاه بیگ اوزبک . . . . ۲۰۱	سیستان . . . . ۸۱
شاه نواز خان ابن عبدالرحیم خان	سیاه سنگ . . . . ۲۰۹
خان خانان . . . . ۳۹۰	سیوگانو . . . . ۳۲۳ - ۳۲۷
میرزا شجاع ولد میرزا شاه رخ ۷۳ -	سیوی . . . . ۴۲۰
۱۸۲ - ۲۵۶ - ۲۹۲	* قلع *
شجاع ولد معصوم خان ۳۴۷ - ۳۹۹	قاعه ستونده . . . . ۳۷۰ - ۴۸۳
ملا شرف الدین علی یزدی ۱۵۷ - ۴۱	قاعه سولاپور ۳۴۷ - ۳۵۵ - ۳۵۸ -
شرف الدین حسین ولد یوسف ۷۳ -	۴۱۷
۱۸۴ - ۲۰۱	* حرف شین - کسان *
شریف خان ۱۱۹ - ۲۵۳ - ۴۷۷ -	میرزا شاه رخ چارمین پسر امیرتیمور
۵۴۲	۳۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۳۷۲
شرزه خان . . ۱۲۳ - ۱۶۷ - ۳۱۵	شاه نواز خان پسر میرزا رستم صفوی
شریف اصفهانی خالوی باقرخان ۳۴۷	۷۳ - ۱۲۱ - ۱۸۱ - ۳۱۷ - ۴۷۶
شرزه راو . . . . ۳۶۷	شایسته خان مهین خلف یمین الدوله
ملا شکرالله افضل خان ۱۷۲ - ۱۷۳	۷۳ - ۷۴ - ۱۸۰ - ۲۹۴ - ۲۹۵ -
شکرالله پسر خانزمان ۴۲۸ - ۴۹۸ -	۲۹۶ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۱۸ -
۵۰۹	۳۱۹ - ۴۶۸ - ۴۶۴

شاه پور .....	۴۱۳	میر شمس .....	۷۸
شیراز .....	۲۵۷	شمس عم ملک بدن .....	۳۴۳
* حرف صاد - کسان *		شهربارنا شدنی ..	۷۰ - ۷۳ - ۷۹
صادق خان ۷۱ - ۷۳ - ۱۸۱ - ۱۸۶ -		سلطان شهاب الدین غوری ..	۸۱
۳۰۷ - ۳۶۵ - ۳۷۷ - ۴۳۲ -		شیخ شهاب الدین سهروردی ..	۸۱
۴۵۳ - ۴۶۱ - ۵۳۸		سید شهاب الدین بارهه ..	۱۶۶
میر صالی خوش نویس ..	۹۵	شه باز خان ۲۰۴ - ۲۱۳ - ۲۹۸ -	
صالح بیگ فوجدار پرگنه پیلاد ۱۲۵		۳۷۴ - ۳۸۰ - ۳۸۱	
صالح محمد ولد میرزا ساهی ۱۸۴		شه نذر میر آخور حاکم طالقان ۲۰۷	
صالح گوکلناش .....	۲۰۷	شه باز خان دوتانی .....	۱۸۳
صالح ایسک آقاسی .....	۲۰۹	شیرافکن ولد قوچ بیگ ..	۵۳
خواجه صابر .....	۲۶۶	شیرخان ..	۶۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ -
میر صابر .....	۴۲۹	۷۹ - ۱۲۶ - ۲۵۶ - ۳۰۱ -	
صالح کنبو .....	۴۳۶	۳۰۷ - ۳۶۹ - ۴۲۰	
صدیق خواجه ولد عبدالرحیم خواجه		شیربقا .....	۱۲۵
۱۹۸		شیرمحمد .....	۳۳۳
سید صدر جهان صدر ..	۲۳۳	شیرزاد خویش خان عالم .....	۳۴۹
صفدرخان نیولدار سرونج ۲۴۱ -		شیرخان توین ..	۴۱۹ - ۴۲۹
۲۴۸ - ۲۸۸ - ۲۹۸ - ۳۰۷ -		* مواضع *	
۳۶۹ - ۴۰۸ - ۴۲۷ - ۴۸۰		شاه گدهه .....	۳۵۴ - ۳۶۷

صف شکن خان ولد سید یوسف خان	۳۲۲ - ۳۲۱ - ۲۵۰
صفی مرزا .. ..	۲۶۴ .. ..
شاه صفی والی ایران ۲۸۱ - ۲۸۲ -	۳۶۵ - ۴۱۹ - ۴۷۷
خواجه قاسم مقدر خان اسمعیل اتانی	۴۷۷
صلاح الدین .. ..	۵۱ .. ..
سید علی مخاطب به صلابت خان - ۱۶۶	۳۱۵ .. ..
شیخ صوفی .. ..	۳۱۵ .. ..
* حرف ضاد - قلع *	۲۶۱ - ۲۰۸ ..
قلعه ضحاک ..	* حرف طاء - کسان *
طاهر مرزا .. ..	۲۰۷ .. ..
شیخ طاؤس .. ..	۲۱۱ .. ..
طالب کلیم شاعر ۲۱۵ - ۲۲۲ -	۲۶۸ - ۳۵۲ - ۴۵۹ - ۴۶۴
خواجه طاهر گرز بردار ..	۲۵۶ ..
طغرل نبیرة عبدالرحیم خانخانان	۱۸۴
طهمورث پسر دانیال .. ۷۲ - ۷۹	
شاه طهماسب .. ..	۲۶۴ .. ..
* حرف ظاء - کسان *	
ظفر خان پسر خواجه ابوالحسن	۱۲۰ - ۱۲۵ - ۱۸۳ - ۱۹۰ -
میر ظهیر الدین علی یزدی ۱۸۶ -	۲۱۳ - ۲۴۵ - ۳۰۱ - ۴۳۲ - ۴۷۴
میر ظهیر الدین علی یزدی ۱۸۶ -	۴۷۵ - ۴۳۲
* مواضع *	
ظفر نگر ۵۰۱ - ۵۰۵ - ۵۱۷ - ۵۳۲	
* حرف عین - کسان *	
عادل سلطان ابن مهدی سلطان	۵۴ - ۵۷
سید عالم بارهه ۷۳ - ۱۲۱ - ۲۱۳ -	۳۰۶ - ۳۱۹
عابد خان پسر خواجه نظام الدین احمد	۱۲۴ - ۱۲۵
عادل خان ۲۲۷ - ۲۵۶ - ۳۴۴ - ۳۴۵ -	۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۸ - ۳۵۹ -
۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۸ - ۳۵۹ -	۳۷۹ - ۳۸۲ - ۴۰۴ - ۴۱۳ -

۴۷۳ - ۴۲۶	۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۴۱ - ۴۸۵
حكيم عبدالعزازق ولد حكيم همام	۴۹۷
گيلاني .. ۱۸۴	ملا عبدالحميد لاهوري مولف كتاب
مير عبدالله خويش مرزا سيد	۱۰ - ۹۴ - ۹۵ - ۱۲۲
يوسف خان ۱۸۴ - ۲۲۶ - ۲۹۶	ملا عبدالله هانفي .. .. ۴۲
عبد القادر پسر احداد ۱۹۰ - ۳۱۲	عبدالله كتابدار .. ۵۳ - ۵۶
عبد الرحمن بيگ ترنابي ۱۹۰ - ۲۰۹	عبدالشكور .. .... ۵۴
۲۱۱ - ۲۳۰ - ۴۰۹ - ۴۲۱	عبدالعزیز ميرآخور .. ۵۴ - ۵۷
سيد عبد الواحد ولد مصطفى خان	مير عبد الهادي پسر مير ميران ۷۳ -
بخاري ۱۹۱	۲۹۹
عبد الرحيم خواجه ۱۹۳ - ۱۹۷	عبد الرحيم خانخانان ۱۲۱ - ۲۷۱ -
۲۳۵ - ۲۰۴	۳۹۰
عبدالله خان اوزبك .... ۱۹۴	سيد عبد السلام بارهه ۱۲۵ - ۱۶۰
عبد الرحمن بي ديوان بيگي ۲۰۷	عبدالله خان بهادر ۱۶۵ - ۱۶۷ -
خواجه عبدالحق .. .. ۲۱۱	۱۶۹ - ۱۷۲ - ۱۹۳ - ۲۰۴ -
عبد العزيز پسر نذر محمد خان	۲۳۳ - ۲۴۲ - ۲۴۶ - ۲۴۸ -
۲۰۷	۲۵۵ - ۲۶۶ - ۳۰۲ - ۳۱۹ - ۳۲۰ -
عبد المومن خان پسر عبدالله خان	۳۲۹ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ -
۲۱۷ - ۲۲۰ - ۲۶۴	۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۴ -
شاه عباس فرمان فرماي ايران	۳۹۷ - ۴۰۵ - ۴۱۱ - ۴۱۳ -



مهرزا عسکری .. .. . ۶۴	۲۱۷ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۳۲
عظیم خان .. .. . ۳۰۴	۲۵۸ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۸۱
عقیدت خان .. .. . ۲۹۷	۴۱۹ - ۴۲۷ - ۴۷۷
ملا علاء الملک تونی فاضل خان ۱۳	خواجہ عبد الہادی پسر صفدر خان
سلطان علاء الدین عالم خان .. ۵۳	۳۳۸
علی خان شیخ زادہ فریلی .. ۵۵	میر عبد اللہ رضوی .. ۳۴۴ - ۳۴۶
علی اٹکہ باشلیق .. .. . ۵۷	عبدالحق برادر علامہ افضل خان
علاول ترین .. ۱۱۹ - ۴۷۶ - ۵۲۵	۳۶۶ - ۴۲۸
علی قلی درمن .. .. . ۱۲۱	میر عبدالکریم .. .. ۴۰۷ - ۴۷۴
علی خان ترین .. .. . ۱۲۴	عبدالرسول پسر فتح خان ۴۱۰ -
علی دلاور خان .. .. . ۳۰۰	۴۱۸ - ۴۲۲ - ۴۹۶ - ۵۲۷
سید علاول ۳۰۶ - ۳۹۹ - ۵۰۷ -	شیخ عبدالرحیم خیرابادی ۴۱۵
۵۰۸ - ۵۱۳	عبدالرزاق ولد امیر خان .. ۴۲۴
میر علی اکبر .. .. . ۳۳۴	ملا عبداللطیف گجراتی .. ۴۴۶
علی اصغر ولد جعفر بیگ .. ۳۴۶	عبدالرحمن پسر صادق خان ۵۳۹ - ۵۴۱
سید علوی .. .. . ۳۹۹	شیخ عثمان ہارونی .. .. ۸۱
علی مردان خان ولد گنج علی خان	عثمان روهلا عم بہادر خان .. ۱۱۹
۴۱۹ - ۴۲۰	عرب خان .. .. . ۱۶۶
عمر شیخ موزا دومین پسر امیر تیمور	عزیز اللہ .. .. . ۱۸۳
۴۵	عزیز پسر پدرا .. .. ۳۲۲ - ۳۵۰

غیرت خان برادر زادۀ عبد اللہ خان	مہر شیخ مرزا چارمین پسر سلطان
۳۹۸ - ۴۷۵	ابوسعید مرزا .. .. ۴۶
غیاث الدین ترخان .. .. ۴۰۰	مہر خان افغان .. .. ۳۱۷
* مواضع *	سید عمر .. .. ۳۹۹ - ۴۱۹
غزنی .. .. ۸۱ - ۴۵۱	عنبر حبشی .. .. ۲۶۶ - ۵۲۱
غور بند .. .. ۲۰۹ - ۲۶۰	عنایت اللہ یزدی ۴۲۵ - ۴۳۵
* حرف فا - کسان *	۴۳۶ - ۵۳۶
فاخر پسر باقر خان نجم ثانی ۳۱۵	عوض حاجی حاکم غوری .. ۲۰۷
فتح خان پسر کلان ملک عنبر ۳۷۸	عوض بیگ .. .. ۲۶۱
۳۹۵ - ۴۰۲ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۵	عوض خان قاقشل .. .. ۴۵۱
۴۱۲ - ۴۲۳ - ۴۲۹ - ۴۴۲	مرزا عیسیٰ ترخان ۷۸ - ۱۸۱
۴۸۴ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۹	۲۳۰ - ۲۴۴ - ۳۲۹ - ۳۶۸
۵۰۰ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۱۱	۴۱۸ - ۴۲۳
۵۱۵ - ۵۲۰ - ۵۲۵ - ۵۲۷	* مواضع *
۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۴۰	عراق .. .. ۲۲۰ - ۴۳۱ - ۴۸۵
فخر الدین احمد .. .. ۷۳	* قلع *
فخر الملک ولد یاقوت خان حبشی	عنبر کوٹ .. .. ۵۰۲ - ۵۱۳ - ۵۲۱
۱۸۳ - ۴۴۳	* حرف غین - کسان *
فدائی خان ۱۲۵ - ۱۶۶ - ۱۸۲ - ۲۷۰	غزلی خان جالوری .. .. ۱۶۷
۳۱۹ - ۴۰۸ - ۴۱۸	سید غلام محمد برادر سید یعقوب ۱۸۴

* حرف قاف - کسان *	شیخ فرید شکر گنج ۸۱ - ۸۲ -
قاسم حسین سلطان .. ۵۴ - ۵۶	۱۸۴ - ۱۸۷ - ۱۸۶
خواجه قاسم سید اتائی .. ۱۱۸ -	ملا فرید دهلوی .. ۹۷ - ۲۸۶
۱۲۳ - ۱۸۵ - ۲۰۱ - ۲۴۵	فریدون خان ولد محمد قلی خان
قاسم خان جوینی - ۱۲۵ - ۱۲۰ -	برلاس ۱۶۷ - ۱۷۰
۱۹۶ - ۲۰۴ - ۲۲۶ - ۴۰۹ -	فرحان خان .. .. ۳۰۷
۴۳۵	فرید پسریدرا .. .. ۳۵۱
قاسم حسین قوشتی .. .. ۲۰۷	فرنگیان ۴۳۳ - ۴۷۰ - ۴۸۵ - ۵۳۴
میر قاسم هروی .. ۴۴۲ - ۴۴۴	فرهاد پدرزندوله .. ۵۰۵ - ۵۱۴ -
قاسم خان صوبه دار بنگاله .. ۴۴۴	۵۳۲
قتلق قدم قراول .. ۵۵ - ۵۷	فیروز خان خواجه سرای جهانگیر شاه
خواجه قطب الدین اوشی اندجانی	۷۴ - ۱۸۳ - ۳۶۵ - ۵۳۵
۸۲ - ۸۱	میر فیض الله .. .. ۲۹۷
قطب الملك ۲۰۴ - ۲۲۶ - ۲۲۷ -	* مواضع *
۳۵۶ - ۳۶۰ - ۳۶۷ - ۳۷۳ -	دارالسرور فتح پور .. ۶۶ - ۲۴۳
۳۸۳ - ۴۸۵	ولایت فرغانه .. .. ۴۶
قلیچ خان ۱۱۸ - ۱۲۳ - ۱۲۶ - ۲۱۸ -	* قلاع *
۲۲۶ - ۲۵۵ - ۲۹۷ - ۳۹۶ -	قلعه فوشنج .. .. ۴۲۰
۴۲۱ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ -	* بحار *
قلعه دار خان .. ۳۶۹ - ۴۴۶	دریای فرات .. .. ۱۵۶

رای کالی داس ... ۴۰۹ - ۴۳۲

کرم سنگه ... ۶۰

رانا کرن پسر رانا امر سنگه ۸۰ -

۱۶۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۶

کرم الله ولد علی مردان خان ۱۸۵

کرم سی را تهور ... ۱۸۵ - ۲۲۶ - ۳۰۵

کرجائی ... ۳۰۹

راو کرن پسر راو سور ۳۹۸ - ۴۰۹ -

۴۱۰ - ۵۱۰ - ۵۱۹

کرشاسپ پسر مهابت خان ... ۴۲۸

کرپا رام کور ... ۴۳۲

کشن سنگه برادر راجه سوچ سنگه

۱۶۶ - ۱۸۴ - ۵۱۳

راول کلیان جسلهیری ... ۱۸۳

خواجه کلان خواجه جویباری ۱۹۴

کمال خان ولد سلطان علاوالدین

۵۵

سید کمال ... ۲۵۰

کمال الدین ولد شیخ رکن الدین

۳۱۱

قوام بیگ اردو شاه ... ۵۴ - ۵۶

قائمی قوام ... ۳۷۵

\* مواضع \*

قرشی ... ۲۲۱

قزوين ... ۲۶۳

قندهار ۶۴ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۳۲ -

۲۳۳ - ۳۴۳ - ۳۴۶ - ۳۸۲ -

۴۱۱ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۵۱۶

سرکار قنوج ... ۲۰۴

\* قلع \*

قلعه قندهار ۳۰۷ - ۳۵۷ - ۳۷۱ -

۳۷۴ - ۳۷۷ - ۳۸۳ - ۴۸۴

\* حرف کاف - کسان \*

میرزا کامران ... ۶۴ - ۶۵

کامل خان ولد خان اعظم ... ۱۸۵

کاشغری خواجه ... ۲۰۷

کاشغری سلطان ... ۲۱۱

کار طلب خان ... ۳۰۷

خواجه کامگار برادر زاده عبد الرحیم

خواجه ۳۵۱ - ۳۵۲

کراره ۳۳۲ - ۳۳۱ .....	کمال قراول ۴۹۴ .....
کشمیر ۶۹ - ۷۰ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۶ - ۱۷۶ -	شیخ کورن ۵۴ .....
۲۲۹ - ۴۳۲ - ۴۴۸ - ۴۷۴	کورسین کشتواري ۱۸۵ .....
کلانور ۶۶ - ۱۴۱۳ .....	کهیلوجي بهونسله ۲۲۷ - ۲۹۳ -
قصبه کلویر ۳۸۲ .....	۳۴۴ - ۳۶۱ - ۴۹۸ - ۵۰۰ -
کذبایت ۶۴ .....	۵۰۷ - ۵۱۴
کددمک ۲۱۳ .....	کیا زمیندار ملک چاندا ۳۶۷ ..
کندار ۲۴۶ .....	* مواضع *
کنکر ۴۰۱ .....	دارالملک کابل ۶۲-۶۳-۶۵-۱۱۶ -
کونبہلمیر ۱۷۰ .....	۱۹۰ - ۱۹۱ - ۲۰۶ - ۲۱۲ -
کوة تن ۲۱۹ .....	۲۱۴ - ۲۳۵ - ۲۴۵ - ۲۵۳ -
کول ۲۹۲ .....	۲۶۰ - ۳۱۱ - ۴۰۰ - ۴۴۰ -
کودکه ۳۳۳ .....	۴۶۹ - ۴۷۶ - ۴۸۸ درین صفحہ
ولایت کوچ ۴۹۶ .....	دو اعجوبہ است
کھیرا پازہ ۳۳۲ - ۳۳۴ - ۳۷۳	کانگڑہ ۱۲۵ .....
کھلی کوت ۳۳۳ .....	سرکار کالپی ۱۹۱-۲۴۶ - ۳۰۱ - ۳۳۸
قصبہ کھیر ۳۴۶ .....	کالنجر ۲۶۰ - ۳۴۹
کھرکی ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۵۰۵ - ۵۱۱ -	پرگنہ کانتی ۳۵۵ .....
۵۱۸	کالی بھیت ۴۲۳ .....
کیدورہ ۱۷۱ .....	کاغذیوارہ ۵۰۱ - ۵۱۷ - ۵۲۰

داس ۲۷۸	کڙهون ۳۲۲ .. .. .
راجه گوپال داس کور .. ۱۲۴	کڙورائي ۳۲۲ .. .. .
گوپال سنگهه پسر منروپ .. ۳۲۱	کڙخابه ۴۲۰ .. .. .
گوهر آرا بيگم .. ۳۹۳	قصبه کيرانه ۱۵۹ .. .. .
گوپي ناتھ .. ۴۰۱	* قلع
* مواضع *	قلعه کابل ۲۰۹ .. .. .
گالنه .. ۴۴۳	قلعه کانگړه ۲۳۲ .. .. .
گجرات ۶۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸	قلعه کالا کوټ .. ۵۱۵
۱۲۵ - ۱۵۹ - ۲۹۹ - ۳۳۱	قلعه کهاتا کهيري ۴۴۹ .. .. .
۳۶۲ - ۳۹۷ - ۴۴۸ - ۴۵۱	* بحار *
۵۴۰	تالاب کانگريه ۷۸ .. .. .
گلکنده ۲۲۷ - ۲۵۸ - ۳۵۶ - ۳۶۷	کشن گنگ ۴۱۶ .. .. .
گلبرگه .. ۴۱۳	تالاب ککراله ۳۵۷ - ۳۵۶ .. .. .
گوگنده .. ۱۷۰ - ۸۰	آب کهرس پورنا ۳۶۸ .. .. .
گواليار ۲۴۵ - ۲۵۲ - ۲۵۴ - ۲۹۰	* حرف گاف - کسان *
۴۲۶ - ۴۲۵	راجه گچ سنگهه ولد راجه سورج سنگهه
گونديوانه .. ۲۸۹	۷۶ - ۱۵۸ - ۲۹۴ - ۳۰۷
گهاتي چاندا .. ۲۹۲	۳۰۸ - ۳۱۵ - ۴۷۴
گيلان .. ۲۶۴	راجه گردهر .. ۱۸۲ - ۲۴۲ - ۳۰۵
* قلع *	راجه گردهر داس برادر راجه بيتهل

۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲	قلعہ کالذہ ۳۰۱ - ۴۴۱ - ۴۸۴
* مواضع *	۵۲۶
دار السلطنہ لاہور ۱۶ - ۲۰ - ۶۵	قلعہ گوالیار ۱۷۶ - ۲۳۷ - ۲۴۴
۶۶ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۲ - ۷۳	۲۴۵
۷۴ - ۷۷ - ۷۹ - ۹۷ - ۱۱۳	* بحار *
۱۱۶ - ۱۵۸ - ۱۷۷ - ۱۸۰	دریائے گنگ ۶۵ - ۱۲۴ - ۴۳۳
۱۹۳ - ۲۰۳ - ۲۱۶ - ۲۱۸	• حرف لام - کسان *
۲۲۳ - ۲۳۳ - ۲۵۲ - ۳۰۴	لشکر خان ۱۲۰ - ۱۲۵ - ۱۸۹
۳۹۷ - ۴۱۹ - ۴۲۵ - ۴۴۸	۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۶۰
بندر لاہری .. .. . ۱۱۵	۴۰۰ - ۴۴۰ - ۴۷۲ - ۴۷۶
لاسور .. .. . ۳۲۸	لشکری ولد میرزا یوسف ۱۸۳ - ۲۰۱
لکھی جنگل .. .. . ۴۷۶ - ۲۸۸	لشکری پسر مخلص خان .. ۲۷۳
للندر .. .. . ۲۰۹	شاہ زادہ لطف اللہ .. ۹۷ - ۳۹۳
لوہنیر .. .. . ۳۳۶	لطیف خان نقشبندی .. ۱۸۵
* قلعہ *	لطف اللہ خان .. .. . ۴۷۶
قلعہ للنگ .. .. . ۳۰۱ - ۴۴۲	سید لطف علی بہکری .. ۵۳۱
* حرف میم - کسان *	لعل خان .. .. . ۱۸۴
مانک چند چوہان .. .. . ۶۰	لہراسب ولد مہا بختان .. ۱۱۸
راجہ مانسنگھ ۶۸ - ۴۰۳ - ۴۳۳	۳۰۵ - ۳۱۷ - ۴۲۸ - ۴۹۸
مادھو سنگھ ولد راو رتن ہاڈ ۱۸۴ -	۵۰۱ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۱۱ - ۵۱۶

شاهزاده محمد دارا شکوه ۷۰ - ۷۳ -	۳۵۰ - ۳۶۵ - ۴۰۱ - ۴۱۰
۹۷ - ۱۷۷ - ۱۷۹ - ۱۹۲ -	مالوجي بهونسله ۲۹۳ - ۳۲۸ -
۳۹۱ - ۴۲۸ - ۴۵۲ - ۴۹۰ - ۵۴۱ -	۳۳۹ - ۳۶۱ - ۳۶۴ - ۵۰۰ -
شاهزاده محمد شاه شجاع ۷۰ -	۵۰۸ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۲۱ -
۷۳ - ۹۷ - ۱۷۷ - ۱۷۹ - ۱۹۲ -	سيد ماكهون پسر سيد عبدالله ۳۵۱ -
۳۹۲ - ۴۰۳ - ۴۰۸ - ۴۵۲ -	راي ماني داس .. .. . ۴۶۶ -
۴۵۷ - ۴۶۰ - ۴۶۴ - ۴۹۰ -	سيد مبارک .. .. . ۷۹ - ۳۰۲ -
۴۹۱ - ۴۹۲ - ۵۳۶ - ۵۴۲ -	مبارز خان افغان ۱۸۲ - ۲۱۳ -
شاهزاده محمد اورنگ زيب ۷۰ -	۲۱۴ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۹۸ -
۷۳ - ۹۷ - ۱۷۷ - ۱۷۹ - ۱۹۲ -	۵۱۹ - ۵۲۱ -
۳۹۲ - ۴۵۷ - ۴۶۳ - ۴۷۴ -	مبارک خان نيازي ۲۹۸ - ۳۰۷ -
۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۲ - ۴۹۳ -	۳۹۹
۵۳۸	محمود خان ولد سلطان سکندر ۵۱ -
شاهزاده محمد مراد بخش ۹۷ -	۴۴۲ - ۴۴۳ -
۱۹۲ - ۳۹۲ - ۴۳۰ - ۴۵۷ -	محب علي ولد نظام الدين علي خليفه
۴۶۳	۵۳
محمد تقی سمسار مخاطب به شاه	محمدي کو کلتاش .. ۵۴ - ۵۶ -
قلي خان ۱۲۴ - ۳۶۶ -	محمد علي جينجگ .. ۵۵ - ۵۷ -
محمد خان مهمند .. .. ۱۲۵ -	ملا محمود نوکو نظام الدين علي خليفه
محمد خان نيازي .. .. ۱۶۷ -	۵۷



محمد شریف خالوي باقر خان ۳۳۴	محمد تقی میر بخشی .. ۱۷۰
محمود پسر پیرا .. ۳۴۹	محمد زمان طهرانی ۱۸۳ - ۳۷۲ -
شیخ محی الدین .. ۳۵۶ - ۳۶۶	۴۰۹
میرزا محمد .. ۳۷۰	قاضی محمد سعید شریکی کره رودی
محمد تقی تکیلدار .. ۳۹۷	۱۹۵ - ۳۸۳ - ۴۲۳ - ۴۷۵ -
حاجی محمد جان مشهدی قدسی	۵۴۳
۴۴۴ - ۵۴۰	سید محمد اسفر ایذی .. ۲۰۴
محمد حسین جابری .. ۴۷۴	محمد باقی بی قلماق ۲۱۱ - ۲۱۸
محمد یوسف .. ۵۴۳	محمد قلی .. ۲۲۶
قاضی محمد اسلام .. ۴۵۸ - ۴۶۴	محمد صدیق خواجه خلف عبد
مخلص خان ۷۳ - ۱۸۱ - ۱۹۱ -	الرحیم خواجه .. ۲۳۴ - ۲۳۶
۲۲۸ - ۲۹۷ - ۳۹۹	محمد باقر .. ۲۴۲
مختار خان ۱۲۶ - ۱۸۳ - ۱۹۹ -	محمد شفیع .. ۲۷۸ - ۲۹۸
۲۶۵	محمد علی بیگ ایلمچی دارای ایران
مخلص الله .. ۱۸۳	۳۰۴ - ۳۶۱ - ۳۶۵ - ۳۶۶ -
مروت خان ترکمان ۷۳ - ۲۹۹ -	۳۶۷ - ۳۹۷ - ۴۲۲ - ۴۲۷ -
۳۶۵ - ۴۵۱	۴۲۹ - ۴۳۳ - ۴۴۱ - ۴۷۷ -
ملا مرشد .. ۷۳	۴۷۹ - ۵۴۲
مرزا مراد ولد میرزا رستم صفوی -	محلدار خان دکنی ۱۸۳ - ۳۱۷ -
۱۶۷ - ۱۷۰	۵۲۶ - ۵۲۷

لاهوری ... .. ۴۱۴ - ۴۱۵	مرتضی قلی برادر جان سپار خان -
مظفر خان ۷۶ - ۸۲ - ۱۲۶ - ۴۲۷	۳۱۵ - ۱۸۵
سید مظفر خان بارهه ۱۱۷ - ۱۲۳ -	مرزا خان ولد زین خان .. ۱۸۵
۲۴۱ - ۲۴۵ - ۲۵۵ - ۲۷۲ -	ملا مرشد شیرازی مکرمت خان شد
۲۷۴ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ -	۱۹۱
۲۹۸ - ۳۱۶ - ۳۳۵ - ۳۳۶ -	مرحمت خان ۱۹۵ - ۲۷۸ - ۲۸۸ -
۳۳۷ - ۳۴۸ - ۳۵۰ - ۳۵۱ -	۳۱۵ - ۳۲۴ - ۳۳۰ - ۳۴۰ -
۳۵۲ - ۳۵۴	۳۴۱ - ۳۴۲
مرزا مظفر کرمانی ۱۱۸ - ۱۲۳ -	مرتضی خان ۲۰۰ - ۲۰۲ - ۲۸۷ -
۴۷۶	۴۹۸ - ۵۰۸ - ۵۳۲ - ۵۳۴
مظفر حسین مرزا .. .. ۳۸۹	مراری پندت ۳۶۰ - ۵۲۰ - ۵۲۱ -
معتمد خان ۷۳ - ۱۸۱ - ۲۶۲ -	۵۲۲ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ -
۲۷۹ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۳۵۱ -	۵۳۲
۴۱۱ - ۴۱۵ - ۴۳۱ - ۴۳۲	شاهزاده مراد خلف عرش آشیانی -
معتمد خان ۷۹ - ۲۱۲ - ۲۱۶ -	۴۵۲
۲۵۲ - ۲۵۹ - ۳۶۲ - ۳۶۶ -	مرزا خان ولد شاه نواز خان ۱۲۱ -
۳۶۹ - ۴۲۵ - ۴۲۷ - ۴۳۱ -	۴۷۴
خواجه معین الدین .. ۸۰ - ۸۱	حکیم مسیح الزمان .. ۱۵۹ - ۴۰۶
معین خان بدخشی ۱۹۰ - ۲۰۹ -	مصطفی رومی .. .. ۵۶
۲۳۰	مصطفی خان داماد ملا محمد

راجہ منروپ ولد جگناتھ ۱۱۸ - ۱۲۳	شیخ معین الدین .. ۳۵۶ - ۳۷۹
سید منصور پسر سید مظفر خان ۲۴۵	معز الملک متصدی .. ۴۱۷
منکوجی دکنی .. ۳۰۶	معصوم زمیندار .. ۴۳۶ - ۴۳۸
منصور غلام قطب الملک .... ۳۳۳	مغل خان ولد زین خان ۱۸۴ - ۱۹۱
منصور پسر عنبر .. ۳۸۳	سیدی مفتاح .. ۵۳۴
مومن اٹکھ .. ۵۵ - ۵۶	مقرب خان ولد شیخ بہنا ۱۵۹ -
موسوی خان پسر میر میران ۷۳ -	۳۰۴ - ۳۲۱ - ۳۲۹ - ۳۳۱
۱۸۱ - ۲۰۰ - ۴۰۸ - ۴۵۳ - ۴۶۱	۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷
خواجہ مودود چشتی .. ۸۱	۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۱ - ۳۷۵
مومن پسر وقاص حاجی ۴۳۱ -	۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۴ - ۳۹۴
۴۵۱ - ۴۶۶	۴۰۸ - ۴۱۰ - ۴۲۵
حکیم مومنا .. ۴۴۱	مکرم خان ۳۰۶ - ۳۴۷ - ۳۶۲
سید مہدی خواجہ .. ۵۴ - ۲۱۰	۳۶۹ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۶۰ - ۵۴۲
مہابت خان خانان سپہ سالار ۷۵ -	۵۴ .. ۵۶
۸۲ - ۱۱۱ - ۱۱۶ - ۱۶۵ - ۱۷۰	ملک قاسم برادر بابا قشعہ ۵۵ - ۵۶
۱۷۵ - ۱۹۳ - ۱۹۹ - ۲۱۲	ملک قاسم خان ۲۵۸ - ۲۹۶ - ۳۰۵
۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۳۰ - ۲۴۱	۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۵۸ - ۳۵۹
۲۴۶ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵	۳۶۰ - ۳۷۱ - ۳۷۹ - ۴۲۳
۲۵۷ - ۲۷۳ - ۲۸۷ - ۳۵۲	ملک بدن .. ۳۶۱
۳۶۷ - ۴۲۴ - ۴۲۶ - ۴۲۸	شاہ منصور برلاس .. ۵۳ - ۵۶

- ۱۶۷ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۵ -

- ۲۴۱ - ۲۵۵ - ۲۷۲ - ۲۷۳ -

- ۲۹۳ - ۳۳۴ - ۳۳۶ - ۴۲۵ -

۴۴۹ - ۵۳۴

ماندو .. ۶۴ - ۷۶ - ۲۷۲ - ۳۶۱

قصبه مانڈل .. .. ۸۰ - ۱۶۷

مازندران .. .. ۲۶۳

مانک دوده .. .. ۳۲۹ - ۳۵۶

مان گانو .. .. ۳۷۱

مالده .. .. ۴۷۸

متھرا .. .. ۲۳۰ - ۲۴۴

مچھلي گانو .. .. ۳۲۱ - ۳۲۶

محمود آباد .. .. ۷۸

مخصوص آباد .. .. ۴۳۶

مرو .. .. ۲۱۶

صوبه ملتان ۲۸۷ - ۳۷۲ - ۴۲۱ - ۴۲۸

مندسور .. .. ۶۴ - ۳۳۷

منکود .. .. ۳۳۷

موزينه .. .. ۳۷۱

مہابن .. .. ۱۹۶ - ۲۰۴

- ۴۴۰ - ۴۹۷ - ۴۹۹ - ۵۰۱ -

- ۵۰۳ - ۵۰۵ - ۵۰۷ - ۵۰۸ -

- ۵۱۰ - ۵۱۲ - ۵۱۴ - ۵۱۵ -

- ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۲۰ - ۵۲۲ -

- ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۶ - ۵۲۸ -

۵۳۰ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۶ - ۵۴۰

مہیس داس رائہور .. ۵۱۳ - ۵۱۵

موزامیران شالہ سومین پسر امیر تیمور

۴۵

میدنی رای .. .. ۵۱ - ۳۶۸

میرہمہ فرزند نظام الدین علی ۵۴

میرخان .. .. ۱۲۳

میرک حسین خوفی .. ۳۰۳

میناجی برادر ساهوجی ۳۲۸ - ۴۹۸

میرم بیگ .. .. ۴۷۴

میتنی سنگھ ولد راو دودا .. ۵۳۲

\* مواضع \*

ماوراء النهر ۴۷ - ۶۲ - ۲۱۷ -

۲۳۳ - ۳۶۴ - ۴۷۵

صوبه مالوہ ۶۴ - ۷۶ - ۱۲۶ -

نریت هاڈا .. .. . ۵۱	موگانو .. .. . ۳۲۱
راجہ نرسنگھ دیو [ برسنگھ دیو ] ۵۱ -	مہندری .. .. . ۳۷۳
۱۶۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۱	میان کال .. .. . ۲۲۱
نرہر داس ولد راجہ نرسنگھ دیو ۱۹۶	میوات .. .. . ۴۰۹
نرہر داس جھالا .. .. . ۳۲۳ - ۳۲۴	مینہ .. .. . ۵۰۰
نرسنگھ داس پسر راجہ دوارکا داس -	* قلع *
۳۴۷	حصار شادی آباد ماندو - ۶۴ -
شینہ نصیر الدین محمود .. .. ۸۲	۳۳۶ - ۲۹۳
نصیب شیرانی .. .. . ۱۱۹	قلعہ مانگانو .. .. . ۳۷۱
نصرت خان .. .. . ۳۰۲	قلعہ منصور گدھہ ۳۳۲ - ۳۳۴ - ۳۷۳
نصیری خان ۳۰۷ - ۳۱۵ - ۳۱۶ -	قلعہ مہاکوت ۵۱۳ - ۵۱۵ - ۵۲۰ - ۵۲۵
۳۴۳ - ۳۵۷ - ۳۷۱ - ۳۷۴ -	* بھار *
۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ -	دریائے مینار .. .. . ۳۸۳
۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۸ - ۴۰۵ -	* حرف نون - کسان *
۴۱۱ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۲۴ -	شیخ نجم الدین کبری .. .. ۸۱
۴۴۹ - ۵۰۱ - ۵۰۹ - ۵۱۰ -	نجات خان .. ۳۱۴ - ۳۷۲ - ۴۲۸
۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۵ -	نذر محمد خان ۱۸۹ - ۲۰۶ - ۲۰۷ -
۵۱۸ - ۵۲۰ - ۵۲۳ - ۵۲۴ -	۲۱۲ - ۲۱۶ - ۲۱۹ - ۲۲۰ -
۵۲۶ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ -	۲۲۱ - ۲۳۰ - ۲۳۵ - ۲۶۰ -
۵۳۴ - ۵۴۰ - ۵۴۲	۴۳۱ - ۴۶۵ - ۴۷۵

نوبت خان ۱۱۹ - ۱۲۳ - ۱۴۵۱ - ۵۴۳	نظام الدين علي خليفه .. ۵۳
نوازش خان ولد سعيد خان ۱۶۶	نظام خان ميانہ .. .. ۵۵
نورالدين ولد خواجہ مير هروي ۳۰۶	نظام الملك بي نظام ۷۶ - ۱۹۵ -
نورمحمد عرب .. .. ۳۹۷	۲۲۷ - ۲۴۸ - ۲۵۰ - ۲۵۱ -
* مواضع *	۲۶۷ - ۲۷۱ - ۲۷۳ - ۲۸۹ -
ولايت ناسک ۳۰۱ - ۳۰۳ - ۳۱۷ -	۲۹۰ - ۲۹۳ - ۳۰۰ - ۳۰۹ -
۳۵۸ - ۴۳۹ - ۵۳۳	۳۲۸ - ۳۴۷ - ۳۵۸ - ۳۸۲ -
ناندور .. .. ۳۷۱	۴۲۲ - ۴۴۲ - ۴۸۲ - ۴۸۳ -
ناندیر .. .. ۳۸۳ - ۴۱۱	۴۸۵ - ۵۰۱ - ۵۱۴ - ۵۲۰ -
ناکچھري .. .. ۵۰۱	۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۴۰
شہر نور .. .. ۷۸	شیخ نظام الدين اوليا .. ۸۲
نرور .. .. ۱۹۱ - ۲۴۶	سید نظام .. .. ۱۸۳ - ۲۲۹
نظام پور .. ۱۶۹۹ - ۵۰۱ - ۵۲۴	نظر بہادر خوشگي ۱۸۴ - ۲۱۳ -
نگرامی .. .. ۲۱۴	۲۴۱ - ۲۵۵ - ۳۹۹ - ۴۴۰ -
نلدی .. .. ۳۵۵	۵۱۳ - ۵۱۵
نندر .. .. ۳۹۵	خواجہ نظام سوداگر .. ۲۶۷
نور منزل مشہور بباغ دھڑہ ۲۴۳ - ۲۵۴	نظر بیگ گرز بردار .. ۳۸۴
نولاهی .. .. ۳۳۷	نورمحل .. ۷۰ - ۷۱ -
نورس پور .. .. ۴۱۳ - ۴۲۲	نورالدين قلی ۸۲ - ۱۲۱ - ۲۴۱ -
نیشاپور .. .. ۸۱	۲۴۲ - ۴۱۸

* بحار *	نیمله ۲۱۳ .. .. .
آب و نجره ۳۳۱ - ۳۶۱ - ۳۷۰ -	نیمی ۳۴۸ .. .. .
۳۷۸ - ۳۸۰ - ۳۸۲	* قلع *
* حرف ها - کسان *	قلعه نباتی ۵۲۶ - ۴۸۴ - ۳۰۱ ..
هاباجی .. .. ۳۰۶ - ۳۲۸	قلعه ندرگ .. .. ۳۴۶
هردیرام کچهوا ۱۲۱ - ۲۶۸ - ۳۰۶	* بحار *
هرداس جهالا .. .. ۱۷۱	دریائے نریده ۳۳۵ - ۲۹۳ - ۲۵۱ - ۷۷
هری سنگه ولد کشن سنگه راتهور ۴۲۱	نهر فتح .. .. ۲۱۰
سید هنر خان ۷۳ - ۱۸۳ - ۲۱۳ - ۳۱۹	آب نهذورا .. .. ۴۱۳
هشتر خان .. .. ۲۱۷	* حرف واو - کسان *
همایون شاه جنت آشیانی ۴۲ -	میرزا والی .. .. ۱۸۳ - ۷۸
۵۴۲ - ۹۶ - ۶۳ - ۶۰ - ۵۶	وزیر خان ۱۱۷ - ۱۲۲ - ۱۲۴ -
همت خان .. .. ۴۵۱	- ۳۰۷ - ۳۰۴ - ۲۹۸ - ۲۴۳
هندر بیگ قوجین .. ۵۴ - ۵۶	۴۲۵ - ۴۱۷ - ۴۱۰ - ۴۰۳
هندال میرزا .. .. ۶۷	وفاخان .. .. ۳۸۳ - ۳۶۷
هوشنگ پسر دانیال .. ۷۲ - ۷۹	وقاص حاجی ایلچی ۴۳۱ - ۴۵۱ -
* مواضع *	۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۸
هارون .. .. ۸۱	ولی خازن و فرافوری .. ۵۴
هچای .. .. ۴۳۶	ولی محمد خان ۲۱۷ - ۲۱۸ -
هرات .. .. ۲۶۳ - ۲۱۹ - ۲۱۷	۲۲۱ - ۲۲۰ - ۲۱۹

۱۲۱ .. .. سيد يعقوب بخاري	۳۷۱ .. .. .. هلي
۲۰۹-۱۹۰-۱۶۷ يعقوب خان بدخشي	۴۳۶ .. .. .. هلدی پور
- ۱۲۳ - ۱۱۹ خواجه يکه تاز خان	۳۶۹ .. .. .. هودل
۳۵۱ - ۲۹۹	- ۴۴۴ - ۴۳۵ - ۴۳۳ بندر هوگلي
۱۲۳ .. .. يكدل خان خواجه سرا	۴۸۵ - ۴۷۰
۲۶۰-۲۱۸-۲۱۱-۲۰۹ يلنگتوش	* حرف ياء - کسان *
۴۷۵	۱۶۷ .. .. ياريگ
۵۶ - ۵۳ .. .. يونس علي	- ۱۹۵ - ۱۸۲ ياقوت خان حبشي
۱۲۳ - ۱۱۸ يوسف محمد تاشکندى	- ۳۲۶ - ۳۰۷ - ۲۹۳ - ۲۵۳
۴۲۳ - ۳۸۱ - ۳۸۰ - ۲۹۹	- ۳۵۹ - ۳۵۸ - ۳۵۳ - ۳۴۴
۲۶۵ .. .. يوسف آقا خواجه	- ۳۹۵ - ۳۷۴ - ۳۶۱ - ۳۶۰
۴۱۵ .. .. يوسف خان	- ۵۰۴ - ۵۰۲ - ۴۰۰ - ۳۹۹
۵۲۵ .. .. يولم بهادر	۵۲۳-۵۲۱-۵۱۸-۵۱۴-۵۰۸
* مواضع *	۴۷۶-۲۴۵-۱۸۴ يادگار حسين خان
۳۱۲ .. .. يولم گذر	۲۱۸-۲۱۷ .. .. يار محمد خان
	۴۳۰ - ۴۰۹ ياسين پسر شيرخان





فهرست مردمان و مواضع و قلعبات و دریاها نیکه در دومین  
حصه اولین دور بادشاه نامه مذکور شده اند بترتیب حروف هجاء

\* حرف الف - کسان \*

خان بهادر ۱۴۰-۱۵۶-۲۲۳-۳۲۰	یمین الدوله آصف خان خانانان -
میر ابوالحسن ۱۴۳-۱۵۴-۱۶۷-۱۷۳	سپه سالار ۱-۳-۱۳-۱۷ -
قاضی ابوسعید ۱۴۳-۱۵۴-۱۶۷ -	۲۰-۲۸-۴۷-۵۰-۵۱ -
۱۷۳-۲۲۹	۶۴-۶۶-۷۸-۸۲-۸۵-۸۶ -
مرزا ابوالحسن ولد مرزا رستم ۱۷۶	۹۷-۱۰۰-۱۳۷-۱۴۳-۱۴۹ -
خواجه ابوالحسن ۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴ -	۲۴۹-۲۵۵-۲۶۷-۲۶۸ -
۱۹۵-۱۹۶-۲۹۳	۲۶۹-۲۷۰-۲۷۵-۲۹۲ -
ابراهیم عادل خان .. ۲۰۴-۲۱۹	آگاه خان خواجه سرا ۱۰۱-۲۸۰-۳۰۷ -
حکیم ابوالبقا حکیم الملک .. ۲۸۱	آتش خان حبشی .. ۱۳۷-۲۵۷ -
ابدال ۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶	آدم خان تبتی ولد علی راے ۲۸۵-۳۲۶ -
میر ابو طالب تربتی .. ۲۸۸	آتش خان دکنی .. ۳۰۳ -
ابو البقا ولد احمد بیگ خان ۳۰۷	آی محمد تاشکنندی .. ۳۲۵ -
ابو محمد کنبو .. ۳۰۸	میر ابراهیم رضوی .. ۶۷ -
ابابکر ولد بهادر خان قوریگی ۳۱۱	شیخ ابو الفضل .. ۹۸ -
ابو البقا ولد شریف خان .. ۳۲۳	سید ابو الفتح .. ۱۳۷ -
میر ابابیل برادر شجاعت خان برلاس ۳۲۳	خواجه ابوالبقا برادرزاده عبد الله

۲۵۳ - ۲۴۲ - ۸۸	ابوالبقا ولد قاضي خان ۳۲۵ .. ..
اردشير نبيرو احمد بيگ خان ۳۱۳	حكيم ابو الفتح ۳۲۸ .. .. .
اسلام خان ميربخشي ۳ - ۵ - ۱۷	شيخ ابو المعالي ۳۳۶ .. .. .
۴۹ - ۵۰ - ۷۱ - ۷۶ - ۸۳	مير ابراهيم همداني ۳۳۶ .. ..
۲۹۴ - ۲۷۴ - ۸۸ - ۸۷ - ۸۶ - ۸۵	مرزا ابراهيم همداني ۳۴۵ .. ..
اسحق بيگ زور آبادی ۶۳ .. ..	حكيم ابو القاسم ۳۴۸ .. .. .
اسحق بيگ بخشى فوج ۱۰۹ -	اجميري كوكه ۳۱۷ .. .. .
۱۱۵ - ۱۳۶ - ۲۴۹ - ۳۱۲	احمد خان نيازي ولد محمد خان - ۳۵ -
اسحق بيگ يزدي ۱۲۱ - ۱۲۳	۴۰ - ۶۰ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۹ - ۳۰۰
اسفنديار ولد الله يار ۱۵۳ .. ..	احمد بيگ خان ۳۰۱ - ۹۷ - ۷۶
اسماعيل نبيرو ابراهيم عادل خان -	احداد مهمند ۹۷ - ۱۱۱ - ۱۴۰ -
۲۴۶ - ۲۱۹	۳۱۰ - ۱۵۵ - ۱۴۹
اسلام خواجه پسر ايلچي خواجه -	احمد چك ۲۸۵ .. .. .
۲۹۰ - ۲۹۱	سيد احمد بن سيد رفيع الدين بن -
اسد خان معموري ۲۹۹ .. .. .	سيد جعفر ۳۳۷ .. .. .
اسفنديار ولد حسن بيگ شيخ عمري	اخلاص خان ۳۰۳ .. .. .
۳۰۴	اختيار ولد مبارز خان ۳۱۳ .. ..
سيد اسدالله ولد سيد بايزيد ۳۱۶	سيد اختيار الدين ۳۲۲ .. .. .
اسحق بيگ برادر يادگار حسين خان ۳۲۳	ارهم ولد نيابت خان ۳۲۰ .. ..
خواجه اسحق ده بدي مجاز ۳۳۲	ارجمند بانويگم الملقبة بممتاز محل

۱۹۵ - ۲۰۰ - ۲۳۹ - ۲۴۷ - ۲۵۶ -	اصالت خان ۳۵ - ۳۶ - ۳۹ - ۴۳ - ۴۶ -
۳۳۲ - ۳۳۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ -	۶۷ - ۷۱ - ۸۷ - ۱۰۱ - ۲۸۰ - ۲۹۷ -
۳۴۹ - ۳۵۰ -	اعتقاد خان ۶ - ۷ - ۲۹ - ۷۶ - ۸۵ -
اکرام خان ولد اسلام خان ۶۸ - ۳۰۳ -	۱۶۶ - ۲۸۵ - ۲۹۵ -
اکبر قلي خان سلطان ککهر ۱۴۲ (؟) ۳۰۴ -	اعتماد الدوله . . . . . ۹ -
الله ويردي خان ۵ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۰ -	اعظم خان ( ارادت خان ) ۲۸ - ۳۳ -
۴۲ - ۴۳ - ۴۵ - ۶۰ - ۶۳ - ۹۶ -	۸۳ - ۱۰۰ - ۱۰۲ - ۱۰۵ - ۱۶۶ -
۹۷ - ۱۲۳ - ۱۳۷ - ۱۳۹ - ۱۴۳ - ۱۴۶ -	۱۸۶ - ۲۸۱ - ۲۹۳ - ۳۱۱ - ۳۴۰ -
۱۴۷ - ۱۴۸ - ۲۴۳ - ۲۷۸ - ۲۹۶ -	مير اعظم کاشغري . . ۲۴۹ - ۳۲۵ -
مرزا الغ بیگ . . . . . ۸۰ -	اعتماد خان خواجه سرا . . ۳۰۷ -
شیخ الهدیه ولد کشور خان ۱۰۰ -	علامي افضل خان ملا شکر الله ۱ - ۲ -
۱۷۷ - ۳۰۷ -	۳ - ۱۷ - ۲۰ - ۲۸ - ۳۳ - ۷۰ - ۸۰ -
الله یار خان . . . . . ۳۰۰ -	۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۱۱۹ - ۱۸۴ - ۱۸۵ -
التفات خان . . . . . ۳۰۳ -	۲۰۳ - ۲۰۹ - ۲۳۴ - ۲۴۴ - ۲۴۵ -
رانا امر سنگه ولد گچ سفنگه ۲ - ۶۵ -	۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۷۰ - ۲۹۳ - ۳۳۹ -
۷۵ - ۷۶ - ۸۵ - ۹۶ - ۹۷ -	افتخار خان برادر سعید خان ۱۱ - ۳۰۰ -
۱۱۰ - ۱۲۴ - ۱۳۶ - ۱۸۳ -	آقا افضل تیلدار بروده ۲۰۷ - ۳۱۰ -
۲۴۶ - ۲۴۸ - ۲۹۸ - ۳۳۹ -	اقبال شاه برغوجي . . . . . ۲۹۱ -
امام قلي . . . . . ۸ - ۳۲۲ -	اکبر پادشاه ۷ - ۱۷ - ۳۴ - ۵۵ - ۱۸۱ -
امیر بیگ ولد شاه بیگ خان کابلی -	۱۸۲ - ۱۸۴ - ۱۸۷ - ۱۸۹ - ۱۹۰ -

سنگهه .. .. . ۳۱۵	۳۲۶ - ۲۲۳ - ۳۸
اوگرسين ولد ستړسين کچهواهه ۳۱۹	اميرالله ولد عبدالرحيم خانخانان ۱۴۳
حاجي اورار اوزبک .. .. ۳۲۶	امان بيگ .. .. . ۳۰۷ - ۲۱۶
اهتمام خان ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۲۱۸ -	امير علي غانچي .. .. . ۲۹۱
۳۰۲ - ۲۵۵ - ۲۲۰	امير خان .. .. . ۲۹۸
ايندر من .. .. . ۲۲۳	امام قلي خان ولد جانسپار خان ۳۱۰
ايمل افغان .. .. . ۳۱۳	امانت خان .. .. . ۳۱۲
* مواضع *	امام قلي خان پسرالله وردي خان ۳۵۰
آصف آباد معروف بمچهي بهون ۵۰	اندرسال نبيرغ راورتن ۱۴۰-۹۷ - ۳۲۰
آکبیر .. .. . ۲۲۶	راجه انوپ هنگهه .. .. . ۲۹۹
اجمير ۸۷ - ۱۸۳ - ۲۲۴ - ۲۳۳ - ۲۴۸	اني راي .. .. . ۳۰۳
احمدنگر ۳۶ - ۶۲ - ۱۲۷ - ۱۳۷ - ۱۴۹ -	انور ولد صلاح خان .. .. . ۳۱۸
۱۶۰ - ۱۷۷ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۸۹ - ۲۰۵	اوديسنگهه راتهور .. .. . ۳۲۳ - ۹۱
احمد آباد ۸۵ - ۱۶۶ - ۲۹۳ - ۳۰۸ -	اودي بهان ولد راجه گردهر ۱۱۴ -
۳۲۸ - ۳۳۲ - ۳۴۵	۳۱۹ - ۱۱۵
ار کهيريا .. .. . ۱۸۵ - ۱۴۴	اوزبک خان ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۲۲۵ - ۳۰۷
اسير .. .. . ۲۰۵	اودي مان پسر ججهار .. .. . ۱۳۹
اسلام آباد .. .. . ۲۷۷ - ۴۹	اوداجيرام دکني .. .. . ۲۹۵ - ۲۹۹
اشته .. .. . ۹۶	اوگرسين کچهواهه .. .. . ۳۱۴
اصفهان .. .. . ۲۷۹	راجه اودي سنگهه ولد راجه سيام

۴۱۶ .. .. . اوديسه	۲۸ .. .. . باغ افضل آباد
۳۳۲ .. .. . بلدۀ اوچه	۷۱-۷۰-۷-۴-۲ دار الخلافۀ اکبر آباد
۲۰۶-۱۸۹-۱۱-۸-۲ ايران	۱۰۵-۱۰۱-۹۰-۸۸-۷۸-۷۷-۷۳
۳۴۹-۳۴۸-۲۵۷	۲۳۵-۲۳۴-۲۳۳-۲۲۴-۲۱۶
۹۷ .. .. . برگنۀ ایرج	۲۶۱-۲۵۹-۲۵۲-۲۵۱-۲۴۶
۲۰۵-۱۳۸ .. .. . ایلچپور	۳۴۶-۳۳۸-۳۲۹-۲۷۶-۲۶۵
۱۵۱ .. .. . اینداپور	۲۸ .. .. . باغ الهی
۱۶۰ .. .. . قریۀ ایکولنیر	۴۹ .. .. . برگنۀ الر
* قلع *	۲۹۵-۲۷۷-۲۷۴-۱۰۲ اله آباد
۹۴۷ .. .. . اجلا گڑ	۶۹ .. .. . امرا پور
۱۸۲-۵۶۹-۳۴-۷ قلعۀ احمدنگر	۷ .. .. . برگنۀ انباله
۲۵۶-۲۰۰-۱۸۶-۱۸۵	۱۸۳ .. .. . انتوله
۲۳۰ .. .. . حصار اشته	۱۹۵ .. .. . انچهاپور
۱۶۶ .. .. . حصن الکھ	۱۴۹ .. .. . انکولہ
۱۴۸-۳۶ .. .. . قلعۀ انجرائی	۳۳۹-۲ .. .. . اودیپور
۱۶۵ .. .. . حصن انکی	۱۱۸-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۶ اوندچہ
۱۲۲-۱۰۸-۱۰۷-۹۸ قلعۀ اوندچہ	۱۴۳-۱۲۱
۱۵۱-۱۴۰-۱۳۶ حصار اودگیر	۲۱۷-۱۵۴-۱۵۲ .. .. . اودگیر
۲۱۹-۲۱۷-۱۷۲-۱۵۴	۱۵۸-۱۵۴ .. .. . اوسہ
۲۶۵-۲۴۶-۲۳۰-۲۲۱-۲۲۰	۲۲۲-۲۱۶-۱۹۲ .. .. . اوجین

۳۲۰ .. باگه ولد شیرخان ثونور ..	قلعه اوسه ۱۳۶ - ۱۴۰ - ۱۵۱ - ۱۵۴ -
۳۲۲ - ۳۲۱ میر باقر ولد سید حامد	۱۷۲ - ۲۱۷ - ۲۲۰ - ۲۳۰ - ۲۶۵
۱۳۷ .. .. . بتهوجي	قلعه اهنوت .. .. . ۱۴۷
۳۰۳ - ۹۴ .. بختيار خان دکنی	* بحار *
۳۲۷ .. بدیع الزمان ولد آقاملا	۲۲۴ .. .. . قلاب آنا ساگر
۳۱۱ - ۵۹ .. میر برکه بخاری	۲۲۶ .. .. . آب ایندان
۳۰۶ - ۱۳۶ - ۸۳ خواجه برخوردار	* حرف باء - کسان *
۱۳۷ .. .. . بریل راو	باقرخان نجم ثانی ۸ - ۱۱ - ۷۲ -
۲۹۱ - ۲۹۰ برات خواجه گوکلناش	۷۶ - ۸۷ - ۱۶۶ - ۲۷۴ - ۲۹۵
۳۰۹ خواجه برخوردار داماد مهابتخان	باقر .. .. . ۱۴۹ - ۱۵۰
۳۳۲ .. .. . سید برهان الدین	۳۳ .. .. . بانو بیگم
۳۲۰ میر بزرگ نواسه سید خان	۷۶ - ۷۵ - ۷۴ بابو لچهن زمیندار
۶۱۳۴۶ - ۴۴ - ۴۳ - ۳۶ - ۳۵ سنگه	باقی خان ۱۲۱ - ۱۲۳ - ۲۷۷ - ۳۰۱
۱۰۷ - ۱۰۶ - ۹۶ - ۹۵ - ۹۴ - ۶۸	باقی بیگ اوزبک ( قزاق خان ) ۳۵ -
۱۱۳ - ۱۱۶ - ۱۳۹ - ۱۹۴ - ۱۹۶ -	۶۸ - ۱۳۴ - ۱۳۶ - ۲۴۹ - ۳۰۶
۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۹۶ - ۳۰۱ - ۳۳۸	بابوشاه فردوس مکانی ۱۹۲ - ۳۳۵
۶۵ - ۱۲ .. .. . شیخ بالول	۲۰۶ .. .. . بایسنغر جعلی
۲۳۴ .. .. . رای بلوی چوهان	۲۵۰ .. .. . باقیدا شاعر
۳۰۹ .. .. . بلبلهدهر سیدهاوت	۳۰۲ .. .. . بابو خان کرانی
	بالا ولد راجه جگنناثه کچوا ۳۱۸

بلند ولد بهروز کلال .. .. ۳۲۱	بهرجي زميندار بگلانه ۱۳۹ - ۱۴۳ -
شيخ بلال قادري .. .. ۳۳۴	۲۸۰ - ۱۸۶
راي بنوالي داس .. .. ۳۱۲	راجہ بهروز ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۲۲۳ - ۳۱۶
راے بنار سيداس .. .. ۳۱۸	بہلول .. .. ۱۴۳ - ۱۵۲ - ۲۹۰
راجہ بہارت بنديله .. ۱۳ - ۲۹۶	بہو جراج قلعه دار .. ۲۲۰ - ۳۱۴
بہادر خان روهيله ۸۵ - ۸۶ - ۹۷ - ۱۰۸ -	بہاو سنگه ولد راو سترسال .. ۲۲۳
۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۳۴ - ۱۳۶ - ۱۳۷ -	بہمن يار ولد يمين الدوله آصف خان
۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ -	خانخانان ۲۴۲ - ۳۲۴
۲۲۵ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۹۶	بہويت ولد سنکرام .. ۲۵۰ - ۲۵۱
بہادر بيگ داروغه ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۳۱۵	بہاريداس کچھواہہ .. .. ۳۰۲
بہادر ارند افغان .. .. ۳۱۴	بہرام خان ولد جہانگير قلي خان ۳۰۹
بہادر بابي .. .. ۳۱۵	سيد بہکو برادرزادہ مرتضي خان ۳۱۳
بہادر ولد جانشپار خان .. ۳۱۵	بہرام ولد صادق خان .. .. ۳۲۱
بہادر کنبو .. .. ۳۲۲	شيخ بہاو الدين محمد .. .. ۳۴۸
بہادر برادرزادہ خانجہان .. ۳۱۱	راجہ بيتھل داس ۳۷ - ۴۰ - ۴۲ -
بہادر جي ولد جادون راي ۲۹۵	۴۴ - ۴۵ - ۷۶ - ۸۵ - ۸۷ -
بہيم راڻپور ۱۳۶ - ۱۳۸ - ۱۸۶ -	۹۹ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۲۲۳ -
۱۹۱ - ۱۹۶ - ۲۳۳ - ۳۰۶	۲۳۴ - ۲۴۱ - ۲۵۰ - ۲۹۶
بہو جبل نايڪواري .. ۱۳۹ - ۱۴۸	بہدل خان داروغہ زرگر خانہ ۷۹
بہگوان داس بنديله .. ۱۳۶ ۳۰۹	راجہ بيرونراين .. .. ۱۴۷ - ۳۰۹

۶۳ - ۶۸ - ۷۰ - ۹۵ - ۹۶ -	بدرم بیگ میرنخشی .. ۱۸۶ - ۱۹۳
۱۳۴ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ -	بے بدل خان گیلانی [ در ذکر مناصب
۱۸۹ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ -	بے دل خان] ... ۲۲۵ - ۳۱۶
۱۹۸ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۱۰ -	بیکلر خان ولد سعید خان .. ۲۹۸
۲۹۶ - ۳۳۱ - ۳۳۶	بیرنرائین زمیندار بچیت .... ۳۱۷
برار ۶۲ - ۶۳ - ۱۸۵ - ۱۸۹ - ۲۰۵ -	بیربہان زمیندار چندرکونہ .. ۳۲۲
۲۶۱۵ - ۲۳۰	بینی داس ولد نرسنگھ دیوبندیلہ ۳۲۴
پرگنہ بروہہ .. .. . ۲۲۲ - ۲۴۲	* مواضع *
بصرہ .. .. . ۱۰۲	بارہ مولہ .. .. . ۲۲ - ۲۴
بغداد .. .. . ۲۰۷ - ۲۲	بالا گھاٹ ۶۰ - ۶۲ - ۹۵ - ۹۸ - ۱۸۲ -
بکلانہ .. .. . ۲۸۰	۱۸۹ - ۱۹۵ - ۲۰۰ - ۲۰۵ - ۲۹۴
بلخ ۶۶ - ۱۰۴ - ۱۶۶ - ۲۰۶ - ۲۰۷ -	باری ۱۱۸ - ۲۳۴ - ۲۷۶ - ۲۸۹
بنگالہ ۸۳ - ۸۸ - ۲۷۴ - ۲۹۴	قریہ بتوہ .. .. . ۳۳۲
بورہ .. .. . ۷۲	بجولی .. .. . ۷۴
بہنبر ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۵۶ - ۵۷ - ۶۰ -	بچہور .. .. . ۹۷
بہاکی .. .. . ۷۵	باغ بحرآرا .. .. . ۲۶ -
بہاندیر .. .. . ۹۷ - ۱۰۶	بخارا .. .. . ۳۲۸ - ۳۴۳
بہالکی ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۶۹ - ۲۰۴	بداون .. .. . ۹۷
بہار .. ۲۰۸ - ۲۷۲ - ۲۷۵ - ۳۳۳	بدخشان .. ۳۳۳ - ۳۳۵ - ۳۴۰
قصبہ بہیرہ .. .. . ۳۳۶	برہان پور ۳۴ - ۳۵ - ۴۶ - ۶۲ -



آب بانگانو .. .. ۶۸	بیدرم کله .. .. ۱۶ - ۱۸ - ۱۹
دریای بورنہ آب عادل آباد ۱۹۵ - ۱۹۸	ملک بیجاپور ۳۴ - ۳۵ - ۳۷
آب بہت ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۹	۱۲۵ - ۱۳۶ - ۱۴۱ - ۱۴۳
۴۹ - ۵۲ - ۶۰	۱۴۴ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴
آب بہینہ .. .. ۹۷	۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۷ - ۱۸۵
دریای بھونرہ ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۶۱	۱۸۷ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۱۹ - ۲۳۰
۱۶۲ - ۱۶۵	بیرہ ۳۵ - ۴۴ - ۴۶ - ۶۲ - ۱۵۵
آپ بیاء .. .. ۹	۱۵۹ - ۱۸۶
تالاب بیدرساگر .. .. ۱۲۲	سرکار بیجاگر .. .. ۶۲ - ۲۲۲
* حرف پے - کسان *	بیاتوان .. .. ۹۸ - ۱۲۰
پایندہ بے اوزیک .. .. ۸	بیدر .. .. ۱۵۱ - ۱۵۲
رانی پاربتی زن برسنگھدیو ۱۱۵ -	بیتلی .. .. ۱۵۳
۱۱۶ - ۱۳۳	بیسوارہ .. .. ۲۴۳ - ۲۷۸
پایندہ بیگ خواجہ خضریٰ ۳۲۰	* قلع *
پتنگ رای جادون رای ۱۳۷ - ۲۹۹	قلعہ بہالکی .. .. ۱۵۱
پتھوجی ولد اچالا جی .. .. ۳۰۳	حصار بہوجپور .. .. ۱۷۲
سلطان پرویز ۳ - ۳۴ - ۷۳ - ۱۸۲ - ۱۹۸	قلعہ بیدرات .. .. ۹۱
ہردل خان ولد دل اور خان ۱۴ - ۲۴۲ - ۳۰۱	قلعہ بیدر .. .. ۱۵۲
پرتھیراج رائہور ۳۹ - ۴۲ - ۴۷ -	قلعہ بیمگر .. .. ۱۷۲
۱۳۵ - ۱۳۶ - ۲۲۶ - ۲۷۱ - ۳۰۱	* بحار *

پاتھري .. .. ۶۹ - ۲۴۹	پرسوجي دکنی ۶۸ - ۱۳۵ - ۲۹۹
پالم .. .. ۷۳	پرتهی چند زمیندار .. ۷۱
پارگانو .. .. ۱۶۰ - ۱۶۱	پرناب اوجینیہ ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳
پتوح .. .. ۱۵	۳۰۵ - ۲۷۵
پتن .. .. ۶۲ - ۶۹ - ۱۹۹	پرورش خان .. .. ۳۰۹
پتھہ .. .. ۸۶	پشوتن نبیرو شیخ ابوالفضل ۳۲۳
پریندہ .. .. ۱۶۰ - ۱۶۲	راول پونجا زمیندار دونکرپور ۳۰۴
پکھلی .. .. ۱۵	راجہ بہار سنگھ بندیلہ ۳۵ - ۳۹ -
پلول .. .. ۷۳	۶۳ - ۹۶ - ۱۳۶ - ۲۲۸ - ۲۹۸
پنجاپ ۳ - ۱۰ - ۲۲ - ۲۳ - ۶۴ -	بہار سنگھ ولد راجہ مانسنگھ ۱۸۴
۷۱ - ۹۰ - ۳۴۷	پهلوان درویش سرخ ۲۱۸ - ۲۳۱ -
پنور .. .. ۴۹	۲۳۲ - ۳۲۱
پنچ برارہ .. .. ۴۹	پہارمل ولد کشن سنگھہ ۳۱۰
پوشانہ .. .. ۱۶ - ۱۹	پیرخان میانہ .. .. ۴ - ۳۰۸
پونہ .. .. ۱۶۱ - ۲۲۵	پدم نراین زمیندار .. .. ۹۵ - ۱۱۱
پیر پنجال ۱۵ - ۱۶ - ۱۹ - ۵۴ - ۲۸۷	مرزا پیر محمد خلف مرزا جہانگیر
* قلعہ *	۲۸۸ - ۲۸۹
قلعہ پالکہ .. .. ۱۶۶	شیخ پیر .. .. ۳۳۴
قلعہ پریندہ ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ -	* مواضع *
۳۷ - ۱۶۹ - ۲۰۳ - ۲۰۴	پایان گہات ۶۲ - ۶۳ - ۹۵ - ۱۸۹ - ۲۰۵

نولجاپور .. .. . ۱۵۸	* بحار *
قواندلا پور .. .. . ۲۰۶	پژن آب برهان پور .. .. . ۱۹۷
توران .. .. . ۳۳۲ - ۳۴۰ - ۳۴۲	دریائے پرتینہ .. .. . ۱۱۸
تہنہ .. .. . ۱۶ - ۱۸	* حرف قاء - کسان *
تھارا .. .. . ۶۴	قاناچی دکنی .. .. . ۱۲۱
* قلع *	قاج سروانی .. .. . ۳۱۳
قلعہ ترینگ .. ۱۷۲ - ۲۲۹ - ۲۶۵	تربیت خان ۶۵ - ۶۷ - ۸۵ - ۸۸
قلعہ ترنگلواری .. ۱۷۲ - ۲۲۹	۲۱۶ - ۲۷۹ - ۳۰۲
حصن تنکی .. .. . ۱۶۵	ترکمان خان .. .. . ۲۹۸
قلعہ تیتوتھر .. .. . ۷۵	ترکناز خان .. .. . ۳۱۰
* بحار *	ملا تقیا سفیر قطب الملک ۱۴۲
دریائے تال آلر .. .. . ۲۲	میر تقی الدین محمد نسابہ ۳۳۹
دریائے تبتی .. .. . ۲۰۶ - ۲۰۷	راو تلوک چند .. .. . ۳۱۴ - ۱۳۶
* حرف تے - مواضع *	تیمور خواجہ پسر افیوغا .. .. . ۲۹۰
تتہہ .. .. . ۲۰۷ - ۲۷۶ - ۲۹۶	* مواضع *
* حرف جیم - کسان *	تبت ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴
جانباز خان .. .. . ۹۰ - ۳۰۸	۲۸۷ - ۲۸۶
جان دون داس .. .. . ۱۸۴	ترینگ .. .. . ۱۳۷ - ۲۲۸
جان سپار خان .. .. . ۲۷۸ - ۳۰۵	ترنگلواری .. .. . ۲۲۸
جان سپار خان صوبہ دار الہ آباد ۱۳۶ - ۲۹۶	قلنگانہ ۶۲ - ۱۵۴ - ۲۰۵ - ۲۲۱ - ۲۶۴

۲۹۸۰ - ۲۴۲ - ۱۳۷ - ۶۴ - ۶۰ - ۹	جان نثار خان ... .. ۳۰۱
جگناتھه کلانوت کبراي ۱۰۲ - ۵۶	جان بازخان خواجه بابا ... .. ۳۰۳
جگ جيون ولد اوداجيرام ۶۴ - ۱۳۶	جبار قلبي گکهر ... .. ۳۲۲
جگناتھه راتهور ... .. ۱۳۶ - ۳۱۷	راجہ ججہار سنگهہ بنديله ولد راجہ
جگديو راے برادر جادون راے ۲۹۷	برسنگهديو ۹۴ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ -
جگمال ولد کشن سنگهہ راتهور ۳۰۶	۹۹ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۱۰ - ۱۱۱ -
راے جگناتھه راتهور ... .. ۳۱۴	۱۱۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۹ -
راجہ جگمن جادون ... .. ۳۲۲	۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳۳ - ۱۸۱ -
سيد جلال بخاري ۲۵۴ - ۲۷۸ -	۲۲۲ - ۲۵۷ - ۲۶۰ - ۲۷۰ - ۲۹۴
۰ ۳۳۱ - ۳۲۶	جسونت راو ... .. ۱۴۰
جلال ولد دلاور خان ... .. ۳۰۶	جعفر خان ۲ - ۳ - ۱۷ - ۴۸ - ۸۳ - ۸۴ -
جلال الدين محمود ... .. ۳۲۱	۸۵ - ۱۴۸ - ۲۵۶ - ۲۷۹ - ۲۹۵ -
سيد جلال مخدوم جہانيان ۳۳۲	ميرجعفر ولد ميرحاج ۱۳۷ - ۳۲۰
ميرجمله ۳ - ۱۷ - ۱۸ - ۸۶ - ۸۷ - ۱۰۱ -	جعفر ولد الله وردی خان ۱۴۳ - ۳۲۵
۲۴۳ - ۲۴۶ - ۲۶۷ - ۲۷۹ - ۲۹۵	جعفر برادر باقر خان نجم ثاني ۳۱۹
جمالي ... .. ۱۰۴ - ۶۷	جعفر بلوچ ... .. ۳۲۶
جمشيد خان خويش ملك عنبر ۲۹۹	جکنو ... .. ۹۱
جمال خان لوحاني ... .. ۳۰۷	رانا جگت سنگهہ ۲ - ۵ - ۱۸۴ -
جمال ولد دلاور خان ... .. ۳۱۳	۲۰۹ - ۲۱۷ - ۲۲۵ - ۲۳۴ - ۲۹۴
جمال خان قراول ... .. ۳۱۹	راجہ جگت سنگهہ ولد راجہ باسو -

جمال .. .. . ۳۲۳	جهان خان کاکړ .. .. ۳۰۵ - ۹۷
جمال بښکشي .. .. ۳۲۴	جهانگیر قلبي خان .. .. ۲۹۷
ملاجمال لاهوري ۳۴۰ - ۳۴۲ - ۳۴۴	راجه جيسنگهه ۳۵ - ۳۶ - ۳۹ - ۴۰ -
جواهر خان خواجہ سرا .. .. ۲۷	۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۳ - ۶۸ -
جوکو راجه دولتمند .. .. ۵۸ - ۵۷	۶۹ - ۸۶ - ۱۰۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ -
جوهر خان حبشي .. .. ۱۳۶	۱۵۲ - ۱۵۳ - ۲۳۲ - ۲۳۳ -
جوهر خان دکني .. .. ۲۹۷	۲۳۴ - ۲۴۶ - ۲۴۸ - ۲۵۶ - ۲۹۳ -
رانا جودها زميندار امرکوت .. ۳۱۵	جیرام پسر راجه انوپ سنگهه ۹۷ -
جهانگیر شاه جنت مکاني ۷ - ۸ - ۱۱ -	۱۴۰ - ۱۵۵ - ۲۲۳ - ۳۰۸ -
۱۲ - ۱۴ - ۱۶ - ۱۸ - ۲۶ - ۲۷ -	* مواضع *
۲۹ - ۳۴ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۵ - ۶۴ -	جالناپور .. .. . ۶۲ - ۳۵
۸۰ - ۹۸ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ -	جانوه .. .. . ۵۹
۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۵ -	جانبنا .. .. . ۱۸۶
۲۰۱ - ۲۲۴ - ۲۳۹ - ۲۷۹ - ۲۸۱ -	جگنير .. .. . ۷
۲۸۵ - ۳۲۹ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ -	جمال نگري .. .. . ۵۴
۳۴۳ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ -	جهون .. .. . ۲۵۰
۳۵۰ - ۳۵۶ -	جنير ۳۶ - ۶۲ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۶۰ -
جهان آرا بيگم بيگم صاحب ۷ - ۱۰ -	۱۶۱ - ۱۷۶ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۹ -
۲۷ - ۳۲ - ۵۱ - ۱۲۱ - ۲۰۸ -	جوگي متي .. .. . ۱۷ - ۱۶
۲۴ - ۲۴۵ - ۲۴۹ - ۲۵۲ - ۲۶۷ -	جونپور .. .. . ۱۶۶ - ۸۸

چشتي خان .. .. ۳۱۷	جهانگیر آباد .. .. ۱۴
چلیپي رومي .. .. ۳۲۲	جیکس مٽي .. ۱۶ - ۱۸
چندر من بنديله ۹۶ - ۹۷ - ۲۱۸ - ۳۰۶	پرگنڻ جيت کوپه .. ۱۶۹ - ۲۰۴
چندر بهان نروکه .. .. ۳۲۲	بندر جيول .. .. ۲۰۳
چندر بهان زميندار کانگتره .. ۳۲۲	جيت پور .. .. ۲۱۶
چيقون بيگ جاليري .. .. ۳۱۷	* قلع *
* مواضع *	قلعہ جنير ۶۹ - ۱۳۷ - ۱۵۰ - ۱۶۵
ملک چاندا ۱۱۲ - ۱۱۵ - ۱۱۷	۱۷۲ - ۱۷۷ - ۲۰۶ - ۲۲۵
۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۴۲ - ۱۴۴ - ۱۸۶	۲۲۹ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۶۵
چاکنه .. .. ۱۶۱ - ۱۶۹ - ۲۰۴	قلعہ جولہ .. .. ۱۴۷
پرگنڻ چاتسو .. .... ۲۴۸	حصن جودهن .. .. ۲۲۹
چار کونڌه ۳۶ - ۱۳۷ - ۱۴۹	قلعہ جونده .. .. ۲۲۹
چنڊبري .. .. ۹۷	قلعہ جهانسي .. ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۳
چومڪه .. .. ۱۵	* بحار *
چوراگدهه ۹۵ - ۹۸ - ۱۰۸ - ۱۱۰	دريائے جون جمنا ۴ - ۷۱ - ۷۲
چوپړه .. .. ۲۰۸	۷۴ - ۷۶ - ۸۷ - ۹۰ - ۲۳۸
چهتره .. .. ۲۷۷ - ۱۲۲	۲۴۱ - ۲۵۱ - ۲۶۸ - ۲۷۹
چيتور .. .. ۱۸۳	نالاں جوکي .. .. ۲۳۳
* قلع *	• حرف ڇه - کسان *
قلعہ چاندا .. .. ۱۳۸	سید چاون ايرجي .. ۲۲۳ - ۳۲۳

۲۱۸ .. .. حسن آقاي رومي	۱۴۶ .. .. حصار چاندور
۲۸۳ .. .. حسن خواهرزاده ابدال	۱۶۱ .. .. حصار چمارکونده
۲۹۰ .. .. حسين صوفي پسر غياث ترخان	۱۱۱ - ۱۰۸ .. .. قلعه چوراکده
۲۹۱ .. .. حسين خواجه خويش امير عباس	* بحر *
۳۰۲ .. .. ميرزا حسن ولد ميرزا مستم صفوي	۲۲ - ۱۶ .. .. آب چناب
۳۰۸ .. .. حسيني برادر باقر خان نجم ثاني	۱۹۲ .. .. آب چنبل
۳۱۰ .. .. حسين ولد خان جهان	* حرف حاء - کسان *
۳۱۶ .. .. سيد حسن مساعد	۴ .. .. حاکم خان
۳۱۷ .. .. حسن خان برادر خدمت گار خان	۳۴۷ .. .. حارث بن کله
۳۱۸ .. .. حسام الدين ولد نظام الدين خان	۳۱۲ - ۹۷ ..... { حبيب سور
۳۲۸ .. .. حسن ولد محمد خان نيازي	۳۲۲ - ۱۳۶ ..... { حبيب کراني
۳۳۵ .. .. مير حسام الدين بدخشي	۲۸۵ .. .. حبيب چک
۳۰۴ - ۱۰۳ - ۶ .. .. حکيم الملک	۲۸۶ .. .. حبيب چک ديگر
۵۲ .. .. حيدر ملک کشميري	۳۱۰ .. .. حبيب سنگهه راتهور
۳۱۰ .. .. حيات ترين	۳۲۳ .. .. سيد حسن ولد سيد دلير خان
۳۱۱ .. .. مرزا حيدر ولد ميرزا مظفر صفوي	۳۲۵ - ۲۶۶ - ۲۵۷ - ۳۸ .. .. حسيني قديمي
۳۱۶ .. .. حيات خان نبيرو دربار خان	۲۰۹ - ۳۸ .. .. حسن نبيرو ياقوت خان
۳۲۴ .. .. حيدر بيگ بدخشي	۲۹۸ - ۱۴۰ .. .. حسن خان ولد فخر الملک
* مواضع *	۳۲۰ - ۱۴۴ .. .. حسن قلبي
۷ .. .. باغ حافظ رخنه	۱۴۶ .. .. حسن علي

۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ -

۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ -

۲۴۷ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ -

۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ -

سید خانجهان ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ -

۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ -

۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ -

۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ -

۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ -

۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ -

۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ -

خان جهان ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ -

خانجهان خان کاکر ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ -

خانجهان لودی ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ -

۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ -

۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ -

خواجه خاوند محمود ۳۳۲ - ۳۳۳ -

خدا قلی ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ -

خدمت پرست خان ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ -

خدمت خان خواجه سرا ۳۰۶ - ۳۰۷ -

• حرف خاء - کسان •

خان عالم ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ -

خان زمان بهادر ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ -

۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ -

۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ -

۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ -

۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ -

۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ -

۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ -

۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ -

۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ -

خان دوران بهادر نصرت جنگ ۳۷ - ۳۸ -

۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ -

۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ -

۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ -

۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ -

۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ -

۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ -

۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ -

۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ -



۸ - ۲ .. .. خیرات خان	۳۲۴ .. .. خدا یار ولد یلنگتوش
۱۴۰ .. .. خیریت خان	۳۲۷ .. .. خدمت رای
۱۵۲ .. .. خیریت خان بیجاپوری عمر ندوله	۳۲۸ .. .. خداوند دکنی
* مواضع *	۳۱۴ .. .. خضر سلطان گکهر
۲۰ - ۱۶ .. .. خانپور	خلیل الله خان ۱۴۶ - ۶۷ - ۱۴۰ -
ولایت خاندیس ۶۲ - ۶۳ - ۹۷ -	۱۴۲ - ۱۵۵ - ۱۵۸ - ۱۵۹ -
۲۸۰ - ۲۶۴ - ۲۰۵ - ۱۸۹ - ۱۸۵	۳۰۳ - ۲۶۷ - ۲۴۳ - ۲۴۲ - ۱۷۶
۶۴ .. .. ختک	۳۲۳ .. .. خلیل الله ولد دلیر خان
۲۹ .. .. باغ خدمت خان	۳۲۵ .. .. میر خلیل ولد اعظم خان
۲۲۲ .. .. پرگنہ خیر آباد	۳۰۰ .. .. خنجر خان ترکمان
* بحار *	۳۱۱ .. .. خنجر خان
۱۰ .. .. تالاب خواجه هشیار	۳۴ .. .. خواجه بیگ مرزای صفوی
* حرف دال - کسان *	خواص خان ۳۶ - ۸۷ - ۱۰۱ -
۱۳۵ .. .. دانش خان حبشی	۲۹۸ - ۲۰۷
۱۹۶ - ۱۹۵ - ۱۸۴ .. .. داراب خان	۳۱۱ - ۱۷۷ - ۱۳۶ - ۹۸ - ۳۷ حکیم خوشحال
۲۰۶ .. .. سلطان دانیدال	۳۰۴ - ۶۴ .. .. خواجه جهان خوافی
۳۱۵ .. .. دانادل ولد شاه نواز خان	۲۸۱ .. .. ملا خواجه جان
۳۴۶ .. .. حکیم داوی	۳۲۲ .. .. خوشحال پسر خوانده رستم صفوی
۱۶۷ - ۱۱۹ - ۱۱۸ .. .. شیخ دبیر	۳۲۶ .. .. خورشید نظر
۲۹۹ - ۲۰۹ - ۱۳۷ .. .. دناجي دکنی	۳۳۳ .. .. ملا خواجه

دیانت خان ۸ - ۹ - ۱۲۱ - ۳۰۸	درگھبان پسر چار سنگھ ۱۱۵-۱۳۳
دیوجی .. .. . ۲۳۳	درجن سال ولد بکرماجیت ۱۱۵-۱۳۳
راجہ دیبی سنگھ ۱۳-۷۲-۹۷-۹۸ -	درنگ خان کلانوت .. .. ۱۴۲
۱۰۳ - ۱۰۶ - ۱۰۸ - ۱۲۲ -	درویش محمد .. .. ۲۱۹
۱۴۳-۱۵۵-۱۵۸-۲۴۹-۳۰۰	دریا خان روہیلہ .. .. ۲۹۶
دیندار خان بخاری ۷۱-۹۹-۳۰۲	درویش یدگ قاقشال .. .. ۳۲۶
راوت دیال داس جھالا ۱۳۷-۳۲۳	دریا داودزئی .. .. ۳۲۶
دیانت خان دست بیاضی .. ۳۰۰	دلیرہمت .. .. ۱۳۶
دیانت رائے .. .. ۳۱۳	دلدار بیگ قدیمی .. ۲۲۳-۳۲۷
* مواضع *	
دتیہ .. .. ۱۲۱-۱۲۳	دلاور خان بریج .. .. ۲۹۶
دکن ۱-۳۵-۶۲-۶۳-۶۴-۶۸-	سید دلیر خان بارہہ .. .. ۲۹۶
۷۲-۸۰-۸۴-۱۰۴-۱۱۰-۱۱۱-	دلاور خان دکنی .. .. ۳۰۱
۱۳۹-۱۷۱-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-	دلپت ولد مانندن رائہور .. ۳۲۲
۱۸۲-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۹-۱۹۰-	دلہز بیگ .. .. ۳۲۳
۱۹۱-۱۹۵-۱۹۹-۲۰۲-	دولت .. .. ۲۱۹
۲۰۵-۲۰۷-۲۲۵-۲۳۷-۲۵۶-	دولت پسر ابدال .. .. ۲۸۳
۲۵۷-۲۵۹-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-	راو دودا نیبری راوچاندا .. ۳۰۲
۲۶۴-۲۶۵-۲۸۸-۲۹۸-۳۰۸-	راجہ دوارکاداس .. .. ۳۰۵
۳۰۹-۳۳۶-۳۴۰-۳۴۵	دولت خان ولد الف خان .. ۳۰۷
	دوست کام ولد معتمد خان ۳۲۸

دیونی .. .. . ۱۵۲	دندوری .. .. . ۱۴۹
دیکلور .. .. . ۱۵۴	دوارة کنجل .. .. . ۲۱
قصبہ دیوگانو .. .. . ۱۵۷	دولتآباد ۳۶ - ۶۲ - ۶۸ - ۶۹ - ۱۰۴ -
دیول گانو .. .. . ۱۹۸	- ۱۱۸ - ۱۲۷ - ۱۳۳ - ۱۳۵ - ۱۶۶ -
* قلع *	- ۲۰۲ - ۲۰۵ - ۲۳۰ - ۲۴۸ - ۲۵۲ -
قلعہ دولتآباد ۱۳۸ - ۱۹۹ - ۲۵۹ - ۲۶۵	- ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۶۰ - ۲۶۲ -
قلعہ دھامونی ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۲۳ - ۳۲۷	- ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۷۱ - ۲۸۰ -
حصار دھرب ۱۴۳ - ۱۴۶ - ۱۴۸ - ۲۶۵	۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۰۲
* حرف ڈال *	دودا بائی .. .. . ۱۶۲
* بھار *	دارالمک دھلی ۴ - ۶ - ۷ - ۷۱ - ۷۲ -
دریائے ڈال ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۷	۷۳ - ۸۷ - ۲۸۰ - ۳۳۵ - ۳۴۲
* حرف ذال - کسان *	پرگنہ دھامونی ۹۶ - ۱۰۸ - ۱۱۲ -
ذوالفقار خان .. .. . ۳۰۶ - ۱۰۱	۱۲۲ - ۱۲۳
ذوالفقار بیگ ترکمان .. .. . ۳۰۶	دھوم گھاٹ .. .. . ۱۲۰
ذوالفقار خان ترکمان .. .. . ۳۱۲	دھرب .. .. . ۱۳۸
* حرف راء - کسان *	دھندھیرہ ۱۴۲ - ۲۲۳ - ۲۳۵ -
راجہ رامداس نوروی ۸۳ - ۱۵۵ - ۳۰۳	۲۴۲ - ۲۵۰
راجہ رایسنکھ ولد مہاراجہ بہیم ۹۹ -	دھارور .. .. . ۱۶۰ - ۱۵۵
۱۴۲ - ۲۹۹	دھاراسیدون .. .. . ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸
راگھو چودھری .. .. . ۱۱۱	ولایت دیوگڈھہ ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۲۳۰ - ۲۳۳

۳۲۷ رکن الدوله ولد میر حسام الدین	۱۳۵ - راوہٹی سنگھ ولد راو دودا
۳۴۹ حکیم رکنا کاشی .. ..	۲۲۵ - ۲۲۲
۳۲۴ رگھناتھ بھائی .. .. ۳۸	۱۳۷ .. .. ..
۱۴۱ - ۱۴۰ - ۴۲ - ۳۶ رندولہ	۲۳۴ - ۲۳۳ - ۲۲۵ .. ..
۱۵۴ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۲۲۵	۳۰۲ .. .. دھنگر
۲۳۰ ۲۲۸ - ۲۲۷ - ۲۲۶	۳۲۳ سید راجی ولد عبدالہادی
روشن ضمیر صلابت خان خلف صادق	۳۲۵ .. .. سید راجی مانیکپوری
۳۰۳ - ۲۴۹ - ۱۰۳ - ۸۷ - ۱۸ خان	۱۰۸ .. .. ..
۳۰۳ - ۶۷ - ۳۹ - ۳۵ راجہ روز افزون	۲۹۴ .. .. ..
۳۰۹ - ۹۳ .. روپ چند گوالیاری	۲۹۵ .. .. خان
۳۱۷ - ۹۷ .. روپ سنگھ کچھواہہ	۳۰۴ .. .. ..
۳۲۷ .. .. روز بھان خواجہ سرا	۳۱۴ رحمان اللہ پسر شجاعت خان
۱۵۵ - ۱۵۳ .. .. ریحان سولا پوری	۱۲۴ - ۹۹ - ۸۵ - رستم خان دکنی
۱۷۱ - ۱۶۰ - ۱۵۶	۱۶۰ - ۱۵۹ - ۱۵۷ - ۱۵۵ - ۱۴۰
* مواضع *	۲۹۴ - ۲۰۸ - ۱۷۶
۱۸ - ۱۶ .. .. راجور	۱۳۷ .. .. ..
۶۸ .. .. .. رامدودہ	۱۹۵ .. .. ..
۱۶۰ .. .. .. راجپور	۳۹ - ۳۶ - ۳۵ - رشید خان انصاری
۱۶۴ .. .. .. راے باغ	۲۹۷ - ۲۵۷ - ۲۲۰ - ۱۳۶ - ۶۰ - ۴۲
۲۲۲ .. .. .. پرگنہ رامپور	۳۳ .. .. .. قارصوان

## \* مواضع \*

باغ زین آباد .. .. ۳۵

## \* حرف سین - کسان \*

ساہوے بہونسلہ ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۶۸ -

۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۳۵ - ۱۳۷ - ۱۳۸ -

۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۸ - ۱۴۹ -

۱۶۰ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۵ - ۱۷۱ -

۱۷۲ - ۱۷۷ - ۲۰۲ - ۲۰۵ -

۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ -

۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۵۶

راجہ سارنگدیو .. .. ۹۷

سام سنگھہ راٹھور ولد کرم سی ۱۳۶ - ۱۳۹

مہاجی .. .. ۱۳۹ - ۱۵۵

رانا سانکا .. .. ۱۹۲

سادات خان .. .. ۳۰۱

سبحان سنگھہ میسوریہ .. ۳۱۵

راے مہیا چند .. .. ۳۲۸

سپہدار خان ۷ - ۸ - ۸۵ - ۱۰۲ -

۱۳۸ - ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۱۵۷ - ۱۵۸ -

۱۶۰ - ۱۷۶ - ۲۳۳ - ۲۹۴

رتن پنچال .. .. ۱۸

رتن پور .. .. ۷۴ - ۷۵ - ۸۴

رسول آباد .. .. ۳۳۲

روپپاس .. .. ۱۰۵ - ۲۷۶

روم .. .. ۲۰۷

## \* قلع \*

قلعہ راج دیوہیر .. .. ۱۷۱

قلعہ روہتاس .. .. ۲۲

قلعہ رولہ .. .. ۱۴۷

## \* بحار \*

دربائے راوی .. .. ۱۵

## \* حرف زاء - کسان \*

زبورست خان .. .. ۷۶ - ۳۰۵

زلفی بیگ .. .. ۳۲۱

زنبیل بیگ .. .. ۸۰ - ۳۱۷

زنبیل بیگ .. .. ۳۴۷

میرزین الدین علی .. ۸۷ - ۳۲۱

زین العابدین ولد آصف خان جعفر

بیگ ..... ۳۰۴

خواجہ زین العابدین .. ۳۲۵

۲۴۲ - ۳۰۴	راو ستر سال نبیرگ راورتن ۳۵ -
سید سعادت اللہ حاجی پوری ۲۴۳-۳۱۸	۳۹ - ۴۴ - ۴۶ - ۶۳ - ۱۳۵ -
سعید شیرانی .. .. ۳۱۷	۱۶۲ - ۱۶۰ - ۱۳۷ - ۱۶۶
سعد اللہ خان پسر سعید خان ۳۲۴	۲۹۷ - ۲۲۶ - ۱۷۷
سعید اے گیلانی بے بدل خان ۳۵۶	سنی النساء خانم .. ۷۰ - ۱۴۳
سکندر برادر شہباز خان .. .. ۳۰۵	ستر سال کچھواہہ .. .. ۳۰۵
سکندر خان .. .. ۳۱۰	ستر سال ولد راوسور بھورتیہ ۳۱۶
رسکندر بیگ .. .. ۳۲۴	سردار خان ۷۱ - ۹۶ - ۱۹۱ - ۲۹۷
سلیمان شکوہ ولد داراشکوہ ۷۴-۸۱۴-۸۶	سرانداز خان قلماق ۱۰۵ - ۲۷۸ - ۳۰۴
سلطان نظربادر سیف خان ۱۰۲ - ۳۱۱	سریسنگھہ راتھور .. .. ۱۲۳
سلطان یار .. .. ۱۵۳ - ۳۲۰	سرافراز خان .. .. ۱۳۶ - ۲۹۷
سلطان محمد .. .. ۲۷۹	سرور خان .. ۱۳۷ - ۱۴۶ - ۳۰۳
سلطان محمود خویش خواجہ	سرافراز خان دکنی .. ۲۱۸ - ۲۹۷
ابوالحسن ۳۱۸	سرفراز خان .. .. ۳۰۶
سید سلیمان ولد قاسم خان بارہہ ۳۲۰	راول سرمسی زمیندار بانسوالہ ۳۰۷
سنکرام زمیندار جمو .. .. ۳۵	ہزاوار خان پسر لشکر خان ۱۰ -
سندر کبرائے ۷۶ - ۹۵ - ۹۸ - ۹۹	۶۴ - ۱۳۶ - ۲۱۸ - ۲۵۷ - ۳۰۰
سنکرام زمیندار کنور ۱۱۱ - ۱۱۷ -	سعید خان ۱۱ - ۱۳ - ۶۷ - ۷۰
۱۳۸ - ۲۳۲ - ۲۵۷ - ۳۰۶	۷۱ - ۲۴۱ - ۲۹۴
راجہ سنکرام .. .. ۱۳۷	سعادت خان بیچاپوری ۱۳۷ - ۱۶۶ -

سروا .. .. . ۱۲۰	راجہ سورج سنگھہ .. .. ۱۸۴
سرونچ .. .. . ۱۲۳	سونچ تیمور .. .. . ۲۹۱
سرادھون ۱۵۵ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰	راو سور بھورتیہ .. .. . ۲۹۷
سلطان پور ۷۳ - ۷۴ - ۱۵۲ - ۱۵۳	سہراب خان .. .. . ۲۵۷ - ۳۰۴
سہرقتند .. .. . ۳۳۵	سیف خان ۲۸ - ۸۴ - ۱۰۲ - ۱۶۶ -
سنبیل .. .. . ۷	۲۰۱ - ۲۳۴ - ۲۹۵
سنگمنیر ۳۶ - ۶۲ - ۱۳۷ - ۱۴۸ -	سیام دوا .. .. . ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۳۹
۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۶۱ - ۱۷۶ - ۱۹۹	سیورام کور ولد بلرام ۱۴۲ - ۲۲۳ - ۳۰۵
سنپھل .. .. . ۲۰۹	سیف اللہ عرب .. .. . ۲۰۸
سند .. .. . ۳۳۶	سیام سنگھہ میسوریہ .. .. ۳۱۰
سون پت .. .. . ۷	سیف الملک کاشغری .. .. . ۳۱۱
سولاپور ۳۴ - ۱۲۸ - ۱۵۱ - ۱۵۴	سیل سنگھہ ولد راجہ سورج سنگھہ ۳۱۲
سورکار سورت ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۲۸۰ - ۳۴۸	سیف اللہ ولد شمشیر خان روہیلہ ۳۱۳
سہرند .. .. . ۷۱ - ۹ - ۸	سیام خان حبشی .. .. . ۳۲۱
سیدوگانو .. .. . ۷۹ - ۶۸	* مواضع *
سیہور .. .. . ۱۱۷	ساجہ مرگ .. .. . ۱۶ - ۲۰
سیہوان .. .. . ۳۳۰	ساحورہ .. .. . ۱۵۷
قصبہ سیالکوٹ .. ۳۴۰ - ۳۴۱	سرائی سوختہ .. .. . ۲۰
* قلعہ *	سری نگر ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۳۰۹
قلعہ سانتور .. .. . ۹۱	ولایت سرمرور .. .. . ۹۰ - ۹۱

۳۰۸ - ۶۰ - ۱۳ .. .. بهادر	قلعہ سولاپور ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۵۶ -
شاد ملک خانم بنت سلطان محمد	۲۰۴ - ۱۶۹
بن جهانگیر مرزا بن حضرت	* بحار *
صاحبقران .. .. ۶۶	دریائے ست دھارا .. .. ۱۰۸
مرزا شاہ رخ .. .. ۸۰	قلاہ سمندر ساگر .. .. ۱۲۲
شاہ بیگ خان ۱۳۶ - ۱۶۰ - ۱۶۱ -	آب سند .. .. ۲۸۹
۲۶۶ - ۲۳۴ - ۱۶۵ - ۱۶۴ - ۱۶۳	* حرف شین - کسان *
شادمان پکھلیوال .. ۲۸۵ - ۳۱۳	شایستہ خان خلف یمین الدولہ ۳ -
شاہ قلی خان اوزبک .. .. ۳۰۱	۱۷ - ۲۰ - ۷۲ - ۷۶ - ۸۴ -
سید شاہ علی ولد سید رشید ۳۲۰	۸۵ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۲۲ - ۱۳۵ -
میر شاہ علی .. .. ۳۲۰	۱۳۷ - ۱۳۹ - ۱۴۱ - ۱۴۸ -
شاہ عالم بخاری .. .. ۳۲۹	۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۶۱ - ۱۷۶ -
ملا شاہ بدخشی .. .. ۳۳۳	۲۴۶ - ۲۵۶ - ۲۷۱ - ۲۹۴ -
شباب خان ولد ملک علی ۲۲۳ - ۳۲۵	شاہ نواز خان صفوی خلف مرزارستم ۳
سید شجاعت خان ۴۰ - ۲۴ - ۷۲ - ۱۳۶	۱۷ - ۱۲۴ - ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۱۵۷ -
۲۹۵ - ۲۷۷ - ۲۷۴ - ۱۶۴ - ۱۶۰	۱۵۹ - ۱۷۶ - ۱۸۲ - ۱۸۴ -
شجاع ولد معصوم کابلی ۳۰۴ - ۳۰۸	۱۸۵ - ۱۸۶ - ۲۰۹ - ۲۴۳ -
( در ذ کرمناصب این رامکور نوشته )	۲۶۷ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۹۷ -
شرزہ خان .. .. ۴۰ - ۳۱۲	شافی پسر سیف خان .. ۵ - ۳۱۳
شریف خان قدیمی .. .. ۳۰۴	شادی بیگ شادی خان ولد جانش



شیروی خواجه سرا ..... ۳۲۲	شیرف خان .. .. . ۳۱۱
شیدا .. .. . ۳۵۸	میر شیرف .. .. . ۳۱۲
* مواضع *	
باغ شاه آباد ۲۷ - ۵۲ - ۵۴ - ۷۱	شیرف بیگ درمان .. .. ۳۲۶
شاه گدهه .. .. . ۱۵۵ - ۳۵	شکرالله عرب .. .. . ۱۱۸
شاه پور .. .. . ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲	شکرالله ولد خانزمان .. .. ۳۲۵
پرگنه شجاع پور .. .. . ۲۴۷	میر شمس .. .. . ۳۰۰ - ۲۴۲
شکردو .. .. . ۲۸۲ - ۲۸۴	شمس الدین پسر اوج قرا .. ۲۹۱
شهاب الدین پور .. .. . ۲۹	شمشیر خان .. .. . ۲۹۸
شیراز .. .. . ۳۵۴	شمس خان دکني .. .. . ۳۰۱
* قلع *	
قلعه شکردو .. .. . ۲۸۳	شمشیر خان ولد شیر خان .. ۳۱۲
قلعه شیر گدهه .. .. . ۹۰	شمس الدین ولد نظر بهادر ۳۱۹
* بحار *	
تالاب شاه پور .. .. . ۱۵۳	حکیم شمس الدین گیلانی ۳۴۸-۳۴۶
* حرف صاد - کسان *	
صالح بیگ جالبی .. ۴۰ - ۳۲۷	شهر یار ناشدنی .. .. . ۲۰۶
صالح اشهری .. .. ۸۸ - ۳۱۸	سید شهاب ولد سید غیرت خان ۳۱۳
صالح خواجه برادر عبدالرحیم خواجه	شهباز خان معروف به شیرخان ۲۹۸
۱۰۴	شیر خان ترین ۴ - ۹۷ - ۹۹ - ۱۴۰
	۱۵۵ - ۱۵۹ - ۳۰۳
	شیر خان تونور .. .. . ۲۹۴
	شیر خواجه .. .. . ۲۹۶
	شیرزاد خویش خان عالم .. ۳۱۵

حکیم ضیاء الدین خویش سستی النساء	۱۴۱ .. .. ملکيه
خانم ۱۴۳ - ۳۲۶	۲۹۵ .. .. خان
* حرف طاء - کسان *	۳۲۱ .. .. سید صادق
طالب ۷ - ۸۳ - ۱۸۱ - ۲۶۹ - ۳۵۳	۳۲۷ .. .. صابر ولد باقر خان
خواجه طاهر .. .. ۳۸ - ۲۱۰	۳۴۰ .. .. ملا صادق حلواني
طالبی آملی .. .. ۲۵۵	۳۱۵ .. .. صدر برادر شیر خان روهيله
طالب بیگ .. .. ۳۲۷	۳۱۶ .. .. سید صدر همیشیرزاده مرتضی خان
طغرل ولد شاه نواز خان بن عبدالرحیم	۳۳۶ .. .. صدر الدین محمد
خانخانان .. .. ۳۱۵	حکیم صدر اخلف حکیم فخر الدین محمد
شاه طهماسب والی ایران .. ۳۴۷	۳۴۷ .. .. شیرازی
* حرف ظاء - کسان *	۲۵۷ - ۸ .. .. شاه صفی والی ایران
ظریف .. .. ۳۲۷	۳۰۰ - ۳۵ .. .. صف شکن خان
ظفرخان ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۴۷ -	۱۵۵ - ۱۴۰ .. .. صف شکن خان رضوی
۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۴ - ۲۸۵ -	۳۱۸
۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۹۸	۲۹۷ - ۲۶۶ .. .. صفدر خان
* مواضع *	۳۱۴ - ۴ .. .. صوفی بهادر
باغ ظفرخان .. .. ۲۸	* مواضع *
ظفرنگر .. .. ۳۵ - ۳۶ - ۶۸	۵۲ - ۵۱ .. .. ده اچول صاحب آباد
* قلع *	۲۷ .. .. باغ صفا
قلعه ظفرنگر .. .. ۲۷۸	* حرف ضاد - کسان *

۲۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ -	• حرف عین - کشان *
۱۲۸ - ۱۳۴ - ۱۴۳ - ۱۸۲ - ۱۸۴ -	محمد عادل خان بن ابراهيم عادل خان
۱۹۱ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۸ -	۳۳ - ۳۴ - ۳۶ - ۳۷ - ۲۱۸ -
۲۰۸ - ۲۶۱ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۹۳ -	۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۸ -
۳۰۵	۱۳۵ - ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۱ -
میر عبد الكريم .. ۲ - ۷۶ - ۳۱۱	۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۵۱ - ۱۵۴ -
سيد عبدالقادر .. .. ۵۹ - ۳۲۷	۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۵ -
عبدالقادر پسر احمد ۶۷ - ۷۰ - ۳۰۹	۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ -
عبد الرحمن ولد صادق خان ۶۸ - ۱۳۴	۱۸۰ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۷ - ۱۹۹ -
۳۰۹	۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۱۷ -
شاه عباس والی ایران ۸۰ - ۲۷۹ - ۳۴۹	۲۱۹ - ۲۲۵ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۶۳ -
عباد الله ميرشکار .. .. ۱۰۱	سيد عالم بارهه ۳۵ - ۷۱ - ۱۰۰ -
عبد اللطيف گجراتي ۱۳۰ - ۱۴۵ - ۲۰۹	۳۰۳ - ۱۳۶
ملا عبد اللطيف .. ۱۳۲ - ۳۴۴	عالي غانچي .. .. ۲۹۰
شيخ عبد اللطيف سفير ۱۵۴ - ۱۷۷ - ۳۱۶	عادل خان ولد قاسم خان .. ۳۱۷
سيد عبد الوهاب .. .. ۱۳۷ - ۳۱۳	عارف بيگ شيخ عمري .. .. ۳۱۹
خواجه عبد الهادي پسر صفدر خان	عارف ولد تاتار خان سفر جي ۳۱۹
۱۴۰ - ۱۵۵ - ۳۲۷	عبد الله خان بهادر فيروز جنگ ۲ -
عبد الرحمن ولد شير خان روهيله	۳۸ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۸۴ - ۸۵ -
۳۰۹ - ۱۶۷	۸۶ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۱۰۰ - ۱۱۱ -

سيد عبد المنعم امروهه .. ٣٢٠	عبد الرحيم خانخانان ١٨٢ - ١٨٩ -
عبد الله نجم ثاني .. .. ٣٢٣	٣٣٦
عبد العزيز عرب .. .. ٣٢٤	مولانا عبد اللطيف .. .. ١٧٩
سيد عدد لرسول ولد سيد عبد الله خان	حكيم عبد الله گيلاني .. .. ٢٠١
٣٢٥	قاضي عبد العزيز .. .. ٢٠١
سيد عبد الغفور .. .. ٣٢٦	سيد عبد الله ولد سيد قاسم ٢٠١ - ٣١٩
عبد المومن .. .. ٣٢٦	سيد عبد الماجد امروهه ٢٢٣ - ٣١٩
عبد الله ولد سعيد خان .. ٣٢٦	عبد الرحيم بيگ برادر عبد الرحمن
عبد الرسول بريچ .. .. ٣٢٧	٢٤٣ - ٢٧٥
حكيم عبد الوهاب ولد حكيم علي ٣٢٨	عبد العزيز نخستين پسر نذر محمد
مير عبد الوهاب معموري .. ٣٢٨	خان .. .. ٢٤٣ - ٢٧٥
خواجه عبد الباقي .. .. ٣٣٥	عبد الرحمن اتاليق .. .. ٢٧٥
ملا عبد الحكيم .. .. ٣٤٠	ملا عبد السلام .. .. ٢٧٨
شيخ عبد الحق دهلوي .. ٣٤١	عبد الرحيم خان اوزبك .. ٣٠٦
شيخ عبد الوهاب متقي .. ٣٤١	مير عبد الله خويش سيد يوسف خان
ملا عبد السلام ديوي .. .. ٣٤٢	٣٠٦
ملا عبد السلام لاهوري ٣٤٢ - ٣٤٤	سيد عبد الواحد ولد سيد مصطفى خان
شيخ عبد الرحيم حساني .. ٣٤٥	٣١٣
عثمان روهيله عم بهادر خان ٦٨ -	خواجه عبد الله نقشبندي ٣١٦
٣٠٨ - ١٤١	عبد الغفور ولد عرب خان .. ٣١٩

حکیم علی گیلانی .. ۳۴۵ - ۳۴۸	عثمان ولد بهادر خان .. ۳۱۵
حکیم علیم الدین وزیر خان .. ۳۴۶	غریز الله ولد یوسف خان .. ۱۴
سید عمر دکنی .. ۳۰۳	عزت خان .. ۸۳ - ۳۰۱
عنبر حبشی ۳۴ - ۱۲۸ - ۱۵۵ - ۱۵۶ -	غریز ولد بهادر خان بلوچ .. ۳۱۷
۱۶۹ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹	ملا عصام الدین .. ۳۴۵
عنایت الله برادرزاده علامی افضل خان	عظمت پسر خان جهان .. ۳۱۵
۸۷ - ۳۱۸	عقیدت خان .. ۳۰۹
خواجہ عنایت الله ۱۱۵ - ۱۳۶ -	میر علی اکبر کروری .. ۷۱
۱۵۳ - ۳۲۰	علی باشہ حاکم بصرہ .. ۱۰۲
عنایت الله ولد مرزا عیسیٰ ترخان ۳۱۴	علی اصغر ولد جعفر بیگ آصف خان
میر عنایت .. ۳۲۴	۱۰۹ - ۱۱۰ - ۳۲۷
عنایت الله تقوی .. ۳۲۵	سید علی اکبر بخاری .. ۱۴۹
عوض خان قاقشال ۱۳ - ۲۴۲ - ۳۰۴	سید علی اصغر سیف خان ۲۵۱ - ۲۰۱
مرزا عیسیٰ ترخان .. ۲۹۵	علی راے .. ۲۸۵
* مواضع *	میرزا علی بیگ .. ۲۸۶ - ۳۳۵
عالم گنج .. ۳۳۱	سید علاول برادر سید کبیر ۳۰۸
عراق .. ۸۴ - ۸۶ - ۱۹۶ - ۳۴۹	علاول ولد ابابکر .. ۳۰۹
عیش آباد .. ۲۷	علی قلی برادر ترکمان خان .. ۳۱۲
* قلع *	خواجہ علاء الدین عطار .. ۳۳۲
حصار علی راے .. ۲۸۲	ملا علی .. ۳۴۵

حکیم فتح الله ولد حکیم ابوالقاسم	* حرف غین - کسان *
شیرازی .. .. . ۳۵۰	غالب .. .. . ۳۷
حکیم فتح الله (جد فتح الله مذکور)	غازی بیگ .. .. . ۳۱۹ - ۶۳
۳۵۰	غضنفر .. .. . ۱۴۶
میر فخر الدین ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵	غیرت خان برادرزاده عبد الله خان
فخر الملک ولد یاقوت خان ۲۹۹	۳۰۰ - ۲۸۰ - ۷۶
فدائی خان ۲۱۶ - ۲۷۲ - ۲۹۶	غیرت خان عزیز الله ولد یوسف خان ۳۰۲
سیدی فرحان .. .. . ۳۷ - ۳۳	غیرت خان خواجه بابا .. .. . ۳۰۳
شیخ فرید ولد قطب الدین خان	میر غیاث الدین منصور .. ۳۴۵
۷۱ - ۷۶ - ۸۵ - ۹۹ - ۱۳۷ -	* مواضع *
۱۴۸ - ۱۴۹ - ۳۰۱	غزنین .. .. . ۲۸۸ - ۲۸۹
فرحان خان .. .. . ۱۳۷	غیاث پور .. .. . ۳۳۱
فرهاد پدر رندوله .. .. . ۱۵۸	* حرف فاء - کسان *
فریدون بیگ .. .. . ۲۷۳	میر فاضل مخدوم زاده .. ۳۱۴
فرهاد بیگ بلوچ .. ۲۸۳ - ۲۸۴	فتح سنگهه سید سودیه ولد مهاراجه بهیم
میر فرهاد بیگ .. .. . ۲۸۳	۳۱۶
فرخ زاد ولد جهانگیر قلی خان ۳۱۴	فتح الله ولد راجو خان .. .. . ۳۱۷
فراست خان خواجه سرا .. ۳۱۹	فتح الله ولد مهر علی برلاس .. ۳۲۳
میر فیض الله رحمت خان ۶۸ - ۹۶ -	فتح ضیاء نبیرہ حکیم ابوالفتح ۳۲۶
۲۲۲ - ۱۳۴	میر فتح الله شیرازی .. .. . ۳۴۵

۱۳۰ - ۱۳۹ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۵۳ -	فیروز خان ناظر ۸۳ - ۸۵ - ۱۳۳ - ۱۳۹
۱۵۴ - ۱۷۱ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۸۰ -	فیروز خان خواجه سرا .. ۳۰۳
۱۸۴ - ۱۸۵ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۶ -	فیروز برادر غزنین خان جالوری ۳۱۹
۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۳۰ - ۲۴۶ -	* مواضع *
۲۶۲ - ۲۶۴	فتح آباد .. .. ۹۲ - ۱۹۸
محمد قلی قطب الملک ۲۱۹ - ۲۷۹	فتح پور .. ۱۰۵ - ۱۸۹ - ۲۷۶
امیر قطب الدین ابن عم امیر سلیمان شاه	باغ فرح بخش ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۴۷
۲۹۰ - ۲۹۱	فیروز پور .. .. ۲۱
شیخ قطب ولد شجاعت خان فتحپوری	باغ فیض بخش .. .. ۲۶
۳۲۵	باغ فیروز خان .. . ۲۹
قلیچ خان حاکم ملتان ۱۱ - ۱۴ - ۲۹۵	فیروز آباد .. .. ۱۵۳
قلعه دار خان ۳۸ - ۷۱ - ۹۷ - ۱۲۳ -	* قلع *
۱۴۰ - ۱۵۵ - ۳۰۸	قلعه فتح آباد معروف بدھارور ۲۷۸
* مواضع *	* حرف قاف - کسان *
قندهار ۱۳۶ - ۱۵۰ - ۲۸۸ - ۲۸۹	قاسم خان .. .. ۲۹۴
* قلع *	میر قاسم سمنانی .. .. ۳۲۷
حصار قندهار .. .. ۲۱۶ - ۲۶۵	شیخ قاسم پور عبدالرحیم .. ۳۵۰
* حرف کاف - کسان *	قزلباش خان ۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۸ -
کاکاپنڈت .. .. ۴۴	۲۴۹ - ۲۹۸ - ۳۱۲
کارطلب خان ۱۳۷ - ۲۲۵ - ۲۹۹	عبدالله قطب الملک ۲ - ۸ - ۱۲۵ -

خواجه کوچک ولد مير هاشم ۱۴۳	۳۱۲ .. .. . راسه کاشيداس
کوکيا .. .. . ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۴۶	۳۱۸ .. . کاظم خويش وزير الملك
راجہ کورسين کشتواري ۲۸۴ - ۳۱۱	۳۱۸ - ۴۰ کریم داد بیگ قاقشال
کھیلو جي بهونسله .. .. ۱۶۰	راو کورن بهورقيه ولد راوسور ۱۴۶ -
کهنداس برادر راجه بکر ماجيت ۲۰۱	۳۰۲ - ۱۵۵ - ۱۴۰ - ۹۶
کيبازميندار ملک چاندا ۱۱۷ - ۱۴۲	۳۱۶ - ۹۷ .. .. . کرپا رام کور
۲۳۲ - ۲۳۱ - ۱۴۴	کرم الله ولد علي مردان خان بهادر
* مواضع *	۳۱۰ - ۱۳۶
کانگړه .. .. . ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۲۱۷	۳۰۶ .. .. . کرمسي راتهور
کابل ۱۳ - ۳۰ - ۵۶ - ۶۷ - ۷۰ - ۲۸۸ -	۳۲۷ .. .. . کرېما
۲۸۹ - ۳۳۲ - ۳۳۵ - ۳۴۰ -	کشناجي (کرشناجي) شرزه راو ۳۶ -
۳۴۳	۱۵۵ - ۱۴۰
پرگنځه کاهون .. .. . ۵۹	راجہ کشن سنگهه بهدوريه ۹۷ - ۱۳۶ -
کامان پهاري .. .. . ۸۸ - ۱۱۸	۳۰۹
کالپي .. .. . ۹۱ - ۱۹۴	کفايت خان معروف بمحمد مقيم ۳۱۹
قصبه کانتی .. .. . ۱۵۶ - ۱۶۲	کليان جهالا ۲ - ۵ - ۲۰۹ - ۲۱۷
کالي بهيت .. .. . ۲۳۳	کمال الدين ولد شيرخان روهله ۳۱۴
کاشغر .. .. . ۲۸۴	ملا کمال کشميري .. .. . ۳۴۱
کاشان .. .. . ۳۴۹	کندهر راو قلعدار .. .. . ۱۴۷ - ۱۴۶
کروله .. .. . ۱۱۱	کنک سنگهه بیس .. .. . ۲۳۰ - ۲۳۱



ولایت کوکن ۱۳۷ - ۱۴۹ - ۱۵۰ -	کراہ ۲۰۶ - ۱۳۴ .. ..
۱۶۹ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۲۶	کورماند گانو ۲۳۰ .. ..
کولا پور .. .. ۱۶۳	کرچہ ۲۸۲ .. ..
کودہ .. .. ۱۸۷	کرج ( صہرتبت ) .. ۲۸۶ - ۲۸۷
کوندھانہ .. .. ۲۲۶	کشمیر (نام قدیمش سرینگور) ۱۴ - ۱۳ -
کونڈیا .. .. ۲۲۶	۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۶ -
کومگیر .. .. ۲۳۰	۲۹ - ۳۰ - ۳۷ - ۴۸ - ۵۲ - ۵۳ -
ولایت کوکيا .. .. ۲۳۱ - ۲۳۲	۵۴ - ۵۶ - ۷۳ - ۱۹۰ - ۲۸۱ -
کھنہ پل .. .. ۲۴	۲۸۳ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ -
کھڑکی .. .. ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۶۸	۳۳۰ - ۳۳۲ - ۳۳۳
کھڑوالی .. .. ۱۰۶ - ۱۰۷	ککنہ کو ۲۱ .. ..
پرگنہ کھتوا .. .. ۱۰۸	قصبہ کایان ۱۵۱ .. ..
کھجوری .. .. ۲۲۲	کمرکوة ۲۰ .. ..
کیرانہ .. .. ۷۲	کمال پور ۱۵۳ .. ..
* قلع *	کنپا پور ۳۹ .. ..
حصار کالپی .. .. ۹۰	کنٹھہ ٹیلہ غازی ۵۹ .. ..
حصار کانچنہ .. .. ۱۴۶	کو دامن کانگڑہ ۶۰ .. ..
حصار کانگڑہ .. ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۲۵۰	کوهستان کانگڑہ ۶۱ .. ..
حصن کاویل .. .. ۲۰۵	کوئل موہری ۶۹ .. ..
حصار کتلچہر .. .. ۲۳۰	کول ۱۲۱ .. ..

## \* مواضع \*

گجرات ۸ - ۱۱ - ۵۷ - ۶۶ - ۷۸ -

۸۴ - ۸۶ - ۱۰۲ - ۱۸۹ - ۲۰۷ -

۲۸۰ - ۳۲۹ - ۳۳۲ - ۳۳۷ -

ولایت گدھه کنگه .. .. ۱۱۲

ولایت گدھه .. .. ۹۵

گلکنده ۸ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۳۶ -

۱۳۹ - ۱۴۵ - ۱۵۴ - ۱۷۷ - ۱۷۹ -

گلبرکه .. .. ۱۵۲ - ۱۵۸ -

گورکھپور .. ۱۱ - ۱۴ - ۲۱۶ - ۲۷۲ -

گوندوانه ۱۱۷ - ۱۸۱ - ۱۸۶ - ۲۴۶ -

۲۶۲ - ۲۶۵ -

گوالیار .. .. ۲۷۵ -

گهانی ادي دکه .. .. ۱۷ -

گهات سامي .. .. ۷۴ - ۷۷ -

گهاتی چاندا .. .. ۱۹۲ - ۲۱۶ -

## \* قلع \*

قلعہ گوالیار .. ۱۳۵ - ۲۵۶ - ۲۶۲ -

## \* بحار \*

دریائے گنگ .. .. ۹۱ -

قلعہ کول .. .. ۱۴۷ -

حصار کوتکر .. .. ۱۵۴ -

قلعہ کولاس .. .. ۲۰۶ -

حصن کھیر درک .. .. ۱۴۱ -

حصار کھر پھوچھه ۲۸۲ - ۲۸۴ - ۲۸۵ -

حصار کھچنه ۲۸۲ - ۲۸۴ - ۲۸۵ -

## \* بحار \*

دریائے کشن گنگا .. .. ۱۶۳ -

دریائے کھور ندي .. .. ۲۲۶ -

## \* حرف گاف-کسان \*

راجہ گچسنگه ولد راجہ سورج سنگهه

۱۴۲ - ۲۳۳ - ۲۹۴ -

گروہرداس برادر راجہ بیتھلداس

۱۲۱ - ۳۲۴ -

راجہ گروہر پسر کیسوداس .. ۳۱۰ -

گرو شامب ولد مہابت خان .. ۳۲۵ -

گوچر گوالیاری .. .. ۹۱ - ۹۲ -

گوکلداہی سیسودیہ ۱۰۰ - ۱۳۶ - ۳۱۲ -

گوپال سنگهه ولد راجہ منروپ

۳۱۲ -

لار (ممر ثبت) .. ۲۸۶ - ۲۸۷	* حرف لام - کسان *
لدهي محمد قلي .. ۱۶ - ۱۹	لشکر خان .. ۷۶ - ۱۹۱ - ۲۹۵
لکهي جنگل .. ۱۰ - ۶۴	لشکر شکن ولد شاه نواز خان ۱۰۲
لکهن پور .. ۹۱	لشکري ولد مخلص خان .. ۳۱۵
لکهنو .. ۱۰۲ - ۲۴۳ - ۲۷۸	لطف الله ولد لشکر خان ۱۴ - ۶۵ -
لوکھ بهون .. ۵۱ - ۵۲	۳۰۷ - ۱۳۶
لوهگانو .. ۲۶۱ - ۲۲۶	لطيف خان نقشبندي ۷۱ - ۳۱۰
* حرف میم - کسان *	سید لطف علي بهکري .. ۷۱ -
مالوجي بهونسله ۴۰ - ۶۸ - ۱۳۵ -	۱۰۱ - ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۱۵۹ - ۳۱۴
۲۹۵ - ۱۳۷	لعل خان .. ۳۰۸
مادهو سنگهه هاڙا ولد راورتن ۶۳ -	لکهي سيدن چوهان .. ۳۱۴
۶۸ - ۹۶ - ۹۷ - ۱۱۳ - ۱۱۵ -	لهراسب پسر مهابت خان ۳۷ -
۱۳۴ - ۱۳۶ - ۲۲۲ - ۲۴۶ -	۳۸ - ۴۱ - ۴۴ - ۳۰۳
۲۹۸ - ۲۴۸	* مواضع *
راجہ مانسنگهه .. ۱۹۸ - ۳۱۲	دارالسلطنه لاهور ۳ - ۹ - ۱۰ - ۱۵ -
راوت مانسنگهه .. ۲۳۴	۴۸ - ۵۶ - ۶۲ - ۶۷ - ۷۰ -
راے مائي داس .. ۳۱۲	۷۱ - ۱۹۰ - ۲۰۸ - ۳۳۰ - ۳۳۱ -
سيد ماکن بارهه .. ۳۱۲	۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۶ - ۳۴۰ - ۳۴۲ -
راجہ مان سنگهه ولد راجہ بکرماجيت	لاهوري بندر .. ۲۳ - ۱۰۲
۳۲۳	لابجي .. ۱۱۱ - ۱۱۲

۳۲۳ .. مادھو سنگھه سيسوديہ	حاجي محمد جان قدسي ۲۱ - ۱۹
مبارز خان ۳۵ - ۳۶ - ۱۴۱ - ۱۴۳	۵۰ - ۸۰ - ۱۴۲ - ۳۵۱
۱۴۴ - ۶۳ - ۶۸ - ۷۲ - ۱۳۵	محمد قلبي ترکمان .. .. ۲۷
۱۳۶ - ۱۵۳ - ۲۱۸ - ۲۴۶ - ۲۵۷	شاهزاده محمد مراد بخش ۲۷ -
مبارک خان نيازي ۳۵ - ۴۰ - ۶۰ -	۷۰ - ۷۱ - ۸۲ - ۲۴۵ - ۲۵۵
۱۳۶ - ۱۳۸ - ۲۴۹ - ۳۰۱	۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۹۲ - ۳۴۴
مبارز خان روهيله .. .. ۲۹۶	شاهزاده محمد شاه شجاع بهادر ۳۲ -
سيد مبارک قديمي .. .. ۳۱۱	۳۳ - ۳۴ - ۳۷ - ۳۹ - ۴۱
مبارک خان ولد سيف خان ۳۱۹	۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۷ - ۶۴
سيد مبارک .. .. ۳۲۳	۸۲ - ۸۴ - ۱۰۳ - ۱۴۲ - ۲۰۸
راو منهي سنگهه ولد راو دودا ۳۰۵	۲۴۲ - ۲۴۵ - ۲۶۷ - ۲۷۷ - ۲۹۲
مدرسین برادر راجه سيام سنگهه ۳۱۰	شاهزاده محمد اورنگ زيب ۵۲ - ۶۵ -
منهرا داس کچواہه .. .. ۳۲۲	۸۲ - ۹۹ - ۱۱۲ - ۱۱۸ - ۱۲۲
مجاہد خان ولد فيروز خان جالوري ۳۱۹	۱۴۲ - ۲۰۵ - ۲۰۷ - ۲۳۰
مجلدار خان ۱ - ۱۴ - ۱۴۰ - ۲۹۷	۲۴۳ - ۲۵۵ - ۲۶۴ - ۲۶۶
شاهزاده محمد دارا شکوه ۳ - ۹ -	۲۶۷ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۷ - ۲۸۰
۲۷ - ۳۱ - ۴۹ - ۷۴ - ۸۲ - ۸۴	۲۸۸ - ۲۹۲ - ۳۴۵
۸۶ - ۱۰۰ - ۱۴۱ - ۱۸۶	ملا محمد حسين کشميري .. ۵۵
۲۰۸ - ۲۴۵ - ۲۶۷ - ۲۷۷	شيخ محمود گجراتي .. .. ۵۸
۲۹۲ - ۳۳۸ - ۳۴۴ - ۳۴۵	محمد رشيد کابلي .. .. ۶۳

قاضي محمد اسلم ۲۷۸-۳۲۱-۳۳۸-	محمد علي گامراني .. ۹۱۴ - ۳۱۰
۳۴۳	محمد زمان طهراني .. ۸۵ - ۸۸
شيخ محب علي سندي ۲۷۸-۳۳۵	قاضي محمد سعيد کرهرودي ۸۷ -
محمد مراد وکیل ابدال ۲۸۲-۲۸۶	۱۰۰ - ۳۰۷ - ۳۴۴
حکیم محمد حازق ولد حکیم هماد	محمود بیگ خوافي .. ۱۱۴
۳۰۷-۸۷	سید محمد .. ۱۱۵ - ۱۷۷ - ۳۲۷
محمد حسین ولد یوسف نیکنام ۳۰۷	سلطان محمد قطب الملک پدر عبدالله
محمد صالح ولد مرزا شاهي ۳۰۷	قطب الملک .. ۱۳۲
محمد شریف خالوي باقرخان ۳۰۸	محمد زاهد کوکه .. ۱۴۳
محمد یحیی ولد سیف خان .. ۳۱۱	محمد تقی ۱۵۳ - ۱۹۲ - ۱۹۳ -
محمد زمان ولد جاکم خان ۳۱۳	۲۱۰-۳۲۶
حاجي محمد خواجه .. ۳۱۴	محمد مومن .. ۱۶۶
محمد علي خويش قليچ خان ۳۱۴	حاجي محمد یار .. ۱۶۶ - ۳۲۶
محمد طاهر خويش شهاب الدين احمد	محمد حسین سلدوز ۱۶۷-۱۷۴-۱۷۵
۳۱۷	شيخ محمد طاهر ۱۷۷ - ۲۰۹ -
محمد بیگ اباکش .. ۳۱۷	۲۱۰-۲۱۴
مرزا محمد سلدوز .. ۳۱۸	محمد زمان مشرف ۲۰۳ - ۲۸۵-۳۰۲
محمد رضا جابري .. ۳۱۸	خواجه محمد زاهد .. ۲۱۰
محمد شریف قدیمی .. ۳۲۰	محمد یار بیگ زبردست خان ۲۷۳
محمد بیگ .. ۳۲۰	محمد حسین برادر بهمت خان ۲۷۸

میر محمد باقر .. .. ۳۴۴	محمد مسعود پسر خواندۀ مرتضی خان
میر محمد هاشم (حکیم هاشم) ۳۴۵	۳۲۱
میر محمد قاسم گیلانی .. ۳۴۵	محمد یوسف .. .. ۳۲۱
شیخ محمد عربی محدث .. ۳۴۵	محمد قاسم برادر خواجۀ ابوالحسن ۳۲۱
شیخ محمد .. .. ۳۴۶	محمد حسین جابری .. ۳۲۱
حکیم محمد باقر پسر حکیم عماد الدین	محمد شاه یکہ .. .. ۳۲۱
۳۴۸	محمد شریف ولد افضل .. ۳۲۲
مخلص خان ۱۱-۱۴-۹۹-۱۱۹-۲۹۸	محمد زمان ولد نادر علی .. ۳۲۲
مختار خان ۹۶-۲۷۲-۲۷۳	محمود ولد یابو میکلی .. ۳۲۳
۲۷۵-۳۰۲	محمد زمان داماد احداد .. ۳۲۴
مدن سنگهه به دوریه .. ۳۲۴	محمد واحد .. .. ۳۲۶
مرشد قلی خان ۱۷-۵۴-۶۷-۸۸	محمد رشید خان دورانی .. ۳۲۷
۱۰۵-۱۴۲-۲۴۳-۲۷۵-۳۰۰	محسن ولد مختار بیگ .. ۳۲۷
مرتضی خان ۳۵-۳۹-۴۴-۴۶	محمود بیگ ولد بایزید بیگ ۳۲۸
۶۸-۱۴۰-۱۵۵-۱۵۷-۱۵۹-۲۹۶	سید محمد رضوی .. ۳۲۸-۳۲۹
مراری پندت .. .. ۳۶-۴۵	شیخ محمد فضل الله ۳۳۱-۳۳۶
مرزا خان بن شاه نواز خان ۹۳-	سید محمد شاه عالم .. ۳۳۲
۲۹۸-۲۱۶	ملا محمد فاضل .. .. ۳۴۰
مراد آخته بیگی .. .. ۱۰۱	ملا محمد یوسف کوسه .. ۳۴۰
سید مرزا برادر مختار خان ۱۳۶-	قاضی محمد زاهد کابلی .. ۳۴۳

مظفر ولد مبارک خان سروانی ۳۲۲	۳۱۸ - ۲۲۵
معتمد خان بخشى دوم ۱۷ - ۶۰ -	مراد کام نبیرو مرزا رستم صفوی ۱۴۰ -
۸۷ - ۱۴۴ - ۱۹۱ - ۲۲۳ -	۳۱۵ - ۱۵۵
۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۴۲ - ۲۷۹ - ۲۹۷	مریم مکانی والدۀ ماجدۀ عرش آشیانی
معزالملك .. .. ۱۰۲ - ۳۱۲	۱۸۷
معتقد خان .. ۱۸۴ - ۲۱۶ - ۲۹۶	مرتضی خان ولد سید صدر جهان ۲۹۸
خواجہ معین الدین .. .. ۲۲۴	مرحمت خان .. .. ۳۰۵
شیخ معین الدین راجگری ۳۲۸	مرتضی قلی برادر جانسپار خان ۳۰۹
مغل خان ولد زین خان ۶۸ - ۱۳۶ -	مرزا خان ولد زین خان .. ۳۰۹
۱۳۸ - ۲۲۱ - ۲۵۵ - ۳۰۱	مرحمت خان ولد صادق خان ۳۱۳
مغول ولد مرزا شاه رخ .. ۱۳۶	مرزا برادر رشید خان انصاری ۳۱۷
سیدی مفتاح حبشی حبش خان -	مرزا خویش قزلباش خان .. ۳۱۹
۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۴۸ - ۲۹۹	مرتضی قلی ولد خان اعظم ۳۲۵
مقرب خان دکنی رستم خان ۷۲۰۷ -	مرزا شیخ ولد سعید خان .. ۳۲۵
۷۶ - ۸۳	ملا مرزا جان شیرازی .. .. ۳۴۰
مقرب خان جراح .. .. ۷۲ - ۳۵۰	حکیم مسیح الزمان ۱۰۲ - ۲۸۱ - ۲۹۹
مقیم خان .. .. ۳۱۶	مسعود نابهری حاجب بلخ ۸۸ -
میر مقتداے غزنوی .. ۳۲۴	۱۰۱ - ۱۰۴ - ۳۲۱
مقیم خویش آصف خان .. ۳۲۸	مشکین ولد تاتار خان .. ۳۲۸
مکرمات خان ۲ - ۷۶ - ۸۷ - ۱۰۱ -	مظفر بیگ .. .. ۲۷۳

۲۹۰ .. .. . میرو موسی	۱۲۳ - ۱۲۱ - ۱۲۰ - ۱۱۹
مهابت خان خانخانا سپه سالار ۳۴۴ -	۱۵۳ - ۱۴۴ - ۱۳۸ - ۱۲۵
۳۵ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ -	۱۵۴ - ۱۶۵ - ۱۶۸ - ۱۷۰ -
۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۷ -	۱۷۳ - ۱۷۴ - ۲۰۲ - ۲۳۴ - ۲۴۳ -
۵۹ - ۶۴ - ۶۸ - ۸۶ - ۹۴ -	۳۰۱ - ۲۶۷
۹۸ - ۹۵ - ۱۶۸ - ۱۸۲ - ۱۸۳ -	۳۲۱ .. .. . مکنداس راتهور
۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۹۴ -	۳۲۳ .. .. . مکند جادون
۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۸ - ۲۹۳ - ۳۴۹	۳۲۶ مکند داس ولد راجه گوپال داس
۱۰۰ - ۶۸ - ۳۸ - راتهور میس داس	۳۰۶ - ۲۳۴ - ۱۰۵ ملتفت خان
۳۱۳ - ۱۳۶	۳۲۶ .. .. . ملک امان
۳۳۱ - ۳۲۹ - ۶۵ - میان میر ۱۲ -	۲۹۹ - ۱۴۰ .. .. . منکو جی
۳۳۶ - ۳۳۳	۱۹۲ .. .. . منصور خان فرنگی
۱۲۴ - ۱۲۳ - ۱۰۵ - ۱۰۱ - میرخان	۲۹۹ .. .. . راجه منروپ کچواھه
۳۱۱ - ۲۰۸	۳۲۸ .. .. . منکو رام دکنی
۳۱۶ - ۱۰۴ - میرک حسین خوافی ..	۲۶۷ - ۲۴۳ - ۸۵ - ۳ موسوی خان
۳۷ .. .. . میدنی راو ..	۲۹۷ - ۲۷۶
۱۶۰ .. .. . میناجی بهونسله ..	۳۴۹ - ۱۶۶ - ۶ .. حکیم مومنا
۳۲۴ .. .. . میان داد پسر جلاله ..	۴۴ - ۴۳ .. .. . مودهو جی
۳۴۴ .. .. . ملا میرک شیخ هروی ..	۳۲۶ - ۷۱ .. .. . شیخ موسی گیلانی
* مواضع *	۲۲۲ .. .. . موهن سنگه



* قلع *	ماوراءالنہر ۸-۱۴۳-۱۸۱-۱۸۹-۱۹۶
حصار مالچنہ .. .. ۱۴۶	صوبہ مالوہ ۶۲-۶۳-۶۸-۹۵-
حصار ماندو .. .. ۲۱۵-۱۹۲	۲۷۱-۱۸۹-۹۷-۹۶
قلعہ ماہولی .. .. ۲۲۸	مانک دودہ .. .. ۶۹
حصار مورنجن .. .. ۲۲۷	ماہولی .. .. ۲۲۷-۱۴۹
حصار مہاکوٹ .. .. ۱۳۸	ماندو ۱۸۳-۱۸۴-۱۸۶-۱۸۹-
* بحار *	۱۹۳-۱۹۴-۲۰۲-۲۰۸-
دریائے مول .. .. ۲۲۶	۲۶۲-۲۱۵
دریائے موٹہ .. .. ۲۲۶	متہرا ۵-۱۰۵-۲۴۳-۲۷۵
* حرف نون - کسان *	باغ مراد .. .. ۲۷
ناد علی .. .. ۳۸	بلدہ مرج .. .. ۱۶۴
شیخ ناظر .. .. ۳۳۷-۲۷۸	قصبہ مغراباد .. ۲۳۴
ناہر سولنکھی .. .. ۳۲۲	مکنا تھہ .. .. ۱۵۲
نٹانندہ .. .. ۳	ملتان .. .. ۳۳۰-۲۳
نجات خان ولد میہرا شاہ رخ ۱۰-	ملکاپور .. .. ۳۶-۳۵
۱۱-۱۴-۶۱-۷۰-۷۱-	سرکار منگیر .. ۲۷۲-۱
۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۱۲۱-	منہوی .. .. ۷۴
۲۴۲-۲۷۵-۲۹۷	مند سور .. .. ۱۸۳
نیچ علی ولد قزلباش خان ۳۲۴	منداور .. .. ۲۲۲
نذر محمد خان ۶۵-۸۸-۱۰۴-۱۶۶	مہابن .. ۲۷۵-۲۴۳-۱۰۵-۵

نظر بہادر ۶۳-۹۶-۹۷-۱۰۸-۱۱۵-	نذر بیگ قوش بیگی ۱۰۱-۳۲۱
۱۳۴-۱۳۶-۲۱۸-۲۵۷-۳۰۱	راجہ نرسنگھ دیو بندیلہ ۹۸-۱۱۷-
نظری بیگ اوزبک .. .. ۸۷	۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۸۴-۲۶۰
سید نظام .. .. ۱۹۱	نرسنگھ دیو پسر کلن بکرماجیت ۱۴۳
نظام ولد غزنین خان جالوری ۳۱۳	نرسنگھ داس ولد راجہ دوارکاداس ۳۲۲
قاضی نظام .. .. ۳۳۵	نور داس بوادری بیگی داس ۳۲۴
نعیم بیگ ولد اخلاص خان ۳۲۴	نور داس جھالا .. .. ۳۲۵
نعمان بیگ حارثی .. .. ۳۲۶	نصیب شیرانی .. .. ۳۰۸
نور محمد عرب عرب خان ۱-۳۵-	نصر اللہ عرب .. .. ۳۱۶
۶۰-۶۷-۱۳۶-۱۵۳-۲۷۸	نصیر الدین محمود .. .. ۳۱۷
نور محل .. .. ۲۷	نصر اللہ ولد مختار بیگ .. ۳۱۸
نورس .. .. ۳۷	میر نصیر الدین حسین .. ۳۴۵
مرزا نودر پسر مرزا حیدر .. ۱۴۰-	شیخ نظام الدین اولیا .. ۶
۱۵۵-۱۷۶	نظام الملک بے نظام ۳۳-۳۶-۱۰۴-
نور اللہ .. .. ۱۷۶-۳۱۲	۱۲۷-۱۳۵-۱۴۸-۱۶۵-
نور الدین ہروی .. .. ۳۰۲	۱۶۹-۱۷۱-۱۹۷-۱۹۹-
نور الدین قلی .. .. ۳۰۴	۲۰۰-۲۰۱-۲۰۳-۲۰۴-
نوبت خان .. .. ۳۰۷	۲۰۵-۲۱۱-۲۱۹-۲۲۶-
سید نور العیان .. .. ۳۲۷	۲۲۷-۲۲۹-۲۳۰-۲۵۶-
نہال چند جوہری .. .. ۲۰۹	۲۵۹-۲۶۲

* قلع *	نیکنام عم بهادر .. .. ۱۱۳
حصن ناهولي .. .. ۱۶۰	نیاز خان پسر شهبازخان .. ۳۱۴
حصن ناگیور .. .. ۲۳۳	حاجي نیاز .. .. ۳۱۸
قلعه نورگدهه .. .. ۶	* مواضع *
* بحار *	ناري براري .. .. ۲۰
نالء آب سدين .. .. ۳۶	فاندير .. .. ۱۵۲ - ۱۳۶
آب نريدهه ۶۲ - ۱۲۳ - ۱۳۰ - ۱۸۴ -	ناسک .. .. ۱۹۹ - ۱۴۹ - ۱۴۸ - ۱۳۷
۲۰۸ - ۱۹۳ - ۱۸۹	ناگ پور .. .. ۲۳۱
آب نیلاب .. .. ۲۸۳ - ۲۸۲	نچاره .. .. ۲۲۷
* حرف واو- کسان *	سرکار ندربار .. .. ۶۲
مرزا والي .. .. ۳۰۲ - ۱۰	نرابین پور .. .. ۱۵۳ - ۱۵۱
وزیرخان ۹ - ۱۰ - ۱۳ - ۱۵ - ۶۲ -	باغ نسیم .. .. ۲۸
۶۶ - ۷۰ - ۲۰۷ - ۲۱۶ - ۲۹۴	باغ نشاط .. .. ۴۷ - ۲۸
وفاخان خواجه سرا .. .. ۳۱۱	نلدرک .. .. ۱۵۸
وقاس حاجي شاه قلبي خان ۱۶۶ -	باغ نورمنزل .. .. ۱۰۵ - ۱
۲۵۱ - ۲۵۰ - ۲۱۷ - ۲۰۷	نوشهره .. .. ۱۷ - ۱۶
سیدولي .. .. ۳۱۲	باغ نورافشان .. .. ۲۷
* مواضع *	نورگدهه .. .. ۷۲
قریه و نتي پور .. .. ۴۹	نورند .. .. ۲۲۶
ونکو .. .. ۲۰۴ - ۱۶۹ - ۱۲۹ - ۱۲۸	نورگهات .. .. ۲۲۶

۳۰۴ - ۱۳۸ .. .. همت خان	۵۲ - ۴۸ - ۲۱ .. .. ویرناک
۲۹۷ .. .. همیراے دکنی	* بحار *
* مواضع *	آب ونجر ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۶۰
۹۱ .. .. هردوار	چشمه ویرناک .. .. ۲۲
۳۴۳ - ۳۴۴ .. .. هرات	* حرف هاء - کسان *
۱۳۰ - ۶۲ .. .. سرکار هنديہ	هادي داد برادر رشيد خان ۹۷ -
۱۵۳ - ۱۵۲ - ۵۴ - ۲ - ۱۶ هيراپور	۳۱۶ - ۱۳۶
* قلع *	هاباجي .. .. ۳۰۳ - ۱۳۷
۲۲۹ .. .. حصن حريس	هاشم خان ولد قاسم خان .. ۲۸۱
۲۲۹ .. .. قلعه هوسرا	خواجه هاشم ولد شير خان ۳۲۷
حرف ياء - کسان	هری سنگهہ راٹھور ۱۴۰ - ۱۵۵ - ۳۰۸
ياقوت حبشي ۴۲ - ۴۴ - ۱۵۳ -	هری سنگهہ ولد راورتن .. ۲۲۳
۲۹۴ - ۱۹۷	هردي رام ولد بانکا کچواہہ .. ۳۰۵
يادگار حسين خان .. ۶۳ - ۳۰۶	راو هرچندر کچواہہ .. ۳۱۲
ياسين خان ولد شيرخان تونور ۹۷ - ۳۰۵	هرام ولد بهگوان داس کچواہہ ۳۱۷
خواجه ياقوت تھویدار ۹۰ - ۱۰۱ - ۱۰۴	هری سنگهہ ولد راو چاندا .. ۳۲۲
ياقوت نبيرہ ياقوت حبشي .. ۱۵۲	هرداس جھالا .. .. ۳۲۵
يکيلي .. .. ۱۰۲	هردي نراين .. .. ۳۲۸
يزداني ولد مخلص خان .. ۳۱۶	سيد هزيرخان بارهہ .. ۱۰۲ - ۲۹۹
يساول خان .. .. ۳۲۴	همايون شاه جنت آشياني ۷۲ - ۳۳۶

٣١٨ .. .. . بولم بهادر	٥٥ .. .. کشميري يعقوب
٣٢٠ .. .. مير يوسف کولابي	يعقوب بيدگ ولد شاه بيدگ خان کابلي -
٣٢٢ .. .. يوسف نيازي	٣٢٧ - ١٤٠
٣٢٢ .. .. ماليوسف لاهوري	سيد يعقوب ولد سيد کمال بخاري ٣٠٥
* مواضع *	يعقوب بيدگ منقط .. .. ٣٢٤
١٠٦ .. .. . ياري	يکه تاز خان ٤٤ - ١٣٧ - ١٣٩ -
٣٠ .. .. . بيدلق گودي مرگ	٣٠٦ - ١٤٦
٣١ .. .. . بيدلق تومسه مرگ	يکدل خان خواجه سرا ٣١١ - ٢٥٠
٣١ .. .. . بيدلق سنگ سفيد	٢٨ .. .. . مرزا يوسف خان
٣١ .. .. . بيدلق ماء البدن	١٠١ .. .. . يوسف محمد خان
* قلع *	٢٩٨ .. .. . يوسف محمد تاشکندي
١٤٧ .. .. . قلعه يومرا	٣١٥ .. .. . يوسف بيدگ کابلي



( فهرست مردمان و مواضع و قلعات و درياهاي دوميں )

دور بادشاه نامه بقرتيب حروف هجاء )

بسم الله الرحمن الرحيم

\* حرف الف - كسان \*

۱۹۶ .. .. . آقا خواجه	يمين الدوله آصف خان خانان
۲۵۶ آي خانم زوجة امام قلي خان	سپه سالار ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۲۱ -
۶۲۰ - آتش قلماق برادر كفش قلماق	۹۵ - ۹۶ - ۱۰۰ - ۱۰۳ -
۶۲۱ - ۶۲۲	۱۱۰ - ۱۱۶ - ۱۳۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ -
۷۴۰ - ۶۳۳ آي محمد تاشكزدي	۱۵۱ - ۱۵۴ - ۱۶۴ - ۱۷۵ - ۱۷۹ -
۶۴۶ .. .. . آدينه حاجي بوز	۲۰۹ - ۲۱۵ - ۲۱۷ - ۲۲۸ - ۲۴۱ -
ابوالبقا برادر سعيد خان افتخار خان	۲۵۷ - ۲۶۰ - ۳۲۱ - ۴۲۰ - ۴۲۸ -
۴۳ - ۴۸	۴۷۵ - ۷۱۷
• خواجه ابوالبقا برادرزاده عبيدالله خان	آگاه خان خواجه سرا ۲۰ - ۹۱ -
افتخار خان ۵۲ - ۳۴۲ - ۳۸۶ -	۱۱۰ - ۴۰۷ - ۶۱۰ - ۷۳۲ -
۴۲۰ - ۶۰۷ - ۷۲۹	آتش خان دكزي ۱۲۷ - ۱۸۰ -
۶۸ .. . سيد ابابكر مالزم شيخ قاسم	۲۴۸ - ۳۷۳ - ۷۲۸
ابدال مرزبان تبت پسر كلان علي راي	آدم برادر خرد ابدال پسر علي راي
۹۳ - ۹۸ - ۱۵۹	حارس تبت خرد ۹۸ - ۱۵۹ -
۳۸۶ - ۱۰۱ .. . خواجه ابوالوفا	۲۰۷ - ۷۳۶

ابوالمعالي ولد مرزا والي .. ۷۴۸	ابوقرداس .. .. . ۱۰۳
مير ابابيل عرب .. .. ۷۴۸	ملا ابوسعيد .. .. ۱۹۶
شيخ ابوالمعالي .. .. ۷۵۴	ابوالقاسم ولد سيف خان ۱۹۸ - ۷۴۵
اجميري ملازم محمد شاه شجاع ۳۴۰	ابراهيم بگول نذر محمد خان ۲۲۷ -
سيد اجميري .. .. ۴۸۵	۲۲۹ - ۲۳۰ - ۵۵۱
احمد بيگ ۳۴ - ۳۹ - ۹۴ - ۱۰۳	ابراهيم خواجه نقيب .. .. ۲۵۶
خواجه احمد ولد خواجه خاوند محمود	مير ابراهيم صفدر خاني بگول ۳۱۰ -
۱۷۹	۳۷۶ - ۳۹۰
خواجه احسن نقشبندي .. ۲۱۶	خواجه ابوالخير ۳۱۱ - ۵۰۵ - ۶۱۱
احسن الله نبير مير جمال الدين حسين	ابوالبقا ولد شريف خان ۳۸۷ - ۷۳۹
انجو .. .. . ۲۲۴	مير ابوالحسن سفير عادل خان ۴۲۳ -
خواجه احرار .. .. ۲۵۵	۴۳۳ - ۴۷۲ - ۴۹۱
حكيم احمد .. .. . ۳۰۰	ابوالغازي برادر اسفنديار .. ۴۳۵
احمد خان والي كاشغر .. .. ۳۴۹	سيد ابراهيم درويش .. .. ۴۵۳
احمد خان نيازي .. ۳۸۶ + ۷۲۵	ابراهيم حسين تركمان ۴۸۶ - ۵۲۵ -
شيخ احمد شهيدي .. .. ۳۸۸	۵۵۵ - ۵۷۸ - ۶۳۳ - ۷۵۰
سيد احمد سعيد .. ۴۰۶ - ۷۴۵	ابدال بيگ .. .. . ۵۰۳
احشام علي دانشمندی .. .. ۴۶۲	ابراهيم كس حمزه ملك سيستان ۶۱۱
احمدان مهند ۴۸۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ -	ابوالبقا ولد قاضي خان ۶۴۵ - ۶۴۶ -
۶۳۵ - ۶۴۸ - ۶۴۷	۷۵۰

۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۹۷ - ۲۰۱	قاضي احمد پسر مير مومن ۵۳۵
۲۰۶ - ۲۱۶ - ۲۱۸	احمد بيگ خان .. .. ۷۲۷
۴۸۴ .. .. .	احمد بيگ داماد باقر خان نجم ثاني
۵۶۵ .. .. .	۷۴۶
۵۹۵ - ۶۰۲ - ۷۵۱	مير احمد ولد سادات خان رضوي ۷۴۷
۱۶ .. .. .	اختيار ودمبارز خان روهله ۷۳۴-۲۲۴
سيد اسماعيل ۱۶ .. .. .	اخلاص خان نبيروز قطب الدين خان
سيد اسماعيل پسر سعيد خان ۴۸ -	۷۲۶ - ۵۹۴
۷۳۲ - ۵۸۵ - ۵۶۶ - ۵۲۷ - ۴۸۵	اخلاص خان .. .. ۷۲۷
اسلام خان شيخ علاء الدين فتحپوري	سيد اختيار الدين .. .. ۷۴۷
۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۷۱ - ۷۳ - ۷۴ -	ارجمند بانو بيگم مهد عليا ممتاز
۷۹ - ۸۰ - ۹۰ - ۱۰۳ - ۱۱۷ -	الزمانى الملقبة بممتاز محل دختر
۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳۲ - ۱۶۴ -	يمين الدوله ۸ - ۹۲ - ۹۹ -
۱۶۷ - ۱۷۴ - ۱۸۰ - ۱۹۲ - ۲۰۴ -	۱۶۴ - ۱۹۸ - ۲۴۱ - ۳۲۲ - ۳۵۱ -
۲۰۹ - ۲۱۲ - ۲۲۴ - ۲۲۹ - ۲۳۵ -	۶۲۹ - ۴۰۴
۲۴۰ - ۳۰۸ - ۳۳۳ - ۳۴۱ - ۳۴۴ -	اردشير نبيروز احمد بيگ خان ۴۳ -
۳۴۵ - ۳۴۷ - ۳۴۹ - ۳۶۲ - ۳۷۳ -	۷۳۴ - ۴۸
۳۷۵ - ۳۹۸ - ۴۰۳ - ۴۰۵ - ۴۱۰ -	ارجن پسر راجه بيتهلداس ۱۵۶ -
۴۱۵ - ۴۲۱ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۶۹ -	۷۳۳ - ۶۷۹ ۳۸۵ - ۳۸۳ - ۳۸۱
۶۷۹ : ۶۸۳ - ۷۱۸	ارسلان آقا سفير سلطان مراد خان



اسمعیل بیگ پسر علی مردان ۴۸۷	اسحق بیگ دیوان .. .. ۱۰۴
اسد بیگ درمان ۵۴۹ - ۵۵۱ - ۵۵۲	میر اسحق ولد اعظم خان ۱۳۷ -
اسدالله ولد شیرخواجه ۶۷۹ - ۷۳۸	۶۴۰ - ۶۰۶ - ۱۳۸
اسفندیار ولد حسن بیگ شیخ عمری ۷۲۹	اسمعیل بیگ .. ... ۱۴۱
اسدالله ولد رحمت خان .. ۷۴۶	اسحق بیگ یزدی حقیقت خان
اسمعیل بیگ زیگ .. .. ۷۵۲	۱۴۲ - ۱۹۸ - ۳۳۶ - ۳۸۷
میر اشرف پسر اسلام خان .. ۴۳۰	۱۹۹ - ۶۲۷ - ۷۲۸
اصالت خان ۲۱ - ۱۰۲ - ۱۱۲ - ۱۵۳	میر اسمعیل پیر هزارجات ۱۵۰ - ۶۰۲
۱۶۱ - ۱۷۰ - ۱۷۴ - ۱۷۶ - ۱۹۲ -	اسحق بیگ خویش یادگار حسین خان
۱۹۳ - ۲۱۶ - ۲۲۵ - ۲۳۰ - ۲۴۰ -	۱۵۶ - ۷۴۳
۲۴۱ - ۲۴۷ - ۲۶۱ - ۲۶۳ - ۲۶۸ -	اسمعیل موت زمیندار ملتان ۲۳۳
۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ -	اسلام خواجه شیخ اسلام بخارا ۲۵۶
۲۷۸ - ۲۹۱ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۰ -	اسفندیار خان ۳۰۲ - ۴۳۵ - ۶۷۹ - ۷۴۵
۳۱۸ - ۳۷۳ - ۳۷۵ - ۳۸۵ - ۴۱۶ -	اسمعیل خواجه .. .. ۳۳۷
۴۵۱ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ -	اسحق بیگ بخشی ۴۰۱ - ۴۵۷ -
۴۶۰ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۷۰ - ۴۷۱ -	۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۶ - ۵۳۴ -
۴۷۲ - ۴۷۸ - ۴۸۵ - ۴۸۸ - ۵۰۹ -	۵۳۵ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۶۱۶ -
۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۲۶ -	اسد بیگ اند جانی .. .. ۴۵۰
۵۲۹ - ۵۳۶ - ۵۳۹ - ۵۴۸ - ۵۴۹ -	اسمعیل اتائی .. .. ۴۶۲
۵۵۰ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۸ - ۵۶۰ -	اسدالله برادر دیندار خان .. ۴۶۸

آقا افضل ٩٢-٢١٧-٢٣٠-٢٨٥-٧٣١	٥٦١ ٥٦٣-٥٦٨-٥٧٧-٥٧٨
میر افضل رضوي .. .. ٣٧٦	٥٧٩-٥٨٥-٦٠٣-٦٢٠-٦٢١
افلاطون بیگ .. .. ٥٦٥	٦٢٣-٦٣٧-٦٥٤-٦٥٦-٦٥٧
افتخارخان ولد احمد بیگ خان ٧٣٠	٦٧٦-٧٠٢-٧٠٨-٧٢٠
اقبال .. .. ٨٧	اعتماد الدوله پدر یمین الدوله ١٢٤-
اکبر بادشاه عرش آشیانی ٧-٢٤-	٢٥٩
٩٧-١٤٥-٢٢٠-٢٣٣-٢٨٦-	اعظم خان ١٣٧-١٦٤-٢١٧-٢٣٠-
٣٠٢-٣٣١-٣٤١-٣٥٣-٣٦٦-	٢٣١-٢٣٢-٢٩٠-٣٠٩-٣١٩-
٣٩٢-٥٥٣-٦٠٤-٧١٣	٣٣٣-٣٣٤-٣٤١-٣٤٩-٣٨٧-
اکبر قلبي سلطان ککهر ٢٤٠-٢٦٤-	٣٩٨-٤٠٥-٤٠٩-٤٢٥-٤٢٦-
٢٦٦-٢٩٣-٧٢٩	٤٦٩-٤٧٦-٥٠٠-٦٠٥-٦٠٦-
اکرام خان ولد اسلام خان ٣٤٢-	٧١٨
٥٩٤-٧٢٧	اعتقادخان ٣٢٢-٣٣٢-٣٥٧-٣٥٨-
اکرام خان نبیرگ شیخ سلیم ٤٠٧	٣٥٩-٣٦٠-٤٠٨-٥٨٣-٦٢٤-
الله وردی خان ٨-٢٢-٩١-١١١-	٧١٩
١١٢-١٥٤-١٥٨-١٨١-٢١٥-	میر اعظم کاشغری .. .. ٧٤٩
٢١٨-٢٤٢-٢٤٧-٢٦٨-٢٦٩-	علامہ افضل خان ٩-١٠-٢١-
٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٩٣-٢٩٤-	٩١-١٠٢-١١١-١١٣-١١٧-
٣٠٨-٣٦٢-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٧-	١٢٧-١٣١-١٣٢-١٨٤-١٨٥-
٦٢١-٧٠٣-٧٢٠	٧١٨-٧٥٥

۷۵ .. .. . امیرہ ساسان	۷۵ - ۷۷ - ۸۱ - ۸۷ -
۹۵ امیر بیگ ملازم عالی مردان خان	۸۸ - ۹۰ - ۱۵۱ - ۱۴۳۲ - ۷۲۳
۹۶ .. .. . امیر بیگ ( دیگر )	۹۲ .. .. . سید آله داد
۱۱۶ .. .. . امینا داروغہ	۱۵۷ - ۲۳۹ - ۲۴۱ -
امام قلی خان والی توران ۱۵۲ -	۳۱۷ - ۷۲۵
۱۹۲ - ۱۹۳ - ۲۰۵ - ۲۱۳ - ۲۵۱ -	اللہ قلی ولد یلنگنوش ۲۰۶ - ۲۱۲ -
۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ -	۲۱۳ - ۲۱۶ - ۲۱۹ - ۲۳۰ - ۲۸۱ -
۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۷۹ - ۳۸۹ - ۳۹۰ -	۳۰۲ - ۳۳۶ - ۳۳۹ - ۷۳۱ -
۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۸ - ۳۴۰ - ۳۴۱ -	شیخ الہدیہ ولد کشور خان ۳۴۴ -
۳۳۳ - ۳۴۶ - ۳۵۶ - ۳۶۲ - ۵۸۰ -	۳۷۹ - ۴۱۱ - ۴۸۴ -
راجہ امر سنگھ نیپرہ راجہ رام داس	اللہ دوست کاشغری ۳۴۹ - ۴۸۶ - ۷۴۸ -
نروری ۱۷۴ - ۲۳۵ - ۲۳۹ -	اللہ وردی پسر حاجی محمد اذالیق
۲۴۱ - ۲۶۸ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۸۴ -	سبحان قلی .. .. . ۶۲۳
۷۳۴	اللہ یار بیگ پسر اورازپے .. ۶۶۷
امیر بیگ برادر آقا افضل .. ۲۱۷	امانت خان برادر افضل خان ۸ -
امیر خان ولد قاسم خان نمکین ۲۳۴ -	۱۳۲ - ۱۳۳ - ۷۳۷ -
۳۰۲	راو امر سنگھ ولد راجہ گج سنگھ -
امان بیگ حارس قلعه قندھار ۲۹۰ -	۳۷ - ۹۷ - ۱۴۵ - ۲۲۸ - ۲۴۰ -
۴۱۷ - ۷۲۹	۲۸۵ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۰ - ۳۸۰ -
رانا امر سنگھ .. .. . ۳۴۵	۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۷۲۱ -

اوتنم نراين .. .. ۸۲	امي شاعر .. .. ۵۷۸ - ۳۶۱
راجه اوديسنگهه پسر راجه سورجسنگهه	امام قنچاق چورا غاسي .. ۴۵۴
۹۸ - ۹۷	امام وردی پسر جمشید بیگ ۵۰۶
اوزیک خواجه ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۵	راجه امرسنگهه راجاوت ۵۴۹ - ۶۳۳
۱۹۶ - ۱۹۸ - ۲۰۱ - ۲۰۵ - ۲۵۱	سید امجد .. .. ۷۴۸ - ۵۷۸
۲۵۴ - ۴۴۴	امان بیگ شقاوول ریش سفید
اوزیک خان .. ۳۰۲ - ۴۱۷ - ۷۲۶	قنچاق خان ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲
اورازبے ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۴	۶۲۳ - ۶۷۲ - ۶۸۰ - ۷۲۷
۵۵۵ - ۴۵۶ - ۵۴۳ - ۵۴۹ - ۵۸۰	امیر خان صوبه دار قنده ۶۴۱ - ۷۲۳
اوداجي رام دکنی .. .. ۷۲۴	امان یساول .. .. ۶۵۵
راجه اودیبهان .. .. ۷۴۲	راجه امرسنگهه کچواھ ۶۷۲
اوگر سین ولد ستر سال کچھواھ ۷۴۵	امام قلبي تر کمان .. .. ۷۴۲
اوگر سین نبیر راجه مانسنگهه کچھواھ	امیر بیگ ولد شاه بیگ خان ۷۵۰
۷۵۰	راجه انوب سنگه .. .. ۴
اهتمام خان ۲۰۶ - ۲۳۰ - ۴۸۵ - ۵۲۳	انروده پسر کلان راجه بیتله داس ۹ -
۵۶۵ - ۷۲۶	۱۵۸ - ۴۸۰ - ۷۳۰
ایندر بهان .. .. ۴۳	انور پسر صلاح خان .. .. ۹۱
ایندر بیگ ملازم علي مردان خان	اندر سال هاد ۲۲۶ - ۴۸۴ - ۶۷۲ - ۷۴۰
۹۷ - ۱۰۰	اوگر سین کچھواھ ۴۳ - ۴۸۴ - ۵۶۵ -
ایسر داس ملازم رانا جگت سنگه ۱۳۰	۶۴۲ - ۷۳۹

آخته چي .. .. . ۶۱۶	ايلانچق .. .. . ۴۶۲
آلچہ .. .. . ۶۱۶	ايرج ولد قزلباش خان .. ۷۴۹
آب درہ .. .. . ۵۱۲ - ۶۶۹ - ۶۷۰	* مواضع *
اتورا .. .. . ۳۳۰	ملك آشام ۶۸ - ۷۰ - ۷۳ - ۷۴ -
اتوس .. .. . ۳۳۰	۸۰ - ۸۶ - ۸۹ - ۱۲۰
اتک .. .. . ۱۲۶ - ۱۴۸۶	باغ آهوخانه ۱۴۷ - ۱۵۰ - ۵۸۶ - ۵۹۰
اجمير دارالسعادت ۹ - ۳۴۳ - ۳۴۴ -	آصف آباد معروف به مچهي بهون -
۳۴۶ - ۴۰۸ - ۷۱۰ - ۷۱۴	۲۰۸ - ۲۰۹ - ۴۲۸
احمد آباد ۱۲۱ - ۲۳۰ - ۲۳۱ -	آزو .. .. . ۲۴۹
۲۳۲ - ۲۸۶ - ۳۵۲ - ۳۷۸ - ۴۷۵ -	آهن ۲۵۶ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۳۱۷ - ۳۱۸ -
۴۹۱ - ۶۷۸ - ۷۱۱ - ۷۱۴ - ۷۵۳	آگاه پور .. .. . ۳۵۴
اختيار پور .. .. . ۱۱۴	آسير .. .. . ۳۷۷
ادھر .. .. . ۲۱۲	آقسو .. .. . ۴۴۵ - ۴۴۶
آذر بيجان .. .. . ۱۵	آقچه ۴۵۲ - ۵۶۵ - ۶۴۳ - ۶۸۶ -
استنبول .. .. . ۱۷ - ۱۹۰	۶۹۳ - ۶۹۶ - ۷۲۹ - ۷۳۰
اسلام آباد ۱۱۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ -	آهنگران .. .. . ۴۶۲
۱۹۳ - ۲۴۴ - ۲۴۷ - ۲۶۸ - ۳۰۴ -	آق رباط .. .. . ۵۲۱ - ۶۷۱
۳۰۷	آق سراي .. .. . ۵۳۳ - ۵۷۹
استايف .. .. . ۵۸۲ - ۵۸۳	آستانہ امام .. ۵۳۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷
استراباد .. .. . ۶۶۲	آستانہ علويه .. ۵۶۵ - ۶۱۶ - ۶۹۵

استاق .. .. . ۷۰۲	امزوهه .. .. . ۴۳
اشککش .. .. . ۶۵۰	امناباد .. .. . ۴۱۵۰
دار الخلافه اکبر آباد ۸ - ۹ - ۱۰ -	پرگنه اندري .. .. . ۱۱۴۰
۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴	انباله .. .. . ۱۱۵ - ۴۱۹ - ۴۱۲
۹۳ - ۱۰۳ - ۱۱۰ - ۱۲۴ - ۱۳۰	اندجان .. .. . ۴۳۷ - ۴۳۹
۱۳۶ - ۱۴۶ - ۲۱۵ - ۲۲۲ - ۲۳۰	اندخود ۴۳۹ - ۴۵۲ - ۵۵۰ - ۵۵۲
۲۴۱ - ۲۸۲ - ۲۸۵ - ۳۰۲ - ۳۱۷	۵۵۳ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۵
۳۲۰ - ۳۳۰ - ۳۳۳ - ۳۳۹ - ۳۴۳	۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۵ - ۵۷۶
۳۴۳ - ۳۴۹ - ۳۴۸ - ۳۴۴	۶۰۱ - ۶۰۵ - ۶۱۷ - ۶۲۰ - ۶۲۱
۳۵۵ - ۳۶۲ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۶	۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۸ - ۷۰۲ - ۷۰۸
۳۷۵ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۷ - ۴۰۸	اندراب ۴۵۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴
۴۱۵ - ۴۱۸ - ۴۲۷ - ۴۹۱ - ۵۰۳	۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۸۲ - ۵۱۶ - ۵۶۵
۵۱۰ - ۶۰۳ - ۶۰۶ - ۶۱۰ - ۶۱۳	اوديسه ۱۱ - ۱۸۳ - ۲۳۶ - ۲۸۳
۶۲۹ - ۶۸۱ - ۶۸۵ - ۷۱۰ - ۷۱۴	۳۰۵ - ۴۷۳ - ۷۱۷
۷۵۶ - ۷۱۹	اوترکول .. .. . ۷۸ - ۸۲ - ۸۶
۸۷ .. .. .	صوبه اوده .. .. . ۱۶۴ - ۷۱۱
۹۰۸ - ۱۷۷ - ۱۶۵	اوندچه .. .. . ۱۹۳
۳۳۲ - ۳۰۷ - ۱۶۲	اوسه .. .. . ۲۰۶
۳۷۵ - ۳۷۸ - ۳۸۹ - ۴۲۴ - ۶۱۲	اوهالي .. .. . ۳۳۰
۷۱۱ - ۷۲۰	اونچا .. .. . ۳۳۰

ایرج .. .. ۳۰۷ - ۳۱۹	اوشرا .. .. ۳۳۰
ایلچپور .. .. ۳۸۷	اورگنچ ۴۳۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۵۷۰
ایپک .. ۵۲۵ - ۵۶۵ - ۶۱۴ - ۶۶۹	اورانپہ .. ۴۴۶ - ۴۴۷
ایواج .. .. ۷۰۷	اورتہ باغ .. ۵۰۹ - ۵۸۶ - ۵۹۰
* قلعہ *	اودگر ... .. ۶۴۱
حصار آسیر .. .. ۲۰۸ - ۳۸۸	ایران ۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۲۵ - ۲۶
قلعہ احمد نگر .. ۱۷۶ - ۷۱۲	۲۷ - ۲۹ - ۳۲ - ۳۶ - ۳۹ - ۶۳
قلعہ اسرا .. .. ۲۸۷	۹۳ - ۱۰۳ - ۱۱۴ - ۱۱۷ - ۱۲۳
قلعہ اکبر آباد .. ۱۱۰ - ۴۰۷	۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۵۶
قلعہ اکبر نگر .. .. ۱۷۷	۱۷۱ - ۱۷۶ - ۱۸۴ - ۱۸۶ - ۱۸۸
قلعہ اولنگ .. .. ۶۲	۲۱۱ - ۲۱۴ - ۲۹۱ - ۲۹۵ - ۲۹۷
قلعہ اوسہ .. .. ۲۲۱ - ۷۰۹	۲۹۹ - ۳۰۸ - ۳۵۲ - ۳۶۱ - ۳۶۲
قلعہ ایروان .. .. ۲۹۸ - ۹۳	۳۶۸ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۱۲ - ۴۱۳
* بحار *	۴۳۲ - ۴۵۴ - ۴۵۶ - ۴۹۲ - ۵۰۴
تالاب آنا ساگر .. .. ۳۴۶	۵۰۶ - ۵۲۹ - ۵۷۲ - ۵۷۶ - ۵۷۷
آب آرمویہ ۴۵۲ - ۴۵۴ - ۵۱۶ -	۶۰۴ - ۶۲۱ - ۶۳۰ - ۶۳۷ - ۶۵۸
۵۲۶ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۶۸۶	۶۵۹ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۹۸ - ۷۵۶
دریاے اتک .. .. ۱۴۴	ایروان ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۴۹
آب اچھول .. .. ۲۰۹ - ۲۱۰	۶۰ - ۱۱۴
آب ارغنداب .. .. ۴۵	ایچہ .. .. ۲۰۹ - ۴۲۸ - ۴۳۳

باي محمد ايشک .. ۵۵۱ - ۶۲۳

باقي محمد خان .. .. ۵۸۲

بايم قنچاق .. .. ۶۴۶

سيد باقر ولد سيد مصطفی خان ۷۴۲

باگه ولد شير خان تونور .. ۷۴۶

بختيار خان فوجدار لکهي جنگل ۱۲۲

۷۲۸ - ۶۸۵ - ۳۲۱ - ۲۴۹

شيخ بدرالدين .. .. ۱۰۲

خواجه بدخشي .. .. ۶۱۰

راو بدن سنگه ۳۴۸ - ۳۵۱ - ۷۳۲

بديع الزمان ولد آقا ملا .. .. ۷۵۱

مير برکه ۱۸۴ - ۲۲۹ - ۲۵۱ - ۲۸۰

۷۳۷ - ۳۱۱

برات حافظ .. .. ۴۵۶

خواجه بر خورد ارد اساد مهابت خان ۷۳۵

مير بزرگ .. .. ۲۳۹ - ۲۷۳

خواجه بزرگ ملازم محمد شاه شجاع

۳۵۳

بسررام .. .. ۵

بسبتي زميندار .. .. ۷۵

\* حرف باء - کسان \*

سيد باقر بخاري ۴۸ - ۵۶۶ - ۵۸۵ - ۷۴۰

خواجه باقي .. .. ۱۹۶ - ۵۸

باقي خان ۱۱۵ - ۱۳۶ - ۱۹۳ - ۱۹۴

۳۴۷ - ۴۰۷ - ۵۱۰ - ۶۱۰ - ۷۲۶

بابر شاه فردوس مکاني ۱۳۹ - ۱۴۹

۱۶۱ - ۵۱۰ - ۵۸۵ - ۵۸۷ - ۵۸۸

۵۸۹ - ۶۷۸ - ۷۰۳

بابوے خوشگي ۱۸۱ - ۲۴۰ - ۷۴۲

بالچي پسرچاندا زميندار گوند وانه ۱۹۷

باقي بيگ ۲۲۵ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۳۲

۶۱۲ - ۷۳۶

باقي يوز ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۴۳۶ - ۴۳۸

۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴

۴۴۷

راجه باسو .. ۲۶۳ - ۲۸۶ - ۲۸۷

بالتون نيومان پروانچي ۵۳۵ - ۵۶۲

۵۸۰ - ۶۰۸ - ۶۱۰ - ۶۳۶

باقي بيگ ديوان بيگي نذر محمد خان

۵۳۵



( ۱۰۳ )

بہادر خان روهله ۳۸ - ۵۲ - ۱۴۴ -	بسبي .. .. ۸۱
۱۹۴ - ۲۲۱ - ۲۴۷ - ۲۶۸ - ۲۷۰ -	بسوتن نبيدرو شيخ ابو الفضل ۷۴۸
۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ -	خواجہ بقا خواهرزادہ محمد صادق
۲۷۶ - ۲۷۸ - ۲۹۱ - ۲۹۳ - ۲۹۴ -	۶۰۹
۳۱۰ - ۳۱۶ - ۳۲۴ - ۳۵۷ - ۳۶۱ -	بکرماجيت پسر راجہ مان ۶ - ۶۰۷
۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۸ -	بکتاش خان حاکم بغداد ۱۸۶ - ۱۸۸ -
۵۰۳ - ۵۰۸ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۳۹ -	۱۸۹ - ۱۹۰
۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۳ - ۵۵۴ -	بلاس پسر تان سدين .. .. ۵
۵۵۸ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۴ - ۵۶۸ -	بلديو برادر پير پچھت ۶۷ - ۷۰ - ۷۱ -
۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۵ - ۶۰۳ - ۶۱۳ -	۷۷ - ۸۰ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ -
۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۳ -	۸۵ - ۸۶ - ۸۹
۶۳۷ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ -	سیدبلي برادر سيد دلير خان ۱۳۱ -
۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۶۶ - ۶۷۱ - ۶۷۶ -	۲۲۲
۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ -	بلوي راتهور .. .. ۳۸۳
۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۵ - ۶۹۶ -	بلند اختر پسر محمد شاه شجاع ۴۳۵
۷۰۲ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۹ -	بلوي چوہان ۴۸۵ - ۵۵۰ - ۵۵۴ -
پهلوان بهاء الدين .. .. ۴۴	۶۸۴ - ۷۴۷
بہادر بيگ .. .. ۵۲ - ۷۴۰ -	بلرام وکیل رانا جگت سنگھ .. ۶۲۵
بهرجي زميندار ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ -	بلرام هادا .. .. ۶۷۲
۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۴۱ - ۷۲۳ -	سلطان بہادر گجراتي .. .. ۷

بهرام ولد صادق خان ۱۱۵ - ۵۰۰ - ۵۰۰	سید بهادر ۴۹۲ - ۶۰۵ - ۶۳۷
۶۳۹ - ۷۴۴	۶۷۹ - ۷۱۳
بهمنیار ولد یمن الدوله ۱۱۶ - ۲۳۰	بهوجراج کهنکار .. .. ۵۹۵
۲۸۰ - ۳۸۶ - ۴۳۱ - ۶۸۲ - ۷۲۸	رای بهاریمیل دیوان .. ۶۳۵ - ۷۳۷
بهوج ولد بهارا زمیندار کچه ۱۲۹	بهادر بیگ عرب .. ۶۵۳ - ۷۵۱
بهاریمیل .. .. ۱۴۳ - ۲۷۹	بهلول برادر شمشیر خان .. ۶۵۵
بهرام ولد علیمردان خان .. ۱۹۲	بهیم راتهور .. .. ۷۳۰
بهوجراج ولد رای سال درباری ۲۰۱	بهگون داس ولد راجه نرسنگه دیویندیله
بهرام حاکم شهر سبز .. .. ۲۵۵	۷۳۴
بهویت پسر سنکرام ۳۷۰ - ۳۷۱	سید بهکر برادر زاده مرتضی خان
بهرام خان پسر جهانگیر قلی ۴۰۶ - ۷۳۳	بخاری ۷۳۹
بهرام پسر نذر محمد خان ۴۳۹ -	بهادر بابی .. .. ۷۴۰
۴۳۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۴	راجه بهروز ولد راجه روزافزون ۴۸۵ - ۷۴۲
۴۵۵ - ۴۵۷ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۴۱ -	بهوجراج کچهواغه .. .. ۷۴۲
۵۶۱ - ۵۷۳ - ۵۷۵ - ۵۸۰ - ۵۸۱ -	سید بهادر ولد سید بهلا بخشان ۷۵۱
۵۸۵ - ۶۰۱ - ۶۰۸ - ۶۰۹	راجه بیتله داس ۸ - ۱۱۰ - ۱۴۶ -
بهاو سنگه پسر راجه جگت سنگه	۱۴۷ - ۱۵۶ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۴۱ -
۴۶۴ - ۴۶۵ - ۵۷۸	۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۳۱ - ۳۳۴ - ۳۴۱ -
بهوجراج دکنی .. ۴۸۶ - ۷۳۵	۳۴۷ - ۳۸۹ - ۳۹۸ - ۴۰۴ -
بهادر کنبو .. .. ۴۹۰ - ۷۴۷	۴۰۵ - ۴۷۹ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۵۰۳ -

۶۷۱ - ۶۷۰ - ۶۶۹ - ۵۲۳ - ۵۲۲ پاجگا	- ۵۶۱ - ۵۴۰ - ۵۱۴ - ۵۱۳ - ۵۰۸
۵۳۹ .. .. . باغ مراد	۷۲۰ - ۶۴۱ - ۶۰۹ - ۵۷۹ - ۵۷۸
۵۶۵ .. .. . بابا شاهو	۴۴ .. .. . بیروم علي خان
۵۸۲ .. .. . باغ میر یحیی	- ۲۵۵ - ۲۵۴ بیگ اوغلي کنکس
۷۰۱ .. .. . باندرك	- ۴۴۸ - ۴۴۶ - ۴۴۲ - ۴۴۱ - ۴۳۹
۵۱ .. .. . بتخاک	- ۶۵۷ - ۵۴۳ - ۴۵۶ - ۴۵۱ - ۴۴۹
۳۳۰ .. .. . بجپوري	- ۶۹۳ - ۶۸۹ - ۶۸۶ - ۶۷۶ - ۶۶۸
۰ ۱۹۹ - ۱۳۹ - ۱۱۷ - ۹۲ - ۴۳ بنخارا	۷۰۵ - ۷۰۱ - ۶۹۷ - ۶۹۴
- ۲۵۶ - ۲۵۵ - ۲۵۳ - ۲۵۱ - ۲۰۵	۷۴۹ - ۴۰۸ .. .. . بیني داس
- ۴۴۰ - ۴۳۸ - ۴۳۷ - ۴۳۶ - ۴۳۵	۷۴۱ .. .. . بېدل خان گیلاني
- ۴۴۷ - ۴۴۶ - ۴۴۴ - ۴۴۳ - ۴۴۱	* مواضع *
- ۵۲۹ - ۴۵۴ - ۳۵۲ - ۴۴۹ - ۴۴۸	- ۳۴۸ - ۳۴۷ - ۲۶۶ - ۱۰۶ - ۹ باري
- ۶۰۲ - ۵۵۲ - ۵۴۴ - ۵۴۳ - ۵۴۱	۴۰۳ - ۴۰۲ - ۳۵۹
۶۶۳ - ۶۶۶ - ۶۱۹	۴۳ .. .. . بارهه
۸۳ - ۸۲ - ۶۷ .. .. . بدهه نگر	۴۱۹ - ۱۹۰ .. .. . باره موله
- ۴۱۶ - ۴۱۵ - ۳۵۴ - ۱۳۰ بدخشان	۷۰۶ - ۲۹۰ - ۲۱۷ - ۱۹۱ بالاگهات
- ۴۵۷ - ۴۵۶ - ۴۵۲ - ۴۳۶ - ۴۲۴	۴۵۵ - ۴۵۴ - ۲۵۴ .. .. . بایسون
- ۴۷۲ - ۴۶۳ - ۴۶۱ - ۴۶۰ - ۴۵۹	۳۵۸ .. .. . باولي چيون
- ۵۰۶ - ۵۰۰ - ۴۸۷ - ۴۸۲ - ۴۷۸	۵۲۱ - ۴۵۹ - ۴۰۱ .. .. . باميان
- ۵۱۶ - ۵۱۵ - ۵۱۴ - ۵۱۳ - ۵۱۲	۵۱۴ .. .. . بازارک

۷۵۶ - ۶۰۶	- ۵۵۲ - ۵۴۳ - ۵۴۲ - ۵۳۲ - ۵۲۹
بغداد ۱۶ - ۱۹ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷	- ۵۶۳ - ۵۶۲ - ۵۶۱ - ۵۶۰ - ۵۵۹
۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۸	- ۵۷۸ - ۵۷۵ - ۵۶۷ - ۵۶۶ - ۵۶۴
۷۵۶ - ۴۳۲	- ۵۹۶ - ۵۹۵ - ۵۹۰ - ۵۸۹ - ۵۷۹
بکھولا .. .. . ۱۱۱	- ۶۱۳ - ۶۱۲ - ۶۰۲ - ۶۰۰ - ۵۹۸
بکروالا .. .. . ۱۱۳	- ۶۳۷ - ۶۳۴ - ۶۳۳ - ۶۲۷ - ۶۲۴
بکرامی ۱۴۷ - ۵۹۴ - ۶۰۲ - ۶۰۳	- ۶۶۹ - ۶۶۸ - ۶۴۵ - ۶۴۴ - ۶۴۲
ولایت بگلانه ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸	- ۷۰۳ - ۷۰۲ - ۶۸۵ - ۶۸۳ - ۶۷۰
۱۰۹ - ۳۷۹ - ۶۲۴ - ۷۱۱ - ۷۱۲	- ۷۱۲ - ۷۱۱ - ۷۱۰ - ۷۰۷
بلخ ۱۳ - ۹۲ - ۱۰۰ - ۱۱۶ - ۱۲۳	- ۲۱۰ - ۱۹۷ - ۱۸۰ - ۹۸ - برهانپور
۱۲۹ - ۱۳۵ - ۱۳۹ - ۱۴۳ - ۱۵۲	- ۷۰۶ - ۶۰۷ - ۳۸۹ - ۳۷۳ - ۳۷۲
۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۶۸ - ۱۸۱ - ۲۱۰	- ۷۱۲ - ۷۱۰ - ۳۸۷ - ۳۰۸ - صوبہ برار
۲۱۱ - ۲۱۶ - ۲۲۷ - ۲۳۵ - ۲۵۳	- ۶۸۰ - ۳۰۹ - .. .. . - جرودہ
۳۰۳ - ۳۱۶ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷	- ۷۹ - .. .. . - دسنہ
۴۳۸ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۳ - ۴۴۵	- ۷۱۴ - ۱۷۲ - ۱۷۰ - ۱۲۱ - ولایت بست
۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰	- ۳۳۰ - .. .. . - بسہی بزرگ
۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵	- ۴۰۷ - ۳۴۹ - .. .. . - بستان سرا
۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۳	- ۶۶۲ - ۶۵۹ - .. .. . - بسطام
۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۷ - ۴۹۲ - ۵۰۰	- ۸۷ - ۸۵ - ۸۴ - ۸۳ - بش پور
۵۰۶ - ۵۱۵ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲	- ۳۹۰ - ۳۶۸ - ۲۴۵ - ۲۴۴ - ۱۸۷ - بصرہ

- ۷۰۵- ۷۰۳- ۷۰۲- ۷۰۱- ۷۰۰	- ۵۳۲- ۵۳۰- ۵۲۹- ۵۲۷- ۵۲۵
- ۷۱۱- ۷۰۹- ۷۰۸- ۷۰۷- ۷۰۶	- ۵۳۸- ۵۳۷- ۵۳۵- ۵۳۴- ۵۳۳
۷۲۰ - ۷۱۲	- ۵۴۴- ۵۴۳- ۵۴۲- ۵۴۱- ۵۳۹
موضع بلي .. .. .	- ۵۵۲- ۵۴۹- ۵۴۸- ۵۴۷- ۵۴۵
بذکالہ ۶۴ - ۶۸ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۵	- ۵۵۹- ۵۵۸- ۵۵۷- ۵۵۵- ۵۵۴
- ۸۰ - ۹۰ - ۹۴ - ۱۱۹ - ۱۲۰	- ۵۶۴- ۵۶۳- ۵۶۲- ۵۶۱- ۵۶۰
- ۱۳۰- ۱۳۷- ۱۳۸- ۱۵۰- ۱۶۴	- ۵۷۵- ۵۷۴- ۵۷۳- ۵۷۲- ۵۶۸
- ۱۶۷- ۱۷۸- ۱۸۲- ۱۹۹- ۲۳۳	- ۵۸۴- ۵۸۲- ۵۸۱- ۵۷۹- ۵۷۸
- ۲۸۵- ۳۳۵- ۳۴۰- ۳۵۴- ۳۹۸	- ۵۹۵- ۵۹۴- ۵۹۰- ۵۸۹- ۵۸۵
- ۴۱۳- ۴۲۶- ۴۳۲- ۵۸۳- ۶۰۶	- ۶۰۲- ۶۰۱- ۶۰۰- ۵۹۸- ۵۹۶
۶۳۶ - ۷۱۱ - ۷۲۱	- ۶۱۰- ۶۰۹- ۶۰۸- ۶۰۵- ۶۰۳
بنارس .. .. . ۳۴۲	- ۶۱۵- ۶۱۴- ۶۱۳- ۶۱۲- ۶۱۱
بورگ .. .. . ۱۵۹	- ۶۲۰- ۶۱۹- ۶۱۸- ۶۱۷- ۶۱۶
بوریه .. .. . ۳۱۹	- ۶۲۵- ۶۲۴- ۶۲۳- ۶۲۲- ۶۲۱
بودھانہ .. .. . ۴۳۰	- ۶۳۳- ۶۳۲- ۶۲۸- ۶۲۷- ۶۲۶
بویہ .. .. . ۶۴۳ - ۶۲۴	- ۶۴۲- ۶۴۱- ۶۳۸- ۶۳۷- ۶۳۴
بونې قرارا .. .. . ۶۷۲	- ۶۶۶- ۶۵۷- ۶۵۶- ۶۵۴- ۶۴۳
بھکر ۴۲ - ۱۲۲ - ۱۲۸ - ۱۳۱ - ۲۱۷	- ۶۷۳- ۶۷۱- ۶۷۰- ۶۶۹- ۶۶۸
۲۲۱ - ۲۲۷ - ۷۲۵	- ۶۸۳- ۶۸۰- ۶۷۷- ۶۷۶- ۶۷۵
صوتک بہار ۶۵ - ۱۰۱ - ۱۶۹ - ۲۵۹	- ۶۹۵- ۶۹۲- ۶۸۸- ۶۸۷- ۶۸۶

بیرم کله .. .. ۴۶۹ - ۲۱۲	۳۳۲ - ۳۵۷ - ۳۷۴ - ۳۸۰ - ۶۰۵
بیگانیر .. .. ۳۸۲	۷۱۱ - ۷۵۵
بیج برازه .. ۴۳۳ - ۴۲۸ - ۲۰۸	۶۹ .. .. .
بیانه .. .. ۴۳۱	۷۰ .. .. .
بیر .. .. ۵۱۱	۱۱۷ .. .. .
بیلچراغ .. ۶۶۷ - ۶۶۶	۱۲۰ - ۱۱۹ - ۱۱۸ .. ..
* قلع *	بهیله ۱۶۱ - ۱۸۱ - ۱۹۷ - ۲۰۵
قلعه باندھو رام چند بگهله .. ۷	۲۱۳ - ۲۱۴ - ۳۱۸ - ۴۶۳
حصن باوزه .. .. ۱۰۶	۱۸۰ .. .. .
حصارباري .. .. ۱۰۷ - ۱۰۶	۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۲۰۶
حصاربايسون .. .. ۴۵۴	۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰
قلعه بست ۳۱ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۲	۲۳۱ .. .. .
۵۳ - ۵۴ - ۵۷ - ۶۰ - ۶۱	۲۳۱ .. .. .
۶۲ - ۶۳ - ۱۷۱ - ۳۰۱ - ۳۷۹	۲۶۱ - ۲۴۰ .. .. .
۷۰۹ - ۷۲۲	۳۰۷ .. .. .
قلعه بغداد .. .. ۱۹۰ - ۱۸۸	۳۸۰ .. .. .
قلعه بلخ ۴۰ - ۵۳۱ - ۵۳۷ - ۵۳۹	۱۵۳ .. .. .
۵۴۷ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۶۸۶	۱۶۶ - ۱۸۰ - ۳۳۶ - ۳۵۲
قلعه بيد زيرك .. .. ۶۲	۳۷۴ - ۴۹۱
* بحار *	۱۷۲ .. .. .

سلطان پرويز ۲۴۵ - ۳۳۷ - ۳۸۸	تالاب باري .. .. ۹
پرتاب ولد بلبهدر چيرو ۲۴۸ - ۲۵۰ -	درياء بزم پتر ۶۴ - ۶۵ - ۷۰ - ۷۷
۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱	۷۸ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۹
پرتھي چند زميندار چنبه ۲۷۳ - ۲۷۴ -	بلخاب .. .. ۶۹۶ - ۶۹۹
۲۷۶ - ۳۰۱ - ۶۳۴ - ۷۳۶	دريائي بهت ۱۴۳ - ۱۶۱ - ۱۹۱
پرتھي راج راتھور ۳۷۲ - ۳۷۷ - ۴۱۷ -	۴۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۸ - ۲۱۴ - ۴۲۸
۵۱۰ - ۶۱۱ - ۶۲۸ - ۷۲۶	۵۰۲ - ۶۰۵ - ۶۰۸
پرتاب زميندار پلامون .. .. ۳۷۴	آب پياہ .. .. ۱۲۲ - ۴۱۳
پرتھي سنگھ کچھواہہ ۴۸۴ - ۷۴۸	* حرف ۷ - کسان *
پرتھي راج ولد راجہ سارنگديو ۵۹۵	پاک نهاد بانو بيگم .. .. ۲۴۵
پرموجي بهونسلہ .. .. ۷۲۴	پاينده محمد سلطان .. .. ۵۷۹
پرتاب چورہ .. .. ۷۳۳	پتموجي دکني .. .. ۷۲۸
پرتاب سنگھ چوہان .. .. ۷۴۵	پردل خان ۱۳ - ۱۴۴ - ۱۴۸ - ۵۳
پلنگ حملہ .. .. ۶۷۹ - ۷۴۸	۵۴ - ۲۰۰ - ۳۰۶ - ۳۷۸ - ۳۷۹
پوانجان مگ .. .. ۱۱۸	۴۷۲ - ۴۸۱ - ۶۷۹ - ۷۲۲
راول پونجا سرزبان دوکر پور ۷۲۹	پريچھت ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸
راجہ پہار سنگھ بنديله ۲۸۴ - ۳۰۳ -	۷۵ - ۷۰
۳۰۴ - ۳۷۲ - ۴۰۶ - ۴۲۴ - ۴۷۹	پريچھت ( ديگر ) .. .. ۷۹
۴۸۵ - ۵۲۳ - ۵۶۴ - ۵۷۰ - ۶۵۴۰	پرتھي راج ولد جچھار ۱۳۶ - ۱۹۳ - ۱۹۴
۶۹۹ - ۷۲۲	پرم جي دولتمند پسر بهر جي ۱۴۲

پروان .. .. ۵۱۲ - ۴۶۲	پہاڑ سنگھہ رائہور .. .. ۳۸۳
پرغور .. .. ۵۱۴	پہاڑ نوحانی ۴۷۴ - ۴۸۴ - ۵۵۰ - ۵۶۵
پشاور ۱۴ - ۳۳ - ۳۸ - ۱۳۱ - ۱۴۶	۵۹۵ - ۷۴۲
۳۲۰ - ۴۰۱ - ۴۶۳ - ۴۷۹ - ۴۸۱	پہلوان درویش سرخ ۵۹۵ - ۶۵۷ - ۷۴۶
۴۸۶ - ۴۸۸ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴	پیدالہ (نام غلامی) .. .. ۱۷۱
۵۷۹ - ۶۰۴ - ۶۳۳ - ۶۴۰ - ۶۷۰	پدرکمال .. .. ۴۷۷ - ۴۷۸
۶۷۱ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۷۲۴	پدم چند نبیرے رائے منوہر ۴۸۴ -
پشائی .. .. ۶۹۳ - ۶۹۵	۶۷۹ - ۷۴۵
پکھلی .. .. ۱۴۹ - ۱۹۲	• مواضع *
پلاصون ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۳۵۶	پاندو ۷۷ - ۷۹ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۶
۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱	۸۸۰ - ۸۷
پلاس پوش .. .. ۵۳۵	پرگنہ پالم ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۴۱۰ - ۴۱۱
ملک پنہ .. .. ۷	پایان گھاٹ برار .. ۲۱۷ - ۷۰۶
پنجاب ۲۹ - ۳۸ - ۱۲۲ - ۱۶۳ - ۱۷۷	پانی پت .. .. ۴۱۱
۲۳۶ - ۲۷۹ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۳۱۷	پای منار .. ۵۰۳ - ۵۰۹ - ۵۱۹
۳۵۶ - ۳۶۹ - ۴۰۸ - ۴۱۴ - ۴۱۶	پتھولی .. .. ۳۳۰
۴۷۲ - ۴۸۹ - ۵۰۰ - ۶۱۱ - ۶۳۹	پتن گجرات .. .. ۷۲۱
پنوج ۱۷۹ - ۱۸۲ - ۱۴۳ - ۴۱۶ - ۴۱۸	پتہ ۱۱۰ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۶۹
۴۳۲	۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۳۵۷ - ۳۵۹
پنواری .. .. ۳۰۷	۳۶۰ - ۵۸۳



۷۲۵	پنجشیر ۴۵۱ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۶ -
ترکنازخان ۱۸۱ - ۲۹۳ - ۴۳۷ - ۴۸۵ -	۴۶۷ - ۵۶۴
۷۳۶ - ۶۱۷	پوشانه ۲۱۲ .. .. .
تورديعلي قطغان ۴۰۱ - ۴۰۴ - ۴۰۶ -	پوني قرا ۶۷۰ .. ...
۴۳۷ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۲ - ۴۵۴ -	پدر پنجال ۱۷۹ - ۲۱۲ - ۴۶۹
۴۵۷ - ۴۶۰ - ۴۶۸ - ۵۵۱ - ۵۵۲ -	پيتهان ۲۴۰ - ۲۶۱ - ۲۶۴ - ۲۶۸ - ۲۷۳ -
ترکباے قطغان ۶۴۶ .. .. .	* قلع *
تکه بیگ خویش یلنگتوش ۱۲۳ ..	حصن پاندو ۸۸ .. .. .
تلوکچند ۷۳۵ - ۴۸۴ .. .. .	قلعہ پلامون ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۳۵۹
راے تلوکچند سیکھاوت ۵۵۰ - ۵۹۵ -	حصن پیپول ۱۰۶ - ۱۰۸ .. .. .
۶۱۵	* بحار *
ملک تور اورک زئی ۱۳ .. .. .	دریائے پناہ ۶۷ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲
راجہ تودرمل ۱۲۲ .. .. .	آب پنجشیر ۴۶۱ .. .. .
تولک بیگ کاشغری ۱۲۸ - ۴۸۶ -	آب پومارا ۸۳ .. .. .
۷۴۳ - ۵۹۵	آب پھینی ۱۱۹ .. .. .
تودرمل افضل خانی ۲۰۶ .. .. .	* حرف قاء - کسان *
راے تودرمل ۲۳۶ - ۲۴۷ - ۳۱۹ -	قان سین کلانوت گوالیاری ۷ ..
۴۱۳ - ۴۷۳ - ۶۲۷ - ۷۲۸	تاج سروانی ۷۴۰ .. .. .
قاضی تولک اندجانی ۵۸۱ .. .. .	توریت خان ۱۰۲ - ۱۲۳ - ۱۳۵ - ۱۷۰ -
امیر تیمور صاحب قران ۶۲ - ۴۸۲ -	۱۸۳ - ۱۸۷ - ۱۹۳ - ۲۲۵ - ۲۸۲ -



توران ۲۳-۱۱۷-۱۵۲-۲۵۱-۳۰۹-	تیمور بیگ .. .. ۱۰۰
۳۴۹-۳۵۰-۳۶۲-۳۷۳-۳۹۰-	تیچ راء عم پرتاب ۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-
۴۱۳-۴۳۵-۵۰۴-۵۴۶-۵۴۷-	قاضي تیمور .. .. ۶۵۲
۵۵۷-۵۶۲-۶۲۶-۶۸۶-۷۰۳-	* مواضع *
توئم دره .. .. ۵۲۱	تارا گدده .. .. ۲۷۲-۳۱۸
تون .. .. ۵۷۶	تاشکند ۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۴۰-
تهنه .. .. ۲۱۲-۱۸۴	۴۴۱-۴۴۴
تهاري .. .. ۲۸۷-۲۷۳	تبریز .. .. ۱۶-۱۷
تهيري .. .. ۳۳۰	تبت .. .. ۶۹-۹۳-۹۸-۲۰۷
تهاره .. .. ۴۷۷	تبت خرد .. .. ۱۵۹
تیراه .. .. ۱۳	تنهه ۱۸۵-۱۸۷-۱۹۸-۲۲۵-۳۰۳-
تیمور اباد .. .. ۶۹۲-۶۸۸	۷۲۳-۷۱۱
* قلع *	توهت .. .. ۶۹-۳۲۱
قلعه تارا گدده ۲۳۸-۲۷۴-۲۷۷-	ترننگ .. .. ۱۰۶
۳۱۸-۴۹۰	قرکستان .. .. ۴۳۸
حصار ترمن .. ۵۴۵-۵۵۵-۶۴۳	ترمن ۴۵۰-۴۵۲-۴۵۵-۴۵۶-
قلعه تل .. .. ۶۲	۶۲۳-۷۰۲
قلعه تمران .. .. ۶۲	تکانه .. .. ۶۷۰
قلعه تمزان .. .. ۶۲	تلنگانه .. ۴-۲۱۷-۷۱۱-۷۱۲
قلعه تهاري .. .. ۲۶۸	تلوندي ۲۲۱-۲۸۱-۴۱۴-۶۳۴

●

۵۷۷ - ۶۱۷ - ۷۳۳	قلعہ نیرین .. .. . ۶۲
جھار سنگھ بندیلہ .. .. ۱۳۶	قلعہ نیزی بابا .. .. . ۶۲
جسونت سنگھ پسر راجہ گجسنگھ ۸ -	قلعہ نیزی .. .. . ۶۰۳
۹۷ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۵ - ۱۱۰ -	* خوف جیم - کسان *
۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۲۲ - ۱۲۸ - ۱۳۳ -	جان سپار خان ۲۱ - ۲۲ - ۳۷ - ۴۰ -
۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۶۲ - ۱۸۱ - ۲۲۷ -	۵۲ - ۱۴۹ - ۱۶۱ - ۱۸۱ - ۱۹۷ -
۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۲ - ۲۳۵ - ۲۴۶ -	۲۰۵ - ۲۱۴ - ۲۲۳ - ۲۲۶ - ۲۴۰ -
۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۳۵ - ۳۴۶ - ۴۰۷ -	۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۸ - ۳۳۴ - ۳۷۲ -
۴۲۵ - ۴۷۱ - ۵۰۱ - ۵۰۵ - ۵۰۶ -	۴۱۲ - ۷۲۶
۵۰۹ - ۵۷۸ - ۶۲۷ - ۷۱۹ -	جان نثار خان (ہدایت اللہ) فدائی خان
جسونت رائے .. .. . ۲۷۹	۳۵ - ۴۲ - ۵۴ - ۵۸ - ۱۲۲ - ۱۲۸ -
جسونت برادر مہدی داس ۶۸۴ - ۷۴۸	۱۳۱ - ۲۲۷ - ۲۲۹ - ۲۸۰ - ۲۹۳ -
جعفر خان ۱۰۲ - ۱۲۷ - ۱۳۲ - ۱۴۶	۲۹۴ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۵۱۱ - ۷۲۱ -
۱۴۷ - ۱۷۴ - ۱۷۶ - ۱۸۲ - ۱۹۱ -	جانی خان قورچی باشی .. ۴۹
۲۰۶ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۲۴ - ۲۳۵ -	جانباز خان .. ۱۲۹ - ۱۴۲ - ۷۳۰ -
۳۴۱ - ۳۹۸ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۶۹ -	جان نثار خان (یادگار بیگ) ۴۹۲
۴۷۰ - ۵۰۰ - ۶۰۸ - ۶۲۷ - ۶۸۱ -	۴۹۳ - ۴۹۹ - ۵۷۶ - ۶۶۲ - ۷۲۵ -
۷۲۰	جادون رائے دکنی .. .. ۷۲۴
جعفر ولد اللہ وردی خان ۱۱۱ -	جان نثار خان .. .. . ۷۲۸
۲۲۳ - ۴۱۳ - ۷۳۹	جبار قلی کھکر ۴۹ - ۴۸۶ - ۵۶۵ -

جگرم کچھواہ ۵۵۳ - ۴۹ - ۴۸۵ -

۵۵۰ - ۶۱۵ - ۶۴۳ - ۷۳۸

راجہ جگمن جادون .. ۶۷۸ - ۷۴۷

جگناتھہ راتھور .. .. ۷۴۲

سید جلال بخاری خلف سید محمد

گجراتی ۴ - ۱۱ - ۱۲۸ - ۱۳۴ -

۱۴۲ - ۱۴۴ - ۱۵۱ - ۱۵۵ - ۲۹۰ -

۳۰۷ - ۳۱۰ - ۳۱۵ - ۳۱۷ - ۳۴۱ -

۳۴۹ - ۳۵۱ - ۳۶۵ - ۳۹۸ - ۴۰۳ -

۴۰۵ - ۴۲۲ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ -

۴۷۲ - ۴۷۹ - ۵۱۱ - ۵۱۹ - ۵۵۵ -

۵۷۱ - ۵۸۰ - ۶۲۷ - ۶۳۸ - ۶۸۱ -

۷۱۸ - ۷۵۴ -

جلال خویش معصوم زمیندار ۷۹

جلال پسر دلاور خان ۱۲۸ - ۲۱۸

جلال کاکر .. ۱۸۱ - ۴۲۲ - ۷۲۷

جلال الدین محمود بدخشی ۲۳۹ -

۲۶۷ - ۳۷۸ - ۵۹۵ - ۷۴۶

جلال برادر بہادر خان ۴۳۵ - ۶۰۵ - ۷۳۸

جلال الدین محمود دروازی ۱۴۸۵ -

سید جعفر سجاده نشین .. ۳۱۶

میر جعفر خیش میر فتح اللہ شیرازی

۳۳۶

میر جعفر مشہدی .. .. ۳۴۰

سید جعفر خلف سید جلال ۳۷۸ -

۶۸۲ - ۷۵۳

جعفر قدیمی .. .. ۷۳۸

جعفر بلوچ .. .. ۷۴۶

جگناتھہ مہاکب راے ۵۰۰ - ۱۶۳

رانا جگت سنگھ ۱۲ - ۱۹۸ - ۳۴۵ -

۳۸۸ - ۴۲۶ - ۷۱۹

راجہ جگت سنگھ ۱۳ - ۳۹ - ۴۳ -

۴۴ - ۴۷ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ -

۵۹ - ۱۳۵ - ۱۴۱ - ۱۴۴ - ۱۵۸ -

۱۸۲ - ۱۹۰ - ۲۰۶ - ۲۳۶ - ۲۳۷ -

۲۳۸ - ۲۴۵ - ۲۴۷ - ۲۵۷ - ۲۶۱ -

۲۶۳ - ۲۶۸ - ۲۷۰ - ۲۷۳ - ۲۷۴ -

۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۸۵ - ۲۹۱ - ۲۹۳ -

۲۹۴ - ۳۱۸ - ۳۵۶ - ۴۲۴ - ۴۵۱ -

۴۶۳ - ۴۸۱ - ۴۹۰ - ۷۲۴

۵۸۲- ۵۸۰- ۴۹۹- ۴۳۴- ۴۲۸

۵۸۷- ۶۲۹- ۶۳۰

جهانگیر شاه جنت مگانی ۲۴- ۲۵-

۲۶- ۲۷- ۲۹- ۶۱۵- ۶۷- ۱۱۵-

۱۲۵- ۱۴۰- ۱۴۸- ۲۰۹- ۲۲۹-

۲۳۳- ۲۵۷- ۲۸۶- ۲۸۸- ۲۸۷-

۲۸۹- ۲۹۱- ۳۴۵- ۳۶۹- ۳۹۱-

۳۹۲- ۴۱۱- ۴۷۵- ۴۷۶- ۵۲۸-

۵۸۶- ۵۸۹- ۵۹۰- ۵۹۲- ۶۰۶-

۶۰۷- ۶۲۹- ۷۱۳- ۷۲۴-

جهان خان کاکر ( کاکرخان ) ۱۹۹-

۴۲۲- ۷۲۷

خواجه جهان .. .. ۷۲۸- ۳۴۵

جهانگیر قزاق .. .. ۴۳۷- ۴۳۸

جهان افغان .. .. ۶۹۰

جیرام نخستین پسر انوب ۴- ۱۴۹-

۱۸۱- ۲۲۶- ۴۷۳- ۴۸۵- ۵۵۰-

۵۵۴- ۵۹۵- ۶۰۸- ۶۱۵- ۶۴۲-

۶۴۳- ۶۵۴- ۷۲۷

راجه جیسنگه ۲۳- ۳۷- ۵۲- ۱۴۳-

۵۶۵- ۵۶۸- ۷۴۳

جمال خان قراول ۲۲- ۱۱۲- ۱۴۳-

۱۵۰- ۱۷۷- ۷۴۴

جمال بنگشی .. .. ۷۴۹- ۴۳

جم قلی .. .. ۳۵۵- ۲۳۴

جمال خان نوحانی ۴۸۴- ۵۵۰-

۶۵۴- ۷۳۱

جمشید .. .. ۵۸۵

جمشید بیگ برادر کامل بیگ ۶۴۷-

۶۴۹

میر جمال الدین .. .. ۷۵۰

جنت المان .. .. ۶۵۵- ۴۵۲

جوهر خان .. .. ۷۲۲- ۲۳۲

رانا جوده زمیندار امرکوت .. ۷۴۱

جواهرخان .. .. ۷۵۰

جهان آرابیگم بیگم صاحب ۱۲- ۹۹-

۱۰۴- ۱۱۵- ۱۴۲- ۱۹۵- ۲۰۹-

۲۵۷- ۳۱۳- ۳۱۹- ۳۵۱- ۳۶۳-

۳۷۳- ۳۷۵- ۳۷۷- ۳۹۳- ۳۹۴-

۴۰۲- ۴۰۵- ۴۰۶- ۴۰۲- ۴۲۱-

۲۷۴ - ۲۶۱	۱۴۵ - ۱۴۵ - ۱۵۷ - ۱۶۳ - ۱۶۵
۱۴۹ .. .. . جمروند	۱۸۱ - ۲۲۴ - ۲۲۶ - ۲۴۰ - ۲۶۱
۶۱۸ .. .. . جمتال	۲۶۳ - ۲۷۲ - ۲۷۱ - ۲۸۵
۳۷۸ .. .. . جنیر	۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۰ - ۳۱۷ - ۳۴۵
۸۱ - ۸۰ .. .. . جوگي کپه	۳۴۶ - ۳۷۶ - ۳۸۹ - ۴۲۸ - ۶۰۴
۱۸۳ .. .. . جوگي هتي	۶۸۱ - ۶۸۳ - ۷۰۳ - ۷۱۹
۲۰۵ .. .. . جوشاب	۷۱ .. .. . جیڙام لشکر
۵۸۴ - ۳۳۲ - ۲۸۳ .. .. . جونپور	* مواضع *
۳۳۰ .. .. . جويني	۲۰۲ .. .. . جاوره
- ۷۱ - ۶۸ - ۶۷ - ۶۴ جهانگیر نگر	۲۳۱ - ۲۳۰ .. .. . جام
۱۲۰ - ۸۰ - ۷۹ - ۷۶ - ۷۵	۶۸۴ - ۳۰۸ - ۲۳۱ .. .. . جالور
- ۱۴۱ جهانگیر آباد معروف بهرن مناره	۵۱۴ .. .. . جاهی
۶۳۴ - ۵۷۱ - ۵۰۱ - ۵۰۰ - ۲۲۱	۵۵۵ .. .. . جانپانیر
- ۵۸۷ - ۵۸۶ - ۱۵۵ باغ جهان آرا	۲۱ .. .. . پرگنہ جدوار
۵۹۲ - ۵۹۰ - ۵۸۸	۱۹۲ .. .. . جسر
۱۹۳ .. .. . جهانسي	۱۱۹ .. .. . جگدیه
* قلع *	۱۶۴ .. .. . جلیسر
۶۳۹ .. .. . قلعه جانپانیر	۵۸۰ - ۵۱۹ - ۴۵۸ جلمکاي ماهر
* بحار *	۵۳۳ .. .. . جلدایک
۶۲ .. .. . تالاب زنداله	- ۲۴۰ - ۲۳۶ - ۲۲۸ - ۱۲۸ جمو

۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۵۷	درباے جون جمنا ۲۰ - ۲۳ - ۹۱ - ۹۹ -
چندرمن بنديله ۲۲۳ - ۲۴۰ - ۲۹۳ -	۱۱۱ - ۱۱۴ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۳ -
۲۹۴ - ۴۸۵ - ۵۶۴ - ۷۳۱	۳۲۷ - ۳۳۳ - ۳۴۳ - ۳۸۰ - ۴۰۰ -
چندر بهان کچھواھه ۲۲۴ - ۲۲۶ -	۴۰۸ - ۴۷۴ - ۷۱۰
چنپال ۲۸۷ - ۲۸۸ -	تالاب جوگي ۳۴۵ -
چندر بهان نروکا ۴۸۴ - ۵۵۰ - ۵۵۴ -	آب جيڪون ۴۵۲ - ۵۳۳ - ۵۶۳ -
۷۴۲	۵۶۶ - ۵۶۷ - ۶۰۱ - ۶۱۳ - ۶۱۵ -
چنگيز خان ۵۳۰ -	۶۱۹ - ۶۳۸ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۵ -
چومر خان ۳۴۰ -	۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۶۹ - ۶۸۶ - ۷۰۵ -
چوچڪ بيگ اوزبك ۵۳۵ - ۵۶۲ -	۷۰۷ - ۷۰۹ -
۵۸۵ - ۶۱۰ - ۶۱۱	* حرف چي - کسان *
چيت سگنهه ۲۳۹ -	راو چاندا مرزبان گوندوانه ۹۸ -
* مواضع *	سيد چاون ايرچي ۲۲۷ - ۴۸۵ -
چانگام ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ -	۵۵۰ - ۵۵۴ - ۵۹۵ - ۷۴۲ -
چارجو ۲۵۶ - ۴۵۰ - ۵۵۲ -	چتر بهوج چوهان ۲۲۸ - ۴۸۵ - ۵۵۰ -
چاندپور ۳۲۰ -	۷۴۲
چاروا خرو ۳۳۰ -	چتر بهوج سونکرا ۷۴۷ -
پورگنه چانسو ۳۴۵ -	چندر نراين پسر پريچھت ۷۷ - ۷۸ -
چارپکاران ۵۰۹ - ۵۱۲ - ۵۲۱ - ۶۶۹ -	۷۹ - ۸۲ -
چارباغ ۵۵۹ - ۵۸۶ - ۵۸۸ -	چنپت ۱۳۶ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۲۲۱ -

چشمه علي مغول .. ۶۵۴ - ۶۵۶	چندن کولته .. ۸۲ - ۸۴ - ۸۷
آب چکي .. .. ۲۶۳	چنارتو .. .. ۱۵۰
دريائے چناب ۱۴۲ - ۱۶۲ - ۱۸۰ - ۲۱۴	چنبه .. .. ۲۷۴ - ۲۸۷
۴۷۰ - ۵۰۱ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۳۹	چونا گدھے .. .. ۱۲ - ۱۹۳
* حرف حاء - کسان *	چوتھري ... .. ۸۳
حکيم حازق ۸ - ۳۳۴ - ۳۹۹ - ۷۳۲	چور ران پوري .. .. ۲۳۱
حاجي بيگ خويش شاه قلبي ۹۲	چورا گدھے .. .. ۴۲۵
حاجي خان بلوچ .. .. ۱۳۱۴	چهار باغ .. .. ۴۶۲
حاجي بيگ ارغون .. .. ۳۵۳	چيچکتو ۵۴۹ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴
حاجي بيگ مرزا باشي .. ۵۵۱	۵۵۸ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۵۸
حاجم دراز اتاليق .. .. ۵۵۱	۶۶۳ - ۶۶۴ - ۷۰۸
حاجي بے برادر اوراز بے .. ۵۵۲	* قلع *
حاجي بيگ برلاس .. ۶۷۹ - ۷۴۸	قلعه چار شنبه .. .. ۶۲
حاجي خان .. .. ۷۲۴	قلعه چارجو .. .. ۴۵۰
حبيب کراني .. .. ۷۴۷	قلعه چنالي .. .. ۶۱
حسن ترکمان .. .. ۴۳ - ۴۴	حصار چناده .. .. ۱۲۹ - ۴۲۴
حسين بيگ خويش علي مردان خان	قلعه چوريل .. .. ۱۰۶
۴۴ - ۱۲۴ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۷۷	قلعه چھت .. .. ۲۶۶
۴۱۲ - ۴۱۶ - ۴۱۹ - ۴۳۱ - ۴۷۹	* بحار *
۴۹۲ - ۷۳۵	چشمه خواجه خضر .. .. ۱۵۷



میر حسن کولابی .. .. ۵۶۷	حسن خان حاکم هرات .. .. ۴۹
حسین قلبي بیگ آغز ۵۷۹ - ۶۱۲ -	میر حسینی .. .. ۷۵
۶۴۴ - ۶۵۰ - ۷۴۶	مرزا حسن ولد مرزا رستم صفوی
حسن سعید بیگ ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۷۵۰	۹۱ - ۹۳ - ۱۶۴ - ۱۸۴ - ۲۴۶ -
حسن خواجه جویداری پدر طیب خواجه	۲۶۸ - ۲۷۳ - ۲۸۵ - ۲۹۵ - ۴۳۱ -
۶۲۶	۵۸۴ - ۷۲۳
حسن خان حبشی .. .. ۷۲۴	سید حسن مکونه .. .. ۱۱۹
سید حسن مساعد .. .. ۷۳۳	حسن خواجه بخاری .. .. ۱۲۸
سید حسن خویش سید دلیر خان ۷۳۹	حسینی نبیرق اشرف خان ۱۲۵ - ۱۵۹
حسن خان برادر خدمت گار خان ۷۴۱	میر حسام الدین .. .. ۱۸۰
حسین بیگ اباکش .. .. ۷۴۶	سید حسن ملازم قطب الملک ۲۱۶ -
حسن علی ولد الله وردی خان ۷۴۸	۲۲۴ - ۴۲۳
حق نظر بدخشی .. .. ۴۷۲	آقا حسن رومی .. .. ۲۶۶
حق نظر مینک .. .. ۶۵۴ - ۶۵۶	حسین قلبي خان ترکمان .. .. ۲۸۶
سید حکیم .. .. ۶۸	حسام الدین حسن (حسام الدین خان)
حکیم الملک .. .. ۷۵۷	۳۰۲ - ۴۱۷ - ۷۳۱
حمزه پسر جلال الدین ملک سیستان	خواجه حسن ده بیدی ۳۱۶ - ۷۴۶
۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳	سید حسن ملازم عادل خان ۳۵۲ - ۳۷۴
حوری جان والدۀ زاهد خان ۴۳۴	حسن بیگ رفیع منش نذر محمد خان
حیات ولد علی خان ترین شمشیر خان	۳۸۶

## \* حرف خاء - کسان \*

سید خان جهان بارهه ۱۱ - ۱۰۴ -

۱۱۰ - ۱۹۴ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۹ -

۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۴ -

۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۷۰ - ۲۷۱ -

۲۷۲ - ۲۷۴ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ -

۲۸۵ - ۲۹۳ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۴۰ -

۳۴۱ - ۳۴۴ - ۳۴۹ - ۳۸۴ - ۳۹۸ -

۴۰۵ - ۴۰۷ - ۴۲۵ - ۴۷۱ - ۴۷۳ -

۴۷۴ - ۴۷۷ - ۷۱۸

خان دوران بهادر نصرت جنگ ۱۱ -

۳۷ - ۴۰ - ۵۲ - ۱۲۶ - ۱۳۰ -

۱۳۳ - ۱۳۵ - ۱۴۰ - ۱۴۳ - ۱۴۴ -

۱۴۵ - ۱۴۹ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۲۱۸ -

۲۴۶ - ۲۹۶ - ۳۰۱ - ۳۱۰ - ۳۱۶ -

۳۱۷ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۶ -

۳۸۹ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۲۰ - ۴۲۳ -

۴۲۵ - ۴۲۶ - ۵۲۰ - ۵۴۹ - ۷۱۷ -

خان احمد خان اردلان حاکم کردستان

۱۸ ۱۹

۴۴ - ۵۴ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۳۲۱ -

۴۷۳ - ۴۸۴ - ۵۵۰ - ۵۵۴ - ۵۶۵ -

۵۹۴ - ۶۱۲ -

حیات خان ۱۳۱ - ۳۸۷ - ۳۹۹ - ۴۷۸ -

۴۸۰ - ۵۰۹ - ۵۴۷ - ۵۷۷ -

۶۷۹ - ۷۲۵ -

حیدر بیگ مرزا باشی .. .. ۹۱

حیدر میستانی .. .. ۱۵۶

## \* مواضع \*

باغ حافظ رخنه .. .. ۱۱۵ - ۴۷۸

حافظ آباد ۱۶۲ - ۲۱۴ - ۴۷۰ - ۵۰۱ -

حجاز ۲۱۰ - ۲۵۴ - ۲۵۶ - ۳۴۹ -

۳۸۹ - ۴۳۵ -

حسن آباد .. .. ۱۸

حسن ابدال ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۲۲۵ -

۳۰۴ - ۴۸۶ - ۵۰۲ - ۵۰۳ -

۵۱۰ - ۶۰۵ - ۶۴۰ -

حیدر آباد .. ۱۹۰ - ۴۱۶ - ۴۱۸ -

## \* قلعه \*

قلعه حاجی .. .. ۶۲

خان عالم ۲۲ - ۲۵ - ۱۱۰ - ۲۸۱ -	خسرو پسر نذر محمد خان ۲۱۰ - ۴۳۷ -
۵۲۹	۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۲۵ -
خان جهان لودي پیرا .. ۲۵ - ۲۶	۵۲۶ - ۵۳۳ - ۵۴۱ - ۵۴۷ - ۵۷۵ -
خاندان قلبي خان حاکم قزاق ۴۴ -	۵۷۹ - ۵۸۵ - ۶۰۰ - ۶۰۸ - ۶۰۹ -
۵۰ - ۶۱	۶۲۵ - ۷۱۸ -
خان زمان .. .. . ۷۰	خسرو بیگ ملازم یمین الدوله ۲۴۰ -
خاندان قلبي ملازم علیمردان خان ۱۱۴	۲۷۵ - ۲۷۶ -
خواجہ خاوند محمود ۱۲۴ - ۱۴۱ -	خسرو بیگ پسر کلان نظری ۴۳۶ -
۲۰۶ - ۲۲۳ - ۲۵۷	۴۴۶ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۶۲۰ -
محمد شیخ خانہ زاد خان ۱۴۶ -	خسرو محمد بدیع پسر سعد الله خان
۱۵۸ - ۱۷۳ - ۲۱۴ - ۲۳۶ - ۳۵۶ -	۵۴۷
۳۷۹ - ۶۱۱ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ -	خسرو بیگ خواهر زاد شادمان ۶۶۴
۷۲۹	خضر سلطان ککهر .. ۲۴۰ - ۷۴۰ -
سید خادم بارہہ ۱۵۹ - ۲۳۲ - ۷۳۵	سید خضر ولد سادات خان .. ۷۵۱
خان محمد .. .. . ۴۸۹	خلیل الله خان میرا کش ۲۱ - ۱۰۲ -
خدا دوست ولد سردار خان .. ۴۸۶	۱۴۳ - ۱۵۴ - ۱۷۹ - ۲۰۰ - ۲۰۲ -
خدا قلبي الجین .. .. . ۶۴۶	۲۰۴ - ۲۲۸ - ۲۳۳ - ۲۳۶ - ۲۸۴ -
خدمت خان خواجہ سرا .. ۷۳۱	۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۱ - ۳۳۴ - ۳۳۶ -
خدا دوست ولد سردار خان ۷۵۰	۳۸۱ - ۳۸۵ - ۴۰۶ - ۴۲۲ - ۴۸۵ -
میر خسرو .. .. . ۵	۴۸۶ - ۴۹۱ - ۵۰۳ - ۵۱۲ - ۵۲۰ -

خنجرالمان ... .. ۶۵۵	۵۲۱ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۹
خوشحال ... .. ۵	۵۴۵ - ۵۵۵ - ۵۵۹ - ۵۶۱ - ۵۷۸
ملا خواجه خان .. ۱۰۵ - ۷۵۴	۵۷۹ - ۵۸۱ - ۵۸۴ - ۶۲۷ - ۶۳۳
خواص خان ۱۸۷ - ۱۹۸ - ۲۲۷	۶۷۷ - ۷۲۱
۵۰۵ - ۵۷۷ - ۶۷۹ - ۷۲۰	خلیل بیگ ۱۰۳ - ۱۸۱ - ۲۱۸ - ۲۲۶
حکیم خوشحال ۱۹۱ - ۲۲۹ - ۷۳۷	۲۴۰ - ۲۹۳ - ۳۰۱ - ۳۳۲ - ۴۰۱
خوشحال بیگ کاشغری ۳۴۲ - ۴۸۰	۴۰۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰
۷۳۲ - ۵۹۵ - ۵۶۵ - ۴۸۶	۴۸۵ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۶۷۱
خوشحال بیگ ولد عوض خان ۴۸۵	۶۷۲ - ۷۳۳
خوجم شکور خویش تردیعلی ۵۲۲	میرخلیل پسر اعظم خان ۱۳۷ - ۱۶۴
خوشم درمان دیوان بیگی .. ۵۵۱	۲۱۴ - ۲۳۱ - ۵۱۱ - ۶۰۳ - ۶۰۵
خوشحال بیگ ولد مرزا شرف الدین	۶۰۶ - ۷۳۵
۵۶۵	خلف خان ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰
خوشحال بیگ قاقشال .. .. ۶۱۵	میرخلیل الله پدر میرمیران ۵۲۸
قاضي خواجه کلان .. ۶۵۲ - ۶۵۳	خلیفه سلطان اعتماد الدوله ۶۵۹
خوش لب چاک .. ۶۵۴ - ۶۵۶	۶۶۰ - ۶۶۱
خوجم قلبي دیوان بیگی .. .. ۶۶۵	خنجرخان مرزا محمد ۱۷۳ - ۴۱۴
خوشحال پسرخوانده مرزارستم صفوی	۴۷۱ - ۴۸۵ - ۵۲۳ - ۵۶۵ - ۶۴۴
۷۴۵	۷۰۲ - ۷۳۵
* مواضع *	خنجربیک خویش شاه بیگ ۶۵۱

۶۲۲ .. .. . خیراب	۱۷۷ .. .. . خانپور
* قلع *	۷۱۱ - ۲۱۷ .. .. . خاندیس
۴۴۲ - ۴۴۱ .. .. . حصن خچند	۴۶۲ .. .. . قریہ خانقاہ
۶۲ .. .. . قلعہ خلیج	۶۵۷ - ۶۵۶ - ۶۵۵ - ۵۶۵ خان آباد
۱۷۳ - ۱۷۰ - ۶۲ .. .. . قلعہ خنشی	۴۴۹ - ۴۴۷ - ۴۴۶ - ۴۴۲ خچند
* بحار *	۳۱ - ۳۹ - ۴۹ - ۵۷ - ۱۵۲ - خراسان
۸۱ .. .. . دریائے خانپور	۲۹۷ - ۲۹۹ - ۵۴۸ - ۵۷۶ -
۴۴۴ - ۴۴۲ .. .. . آب خچند	۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۶۲ - ۶۶۳
۵۶۷ - ۵۶۶ .. .. . آب خواجہ پاک	۳۴۹ - ۶۹ .. .. . ولایت خطا
* حرف دال - کسان *	۲۳۱ .. .. . خلیل آباد
۳۳۴ .. .. . داود بیگ ملازم سیاروش	۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۶۵ - ۶۱۴ - خلم
۴۸۴ .. .. . دانیداس میر تیدہ	۷۰۷ - ۶۱۶
۵۵۱ .. .. . داوہ بے	۱۷۲ - ۱۷۱ .. .. . خنشی
داندل ولد شاہ نواز خان بن عبد	۴۵۱ - ۴۶۲ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - خنجان
۷۳۸ .. .. . الرحیم خانخانان	۵۸۴ - ۶۶۹
۷۴۹ .. .. . داراب ولد آقا افضل	۲۱۱ .. .. . خوشحال پور
۷۲۴ .. .. . دتاجی دکنی	۳۱۸ .. .. . خوشاب
۹۷ .. .. . راجہ دراول سنگھ راوی	۴۶۴ - ۴۶۳ .. .. . خوست
۳۵۸ - ۳۵۷ .. .. . دریا رائے عم پرتاب	۵۷۰ .. .. . خواجہ درکوة
۷۴۶ .. .. . درویش بیگ قاقشال	۵۰۶ - ۱۴۶ .. .. . خیبر

دوستم حاجي ثباي .. .. ۵۵۱	دريائے افغان .. .. ۷۴۹
دولتمند پسر پهرجي مرزبان بکلانه ۷۳۱	سيد دلير خان ۱۳۱ - ۲۲۲ - ۷۳۳
دهرنيد دهر اوجينيه .. .. ۳۵۹	دلور خان دکني .. ۳۳۷ - ۷۲۵
ديانت خان ۳۷ - ۱۴۲ - ۲۱۷ - ۳۵۰ -	دل دوست ولد سرافراز خان .. ۷۳۳
۷۲۸ - ۴۱۷	دلير همت ولد مهابت خان .. ۷۵۰
ديانت راے دفتر دار راي رايان ۹۲ -	راو دن سنگه بهدوريه .. ۲۳۹
۱۰۵ - ۱۳۲ - ۱۳۴ - ۲۰۱ - ۲۴۴ -	دوست کام پسر معتمد خان ۳۷ -
۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۳۴۲ -	۱۷۹ - ۲۳۳ - ۳۵۲ - ۷۵۱
۷۳۷	دوست علي سلطان .. .. ۴۴
ديندار خان ۱۵۶ - ۱۶۸ - ۵۷۹ - ۷۳۴	دولتخان پسر الف خان ۱۷۵ - ۳۸۹ -
راجہ ديبيسنگه بنديله ۴۸۵ - ۵۲۳ -	۵۶۵ - ۵۶۴ - ۴۸۵
۵۶۴ - ۵۷۰ - ۶۱۷ - ۶۴۳ - ۷۲۵	دوست بيدگ کابلي .. ۲۰۸ - ۳۷۳
دين محمد فولادچي .. .. ۵۵۱	دولتخان قيام خاني ۲۴۰ - ۷۳۰
دين محمد يساول .. .. ۶۲۳	دوست محمد ولد سيد قلي ۲۴۷
راوت ديال داس جهالا ۶۳۳ - ۷۴۲	دولت بے کنکس قلعه دار ۲۵۳ -
دين محمد خان .. .. ۶۵۸	۲۵۴ - ۴۴۹
• مواضع •	دولت .. .. ۴۵۸ - ۴۵۹
دامن کوه کانگره ۱۲۲ - ۲۰۶ - ۲۳۷ -	دولت بيدگ تهانه دار پنجشير ۴۶۱
۲۳۸ - ۴۱۴ - ۵۷۹ - ۶۱۱	دولت بيدگ اندرابي .. .. ۴۷۲
دامن کوه هارز .. .. ۲۶۳	دولت بيدگ قاقشال .. .. ۵۱۷

۳۴۴-۳۷۷-۵۱۰-۷۱۰-۷۱۲	دچمن پاره ۱۵۹ .. .. .
دوآبه .. .. . ۵۲۱	درنگ .. ۷۰-۷۱-۸۶-۸۹
دوشاخ .. .. . ۵۶۵	درتنگ .. .. . ۱۹۰
دهندهیره .. .. . ۱۱۰-۸	درینه .. .. . ۲۵۴
دارالملک دهلي ۶۳-۹۶-۱۱۱-	دره کز ۵۶۵-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-
۱۱۲-۱۱۳-۱۱۵-۱۵۸-۱۶۸-	۶۵۷-۶۶۸-۶۷۰-۶۷۲-۶۸۶
۱۸۱-۲۱۵-۲۱۸-۲۴۲-۲۴۴-	دشت قلعه .. .. . ۶۴۴
۳۰۹-۳۱۹-۳۲۰-۳۳۹-۳۶۱-	دکن ۱۲-۲۶-۱۰۶-۱۰۸-۱۳۰-
۳۷۸-۴۰۸-۴۰۹-۴۷۴-۷۱۰	۱۴۰-۱۹۱-۲۱۷-۲۱۸-۲۲۷-
دهوپري .. ۶۶-۷۵-۷۹-۸۱	۲۳۰-۲۸۴-۲۸۹-۲۹۰-۳۰۲-
دلا بيد .. .. . ۲۲۷	۳۴۳-۳۴۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۹-
دهميهري .. .. . ۲۸۷	۳۸۲-۳۸۹-۳۹۱-۴۰۸-۴۱۱-
دهمسري .. .. . ۳۳۰	۴۱۵-۴۱۸-۴۲۳-۴۲۶-۴۲۷-
دهاندھوپور .. .. . ۳۳۰	۴۲۸-۴۳۰-۵۱۰-۶۰۴-۶۳۵-
دهنولي بزرگ .. .. . ۳۳۰	۶۴۱-۶۸۱-۶۸۳-۷۰۵-۷۱۲
دهاموني .. .. . ۴۲۵	دکن کول .. ۷۷-۷۹-۸۲
دلائو .. .. . ۴۵۰-۴۴۹	دکھروتا .. .. . ۳۳۰
دلا خواجه لقمان .. .. . ۵۲۶	دندان شکن .. .. . ۵۲۲-۵۲۱
دهود .. .. . ۵۵۵	دولتآباد ۱۱-۱۰۴-۱۰۶-۱۱۰-
دهنده زنگي .. .. . ۶۲۳	۱۳۸-۱۶۶-۱۷۰-۱۸۰-۳۳۹-

۱۴۳۲

\* حرف ذال - کسان \*

حاجي ذاكر .. .. ۱۸۰

خواجه ذکريا برادرزادہ خواجه عبد

الغفار ۶۰۹

ذوالقدر خان ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ -

۹۱۴ - ۹۵ - ۱۶۶ - ۱۹۱ - ۲۰۰ -

۲۸۰ - ۳۳۵ - ۳۴۲ - ۳۷۸ - ۴۱۱ -

۴۶۶ - ۴۷۳ - ۴۸۴ - ۵۸۵ - ۵۹۴ -

۶۰۵ - ۶۷۱ - ۶۸۰ - ۷۲۳ -

ذوالفقار خان ۳۷ - ۵۲ - ۱۴۱ -

۱۵۴ - ۱۸۱ - ۱۹۸ - ۲۲۳ - ۲۲۸ -

۲۳۹ - ۲۴۱ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ -

۳۰۶ - ۳۳۴ - ۳۸۰ - ۷۲۶ -

ذوالقرنین فرنگي ۱۳۸ - ۱۶۳ - ۷۴۸

\* حرف راء - کسان \*

رام سنگه ولد کرمسي راڻهور ۴۳ - ۱۹۸ -

۲۳۶ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۰۹ - ۴۸۴ -

۵۴۰ - ۵۴۹ - ۵۵۴ - ۵۹۴ - ۶۴۱ -

۶۴۳ - ۶۵۷ - ۶۸۶ - ۷۲۷ -

ده قباچاق .. .. ۶۸۳ - ۶۵۳

ده قاضي .. .. ۶۵۳

دينورا .. .. ۳۳۰

ديوکن .. .. ۳۶۰ - ۳۵۸

\* قلع \*

قلعه درفني .. .. ۶۲

قلعه درفشان .. .. ۶۲

قلعه دلخک .. .. ۶۱ - ۶۲

قلعه دمڌال .. .. ۲۶۸ - ۲۷۳

قلعه دوکي .. .. ۶۱

قلعه دولت آباد .. .. ۷۱۲

قلعه دهنه .. .. ۶۲

قلعه دهرات .. .. ۶۲

قلعه دهوپري .. .. ۶۵ - ۶۶

حصن ديوکن ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹

\* بحار \*

آب دره .. .. ۵۲۱ - ۶۶۸

آب ديك .. .. ۶۰۸

\* حرف ذال - بحار \*

تالاب ذل ۱۹۱ - ۱۹۹ - ۲۰۴ - ۴۲۶ -



- ۳۴۶ - ۵۰۰ - ۵۰۲ - ۵۰۶ - ۵۱۰ -  
۶۰۴ - ۷۳۲
- راوهڻي سنگهه ولد راودودا ۳۷۴ - ۷۳۰
- رايسنگهه پسر امر سنگهه .. ۴۰۳
- راوت راے دکني .. .. ۷۲۴
- رايبا برادر جادون راے دکني ۷۳۱
- رايسنگهه ڀيرڻ راجه گجسنگهه راڻهور  
۷۳۳
- سيد راجي مانڪڀوري .. .. ۷۴۷
- رئي راے دکني .. .. ۷۲۸
- رتن ولد مهديس داس راڻهور ۲۲۵ -  
۶۳۵ - ۶۸۴ - ۷۲۹
- رجب بيدگ خويش يلنگتوش ۳۰۹
- مير رجب ملازم عادل خان ۳۳۴ -  
۳۳۶
- رحمان يار برادر الله يار ۹۰ - ۷۳۳
- حكيم ضياء الدين رحمت خان سرگاردار  
بيجاگڏهه ۹۸ - ۱۹۲ - ۲۲۸
- ۳۸۶ - ۴۸۰ - ۶۲۸ - ۶۳۱ - ۷۳۷
- رحيم بيدگ .. ۱۹۶ - ۲۵۶ - ۷۰۱
- رايسنگهه جهالا ۱۰۰ - ۱۵۶ - ۲۳۰ -  
۲۳۹ - ۲۴۱ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۷۳ -  
۴۸۸ - ۷۳۳
- راجسنگهه راڻهور پردهان ۱۰۵ - ۱۱۲ -  
۱۵۶ - ۲۲۹ - ۷۳۴
- راجروپ ولد راجه جگتسنگهه ۱۲۷ -  
۲۳۷ - ۲۳۹ - ۲۶۲ - ۲۶۹ - ۲۹۱ -  
۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۸۱ - ۴۸۵ - ۵۱۶ -  
۵۲۷ - ۵۴۵ - ۶۲۷ - ۶۴۵ - ۶۴۶ -  
۶۴۷ - ۷۰۲ - ۷۲۶
- راجه رايسنگهه ولد مهاراجه بهيم سيسوڊيه  
۱۳۳ - ۱۴۱ - ۱۴۶ - ۲۰۱ - ۲۰۶ -  
۲۱۳ - ۲۲۸ - ۲۳۶ - ۲۳۹ - ۲۴۱ -  
۲۸۵ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۲۴ - ۴۵۷ -  
۴۶۳ - ۴۸۵ - ۵۶۶ - ۵۷۷ - ۶۳۳ -  
۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۸۸ - ۶۹۳ - ۷۲۱
- راجه رامداس نروري ۱۷۴ - ۷۲۸
- راجڪنور پسرڪلن رانا جگت سنگهه ۵۴۳  
۳۴۶ - ۶۲۵
- کنور رام سنگهه پسر راجه جيسنگهه ۲۲۵ -

رفیع الله برادرزاده قاضی خان ۲۳ - ۳۵	خواجه رحمت الله دلا بیدی ۴۷۱ - ۷۴۱
رقیه سلطان بیگم بنت هندال مرزا	رحمت خان فیض الله نام .. ۷۲۷
۱۳۹ - ۱۴۹ - ۵۱۰ - ۵۸۸ - ۶۷۸	رستم خان گرجی ۱۵ - ۱۶ - ۲۰ - ۲۱ -
زمیناته زمیندار پرگنه سوسنگ ۶۵ -	۱۸۲ - ۲۴۵ - ۲۶۴ - ۲۶۸ - ۲۷۱ -
۶۶	۲۸۵ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۱ -
رنگ خان .. .. . ۴۰۰	۳۶۱ - ۳۶۲ - ۴۵۷ - ۴۶۳ - ۴۷۰ -
رنباز خان ولد شهباز خان .. ۷۴۰	۴۸۵ - ۵۰۳ - ۵۱۲ - ۵۳۷ - ۵۳۹ -
روشن سلطان .. .. ۵۷ - ۵۰	۵۴۰ - ۵۶۰ - ۵۶۴ - ۵۶۸ - ۵۶۹ -
خواجه روز بهان تکویدار ۱۰۰ -	۵۷۰ - ۵۷۳ - ۵۷۹ - ۵۸۴ - ۶۰۵ -
۱۶۸ - ۲۳۶ - ۷۴۴	۶۱۷ - ۶۲۰ - ۶۵۳ - ۷۰۲ - ۷۱۹ -
رود بای زمیندار .. .. ۱۰۸	مرزا رستم صفوی ۲۱ - ۱۱۰ - ۱۳۷ -
روپ سنگه برادرزاده هری سنگه	۳۰۲
۳۷۳ - ۳۹۹	رستم بیگ ترکمان .. .. ۲۸۲
روپ سنگه ولد روپ مکند .. ۳۷۴	رستم بیگ کولابی .. .. ۴۸۶
روپ سنگه نبیره کشن سنگه راتهور	رستم ولد خسرو پسر نذر محمد خان
۴۷۳ - ۴۸۴ - ۵۴۰ - ۵۴۹ - ۵۵۴ -	۵۴۱ - ۵۶۱ - ۵۸۰ -
۵۹۴ - ۶۱۵ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۷۲۷ -	رشید خان ابن عم احدات انصاری
راو روپ سنگه چندراوت ۴۸۴ - ۴۸۸ -	۴ - ۱۱ - ۹۸ - ۳۷۲ - ۳۷۷ -
۵۴۹ - ۵۵۴ - ۶۳۳ - ۶۷۲ -	۳۸۴ - ۴۰۸ - ۷۲۱ -
روشن قلم فرمان نویس .. ۵۱۰	رشیدای خوش نویس ۱۳۴ - ۷۴۵ -

۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۹ - ۲۴۶	روح الله ولد يوسف محمد خان
۲۹۱ - ۳۱۲	قاشکندي .. .. . ۷۴۵
رهناس .. .. ۴۶۳ - ۴۷۰ - ۶۰۵	* مواضع *
رهود .. .. ۶۳۹	* ۱۰۹ .. .. .
* قلع *	راول پندي .. .. . ۱۴۳
قلعه راسين .. .. ۶۷۰	راج پور .. .. . ۱۶۹
حصن رهناس .. .. ۴۲۴ - ۴۲۴	راي پور .. .. . ۲۶۱ - ۲۴۰
* بحار *	راي پور چهل .. .. . ۳۳۰
درياي راوي ۱۴۱ - ۱۶۸ - ۲۱۶ - ۶۲۴	رام پور .. .. . ۳۷۵ - ۳۷۲ - ۳۴۷
* حرف زاء - کسان *	رباط ريزگان .. .. . ۵۶۵
زاهد بيدگ کاشغري .. .. ۵۵ - ۴	رباط وفايگ تولکچي .. .. ۶۷۰
زاهد خان ۲۲۸ - ۳۵۱ - ۳۷۶ - ۳۹۹	رپر .. .. . ۲۶۹ - ۲۶۵ - ۲۶۴
۴۰۳ - ۴۲۳ - ۴۳۴ - ۷۲۶	رتن پنجال .. .. . ۲۱۲
زير دست خان ۲۴۸ - ۲۵۰ - ۳۵۷	رخنگ .. .. . ۱۱۹ - ۱۱۸ - ۱۱۷
۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۷۴	رخه .. .. . ۵۱۴
۴۰۵ - ۴۸۰ - ۷۲۷	رستاق .. .. . ۶۴۴ - ۵۶۵
زلفی آهون زن .. .. ۲۶۶	روملئي .. .. . ۳۳۰
زيت النساء صبيئه محمد اورنگ زيپ	روپاس ۱۰ - ۱۰۲ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۹
۲۲ - ۳۴۳	۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۴۰۷ - ۴۰۸
زينل بيدگ .. .. ۲۶ - ۲۴	ولايت روم ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۱۸۴

( ۱۳۰ )

سارو خان .. .. ۱۹۰	سید زین العابدین ۷۱ - ۷۳ - ۷۴
سید سالار سید خان جہانی ۳۸۱ -	۷۷ - ۷۶
۷۴۴ - ۷۴۱	میر زین الدین علی سیادت خان ۷۵ -
سید سادات پسر سید صدر خان	۷۷ - ۸۱ - ۹۰ - ۱۶۴ - ۲۲۹ -
بخاری .. .. ۶۵۵	۲۴۵ - ۳۳۶ - ۴۳۰ - ۵۱۰ - ۷۲۸
سارونقی وزیر .. .. ۶۵۹	زین محمد پسر محمد شاہ شجاع ۱۶۵
سارو خان .. .. ۶۶۳ - ۶۶۲	خواجہ زین الدین ۱۹۶ - ۳۱۶ - ۴۷۵
سبل سنگھ ولد راجہ سورج سنگھ	زید شریف مکہ .. .. ۴۰۶
۱۲۱ - ۳۷۴ - ۷۲۷	زین العابدین پسر محمد شاہ شجاع ۴۷۶
رای سبھا چند .. .. ۷۴۴ - ۱۴۳	خواجہ زین الدین نقشبندی ۶۱۲
سبحانی .. .. ۳۰۴ - ۲۲۱	خواجہ زید .. .. ۶۸۳
سبل سین .. .. ۳۵۹	* مواضع *
سبحان قلی پسر نذر محمد خان	زابلستان .. .. ۲۴ - ۲۹ - ۵۰
۴۰۱ - ۴۳۷ - ۴۵۰ - ۴۵۴ - ۴۵۵	زمین داور ۴۹ - ۵۰ - ۵۲ - ۵۳ -
۴۵۷ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۹ - ۵۵۱ -	۵۴ - ۵۵ - ۶۱ - ۱۲۱ - ۳۷۹ -
۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۷۳ - ۵۸۱ - ۶۰۱ -	۴۰۱ - ۵۸۵ - ۷۱۴
۶۲۳ - ۶۲۷ - ۶۴۳ - ۶۶۸ -	* قلع *
۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۷ - ۷۰۰	قلعہ زمین داور .. ۵۶ - ۶۲ - ۳۰۶
سپہدار خان .. ۱۱ - ۳۷۸ - ۷۲۰	* حرف سین - کسان *
سلطان ہپہر شکوہ پسر دارا شکوہ	سام مرزا برباد شاہ طہماسپ ۴۶ - ۲۲۴

۴۵۹ - ۴۶۰	۳۸۸ - ۳۸۹ - ۴۰۳ - ۴۳۹
۷۲۵ .. .. سرور خان دکنی	۷۹-۷۸-۷۶-۷۳-۷۲-۷۱ مترجیت
۷۳۲ .. ... راول سوسپ زمیندار	۶۲۸ - ۱۳۷ .. .. سنی النسا خانم
۲۰۵ سزاوار خان پسر لشکر خان	۲۹۴ - ۲۹۳ - ۲۸۴ - ۲۹۴ راو ستر سال
۷۲۲ - ۳۷۸ - ۲۸۴	۳۱۵ - ۳۴۲ - ۳۸۷ - ۴۸۴ - ۶۳۳
سعیدخان بهادر ظفر جنگ ۳-۱۳-۱۴	۷۲۲ - ۶۹۳ - ۶۸۸ - ۶۷۳ - ۶۷۲
۲۳ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۲ - ۳۳	سچان سنگھ میسودیہ ۳۵۱-۳۹۹
۳۵ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲	۷۳۲ - ۶۳۲ - ۴۸۴
۴۵ - ۴۷ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲	۷۵۱ سخی برادر زاده فدا ئی خان
۵۴ - ۵۷ - ۶۰ - ۹۴ - ۱۲۲	۲۳۶ - ۲۲۸ - ۷ - سرانداز خان قلماق
۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۳۱ - ۱۴۳ - ۱۴۴	۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۲۴
۱۴۵ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰	۷۳۰ - ۵۰۶ - ۵۰۰
۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۵۷ - ۲۰۶ - ۲۲۲	۸۴-۷۱-۶۹-۶۷ سرگ دیو مرزبان آسام
۲۲۹ - ۲۳۶ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱	۸۳ .. .. سردابر زمیندار
۲۶۱ - ۲۶۳ - ۲۶۵ - ۲۶۶	۷۲۱ - ۱۴۹ - ۱۴۹ سرافراز خان فوجدار پتن
۲۷۱ - ۲۷۴ - ۲۸۱ - ۲۸۴ - ۲۹۳	۲۲۳ - ۲۱۸ - ۲۱۷ - ۱۸۱ سردار خان
۲۹۶ - ۳۰۱ - ۳۱۷ - ۳۵۶ - ۵۵۵	۷۲۱ - ۴۲۵ - ۳۷۸ - ۲۹۴ - ۲۹۳
۵۷۱ - ۵۷۷ - ۵۸۶ - ۶۳۶ - ۶۴۰	۷۴۶-۶۷۹-۲۳۹ سرمست ولد اعتماد رای
۶۴۱ - ۶۷۰ - ۶۷۴ - ۶۸۷ - ۶۸۸	۷۲۱ - ۳۷۷ .. .. سرافراز خان دکنی
۶۸۹ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۷۰۹ - ۷۱۸	۴۵۸ - سرمست نبیرو مبارز خان

مسکندر عم هري سنگهه .. .. ۲۸۹	مسعد الله پسر سعيد خان بهادر ۱۴۳۰
مسکندر دوتاني .. .. ۷۳۱	۷۴۱-۲۶۵-۲۶۴-۱۷۳-۵۷-۴۸
سلطان سليم .. .. ۱۶	خواجه سعيد .. .. ۹۶
مسليمان خويش خان احمد .. ۱۹	سعادت خان ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۱۵۱ -
سلطان نظر برادر سيف خان ۵۲ - ۱۵۰	۲۹۳ - ۵۴۵ - ۵۵۵ - ۵۷۸ - ۵۹۴ -
۲۴۱ - ۵۰۱ - ۵۸۵ - ۶۳۶ - ۷۳۶	۷۲۶ - ۷۰۲ - ۶۴۳ - ۶۲۷ - ۶۲۳
سلطان المشايخ .. .. ۱۱۲	ملا سعد الله علامي سعد الله خان
سلطان سليمان شکوه پور دارا شکوه	۲۱۹ - ۳۳۶ - ۳۴۷ - ۳۹۸ - ۴۰۵ -
۱۱۳ - ۳۳۵ - ۳۷۳ - ۳۹۰ - ۳۹۸ -	۴۲۷ - ۴۲۲ - ۴۲۵ - ۴۳۱ - ۴۳۳ -
۶۰۸ - ۶۳۹	۴۶۹ - ۴۷۱ - ۴۷۹ - ۴۹۳ - ۵۰۵ -
سلطان قلي قوش بيگي .. ۱۹۶	۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۹ - ۵۲۹ - ۵۴۳ -
سلج دار پاشا .. .. ۱۹۶	۵۴۷ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۳ - ۵۶۴ -
سلطان حسين خويش ساروخواجه ۳۰۶	۵۶۸ - ۵۷۲ - ۵۸۴ - ۵۹۴ - ۵۹۶ -
مرزا سلطان ولد مرزا حيدر صفوي	۶۰۹ - ۶۱۳ - ۶۲۵ - ۶۳۶ - ۶۳۹ -
۳۳۴ - ۴۳۰ - ۶۸۳ - ۷۳۱ -	۶۷۹ - ۶۸۰ - ۷۱۵ - ۷۱۸ - ۷۵۴ -
شيخ سليم چشتي .. .. ۴۰۷	سعادت خان نبيروز زين خان ۴۸۵ -
هاجي سلطان حسين بخاري ۴۱۳	۷۲۲
سلطان نسا بيگم مهين فرزند جنت	سعيد سرواني .. .. ۷۴۳
مکاني .. .. ۶۰۳	ملا سعد .. .. ۷۵۶
ملا سلطان محمد ديوان .. ۶۱۰	سکت سنگهه .. .. ۷۴۸ - ۹۸

( ۱۳۳ )

۳۷۳ - ۹۸ .. راجہ سورج سنگھ	۶۳۳ .. سلطانعلی میرھزار عرب
۱۰۹ .. .. سوم دیوداماد بہرجی	سلطان حسین پسر اصلخان ۶۷۷ -
سورجمل پسر راجہ بلسو ۲۳۸ - ۲۸۵ -	۷۳۸
۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸	سلطان یار پسر ہمت خان معروف
سہراب خان ولد آصف خان جعفریگ	بالہ یار .. .. ۶۸۰ - ۷۳۲
۷۳۰	مید سلیمان ولد سید قاسم بارہ ۷۴۶
میادوش قولٹر اقا سی غلام شاہ عباس	سنتوس لشکر .. .. ۷۱
۱۹ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ -	خواجہ سنگی دہ بیدی ۹۲ - ۱۸۱ -
۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ -	۴۵۶ - ۵۴۴
۴۵ - ۴۶ - ۵۰ - ۶۱	سنجر ترخان .. .. ۴۱۸ - ۴۱۹
سیف خان ۲۰ - ۲۳ - ۱۰۲ - ۱۱۰ -	سنگی بمخل زمیندار تبت کلان ۱۵۹
۱۳۰ - ۱۳۲ - ۱۹۸ - ۳۲۲ - ۷۲۰	سندرکب رای .. .. ۲۳۸ - ۲۳۹
میام سنگھ ولد کریم سی رائہور ۲۸۴ -	سنکرام گوند زمیندار کنور ۳۷۰ -
۳۸۷ - ۷۳۱	۳۷۱ - ۷۳۱
میر سید کلان .. .. ۳۱۱	سنجر سلطان ولد سکندر سلطان بن
سیورام کور ۳۷۷ - ۳۸۸ - ۴۸۴ - ۶۱۴	امام قلی خان .. .. ۴۴۸
۷۳۰	سنکرام کچھواہہ .. .. ۴۸۴ - ۷۴۳
میونچے ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۴۴۱ - ۴۴۴ -	سنکرام سنگھ راجاوت .. .. ۵۵۰
۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۴ - ۶۹۹	سنکرام سنگھ نبیر راجا مان سنگھ ۵۵۴
سیف اللہ عرب .. .. ۷۴۰	سنائی بیگ شاملو .. .. ۷۵۲

سفیدچی .. .. . ۵۱۴	سید ولد موسوی خان .. .. ۷۵۱
سلهت .. .. . ۷۰۹ - ۷۵	* مواضع *
سلطان پور .. ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸	سامو .. .. . ۳۳۰
سمرقند ۲۲۷ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵	سارنگ پور .. .. . ۴۳۲
۳۵۶ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸	سال اولنگ .. .. . ۴۶۲
۴۴۱ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹	سان چاریک .. .. . ۵۶۵
۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴	ستهندی .. .. . ۳۳۰
سموگر .. .. . ۳۶۲ - ۳۶۱ - ۳۵۵	سدهرین .. .. . ۳۳۰
سمتو .. .. . ۵۲۳	سری گهاٹ ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۸۳ -
سنہیل ۲۱ - ۸۲ - ۱۴۵ - ۳۱۱ - ۳۶۱ - ۳۶۲	۸۶ - ۸۷ - ۸۹
سنجری .. .. . ۴۳ - ۳۹	سری پور .. .. . ۱۲۰
سنجر .. .. . ۴۴۱ - ۴۴۷	سرائی .. .. . ۱۴۳
سورون .. .. . ۲۲ - ۲۰ - ۱۹	سرائے امانت خان .. .. ۴۱۳
سول ماری .. .. . ۷۹ - ۷۸ - ۷۷	سراب ۴۵۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ -
بندر سورت ۱۰۶ - ۱۰۹ - ۱۱۶ - ۱۶۲ -	۴۶۵ - ۴۸۲ - ۵۱۴ - ۵۱۷ - ۵۲۵
۱۶۳ - ۲۳۴ - ۲۹۰ - ۳۴۹ - ۳۵۰	سرائے سوخته .. .. . ۴۶۹
۳۵۵ - ۳۹۷ - ۵۰۳ - ۶۰۷	سرخ گنبد .. .. . ۵۲۱
سونپتہ .. .. . ۳۱۹	سرپل .. .. . ۵۶۵ - ۶۴۳
سوگر .. .. . ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵	سرخاب .. .. . ۶۵۲
سوخته چنار .. .. . ۵۲۱ - ۵۲۲	سرپل امام بکری .. .. ۶۵۷



( ۱۳۴۰ )

قلعہ سہ کوتہ .. .. . ۶۲	پرگنہ سہنسوان .. .. ۲۰ - ۲۲
قلعہ سیاہ آب .. .. . ۶۲	سہرند ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۲۱ - ۱۳۴ -
* بحار *	۲۰۶ - ۲۳۶ - ۲۴۷ - ۳۱۹ - ۴۱۲ -
آب ستلج .. ۱۲۱ - ۳۱۸ - ۴۱۳	۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۷ - ۴۷۸ -
* حرف شین - کسان *	سہرن کوت .. .. . ۴۱۸
شاہ نواز خان قوش بیگی ۳ - ۱۳۴	سہ شنبہ .. .. . ۶۶۸
شاہ علی .. .. ۸ - ۹ - ۷۴۳	سیوستان ۴۲ - ۱۲۲ - ۱۲۸ - ۱۵۱ -
شایستہ خان خلف یمین الدولہ ۱۱ -	۲۳۴ - ۳۰۳ - ۴۸۰
۲۱ - ۱۱۰ - ۱۲۷ - ۱۳۶ - ۲۴۸ -	سینگری .. .. . ۸۹
۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۳۰۷ -	سیستان ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۳۰۰ -
۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۵۶ - ۳۶۰ - ۳۷۵ -	سیالکوٹ .. ۲۴۰ - ۲۶۱ - ۵۰۱ -
۳۷۸ - ۳۸۹ - ۴۲۵ - ۴۸۰ - ۵۸۳ -	سیوہان .. .. . ۴۷۷
۷۱۹	* قلعہ *
شاہ بیگ خان افریدی ۱۳ - ۳۰۲ - ۳۰۸ -	قلعہ ساربان .. .. . ۶۲
۳۸۹ - ۴۸۱ - ۴۸۵ - ۵۶۵ - ۵۷۸ -	حصن سالہیر .. .. . ۱۰۶
۶۰۳ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۳ - ۷۲۱ -	حصن سالودہ .. .. . ۱۰۶
شاہ وردی خان لر .. .. ۱۹	دژ سفید .. .. . ۶۲
شاہ نواز خان صفوی ۲۲ - ۱۰۲ -	حصار سہر قند .. .. . ۲۵۵
۱۸۳ - ۲۸۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۳۲ -	قلعہ سنگین .. .. . ۶۲
۳۴۳ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۷۱۹ -	قلعہ سورت .. .. . ۹۲

شاه فولاد بیگ .. .. ۶۱۵	شادخان ۵۳ - ۵۴ - ۵۷ - ۱۵۷ - ۲۱۰ - ۲۱۳ -
شهاب خان ولد ملک علي .. ۷۴۸	۲۱۴ - ۲۲۰ - ۲۲۵ - ۲۴۴ - ۳۰۳ -
سید شجاعت خان ۱۶۲ - ۲۰۱ -	۴۸۴ - ۵۶۵ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۷۰۲ -
۲۷۹ - ۳۰۷ - ۳۱۹ - ۷۲۰ -	شاه محمد اوزبك .. ... ۵۸
شجاع ولد معصوم خان کابلي ۷۳۴	خواجه شاه میر بلخي .. .. ۹۹
خواجه شریف .. .. ۹۷ - ۲۲۷	وقاص حاجي شاه قلي خان ۱۲۷ -
شرف الدین حسین .. .. ۱۱۰	۱۲۸ - ۱۸۷ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۲۱ -
شریف خواجه ۵۸ بیدي .. ۲۳۲	۲۲۳ - ۲۲۵ - ۷۲۴ -
میر شریف پسر اسلام خان ۴۳۰	شافي پسر سید خان ۱۹۸ - ۴۰۶ - ۷۳۶ -
شرفجان بیگ ترکمان ۶۳۳ - ۷۴۶	شاه محمد میر شکار نذر محمد خان ۲۷۹
شفیع درمان حاکم قرشي .. ۴۵۴	شادمان پکهلیوال ۲۹۳ - ۴۸۵ - ۵۶۵ -
شفیع الله برلاس ۴۷۷ - ۴۷۹ -	۵۷۷ - ۶۱۶ - ۶۹۶ - ۷۳۳ -
۴۸۰ - ۵۰۶ - ۶۰۹ - ۶۱۴ - ۷۳۶ -	شاه عالم .. .. ۳۱۶
شکر الله عرب .. ۸ - ۲۲۸ - ۵۴۲	ملا شاه بدخشي .. ۴۲۱ - ۷۵۴ -
شکر نسا بیگم .. .. ۶۰۴ - ۶۱۳	شاه محمد ولد شاه بیگ خان کابلي ۴۷۵
شمس الدین ولد نظر بهادر خوشگي	سید شاه علي ۴۸۴ - ۵۹۵ - ۷۴۲ -
۱۶۲ - ۲۳۲ - ۲۳۹ - ۲۴۱ - ۵۷۹ -	شاه محمد قطغان ۵۱۶ - ۵۲۶ -
۶۷۴ - ۷۳۳ -	۵۶۷ - ۶۱۴ -
میر شمس تیولدار بروده ۲۳۲ - ۳۸۶ -	شاه محمد بے قرغر .. .. ۵۵۱
۵۱۱ - ۷۲۲ -	شاه محمد گرز بردار .. .. ۵۶۵

( ۱۳۷ )

شام .. .. . ۱۸۵	خواجه شمس الدين ۲۵۷ - ۳۱۷
شاه آباد معروف بويوناك ۲۰۸ - ۲۱۱ -	شمس الدين ولد مختار خان ۴۲۴ -
۳۵۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۴ - ۴۹۸	۴۸۸ - ۵۴۷ - ۵۵۵ - ۷۴۰
شاه پور .. .. . ۲۳۱ - ۲۳۲	شمشير خان تهانه دار خان آباد
شاه رقيه .. .. . ۴۴۲ - ۴۴۴	۶۱۶ - ۶۵۴ - ۶۵۵
شاديان .. .. . ۶۵۴	شمشير خان ترين .. ۶۸۷ - ۷۲۶
شاه جهان آباد .. .. . ۷۱۰ - ۷۱۴	شمشير ولد شيرخان تونور .. ۷۳۸
شبرغان ۴۵۲ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ -	سيد شهاب .. .. . ۱۹۸ - ۷۵۲
۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۵ -	سيد شهاب ولد سيد غيرت خان ۴۸۴ -
۵۶۹ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۶۰۱ - ۶۱۷ -	۵۵۰ - ۷۳۴
۶۱۸ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۴۳ -	خواجه شيرو .. .. . ۷۵
۶۵۸ - ۶۶۸ - ۷۰۸	شيرعلي مير اخور .. .. . ۱۹۶
شبرم .. .. . ۶۴۳	شيرخان ترين ۲۱۰ - ۳۳۲ - ۷۲۸
پرگنه شكر پور .. .. . ۳۰۹	سيد شير زمان پسر سيد خانجهان
شكار پور .. .. . ۴۰۳	۳۴۰ - ۴۷۴ - ۶۳۸ - ۷۳۶
شمس آباد .. .. . ۲۰۵	شيرخواجه بخاري .. ۳۵۲ - ۷۴۴
شورابه .. .. . ۵۲۶	شير مرد خواجه سيد اتائي ۵۷۹
شهر زور .. .. . ۱۸	سيد شيخن .. .. . ۶۷۸ - ۷۳۳
باغ شهر .. .. . ۱۴۷	شيرافكن ولد شيرزاد .. .. . ۷۵۱
شهر سبز .. .. . ۲۵۵	* مواضع *

میر صابر .. .. . ۱۰۵	شهر صفا .. .. . ۱۴۴۹
شیخ صادق .. .. . ۱۸۰	باغ شهر آرا ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸
صالح اشهری .. .. . ۱۸۲ - ۷۴۱	۵۹۰ - ۵۹۳
آقا صادق پسر میر فلاح .. ۱۹۰	شهاب .. .. . ۷۰۱ - ۷۰۶
صالح دستار خوانچی ۱۹۲ - ۲۲۳ - ۶۰۴	شهرک .. .. . ۷۰۶
صادق بیگ خالزاده امام قلی خان	شیخ پور .. .. . ۳۳۰
۳۰۶ - ۴۸۹ - ۶۹۰	شیخ آباد .. .. . ۶۹۶ - ۶۹۷
میر صالح ملازم محمد دارا شکوه قراول	* قلع *
بیگی ۳۴۴ - ۶۷۹ - ۷۵۲	قلعه شال .. .. . ۶۲
میر صالح ولد میر عبداللہ ۴۱۴ -	حصار شادمان .. .. . ۴۵۷
۵۰۲ - ۵۰۵ - ۵۱۰ - ۵۵۵ - ۷۵۲	قلعه شبرغان .. .. . ۶۲۲
حاجی صادق .. .. . ۴۳۳	قلعه شمالان .. .. . ۶۲
ملا صالح بدخشی عالم بلخ ۶۲۴	قلعه شهر صفا .. .. . ۶۱
صالح بیگ .. .. . ۶۴۹ - ۷۴۹	قلعه شهرک .. .. . ۶۲
سید صادق قدیمی .. .. . ۷۳۹	قلعه شیر .. .. . ۶۲
سید صدر خان .. .. . ۱۷۵ - ۷۴۲	* بحار *
سید صدقه .. .. . ۳۳۴ - ۳۳۷	آب شبرغان .. .. . ۶۱۷
مدیق بیگ نوکر خسرو .. ۵۱۷	* حرف صاد - کسان *
صفدر خان ۱۵ - ۴۹ - ۱۱۷ - ۱۲۲ -	صاحب داد و امان احداد .. ۳
۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۳۰ - ۲۱۵ - ۲۲۲ -	حکیم صالح برادر حکیم فتح اللہ ۴

رضوي .. .. . ۷۲۵	۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۸۳ - ۲۹۲ - ۳۵۶
صلاطت خان ۱۱ - ۱۰۲ - ۱۰۴ - ۱۳۵	۷۲۰ - ۴۹۵ - ۴۱۸ - ۴۱۴ - ۴۱۳
۱۶۱ - ۱۷۴ - ۱۷۶ - ۲۱۰ - ۲۲۵	شاه صفي فرمان رواے ايران پسر
۲۲۸ - ۳۰۵ - ۳۳۳ - ۳۴۱ - ۳۴۴	شاه عباس ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸
۳۷۳ - ۳۷۵ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲	۱۹ - ۳۰ - ۳۶ - ۳۷ - ۴۱ - ۴۷
۷۲۱	۴۹ - ۹۳ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۲۱۱
مير مصصام الدوله انجو ۹۶ - ۱۵۶	۲۹۶ - ۲۹۷ - ۳۶۷ - ۴۹۲ - ۴۹۳
۷۴۳ - ۳۴۸	۵۷۶ - ۵۹۵ - ۶۵۹
صوفي بابا .. .. . ۹۶	صفي قلي سلطان .. ۴۴ - ۶۱
صورت سين .. .. . ۳۵۹	خواجہ صفا .. .. . ۹۵
صوفي سلطان پسر ترسون سلطان	صفي قلي برادر يادگار بيگ .. ۹۹
۴۴۷ - ۴۴۸	صفشکن خان ولد ميرزا حسن ۱۴۳ -
صوفي بهادر .. .. . ۷۳۸	۲۱۸ - ۲۴۶ - ۴۱۶ - ۴۸۵ - ۵۸۴
* مواضع *	۷۲۷
صاحب آباد اچھول ۲۰۸ - ۲۰۹	صفي ميرزا شيخ اوغلي ۱۸۸ - ۱۹۰
۴۲۸ - ۴۳۳ - ۴۶۸	صفي قلي سيال منصور حاکم اسفراين
صدبرگ .. .. . ۶۷۰	۳۵۲ - ۳۵۵ - ۳۶۱
باغ صفا ۱۴۷ - ۵۰۸ - ۶۰۳ - ۶۰۴	مير صفي .. ۴۳۰ - ۶۳۵ - ۶۳۶
۶۴۱	صفي قلي ترکمان .. ۴۸۶ - ۷۳۳
صفاهان ۱۸۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۵۷۶	صفشکن خان ولد سيد يوسف خان

طاہر شیخ ۶۰۸ - ۶۱۰ - ۶۲۴ - ۶۲۷

خواجہ طاہر .. .. . ۶۰۹

طالبائے آملی .. .. . ۶۲۹

طاہر خان .. .. . ۶۷۲ - ۷۳۵

طغرل ارسلان برادرزادہ قلیچ خان

۶۱۴۵ - ۶۱۴۶ - ۷۵۰

طہماسپ قلی خان .. .. . ۱۶

شاہ طہماسپ .. .. . ۴۶ - ۷۰۳

طیب خواجہ پسر حسن خواجہ ۵۴۴ -

۶۱۱ - ۶۲۷ - ۶۳۲ - ۶۷۸ - ۷۲۲

\* مواضع \*

طاق بستان .. .. . ۱۸۸

طالقان ۴۳۷ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۶۱۴۴

۶۱۴۵ - ۶۱۴۹ - ۶۵۰ - ۷۰۲

طبیس .. .. . ۵۷۶

طول ۴۸۷ - ۵۰۳ - ۵۰۷ - ۵۰۹ - ۵۱۲ -

۵۱۳ - ۵۱۷ - ۵۲۵ - ۵۹۹ - ۶۶۸ -

۶۶۹ - ۶۷۰

\* حرف ظاء - کسان \*

ظریف فدائی خان ۱۴۱ - ۱۴۴ -

۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱

باغ صفاپور .. .. . ۱۹۵

صفاپور .. .. . ۱۹۵ - ۴۲۱ - ۴۲۵

باغ صورت .. .. . ۵۸۶

میدان .. .. . ۵۲۳

\* قلع \*

قلعہ صفار .. .. . ۶۲

\* حرف ضاد - کسان \*

حکیم ضیاء الدین رحمت خان ۲۰۷ -

۶۳۰ - ۶۳۳

\* مواضع \*

ضحاک ۱۷۳ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ -

۴۶۰ - ۵۲۱ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۷ -

\* قلع \*

قلعہ ضحاک .. .. . ۳۰۱

\* حرف طاء - کسان \*

طالب کلیم ۱۳۴ - ۴۲۰ - ۴۶۸ - ۷۵۷ -

میر طالب خویش حاجی عاشور ۳۳۴ -

طاہر یکاؤل ۴۳۶ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۵۵۳ - ۵۶۲ -

قاضی طاہر آصف خانی .. ۴۷۵

عاشور بیگ .. .. . ۹۶	۱۸۱-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷
عارف بیگ ولد ثاتار خان ۱۱۵-۷۴۴	۱۸۸-۱۹۶-۱۹۷-۲۰۱-۲۲۹
عاقل خان عنایت الله ۱۹۱-۲۰۰	۲۴۴-۲۴۶-۷۳۷
۲۴۴-۲۴۵-۳۰۵-۳۴۱-۳۷۳	ظریف بیگ .. .. . ۳۰۳
۴۱۴-۴۲۲-۴۳۱-۴۸۰-۴۹۱	ظریف بیگ دیوان بیگی .. ۴۴۴
۴۹۲-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۵-۶۲۸	خواجہ ظریف .. .. . ۵۰۶
۶۳۰-۶۷۹-۷۲۴	ظفرخان پسر خواجہ ابوالحسن ۲۹-
سید عالم بارہہ ۱۹۹-۴۷۴-۷۲۷	۹۳-۹۸-۱۲۵-۱۴۶-۱۸۱
میر عارف ابن سام مرزا برادر زادہ	۲۴۱-۲۴۷-۲۸۲-۲۸۳-۳۰۹
شاه طہماسپ ۲۴۳	۱۴۱-۱۴۲۰-۴۶۹-۵۰۴-۷۲۴
عارف خدمت گار ۳۶۹-۳۹۵-۴۰۹	میر ظہیر الدین علی ۲۲۳-۲۵۷-
سید عالم برادر ہزیرخان ۴۸۴-۷۴۲	۳۰۴
عاشور قلی حاجی ۵۵۱-۶۵۸-۶۶۷	* مواضع *
ملا عاشور دیوان .. .. . ۶۱۰	باغ ظفرخان .. .. . ۱۴۶-۶۴۰
عابد خواجہ .. .. . ۶۶۷	* حرف عین - کسان *
عادل ولد قاسم خان میر بحر ۷۳۸	عادل خان ۲۳-۹۵-۹۶-۱۶۶-
عبدالقادر .. .. . ۳	۱۷۷-۲۱۶-۳۳۴-۳۳۶
ملا عبدالطیف دفتر دار عقیدت خان	۳۵۲-۳۷۴-۴۹۱
۱۲-۹۲-۶۱۰-۷۴۱	حاجی عاشور ۹۱-۱۳۴-۱۹۷-۳۶۲
عبدالرحمن روہلہ ۱۲-۱۶۵-۷۲۹	خواجہ عارف .. .. . ۹۲

۷۲ - ۷۳ - ۷۶ - ۷۷ - ۸۰	شاه عباس پدر شاه صفی ۱۶ - ۲۴ -
شیخ عبدالوهاب ... .. ۷۵ - ۹۰	۲۶ - ۳۶۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹
عبدالله خان بهادر فیروز جنگ ۹۶ -	عبدالعزیز خان پسر کلان نذر محمد خان
۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۱۰ - ۱۳۶ - ۱۳۷ -	۲۶ - ۲۷ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ -
۱۶۹ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۲۲۳ -	۱۴۳۵ - ۱۴۳۶ - ۱۴۳۷ - ۱۴۳۸ - ۱۴۴۰ -
۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۶۸ -	۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ - ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ - ۱۴۴۵ -
۳۰۳ - ۳۰۷ - ۳۳۲ - ۳۴۱ - ۳۴۶ -	۱۴۴۶ - ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ - ۱۴۴۹ - ۱۴۵۰ -
۳۴۸ - ۳۵۲ - ۳۷۳ - ۳۷۵ - ۴۰۲ -	۱۴۵۱ - ۱۴۵۲ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶ -
۵۷۲ - ۷۱۸	۱۴۵۷ - ۱۴۷۱ - ۱۴۷۲ - ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴ -
ملا عبدالغفور خاجب نذر محمد خان	۵۸۲ - ۶۳۸ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۷ -
۱۰۰ - ۱۰۳ - ۱۱۶	۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۸۶ -
خواجه عبدالغنی .. .. ۱۰۱	۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۷۰۰ - ۷۰۱ -
میر عبدالکریم ۱۰۳ - ۳۳۰ - ۴۹۱ - ۷۳۲	۷۰۳ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۹ -
عبدالكافي نواسه یمین الدوله ۱۱۶ -	عبدالله پسر سعید خان ۴۳ - ۴۸ -
۴۲۲	۵۷ - ۱۷۴ - ۲۶۵ - ۳۶۲ -
عبدالله نجم ثانی ۱۲۹ - ۱۶۸ - ۳۵۸ -	۳۷۹ - ۷۳۳
۳۶۰	سید عبدالواحد .. .. ۴۳ - ۴۸ -
شیخ عبدالکریم ۱۳۰ - ۶۰۶ - ۷۳۹	عبدالرحمن ولد عبدالعزیز خان ۴۷ -
عبدالرحمن ولد صادق خان ۱۳۴ -	عبدالسلام برادر مکرم خان .. ۶۷ -
۱۴۱ - ۱۴۶	شیخ عبدالسلام حارس کوچ هاجو ۷۱ -



( ۱۴۳ )

۱۴۱ - ۱۴۳ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۸ - ۱۵۰ -	عبدالله بیگ پسر منصور حاجی ۱۴۱ -
۱۴۱ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۸ - ۱۵۰ -	۱۵۳ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۸ -
خواجہ عبدالرحمن ولد عبد العزيز خان	ملا عبد الحکیم سیالکوٹی ۱۴۱ - ۱۶۸ -
نقشبندی ۲۶۵ - ۵۷۷ - ۶۴۵ -	۲۲۹ - ۲۵۷ - ۳۰۹ - ۴۱۶ - ۵۰۱ -
۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۸۳ - ۷۴۶ -	۷۵۵
سید عبدالرزاق .. .. ۲۷۹	خواجہ عبدالغفار ولد صالح خواجہ
شاه عباس پسر شاه صفی فرمانروای	دله بیدی ۱۶۸ - ۲۲۷ - ۴۵۵ -
ایران ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ -	۵۴۴ - ۶۸۷ -
۱۴۹۳ - ۵۹۵ -	عبدالرحیم بیگ اوزبک ۱۶۹ - ۱۸۲ -
شیخ عبد الصمد عمودی سفیر ۳۳۱ -	۲۴۶ - ۷۲۷ -
۳۳۳ - ۳۳۶ - ۳۴۲ -	عبدل .. ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ -
عبدالله خان پسر عم احمد خان ۳۴۹	میر عبد الله ولد میر عارف صفوی
سید عبدالرسول بارهه ۳۸۴ - ۷۴۷	۱۷۹ - ۲۲۴ - ۲۴۳ - ۲۷۵ - ۴۸۹ - ۶۲۸ -
خواجہ عبدالرحیم .. ۳۸۶ - ۴۷۸	سید عبدالقادر جیلی .. ۱۸۹
عبدالرحمن پسر شیخ رکن الدین ۴۱۱	سید عبدالوهاب ۲۰۰ - ۳۷۹ - ۷۲۹
عبدالنبی پسر خاندوران ۴۲۸ - ۷۵۰ -	ملا عبد الحمید لاهوری مولف کتاب
خواجہ عبد الخالق داماد نذر محمد	۲۳۴ - ۴۸۰ - ۶۳۷ -
خان ۴۵۰ - ۵۸۰ - ۶۰۸ -	عبد الکافی برادر اصالت خان ۲۴۰ - ۴۷۱ -
۶۰۹ - ۶۱۰ - ۷۳۹ -	عبدالرحمن دیوان بیگی ۲۵۳ - ۲۵۴ -
خواجہ عبد العزيز ولد صفدر خان	۲۵۵ - ۲۵۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ -

( ۱۴۴ )

عبدالرحمن ترنابي .. .. ۷۳۴	۶۱۰ - ۵۶۵ - ۴۸۶
خواجه عبدالهادي ولد صفدر خان ۷۳۸	عبدالغني بيگ .. .. ۵۰۳
سيد عبدالماجد امروھه .. ۷۴۰	خواجه عبدالرزاق .. .. ۵۰۵
عبدالرزاق ولد امير خان .. ۷۴۱	خواجه عبدالولي معروف بخواجه پارسا
عبدالوھاب خويش لشکر خان ۷۴۳	۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۴۴ - ۶۸۷
سيد عبدالله نبيدڙ سيد مرتضيٰ ۷۴۴	خواجه عبدالوھاب رئيس بلخ ۵۳۵ -
سيد عبدالله بارھه .. .. ۷۴۵	۵۳۶ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۳۶ - ۶۷۹ -
عبدالغفور ولد عرب خان .. ۷۴۵	۷۳۷
سيد عبدالصمد مانکپوري .. ۷۴۷	عبدالرحمن پسر نذر محمد خان ۵۴۱
عبدالھومن .. .. ۷۴۹	۵۶۱ - ۵۷۵ - ۵۸۰ - ۵۸۲ - ۶۰۱ -
شيخ عثمان .. .. ۱۳۱	۶۰۶ - ۶۰۹ - ۶۱۰
عثمان خان عموي بهادر خان روهله ۷۳۳	عبدالله سرا ۷۰۵ - ۶۶۷ - ۶۵۸ - ۵۵۱
عجب سنگهه ولد سترسال کچهواھه	عبدالله بيگ پسر عبدالرحيم بيگ ۵۶۲
۴۸۵ - ۵۵۰ - ۵۵۴ - ۶۵۷ - ۷۴۱	عبدالغفور بيگ يکه اولنگي .. ۵۶۵
مير عرب .. .. ۱۷۶	مير عبدالله کولابي .. .. ۵۶۷
عرب خان .. .. ۷۲۶ - ۴۱۷	عبدالکریم سلطان کاشغري .. ۵۸۱
عزت خان (عزيزالله خان شده بود) ۴ -	عبدالرحيم خواجه جويباري ۵۸۲
۱۳ - ۴۴ - ۴۸ - ۵۳ - ۵۴ - ۱۳۱ -	ملا عبدالرؤف .. .. ۶۱۰
۱۵۶ - ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۲۱۹ -	خواجه عبدالرحمن پسر شاه خواجه ۶۲۴
۲۲۳ - ۲۹۲ - ۳۷۹ - ۷۲۲	عبدالله خان والي توران .. ۷۰۳

- ۲۳۳ - ۲۸۰ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۹۵	میدرعزیز ملازم داراشکو ۵۷۲ - ۵۷۶
- ۳۱۵ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۷۵	عسکری خویش سیفخان .. ۱۰۳
- ۴۰۱ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۱۱	عسکری ولد آصفخان جعفریگ ۷۵۲
- ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۲۴ - ۴۵۷ - ۴۵۸	عسکری بخش اعدیان .. ۷۵۲
- ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳	عطاءالله .. .. ۹۵
- ۴۶۴ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۷۹ - ۴۸۱	عطاءالله خوافی .. ۶۳۳ - ۷۵۱
- ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۹۸	عطاءالله بخشی .. ۶۷۲
- ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۱	علائی زن اعداد .. .. ۳
- ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۷	علیمردان خان امیرالامرا ۱۸ - ۲۳ -
- ۵۱۸ - ۵۲۰ - ۵۲۵ - ۵۲۷ - ۵۳۰	- ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲
- ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷	- ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۸ - ۳۹
- ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۳ - ۵۴۵	- ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۵۰ - ۵۱
- ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۵۰ - ۵۵۸ - ۵۶۳	- ۵۲ - ۵۲ - ۹۲ - ۹۴ - ۹۵ - ۱۰۰ - ۱۱۳
- ۵۶۷ - ۶۰۳ - ۶۳۳ - ۶۷۰ - ۶۷۳	- ۱۱۷ - ۱۲۳ - ۱۲۵ - ۱۲۷ - ۱۲۸
- ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸	- ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۴۱
- ۶۸۹ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۵ - ۶۹۶	- ۱۵۹ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵
- ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱	- ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۷۴ - ۱۷۶
۷۱۵ - ۷۱۸	- ۱۷۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۶ - ۱۹۹
علی بیگ ۲۹ - ۴۴ - ۹۷ - ۱۰۰ -	- ۲۰۰ - ۲۰۳ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲
۲۴ - ۳۰ - ۳۰ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۲۰۱ - ۲۶۶	- ۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۲۲ - ۲۲۶

عمرچلپي .. .. ۱۹۶ - ۲۱۸	علاول ترين ۱۴۴ - ۱۴۸ - ۵۴ - ۱۳۱ -
عمرينگ برادر محمد پاشا .. ۲۱۸	۴۸۴ - ۵۵۰ - ۵۵۴ - ۶۱۴۳ - ۷۳۱
عمر آقاي رومي .. .. ۳۸۶	مير علي اکبر کروري ۱۱۶ - ۳۸۴
عمرينگ گرزبدرار .. .. ۵۴۷ - ۶۴۸	علي پاشا حاکم بصره ۱۲۳ - ۲۴۶ - ۶۰۶
سيد عمر دکني .. .. ۷۲۸	علي اکبر سواد اگر ۲۴۶ - ۶۰۶ - ۶۰۷ -
عمر ترين .. .. ۷۵۱	۷۴۷
عنايت الله پسر امانت خان ۱۳۳ - ۱۳۴	مهلا علاء الملک ۳۱۰ - ۳۱۵ - ۳۴۲ -
عنايت الله عاقل خان برادرزاده افضل	۴۲۲ - ۴۳۱ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۵۴۷ -
خان ۱۴۲	۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۳۹ - ۷۲۸ - ۷۵۵ -
عنايت الله پسر کلان مرزا عيسي توخان	علي پاشا حاکم لکسا .. .. ۳۹۰
۲۶۲ - ۲۹۰ - ۳۸۶ - ۷۲۶	آقا علي مستوفي .. .. ۶۳۳
عنايت خان ۱۹۷ - ۲۰۱ - ۲۲۳ - ۷۳۹	سيد علي پسر سيد جلال ۶۳۸ - ۶۸۲ -
حکيم عنايت الله .. .. ۳۶۹	۷۳۷
عنايت الله پسر ظفر خان ۴۱۹ - ۴۸۹	سيد علي خويش سيد خان جهان ۶۳۹ -
خواجه عنايت الله ۴۸۶ - ۶۳۳ - ۷۳۸	۷۴۸
عنايت برادر بهادر خان روهله ۵۵۴ -	علي قلي خان حاکم مرو .. ۶۶۳
۶۱۵ - ۷۵۰	علي قلي برادر ترکمان خان ۷۳۸
عنبر حبشي .. .. ۶۰۷	مير علي ولد مير موسي .. ۷۴۷
عنايت الله نبيد خواجه ابوالحسن ۷۴۴	علي بيگ زيبک .. .. ۷۵۰
عوض خان قاقشال ۵ - ۳۲ - ۳۳ -	قاضي عمر ميرشکار ۱۰۰ - ۱۰۳ - ۱۱۲ - ۱۳۴ -

سید غلام محمد ولد سید محی الدین	۳۴ - ۳۹ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۸ -
۳۸۴	۵۱ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۹ -
غیرت خان برادر زاد عبد اللہ خان ۹۶ -	۱۴۵ - ۱۵۳ - ۱۷۳ - ۲۰۰ - ۷۲۵ -
۱۱۱ - ۱۱۵ - ۱۵۸ - ۱۶۸ - ۱۷۹ -	عوض بیگ ملازم عادل خان ۱۶۷ - ۱۷۷ -
۱۹۸ - ۲۲۵ - ۷۲۳ -	عوض بیگ برادر اللہ دوست .. ۵۴۸ -
* مواضع *	میرزا عیسیٰ ترخان ۱۲ - ۱۶۲ - ۱۹۳ -
غرجستان .. ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۶۶ -	۲۹۰ - ۳۰۲ - ۳۵۲ - ۳۷۷ - ۷۱۹ -
غزنی ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۹ - ۱۵۰ -	عین علی .. .. ۵۷۷ -
۱۵۸ - ۱۷۳ - ۲۰۰ - ۲۹۶ - ۲۹۷ -	* مواضع *
۴۱۱ - ۶۸۰ -	عراق ۴۰ - ۴۹ - ۵۰ - ۱۵۲ - ۲۵۵ -
غلغل .. .. ۶۷۰ -	۳۱۲ - ۳۱۶ - ۳۶۵ - ۶۶۲ -
غوربند ۱۵۳ - ۱۷۳ - ۳۰۱ - ۴۵۸ -	عرب .. .. ۱۸۴ - ۲۱۰ - ۲۴۶ -
۶۸۳ - ۶۶۹ - ۶۴۲ - ۵۲۱ - ۴۵۹ -	علی مسجد .. .. ۱۴۶ - ۶۴۰ -
غوری ۴۵۱ - ۵۱۲ - ۵۲۱ - ۵۲۳ - ۵۲۴ -	علی آباد ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۹۴ - ۶۹۵ -
۵۲۵ - ۵۳۳ - ۵۴۰ - ۵۵۵ - ۵۶۵ -	* حرف غین - کسان *
۵۸۵ - ۶۰۰ - ۶۰۳ - ۶۱۵ - ۶۵۰ -	غازی بیگ ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۷ - ۴۴۸ -
۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۶۹ -	۵۰۹ - ۷۵۱ -
غوطی .. .. ۵۴۹ - ۵۵۱ -	غضنفر ولد اللہ وردی خان ۲۳۶ -
* قلع *	۳۱۸ - ۳۳۱ - ۳۴۲ - ۴۸۶ - ۵۲۳ -
دژ غوری ۶۲ - ۴۸۷ - ۵۲۰ - ۵۲۴ -	۵۲۴ - ۵۷۸ - ۶۳۳ - ۶۸۸ - ۷۴۰ -

۱۵۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۹۳-۲۹۴	• بکار *
۴۰۷-۴۱۸-۴۸۴-۶۵۷-۶۸۶	آب غوري مشهور بسرخ آب .. ۵۲۳
۷۲۴	• حرف فاء . کسان *
حاجي فريدون .. .. ۱۶۴	ملا فضل کابلي .. .. ۱۴۱-۱۶۸
فرهاد بيگ بلوچ .. ۲۰۸-۷۴۹	خواجه فضل .. .. ۲۸۲
فريدون ملازم علي مردان خان ۲۵۷-	مير فضل مخدوم زاده .. .. ۷۴۱
۴۰۱-۴۶۶-۴۶۷-۶۷۳-۶۷۴	حکيم فتح الله ۱۸۰-۴۲۲-۷۳۹-۷۵۷
فرخ بيگ خراساني ۲۷۹-۵۶۵-۶۱۷	مير فتاح صفاهاني ۱۸۸-۱۹۰-
فراحت خان ۳۹۹-۴۱۶-۶۷۹-۷۳۶	۴۳۲-۴۸۱-۷۴۹
فرهاد ملازم علي مردان خان ۴۰۱-	فتح ضياء .. .. ۲۱۶-۷۳۹
۶۷۳-۶۷۴	سيد فتح محمد پسر سيد بلي ۲۲۲
فرهاد بيگ پسر نظربروتي ۴۴۵-۴۴۶-	فتح خان ولد عنبر حبشي .. ۴۱۰
۴۵۰	خواجه فتح الله نقشبندي .. ۴۷۱
فرهاد غلام نذر محمد خان .. ۴۵۷	شيخ فتح الله خويش مبارز خان ۵۶۵
مير فرخ .. .. ۶۵۱	فتح الله برلاس .. .. ۷۵۰
فرهان حبشي .. .. ۷۲۸	فتح الله ولد سعيد خان بهادر ۷۵۱
فصيح خان .. .. ۳۰۴	فتح الله ولد نصر الله .. .. ۷۵۲
فضيل بيگ ملازم اسلام خان .. ۷۳	مير فخرالدين .. .. ۱۴۳-۲۲۲
فضل الله پسر امانت خان .. ۱۳۳	فونگيان .. .. ۱۷-۱۱۸-۱۱۹
فضيل برادرزاده مقرب خان .. ۲۳۴	شيخ فريد ولد قطب الدين خان ۲۱-

فتح آباد ۵۶۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۸۸-۶۹۶	میر فضل اللہ کرمانی .. .. ۶۳۷
فراہ ۴۰-۶۱-۶۲-۳۰۰-۵۷۶	فولادیگ نوکر قلیچ خان ۵۷-۴۸۹
فرید آباد .. .. ۱۱۱-۳۲۰	فولادخواجہ پسر سنگی خواجہ ۶۰۹-
باغ فرح بخش ۱۹۲-۱۹۹-۲۵۷-	۶۲۴
۲۸۰-۳۱۲-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۷-	فولاد سراے .. .. ۶۵۵
۴۱۴-۴۲۳-۴۳۴-۶۳۷	میر فیض اللہ مخاطب برحمت خان ۲۱
فروزہ .. .. ۵۸۲	فیروز خان ۱۰۲-۱۴۴-۱۵۱-۱۸۳-
فرخار .. .. ۶۵۰	۳۹۸-۷۲۴
فرخ آباد .. .. ۶۶۲	سید فیروز خویش سید خان فہان ۲۷۸-
باغ فیض بخش ۱۹۲-۱۹۹-۲۵۷-	۴۶۸-۴۷۴-۵۶۴-۵۷۸-۶۲۵
۲۸۰-۳۱۲-۳۱۴-۳۱۷-۴۱۴-	۶۷۹-۷۲۷
۴۲۳-۴۳۴-۶۲۸-۶۳۷	فیض اللہ پسر زاهد خان ۳۷۳-۴۳۴-
فیض آباد .. .. ۶۹۶-۶۹۷	۶۳۹-۷۳۲
* قلعہ *	خواجہ فیض اللہ برادر خواجہ ابوالحسن
قلعہ فتح آباد .. .. ۶۲	۴۸۹
قلعہ فتح .. .. ۱۷۳	فیلدار خان .. .. ۵۵۵-۶۳۹
قلعہ فولاد .. .. ۶۱-۶۲	* مواضع *
* حرف قاف - کسان *	فاریاب .. .. ۶۲۲
قادر داد ولد محمد زمان .. ۳	فتحپور ۱۰-۳۴۴-۳۵۳-۳۵۶-۴۰۷-
شیخ قاسم محترم خان .. .. ۶۸	۴۳۱-۵۹۴

۶۶۶-۶۶۷-۶۶۹-۶۸۹-۶۸۹	قاسم خان .. .. ۷۱-۱۷۱
۶۹۴	میر قاسم سمنانی .. ۷۵-۷۵۰
قتلق اویناق ترکمن .. .. ۶۵۸	قاسم پسر خسرو ۱۴۵۲-۵۵۳-۵۷۵
قریق .. .. ۱۴۴۳	۶۵۸-۶۶۲
میر قریش .. .. ۵۶۷	قاسم بیگ .. ۴۶۲-۴۷۲-۵۶۵
قرچہ سوائے .. .. ۵۶۷-۶۴۶	قاسم باے قطغان ۵۱۶-۵۶۷-۶۱۴
قریق .. .. ۶۵۵	خواجہ قاسم نقشبندی ۶۱۲-۶۳۷
قربانعلی میر آخور باشی ترکمن ۶۵۸	قاسم بیگ صفدر خانی .. .. ۶۴۶
قرمان ولد ذوالفقار خلیفہ .. ۷۴۷	قایم بیگ داروغہ نقارخانه .. ۶۸۳
قزاق خان ۱۵۰-۱۸۷-۲۲۰-۲۳۴	خواجہ قاسم حصاری .. .. ۷۴۶
۳۰۹-۷۲۶	قاسم علی .. .. ۷۴۷
قزلباش خان ۱۷۶-۲۹۰-۴۱۷-۷۲۲	قباد ولد شجاع کابلی ۲۲۳-۵۱۸-۷۴۹
قطب الملک ۹۹-۲۱۶-۳۵۵-۴۲۳	قباد میر آخور ۱۴۵۲-۵۲۴-۵۲۵
قطب الدین ولد نظر بہادر خوشگی ۷۳۹	۵۵۴-۵۵۵-۶۰۰-۶۳۲-۶۳۶
سید قطب ولد شجاعت خانی ۷۴۶	قباد ملازم اورنگ زیب .. .. ۷۰۰
قلیچ خان ۳۳-۳۵-۳۶-۴۰	قباد بیگ اوزبک .. .. ۷۳۳
۴۲-۵۰-۵۴-۵۵-۵۷-۵۸	قتلق سید .. .. ۴۳۷
۶۰-۶۱-۶۳-۹۶-۱۲۱	قتلق محمد پسر نذر محمد خان ۴۳۸
۱۲۲-۱۵۵-۱۵۶-۱۷۱-۱۷۲	۵۳۹-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۸۲
۱۷۳-۲۲۴-۲۳۴-۲۴۴-۲۴۵	۶۰۱-۶۵۸-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۵



۶۸۶	- ۲۸۱- ۲۷۳- ۲۷۲- ۲۷۱- ۲۶۴
قرباغ ۵۰۹ - ۵۸۴ - ۶۵۰ - ۶۶۹	- ۳۵۶- ۳۱۸- ۳۱۵- ۲۹۴- ۲۹۳
قرشك .. .. . ۵۶۵	- ۴۵۷- ۴۲۴- ۴۱۵- ۴۱۴- ۴۱۳
قروچي .. .. . ۶۱۶	- ۵۱۲- ۵۰۳- ۴۸۶- ۴۸۵- ۴۶۳
قزوين .. .. . ۳۰۰	- ۵۵۴- ۵۲۵- ۵۲۴- ۵۲۳- ۵۲۰
قزغران .. .. . ۵۳۳	- ۶۴۶- ۶۴۵- ۵۶۸- ۵۶۴- ۵۶۰
قلات ۳۹ - ۳۴ - ۲۰۰ - ۳۵۶ - ۳۷۹	۷۱۹ - ۷۰۲ - ۶۸۵ - ۶۵۰ - ۶۴۷
قندهار ۱۸ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹	۹۲ .. .. . قل بيگ
- ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴	قل محمد جيبه چي قطغان ۵۱۹ -
- ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹	۶۱۴ - ۵۶۷
- ۴۱ - ۴۲ - ۴۴ - ۴۶ - ۴۷	قلعه دار خان .. .. . ۷۳۴ - ۲۰۸
- ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳	قندزي بيگ پسر عبد الرحيم بيگ ۵۶۲ -
- ۵۴ - ۵۶ - ۵۷ - ۶۱ - ۶۲	۶۱۲
- ۹۳ - ۹۶ - ۱۲۲ - ۱۲۴ - ۱۲۵	قورچي بيگ پسر اوراز بے .. ۶۶۷
- ۱۲۹ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲	* مواضع *
- ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۸ - ۱۷۰ - ۱۷۱	قازليق .. .. . ۲۵۵
- ۱۷۳ - ۱۸۲ - ۲۱۱ - ۲۱۳ - ۲۲۴	قباديان .. .. . ۶۴۵ - ۶۱۴
- ۲۳۴ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۶ - ۲۹۷	قدس خليل .. .. . ۱۸۵
- ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۱۰ - ۳۱۷ - ۳۵۶	قرشي ۴۳۵ - ۴۳۸ - ۴۴۷ - ۴۴۸
- ۳۶۲ - ۴۰۱ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۸	- ۴۴۹ - ۴۵۶ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۶۵۷

راے کاسیداس بخشع کابل ۱۴۳ -

۴۸ - ۵۴ - ۱۵۶ - ۲۲۶ - ۲۴۰ -

۲۸۵ - ۴۰۸ - ۶۰۶ - ۷۳۶ -

مرزا کامران .. .. ۴۶

کاظم میر عمارت .. .. ۲۰۸

کاظم ملازم محمد اورنگ زیب ۲۳۶ -

کامل بیگ گرز بردار ۶۴۷ - ۶۴۸

کارطلب خان دکنی .. .. ۷۲۴

کاظم خویش وزیر الملک .. .. ۷۴۴

کور کریمداد پسر جلاله عم اعداد ۱۲ -

۱۳ - ۱۴

کرپارام ۳۷ - ۲۳۹ - ۴۸۴ - ۷۳۹

کرام خواجه نقشبندی .. .. ۲۵۶

راوکرن ولد راوسور .. .. ۳۸۲ - ۷۲۷

کرم الله ولد علی مردان خان ۳۹۹ - ۷۳۲

کرشاسب .. .. ۴۸۶

کریمداد قاقشال .. .. ۷۴۲

کشناجی وکیل .. .. ۱۰۷

راجه کشن سنگه به دوریه ۳۴۸ - ۷۳۵

کشن سنگه نبیرا راجه مانسنگه

۵۱۰ - ۵۵۵ - ۵۷۷ - ۶۸۴ - ۷۱۱ -

۷۱۲

قندز حاکم نشین بدخشان ۴۳۷ -

۴۸۷ - ۵۰۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ -

۵۲۰ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ -

۵۳۳ - ۵۶۳ - ۵۶۶ - ۵۸۵ - ۶۴۵ -

۶۵۰ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۷۰۲ -

قوش رباط ... .. ۵۳۴ - ۵۳۵

قورماج .. .. ۶۶۳

قوشنج .. .. ۲۱۰

\* قلع \*

قلعه قلات .. .. ۶۱ - ۶۲

قلعه قندهار ۲۳ - ۲۴ - ۲۸ - ۳۱ -

۴۰ - ۵۰ - ۶۱ - ۲۲۴ - ۷۱۴

قلعه قندز .. .. ۵۱۶ - ۶۰۰

قلعه قوشنج .. .. ۶۱

\* بحار \*

دریای قندز .. .. ۵۲۷ - ۵۳۳

\* حرف کاف - کسان \*

کامران .. .. ۳۶ - ۱۵۱

۷۳۶ - ۴۶۸	۷۴۸ - ۴۸۵ - ۴۷۳
کورمکي .. .. . ۴۶۲	کشن سنگهه تونور .. ۷۴۷ - ۴۸۴
کوچ نظربوتني .. .. . ۵۸۲	کفایت خان ۱۲۹ - ۱۵۶ - ۲۰۸ - ۷۴۴
مرزا کوهاني .. .. . ۶۲۳	کفش قلماق ۴۶۲ - ۴۵۱ - ۴۶۵ - ۴۶۶
شاه کوچک سرا .. .. ۶۲۳	۶۶۶ - ۶۶۴ - ۶۶۳ - ۶۲۲ - ۶۲۱
کوپک چوره اقا سي .. .. ۶۶۸	کلیان جهالا ملازم رانا جگت سنگهه ۸ -
کهیلوجي .. .. . ۱۶۶	۳۸۸ - ۱۲
راجه کيرت .. .. . ۷ - ۶	خواجه کلان بیگ ملازم مرزا کامران ۴۶
کيرت سنگهه پسر جيسگنه .. ۳۴۶	مير کلان قوش بیگی امام قلي خان
کيسري سنگهه مهابتخاني ۵۹۵ - ۷۵۲	۲۲۸ - ۲۲۳ - ۲۲۱ - ۲۱۵ - ۲۱۳
* مواضع *	مير کلان خاندوراني ۴۲۱ - ۴۳۱ - ۷۴۷
صوبه کابل ۳ - ۲۳ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ -	مير کلان کولابي .. .. ۵۶۷
۳۰ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۶ - ۳۸ -	شيخ کمال .. .. ۶۷ - ۶۶ - ۶۵
۴۳ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ -	خواجه کمال ارباب اندخود ۵۵۳ - ۵۶۸
۹۷ - ۱۲۲ - ۱۲۶ - ۱۳۰ - ۱۳۱ -	حاجي کمال صفاهاني .. .. ۶۰۶
۱۳۵ - ۱۳۸ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۴ -	کنهي ولد بلبهدر سکهاوت .. ۷۵۰
۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۲ -	کوچک احمد پاشا ناظم موصل ۱۹
۱۵۳ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۶۵ - ۱۷۱ -	کوکب ولد قمرخان .. .. ۱۱۵
۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۹۲ - ۱۹۷ - ۲۰۶ -	کوچک بیگ .. .. ۲۳۵ - ۱۹۶
۲۱۳ - ۲۱۷ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۶ -	راجه کورسين کشتواري ۲۰۸ - ۴۳۴ -

کانو ۲۵۶ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۳۱۷ - ۳۱۸	- ۲۲۹ - ۲۴۰ - ۲۵۱ - ۲۶۱ - ۲۸۰
کانگره .. .. . ۲۸۷	- ۲۸۳ - ۲۹۳ - ۲۹۵ - ۳۱۷ - ۳۲۲
کاشان .. .. . ۲۹۷ - ۳۰۰ - ۳۵۹	- ۳۳۹ - ۳۴۸ - ۳۵۶ - ۴۰۱ - ۴۰۲
کاشغر .. .. . ۳۴۹	- ۴۰۴ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۵ - ۴۱۶
کالنجر .. .. . ۳۷۹	- ۴۲۴ - ۴۳۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸
کاویل .. .. . ۳۸۷	- ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۲ - ۴۶۴ - ۴۶۶
کالنه .. .. . ۳۸۷	- ۴۷۰ - ۴۸۲ - ۴۸۶ - ۴۹۲ - ۵۰۰
کاشیال .. .. . ۴۸۱	- ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۸ - ۵۰۹
قصبه کتانه .. .. . ۵۱۴	- ۵۱۳ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۹ - ۵۲۱
کچلی .. .. . ۸۸ - ۸۹	- ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۲ - ۵۳۴
کچه .. .. . ۲۸۶	- ۵۴۵ - ۵۶۳ - ۵۷۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳
کردستان .. .. . ۱۹	- ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۹ - ۵۹۰
کراوین .. .. . ۲۱	- ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵
کرمان .. .. . ۲۷	- ۵۹۶ - ۵۹۹ - ۶۰۳ - ۶۰۵ - ۶۱۱
پرگنده کری باری .. .. . ۷۸ - ۶۵	- ۶۳۴ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰
کریو .. .. . ۱۶۰ - ۱۵۹	- ۶۴۲ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱
کرجهای .. .. . ۲۰۵	- ۶۷۸ - ۶۸۰ - ۶۸۵ - ۷۰۳ - ۷۱۱
کرمنه .. .. . ۳۳۰	۷۱۴
کرکان .. .. . ۶۴۳ - ۶۴۲ - ۵۶۵	خرد کابل .. .. . ۱۴۷
کرزوان .. .. . ۶۶۷ ۶۲۳ - ۶۲۲	کانهی .. .. . ۲۳۱

کلتنه .. .. ۶۱۴۳ - ۶۱۴۲	کشک نخود .. .. ۵۴ - ۴۰
کمانون .. .. ۳۳۴	کشمیر ۶۹ - ۹۸ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶
کنور .. .. ۳۷۱ - ۳۷۰	۱۳۰ - ۱۴۱ - ۱۴۹ - ۱۵۹ - ۱۶۰
بندر کنبایت ... ۶۰۷ - ۶۰۶	۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۶ - ۱۶۹ - ۱۷۹
کوشک .. .. ۳۲	۱۸۰ - ۱۸۲ - ۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۱
کوچ هاجو ۶۴ - ۶۵ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰	۱۹۲ - ۱۹۷ - ۲۰۱ - ۲۰۴ - ۲۰۵
۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷	۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۳ - ۲۲۳
۷۹ - ۸۰ - ۸۷ - ۸۸ - ۹۴	۲۲۵ - ۲۳۸ - ۲۵۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳
کوچ بهار .. .. ۷۵ - ۶۹ - ۶۴	۲۸۹ - ۳۳۹ - ۳۴۵ - ۳۶۲ - ۳۶۹
کوه ممتي .. .. ۷۹	۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵
کوهات .. .. ۱۵۸	۴۱۷ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۵ - ۴۲۹
کولي .. .. ۲۳۱	۴۳۰ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۶۷
کولاب .. .. ۵۶۷ - ۵۶۵	۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۸۱ - ۴۹۱ - ۵۰۰
کھيله .. .. ۷۵ ۶۷ - ۶۶	۵۹۳ - ۶۰۵ - ۷۱۱ - ۷۱۴ - ۷۵۴
کھونته گھات .. .. ۸۲ - ۸۱ - ۷۹	کشن گدهه .. .. ۳۷۳
کھيرله .. .. ۲۰۶	کشن ده خرد .. .. ۶۷۲
کھورد ۴۰۱ - ۴۳۷ - ۴۳۹ - ۴۵۱	ککنهلا .. .. ۳۳۰
۴۵۶ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱	کليف ۴۵۲ - ۶۱۳ - ۶۱۶ - ۶۴۳ - ۶۵۴
۴۸۶ - ۵۱۲ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۶۷۱	۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۸۶
کيرانه .. .. ۶۱۳	کلتنه .. .. ۵۶۵

راجہ گجسنگھہ ۸ - ۱۱ - ۹۷ - ۱۰۵ -	۶۵۲ .. .. . میلکی
۷۱۹ - ۵۵۰ - ۳۸۸ - ۱۶۳ - ۱۲۲	* قلعہ *
گجسنگھہ ولد بہاریداس .. ۴۳	قلعہ کالنجری ۶ - ۱۲۹ - ۱۶۸ - ۴۱۲
گرشامب برادر لہراسپ خان ۱۷۷ -	حصن کابل ۱۵۶ - ۶۴۷ - ۶۴۱ - ۶۷۱
۷۴۳ ۵۸۵ - ۵۴۱	قلعہ کانگڑہ ۱۷۵ - ۲۸۶ - ۲۸۸ - ۳۳۵
گرشامب مرزا باندی پسر خسرو ۲۱۰	حصار کرباری .. .. ۷۸
گودھرداس کور ۳۰۱ - ۳۱۸ - ۴۸۰ -	قلعہ کزیو .. .. ۶۲
۷۳۳ - ۶۱۰ - ۴۸۴	قلعہ کشک نخود .. .. ۶۱ - ۵۵
گلرخ بانو بیگم صبیحہ محمد شاہ شجاع	قلعہ کفش قلماق .. .. ۴۴۲
۱۶۶	قلعہ کلنہ .. .. ۶۴۲
گنج علی خان زیک .. .. ۲۷	قلعہ کلیف .. .. ۶۴۳
گروپال سنگھہ ۱۴۳ - ۱۴۸ - ۳۸۵ - ۴۸۴ -	قلعہ کنور .. ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۴۲۵
۷۳۲ - ۶۴۳ - ۶۱۵	حصار کوچ ہاجو .. .. ۷۶
گوپی ناتھ .. .. ۷۸	قلعہ کوتلہ .. .. ۲۸۷
گوکلداس سیسودیہ ۹۶ - ۱۵۶ - ۲۳۹ -	قلعہ کھمرد ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۷ - ۴۵۸ -
۲۴۱ - ۲۷۳ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۷۳ -	۴۵۹ - ۴۶۲ - ۵۲۰ - ۶۰۰ - ۶۷۱
۶۴۳ - ۶۴۲ - ۵۹۵ - ۴۸۴	• بحار •
گوردھن رائہور ۱۶۳ - ۳۸۸ - ۷۴۰	آب کچلی .. .. ۸۹
گویند داس رائہور ۳۷۱ - ۴۳۱ - ۷۴۸	آب کرناں .. .. ۱۱۲
گویند داس خاندورانی ۴۸۵ - ۵۵۰ - ۵۵۴	• حرف گاف - کسان •

قلعہ گرشک ۵۰ - ۵۳ - ۵۵ - ۶۰ -	* مواضع *
۶۲ - ۶۳ - ۳۷۹	گجرات ۱۱ - ۱۰۵ - ۱۱۶ - ۱۲۶ - ۱۲۸ -
قلعہ گوالیار ۶ - ۱۹۴ - ۴۰۵	۱۳۸ - ۱۴۹ - ۱۵۵ - ۲۱۷ - ۲۳۱ -
* بحار *	۲۹۰ - ۳۳۴ - ۳۷۴ - ۳۷۸ - ۴۱۱ -
دریائے گنگ ۲۰ .. .. .	۵۱۰ - ۵۸۳ - ۶۲۵ - ۶۳۹ - ۶۸۲ -
* حرف لام - کسان *	گندھ ۱۶۱ .. .. .
لچھمی نراین ۶۴ - ۶۵ - ۶۷	گردیز ۱۵۷ .. .. .
لشکری ۸۰ - ۱۰۰ .. .. .	گرشک ۶۱ .. .. .
لشکرشکن ولد شالانواز خان بن عبد	گلکام ۲۱۱ .. .. .
الرحیم خان خاندان ۹۴ .. .. .	گلکنده ۳۵۵ - ۳۷۶ .. .. .
لشکرخان ۱۱۰ .. .. .	گلپہار ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۵۱۲ - ۵۱۴ - ۵۱۹
لطیف بیگ اندجانی ۱۷۳ - ۱۷۴	گنگ تھل ۲۶۸ - ۲۷۰ .. .. .
لطفائے خواننده ۱۸۰ .. .. .	گنبدخت ۵۲۱ .. .. .
• لطف اللہ ولد لشکرخان ۱۹۱ - ۲۹۰ -	گوالیار ۲۳۴ - ۳۰۹ - ۴۰۷ - ۴۷۴
۷۳۲	گورکھپور ۴۸۹ .. .. .
لطف اللہ ولد سعیدخان بہادر ۲۱۹ -	گھوڑاگھاٹ ۶۸ - ۷۲ .. .. .
۲۶۵ - ۲۷۹ - ۳۵۶ - ۴۷۵ - ۵۱۰	گھاٹ سامی ۱۱۰ .. .. .
۶۲۷ - ۶۴۱ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۷۳۰	گھاٹ خواجہ خضر ۱۱۱ - ۴۰۹
سید لطف علی ۲۳۹ - ۲۶۷ - ۲۶۸ -	گیا ۲۴۹ .. .. .
۳۳۵ - ۷۳۹	* قلع *

۳۳۹-۳۶۹-۴۰۷-۴۱۳-۴۱۴	لطيف خان نقشبندي .. ۷۳۶
۴۱۵-۴۱۸-۴۲۱-۴۲۴-۴۲۵	مير لطف الله شيرازي .. ۷۴۷
۴۲۶-۴۲۷-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۳	لعل خان کلانوت گن سمندر ۵-۳۱۱
۴۶۷-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۹-۵۰۰	۳۵۱-۴۰۰-۴۳۴-۴۷۵-۵۰۵
۵۰۴-۵۰۶-۵۰۷-۵۳۰-۵۳۲	لکھمي سين چوهان .. ۷۴۰
۵۷۸-۵۷۹-۵۸۴-۵۹۴-۵۹۵	لهراسپ خان ولد مهابت خان ۳۷-۵۲
۵۹۶-۵۹۹-۶۰۳-۶۰۵-۶۰۶	۳۴۴-۴۷۰-۴۸۶-۵۲۳-۵۴۱
۶۰۸-۶۰۹-۶۱۳-۶۲۵-۶۳۰	۵۶۱-۵۷۹-۵۸۵-۶۲۷-۷۲۳
۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۷۰-۶۸۱	• مواضع *
۶۸۲-۷۱۰-۷۱۴-۷۵۴	دار السلطنه لاهور ۳۸-۴۶-۶۳
بندر لاهري ۱۸۵-۲۰۱-۲۲۹	۱۰۹-۱۱۵-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴
۷۰۹-۷۵۶	۱۲۷-۱۳۳-۱۳۸-۱۴۱-۱۴۳
لکھا .. .. ۱۸۷-۲۴۵	۱۴۶-۱۵۴-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸
لدهي پنپر .. .. ۲۰۸	۱۶۲-۱۶۳-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۹
لدهي ونتي پور .. .. ۲۰۸	۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۷
لدهي محمد قلي .. .. ۲۱۲	۱۸۸-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۵-۱۹۶
لدهي تهنه .. .. ۴۱۸	۱۹۸-۲۰۶-۲۰۸-۲۱۳-۲۱۴
لراونده .. .. ۳۳۰	۲۱۵-۲۱۹-۲۳۷-۲۴۳-۲۵۶
لکھ بهون .. .. ۲۱۱	۲۵۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۹
لکھي جنگل .. .. ۴۷۷-۲۳۶	۲۹۲-۳۰۸-۳۱۵-۳۱۷-۳۳۸



۲۸۸ - ۲۸۷	لکهنو .. .. . ۳۶۱
۳۳۷ .. .. . میر ماس	پرگند لوکي .. .. . ۷۰
۳۷۲ - ۳۷۱ - ۳۷۰ .. ماروي گوند	* قلع *
۶۱۰ .. .. . خواجه ماس	قلعه لرغر .. .. . ۶۲
۷۴۶ .. .. . ماس يار ولد الله يار خان	قلعه لکي .. .. . ۶۲
۷۵۰ مانسنگهه ولد راجه بکرماجيت	* بحار *
مبارز خان روهله ۳۸ - ۵۲ - ۹۴ -	چشمه لکهنو بهون .. .. . ۲۱۱
۱۴۵ - ۱۵۴ - ۲۲۳ - ۲۹۳ - ۲۹۴ -	* حرف ميم - کسان *
۳۸۶ - ۷۲۱	راجه مان تونور .. .. . ۶
مبارک خان نيازي ۲۰۶ - ۲۲۱ - ۷۲۶	مادهوسنگهه پسر اورتن هادا ۲۲ -
مبارک روي برادر يحيى ولد سيف خان	۳۷ - ۱۸۱ - ۲۱۷ - ۲۲۴ - ۳۰۸ -
۳۴۸ - ۴۲۲ - ۷۳۷	۴۲۴ - ۴۸۴ - ۶۴۱ - ۶۸۷ - ۷۲۲
منهرا داس کچهوايه .. .. . ۷۴۲	مالوجي دکني .. ۱۰۷ - ۷۲۰
مجلس بايزيد .. .. . ۷۶	مانکتراي برادر زميندارمگ ۱۱۷ -
مجاهد جالوري .. .. . ۷۳۹	۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰
محمد زمان پور پيرداد داماد احداد ۳	راجه مانسنگهه مرزاراجه (در عهد سلطنت
شيخ محمد غوث .. .. . ۷	عرش آشياني بود ) ۱۴۵ - ۶۰۴
شاهزاده محمد اراشکوه بلند اقبال ۸ -	راجه مانسنگهه گوالياري ۲۶۴ - ۲۶۶ -
۱۱ - ۹۱ - ۹۴ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ -	۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۶ - ۳۸
۱۲۸ - ۱۳۰ - ۱۳۳ - ۱۳۹ - ۱۴۰ -	مادهوسنگهه برادر سورجمل ولد باسو

- ۲۸۱ - ۲۷۸ - ۲۴۳ - ۲۳۳ - ۲۱۸	- ۱۵۰ - ۱۴۹ - ۱۴۵ - ۱۴۴ - ۱۴۳
- ۳۹۸ - ۳۳۵ - ۳۰۲ - ۲۸۵ - ۲۸۳	- ۱۹۳ - ۱۹۱ - ۱۶۳ - ۱۵۷ - ۱۵۱
- ۴۷۹ - ۴۷۲ - ۴۳۴ - ۴۲۹ - ۴۱۳	- ۲۰۸ - ۲۰۳ - ۲۰۲ - ۲۰۱ - ۲۰۰
- ۶۸۰ - ۶۴۰ - ۶۳۶ - ۶۰۶ - ۵۸۳	- ۲۳۳ - ۲۲۵ - ۲۱۴ - ۲۱۳ - ۲۱۲
۷۱۷ - ۷۱۵ - ۶۸۵ - ۶۸۲ - ۶۸۱	- ۲۵۹ - ۲۴۵ - ۲۴۴ - ۲۴۱ - ۲۳۹
شاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر ۱۱ -	- ۲۹۵ - ۲۹۲ - ۲۹۱ - ۲۹۰ - ۲۸۱
- ۱۱۴ - ۱۰۶ - ۱۰۵ - ۱۰۴ - ۹۱	- ۳۰۸ - ۳۰۴ - ۳۰۰ - ۲۹۷ - ۲۹۶
- ۱۶۶ - ۱۶۵ - ۱۴۲ - ۱۳۸ - ۱۱۷	- ۳۳۷ - ۳۳۴ - ۳۳۳ - ۳۲۱ - ۳۱۸
- ۱۸۰ - ۱۷۶ - ۱۷۵ - ۱۷۴ - ۱۷۰	- ۳۵۵ - ۳۵۴ - ۳۵۱ - ۳۴۷ - ۳۴۱
- ۲۱۷ - ۲۱۶ - ۲۱۱ - ۲۰۶ - ۱۹۷	- ۳۸۷ - ۳۸۶ - ۳۸۰ - ۳۷۸ - ۳۶۲
- ۲۸۴ - ۲۸۱ - ۲۳۶ - ۲۲۱ - ۲۱۹	- ۴۱۹ - ۴۱۸ - ۴۰۳ - ۳۹۷ - ۳۸۸
- ۳۷۹ - ۳۷۳ - ۳۴۳ - ۳۳۶ - ۲۸۹	- ۴۶۹ - ۴۶۷ - ۴۳۱ - ۴۲۸ - ۴۲۴
- ۵۵۵ - ۵۱۰ - ۴۱۱ - ۳۹۸ - ۳۸۹	- ۵۸۰ - ۵۷۱ - ۵۰۱ - ۴۸۹ - ۴۷۴
- ۶۳۲ - ۶۲۸ - ۶۲۶ - ۶۲۵ - ۵۸۳	- ۶۳۴ - ۶۱۳ - ۶۱۲ - ۶۱۱ - ۶۰۶
- ۶۶۶ - ۶۴۲ - ۶۴۱ - ۶۳۸ - ۶۳۴	۷۳۹ ۷۱۷ - ۷۱۵ - ۶۳۹ - ۶۳۸
- ۶۷۵ - ۶۷۳ - ۶۷۲ - ۶۷۰ - ۶۶۸	شاهزاده محمد شاه شجاع بهادر ۹ -
- ۶۸۶ - ۶۸۴ - ۶۷۸ - ۶۷۷ - ۶۷۶	- ۵۱ - ۴۹ - ۴۰ - ۳۶ - ۳۵ - ۱۱
- ۶۹۲ - ۶۹۱ - ۶۸۹ - ۶۸۸ - ۶۸۷	- ۱۲۹ - ۱۲۶ - ۱۰۴ - ۹۷ - ۹۴
- ۷۰۰ - ۶۹۶ - ۶۹۵ - ۶۹۴ - ۶۹۳	- ۱۶۵ - ۱۵۲ - ۱۳۸ - ۱۳۷ - ۱۳۵
- ۷۰۵ - ۷۰۴ - ۷۰۳ - ۷۰۲ - ۷۰۱	- ۱۹۶ - ۱۸۲ - ۱۷۸ - ۱۷۷ - ۱۷۵

محمد شریف خالوي باقرخان نجم

ثاني ۱۲ - ۷۳۳

محمد امين ولد شالقلي خان ۲۳ -

۲۱۶ - ۲۴۰ - ۶۰۵ - ۷۴۵

محمد علي بيگ ۳۰ - ۶۵۹ - ۶۶۰ -

۶۶۱

محمد شيخ خانقزاد خان پسر سعيد

خان بهادر ظفرچنگ ۳۳ - ۳۴ -

۳۵ - ۳۶ - ۳۹ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۸ -

۵۰ - ۵۱

محمد امين قاضي قندهار .. ۳۵

محمد مراد سلدوز ۳۶ - ۴۰ -

۱۱۷ - ۷۴۳

محکم سنگه سید سودیه ۴۳ - ۴۴ - ۴۸ - ۵۷ -

سيد محمد بخاري ۴۳ - ۷۵ - ۸۷ - ۱۳۱

مرزا محمد خنجر خان خوش قليج

خان ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۸ - ۵۹ -

۱۲۱ - ۱۵۶

محمد يارخوش يوسف محمد خان ۵۸

مکرب خان قلعه دار بست ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ -

۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۵ - ۷۱۷

شاهزاده محمد مراد بخش ۱۱ - ۱۲۸ -

۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۴۷ - ۱۷۴ - ۱۷۶ -

۱۸۰ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۲۱۳ - ۲۱۷ -

۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۲ - ۲۲۶ - ۲۲۸ -

۲۴۰ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۷ - ۲۶۱ -

۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ -

۲۷۸ - ۲۸۱ - ۲۸۵ - ۲۹۰ - ۲۹۵ -

۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۷ - ۳۷۵ - ۳۷۷ -

۳۹۸ - ۴۲۲ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۸۳ -

۴۸۶ - ۴۸۷ - ۵۰۲ - ۵۰۸ - ۵۱۲ -

۵۱۴ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۲۰ -

۵۲۵ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۳۰ - ۵۳۲ -

۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ -

۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۵ -

۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۵۰ - ۵۵۶ - ۵۵۷ -

۵۵۹ - ۵۶۱ - ۵۶۳ - ۵۶۸ - ۵۷۲ -

۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۹ - ۵۹۹ - ۶۰۰ -

۶۰۱ - ۶۱۲ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۸۰ -

۷۰۲ - ۷۰۷ - ۷۱۵ - ۷۱۷

۷۲۹ - ۶۲۴	شیخ محی الدین برادر اسلام خان
محمد صادق .. .. ۱۱۷	۸۰ - ۷۷ - ۷۳ - ۷۱
محمدارخان دکني ۱۲۰ - ۲۳۳ - ۷۲۱	محمد صالح کنبو ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۶
محمد حسین پسر میرفتاح صفاهانی	مرزا محمد بخاری .. .. ۷۱
۱۲۲ - ۴۳۲ - ۴۸۱	محمد بیگ اباکش ۷۵ - ۸۷ - ۷۴۳
محمد محسن .. .. ۱۲۷	محمد زمان طهرانی ۷۵ - ۷۷ - ۸۲
محمد آقاي رومي ۱۲۷ - ۲۵۷	۸۱ - ۸۷ - ۸۸ - ۹۰ - ۲۴۴
محمد رشید خاندورانی .. ۱۴۳	۲۸۳ - ۴۷۳ - ۶۸۵ - ۷۲۶
حاجي محمد یار اوزبک ۱۵۱ - ۲۱۳	میر محمد قاسم سمنانی .. ۸۷
۷۳۵ - ۳۳۶	محمد علی .. .. ۹۲
محمد محسن پسر حاجي منصور ۱۵۳ -	محمد زمان [ دیگر ] .. .. ۹۴
۷۴۵ - ۵۵۵ - ۵۷۸ - ۵۸۵ - ۷۴۰	محمد یحیی .. .. ۹۷
حاجي محمد جان قدسي ۱۵۳ - ۴۰۰ -	محمد بقا ولد میریوسف کولابی ۱۰۰
۵۰۴	محمد ناصر ملازم قطب الملک ۱۰۱ -
محمد افضل منجم .. .. ۱۵۶	۱۰۲ - ۳۵۵ - ۳۷۶
محمد سلطان پسر اورنگ زیب ۱۷۰ -	محمد زاهد کوکه زاهد خان ۱۰۴ -
۲۸۴ - ۲۹۰ - ۳۷۳ - ۳۹۰ - ۳۹۸ -	۲۰۱ - ۲۲۳ - ۲۲۶ - ۲۸۴
۷۰۶ - ۶۳۳ - ۶۲۶ - ۴۱۱	محمد طاهر ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۶۹۶ - ۷۴۳
محمد خواجه تاشکندي .. ۱۶۴	محمد یوسف .. .. ۱۱۱
محمد تقی دیوان .. .. ۱۷۶	محمد حسین برادر همت خان ۱۱۲ -

۷۳۴ - ۵۵۴ - ۵۵۰ - ۲۹۳ - ۲۳۲	محمد تقی چلبی ۱۷۶ .. .. .
محمد مومن پسر شاه قللی ۴۴۰ ..	محمد پاشا وزیر اعظم قیصر ۱۸۹ - ۱۸۵
محمد طالب پسر شایسته خان ۲۴۸ -	محمد حسین سلدوز ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۹۷
۳۰۷	محمد حسین دیوان ۱۹۱ .. .. .
محمد زمان خواجه رئیس بخارا ۲۵۴	قاضی محمد قاسم بخشی ۱۹۱ - ۲۰۸ -
شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی	۴۱۹
۲۷۹	محمد پاشا حاکم لحسا ۱۹۶ - ۲۱۸
محمد صالح پسر مرزا عیسی ترخان	محمد قاسم معتمد خان ولدهاشم خان
۷۳۰ - ۶۳۲ - ۳۰۲ - ۲۹۰	میر آتش ۱۹۸ - ۳۱۰ - ۳۴۸ -
محمد امین ارلات خویش نذر طغائی	۴۱۴ - ۴۸۴ - ۴۹۲ - ۵۳۷ - ۵۳۹ -
۳۰۳	۵۴۰ - ۵۶۴ - ۵۶۸ - ۵۷۰ - ۵۷۱ -
محمد عسکری خویش سارو خواجه ۳۰۶	۵۹۵ - ۶۱۲ - ۶۳۹ - ۶۴۳ - ۶۹۹ -
محمد مومن حنا بذی ۳۳۱ .. .. .	۷۰۰ - ۷۳۰
محمد میرک ۳۳۴ .. .. .	محمد پسر ارسلان آقا ۲۰۶ ..
خواجه محمد چوره اقا سی ۳۳۷	محمد زاهد بدخشی ۲۰۸ .. .. .
محمد باقر ملازم اورنگ زیب ۳۴۳	محمد تقی نفرشی ۲۱۷ - ۷۳۸
محمد معظم پسر محمد اورنگ زیب	قاضی محمد اسلم ۲۲۱ - ۳۰۵ -
۳۴۳ - ۶۲۶ - ۴۱۱ - ۶۳۳	۳۲۱ - ۳۹۹ - ۵۰۵ - ۶۱۱ - ۶۲۸ -
محمد دوست پدر الله دوست ۳۴۹	۶۸۵ - ۷۳۷
میرزا محمد ارباب سمرقند ۳۵۰ -	سید محمد ولد سید افضل باره ۲۲۸ -

محمد هادي .. .. ۴۰۷	۳۵۶ - ۵۰۳ - ۵۴۸
محمد علي فوجدار سرکار دھار ۴۰۸-۴۰۹	محمد زمان ارلات ۳۵۰ - ۴۸۶ -
محمد تقی صفوي .. .. ۴۱۴	۵۶۵ - ۷۴۷
سید محمد ولد خان دووان ۴۲۸ -	محمد قاسم قاضي زاد ۳۶۲ کره رودی
۴۸۶ - ۷۳۲	حکیم محمد داؤد تقوب خان ۳۶۷ -
سید محمود ولد خاندوران ۴۲۸-۵۷۲	۳۶۹ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۹۰ -
۶۳۲ - ۷۲۹	۳۹۹ - ۴۱۵ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۳۴ -
محمد علي بیگ نیمان خزانچی ۴۴۵	۴۷۱ - ۵۰۲ - ۵۰۵ - ۵۹۳ - ۶۲۴ -
محمد حکیم ولد نذر طغائی ۴۴۶	۶۲۷ - ۶۳۹ - ۶۷۹ - ۷۲۵ - ۷۵۶
محمد بیگ قباچاق ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۷ -	حکیم مرزا محمد پدر حکیم مسیح الزمان
۶۶۸	۳۶۹ - ۷۵۶
محمد یار سرا ۴۵۱ - ۴۵۳ - ۴۵۵ -	محمد صالح برادر خان دوران ۳۷۲
۵۷۹ - ۵۸۰ - ۶۵۵ - ۷۰۱	حاجی محمد زمان .. .. ۳۷۹
محمد قلی اتالایق بن کلباد ۴۵۲ -	محمد مراد ولد ملا بتخان ۳۸۴ - ۷۵۱ -
۵۵۳ - ۶۵۸ - ۶۶۷ - ۶۶۸	میر محمد امین هروی ۳۸۹ - ۴۰۳ -
محمد صادق خواجه دلا بییدی ۴۵۶ -	۶۳۳ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۴۵
۵۴۴	میر محمد صالح ولد میر عبد الله
محمد جعفر خویش ساروتقی وزیر	مشکین قلم ۳۹۳
فرمان روي ايران ۴۷۲	محمد عرب خویش حکیم فتح الله ۴۰۴
خواجه محمد رضا .. .. ۴۷۸	میر محمود ۴۰۶ - ۴۱۴ - ۵۰۱ - ۷۴۴

محمد محسن کرمانی ملازم جانی خان	خواجه محمد نازل .. .. ۴۷۸
۶۰۴ - ۶۷۹	سید محمد نبیرق سید قاسم ۴۸۴
خواجه محمد شریف ده بیدی ۶۰۸	سید محمد مهدی .. .. ۴۸۵
محسن قلی برادر جبار قلی ۶۱۷	مرزا محمد پسرکلان میربدیع ۵۰۹ -
سید محمد عرب .. .. ۶۲۴	۵۷۹ - ۶۳۶ - ۷۳۲
محمد مراد گرز بردار .. .. ۶۴۵	محمد بدیع پسر خسرو ۵۱۶ - ۶۱۲
محمد کیلیدی سجاوت .. .. ۶۴۶	محمد امین خواجه .. .. ۵۳۵
محمد جان درمان .. .. ۶۴۶	خواجه محمد یوسف برادرزاده هاشم
محمد مراد داروغه ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸	خواجه ده بیدی ۵۳۵ - ۷۴۶
محمد زمان مشرف توپخانه ۶۴۸	محمد مقیم .. .. ۵۴۰ - ۶۷۹
محمد خواجه .. .. ۶۴۹	سید محمد ولد سید غلام محمد
محمد حسن ولد منصور حاجی ۶۵۴	مهدی ۵۵۰ - ۵۵۴
محمد بیگ ایشک آقا باشی ۶۵۸	محمد بیگ برادر باقی دیوان بیگی
محمد امین بیگ گوکلناش ۶۵۸	۵۵۱ - ۶۶۷ - ۶۶۸
محمد مراد کنکس .. .. ۶۶۸	محمد باقی یابو .. .. ۵۵۱ - ۶۱۰
محمد حسین تیراهی ۶۷۹ - ۷۵۱	محمد امین کتابدار .. .. ۵۵۱
محببت غلزی .. .. ۷۳۵	محمد شاه قدیمی .. .. ۵۶۵
محمد هاشم کاشغری .. .. ۷۳۵	محمد بدای .. .. ۵۶۷ - ۶۴۶
محمد علی کامرانی .. .. ۷۳۵	سلطان محمد یار پسر شاهزاده مراد بخش
محمد اشرف ولد اسلام خان ۷۳۷	۵۷۲

۴۳۲	محمد صفی پسر اسلام خان ۷۳۷
مرتضی پاشا .. .. ۱۷ - ۱۸	محمد زمان ولد حاکم خان ۷۳۸
مرزا جان خواجه .. ۱۰۰ - ۱۰۳	محمد شریف ولد اسلام خان ۷۳۹
مراد کام نبیر مرزا رستم صفوی ۱۳۵ -	محمد علی خان خویش قلیچ خان ۷۴۰
۱۴۳ - ۱۵۳ - ۱۷۹ - ۲۰۴ - ۳۳۳ -	محمد سعید پسر خوانده مرتضی خان
۳۷۴ - ۳۸۵ - ۳۹۹ - ۷۳۰	بخاری ۷۴۳
مرشد قلی مالزم علیمراد خان میدرانش	محمد شاه یکہ .. .. ۷۴۵
۱۵۸ - ۱۶۲ - ۱۷۷ - ۳۳۱ - ۳۴۱ -	محمد شریف تولکچی .. .. ۷۴۵
۳۶۲ - ۴۷۱ - ۴۹۰ - ۵۷۹ - ۶۳۳ -	محمد شریف قدیمی .. .. ۷۴۵
۶۸۸	محمد جعفر ولد میدر حاج ۷۴۵
سید مرتضی خان ۱۷۶ - ۳۶۱ - ۷۲۴	محمد یوسف .. .. ۷۴۶
مرحمت خان ۲۰۲ - ۵۱۸ - ۵۱۹ -	محمد رشید .. .. ۷۵۱
۵۹۴ - ۶۳۷ - ۷۳۲	محسن صفاهانی .. .. ۷۵۲
مراد بیگ .. .. ۲۱۳	محمد صالح خوافی .. .. ۷۵۲
مرشد قلی خان دیوان ملتان ۲۳۰ -	مدن سنگه هکرائی ۳۵۸ - ۳۵۹
۲۴۳ - ۷۴۳	مرشد قلی خان فوجدار ۷ - ۷۲۵
سید مرزا برادر مختار خان ۲۴۹	مرزا مراد صفوی التفات خان ۹ - ۱۴۱
مراد بیگ مکریت .. .. ۳۲۲	سلطان مراد خان قیصر روم ۱۵ - ۱۶ -
مرزا بیگ چوره آقاسی .. ۳۶۲	۱۷ - ۱۹ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ -
مراد قلی واد اکبر قلی سلطان ککهر	۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۷ - ۲۰۰ - ۲۹۱ -



مطلب ولد معتمد خان ۴۹۱ - ۷۵۰	۴۱۰ - ۴۸۵ - ۵۱۲ - ۵۲۳ - ۵۶۵ -
مرزا مظفر صفوي .. .. ۲۴	۵۹۵ - ۶۵۵ - ۷۳۰
مظفر حسين داروغه عدالت ۳۳۶ -	مرزا بيگ مشهدي .. .. ۴۱۲
۳۵۲ - ۴۹۲ - ۶۷۹ - ۷۴۴	مرزا خان نبيرو عبد الرحيم خالخان
سيد مظفر ولد شجاعت خان ۴۳۱ - ۷۳۵	۴۲۴ - ۴۸۳ - ۵۸۵ - ۷۲۳
مظفر سرواني .. .. ۷۴۱	شيخ مراد .. .. ۵۳۵
مظفر ولد باقر .. .. ۷۵۰	مراد قوش بيگي .. .. ۶۱۵
معتقد خان ناظم صوبه بوقيسه ۴	شاه مراد كلچي .. .. ۶۴۶
۱۱۲ - ۱۸۳ - ۲۳۶ - ۲۴۴ - ۳۳۶ -	شاه مراد يابو .. .. ۶۴۶
۴۷۳ - ۷۲۰	مراد قرغر .. .. ۶۵۵
معصوم زميندار .. ۷۵ - ۸۱ - ۸۸	مرتضي قلي خان .. ۶۵۸ - ۶۵۹
معتمد خان مير بخشى ۱۰۲ - ۱۲۳ -	مير مراد ولد مير موسى .. ۷۴۷
۱۲۴ - ۱۳۷ - ۱۵۸ - ۱۶۱ - ۱۶۳	حكيم مسيح الزمان ۱۰۹ - ۱۱۶ - ۱۲۴ -
۱۶۸ - ۶۵۴ - ۶۸۰ - ۷۲۱	۶۳ - ۱۷۴ - ۳۶۹ - ۳۹۹ - ۵۰۵ -
معز الملك ۱۱۶ - ۲۳۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ -	۶۲۸ - ۶۳۱ - ۷۲۴ - ۷۵۶ - ۷۵۷
۳۳۴ - ۶۰۶ - ۷۳۸	مسعود ملازم محمد شاه شجاع ۱۶۵ -
خواجه معين مير سامان .. ۳۴۱	۱۶۶
خواجه معين الدين چشتي ۳۴۴ -	مشكي بيگ بخشي ۲۳۹ - ۷۴۵
۳۴۶ - ۴۰۸	مصطفي پاشا .. .. ۱۸۹ - ۱۹۰
شيخ معظم ولد اسلام خان ۷۵۱	مصطفي قلي كس جاني خان ۴۱۴

رای مکند داس دیوان یمین الدوله	شیخ معین الدین راجگری ۷۵۲
۲۷۹ - ۳۱۰ - ۶۷۹ - ۷۴۱	ملک مغدود ۳۲ - ۳۶ - ۵۳ - ۱۵۱ -
ملکوت خان ولد اعظم خان ۱۰۳ -	۳۴۸
۱۴۲ - ۱۸۲ - ۱۴۸۴ - ۵۰۰ - ۵۴۰ -	مغل خان ۴۱۷ - ۴۲۳ - ۶۱۴ - ۷۲۳ -
۶۱۱ - ۶۳۴ - ۶۴۰ - ۷۳۱	مقصود بیگ علی دانشمندی ۳۵۴ -
ملک حسین ملازم محمد اورنگ زیب ۱۶۶	۳۵۵ - ۳۶۲ - ۴۸۵ - ۵۳۹ - ۵۵۰ -
ملکه بانو زوجة سیف خان دختر	۵۵۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۷۴۷ -
یمین الدوله ۱۹۸ - ۲۴۱	سید مقبول عالم ۴۸۴ - ۵۵۰ - ۵۵۴ -
ملا شاه بدخشی ... .. ۲۰۷	۷۳۶
ملوک چند مشرف .. ۳۸۲ - ۳۸۳	میر مقتدی ۴۸۶ - ۶۱۵ - ۷۴۸ -
ملک امان .. .. ۷۴۹	مقرب خان ولد شیخ بهینا ۶۱۳
سلطان ممتاز شکوة پسر داراشکوة	مکرم خان ۱۰ - ۲۳ - ۹۳ - ۱۰۰ -
۳۳۷ - ۳۴۱ - ۶۳۹	۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۳۷ - ۱۴۱ - ۱۴۷ -
منصور حاجی ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۵ -	۱۵۳ - ۱۶۵ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۲۱۳ -
۵۲۸ - ۵۴۵ - ۵۵۵ - ۷۲۷ -	۲۱۷ - ۲۲۸ - ۲۴۴ - ۲۸۱ - ۳۱۹ -
سید منصور ولد سید خان جهان ۲۹۳ -	۳۲۰ - ۳۳۰ - ۳۶۱ - ۴۰۸ - ۴۱۰ -
۲۹۴ - ۴۷۳ - ۴۷۷ - ۶۳۲	۴۲۵ - ۵۰۴ - ۶۱۰ - ۷۲۰ -
میر منصور بدخشی .. .. ۳۰۹	مکرم خان خلف معظم خان ۶۵ -
سید منور پسر خان جهان ۳۴۰ - ۴۷۴	۶۶ - ۶۷ - ۶۸ -
۶۳۸ - ۷۳۶	مکندر زمیندار .. .. ۷۹

سلطان مهر شکوه پسر محمد دارا	منکوجي بنالکر .. .. ۷۲۴
شکوه ۱۰۱ - ۱۰۴ -	مذوهر داس برادر بیتهل داس ۷۵۰
مهيس داس مهابتخاني ۲۳۰ - ۲۹۴	حکیم مومنا ۱۱ - ۱۸۴ - ۲۳۴ - ۳۰۱ -
مہتر داؤد .. .. ۳۰۰	۳۶۸ - ۳۹۹ - ۵۰۱ - ۷۳۷ - ۷۵۷
مهيس داس راتھور (دیگر) ۱۲۲ -	موسوي خان ۱۰۲ - ۱۹۱ - ۲۱۹ -
۱۵۱ - ۲۲۹ - ۴۸۴ - ۵۴۹ - ۵۵۴ -	۲۲۷ - ۳۱۶ - ۳۴۱ - ۳۴۹ - ۳۶۵ -
۷۳۴	۳۷۲ - ۳۷۳ - ۷۲۲
مهدي خواجه ۵۳۵ - ۶۲۵ - ۶۳۴ -	شيخ موسی گیلانی ۱۹۳ - ۵۴۰ - ۷۴۱ -
۷۴۴	مومن بیگ .. .. ۲۱۳
میرخان میر تونک ۷ - ۹۳ - ۲۰۷ -	مومن بیگ قراول امام قلی خان
۲۱۸ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۱۸ - ۳۸۲ -	۲۱۷ - ۳۰۳ -
۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۶ - ۷۳۵ -	مومن بے .. .. ۴۴۳
میدنی مل بهدوریہ .. .. ۴۳	مودودی .. .. ۴۶۲
میرک حسین خوافی ۹۱ - ۷۵۲ -	سید موسی پسر سید جلال ۶۸۲
میان میرقادری .. .. ۲۰۷	مہابت خان .. .. ۷۰
خواجه میرک دیوان .. .. ۲۵۶	مهيس داس راتھور ۹۲ - ۲۲۴ - ۲۸۱ -
میرک شیخ ۳۴۷ - ۵۰۱ - ۵۰۵ - ۶۲۸ -	۲۹۳ - ۳۰۸ - ۴۱۴ - ۴۷۱ - ۴۷۴ -
۷۳۷ - ۷۵۵	۴۸۰ - ۴۸۴ - ۵۰۵ - ۵۴۰ - ۵۴۹ -
میرک بیگ خنچانی ۴۷۲ - ۵۶۵ -	۵۵۴ - ۵۶۱ - ۵۷۹ - ۶۳۵ - ۶۴۳ -
میر میران یزدی .. .. ۵۲۸	۷۲۳

۵۸۳ .. .. . ماما خاتون	۵۵۳ .. .. . میر شکار
۶۶۲ - ۶۲۹ .. .. . مازندران	مینک سعید پدر کفش قلماق ۶۲۱ -
۶۶۳ .. .. . ماروچاق	۶۶۷ - ۶۲۲
۱۷۰ - ۱۵۴ - ۱۱۲ - ۱۱۱ - ۲۳ متبرا	میرک شاه دیوان امام قلی خان
۳۰۹ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۳۴ - ۳۴۹ -	۷۰۱ - ۷۰۰
۴۰۸ - ۴۱۰ - ۴۲۵ - ۴۶۹ -	سید میرزای سبزواری .. ۷۱۴
۷۸ .. .. . متله	مواضع *
آصف آباد معروف به مچھی یهون	مالولا ۱۱ - ۱۵۴ - ۱۹۳ - ۲۹۶ - ۳۷۰ -
۴۳۳ - ۲۶۲	۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۴۲۳ - ۴۲۵ -
۳۳۰ .. .. . مدینه	۴۲۷ - ۵۸۳ - ۷۱۱
۴۰۶ - ۳۴۹ .. .. . مدینه مکرمه	مالگیر .. .. . ۶۱
۱۹ - ۱۸ .. .. . صریوان	ماوراء النهر ۹۷ - ۱۲۸ - ۱۵۲ - ۲۱۱ -
۲۱۱ .. .. . مرزابندی	۲۴۷ - ۳۱۲ - ۳۳۷ - ۳۵۲ - ۳۶۵ -
۶۰۱ - ۵۷۵ - ۵۵۳ - ۲۵۶ مرو	۴۱۵ - ۴۳۳ - ۴۳۶ - ۴۴۳ - ۴۴۷ -
۶۶۳ - ۶۵۸	۴۵۲ - ۴۵۶ - ۴۷۱ - ۵۰۴ - ۵۲۷ -
۶۶۲ .. .. . مشهد	۵۲۹ - ۵۴۲ - ۵۶۲ - ۵۷۵ - ۷۰۳ -
۱۸۵ .. .. . مصر	۷۰۹
۳۷۹ - ۲۰۰ - ۵۱ - ۳۴ مقرر	مانکیور .. .. . ۱۰۰
۲۱۴ .. .. . مکھیا له	پرگنڈ مالپور .. .. . ۳۴۷
۴۰۶ - ۳۴۹ - ۳۴۲ - ۳۳۱ مکہ مشرفه	مان گدهه .. .. . ۳۵۹

میوات ۴۸۱ .. .. .	ملتان ۲۶ - ۳۵ - ۴۰ - ۴۲ - ۴۸ -
میمنہ ۵۴۹ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۸ -	۱۴۳ - ۱۵۵ - ۲۳۰ - ۲۳۴ - ۲۴۲ -
۵۶۵ - ۵۷۶ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ -	۲۴۴ - ۲۸۴ - ۲۹۳ - ۳۰۷ - ۳۷۵ -
۶۵۸ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۶ - ۷۰۸ -	۳۸۶ - ۳۹۸ - ۴۷۱ - ۵۵۹ - ۵۷۷ -
۷۰۸	۶۳۶ - ۷۱۱ - ۷۲۲ -
میدان ۶۷۰ .. .. .	ملہ پور ۲۳۰ .. .. .
* قلعہ *	مہناز آباد ۳۲۹ .. .. .
قلعہ مالگیر ۶۲ .. .. .	سرکار منگیر ۶۸ .. .. .
قلعہ مستنگ ۶۲ .. .. .	مندسور ۲۳۲ - ۳۰۶ - ۳۳۴ - ۳۷۲ -
قلعہ مقرر ۶۱ - ۳۴ .. .. .	۴۱۲ - ۷۲۶ -
قلعہ ملیون ۶۲ .. .. .	باغ منزل ۳۴۴ .. .. .
قلعہ ملخان ۶۲ .. .. .	منجھوہ ۶۲۴ .. .. .
قلعہ موسیٰ ۶۲ .. .. .	مومل ۱۸۸ - ۱۸۷ - ۱۸۶ - ۱۸۵ - ۱۹ -
حصن مولہیر ۱۰۸ - ۱۰۷ - ۱۰۶ -	مورنگ ۲۷۸ - ۹۶ - ۶۹ .. .. .
حصن مورا ۱۰۶ .. .. .	مؤ ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۸ - ۲۷۰ -
حصن مؤ ۲۷۱ - ۲۶۸ - ۲۶۳ - ۲۶۱ -	۲۷۲ - ۲۷۳ -
۲۷۲ - ۲۷۷ - ۲۸۶ -	مومن آباد ۶۴۲ - ۶۱۴ - ۵۶۵ .. .. .
قلعہ میمنہ ۶۶۶ - ۶۶۳ - ۶۲۲ ..	مہانہ خضرپور ۱۲۱ .. .. .
* بحار *	مہابن ۴۲۵ - ۳۰۹ .. .. .
آب مہانہ گجادر ۶۷ .. .. .	باغ مہتاب ۵۹۰ - ۵۸۶ - ۵۰۹ .. .. .

۹۶-۱۰۰-۱۰۳-۱۱۲-۱۵۲-

۱۵۳-۱۵۵-۱۵۷-۱۹۲-۲۱۰-

۲۲۹-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-

۲۵۵-۲۹۵-۳۹۰-۴۰۱-۴۳۵-

۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-

۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۶-۴۴۷-

۴۴۸-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۴-

۴۵۵-۴۵۶-۴۵۸-۴۶۰-۴۶۳-

۴۶۵-۴۸۲-۴۸۳-۵۰۴-۵۲۰-

۵۲۵-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-

۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-

۵۴۰-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-

۵۴۸-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۵-

۵۵۷-۵۵۹-۵۷۰-۵۷۲-۵۷۶-

۵۷۸-۵۷۹-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-

۵۸۵-۵۹۶-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۵-

۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۲۰-۶۲۵-

۶۳۴-۶۳۷-۶۳۸-۶۵۸-۶۶۲-

۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۸۶-

۶۹۸-۷۰۰-۷۰۷-۷۰۸-

\* حرف نون - کسان \*

نایک بخشوی کلانوت .. ۶-۷

ناهر سولنکھی ۱۰-۲۲۶-۲۴۰-

۳۴۸-۷۴۰

ناد علی .. ۲۳۹-۳۳۶-۷۴۹

نامدار ولد جعفر خان ۵۰۰-۷۳۹

شیخ ناظر .. ... ۶۸۴

نجات خان ولد مرزا شاه رخ صوبه

دلار ملتان ۲۰-۲۳-۳۷-۱۴۴-

۱۵۵-۱۵۷-۱۸۷-۲۳۴-۲۴۲-

۲۴۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۷۸-

۳۱۸-۴۲۴-۴۵۷-۴۶۳-۴۷۰-

۴۸۳-۴۸۴-۵۶۰-۵۶۴-۵۸۵-

۷۰۳-۷۲۰

نجف قلی نوکر امیرالامرا علیمردان

۵۴۵-۵۴۷

نجف علی ولد قزلباش خان ۷۴۹

سید نجات ولد سید شجاعت خان

بارہ ۷۴۹

نذر محمد خان والی بلخ ۱۳-۹۱-

نظربہادر خویشگی ۳۸-۵۲-۱۵۴-	نذر بیگ طغائی امام قلی خان ۱۵۲-
۲۱۷- ۲۱۸- ۲۳۹- ۲۴۱- ۲۶۴-	۲۰۵- ۲۱۳- ۲۲۵- ۲۵۶-
۲۶۶- ۲۸۵- ۲۹۳- ۳۳۶- ۴۲۴-	نذر میر شکار نذر محمد خان ۱۵۳
۷۲۳- ۶۳۳- ۴۸۴-	نذر یساول ملازم نذر طغائی .. ۱۹۶
نظربیگ برادر زادہ یلنگتوش ۵۸	نذر بے طغائی امام قلی خان ۲۲۵-
نظربیگ قدیمی .. .. ۵۸	۲۵۵- ۵۳۰
نظام الملک بے نظام .. .. ۱۶۶	نذر شوائت ۴۷۹- ۴۷۹- ۴۸۱-
نظربیگ ملازم محمد اورنگ زیب	۴۹۱- ۴۹۲
۱۷۰- ۲۲۱-	نذیر بیگ عبداللہ خانی .. ۴۸۵
قاضی نظاما ۲۱۴- ۵۴۰- ۶۱۵- ۷۵۲-	نذر بیگ سلدوز ۵۵۴- ۶۷۹- ۷۴۶-
نظر بے بروتی ۲۵۵- ۴۳۶- ۴۴۷-	نرسنگھ داس ولد دوار گاداس ۳۸۷- ۷۳۹-
۴۴۹- ۴۵۴- ۴۵۵- ۴۵۶-	راوت نرائن داس سیسودیہ ۴۸۵-
نظربہادر ۲۹۴- ۳۱۰- ۴۵۷- ۴۷۹-	۵۹۵- ۷۴۳
۵۶۴- ۶۷۲- ۶۷۳-	نصیرای شیرازی .. .. ۵۴۶
نظربیگ کلباد .. .. ۳۳۴	نصیرا برادر حکیم رکنای کاشی ۶۲۹
نظربیشک آقاباشی امام قلی خان	نصیب سرانی قدیمی .. .. ۷۳۴
۴۴۵	نصر اللہ عرب .. .. ۷۴۲
نظربیساول .. .. ۴۵۴	نصر الدین محمود .. .. ۷۴۳
نظام میواتی .. .. ۵۶۵- ۶۱۶-	شیخ نظام الدین بدوئی مولد دھلوی
نظرمینک .. .. ۶۴۴	منشاء .. .. ۵

نورالدوله ولد مير حسام الدين انجو	نظام بيگ .. .. ۶۵۱
۱۶۱۴ - ۲۰۱ - ۲۲۶ - ۶۰۶ - ۷۳۶	نظر قطغان .. .. ۷۰۱
نورالحسن بخشي ۲۴۵ - ۳۴۸ - ۴۸۵ -	نعيم بيگ .. .. ۱۶۸ - ۷۴۸ -
۵۰۱ - ۵۶۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ -	مير نعمت الله ولد مير ظهيرالدين
۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۷۳۶	علي ۳۷۴ - ۷۵۱
نور محمد دختر اعتماد الدوله همشير	نقدي بيگ نوكر عليمردان ۳۴ - ۳۸ -
حقيقي آصف خان زوجة جهانگير	۳۹ - ۹۴ - ۹۵ - ۱۷۰
شاه جنت مكاني ۴۷۵	نقدي خان شاملو پدر زن جاني خان
نوازش خان ۵۱۱ - ۶۰۹ - ۶۷۹ - ۷۳۲	۱۸۸
خواجه نورالله ولد خواجه عبدالغفار	مير نورالله هروي ۹۴ - ۱۵۱ - ۵۷۹ -
۶۰۹ - ۶۱۱ - ۷۵۲	۷۲۳
نيك نام عم بهادر خان ۵۵۰ - ۵۵۴ -	نور بيگ گوز بردار .. .. ۹۴
۶۱۵ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۷۴۳	مرزا نودر پسر مرزا حيدر پسر مرزا
* مواضع *	مظفر صفوي ۹۹ - ۱۵۷ - ۴۲۶ -
ناسك .. .. ۱۰۶	۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۸۰ - ۴۸۶ - ۵۱۲ -
ناكهان .. .. ۲۵۵	۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۶۱ -
ناگور .. .. ۳۸۹ - ۳۸۲	۶۰۵ - ۷۰۳ - ۷۲۲
نارين .. .. ۵۶۵ - ۵۲۶ - ۵۲۵	سيد نورالعيان ۱۳۳ - ۲۱۶ - ۲۲۸ -
نجابت پور .. .. ۲۰	۲۸۱ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۴۸۴ - ۵۵۰ -
ندر بار .. .. ۱۰۶	۷۳۵



قلعہ نوح .. .. . ۶۲	نغر .. .. . ۱۳ - ۱۴
حصن نور .. .. . ۲۶۱	نکروته سور .. .. . ۲۸۷
قلعہ نور پور ۲۶۶ - ۲۷۲ - ۲۷۷	نگرچند .. .. . ۳۳۰
۲۸۷ - ۲۷۸	نندن پور .. .. . ۲۰۵
قلعہ نیچارہ .. .. . ۶۲	باغ نور منزل .. ۹ - ۱۰ - ۳۴۹
* بحر *	نوشہرہ ۱۴۰ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۲۱۱ -
آب نیالہ ۱۴۰ - ۱۵۹ - ۲۹۵ - ۲۹۶	۲۱۲ - ۴۶۹
۵۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۱۰	نور پور ۱۶۹ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۴
• • حرف واو - کسان *	۲۶۸ - ۲۷۴ - ۲۷۸ - ۲۸۷ - ۲۸۸
مرزا والی .. ۱۳۰ - ۳۷۱ - ۲۲۷	۳۱۸
وزیر خان ۲۹ - ۳۸ - ۱۲۲ - ۱۲۷	نواگر .. .. . ۲۳۱ - ۲۳۲
۱۲۹ - ۱۴۱ - ۱۵۸ - ۱۷۶ - ۱۸۱	نور پورا .. .. . ۳۳۰
۱۹۷ - ۲۱۳ - ۲۱۵ - ۲۴۱ - ۷۱۹	نوبہار .. .. . ۴۶۲
۷۵۶ - ۷۵۷	نیسہ .. .. . ۲۸۷
(خواجہ وفا) .. .. . ۴۸۱	نیشا پور .. .. . ۲۹۲
وقاص حاجی مخاطب بہ شاعری خان	نیلبر .. .. . ۵۲۶
۱۲۲ - ۱۳۱ - ۵۲۸	نیملہ .. .. . ۶۰۳
سید ولی .. .. . ۴۳ - ۴۸	* قلعہ *
ولی محمد خان .. .. . ۵۸۲	حصن نور .. .. . ۱۷۴
ولی محمد ارخان دکنی .. ۷۳۱	قلعہ نوزاد .. .. . ۶۲

هري سنگه ولد كشن سنگه راڻهور

۲۳ - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۸۱ - ۲۲۶ -

۲۴۰ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۳۷۳ - ۷۳۱ -

هروناڻه مهاباڻر .. .. ۱۷۷

هري سنگه ولد تلوك چند ۲۸۹

هزار ميراورك زئي .. .. ۱۳

سيد هزبر خان .. .. ۳۸ - ۷۲۴

هشيار خان .. .. ۱۲۲

همت سنگه .. .. ۴۳

همت خان ۵۳ - ۱۷۳ - ۲۳۰ - ۵۶۵

۷۳۵

همايون شاه جنت آشياني ۱۱۲ - ۳۲۰ -

۴۱۰

هميرسنگه ولد ايسرداس سيسوڊيه

۴۲۶ - ۴۸۴ - ۶۸۴ - ۷۴۷

هوشنگ خلف شيخ علاء الدين ۶۷

هوشدار پسرملنفت خان ۶۰۳ - ۷۴۶

\* مواضع \*

هارا .. .. ۲۸۷

هرات .. .. ۳۰۰ - ۵۰۴ - ۶۶۲

\* مواضع \*

بلد و ان .. .. ۱۵۰

وزير آباد .. .. ۲۱۳

\* قلع \*

حصن وان .. .. ۱۵

قلعه وابستان .. .. ۶۲

قلعه وزگان .. .. ۶۲

\* حرف هاء - كسان \*

هاشم كاشغري ۴ - ۴۸۶ - ۵۶۵ -

۵۷۰ - ۵۹۵ - ۶۰۵

هادي داد برادر رشيد خان ۹۹ -

۷۳۲

هاشم خواجه .. .. ۲۲۷ - ۴۱۵

هامون .. .. ۳۶۹ - ۴۰۸ - ۴۰۹

مير هاشم .. .. ۴۸۹

ها باجي دڪني .. .. ۷۲۸

هدايت الله جان نثار خار .. ۱۸۷

مير هدايت الله ولد سيد احمد قادري

۶۸۴ - ۷۳۷

هري سنگه پسر اورتن .. .. ۲۲

یادگار بیگ برادرزاده نذر بیگ ۱۱۷	هر دوار .. .. ۳۳۶ - ۳۳۴
یادگار بیگ جان نثار خان ولد	هفت چنار .. .. ۲۰۴
زبردست خان ۴۳۴ - ۴۷۰ -	همدان .. .. ۱۹۰
۴۷۴ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۸۸	هندوکوه .. .. ۴۶۲
یادگار اویرات دیوان بیگی ۵۳۵ - ۵۵۱	هیره پور ۸۱ - ۲۱۲ - ۴۶۸ - ۴۶۹
خواجه یادگار .. .. ۶۴۹	* قلع *
یادگار برادر باقی دیوان بیگی ۶۵۸ -	قلعه هانگدهه .. .. ۱۰۶
۶۶۴ - ۶۶۷	قلعه هر گدهه .. .. ۱۰۶
یادگار مکریت توقابه .. .. ۶۹۸	قلعه هزیائی .. .. ۶۲
یادگار ارلات .. .. ۷۴۳	قلعه هزار اسپ .. .. ۶۲
یار بیگ جاسی .. .. ۷۵۰	قلعه هزار جفت .. .. ۶۲
یحیی ولد سیف خان ۹۸ - ۱۹۸ -	قلعه هوله رباط .. .. ۶۱
۳۴۸ - ۳۸۶ - ۷۳۶	قلعه هیرمنداب .. .. ۵۵ - ۶۲
●	* بحار *
میر یحیی کابلی .. ۱۲۹ - ۳۴۸	آب هیرمند ۴۶ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ -
میر یحیی شاعر .. ۱۸۰ - ۷۵۸	۱۷۲ - ۴۰۱
شیخ یحیی گیلانی .. ۵۰۲	* حرف یاء - کسان *
یزدانی ولد مخلص خان .. ۷۴۴	یادگار بیگ ایلچی دارای ایران ۹۳ -
یعقوب کشمیری .. ۱۳ - ۵۳	۹۴ - ۹۵ - ۹۷ - ۹۹ - ۱۰۱ - ۱۰۳ -
مولانا یعقوب چرخي .. ۳۱۱	۱۰۵ - ۱۲۴
یعقوب چوره باشی تبای .. ۵۵۱	

یوسف سلطان چمش گزگ .. ۴۶	یعقوب بیگ توپچی باشی .. ۶۰۸
یوسف خواجه ۱۲۸ - ۲۰۵ - ۶۲۶	یعقوب بیگ منقط .. ۷۴۹
یوسف آقا غلام علیمردان خان ۲۲۳ -	یعقوب بیگ ولد شاه بیگ خان ۷۵۱
۴۷۵ - ۶۲۸ - ۷۴۴	یکه تازی خان ۱۲۸ - ۱۵۱ - ۲۹۳ - ۳۹۹ -
یوسف خویش محمد خان نیازی	۷۲۹
۷۴۷	خواجه یکدل خان .. ۱۶۸ - ۷۳۷
* مواضع *	یلنگتوش انالیق والی بلخ ۹۳ - ۱۴۸ -
یزد .. .. ۶۱۹	۴۰۱ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۱ -
یمین .. ۱۶۴ - ۱۶۵	۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۵ - ۴۴۹ - ۴۵۰۰ -
ینکئی ارق ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۹۸ - ۶۹۹	۵۲۳ - ۵۴۳ - ۶۹۶ - ۷۰۱ -
یولبوغه .. ۶۸۷ - ۷۰۱	یوسف محمد خان تاشکندی ۲۲ -
ییللق بے نظیر سنگ سفید ۲۰۱	۳۵ - ۴۲ - ۵۴ - ۵۸ - ۱۲۲ - ۱۲۸ -
ییللق گودی مرگ .. ۴۳۲	۱۳۱ - ۱۵۰ - ۱۵۵ - ۷۲۲ -
	یوسف بیگ کابلی .. ۴۴ - ۴۸ -

با تمام رسید

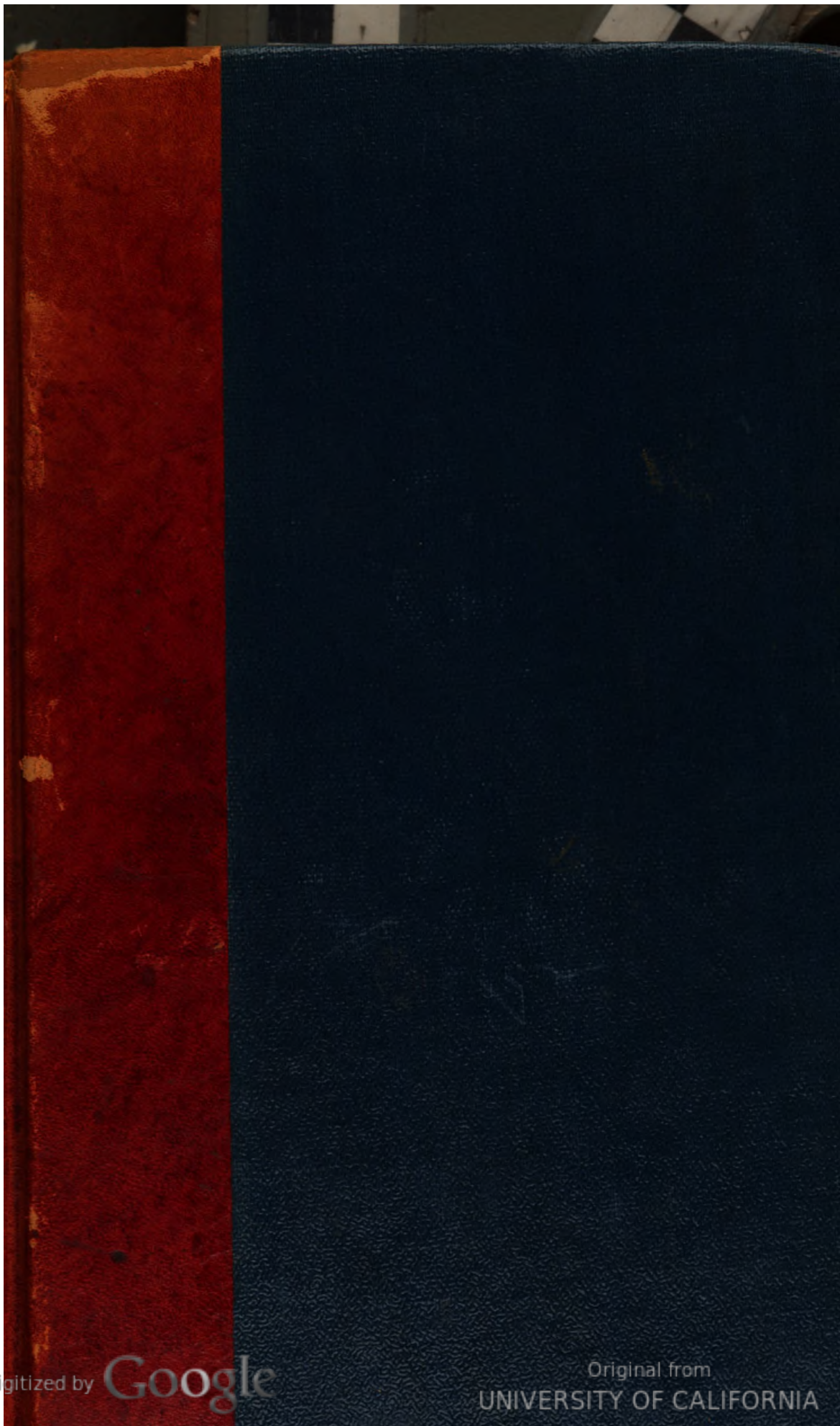


**Figure 1**

Original from  
UNIVERSITY OF CALIFORNIA

DS  
461.6  
A13p  
1867  
v.3

SC



Digitized by Google

Original from  
UNIVERSITY OF CALIFORNIA